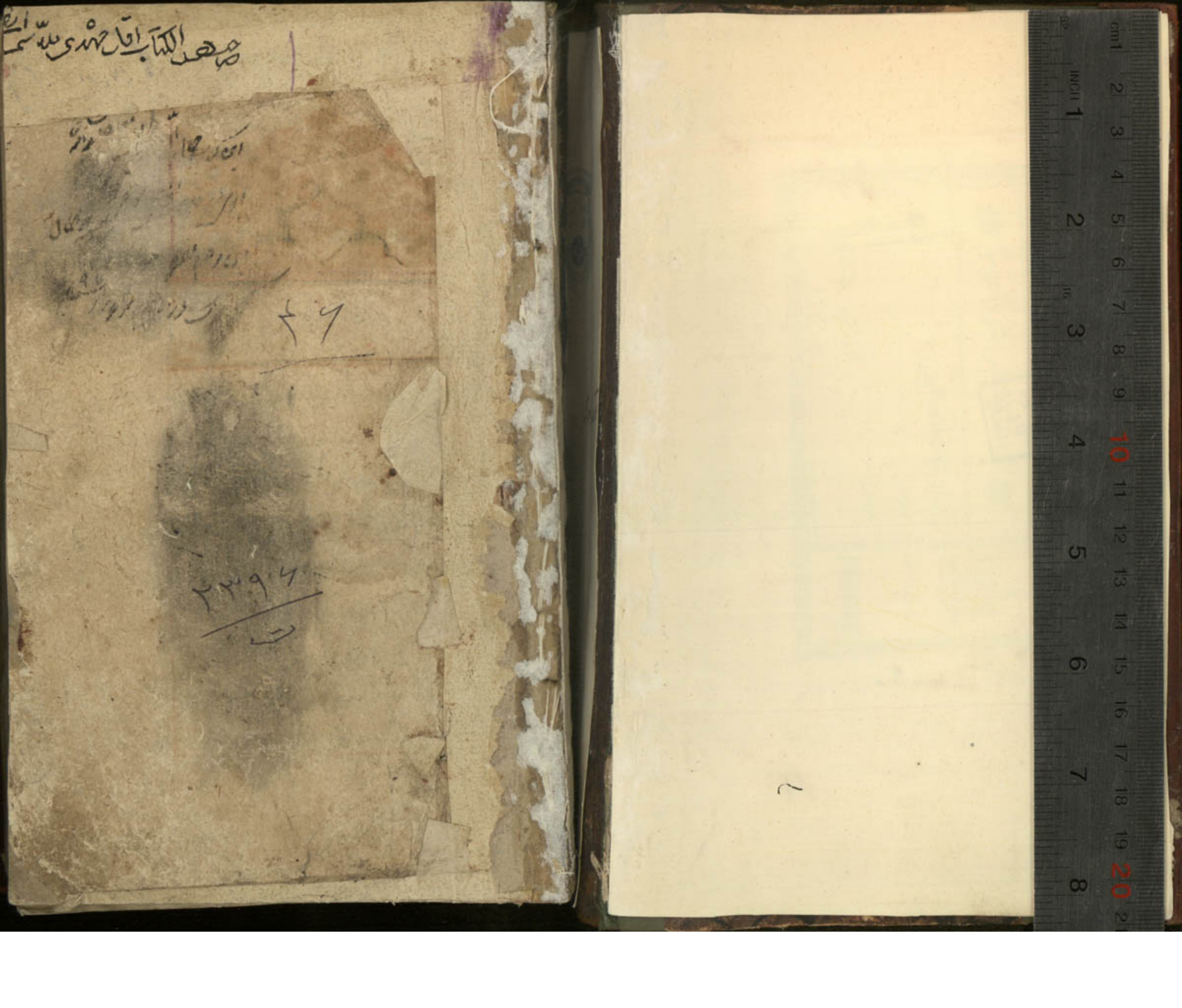
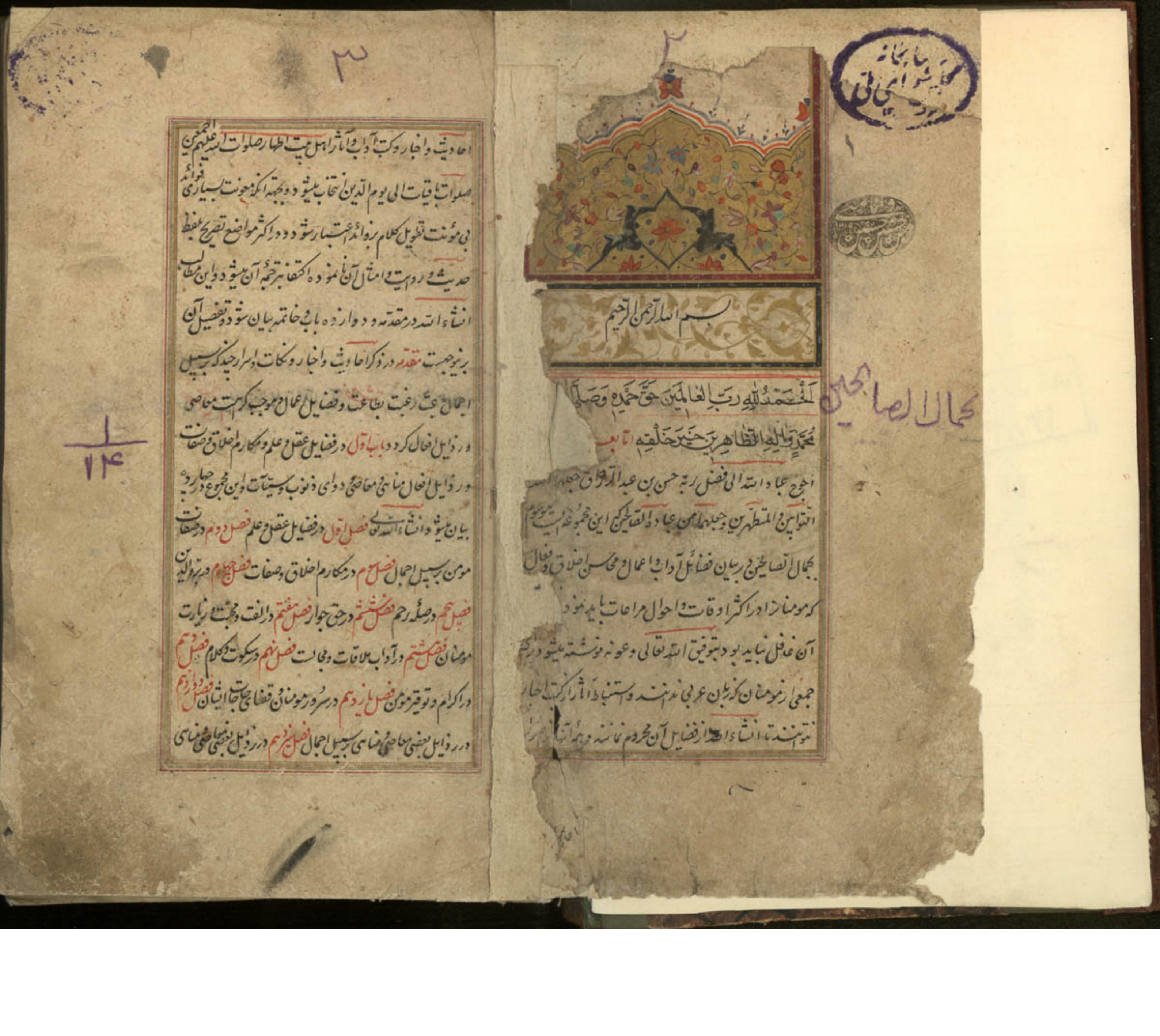




کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب جمال الصالحین
مؤلف
موضوع
شماره قفسه ۲۳۹۶
شماره ثبت کتاب
۲۶۳۴۸
۱۱۱۴۸
خطی «فهرست شده»
۱۲۳۰۸
بازرسی شد
۳۶ - ۳۷
بازدید شد
۱۳۸۴





بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین حق حمده وصلی الله على
محمد وآله الطاهرین خیر خلقه اما بعد
احوج عباد الله الی فضل ربه حسن بن عبد الرزاق جعلهما الله
من التوابین والمتطهرین وجعلهما من عباده الصالحین این مجموعه ایست موسوم
بکمال الصالحین در بیان فضائل آداب اعمال و محاسن اخلاق و افعال
که مومنان را در اکثر اوقات و احوال مراعات باید نمود
و از آن غافل نباید بود بتوفیق الله تعالی و عونه نوشته میشود در که
جمعی از مومنان که زبان عربی ندانند و استنباط آثار از کتب اخبار
نتوانند تا انشاء الله از فضایل آن محروم نمانند و همه آنها

احادیث و اخبار و کتب آداب و آثار اهل بیت اطهار صلوات الله علیهم اجمعین
صلوات باقیات الی یوم الدین انتخاب میشود و بجهة آنکه مونت بسیاری فوائد
بی مؤنت تطویل کلام بزوائد اعتبار شود و در اکثر مواضع تصریح بلفظ
حدیث و روایت و امثال آن نا نموده اکتفا بترجمه آن میشود و این مطالب
انشاء الله در مقدمه و دوازده باب و خاتمه بیان شود و تفصیل آن
برین وجه است مقدمه در ذکر احادیث و اخبار و نکات و اسرار چند که بر سبیل
اجمال باعث رغبت بطاعت و فضایل اعمال و موجب کراهت معاصی
و رذایل افعال گردد باب اول در فضایل عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات
و رذایل افعال منافی معاصی و دوای ذنوب و سیئات و این مجموع در دوازده
بیان میشود انشاء الله تعالی فصل اول در فضایل عقل و علم فصل دوم در صفات
مومن بر سبیل اجمال فصل سوم در مکارم اخلاق و صفات فصل چهارم در بر والدین
فصل پنجم در صله رحم فصل ششم در حق جوار فصل هفتم در الفت و محبت و زیارت
مومنان فصل هشتم در آداب ملاقات و مجالست فصل نهم در سکوت و کلام فصل دهم
در اکرام و توقیر مومن فصل یازدهم در سرور مومنان و قضای حاجات ایشان فصل دوازدهم
در رذایل بعضی معاصی و مناهی بر سبیل اجمال فصل سیزدهم در رذیل بعضی معاصی و مناهی

بر سبیل تفصیل فصل ۱۱ در دوای معاصی و سیئات باب دوم در تنظیف بدن و جامه از کثافات
و اخباث ظاهری و تطهیر جسد و دل از کدورات و احداث باطنی و این مجموع در ده فصل
بیان شود ان شاء الله تعالی فصل اول در فضیلت نظافت فصل دوم در آداب حمام
رفتن و آنچه در آنجا باید بجای آوردن فصل سوم در فضیلت شارب گرفتن و ناخن چیدن
و آداب آن فصل چهارم در فضائل خضاب و آنچه بآن متعلق است فصل پنجم در فضائل
موی شانه کردن و آداب آن فصل ششم در فضایل سرمه کشیدن و آینه گرفتن و آداب آن
فصل هفتم در بیان قضای حاجت و آداب آن فصل هشتم در فضائل مسواک کردن
و آداب آن فصل نهم در فضائل وضو و غسل و آداب آن فصل دهم در فضائل بوی خوش
و آداب استعمال آن باب سوم در فضائل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه
مخصوصه بساعات و فضایل قرآن و این مجموع ان شاء الله تعالی در یازده فصل بیان شود
فصل اول در فضایل نمازهای فریضه یومیه و ذکر جماعت و فضایل این سنت سنیه
فصل دوم در ذکر نوافل یومیه و فضایل این سنت سنیه فصل سوم در اوقات نمازها
و فضایل آن و احکام آن متعلق بآن فصل چهارم در فضایل مسجد و آداب آن فصل پنجم
در کیفیت توجه بنماز و فضایل اذان و اقامت و احکام متعلق بآن فصل ششم در کیفیت
استقبال نماز و آداب آن فصل هفتم در اشاره باسرار مقدمات و اعمال نماز و ذکر بقیه

آداب و افعال آن فصل هشتم در فضایل تعقیب و کیفیت آن فصل نهم در فضایل اذکار ساعات
شبانه روز و اوراد صبح و شام و ذکر فضایل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوص
آن در میان لیالی و ایام فصل دهم در نوافل یومیه بسبیل تفصیل و بیان ذکر آداب و ادعیه
متعلق بآن فصل یازدهم در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد فصل دوازدهم
در آداب جماعت فصل سیزدهم در احکام سهو و شک و عرض بعضی حوادث در نماز
فصل چهاردهم در ذکر بعضی دیگر از نمازهای مفروضه و مندوبه فصل پانزدهم در فضایل قرآن
و آداب تلاوت قرآن باب چهارم در فضایل ذکر و دعا و احکام متعلق بآنها و این
مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل ذکر فصل دوم در فضایل
بعضی اذکار مخصوصه فصل سوم در ذکر فضایل اهل بیت و صلوات بر ایشان و بعضی امور
مناسب آن صلوات الله علیهم اجمعین فصل چهارم در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن
فصل پنجم در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام متعلق بآن فصل ششم در ذکر جمعی که دعای ایشان
مستجاب شود و جمعی که مستجاب نشود فصل هفتم در فضایل دعا برای مؤمنان فصل هشتم در ذکر
بعضی ادعیه و وسایل حاجات فصل نهم در تعویذ و حرز از مخاوف و مکاره فصل دهم
در بعضی ادعیه متبرکه مأثوره باب پنجم در آداب عادات و مجاری احوال و سایر حرکات
و سوانح افعال و این مجموع ان شاء الله در دوازده فصل بیان میشود فصل اول در انواع

لباس و آداب پوشیدن آن فصل ۲ در قدر طعام خوردن فصل ۳ در اوقات طعام خوردن
و آداب متعلق بآن فصل ۴ در فضایل بعضی انواع ماکولات فصل ۵ در فضایل آب و آنچه بآن
متعلق است از آداب فصل ۶ در فضایل ضیافت کردن و احکام متعلق بآن فصل ۷ در آداب
مسکن و احکام متعلق بآن فصل ۸ در وظائف شب و آداب خواب و بیداری فصل ۹ در آداب
بیرون رفتن از خانه و راه رفتن و سوار شدن و آداب حقوق ایشان فصل ۱۰ در فضایل
و آداب مکاسب و معاملات فصل ۱۱ در فضایل مرض و عیادت مریض و معالجه امراض
فصل ۱۲ در سایر جزئیات عادات باب ششم در حقوق اموال و رعایت احوال عیال و این
مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل ۱ در جود و بخل فصل ۲ در فضایل زکوة
و عقوبت منع آن فصل ۳ در صله اهل بیت طاهرین و ذریت طیبین و اتباع ایشان از
مومنین سلام الله علیهم اجمعین فصل ۴ در فضایل معروف و احسان فصل ۵ در فضایل صدقه
فصل ۶ در مذمت سوال و رد سائل فصل ۷ در رعایت حال عیال فصل ۸ در احسان
مومن بطعام و جامه فصل ۹ در فضایل قرض دادن و احکام متعلق بآن فصل ۱۰ در سایر وجوه
خیر و بر باب هفتم در فضایل روزه و احکام متعلق بآن از آداب و ثواب و فصل اعتکاف
و متعلقات آن از آداب و ثواب و این مجموع انشاء الله تعالی در ده فصل بیان شود فصل ۱
در فضایل مطلق روزه فصل ۲ در فضایل روزه ماه رجب فصل ۳ در فضایل روزه

ماه شعبان فصل ۴ در فضایل روزه ماه رمضان فصل ۵ در آداب صایم فصل ۶ در سحور
فصل ۷ در افطار فصل ۸ در تفطیر صایم فصل ۹ در فضل افطار کردن برای سرور مومن
فصل ۱۰ در اعتکاف باب هشتم در اعمال شهور و اعوام و لیالی و ایام و مقصود از این
باب انشاء الله در دوازده فصل بیان شود فصل ۱ در اعمال روز نوروز
و فضایل آن فصل ۲ در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی ندارد فصل ۳ در اعمال ماه
محرم الحرام فصل ۴ در اعمال ماه صفر فصل ۵ در اعمال ماه ربیع الاول فصل ۶ در اعمال
ماه رجب المرجب فصل ۷ در اعمال شهر شعبان المعظم فصل ۸ در اعمال ماه مبارک
رمضان فصل ۹ در اعمال شب و روز عید فطر فصل ۱۰ در اعمال شهر ذی القعده الحرام
فصل ۱۱ در اعمال شهر ذی الحجه الحرام فصل ۱۲ در ذکر حدیثی در فضایل اعمال شهور و اعوام
و لیالی و ایام بر سبیل اجمال باب نهم در تزویج و احکام متعلق بآن و مقصود از این
باب انشاء الله در دوازده فصل بیان شود فصل ۱ در فضایل تزویج و کراهت
عزوبت فصل ۲ در فضایل متعه و سریه فصل ۳ در اختیار زوجه و صفات آن
فصل ۴ در اوقات تزویج و آداب آن فصل ۵ در آداب زفاف فصل ۶ در آداب
مباشرت و آداب و اوقات آن فصل ۷ در طلب فرزند فصل ۸ در فضایل حمل و ولادت
و احکام متعلق بآن فصل ۹ در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه و ختنه کردن فصل

در فضایل اولاد و تربیت ایشان فصل ۱۱ در حقوق زوجین بر یکدیگر فصل ۱۲ در بعضی از نوادر
مناسب این باب باب دهم در آداب سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع ان شاء الله
در ده فصل بیان شود فصل ۱ در بعضی مقدمات سفر فصل ۲ در اختیار ساعات برای سفر
فصل ۳ در تحصیل رفیق و تهیهٔ اسباب و بعضی مناسبات این باب فصل ۴ در استفتاح سفر
بدعا و صدقه فصل ۵ در وداع و مفارقت فصل ششم در آداب سوار شدن
و راه رفتن فصل ۷ در آداب متعلق بمنزل فصل ۸ در آداب سفر دریا فصل ۹ در مکارم
اخلاق و آداب رفاقت در سفر فصل ۱۰ در رجوع از سفر باب یازدهم در فضائل
حج و عمره و زیارت و مقصود از این باب ان شاء الله در ده فصل بیان شود فصل ۱
در فضایل حج و عمره فصل ۲ در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فصل ۳
در زیارت اهل بیت علیهم السلام بر سبیل اجمال فصل ۴ در زیارت حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فصل ۵ در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فصل ۶ در زیارت حضرت
امام رضا علیه السلام فصل ۷ در آداب و کیفیت زیارت اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم فصل ۸ در نیابت و شراکت در حج و عمره و زیارت فصل ۹ در فضایل زیارت
اماکن مقدسه که در آن حدود واقع است فصل ۱۰ در فضایل زیارت ذریت
طیبین و صلحای مؤمنین باب دوازدهم در احکام متعلق باموات و زیارت قبور

مومنان

مومنان بعد از وفات و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان شود فصل ۱
در وصیت و صحیفهٔ شهادت فصل ۲ در آداب حالت احتضار و فضایل بعضی اوقات
و احوال که وفات در آن اتفاق افتد فصل ۳ در تجهیز میت فصل ۴ در شنیدن
خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع آن فصل ۵ در نماز میت فصل ۶ در مکان
قبر و آداب دفن فصل ۷ در ثواب مصیبت و عزا فصل ۸ در ثواب تعزیه و اکرام یتیم فصل ۹
در هدیه برای میت و اعمالی که باو نفع رساند فصل ۱۰ در زیارت قبور خاتمه
در مواعظ و نصایح و فوائد متفرقه مقدمه در ذکر احادیث و اخبار و نکات
و اسرار چند که بر سبیل اجمال باعث رغبت بطاعت و فضایل اعمال و موجب
کراهت معاصی و رذایل افعال گردد بدانکه در احادیث اهل بیت طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین ثابت و محقق گشته که خدای تعالی ایمان را بر اعضای انسان
قسمت نموده و بهر عضوی جزوی از آن احسان فرموده و بر دل واجب کرده
یقین کردن و اعتقاد نمودن باینکه خدای تعالی منزه است از آنکه او را شریک و نظیر
و شبیه و وزیر باشد یا احدی را در مملکت سلطنت او دخلی و تصرفی و تدبیری و تکلیفی
تواند بود و بی اراده او و مقدس است از آنکه عیب و عار و قصور و انکسار بجناب
جلال او گذر تواند نمود و غنی تر از آنکه احتیاج و افتقار بمعاونت اغیار بوده

عظمت و جبروتش ذکر دو و رفیعتر از آنکه مکان و زمانش حرکت و انتقال و تغیر
احوال دیگر حوالی کبریای او شود و قویتر از آنکه ظلم و زور و عجز و فتور
بجوار قدرتش وارد و از دور توهم عبور نماید و اعتقاد نمودن باینکه حضرت محمد
خاتم نبیین و سید مرسلین و افضل اولین و آخرین است و هرچه گفته از حلال و حرام
و مدائح و مذام همه را از جانب خدای تعالی گفته و همه حق و صدق است و باینکه اهل بیت
طاهرین او علیهم السلام اوصیای او و خلفای خدای او اعلام رشاد و ائمه هدایت اند
و بعد از او افضل جمیع اهل عالم و اشراف کافه نوع بنی آدم اند و ایشان وسیله
فیض و رحمت و واسطه فضل و نعمت خداوند در دنیا و آخرت و هر کس انکار ایشان
کرده و غصب حق ایشان نموده و هر کس اعانت آن کرده و راضی آن بوده کافر
و ملعونست و منافق و مطعون و واجبست بغض او و برائت از او و نیز بر دل واجب
گردانیده راضی بودن و تسلیم نمودن بهرچه خدای تعالی و پیغمبر و خلفای او
گفته و کرده و خواسته اند و بر زبان واجب گردانیده اقرار کردن و اعتراف
نمودن بهرچه دل آن اعتقاد کرده و همچنین بر چشم و گوش و دست و پا و هر یک از
اعضا عبادتی و طاعتی واجب کرده و هر یک را خدمتی فرموده و بر هر یک از
اعضا امری چند حرام کرده و از آن نهی فرموده که مجمل تفصیل آنها ان شاء الله

پس جبرئیل ع بدین و حیا گفت شما براه خود بروید گفتند خدای تعالی ما را امر بمفارقت
عقل نداده هرجا عقل باشد ما ملازم باشیم هر کس را عقل نیست حقیر مرتبه بغیر چون عمل را
مثل نماز و روزه و غیر آن چند کس کنند با آنکه عمل یکیست فضل و ثواب بقدر تفاوت
عقول متفاوت باشد عابدی مدتها در جزیره عبادت میکرد فرشته را نظر بر او افتاد
و از کثرت عبادت او تعجب نموده از جناب الهی خواست که منزلت و ثوابش را
ببیند چون باو نمودند در برابر آن عبادت قلیل بنظر آمد پس خطاب رسید که
نزول نموده عقلش را امتحان نمای پیش او آمده صحبت آغاز کرده گفت خوب جائی
و خوش مکانی داری عابد گفت بلی اما کاش خدا را الاغی بودی تا درین جزیره
رعایت کردمی و آب و علف با این لطافت ضایع گشتی چون ملک این کلام
شنید رجوع نموده گفت این [illegible] به وضع خود در خور حوصله این عقل است نهایت
که لطف و مرحمت الهی بمقتضای وسعت خود با عباد معامله کند کسی را بکثرت عبادت
ستایش مینمودند حضرت امام فرمود عقلش چون است گفتند آنقدر نیست فرمود
از آن عبادت نیز آنقدر بهره نیست و امثال این احادیث و اخبار بسیارست
و از حضرت امام پرسیدند که عقل کدامست فرمود آنکه در امور دین امین و کار
عقبی بینا باشد و بآن اکتساب جنان و اجتناب از نیران حاصل شود گفتند پس

معاویه داشت چه بود فرمود که وسیطت بود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که طلب علم فریضه است بر هر مسلم و عالمی که مردم از علمش منتفع شوند بهترست از
هفتاد هزار عابد و فضل عالم بر عابد مثل فضل ماه چهارده است بر سایر کواکب
روز قیامت مداد علما را با دماء شهدا وزن کنند مداد علما راجح باشد
چون کسی بابی راست و عملی خیر تعلیم کسی کند اگر آن در تمام عالم منتشر شود
و همه خلایق تا روز قیامت بآن عمل کنند مثل ثواب همه ایشان برای او
ثبت کردد بی آنکه از ایشان چیزی کم شود و همچنین اگر بابی باطل و عملی شر تعلیم
کند و علم راهیست راست تا بهشت و مونس است در وحشت و مصاحب است
در غربت و همنشین صحبت و همراز خلوت و زینت احباب و سلاح اعدا و نور چشم
و قوت بدن و حیات دل و فکر در علم برابرست با صیام و مدارسه اش
با قیام و تعلیمش صدقه است و تعلمش حسنه و مذاکره اش تسبیح و عمل بمقتضای آن
جهاد اکبر و ملائکه با علما محبت نمایند و برای ایشان دعا کنند و همه خلایق
برای ایشان استغفار کنند حتی ماهیان دریا و سباع صحرا و دواب ایشان
عبادتست و مطالعه علم افضل است از هفتاد ساله عبادت و دو رکعت عالم
افضلست از هفتاد رکعت عابد و یکساعت نشستن افضلست از هزار ساله عبادت

کردن

کردن و نظر بر روی عالم فضیلت از یکسال اعتکاف در مسجد الحرام و زیارتش افضلست
از هفتاد حج و عمره و چون کسی باعتقاد علما نشیند درجه ایشان بلند کنند و خدای تعالی
بر او رحمت فرستد و بهشت واجب گرداند و چون کسی بطلب علم رود در راهی
برایش از بهشت گشوده شود و ملائکه بالها گشایند تا بر آن پا گذارد و اهل آسمان
و زمین حتی ماهی دریا برایش دعا و استغفار کنند و اگر عالم بمیرد و ورقی علم گذارد
آن ورق میان او و آتش پرده و حجابی باشد و بعد هر حرفی از آن خدای تعالی
در بهشت مدینه عطا کند هفت مرتبه وسیع تر از تمام دنیا و چون عالمی بمیرد گریستگان
و بقاع زمین که در آن عبادت میکرده و درهای آسمان که اعمالش بالا می رفت
همه بر او گریند و رخنه در دین پیدا شود که هیچ چیز علاج آن نکند و علم را
لوازم و علامات چند است از جمله تقوی و ورع و صلاح و طاعت و عمل کردن
بمقتضای آن که علم بی عمل وزر و وبال است چنانکه عمل بی علم حیرت و ضلال
و عظیم ترین حسرتها در روز قیامت حسرت عالمیست که دیگران بعلم او عمل نمودند
و او خود محروم مانده و هفتاد گناه از جاهل آمرزیده شود تا یک گناه از عالم
آمرزیده شود و از حضرت امام جعفر صادق در تفسیر آیه فَلِلّهِ الحُجّةُ البالِغَةُ پرسیدند
فرمود در روز قیامت خدای تعالی از بندگان سوال کند که خیر و حق میدانستید

بانه اگر گویند نمی‌دانستیم گویند چرا تحصیل نکردید تا عمل کنید و پس ایشان را ملزم گردانند
و از آنجمله خضوع و خشوع و خشیت و زهد در دنیا و رغبت بآخرت و حلم و وقار
و کلام نحوی و سکوت از باطل و تحلی بمکارم و تخلی از رذایل مرویست که عالم آنست که
فعلش تصدیق قولش کند و کسیکه چنین نباشد عالم نباشد و از آنجمله است سلامت
نفس و تواضع هرچند علم بیشتر آثار و علامات در وی بیشتر حضرت عیسی روزی
با حواریین گفت مرا بشما حاجتست گفتند یا روح الله حاجت باجابت مقرونست
پس برخاسته پای ایشان را شست و بروایتی دیگر بوسید گفتند یا روح الله
این کار را مناسب بود فرمود سزاوارترین مردم بخدمت و تواضع علمایند و این
نهایت مرتبه تواضع بود چنین کردم تا بدانید که با مردم تا چه حد تواضع باید
کرد و علم را حقوق چند نیز هست اما حق خدای تعالی بر عالم آنکه هرچه نداند
نگوید که اگر نداشته بگوید ملائکه رحمت و عذاب همه بر او لعنت کنند و هرکس
بقولش عمل کند در وزرش شریک باشد و آنچه داند در مقام لایق و از اهل دریغ
ندارد و اگر نه ظلم کرده باشد و چون کسی دوای جراحتی تواند و نکند چنانست که
خود جراحت کرده باشد و هرکس یکنفس را زنده کند چنانست که همه ناس را زنده
کرده باشد و زنده کردن بعلم افضلست از مرز زنده کردنی چه علم حیوة دل و جان

و بقای جاوید در جان و رواج دین و قوت مومنین است و از غیر اهل پنهان دارد که
هرکس حفظ سر از بیگانه نکند مستحق حرمان زیادتی شود و موجب فساد عظیم و ضلالت
ضعفا باشد و هرکس یکنفس را بکشد چنانست که همه ناس را کشته باشد و کشتن بضلالت
عظیم‌ترست از کشتن کسی از حضرت امام پرسید که بر ما واجبست که هرچه ندانیم
سؤال کنیم فرمود بلی گفت بر شما واجبست که هرچه سؤال کنیم جواب گوئید فرمود نه
هرچه مصلحت دانیم گوئیم عالم مثل طبیب حاذقست دوا را در موضع مناسب استعمال کند
و از غیر آن نگاه دارد و حق عالم بر مردم آنست که چون کسی در مجلسی که جمع باشند داخل
شود بر همه سلام کند و عالم را بزیادتی تحیت و اکرام اختصاص دهد و برابر رویش
نشیند که عالم محتاج رو گردانیدن نشود و دهنش نگیرد و اشاره بجانبش نکند
و سؤال بسیار ننماید و خلاف اقوال او نگوید که فلان و فلان چنین گفته‌اند و مجملا از هرچه
خلاف ادب باشد احتراز کند و حق متعلم بر عالم آنکه با او مهربان باشد و هرچه مناسب او
داند از او دریغ ندارد و از حوایج و مسائلش اعراض نکند و در تعلیم میان تلامذه تفاوت
نگذارد و مجملا هرچه مقتضای شفقت باشد رعایت کند

فصل دوم در صفات مومن بطریق اجمال

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مومن کسیست که در دین
خدا بینا و بمراسم آن دانا باشد و در دین صلبتر از کوه گران و در طاعت خدا

سخت تر از سنگ و سندان باشد کوه را با تیشه توان شکافت و درستی بر دین
مومن نتوان یافت رویش شکفته و خندان و دلش محزون و گریان رغبت بمحاسن
و از قبایح گریزان خاطرش منزه از حسد و کینه با خلق صاف دل همچو آینه نه عیب
جوی عیب جمالش و نه غیبت گوی عار کمالش نه طالب شهرت و نام و نه خواهان
صیت و نشان زبان از فضول بسته و در غم خویش نشسته در نعمت شکور و در مصیبت صبور
نه نعمت او را مورث فرح و غفلت و نه مصیبت باعث جزع و وحشت در فکر خود مغموم و بفقر
خود مسرور خلقش موافق و طبعش ملایم و دلش ثابت و حیایش زایل نه در کلامش کذب را
گذر نی نه از هتک عرض روا داری اگر نخندد غافل نشود و اگر بخندد طیش نکند ضحکش
تبسم و سوالش برای تعلم کثیر العلم عظیم الحلم نه در کارها شتاب و استعجال و نه در مقام
حق دیگری و ملال حکمش از حیف و میل مبرا و علمش از جهل و جور معرا نفسش در دین
سخت تر از سنگ و معامله اش شیرین تر از شهد نه در نعمت حریص و نه در فقر
جزوع نه مدعی لاف و نه دعوی گزاف عهدش را ننگ قصور و نه شرطش را گرد
فتور با مردم وصول و مهربان و متحمل مکاره از ایشان رحمتش کثیر و خشمش قلیل اصغی
بقضای خدا مخالف نفس و هوا از غلظت و درشتی منزه و از خوض در مالایعنی
مقدس ناصر دین و حامی مومنین و پناه مسلمین نه مدح و ثنا را در نظرش غباری

و نه از طمع دنیا دلش را افکاری نه لهو را در مجلسش اثری و نه جاهل را از علمش خبری
قوتش دین و فضل و فعلش مصدق قول علمش وافر و رسا و دلش آگاه و بینا با مومنان
وصول و با فقرا بذول نه در صلحش عنف و خلاف و نه در بذلش بخل و اسراف
نه معامله اش را عیب خدعه و غدر و نه مخالطه اش را ننگ حیله و مکر ندیده روی عیوب
مومنان و نه راضی بمضرت ایشان معین ضعفا و دستگیر دردمندان شیوه اش
وسعت خلق و پیشه اش سعی در حوائج خلق نه هتک ستر عیب فعالش نه کشف سر
قصور کمالش با انواع بلا مبتلا و زبان از شکایت در قفا حفظ غیب کیشه اش و ستر
عیب اندیشه اش عذرخواهان را عذر پذیر و از عفو و بخشش ناگزیر خیرخواهی
مومنان کارش و اصلاح میان ایشان مدارش با مردم خوش گمان و نیکوکردار
و کرا یشان امین قوم و قبیله و آراسته باخلاق حمیده و منزه از صفات ذمیمه
دوستیش برای خدا از روی دانش و دشمنیش برای او از راه بینش مذکر عالم
و معلم جاهل نه کس را از وهم آزار و شدت و نه اندیشه توقع منفعت هر کس در نظرش
از و بهتر و او در پیش خود از همه بدتر همنشین فقرا و مصادق اهل صدق و یقین
غربا و مدد کار اهل حق یتیمان را پدر و بیوه زنان را شوهر مهربان مساکین و غمخوار
مومنین در هر بلیه امید باد و در هر حادثه توقع از و با مردمان خندان و شکفته

وغم واندوه در دلش نهفته فارغ از جستجوی عیب کسی و مشغول بعیب خود در هر نفسی
با مردم پاکیزه اختلاط و در کارها بحزم و احتیاط بقسمت خود قانع و از خلق مستغنی
حیایش غالب بشهوت و مودتش زاید بر حسد و عفوش بیشتر از حقد سخن نگوید
مگر بخیر و چشم بپوشد از معایب غیر رفتارش بتواضع و در طاعت حق خاشع
و خاضع از خدا راضی در همه احوال و برضای خدا در همه افعال نظرش عبرت
و سکوتش فکرت و کلامش حکمت در سر و علانیه خیرخواه و از غش و خدعه در
پناه نه از مومنان هجرت کند و نه بایشان غیبت کند نه او را از نعمت دنیا
فرح و سرور و نه از فقد آن تاسف و فتور نه محزون از شداید ایام و نه او را
رغبتی بحرام علمش ممزوج بحلم و عقلش مقرون بصبر بعید الکسل قریب الامل دایم
النشاط قلیل الزلل و همیشه منتظر اجل و دلش دایم در ذکر خدا خاشع نفسش بقلیلی
قانع کار دنیا پیش سهل و خفیف و از بیم گناهان محزون و نحیف لذت و شهوتش
مرده و دلش بطاعت خدا زنده مردم از و در امان و او در تعب از ایشان نه در
دلش شائبه کبر و نه بمجلسش عجب و فخر کارهایش محکم و متین نه مانعی او را از
معالم دین کلامش نه از روی تجبر و سکوتش نه برای تکبر دوریش از مردم برای
نزاهت و نزدیکیش از روی رحمت نه دوریش جبروت و کبر و نه نزدیکیش

حیله و مکر پیرو نیکان گذشته و مقتدای خوبان آینده نفسش از و در تعب و مردم
از و در راحت علم خلیلش و حلم وزیرش و صبر امیر عسکرش و لین و رفق برادرش
نه داعیش بر فعل سمعه و ریا و نه مانعش از خیر شرم و حیا اگر بخیر مذکور شود بذکر
ایشان مغرور نشود و اگر چنانست که ایشان گویند خدا را بر آن شکر گزارد و گر
نه چنانست استغفار کند و از خجلت آن سر بر نیارد و اگر بشر مذکور گردد از گفته
ایشان آشفته نگردد و اگر چنانست استغفار کند و گر نه چنانست شاکر باشد **فصل سوم**
در مکارم اخلاق و صفات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که راس طاعت
صبر و رضاست در قضای الهی و حکم او خواه موافق خواهش بنده باشد و خواه نه چون
سر از بدن برخیزد بدن بمیرد همچنین چون صبر از ایمان برخیزد ایمان زایل گردد
و صبر سه قسمت یکی در بلیه و محنت دوم در مشقت طاعت سوم در ترک معصیت هر کس
در بلیه صبر کند خدای تعالی از برایش سیصد درجه بلند گرداند که مابین هر دو درجه مثل
مابین آسمان و زمین باشد و هر کس در طاعت صبر کند ششصد درجه بلند کند که مابین
هر دو درجه از طرف زمین باشد تا ابتدای عرش و هر کس در ترک معصیت صبر کند
نهصد درجه بلند کند مابین هر دو درجه از طرف زمین تا منتهای عرش و بهشت محفوفست
بمکاره و دوزخ محفوف بلذات و شهوات هر کس بر مکاره صبر کند داخل بهشت شود

و هر کس پیروی شهوات نماید لایق دوزخ بود و چون مؤمن داخل قبر شود نماز در دست
راست او بایستد و زکوة بر دست چپ او و بر سرش سایه کند و صبر در کناری ایستاده
گوید شما در جواب منکر و نکیر اعانت صاحب خود کنید اگر عاجز آیید من او را دریابم
و هر کس صبر کند و بقضای خدا در نفع و ضر و خیر و شر رضا دهد و غیر از رضا و تسلیم
چیزی بخاطرش خطور نکند خدای تعالی برای او بغیر خیر راضی نشود و هیچ از خدا
نخواهد مگر آنکه مستجاب شود خدای تعالی برای عباد خود نخواهد مگر خیر اگر کسی را بانواع بلیات
مبتلا سازد خیرش در آن باشد و اگر دیگری را پادشاه مشرق و مغرب گرداند مصلحتش
در آن بود فرموده هر کس بقضای من رضا دهد و بر بلای من صبر کند و نعمای مرا
شکر گزارد در نزد من از جمله صدیقان باشد و هر کس بقضای خدا رضا دهد قضا
برو بگذرد و اجرش عظیم بود و اگر بقضا راضی نشود قضا خود بگذرد و اجرش
باطل شود و فرموده هر کس از همه خلق قطع امید کند و طمع بر گیرد و توکل و اعتماد
بر من کند و پناه بمن آرد درین امر نیتش صادق باشد اگر تمام سموات و ارض و اهل
آن در صدد کید و مکر و ضرر او باشند من او را از ایشان حفظ کنم و هیچ ضرر باو
نرسد و اگر اعتماد بر خلق کند و تکیه بر ایشان نماید اسباب رحمت از و قطع کنم و هیچ خیر
بر سرش آید رد نکنم و حضرت صادق ع فرمود هر کس خواهد که هیچ چیز از خدا سوال

نکند

نکند مگر اگر عطا کند باید قطع امید از هر کس نماید و امید بغیر خدا ندارد و چون حق تعالی
دانست او درین صادق باشد هر چه سوال کند عطا فرماید و معنی توکل نه اینست که کسی ترک
سعی و کسب کارها کند که چنین کسی اگر دعا کند مستجاب نشود چنانکه انشاء الله بیاید بلکه اینست
که مکاسب و معاملات و هر چه مقدور باشد از طریقه حلال میکرده باشد اما اعتماد بر اینها
و بر هیچ چیز غیر خدا نداشته باشد و غیر از و هیچ چیز و هیچکس را کارساز نداند و سعی و معاملات
و غیر آنرا همه واسطه و وسیله چند داند که خدای تعالی برای مصلحت نظام خلق مقدر
فرموده تا هر کس حکم و رضای او را در آن رعایت کند و بامر او عمل نماید مستحق فضل
و ثواب و نعیم بی حساب شود و هر کس مخالفت آن کند و متابعت نفس و هوا و اطاعت
شیطان نماید و بحلال اکتفا ننموده دست در حرام زند مستوجب زجر و عقاب گردد
حضرت امام ع بکسی گفت همیشه دعا کن که خدای تعالی ترا از جمله معارین نگرداند و از حد
تقصیر بیرون نیارد آنکس گفت معارین میدانم آنانند که ایمان مدتی پیش ایشان
عاریه است و بعد از آن سلب شود اما معنی خروج از حد تقصیر چیست فرمود اینکه
هر چند عبادت بیشتر کنی خود را در آن مقصر دانی که حق عبادت خدا را هیچکس نتواند
کرد و خدای تعالی فرموده تکیه بر عبادت خود [illegible] که اگر کسی تمام عمر در عبادت
من گذراند و لمحه فارغ نباشد هنوز مقصر باشد [illegible] بلکه

اعتماد بر رحمت من کنند و امید بفضل من دارند و بحسن ظن با من معامله کنند که من بپیش ظن
بندگان خود هم بهر نحو بمن گمانی از من امید داشته باشند با ایشان چنان معامله نمایم
آنقدر امید برحمت خدا باید داشت که اگر با ذنوب ثقلین بمحشر آئی بر تو رحم نماید و آنقدر
خوف نیز باید داشت از عقوبتش که اگر با حسنات ثقلین آئی قبول نفرماید در دل مومن
دو سطر از نور نوشته یکی خوف و دیگری رجا که اگر با هم سنجیده شوند هیچکدام
بقدر ذره زیادتی نکنند بحضرت امام جعفر صادق ع گفتند که جمعی از موالی شما معاصی
میکنند و میگویند ما امید برحمت خدا داریم فرمود دروغ میگویند نه موالی ما نه امید
و نه رجا دارند هر کرا امید بچیزی باشد طالب آن بود و هر کرا خوف از چیزی باشد از آن
بگریزد و الله که شیعه ما نیست مگر کسی که طاعت خدا کند و از معصیت او بپرهیزد
باید حضرت پیغمبر ص روزی فرمود ای بنی عبد المطلب بگوئید محمد از ما است هر جا او باشد
ما نیز باشیم و الله که اولیای ما نیستند مگر متقیان من جانب شما خواسته و از عهده
آن بیرون آمده ام چون روز قیامت شما دنیا و دیگران آخرت بر دوش بار کرده
آئید شما را نشناسم و خویشی شما سود ندهد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
روزی خطبه خوانده فرمود که ای مردمان و الله که من بگیرم از حق شما نقصان نکنم
عقیل را در آن حضرت جاسته نفقه تو در او سیاه حبشی را برابر میدهی فرمود خاموش باش

به است ازترا بر سیاه حبشی هر کس تقوایش بیشتر در حسابش فقیر از حضرت صادق ع
سوال کردند از تفسیر آیه وَقَدِمْنَا اِلٰی مَا عَمِلُوا فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا
یعنی روز قیامت متوجه اعمال ایشان شویم و چون غبار بر باد دهیم فرمود که و الله
که ایشان جمعی اند که اعمال ایشان و عبادتشان در خوبی بکمال رسیده اما
چون ملاع از میان ایشان بمعصیت بر خیزد اجتناب نمایند پس اعمال ایشان سود
ندهد و از ایشان علیهم السلام مرویست که از ما نیست کسیکه هر روز محاسبه
نفس خود نکنند و ملاحظه اعمال خود ننماید و نه بیند که چه کرده و چه میکند روز
قیامت پنجاه موقف برای حساب مقرر است که هر کدام مقام هزار سال است
هر کس در دنیا محاسبه خود کند بقدر آن از موقف حساب قیامت خلاص باشد
و هر چند بیشتر بغفلت گذرانند در آن روز برای حساب بیشتر توقفش باید پس محاسبه
خود کنید پیش از آنکه برای حساب توقف فرمایند و معنی محاسبه نفس آنست
که چنانکه با شریکی تحویلدار در هر دانگ و دینار معامله کنی حساب هر ساعت
و هر دقیقه عمر خود از خود طلب نمائی و ملاحظه را ملاحظه نمائی اگر در طاعت و خیر گذرانیده
خدا را شکر کنی و توفیق زیادتی طلب نمائی و اگر در باطل و معصیت گذشته خود را
بر آن تیغ و عتاب کنی و استغفار نمائی و در صدد تلافی و تدارک آن باشی و نگذاری که

مزی در دیوان عملت ثابت ماند یا حقی از ان فوت شود و هر کاری که خواهی اول
تامل کنی اگر نفع آخرت باشد یا دنیا بشرطیکه با آخرت مضرت نکند در و باشد متوجه آن
شوی و اگر با آخرت مضرت کند بلکه همین نفع نکند از ان بگذری عمر خود را مشغول
آن نسازی که شغل بی منفعت اگرچه در و عذاب نباشد همین مضرت آن از بس بود
که مانع خیر و منفعت شود که روز قیامت هیچکس از حسرت و ندامت خالی نباشد خوبان را
حسرت انکه چرا بیشتر نکرده اند و بدان را حسرت انکه چرا بد کرده اند مگر کسیکه بفضل
و توفیق الهی ضبط ساعات عمر عزیز کرده و آن را از صرف در باطل و بیفائده
محافظت نموده در طاعت و عبادت گذرانیده باشند پس چون در امثال این
امور باید فارغ سازی و مشغول عبادت و طاعت مجملا از هر چه رضای خدا
در ان نبینی گردانی هر کسی خود را از باطل و بیفائده برای عبادت و طاعت خدا
فارغ گرداند و این امانع هر کاری داند خدای تعالی دلش را از خوف خود لبریز
و نعنی از خلق مملو گرداند و متکفل حوائج و مطالب او شود و کار او را بدیگری نگذارد
و هر کس برای طلب باطل و شغل بیحاصل ترک عبادت و طاعت کند و آن را مانع داند
خدای تعالی دلش را مشغول دنیا و محبت آن گرداند و او را از کفالت رحمت
خود بخود واگذارد و نخواهد بود چون کسی را خدا بغیر خود واگذارد از جمیع خیرات و کرامات



و شرب خمر کنند فرمود انا لله و انا الیه راجعون مردم انصاف ندارند ما خود با طاعت
و عبادت امید نجات و بهشت داریم چون دیگران از جهت معصیت دهیم که بی
طاعت بمحض محبت ما نجات یابند بلکه معنی آن حدیث اینست که هر کس مومن باشد
اعمال خیر خواه بسیار کند و خواه کم که داخل بهشت شود و نیز فرموده خدای تعالی
ابا دارد از آنکه جمعی که دعوی محبت و ولایت جمعی کنند و در عمل خلاف ایشان
باشند روز قیامت ایشان را با هم در یک منزل نزول فرماید بخدای کعبه قسم که هرگز
نشود و نیز از یکی از ایشان علیهم السلام مرویست که فرمود اگر شیعیان را غربال
کنم و نیک و بد ایشان از هم جدا سازم و از هزار کس یکی خالص نباشد که اکثر
ایشان اهل قول اند و اهل فعل در میان ایشان بسیار نادر است همه بر مسند تکیه
کنند و بر لحاف و تن پروری برآیند و گویند ما شیعه علی ابن ابی طالبیم و شیعه علی علیه السلام
نیست مگر کسیکه اطاعت علی نماید و فعلش تصدیق قولش کند و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که فرمود افضل عبادات تفکر است و تفکر دو قسمت یکی تفکر در معرفت خدا
و علم و فضایل این قسم از حد شرح بیرونست و شمه از آن در فصل اول گذشت
دوم تفکر در احوال دنیا و بی اعتباری آن و بی حاصلی لذات آن و یکساعته
این تفکر افضل است از یک[illegible] عبادت که سبب زهد در دنیا و بی رغبتی بآن شود و عمده

و قصور آنرا ظاهر کند و محبت آن از دل بیرون برد و دل را مشتاق آخرت
گرداند و موجب طاعت و عبادت و ترک متابعت هوا و هوس و شهوت و معصیت
باشد و هر کس از دنیا بی رغبت شود خدای تعالی دلش را از نور حکمت و معرفت
مملو گرداند و از دنیا بسلامت بیرون رفته بدار السلام که منزل امن و امان و محل نعمت
و راحت جاودانست رود و حرامست بر هر دلی که حلاوت ایمان را یابد تا محبت
دنیا از وی بیرون رود و حضرت صادق ع فرموده کسی از هیچ طلب در حق تنگی نکند
افضل از زهد در دنیا و ترک محبت آن و هیچ چیز بعد از معرفت خدا و رسول و
اهل البیت علیهم السلام افضل از بغض دنیا نبود که چون مومن از محبت دنیا خالی شود
از محبت خدا پر شود و التفات بهیچ چیز غیر خدا و هر چه رضای خدا در آن نباشد
نکند تا حدی که اهل دنیا گویند دیوانه گشته و چنین در او اثر کرده حال آنکه
محبت خدا در او اثر کرده باشد و هم آنحضرت فرموده که از جمله مواعظ لقمن
با پسرش این بود که تو در دنیا بنده اجیر عملی بتو فرموده اند و اجری وعده
نموده بعمل خود وفا کن تا اجر تو وفا کند و در دنیا مثل گوسفندی مباش که در زرع
چرا کند و همین که فربه شود وقت کشتنش باشد بلکه دنیا را مثل پلی دان بر سر نهری
که از آن بگذری و هرگز بآن رجوع نکنی بدانکه روز قیامت در پیش خدای تعالی ایستاده

[illegible] سوال کنـ [illegible] یری که رساندی و عمر بچه چیز گذرانیدی و مال
[illegible] دی کجا صرف نمودی پس مهیای جواب باش و از غم دنیا فارغ باش و کمال
زهد آنست که ترک حرام کنند از خوف عذاب و ترک حلال از بیم حساب مگر بقدر ضرورت
و از آن کمتر مرتبه آنست که دست از حرام باز دارد و هر یک بقدر عمل درجات بلند شود
و با هر کس بقدر عمل معامله نمایند هر کس از خدا بقلیلی روزی راضی شود خدا نیز از او
بقلیلی عمل راضی شود و هر کس را جاه و مال بسیار باید اعمال و عبادت بسیار باید و فرموده
شیعیان خالص ما را در زمان دولت باطل هر چند بمشرق و مغرب روند زیاده از
قوتی نصیب نباشد و هر چند کسی ایمان زیاده تر معیشت بر او تنگ تر که اگر تمام دنیا
در پیش خدای تعالی اعتبار بال مگسی میداشت شربتی از آن بکافر نمیچشانید فقرای
مومنان چهل خریف پیشتر از اغنیای ایشان در ریاض بهشت مشغول صحبت و نعمت باشند
و اغنیای ایشان در موقف گرفتار حساب باشند مرویست که یکخریف هزار عامست
یعنی یکهزار سال و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که دو مومن با هم بحساب آیند یکی غنی
و دیگری فقیر فقیر گوید خداوندا تو میدانی که نه منصبی بمن دادی و نه مهمی که عدل
یا جور کرده و نه مالی که جود یا بخل ورزیده باشم فرماید راست میگوید دست از او
بردارید پس خلاص گشته داخل بهشت شود و غنی مشغول حساب گردد و آنقدر وقت

توقف کند که از عرش چهل سر بر آید [illegible] پس داخل جنت [illegible]

نیفرشش گوید این همه چرا دیر کردی گوید طول حساب گرفتارم داشت خدای تعالی

هر یک عمل مرا می‌بخشید عمل دیگر پیش می‌آمد تا آخر همه را بخشید و رحمت فرمود که نجات

یافتم مرویست که چون فضل و درجات فقرا مشاهده شود هر کس آرزو کند که کاش

در دنیا زیاده از قوتی نمیداشتم و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که فقر امانتست

از خدا در پیش بندگان هر کس آن را پنهان دارد مثل اجر صایم و قایم یابد و هر کس اظهار

آن بنجا [illegible] و ظالمین کند شکایت خدا بدشمن او کرده باشد و اگر اظهار بمؤمنی کند که

قادر بر قضای حاجتش باشد و نکند چنانست که او را کشته باشد و روز قیامت

خدای تعالی مثل کسیکه از دوستی عذر خواهی کند بفقرای مؤمنین گوید بعزت

خودم که من در دنیا شما را از روی حقارت فقیر نکردم بلکه برای فضل و ثواب و درجات

بهشت کردم امروز ببینید که چون تلافی آن کنم هر یک از شما را اضعاف مثل آنکه از

ابتدای دنیا تا انقضای آن اهل دنیا داده‌ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بشما

احسان کرده دستش را گرفته بهر جایی بهشت خواهید ببرید و هم از ایشان علیهم السلام

مرویست که کاملترین مؤمنان در ایمان کسی است که خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض

هیچ عمل بهتر از خلق خوب نیست و صاحب خلق خوش درجه صایم و قایم و اجر مجاهد

و اکثر امت بدو خصلت داخل بهشت شوند تقوی و حسن خلق و حسن خلق خطیئه را بگدازد

چنانکه آفتاب یخ را و حسن خلق و بر موجب درازی عمر و معموری بلاد باشد و چهار صفت

که در هر کس باشد اسلامش کامل و از گناه خالص گردد اگر چه سرتاپا گناه باشد و خدا

از او راضی باشد آنکه بوعده وفا کند و راست گوی باشد و از قبایح در پیش خدا و مردم

حیا کند و با اهل خود و سایر ناس حسن خلق باشد و خلق بد عمل را فاسد کند چنانکه سرکه

عسل را و هیچ جرعه پیش خدا دوست تر از دو جرعه نباشد یکی جرعه خشمی که بحلم رد کنی

و دیگر جرعه جزعی که بصبر دفع نمائی و هیچکس خشم فرو نبرد مگر آنکه خدای تعالی در دنیا

و آخرت عزتش بیفزاید و چون قادر بر انتقام باشد و خشم فرو برد خدای تعالی اجر

شهیدی عطا فرماید [illegible] قیامت دلش را از امن و امان و رضا مملو گرداند و هر کس

غضب خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت از او برگیرد و عیوبش

بپوشد و خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی فرمود که در حال غضب مرا

یاد کن تا من نیز در حال غضب ترا یاد کنم و غضب کلید هر شریست و ایمان را فاسد کند

چنانکه سرکه عسل را و چون دو کس با هم منازعه کنند دو ملک نازل شوند و هر کدام از ایشان

که سفاهت و ناخوشی بیشتر کند با او گویند هر چه گفتی خود سزاوار و لایق آنی و زود

باشد که جزای او بیابی و با آن دیگر که صبر و حلم ورزد گویند زود باشد که [illegible]

از زیاده شود اگر حلم خود را تمام کنی تو نیز مثل او سفاهت نکنی و دشمنان و جهال را
هیچ مکافات بهتر از این نباشد که ایشان معصیت کنند و تو صبر و طاعت نمائی و بهترین
اخلاق دنیا و آخرت اینست که چون کسی بر تو ظلم کند تو عفو نمائی و اگر از تو
قطع کند و دوری کند تو وصل و نزدیکی نمائی و اگر ترا از خیر و نعمتی محروم سازد
و بخل کند تو جود و عطا کنی و اگر با تو بدی کند تو نیکی و احسان نمائی و چون
باین صفات آراسته باشی خدای تعالی عزتت زیاده کند و سه خصلت که در
هر کس نباشد عمل و طاعتش تمام نشود ورعی که او را از معصیت باز دارد و خلقی که با مردم مدارا
کند و حلمی که جهل جاهلان را دفع نماید و مدارا با مردم نصف ایمانست و ملایمت با ایشان
نصف زندگانی و هر کس را ملایمت نصیب گشت ایمان نصیب گشت و هیچکس را ملایمت
نصیب نباشد مگر آنکه عار و ننگش و چیزی را که ملایمت روزی شود در روزی ایشان
وسیع شود و چون از آن بی نصیب باشند خیر از ایشان بی نصیب باشد چون
دو کس با هم مصاحبت کنند آنکه مدارا و ملایمتش بیشتر بود اجرش عظیمتر بود و مرد است
که اگر ملایمت خلقی می بود که دیده میشد هیچ خلقی احسن از و نمی بود و هر کس
درشتی نصیبش شود ایمان از و محجوب گردد و اگر مخلوقی می بود که دیده می شد هیچ
چیز از و قبیح تر نمی بود و هر کس برای خدا تواضع کند خدا او را بلند گرداند و هر کس

تکبر کند او را پست گرداند و نزدیکترین مردم بخدا متواضعانند و دورترین
متکبران پرسیدند که حد تواضع چیست امام فرمود درجات بسیارست از جمله
اینکه کسی قدر خود بشناسد و زیاده از مرتبهٔ خود توقع نکند و با مردم چنان کند
که میخواهد با او چنان کنند و چون با او بدی کنند بنیکی دفع کند و خشم فرو برد
و عفو کننده باشد مرویست که از جمله تواضع اینست که در مجلس پایین تر از
مرتبهٔ خود بنشیند (نشینی) و بهر کسی که رسی سلام کنی و ترک خصومت کنی اگرچه حق با تو باشد
و نخواهی که ترا مدح و ثنا کنند **مرویست** که روزی حضرت امام رضا طعام طلبید و ملازمان
و غلامان سیاه و سفید را جمع فرمود و باهم بر یک خوان نشستند کسی گفت کاش
بفرمائی تا برای ایشان طعام جدا بکشند فرمود که خدا یکی است و دین یکی و پدر
و مادر یکی و جزای هر کس بقدر عملش باشد و حضرت امام جعفر صادق هم فرمود که
که چهار صفت از من ضامن شود تا من برای او چهار خانه در بهشت ضامن شوم عطا کند
و از فقر نترسد و افشای سلام کند در عالم و ترک خصومت کند اگرچه محق
باشد و از انصاف نگذرد و هر کس با انصاف باشد و با فقرا و ارباب مواسات
کند بحقیقت مومن باشد و خدای تعالی عزیزش گرداند و نیز فرموده سه خصلت از اعمال
سه خصلت انصاف و مواسات و ذکر خدا در همه حال نه همین تنها سبحان الله والحمد لله

ولا اله الا الله والله اکبر بلکه در افعال و احوال خدا را یاد آرد و اگر رضای خدا در آن
باشد کند و گرنه از آن بگذرد و هر کس منصف باشد و عیب مردم نکند و چیزی تا از آن
او آن را از خود سلب نماید و کسی او در هیچ امری تقدیم و تاخیر نکند تا رضای خدا در آن
نداند در سایهٔ عرش خدا باشد روزی که هیچکس را پناهی نبود و دو کس نزد دیگران
مردمند بخدا در روز قیامت کسی که در حال غضب بی اختیار نشود و تا بر زیردست
ظلم کند و کسیکه چون در معامله میان دو کس داخل شود بیکطرف میل نکند و کسیکه
در معامله و منازعه از انصاف و حق نگذرد و خدا را بهشتی است که داخل
نشوند مگر سه کس یکی آنکه بر نفس خود حکم بحق کند که وعدهٔ مومن نذریست که هیچ
کفاره ندارد دیگر وفا با آن هر کس خلف وعده کند اول با خدا خلف کرده
و متعرض سخط او گشته باشد و حضرت پیغمبر ص فرموده از امانت کسی که امانت را
خلاف کند و امانت جلب رزق و خیانت جلب فقر نماید و حضرت سجاد ع فرموده
اگر قاتل پدرم شمشیری که آنحضرت را با آن شهید کرده بمن بامانت سپارد هر آینه
آنرا ادا کنم و حضرت صادق ع فرموده اگر قاتل علی بن ابی طالب ع با من
مشورت کند و خیر جوید و شمشیر بمن بامانت دهد و من قبول کرده باشم هر آینه
ادای امانتش کنم و چهار صفت که در هر مومن که باشد خدای تعالی او را در اعلا

علیین

علیین در بالاترین غرفهای شرف و کرامت ساکن گرداند کسیکه یتیم را پناه و پدر
خود دارد و برای او بمنزلهٔ پدر باشد و بر ضعفا رحم کند و اعانت حوایج ایشان
نماید و والدین را نفقه دهد و با ایشان ملایمت و ملاطفت کند و خدمتی
که مملوک خود رجوع کند خود نیز مدد و اعانتش نماید والله اعلم **فصل چهارم در بر
والدین** مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بر والدین و صلهٔ رحم
سکرات موت آسان کند و در تمام عمر پریشانی رفع کند و بر والدین روز قیامت
آید و بقوت و قدرت تمام فرزند صاحب بر را برداشته داخل بهشت کند روزی
جوانی بخدمت حضرت پیغمبر ص آمده گفت جوان و توانایم و شوق جهاد دارم فرمود
جهاد کن اگر کشته شوی در پیش خدا زنده و از نعمتهای بهشت متنعم باشی
و اگر بمیری اجر و ثوابت بر خدا باشد و اگر بازگردی از گناهان پاک گردی همچنانکه
از مادر متولد گشته بودی پس گفت یا رسول الله والدین من بمن انس دارند و نمیخواهند
در پیش ایشان باشم فرمود باش که یکشب انس ایشان با تو بهتر است از یکسال جهاد
در راه خدا و نیز آنحضرت را همشیره بود رضاعی روزی بخدمت آنحضرت آمد
چون او را دید شکفته گشت و لحاف خود را انداخت تا بر آن نشست پس متوجه او گشته
ملاطفت و شکفتگی میفرمود و چون او رفت برادرش آمد آنحضرت آن مهربانی با او

نفرمود از سبب آن سوال کردند فرمود آزردن را برتست با والدین خود بهشت
کسی بحضرت امام جعفر صادق ع معروض داشت که پدرم بسیار پیر شده و چون قضای
حاجت خواهد کسی باید بر دوشش گیرد فرمود اگر توانی خود مباشر این خدمت
باش که فردای قیامت برای تو حجابی باشد از آتش و دیگری از آنحضرت سوال کرد
که والدین من مخالف مذهبند با ایشان چون کنم فرمود نیکی کن بحجابکه با
دوستان و موالی ما میکنی که هر کس بار بوالدین باشد از دوزخ ایمن باشد
و در بهشت مسکن کند و هر کس عاق باشد از بهشت نومید شود و در دوزخ
ماوی نماید و هر کس نگاه خشمناک بوالدین کند و حال آنکه ایشان بر وظلم باشند
نمازش مقبول نشود و چهار کس بوی بهشت نشنوند با آنکه بوی بهشت از هزار
ساله راه توان شنید عاق و قاطع رحم و پیری که زنا کند و متکبر و حضرت
سجاد مردی را دید که بر پدر خود تکیه کرده راه میرفت بر و غضب فرمود
و با او حرف نزد تا از دنیا رفت و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که از جمله
حقوق والدین آنست که مصاحبت ایشانرا نیکو کنی و نگذاری که ایشان از تو
چیزی سوال کنند اگر مستغنی باشند بلکه مترصد احوال ایشان باشی و هر گاه گمان کنی
که چیزی میخواهند پیش از سوال مهیا گردانی و اگر ترا برنجانند اف نگوئی و اگر بزنند

رنجانی بلکه دعا کنی برای ایشان آمرزش طلبی و بسیار نگاه بر روی ایشان نکنی مگر
از روی رحمت و مهربانی و آواز بر ایشان بلند نکنی و دست بالای دست ایشان
نداری و پیش روی شان نروی و ننشینی و ایشانرا بنام نخوانی و برای ایشان دشنام
حاصل نکنی و در همه حال اطاعت شان کنی مگر در معصیت خدا و درین حال نیز مدارا
و ملایمت کنی و اگر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون روی بروی و اگر از دنیا
رفته باشند نماز و روزه و حج و صدقه و غیر آن از وجوه خیرات برای ایشان
بکنی و ثوابش را بایشان هدیه کنی و هرچه کنی مثل آن نیز برای تو ثبت شود و کسی از
حضرت امام محمد باقر ع پرسید که آیا هیچ چیز جزای حق والد باشد فرمود هیچ چیز
جزای آن نباشد مگر آنکه اگر بنده باشد بخری و آزاد کنی و اگر دین داشته باشد
ادا نمائی و هم آنحضرت ع فرمود که گاه باشد که کسی در ایام حیوة والدین با ایشان بار
باشد و بعد از فوت دین ایشانرا ادا ننماید و استغفار نکند برای ایشان خدای تعالی
او را عاق نویسد و گاه باشد که در حیوة ایشان عاق باشد چون بعد از وفات
دین شان ادا کند و استغفار نماید بار نوشته شود و کسی بحضرت پیغمبر ص معروض
داشت که پیش از آنکه باسلام مشرف شوم دختری داشتم چون بحد بلوغ رسید
روزی او را زینت کرده بسر چاهی بردم و در چاهش افکندم آیا کفاره داشته

باشد فرمود مادرش زنده است گفتم نه فرمود خاله اش زنده است گفت بلی فرمود
با او بر و نیکی کن که بمنزلهٔ مادر است تا کفارهٔ آن شود **و هم از ایشان علیهم السلام**
مرویست که هرچه از بر والدین بر ولد لازمست بر ایشان نیز لازمست باید که
با فرزند چنان سلوک کنند که باعث بر او باشد با ایشان و چنان نکنند که
سبب عقوق شود رحمت خدای بر والدینی که فرزند را بر بر خود دارند و لعنت
خدای بر والدینی که فرزند را بر عقوق و نافرمانی خود دارند والله اعلم بالصواب

فصل پنجم در صلهٔ رحم مرویست از اهل بیت طاهرین ع که از جملهٔ حقوق صلهٔ رحم است
اگرچه یکساله راه باید رفت و اگرچه بسلامی باشد و هر که پا نمی بر داشته برود
تا صلهٔ رحم کند بهر گامی چهل هزار درجه بلند گردانند و اجر صد شهید نویسند و چنان
باشد که صد سال عبادت کرده باشد و صلهٔ رحم دفع بلاها کند و حساب قیامت آسان گرداند
و خلق نیک کند و بخیل را سخی کند و روزی بیفزاید و مال را زیاده کند و اعمال را پاکیزه
کند و سبب معموری دیار و زیادتی عمر باشد تا آنکه گاه باشد که عمر کسی سه سال باشد چون
صلهٔ رحم کند سی سال شود و رحم بعرش آویخته می گوید خدایا وصل کن برحمت خود هر کس
مرا وصل کند و قطع کن از رحمت هر کس مرا قطع کند و در روز قیامت رحم و امانت در
دو جانب صراط ایستند چون واصل رحم و مؤدی امانت بگذرند داخل بهشت کنند

و چون قاطع رحم و خاین امانت بگذرند سرازیر در جهنم افکنند و بسا باشد که جمعی
همه فاجر باشند چون با هم مواسات کنند و مواصلت نمایند مال ایشان بسیار و رزق
ایشان وسیع شود و اگر همه نیکان باشند چون از هم مفارقت کنند و قطع یکدیگر
نمایند پریشان گردند و بلا در میان ایشان شایع شود و کسی بخدمت حضرت پیغمبر ص
رفته گفت خویشان من با من بسیار بدی و مخالفت می کنند و دشنام می دهند
و من میخواهم که ترک ایشان کنم فرمود اگر این کار کنی خدای تعالی همه شما را ترک
کند و از رحمت خود قطع نماید و کسی بحضرت امام جعفر صادق ع آمده از اقربای
خود شکایت کرد فرمود تو مدارا و مواصلت کن گفت هرچند مدارا و مهربانی
می کنم ایشان همان بدی می کنند فرمود پس میخواهی تو هم مثل ایشان باشی
تا خدای تعالی بر هیچکدام نظر نکند و دیگری بخدمت آنحضرت رفته از برادران
و عم‌زادگان شکایت کرد و گفت خانه را بر من تنگ کرده اند فرمود صبر کن
که خدای تعالی ترا از ایشان نجات دهد راوی گوید که وبائی حادث شد که همه
ایشان هلاک گشتند پس بخدمت حضرت رفته حکایت واقعه نمودم فرمود
جزای آنست که با تو میکردند حالا راضی هستی که زنده می بودند و همان
سلوک میکردند گفتم بلی والله و نیز مرویست که هیچ گامی بر داشته نشود دوست تر

بیش خدا از دو کام یکی بعضی که در راه خدا آراسته کرد و دوم یکی برحمی که قطع کرده
باشد **فصل ششم در حق جوار** مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که از زیادت
کسی که همسایگی را خوب بکند که خوب کردن همسایگی عمر را زیاد کند و رزق
بیفزاید و سبب معموری دیار باشد و هر کس ایمان بخدا و آخرت دارد باید
همسایه را نرنجاند و مهمان را گرامی دارد و چون تکلم کند خیر کند یا ساکت
باشد و هر کس همسایه را نرنجاند و نیازارد خدای تعالی روز قیامت عثرات
و خطاهای او را عفو فرماید و حضرت پیغمبر ص فرموده که جبرئیل ع آنقدر در باب همسایه
وصیت نمود که گمان کردم که او را وارث من خواهند کرد و نیز فرموده که
ایمان بمن ندارد کسی که شب سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد روز
قیامت خدای تعالی نظر نکند باهل قریه که در میان ایشان اهل خانه گرسنه
باشند و حضرت یعقوب ع مناجات کرد و گفت خدایا بر من رحم نمیکنی چشمم را
گرفتی و دو پسرم را بردی خدای تعالی فرمود اگر پسرهایت مرده می بودند برای تو
زنده میکردم اما تو بیاد نمی آری که فلان روز گوسفندی ذبح کردی و بریان
کردی و تناول کردی و فلان همسایه‌ات صایم بود و باو بخش ندادی بعد از این
هر چاشت و شام منادی حضرت یعقوب تا یک فرسخ راه ندا میکرد که هر کس گرسنه باشد

بخانهٔ یعقوب بیاید و حضرت امام موسی کاظم ع فرمود خوبی همسایه همین نیست که همسایه را
آزار نکنی بلکه تحمل آزار ایشان کنی و هر کس بوجب زمین با همسایه خیانت کند خدای تعالی
آنرا تا زمین هفتم در روز قیامت طوق گردنش کند و هر کس همسایه را برنجاند بوی بهشت
بر او حرام شود و هر کس در باب احتیاج خانه با همسایه مضایقه کند خدای تعالی خیر و فضل خود
در روز قیامت از او منع کند و او را بخود واگذارد و هیچ عذر از او قبول نکند
مگر آنکه همسایه چیزی که بعاریت میگیرد ضایع کند که در این وقت تو آن از او منع نمود
فصل هفتم در الفت و محبت و زیارت مومنان مرویست از اهل بیت طاهرین ع که ای
معاشر مومنان با یکدیگر الفت و محبت کنید که خیر نیست در کسی که الفت نکند و با او
الفت نکنند جمعی که برای خدا با هم محبت و دوستی کنند روز قیامت در
زمینی از زبرجد سبز در سایهٔ عرش از جانب راست بر منابر نور بنشینند و روی
ایشان از آفتاب روشنتر باشد و هر کس محبت و بغض و عطا و منعش برای خدا
باشد از جملهٔ اصفیای او باشد روزی حضرت پیغمبر ص از اصحاب پرسید که محکم ترین
عروه‌های ایمان کدام است بعضی گفتند نماز و بعضی صوم و بعضی زکوة و بعضی حج
و عمره و بعضی جهاد فرمود هر یک از اینها را فضلی عظیم است اما نه آنست که پرسیدم
بلکه آن محبت و بغض است برای خدا و تولا باولیاء الله و تبرا از اعداء الله و چون دو

مومن با هم ملاقات کنند آنکه محبتش بیشتر قدرتش عظیمتر بود و هم ایشان فرمودند که
ای مؤمنان با هم الفت و محبت کنید و یکدیگر را زیارت کنید و ذکر خدا و ذکر
فضایل کنید و با احادیث ما صحبت دارید که موجب حیوة دینت و دل شما
و هیچ چیز دل ابلیس و جنود ش را آنقدر جراحت نکند که زیارت مومنان
چون سه مومن یا بیشتر با هم اجتماع کنند با تفاق و ملائکه با ایشان حاضر شوند پس اگر
دعا کنند آمین گویند و اگر از شری استعاذه کنند دعا کنند و اگر حاجتی مسئلت
نمایند شفیع باشند و چون مومنی برای خدا نه برای غرض دنیا برای زیارت
مومنی از خانه بیرون رود و حق و حرمت او بشناسد بهر گام که بر دارد
خدای تعالی برایش حسنه نویسد و سیئه محو کند و درجه بلند گرداند و هفتاد
هزار ملک بر و موکل گرداند تا بخانه خود مراجعت کند اگر چه یکساله راه باشد
و گویند خوش باش و خوش باش ترا بهشت و چون در خانه بکوبد درهای آسمان برایش
گشوده شود و چون ملاقات و مصافحه و معانقه کنند خدای تعالی متوجه ایشان شود
و بایشان بر ملائکه مباهات کند و گوید ای ملائکه به بینید این دو بنده مرا که
برای من چون با هم محبت می کنند لازم شد بر من که بعد از این ایشان را بآتش عذاب نکنم
و چون بخانه داخل شود فرماید ای بنده من تعظیم حق و حرمت پیغمبران کردی اگر

سوال کنی عطا نمایم و اگر دعا کنی اجابت فرمایم و اگر ساکت باشی خود ابتدا کنم و چون
مراجعت کند بعد در نفسی کشیده و گامی که بر داشته و کلمه که گفته ملائکه با او مبایعت
کنند و تا آخر و از سال آینده از بلاهای دنیا و آخرت محافظتش نمایند و اگر در این
سال بمیرد از حساب فارغ باشد و چون داخل خانه خود شود خدای تعالی فرماید
ای بنده من که تعظیم حق من کردی بهشت تو واجب گردانیدم و ترا شفیع بندگان
خود کردم و اگر آنکس نیز حق این را چنین بشناسد برای او نیز مثل این اجر ثابت
شود و خدای تعالی را بهشتی است که هیچکس داخل آن نشود مگر کسی اول کسی که انصاف
دهد و کسیکه زیارت برادر مومن کند برای خدا و کسیکه برادر مومن را در خیر بر خود
اختیار کند و زیارت یکمومن برای خدای تعالی بهتر است از آنکه ده بنده
مومن آزاد کند و حضرت امام جعفر صادق ع از کسی پرسید که میان شما و بصره
چند روز راهست گفت از دریا اگر باد موافق باشد بخیر و از خشکی هشت روز
راهست فرمود چه نزدیک بوده راه برادران مومن یکدیگر را به بینید و عهدها
تازه کنید که روز قیامت هر کس را گواهی در کار است که شهادت بر دینش دهد
و اگر مومنی بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود و او در خانه باشد و اذن
ندهد در لعنت خدا باشد تا وقتی که با هم ملاقات کنند و در میان خود و مومنی

حجابی و مانعی گذارد خدای تعالی میان او و بهشت هفتاد هزار باره نصب کند
و میان هر دو باره هزار ساله راه باشد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود شیطان
میان مومنان نزاع و فساد می کند پس خدا رحمت کند بر کسی که میان دو دوست ما
الفت و اصلاح کند و حضرت صادق ع فرمود میان دو کس اصلاح کنم دوست تر
دارم که دو دینار طلا تصدق کنم و فرمود چون دو کس از هم رنجش مفارقت
و هجرت کنند یکی از ایشان وکاه باشد هر دو مستوجب لعنت و براءت
از دین شوند کسی گفت جعلنی الله فداک شاید یکی مظلوم باشد فرمود باید تقصیر را
بخود نسبت دهد و عذرخواهی کند و نگذارد که مهاجرت واقع شود هر هفته
دو روز مقرر است که اعمال ایشان را واگذارند تا وقتی که صلح کنند چون دو
کس از هم سه روز هجرت کنند و صلح نکنند ولایت اسلام در میان ایشان منقطع
شود و روایت دیگر آمده که هر کس بیشتر از سه روز هجرت کند دوزخ
باو اولی باشد و هر کدام سبقت بصلح کنند سبقت بجنت کنند و هر کس در اصلاح
میان مرد و زن سعی کند اجر هزار شهید یابد و بهر کامی که بردارد کلمه
گوید یکساله عبادت نویسند با روزه روزها و قیام شبها **فصل هشتم در آداب**
ملاقات و مجالست مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که شما بوسه مال

با مردم بر نیایید بشکفتگی و طلاقت وجه ملاقات کنید سه صفت که هر کس یکی
از آن متصف باشد بهشت بر او واجب شود طلاقت وجه و انصاف و جود در
پریشانی و نیز مرویست که اصطناع معروف و حسن بشر موجب دخول بهشت
و محبت و بخل و عبوس موجب دخول نار و دوری از خدا است و اول ملاقات
سلامست مرویست که اگر کسی پیش از سلام حرف زند جوابش مگویید و چون دو کس
بر هم سلام کنند میان ایشان هفتاد حسنه باشد شصت و نه حسنه از آنکه ابتدا
کند و یکی از آنکه جواب گوید و اگر کسی بر ده کس از مسلمین سلام کند چنانست که
بنده آزاد کند و سنت افشای سلام یعنی بهر کس رسد سلام کند اگرچه
ظالم باشد که سلام خدای بظالمان نرسد بخیل ترین مردمان کیست که در سلام
بخل کند مرویست که شبها که مردم در خوابند برخاسته نماز کنید و با مردم
بملایمت گفتگو کنید و افشای سلام کنید تا بسلامت به بهشت روید و هر کس
در سلام غنی را بر فقیر امتیاز نهد مستوجب غضب خدا باشد و سلام را
بلند باید گفت تا بشنوند و نگوید که سلام کردم جواب نگفتی شاید نشنیده
باشید و چون جواب گویید بلند بگویید تا نگوید که جواب نگفتی و هر کس بگوید
سلام علیکم ده حسنه باشد اگر ورحمة الله نیز اضافه کند بیست حسنه و اگر و برکاته

نیز اضافه کند سی حسنه و مرویست که سلام و دعای عطسه و دعائی که بکسی کنند
بصیغهٔ جمع بگویند اگرچه یک کس باشد که با هر کس جمعی از ملائکه باشند مثل سلام علیکم
و یرحمکم الله و عافاکم الله بگویند و اولی آنست که سواره بر پیاده و اسب سوار
بر استر سوار و استر سوار بر الاغ سوار و ایستاده بر نشسته و صغیر بر کبیر و قلیل بر کثیر
سلام کنند و بر چند کس سلام نباید کرد اول شراب خوار دوم صاحب شطرنج و نرد
سوم مجاهر بفسق چهارم مخنث پنجم شاعری که زنان عفیفه را هجو کند ششم رباخوار
هفتم کسی که مشغول قضای حاجت باشد هشتم زنان نهم کسی که در نماز باشد دهم
کسی که در حمام باشد و چون سلام یا تحیتی دیگر کنند مستحب است که تلافی آن احسن
از آن باشد و اقلش این که همانقدر تلافی کند و چون سلام علیکم گوید احسن آنست که
و رحمة الله اضافه کند و اگر آن را نیز گفته باشد و برکاته نیز اضافه کند و اگر
این را نیز بگوید همین را تمام بگوید و روایتی دیگر آمده که درین صورت
وعلیک تنها و آن گفت اما زیاده ازین مخالف سنت است مرویست که کسی بحضرة
امیرالمؤمنین ع سلام کرد لفظ و مغفرته و رضوانه افزود حضرت او را نهی فرمود
و اگر سلام رسانند جواب بگوید و علیک و علیه السلام و اکتفا بعلیه السلام نیز مجزی بود
و مرویست که جواب کتابت هم چو جواب سلام واجبست و معنی سلام و جوابش اینست که تو

از من بسلامتی و با خدای تعالی عهد کردم که غیبت تو نکنم و عیب تو نگویم و چون
دو مومن با هم ملاقات کنند و مصافحه نمایند گناهان هر دو بریزد مثل برگ از
درخت تا آنکه هیچ نماند و خدای تعالی بایشان نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند و صد
رحمت برایشان فرستد نود و نه از آن باشد که محبتش بیشتر باشد و خدای تعالی
با او مصافحه فرماید و آنکه مکث بیشتر کند و دست بیشتر نگاه دارد اجرش
از آن دیگر بیشتر باشد و حد سلام و مصافحه هر اول ملاقاتست بعد از هر
غیبتی اگرچه دور درختی بگردد یا چند گام از هم جدا شوند و در [illegible]
تمام تحیت برای مقیم مصافحه و تمام تسلیم بر مسافر معانقه است و چون دو مومن
معانقه کنند و بنشینند و غرض دنیوی در میان نباشد ملکی ندا کند که گناهان
تمام آمرزیده شد اعمال از سر گیرید و چون شروع در گفتگو کنند ملائکه
حفظ با هم گویند بیائید بکنار می رویم که شاید ایشان را با هم سرّی باشد و اگر
خویشان و مومنان یکدیگر را بوسه کنند باید روی هم را ببوسند و بوسه
بر لب نشاید مگر زوجه و طفل صغیر را و دست بوسیدن نشاید مگر پیغمبر یا وصی
او را و روایتی دیگر آمده که دست کسی را بوسیدن چنانست که نماز برای او
کرده باشد یعنی بندگی او کرده باشد و هر کس در مجلسی بمکانی کمتر از رتبه

و شرف خود نشینند خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند تا وقتیکه برخیزد در
که چون بخانهٔ کسی روید هر اکرامی که کند قبول کنید مگر بالا نشستن و در روایت دیگر
آمده که هر جا صاحب خانه گوید بنشینید که او عیوب خانهٔ خود را بهتر میداند
و توفیق میان این دو حدیث والله اعلم ثم الراسخون فی العلم باین توان
کرد که اگر معلوم باشد که غرض صاحب خانه محض تکلفست قبول نباید کرد
و گرنه اطاعت باید نمود چنانکه لفظ اکرام و عیوب مشعر است بر این بهترین
مجالس آنست که روی بقبله باشد مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
سه هیأت می نشسته یکی دو زانو دوم آنکه ساقها از زمین بر دارد و دو دست
از پیش ساق گذرانیده بر ساعد گیرد سوم آنکه یک پا بر سر پای دیگر گذارد
و احادیث متعدد آمده که بعضی ائمهٔ طاهرین ع باین هیأت نشسته بودند کسی گفت
این وضع نشستن مکروه است فرمودند این قول یهود است که میگویند خدای تعالی چون
از خلق سموات و ارض فارغ شد چنین نشست که استراحت کند من برای ملالت
چنین ننشسته ام و خدای تعالی را ملالت نمی باشد مرویست که اگر با یهودی بنشینید
همنشینی او را نیکو کنید و چون کسی داخل مجلس شود تعظیم کنید و جا بگشائید که تعظیم
در مجلس کهنست و در وقت رفتن تعظیم نکنید مثل عجم و در تابستان میان هر دو کس در

نشستن مقدار یک ذراع فاصله باید گذاشت که گرما آزار نکند و اگر در اثنای
حرف مومنی در آید خیانت که روی او را خراشیده باشند و هر کس وقت
نشستن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد
و آله خدای تعالی ملکی بر او موکل فرماید که در آن مجلس او را از غیبت کردن
حفظ کند و اگر وقت برخاستن بگوید که سبحان ربک رب العزة عما
یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین کفارهٔ
آن مجلس باشد و بعدد هر مسلمی او را حسنه باشد و خدای تعالی به بیشترین کیلها
ثوابش را کیل کند **فصل نهم در سکوت و کلام** مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که سکوت بابیست از ابواب حکمت و جلب محبت میکند و دلیل هر خیریست
و شیعیان ما همه لال باشند و کسی حقیقت ایمان را نشناخت تا زبان از لغو
نبندد و نجات مومن در حفظ زبانست و زبان کلید هر خیر و شر است پس
زبان را مهر کنید چنانکه زر و مال را مهر می کنید و مومن تا ساکتست محسن
نوشته شود و چون تکلم کند محسن باشد یا مسئ و هر کس کلام را از جملهٔ اعمال
خود نشمرد در اعمالش خطا باشد و عذابش مهیا بود و هر کس کلام خود را
از جملهٔ اعمال شمرد تکلم نکند مگر آنچه نافع باشد و حضرت امیر المومنین ع مروی

گذشت که حرفهای لغو و بیفایده میگفت فرمود ای مرد هرچه میگوئی
ملکین می نویسند و بر خدای تو عرض میکنند ترک بیهوده گوئی کن و سخنی گو که
نفع در ان باشد و شرم دار ازین که چون نامهٔ اعمال تو بر خدا معروض شود این نوع
سخنان در و باشد و حضرت پیغمبر بکسی گفت میخواهی چیزی تعلیمت کنم که بان از اهل
بهشت شوی گفت بلی فرمود سخاوت پیشه کن گفت شاید من محتاجتر باشم فرمود
مظلوم را نصرت کن گفت شاید عاجزتر باشم فرمود جاهل را هدایت
کن گفت شاید جاهلتر باشم فرمود زبان به بند مگر از خیر بعد از ان فرمود
نمیخواهی یکی ازین صفات در تو باشد که ترا ببهشت برد و هم آنحضرت فرمود
خدای تعالی زبان را عذابی کند که هیچ عضو را نکند چه بسا باشد که کلمهٔ
از زبان بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و خونها بان ریخته
شود و فرجهای حرام بی حرمت گردد و سخن گفتن بحق فضیلت از سکوت
در باطل و هرکس زبانش راست گو باشد عملش پاکیزه شود و مروت که
بنماز و روزه و طول رکوع و سجود مردم فریفته مشوید که بسا باشد که
آن عادتی باشد که ترکش موجب وحشت باشد بلکه قدر عقل و صدق کلام و ادای
امانتش را نظر کنید مروتست که بسا بنده که آنقدر راست گوید که از جملهٔ صدیقین

نویسند و بسا بنده که آنقدر دروغ گوید که از جملهٔ کذابین نوشته شود و هیچ
بنده لذت ایمان نیابد تا دروغ را مطلقا عمدا و هزلش را ترک نکند و کذب
ایمان را خراب کند خدای تعالی بر هر شری قفلی زده و کلید همهٔ آنها شراب را
گردانیده و کذب بدترست از شراب و روز قیامت از هر کذب سوال
کنند مگر سه کذب یکی آنکه در معرکه جهاد با خصم گویند دوم آنکه برای
اصلاح میان دو کس گفته شود سیم آنکه با اهل خود وعده کند و ارادهٔ
کردن آن نداشته باشد و چون کسی گوید والله که خدا فلانی را نیامرزد
خدای تعالی فرماید کیست که از جانب من قسم میخورد که او را نیامرزم او را
آمرزیدم و عمل این را باطل کردم و اگر کسی را لعنت کند یا شهادت بر کفرش
دهند اگر چنان باشد راست گفته باشد وگرنه بگوینده برگردد و اگر مؤمنی را
فحش گوید خدا برکت از رزقش بگیرد و معیشتش را فاسد گرداند و نظر
رحمت و تربیت از او بر دارد و اگر در روی مؤمنی طعن کند ببدترین وجهی بمیرد
و سزاوار آن باشد که هرگز بخیر باز نگردد و بهشت حرامست بر فحاش بیحیا که
پروا نکند از هر چه گوید و باو گویند مروت که چنین کسی اگر تفتیش کنی
ولد الزنا یا شرک شیطان باشد و خدای تعالی دشمن دارد هر فحاش سخت گو را

بدترین مردم کسی است که طعام خود تنها خورد و عطایش را منع کند و مملوکش را بیا
بزند و بدتر از وی کسیکه بخیرش امید و از شرش ایمن نباشی و بدتر از وی آ
که چون اگر کسی پیش او ظاهر و مذکور شود لعن کند و چون او پیش مردم مذکور
شود لعنش کنند و حضرت صادق ع را دوستی بود که هرگز از خدمتش مفارقت
نمی‌نمود روزی در خدمت آنحضرت براهی میرفت و غلامی همراه داشت چند
مرتبه نگاه کرد او را ندید مرتبه دیگر نگاه کرد آمده بود گفت یا ابن الفاعله کجا
بودی پس حضرت دست بر روی مبارک زده فرمود سبحان الله مادرش را
دشنام دادی تو خود را متورع مینمودی معلوم شد که ورعی نداشته
گفت جعلت فداک مادرش مشرکست فرمود باشد تو نمیدانی که قومی در میان خود
نکاحی دارند که خود را از زنا باز دارند و دیگر آن راوی گوید که دیگر
او را در خدمت آنحضرت ندیدم تا از دنیا رفت و خدای تعالی دوست
دارد مزاح را که فحش در میان نباشد و مزاح از حسن خلقست و بسیار در میان مومنان شود
و کثرت مزاح یا آنکه متضمن فحش یا کذب یا استهزا و مجملا متضمن قبیح و باطلی باشد
وقار و آب رو و ایمان ببرد و مورث استخفاف و ذلت باشد و سبب بغض
و کینه شود و گاه باشد که کسی کلمه گوید که مردم را بخنداند بقدر ما بین زمین و آسمان

او را از بهشت دور کرداند و در دوزخ افکند و حضرت پیغمبر فرمود که آبروی
و کثرت ضحک دین را میبرد از دل چنانکه آب نمک را و آبرو ببرد و در روایت دیگر آمده
که هرکس یکمرتبه خنده کند یکدهن از عقلش تف کند و حضرت امام جعفر صادق ع هم
فرمود بسا کسی که خنده و بعیش بسیار باشد و روز قیامت گریه‌اش بسیار باشد
و بسا کسیکه از بیم گناهان گریه‌اش بسیار بوده در بهشت خنده و سرورش
بسیار بوده و فرمود ای صاحب عملهای رسوا شرم دار از خنده دندان نما
ای که بسیار کرده سیئات ایمن مباش از کمین حادثات **فصل دهم در اکرام
و توقیر مومنان** مرویست از اهل بیت طاهرین که هرکس مومنی را اکرام
کند اول خدا را اکرام کرده باشد و روی شیطان خراشیده و دلش
جراحت شود و هرکس بر روی مومنی تبسم کند برایش حسنه ثبت کرده و اگر
کثافتی از رویش بردارد ده حسنه ثبت شود و اگر بمومنی بگوید مرحبا
خدای تعالی تا روز قیامت برای او رحمت نویسد و اگر با او بنحوی از نیکوها
ملاطفت کند از خدام جنت عطا فرماید و اگر کلمه گوید که موجب شگفتگی مومنی
باشد در سایه رحمت خدا باشد و اگر کثافتی از راه مومن بردارد اجر
قراءت چهار آیه از قرآن یابد که هر حرف از آن ده حسنه است و اگر مومن را

بمجلس یا متکا یا طعام یا جامه یا سلام یا غیر آن ملاطفت و اکرام کند بهشت از جا
در آید که مکافات آن کند پس خدای تعالی فرماید من نعمتهای ترا بر اهل
دنیا حرام کرده ام مگر بر نبی یا وصی و چون روز قیامت شود فرماید ای مرد از
اولیای مرا مکافات کن پس حور و غلمان از بهشت بیرون آیند در دست
طبقهای پر از نعمتهای گوناگون سرهای آن با روپوشهای لؤلؤ و جواهر
پوشیده چون بهشت و نعمتهای آنرا ببینند عقل شان بیدار کند و چون
جهنم را ببینند از هول آن دست نتوانند دراز کرد پس از جانب عرش
ندا آید که بخورید که هر کس طعام بهشت بخورد دوزخ بر وی حرام شود
پس دست دراز کرده تناول فرمایند و هر کس جمعی از مومنان را خدمت کند
با آن عدد از خدم جنت عطا فرماید و خادم مومنان در طاعت خدا ارواح شان را
در قبر نگذارند بلکه پیش خدای تعالی برند و آنجا باشند تا روز قیامت و هر کس
مومنی محاسن سفید را تعظیم و توقیر کند از فزع روز قیامت ایمن گردد
و اگر با او استخفاف کند خدای تعالی کسی را برو مسلط گرداند که با او استخفاف
کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود از ما نیست کسی که کبیر ما را توقیر و بر صغیر
ما ترحم نکند و هر کس مومن فقیر را بسبب فقرش تحقیر کند خدای تعالی روز قیامت

ادرا در میان خلایق رسوا کند **فصل یازدهم در سرور مومنان و قضای حاجت**
ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هیچکس عبادت خدا نکرده
بچیزی افضل از سرور مومنان که دلش را خوش کند یا گرسنه اش را سیر کند یا غیر
آن و هر چند عظیمتر بود ثوابش عظیمتر بود و هر کس مومنی را مسرور کند خدای تعالی
روز قیامت او را مسرور گرداند و خدا و پیغمبر خدا و ائمه هدی صلوات الله
علیهم را مسرور کرده باشد و همچنین اگر مومنی را آزرده کند ایشانرا آزرده
کرده باشد سرور مومن هزار هزار حسنه باشد خدای تعالی در مناجات بحضرت
موسی فرمود هر کس مومنی را مسرور کند در بهشت او را حاکم و میر گردانم
و حضرت پیغمبر فرموده دل مومن عرش خداست و هر کس دل مومنی را خوش کند
خدای تعالی فرشته خلق کند که هزار بدن داشته باشد در هر بدن هزار سر
و در هر سر هزار رو و در هر رو هزار دهن و در هر دهن هزار زبان و هر زبان
هزار لغت برای آنکه خدای تعالی را تسبیح کند و استغفار نماید تا روز قیامت
و مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مومنی در مملکت جباری بود
از ظلم و جور او گریخته بدیار اهل شرک رفت مشرکی او را بخانه خود برده مهمانی
کرد و چون از دنیا رفت خدای تعالی فرمود اگر تو مشرک نمیبودی ترا در بهشت جا میدادم

تا بهشت بر مسکان حرامست پس آتش دوزخ امر فرماید که او را بر زبانیان
بیاموزان و هر صبح و شام رزقش را فرستد راوی گوید پرسیدم که
رزقش از بهشت آید حضرت امام فرمود از هر جا که خدا خواهد و هر کس دفع
مضرتی آبی یا آتشی از مومنان کند خدای تعالی بهشت براو واجب گرداند
و هر کس غمی و شدتی از مومن بردارد خدای تعالی هفتاد و دو رحمت برایش
نویسد یکی را در دنیا تعجیل کند که امر معیشتش را بآن اصلاح نماید و هفتاد و یکی را
برای اهوال روز قیامت ذخیره فرماید و روز قیامت مطمئن خاطر محشور گرداند
و هر کس عورت و عیب مومنی بپوشد خدای تعالی هفتاد عیب در دنیا و آخرت
بر او بپوشد و هر کس قضای حاجت مومنی کند خدای تعالی روز قیامت هزار
حاجتش را بر آرد که اول آنها این باشد که او و اقربا و آشنایان و دوستانش را
ببهشت برد اگر ناصبی نباشند و قضای حاجت مومن بهتر است از آنکه ده بنده
آزاد کند و هزار اسب در راه خدا بجهاد فرستد و فضیلت از بیست حج
که در هر حج هزار درهم صرف کند و در روایات دیگر آمده است که یک طواف
کعبه شش هزار حسنه است و شش هزار سیئه محو شود و شش هزار درجه بلند گردد
و در روایت دیگر شش هزار حاجتش بر آورده شود و چون به پیش ملتزم رسد

[?] قوت د

هفت در از درهای بهشت برایش گشوده شود و قضای حاجت مومن افضلست
از ده چنین طواف و هر کس حاجت مومنی باو رسد و قادر بر قضای آن نباشد
و ازینجهة دلگیر شود خدای تعالی بسبب آن دلگیری او را بهشت عطا فرماید
و هر کس سعی در حاجت مومنی کند هزار هزار حسنه برایش نوشته شود که در آن
میان اقربا و همسایگان و اخوان و آشنایانش آمرزیده شوند و بهر گام که کسی
در حاجت مومن بردارد حسنه نوشته شود و سیئه محو گردد و درجه بلند شود
و اگر آن حاجت در دستش بر آید ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه روزه
و اعتکاف در مسجد الحرام داشته باشد و اگر بر نیاید ثواب یک حج و یک عمره داشته
باشد روزی حضرت امام حسن ع در اعتکاف بود مردی آمده از کسی شکایت کرد
و التماس کرد که درباره من با او گفتگو کن حضرت برخاسته روان گشت
کسی گفت یا ابن رسول الله مگر فراموش کردی که اعتکاف داری فرمود
فراموش نکردم اما کسی که سعی در حاجت مومن کند همچنانست که نه هزار سال
عبادت کرده که روزها روزه داشته و شبها بنماز برخاسته باشد
و هر کس اعانت مومنی کند خدای تعالی هفتاد و سه غم و غصه از او بر گیرد یکی
در دنیا و هفتاد و دو در روز قیامت که هر کس بحال خود درمانده باشد

و هر کس دست عاجزی گرفته بخانه یا مسجد یا حاجتی دیگر ببرد و بهر گام که بردارد
و بگذارد در عتق رقبه نوشته شود و ملائکه بر وصلوات فرستند و هر کس حاجت
عاجزی را کفایت کند خدای تعالی او را براءت از نفاق و از آتش عطا
فرماید و هفتاد هزار حاجتش را برآرد و مستغرق رحمت گرداند تا از کار
فارغ شود و هر کس قادر بر قضای حاجت مومنی باشد و نکند خدای تعالی
در قبر ماری عظیم بر و مسلط گرداند که او را می گزیده باشد تا روز قیامت
بعد از ان اگر خواهد ببخشد و گرنه عذابش کند و اگر صاحب حاجت او را معذور
ندارد حالش دیگر بدتر باشد و در روایت دیگر آمده که هر کس حاجت مومنی را
از خود یا از دیگری منع کند و قادر بران باشد روز قیامت روی سیاه
ازرق چشم دستها بر گردن بسته محشور شود پس جمیع او را بینند و گویند اینست
که با خدا و رسول خدا خیانت کرده پس در آتش افکنند و هر کس قادر بر اعانت
مومن باشد و نکند مبتلا باعانت دشمنان خدا شود و روز قیامت را معذب
باشد و هر کس را خانه باشد و از مومنی محتاج مضایقه کند خدای تعالی فرماید ای
ملائکه ببینید که بنده من چون در خانه با بنده من بخل ورزید بعزت و جلالم
که هرگز در بهشت مسکن نکند **فصل دوازدهم در رذایل بعضی مناهی و معاصی بر سبیل اجمال**

رب یسر و لا تعسر

مرویست از اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس با حکم و امر خدا استخفاف
و بی اعتنائی کند خدای تعالی روز قیامت با او استخفاف و بی اعتنائی نماید
و خدای تعالی در هر دلی نوری آفریده چون کسی گناهی کند ظلمتی در دلش بهم رسد
اگر توبه کند آن ظلمت زایل شود و همان نور عود کند و اگر همچنان معصیت
می کرده باشد مرتبه بمرتبه ظلمت زیاده شود تا نور را بپوشد و تمام دل سیاه
ظلمانی گردد و چون نعوذ بالله چنین شود هرگز اصلاح نپذیرد و نجات نیابد
و بسا باشد که بنده گناهی کند که خدای تعالی فرماید بعزت خودم که بعد ازین
هرگز ترا نیامرزم و بسا باشد که روز قیامت بنده را بیک گناه صد سال
حبس کنند و اهل و عیال و دوستان خود را بینند که در روضات جنات
مشغول نعمت و عشرت اند و هر کس ترک فریضه یا ارتکاب کبیره کند اطاعت
شیطان کرده باشد و با او در جهنم باشد و هر کس حکم حلال و حرام قرآن
داند و برای محبت و شهوت دنیا مخالفت آن کند مستوجب سخط الهی گردد
و با یهود و نصاری در یک درجه باشد و خانه که در ان معصیت کنند
لازمست بر حق تعالی که آنرا خراب کند و معاصی مورث فقر و حاجت و حرمان
رزق و زوال نعمت و کوتاهی عمر و خرابی بلاد و زلزله و طاعون و قحط

وانقطاع باران وظلمت هوا و سایر مکاره و بلایا شود و موجب علل و امراض
و اوجاع و اسقام و حسرت و ندامت و تسلط اعدا و کم آبی رودها و چشمها
و آفات مزارع و باغها و زیان تجارات و معاملات گردد و رد دعا کند
و بسا باشد که بندهٔ دعا کند و خدای تعالی تقدیر اجابت آن فرماید پس بنده
معصیتی کند و خدای تعالی فرماید بندهٔ من متعرض غضب من گشت و
مستوجب حرمان باشد محروم کنید و قضای حاجتش مکنید و اگر معاصی
شایع شود ابرار و اخیار دعا کنند و مستجاب نگردد و هر بلیه و مصیبت و کدورت
و مشقت که بآدمی رسد بعقوبت گناهانش باشد حتی اگر خاری در پا رود
و یا رگی در بدن جهد با آنکه اکثر گناهان بفضل و رحمت الهی عفو شود
مگر اولیاء الله که بلایای ایشان برای زیادی ثواب و درجات است و چون
خدای تعالی با بنده ارادهٔ خیر و رحمت داشته باشد هرگاه گناهی کند
در عقب آن او را بعقوبت و بلیه خبردار کند تا توبه و استغفار نماید و گناهانش
بیامرزد و اگر با بنده ارادهٔ غضب و عذاب داشته باشد او را استدراج
کند یعنی نعمتهای پیاپی نوازش نماید تا درجه درجه و مرتبه مرتبه گناهش زیاد
شود و مغرور گردد و استغفار و توبه را فراموش کند کسی بحضرت صادق

معروض داشت که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت نمودم و همیشه دعایم مستجاب
شد می ترسم استدراج باشد فرمود و الله که اگر حمد و شکر کنی استدراج
نبود و چون خدای تعالی با بنده نظر رحمت داشته باشد عقوبات
گناهانش در دنیا یا سکرات موت یا در قبر و عالم برزخ بحسب تفاوت
مراتب گناهانش کند تا روز قیامت از گناه پاک باشد حتی اگر غم و هم
و کدورت و اندوهی او را رسد یا خوابی بیند که از آن غمگین شود گناهش را بیامرزد
و اگر با کسی نظر غضب داشته باشد حسناتی که کرده باشد در دنیا بنعمت و صحت
و غیر آن از نیکی مکافات فرماید و عقوبات گناهانش را بقیامت گذارد
و بسا باشد که مومنی گناه عظیم کند که مستوجب عقوبت دنیا و آخرت شود
خدای تعالی برای مصلحت او عقوبت آخرت را نیز در دنیا کند و گاه باشد که
در دنیا تقدیر مصائب و بلایا نموده باشد بعد از آن چون کثرت عبادت
و طاعتش را بیند بر او رحم فرموده مصائب و بلایا را بعد از آنکه مقدر شده
رفع نماید و ثواب بلایا را نیز ذخیرهٔ روز قیامت کند و هیچ گناه را
سهل و حقیر نباید انگاشت مثل آنکه گوید گناه می کنم و بعد از آن استغفار
خواهم کرد یا گوید کاش غیر ازین گناه نمیداشتم یا گوید کاش همه گناهان من

وانقطاع باران وظلمت هوا وسایر مکاره وبلایا شود وموجب علل وامراض
واوجاع واسقام وحسرت وندامت وتسلط اعدا وکم آبی رودها وچشمها
وآفات مزارع وباغها وزیان تجارات ومعاملات گردد ورد دعا کند
وبسا باشد که بندهٔ دعا کند وخدای تعالی تقدیر اجابت آن فرماید پس بنده
معصیتی کند وخدای تعالی فرماید بندهٔ من متعرض غضب من گشت و
مستوجب حرمان باشد محرومش کنید وقضای حاجتش مکنید واگر معاصی
شایع شود ابرار واخیار دعا کنند ومستجاب نگردد وهر بلیه ومصیبت وکدورت
ومشقت که بآدمی رسد بعقوبت گناهانش باشد حتی اگر خاری در پا رود
ویا رگی در بدن جهد با آنکه اکثر گناهان بفضل ورحمت الهی عفو شود
مگر اولیاء الله که بلایای ایشان برای زیادتی ثواب ودرجاتست وچون
خدای تعالی با بنده ارادهٔ خیر ورحمت داشته باشد هرگاه گناهی کند
در عقب آن او را بعقوبتی وبلیه خبردار کند تا توبه واستغفار نماید وگناهانش
بیامرزد واگر با بنده ارادهٔ غضب وعذاب داشته باشد او را استدراج
کند یعنی نعمتهای پیاپی نوازش نماید تا درجه درجه ومرتبه مرتبه گناهش زیاد
شود ومغرور گردد واستغفار وتوبه را فراموش کند کسی بحضرت صادق ع

معروض

معروض داشت که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت نمودم وهمیشه دعایم مستجاب
شدی الحال ترسم استدراج باشد فرمود والله که اگر حمد وشکر کنی استدراج
نبود وچون خدای تعالی با بنده نظر رحمت داشته باشد عقوبات
گناهانش در دنیا یا سکرات موت یا در قبر وعالم برزخ بحسب تفاوت
مراتب گناهانش کند تا روز قیامت از گناه پاک باشد حتی آنکه غم وهم
وکدورت واندوهی او را رسد یا خوابی بیند که از آن غمگین شود گناهش را بیامرزد
واگر با کسی نظر غضب داشته باشد حسناتی که کرده باشد در دنیا بنعمت وصحت
وغیر آن از نیکی مکافات فرماید وعقوبات گناهش را بقیامت گذارد
وبسا باشد که مومنی گناه عظیم کند که مستوجب عقوبت دنیا وآخرت شود
خدای تعالی برای مصلحت او عقوبت آخرت را نیز در دنیا کند وگاه باشد که
او را در دنیا تقدیر مصائب وبلایا نموده باشد بعد از آن چون کثرت عبادت
وطاعتش را بیند بر او رحم فرموده مصائب وبلایا را بعد از آنکه مقدر شده
رفع نماید وثواب بلایا را نیز ذخیرهٔ روز قیامت کند وهیچ گناه را
سهل وحقیر نباید انگاشت مثل آنکه گوید گناه می‌کنم وبعد از آن استغفار
خواهم کرد یا گوید کاش غیر ازین گناه نمی‌داشتم یا گوید کاش همه گناهان من

مثل این بوده باشد یا غیر آن که گناه حقیر انگاشته شود آمرزیده نشود و هیچ
طاعتی مقبول نشود از کسی که اصرار بر معصیت کند و هر صغیره که بر آن اصرار کنند کبیره
شود و خدای تعالی بر هر بنده چهل پرده از رحمت پوشیده که کسی بر گناهان
و عیوبش اطلاع نیابد چون چهل کبیره کند پردها همه برخاسته شود پس خدای تعالی
ملائکه را فرماید که با بالهای خود او را بپوشند و اگر همان معاصی و قبایح میکرده
باشد تا حدی که فعل قبیح کند و آن را احسن پندارد و توقع مدح داشته باشد
فرماید تا ملائکه نیز بالهای خود را از وی بر دارند پس بعد از آن او شروع در بغض و عداوت
اهل بیت نماید و گناه سه قسمت یکی آنکه البته آمرزیده شود و آن گناهیست
که خدای تعالی در دنیا عقوبت آن کرده و کریمتر از آنست که یک گناه را دو مرتبه
عقوبت کند پس در آخرت آن را بیامرزد دوم مظالم عباد اگرچه کسی بظلم دستی
بر کسی زند یا حیوانی شاخ دار بر حیوان بی شاخ کله زند که خدای تعالی البته انتقام
آن بکشد و امید عفو و مغفرت داشته باشد حضرت امام فرمود ما نیز مثل
خود بر خویش می ترسیم و امید مغفرت داریم و با اهل معاصی و در مجلس ایشان
که قادر بر دفع آن نباشد نباید نشست که مبادا غضب و عذاب بر ایشان
نازل شود و او را نیز در آن میان فرو گیرد و حضرت امام به یکی از اصحاب فرمود

ترا در پیش فلانی دیدم آنجا چه میکنی گفت او خالوی منست فرمود او معصیت
خدا می کند یا باید ترک او کنی و پیش او نروی یا ترک ما نمائی و پیش ما آئی
گفت هر گاه آنچه او می کند من نکنم چه ضرر دارد فرمود نمی ترسی که بر وی
غضبی نازل شود و ترا هم با او بگیرد نمیدانی که مردی از اصحاب موسی که پدرش
از قوم فرعون بود چون فرعونیان بموسی رسیدند آمد و ایستاد که پدر
خود را موعظه نموده پیش موسی برد چون بدریا رسیدند آب همه را فرا گرفت
و غرق شدند حتی آنکه خدای تعالی جُعَل را در سوراخ او عذاب کند که چرا از محله اهل
عاصی بیرون نمیرود

فصل سیزدهم در رد بعضی معاصی و مناهی بر سبیل تفصیل

روایتست از اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس را آخرتی و دنیائی
میسر شود و اگر اختیار آخرت کند خدا از وی راضی شود و سیئات اعمالش
بیامرزد و اگر اختیار دنیا کند هیچ حسنه او را نباشد که حجاب او از آتش شود و اول
چیزها که سبب معصیت خدا باشد شش چیز است اول حب دنیا دوم حب ریاست
سوم حب طعام چهارم حب خواب پنجم حب راحت ششم حب نساء و دو گرگ
درنده در گله بی راعی آنقدر ضرر نکنند که محبت دنیا و جاه و شرف و بزرگی
دنیا در دین مومن ملعونست هر کس اهانت دنیا کند و هر کس اراده آن نکند

و هر کس آنرا انجا طرحم کذرانده و هرچه از دنیا زیاده بر قدر کفاف باشد ملعونست
حضرت عیسی علیه السلام بقریه کذشت که همه اهل آن و دواب و طیور و وحوش هلاک کشته
و در مین بکرده افتاده بودند بر بلندی برآمد و ایشانرا آواز داد یکی از
ایشان جواب کفت فرمود اعمال شما چه بود که چنین مبتلا شدید کفت اطاعت
اهل معاصی حب دنیا و طول امل خوف قلیل و غفلت از خدا و شغل لهو و لعب
فرمود عاقبت شما چون شد کفت در عین نعمت و عافیت بودیم ناکاه
خود را در هاویه دیدیم فرمود هاویه چیست کفت کوههای آتش که بر ما افروختند
و هر چند تضرع میکنیم که یکبار دیکر ما را بدنیا برند تا زهد ورزیم و طاعت
کنیم میکویند دروغ میکوئی فرمود چرا دیکری غیر تو جواب نکفت
کفت ایشانرا با آتش لجام کرده اند که تکلم نتوانند کرد و من در میان ایشان
بودم اما از ایشان نبودم مرا بموئی در کنار جهنم آویخته اند نمیدانم که خواهم
افتاد یا نجات خواهم یافت و هر کس مال حرام کسب کند یا لقمه حرام بخورد یا جامه
حرام بپوشد هیچ طاعت از و قبول نشود نه فریضه و نه نافله و بقدر آن وزر
برو نویسند و هرچه از آن مال بعد از و بماند توشه جهنمش باشد و هر کس را مقدور
باشد و از ترس خدا دست بردارد خدای تعالی او را دوست دارد و رحمت

خود شامل او کند و از اهل بهشت کرداند و ترک یک لقمه حرام بهتر است از دو هزار
رکعت نماز و رد یکدانک مال حرام برابر است با هفتاد حج مقبول و خدای تعالی
لعن کرده کسی را که ربا دهد و کسیکه کیرد و کسیکه آنرا نویسد و کسیکه شاهد
بران باشد و ربا هفتاد جزو است و سهلترین آن مثل آنست که کسی با مادر
خود زنا کند در خانه خدا و یکدرهم ربا عظیم تر است از هفتاد زنا که همه
با خویشان مثل عمه و خاله باشد و هیچ عبادت افضل از عفت بطن و فرج نیست
که از حرام حفظ کنی و هر کس از مال یتیم چیزی بخورد بدو عقوبت معذب شود
یکی در دنیا که خدای تعالی ظالمی بر اولادش مسلط کرداند دوم در آخرت
بآتش جهنم و در هیچ خانه خیانت یا دزدی یا زنا یا شرب خمر راه نیابد
مکر آنکه برکت از آنخانه زایل شود و خراب کردد و هر کس مرتکب مسکری
باشد تا چهل روز نمازش مقبول نشود و اکر درین ایام ترک نماز کند عذابش
مضاعف کردد و درین ایام توبه اش مقبول نشود و اکر بمیرد کافر باشد
و اکر یکبار دیکر بیاشامد خدای تعالی از چرک و ریمی که در جهنم از فروج زانیان
می آید باو بیاشاماند و اکر مداومت بر آن کند مثل بت پرست باشد و شراب خوار
روز قیامت روسیاه ازرق چشم دهنش کج شده لعاب دهنش روان کشته

پیشانی بر انگشت پا بسته بمحشر آید بهیأتی که اهل محشر همه از و بترسند و حضرت
پیغمبر ده کس را در شراب لعن فرموده است کسی که تاک را بنشاند و کسیکه
محافظتش کند و کسیکه بفشرد و کسیکه ساقیش باشد و کسیکه برای کسی ببرد و کسیکه
برایش ببرند و کسیکه بایع و مشتری باشد و کسیکه قیمتش را بخورد و فرموده
با شارب الخمر مجالست مکنید و دختر باو مدهید و از و مخواهید و امانت باو
مسپارید و عیادتش مکنید و بر جنازه اش حاضر مشوید کسی از حضرت امام جعفر
صادق ع پرسید که مردی از محبان و موالی شما است اما شراب میخورد فرمود
اگر بمیرد بر و نماز مگذارید و هر کس شراب یا مسکری دیگر داخل عرقی از عروقش
شود خدای تعالی آن عرق را سیصد و شصت نوع عذاب کند و هر کس یک قطره
شراب یا مسکری دیگر بکودکی دهد خدای تعالی او را از حمیم بیاشاماند و حمیم
آبیست در جهنم که چون نزدیک آرند هنوز بر لب نگذاشته از شدت
حرارت او رو و پوست انداز و هر کس یک میل سرمه که شراب یا مسکری دیگر در آن
باشد در چشم کشد روز قیامت میلی از آتش در چشمش کشند و هر کس که ترک شراب کند نه
برای خدا بلکه همین برای مصلحت خود خدای تعالی او را شکر کند و از رحیق مختوم
بنوشاند که شرابیست خاصه از شرابهای بهشت که خدای تعالی سرش را با مشک

مختوم

مختوم ساخته و برای خواص خود مقرر فرموده است و از حضرت امام رضا ع
مرویست که چون سر مطهر حضرت امام حسین ع را بشام می بردند یزید علیه اللعنه
فرمود که آنرا در طشتی گذاشته رو پوشی بر آن انداخته بر روی آن شطرنج
می باخت و فقاع می آشامید و دردی جام را پیش طشت بر زمین میریخت پس هر کس
شیعه ما باشد باید از فقاع و شطرنج اجتناب کند و هر کس را نظرش بر فقاع
و شطرنج افتد بر یزید و آل او لعنت کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه
مثل ستارهٔ آسمان باشد و نیز مرویست که هر شب در ماه مبارک رمضان
خدای تعالی جمعی بسیار را از آتش آزاد کند مگر کسیکه افطار بر مسکری کند یا صاحب
شطرنج باشد یا صاحب بدعتی باشد و هر چه بآن قمار کنند مثل آن بود و شیخ
صدوق محمد بن بابویه رحمه الله تعالی در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته نزد شیعه ثابت است
از شطرنج و داشتن شطرنج کفر است و بازیش شرک و تعلیمش کبیرهٔ موبقه و سلام
بر کسیکه بآن بازی کند معصیت و نظر بر آلات آن مثل نظر بر فرج مادر
و هر چه بآن قمار کنند مثل این باشد حتی بازی انگشتر و گردکان و غیر آن و هر کس
صنج بزند شیطانها او را رفیق شوند و ملائکه بگریزند و از حضرت امام محمد باقر ع
مرویست که وقتی که آدم رحلت نمود ابلیس و قابیل بموت او شماتت نموده با هم

اسباب لهو و لعب اختراع کردند بعد از آن فرمود هر چه از این قبیل باشد که مردم
از آن متلذذ شوند مثل آن بوده در خانهٔ کسی که چهل روز بربط نوازند شیطانی
قفقذ نام بر او مسلط گردد که هر عضوی خود را بر عضوی از او گذارد و در او بدمد
بعد از آن غیرت و حیا از او زایل شود تا حدی که زنانش زنا کنند و پروا نکنند
و خواندن عود و امثال آن نفاق در دل [illegible] چنانکه آب گیاه را احادیث
دیگر روایت شده که نکاح را علانیه کنید و در آن دف بزنید و شنیدن
لهو و غنا نیز نفاق رویاند چنانکه آب گیاه را و اهل آن مجلس از مصیبت ایمن
نباشند و دعاشان مستجاب نشود و خدای تعالی بر ایشان نظر نکند و فرشته
داخل نشود و غنا از جملهٔ چیزهائیست که خدای تعالی فرموده که برای اهل آن
عذاب مهین مهیاست و در بهشت درختیست که خدای تعالی باد را امر کند که آن را
حرکت دهد پس نغمه که هیچ گوشی مثل آن نشنیده باشد مترنم شود برای جمعی که
در دنیا از غنا منزه باشند و کسیکه از آن اجتناب نکرده باشد از شنیدن آن
محروم باشد و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونند و ملعونست کسیکه از کسب ایشان
بخورد و بیع ایشان حرام و شرای ایشان حرام و تعلیمشان کفر و شنیدن از ایشان نفاق
و قیمت ایشان سحت است و حضرت امام محمد باقر ع فرموده که گوش بهر کس کنی عبادت او کرده

باشی اگر حق گوید و از خدا گوید عبادت خدا کرده باشی و اگر باطل گوید و از شیطان
گوید عبادت شیطان و احادیث بسیار نیز در مدح صوت حسن و ترتیل قرآن بصوت
خوش و رخصت ترنم وارد شده مثل اینکه خوب نعمتیست صوت حسن و هیچ پیغمبری
مبعوث نشده مگر با آواز خوش و مثل آن که ائمه علیهم السلام از همهٔ ناس خوش آواز
تر بودند و اگر امام اندکی از حسن صوت خود اظهار کند هیچکس تاب نمی آرد و حضرت
سجاد ع چون تلاوت قرآن میفرمود مترددین از حسن صوت او بیهوش
می افتادند و مثل اینکه قرآن بحزن نازل گشته بحزن تلاوت کنید و در
قراءت قرآن ترجیع صوت کنید که خدای تعالی دوست میدارد صوت
حسن را که ترجیع کنند و حضرت پیغمبر ص فرمود قرآن را با لحان عرب
بخوانید و بالحان اهل فسوق و کبائر مخوانید و بعد از من جمعی بیایند
که قرآن را به ترجیع غنا و نوحه ترجیع کنند دلهای ایشان و جمعیکه ایشان را
خوش دارد برگشته است و کسی از حضرت سجاد سوال نمود از خریدن
جاریهٔ خوش آواز فرمود قصوری ندارد اگر بخری و ترا بیاد بهشت اندازد
و نیز اخبار بسیار وارد شده که باکی نیست در کسب مغنیه که در عروسیها باشد
مشروط بر آنکه مردان بر ایشان وارد نشوند پس از مجموع این احادیث معلوم است

که نغمه دو قسمت یکی مذموم و حرام که غنا است و توعیدات و عقوبات بران
وارد شده دوم ممدوح و حلال که مدائح و رخصت در شان آن آمده اما
در تحقیق معیار حلال و حرام اقوال مختلفه گفته اند اما آنچه این حقیر از ظاهر
قرآن مجید و مجموع احادیث وارده درین باب استنباط نموده این است که
معیار حل و حرمت حق و باطل است یعنی هر نغمه و صوت تصنع و تصرف
که سبب دوری و غفلت از خدا و رغبت بدنیا و هیجان شهوات و لذات
دنیوی و آرزوهای باطل و خیالهای فاسد و مجملا سبب باطلی باشد مذموم و حرام است
و هرچه منشا رقت قلب و اشک چشم و دلسردی از دنیا و شهوات و شوق
بآخرت و باقیات صالحات و مجملا سبب حقی باشد ممدوح و حلال است چنانکه
بعضی از احادیث مذکوره مثل امر بتلاوت قرآن بحزن و بیهوش گشتن
مردم از صوت امام و امر حاجیان عرب و نهی از الحان اهل فسوق و یاد آوردن
بهشت و رخصت کسب مغنیه در عرس و ظاهر قرآن و سایر اخبار بسیار نیز
غیر آنها مشعر است بران از انجمله تعبیر از غنای حرام بلفظ لهو و لغو و قول زور
که در قرآن و احادیث بسیار واقع شده و از انجمله اخبار بسیار که از ائمه
اطهار سوال کردند از غنا فرمودند روز قیامت که خدای تعالی حق و باطل را

ازهم

از هم جدا کند غنا در کدام طرف باشد سائل گفت در طرف باطل فرمودند خود
محاکمه نمودی و از انجمله جمعی از امام از غنا سوال نمودند فرمود شما تقای
کرام باشید شما را با باطل چکار است والله اعلم ثم الراسخون فی العلم و چون
زنا شایع شود موت فجات و اوجاع غریب که قبل از ان در میان ناس نبوده
شایع شود و زانی را خدای تعالی شش عقوبت کند سه در دنیا که نور از
رویش برود و بفقر مبتلا شود و اجلش نزدیک گردد و سه در آخرت
غضب خدا و سختی حساب و خلود در آتش و نیز در روایت که سیصد هزار در
از جهنم بقبرش گشوده شود که شعلهای آتش و عقارب و حیات از
دوزخ آیند و عذابش کنند تا روز قیامت و بعد از ان بدوزخ برند
و چون روز قیامت شود زانیان محشور شوند و بوی در غایت
عفونت از فرج ایشان آید که همه اهل محشر متاذی شوند و هیچکس نماند
مگر که ایشان را لعن کند و هر کس با زنی نامحرم مکالمه کند بهر یک کلمه که گوید
هزار سال در دوزخ محبوس گردد و اگر زن برغبت خود اطاعت کند
هرچه در میان ایشان گذرد گناه هشت مثل گناه مرد باشد و اگر مجبور باشد
گناه او نیز بر مرد نوشته شود و هر کس چشم از نگاه حرام پر کند خدای تعالی

آن چشم را از آتش پر کند و هر کس زنی نامحرم درآویزد او را با شیطان در زنجیر
آتش کشند پس در آتش اندازند و هر کس از زنان مردم عفیف نباشد مردم نیز از
عقب زنان او در روند و بهر نحو با مردم معامله کنند با او چنان معامله کنند و حضرت
پیغمبر فرمود با فلان طائفه تزویج کنید که مردانشان عفیف و زنانشان نیز
چنانند و هر کس نظر بر زنی نامحرم افتد و چشم از او بگرداند هنوز چشم بر هم نزده
باشد که خدای تعالی او را ایمانی عطا فرماید که لذتش دریابد و از حور
العین برایش تزویج نماید و هر کس لواطه کند با زنی حرام یا با مردی هیچ فریضه
و نافله از او مقبول نشود و از عفونت رائحهٔ او اهل محشر متأذی باشند و کافر
باشد و بر استبرق و حریر بهشت ننشیند کسیکه با او لواطه کنند و هر کس یک
کس را عمدا بناحق بکشد چنانست که جمیع ناس را کشته باشد و جزایش جهنم
بود و خدای تعالی مقتول را از همه گناهان پاک کند و همه را بر قاتل نویسد
و سرکش‌ترین مردم از خدای کسیست که کسی را بناحق بکشد یا بزند و اگر اهل
سموات و ارض در قتل مسلم شریک باشند و بآن راضی باشند خدای تعالی همه را
سرازیر در دوزخ افکند و هر کس بکلمهٔ اعانت قتل مسلمی کند روز قیامت مقتول
از او مطالبهٔ خون خود کند و هر کس با مؤمنی در حاجتش رفاقت کند و خیر او را دران

ملاحظه نکند با خدا و رسول و ائمه اطهار صلوات الله علیهم خیانت کرده باشد
و ایشان روز قیامت با او مخاصمت کنند و هر کس مباشر کاری برای مؤمنان
شود و آنرا ضایع کند خدای تعالی او را ضایع کند و هر کس والی و امیر جمعی شود
اگرچه همین دو کس باشند و میان ایشان عدل نکند روز قیامت سر و دست
و پا بسته در سوراخ ماسی(؟) کرده بمحشرش آرند و هر والی که از رعیت
و حوائج ایشان رو پنهان کند خدای تعالی روز قیامت از او و از حوائجش
اعراض کند و اگر در کارسازی ایشان هدیه بگیرد خیانت کرده باشد
و اگر در حکم حق میانشان رشوه بگیرد مشرک باشد و اول کسیکه داخل
جهنم شود پادشاه و حاکمیست که با رعیت عدالت نکند و صاحب مالی که
حق مال ادا نکند و فقیری که فاجر باشد و هر کس بکسی ظلم کند خدای تعالی
او را بران در نفس یا در مال یا در ملک یا در ولد و ولد ولدش مؤاخذه
نماید و ظلم در دنیا ظلماتست در آخرت و صراط بلیتیست که هیچکس با مظلمه
از آن نتوان گذشت و هر کس مال کسی بظلم و غصب بگیرد خدای تعالی
از او روی رحمت بگرداند و هیچ طاعت و حسنه از او قبول نفرماید و در نامهٔ
عملش ثبت نکند تا آنکه توبه کند و هر کس ظالمی را در ظلم معذور دارد و حمایت

کند خدای تعالی ظالمی را بر او مسلط گرداند و درین حال که مظلوم باشد دعایش
مستجاب نشود و در آن ظلمی که بر وی میشود اجر نداشته باشد و هر کس اعانت ظالمی
کند در کشتن کسی شریک باشد و با او محشور شود حتی که لیقه در دواتش کند
یا مدد قلمی برایش نویسد یا سر کیسه بند کند و کسی که راضی بظلم باشد مثل ظالم بود
و خدای تعالی در زمان پادشاهی جبار به پیغمبری وحی کرد که باین پادشاه بگو که
من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم بریزی و مال شان بگیری بلکه ملک بتو
داده ام که بداد مظلومان رسی من از مظلمهٔ ایشان نخواهم گذشت اگرچه کافر
باشند و هر کس سلطانی را بر جور دلالت کند یا ظالمی را متولی ظلم گرداند در
دوزخ قرین هامان باشد و هر کس صبح برخیزد و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد
گناهان آن روزش آمرزیده شود و هر کس با مخالفان و ظالمان مقاربت کند
و ملازمت نماید از خدای تعالی دور شود و هر چند با ایشان نزدیکتر از خدا
دورتر باشد و خدای تعالی ورع از دلش بیرون برد و حیرانش گرداند
و حضرت صادق ع فرمود حقست بر خدای تعالی که شما را در آخرت با کسی رفیق
گرداند که زندگانی با او کرده اید و کسی از آنحضرت پرسید که شیعیان از
پریشانی گاهی کار میکنند مثل بنای عمارت و حفر نهر و باغبانی برای مخالفین

فرمود

فرمود اگر تمام مدینه را بمن دهند که برای ایشان سر کیسه بندم و مدد قلمی بنویسم
که اعوان ظالمین روز قیامت در سراپرده های آتش باشند تا وقتی که خدای تعالی
میان عباد حکم کند و هر کس صاحب سلطنتی را برای طمع مدح کند در جهنم قرین
او باشد و هر کس پیش صاحب سلطنتی یا مخالفی در دین برای طمع تذلل
و افتادگی کند خدای تعالی او را ذلیل گرداند و برکت از وی بردارد
و اگر با آن مال حج یا عتق رقبه یا سائر وجوه بر کند اجر نیابد از آبای ایشان
علیهم السلام روایات که اگر از مخالفین و اهل جور مالی بکسی رسد بی آنکه
او در آن سعی و تدلیس کند حلال باشد و روایت دیگر آمده که مالی از ایشان
بهر نحو بدست آید خمس آن از آن فقرای شیعه بدهید تتمه بر شما حلال باشد
و کسی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع معروض داشت که مدتی در دیوان مخالفین
حکومت کرده ام هیچ کفاره داشته باشد فرمودند نه تا حق هر کس را بصاحبش
نرسانی و کسی بحضرت امام جعفر صادق ع عرض نمود که من در دیوان بنی امیه
مدتی نویسنده بوده ام و مال بسیار از آن بدستم آمده که چشم از ما حدش
پوشیده ام فرمود اگر ایشان نویسنده و خدم و حشم نیابند کی بر ایشان دست
یابند و حق ما را غصب کنند گفت پس از آنچه کرده ام مخرجی داشته باشم فرمود

اگر بگویم میکنی گفت بلی فرمود از هرچه در این عمل تحصیل کرده بیرون آی هر کس را
می شناسی حقش را بده و هر کرا نمی شناسی برایش تصدق کن من برای تو ضامن
بهشت می شوم پس آمد و رفت چنان کرد حتی لباسی که در بدن داشت بیرون کرد
تا آنکه آشنایان در میان خود برایش قوت و لباسی جمع کردند و اندک
وقتی بعد از آن بیمار شد یکی از اصحاب آنحضرت گوید بعیادتش رفتم چشم باز
کرد و گفت والله که آنحضرت بوعدهٔ خود وفا نمود و رحلت کرد
پس بخدمت آنحضرت رفتم همین که مرا دید فرمود که والله که بوعدهٔ فلانی
وفا کردم و هم از ایشان علیهم السلام روایات آمده که اگر کسی بملازمت ملاعین
و ظالمین مبتلا شود کفاره اش آنست که قضای حاجت مؤمنین و دفع ظلم از ایشان
و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه در برابر سیئه باشد و چون ترک امر معروف
و نهی منکر شایع شود خدای تعالی با ایشان محاربه کند و چون کیل و وزن نقصان
کنند بفقر و قحط و جور سلطان مبتلا شوند و چون زکوة قطع کنند زمین منع
خیرات و برکات خود کند مثل زرع و اثمار و معادن و چون قطع ارحام کنند
اموال بدست اشرار منتقل شود و هر کس صورت حیوانی بسازد در روز قیامت
خدای تعالی عذابش فرماید که در آن صورت روح بدهد و نتواند و فرقی که

میان سایه دارد و غیر آن مشهور است اصلش در حدیث معلوم نیست و هر کس غضب
برو مستولی باشد زیور اسلام ازو منخلع بود و باعراب جاهلیه محشور شود و هر کس
نگاهی از روی غضب بمؤمنی کند که او را بترساند خدای تعالی بغضب خود
او را بترساند و هر کس یکذره کبر در دلش باشد داخل بهشت نشود و متکبران
روز قیامت بصورت مور محشور شوند و اهل محشر پا بر ایشان گذارند
و پایمال باشند تا خدای تعالی از حساب خلایق فارغ شود و در جهنم
موضعیست برای متکبران که سقر نام است از شدت حرارت شکایت
کرد و اذن خواسته نفسی کشید از نفس او تمام جهنم سوخت و بغی هر کس
صاحب خود را می کشد تا بجهنم ابلیس بجنود خود گفت بغی و حسد در میان
انسان افکنید که برابر است با شرک و هیچ چیز بغی زیادتی نکند مگر آنکه
خدای تعالی ذلیلش گرداند و حسد ایمان را بسوزد چنانکه آتش هیمه را و هر کس
بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد با کفار جاهلیه محشور شود و هر کس تعصب
کند ربقهٔ ایمان از گردنش منخلع شود و آفت حسب افتخار است روزی کسی
خدمت حضرت امام محمد باقر ع میگفت من فلانم و صاحب حسب عالی و در قوم خود
بزرگ و عزیزم فرمود چه منت حسب می نهی بر ما خدای تعالی بایمان بلند گردانیده

هر که مومن باشند و بکفر ذلیل گردانیده و هر که کافر باشد و هیچکس را بر کسی فضلی نبود
مگر بتقوی و هر کس با مردم دو روی و دو زبان باشد روز قیامت او را دو زبان
از آتش باشد و حضرت امیر المومنین ع فرمود اگر نه مکر و خدعه در جهنم می بود
من از همه کس مکارتر بودم مرویست که همین عیب بس است آدمی را که عیوب
مردم را بیند و از عیوب خود چشم پوشد و عیب کند دیگری را بر صفتی که
خود ترک آن نتواند و همنشین را بی سبب برنجاند و نزدیکترین صفات
بکفر آنست که عیوب و خطاهای مومن را حفظ کنی تا روزی بران سرزنش
و تعییرش کنی و هر کس در پی عیوب مسلمین باشد خدای تعالی در پی عیوب او
باشد تا رسوایش کند و حضرت پیغمبر فرموده جمعی عیوب بسیار داشتند
چون از عیوب مردم خاموش بودند خدای تعالی مردم را از عیوب ایشان
خاموش گردانید تا آنکه مردند و عیبی از ایشان در میان مردم نبود و جمعی دیگر
هیچ عیب نداشتند و عیب گوئی مردم میکردند خدای تعالی عیبهای ایشان
اظهار فرمود که بر زبانهای مردم افتاد تا از دنیا رفتند و هر کسی بدی
و معصیتی از کسی افشا کند چنانست که خود آنرا کرده باشد و هر کس مومنی را
بر عیبی سرزنش کند از دنیا نرود تا خود بآن مبتلا شود و خدای تعالی

در دنیا و آخرت او را سرزنش کند مرویست که مومن از نور عظمت و جلال خدا
مخلوق گشته هر کس او را طعن و رد کند بر خدا کرده باشد و شریک شیطان باشد
و مرویست که اگر کسی غیر مومن را طعن کند ببدترین وجهی بمیرد و هر کس از مومن
چیزی روایت کند که باعث خفت او باشد در نظرها خدای تعالی او را
از ولایت خود بیرون کند بولایت شیطان و شیطان نیز قبولش نکند
و هر کس در مصیبت مومن شماتت کند از دنیا نرود تا بآن مبتلا شود
و هر کس مومنی را غیبت کند چنانست که گوشت میته او را بخورد در روز قیامت
از دهنش بوئی بیرون آید بدتر از بوی جیفه که اهل محشر همه از آن
متاذی شوند و از جمله آنان باشند که خدای تعالی فرموده جمعی که میخواهند
معصیت در میان مومنان شایع شود بعذاب الیم معذب باشند و هر کس غیبت
مومن را بشنود و قادر بر اعانت آن باشد و نکند خدای تعالی در دنیا
و آخرت ذلیلش گرداند و اعانتش نکند و گناهش هفتاد مرتبه مثل کسی باشد
که غیبت کرده و اگر اعانتش کند و غیبت را از او دفع نماید خدای تعالی
هزار نوع بدی در دنیا و آخرت از او دفع نماید و از آتش آزادش گرداند
و غیبت آنست که صفتی را که در او باشد و او خود پنهان دارد و مردم ندانند

که وکر کنند و اگر خود پنهان ندارد غیبت نباشد و اگر آن صفت درو نباشد
بهتان باشد و هر کس مؤمن یا مؤمنه را بهتان کند روز قیامت بر سر تلی از آتش
نگاهش دارند آنقدر که از گناه پاک شود و بهشت حرام است بر کسیکه عیب
مومنان گوید و سخن چینی کند تا میان ایشان فتنه انگیزی کند جبار کس را بجهنم برند
و از حمیم جهنم بیاشامانند که اهل جهنم از ناله و فغان ایشان زاری کنند و گویند
اینان چه کسانند که ما را با این همه عذاب آزار می‌کنند پس ایشان گویند آنکه در
تابوت آتش آویخته است کسی است که اموال مردم بر گردنش بود و ادا نکرد و اراده
کردن هم نداشته و آنکه رودهایش کنده و روان گشته از بول اجتناب
و مبالات نمیکرد و آنکه چرک و خون از دهنش روانست سخن مردم حکایت
میکرد و میان ایشان فتنه می‌انگیخت و آنکه گوشت خود را میخورد غیبت
و نمامی میکرد و هر کس مومنی را از حاکم بترساند و از آن حاکم ضرری باو نرسد
جزایش جهنم باشد و اگر ضرر رسد با فرعون و آل فرعون در جهنم باشد و اگر
تازیانه بر مومنی زند خدای تعالی تازیانهٔ آتش برو زند و اگر طپانچه زند
روز قیامت عضایش از هم جدا گشته غل بر دستهایش گذاشته محشور شود و
بجهنم رود مگر آنکه توبه کند و هر کس تازیانه یا چوبی در دست گیرد و پیش حاکم

جائر

جائر بایستد خدای تعالی آن را اژدهائی کند که طولش هفتاد ذراع باشد
و روز قیامت برو مسلط شود و خدای تعالی فرموده هر کس متعرض قسمهای
دروغ شود از رحمت من بی نصیب باشد و هیچکس را نرسد که قسم بغیر خدای تعالی
خورد و قسم بخدای تعالی نیز برای هر مطلب سهل اگرچه راست باشد
نشاید خورد که موجب استخفاف بعظمت آن جناب تعالی عزوجل گردد
و هر کس حق مومنی را حبس کند و بی عذر تاخیر کند برکت رزق برو
حرام شود و هر یکروز که تاخیر کند مثل وزر عشاری برو نویسند و روز
قیامت پانصد سال او را برپای دارند تا رودها از عرقش روان
شود و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق مومن را حبس کرده پس چهل روز
توبیخش کنند پس بآتشش امر فرمایند و هر کس نیت ادای دین نداشته باشد
مثل دزد و حرامی بود و همچنین کسیکه ترک زکوة کند و کسیکه مهر زن را
ببرد و کسیکه نیت ادای دین داشته باشد دو ملک از جانب خدا برو
موکل شوند که محافظتش کنند و اعانتش نمایند و اگر نیتش از ادای دین
کوتاهی کند ملکین نیز بقدر آن در اعانتش کوتاهی کنند و چون کسی
در راه خدا کشته شود قطرهٔ اول که از خونش ریزد کفاره همه گناهانش

باشد مگر دین که کفاره ندارد مگر ادای آن یا آنکه صاحب حق حلال کند یا کسی
بعهدهٔ خود گیرد و صاحب حق راضی آن شود و هر صاحب دینی که طلبکارش
از پیش او راضی برگردد آب زمین و ماهی دریا بر و صلوة فرستند
واگر آزرده برگردد و حال آنکه قادر باشد هر شبانه روز که حق او را
حبس کند ظلمی بر و نوشته شود و رضای طلبکار رهینست که اگر مقدور
باشد حقش را ادا کند و اگر مقدور نباشد بی تهمت و همواری
عذرخواهی کند و هر کس که اجیر در اجرتش ظلم کند بوی بهشت بر و
حرام شود و هر کس اجیر را از نماز جمعه منع کند گناهش بر و باشد و اگر
مانعش نشود در ثوابش شریک باشد و در دادن اجرت تعجیل باید
نمود مرویست که هنوز عرقش خشک نشده باشد که اجرتش را بدهید
و پیش از آنکه اجرتش را مقاطعه کند کار نباید فرمود هر چند گوید
هر چه بدهید راضیم و مضایقه ندارم و تاکید بلیغ درین وارد شده
و هر کس شهادت ناحق دهد با منافقین در درک اسفل جهنم زبانش را آویزند
و هر کس کتمان شهادت کند خدای تعالی در میان اهل محشر گوشتش را و
بخوراند و زبان خود را میخاییده باشد تا بجهنم رود و خوردن گل مورث

حکایت

حکمت و تهییج سودا کند و قوت ساق و قدم ببرد و از عباداتی که پیش
ازین میکرد هر چه درین وقت بسبب ضعف نقصان یابد بران حساب
و عذاب نکنند و هر کس در معصیت خالق اطاعت مخلوق کند و رضای او
جوید از دین خدا بیرون رود و خدای تعالی چنان کند که هر کس مدحش
میکرده مذمتش کند و مومن گناه کند بهترست از آنکه بعمل و عبادت
عجب ورزد و اگر نه چنین بودی خدای تعالی هرگز بگناه مومن را مبتلا نکردی
و حضرت امام فرمود که عابدی و فاسقی باهم بمسجد رفتند چون بیرون آمدند
عابد فاسق و فاسق صدیق بود زیرا که عابد بعبادت خود مغرور و معجب
و فاسق از معصیت خود ترسان و پشیمان بود و استغفار می نمود و نیز
فرموده عالمی از عابدی پرسید که عبادت تو چونست گفت کسی از مثل
منی سوال عبادت کند من چندین سالست عبادت میکنم پرسید که گریه ات
چونست گفت اشک از چشمم روانست عالم گفت اگر خندان و ترسان می بودی
بهتر از آن بود که مشعوف و گریان باشی که چون کسی بعمل خود مشعوف و از خود
راضی باشد هیچ عمل از و مقبول نشود و این بود ذکر معاصی و رذایل آن و بعضی
نیز در فصول سابقه گذشت و بعضی نیز در مباحث خود انشاء الله بیاید

نعوذ برحمة الله من جميعها **فصل چهاردهم در دوای معصیت و سیئات** مرویست
از اهل بیت طاهرین ع که هر علتی را دوائیست و دوای ذنوب استغفارست
و استغفار بهترین دعاهاست که گناهان را بریزد مثل برگ از درخت و هر کس
استغفار بسیار کند نامهٔ عملش نورانی و درخشان بالا برند خوشا کسی که
روز قیامت در نامهٔ عملش در پای گناهی استغفاری باشد کسی بحضرت امام
محمد باقر ع عرض نمود که مرا چیزی تعلیم فرمای که چون بآن عمل کنم در دنیا
و آخرت با شما باشم فرمود ابتوبه از گناه بسیار بخوان و لب را باستغفار
تر و تازه دار و نیز از ایشان علیهم السلام مرویست که هیچ شفیعی بهتر از توبه
نیست کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد و کسی که
توبه نصوح کند یعنی بعد از توبه دیگر رجوع بگناه نکند و اگر نادر خطائی
صادر شود باز توبه کند و بر گناه مصر نباشد خدای تعالی او را دوست
دارد و برحمت خود بپوشد و گناهش را از یاد ملکین بیرون برد و باعضاش
و بمکانی که گناه کرده امر فرماید تا گناهش را پوشیده دارد تا روز
قیامت هیچ چیز شهادت بر گناه او ندهد و اگر بر گناه مصر باشد و ترک
نکند و استغفار می کرده باشد چنانست که بخدای تعالی استهزا کند خدای تعالی

سه نعمت

سه نعمت بتوبه کنندگان عطا فرموده که اگر یکی از آنها بتمام اهل آسمان و زمین عطا
فرمودی همه نجات می یافتند یکی آنکه ایشان را دوست داشته و هر کس را
خدا دوست دارد عذاب نکند دوم ملائکه و حملهٔ عرش را فرموده برای
ایشان استغفار کنند و دعای ایشان را البته اجابت فرماید سیم آنکه وعده
فرموده که سیئات ایشان را بحسنات بدل فرماید و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هر کس را گناهی معقد و رشود پس خدا را بیاد آرد و از ملائکه
کرام الکاتبین شرم کند و آنرا ترک کند گناهش آمرزیده شود اگر چه مثل گناه
تمام جن و انس باشد و هر کس معصیتی کند پس در دل از خدای بترسد و بداند
که خدا را قدرتست بر عقوبت گناهش را بیامرزد پیش از آنکه استغفار کند و چون
مومن گناه کند آنرا فراموش نکند اگر چه بعد از بیست سال باشد بیاد آرد
و استغفار کند آمرزیده شود و چون کافر گناه کند پروا از آن نکند و
فراموش کند و حضرت صادق ع فرمود گاه باشد که خدای تعالی بگناه بنده را
بهشت برد کسی پرسید یا حضرت چون شود که گناه موجب بهشت شود فرمود
که گناه کند و پشیمان شود و همیشه ترسان باشد و با خود دشمن شود و خود را
عتاب و توبیخ کند پس خدای تعالی بر او ترحم فرماید و بهشت برد و هم از ایشان ع

و روایت که هر چیز کیل و وزنی دارد مگر گریه که یک قطرهٔ اشک دریاهای آتش را
فرو نشاند و اگر کسی بر امتی گریه کند خدای تعالی بگریهٔ او بر آن امت رحم فرماید
و اگر اشک در چشم بر سود غبار مذلت بر آن رو ننشیند و اگر روان
شود خدای تعالی بدنش را بر آتش حرام کند و بهر یکقطره مثل کوه احد جو
کرامت فرماید و بهر قطره در بهشت چشمهٔ آب عطا نماید که در اطراف آن شهرها و قصرها
باشد که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچکس نگذشته باشد و هیچ
قطرهٔ پیش خدا دوست تر از دو قطره نیست قطرهٔ خونی که در راه او بریزد و قطرهٔ
اشکی که در شب تاریک از ترس او بچکد هر چشمی روز قیامت گریان باشد مگر
سه چشم چشمی که از ترس خدا گریسته باشد و چشمی که در طاعت او بیخوابی کشیده
و چشمی که از حرام پوشیده باشد و چشمی که از ترس خدا گریند مقام ایشان
در رفیع اعلی باشد که هیچکس با ایشان در آنجا شریک نبود حضرت پیغمبر صلی الله
بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود یا علی چند
چیز ترا وصیت میکنم محافظت نمای و از آنجمله فرمود از ترس خدا گریه بسیار
کن که بهر قطره هزار خانه در بهشت عطا فرماید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
که اگر کسی شبانه روزی چهل کبیره از وصادر شود و چون پشیمان شود

بگوید

بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السموات
والارض ذو الجلال والاکرام واسئله ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان یتوب علی همه گناهانش آمرزیده شود و خیری نیست در کسیکه
یکروز زیاده از چهل کبیره کند و اگر کسی صد مرتبه استغفر الله بگوید هفتصد
گناهش آمرزیده شود و کسیکه هر روز زیاده از هفتصد گناه کند خیری
در و نبود و نیز مرویست که هر کس بگوید استغفر الله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم واتوب الیه گناهش آمرزیده شود و اگر چه
فرار از زحف نموده باشد یعنی از جهاد گریخته باشد که از اعظم کبائر است
و نیز مرویست که هر کس بگوید اللهم اغفر لی ذنبی انه لا یغفر
الذنوب الا انت خدای تعالی فرماید ای ملائکه بندهٔ من میداند که گنا
هانش را غیر من کسی نیامرزد گواه باشید که او را آمرزیدم و کسی در
خدمت حضرت پیغمبر از بسیاری گناه شکایت کرد فرمود سجده بسیار کن
که سجده گناه را بریزد چنانکه برگ از درخت و روایت دیگر آمده که
بیک سجده خطیئه محو شود و درجه بلند گردد و مرویست که کسی در حضور
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه گفت استغفر الله آنحضرت فرمود

مادرت بر تو بگرید هیچ میدانی استغفار کدامست استغفار شش شرط دارد
اول آنکه از کرده پشیمان باشی دوم آنکه عزم داشته باشی که دیگر رجوع
نکنی سوم آنکه حقوق مردم را ادا نمائی تا هیچ کس پیش تو مظلمه نباشد چهارم
آنکه هر فریضه که در آن تقصیر کرده تلافی کنی پنجم آنکه گوشتی که از حرام در بدنت
رسته بغم و اندوه بگدازی تا پوست بر استخوان چسپد و در میان
گوشت تازه بروید ششم آنکه بدن را الم و مشقت طاعت بچشانی چنانکه
لذت و راحت معصیت چشانیده چون باین شرط عمل کنی استغفار کرده
باشی و باید دانست که اگر گناه حق الناس باشد استغفار و توبه تنها
کافی نبود چنانکه چند حدیث باین معنی در فصل سابق گذشت و فرموده‌اند که
اموال مردم کفاره ندارد مگر آنکه هر کرا می‌شناسی حقش را برسانی
و هر کرا نمی‌شناسی از جانب او تصدق کنی و نیز کسی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که اگر کسی با جاریهٔ دیگری زنا کند توبه‌اش چیست فرمود آنکه
دیگر این عمل نکند و از صاحب جاریه معذرت خواهد و التماس کند که او را
حلال نماید گفت اگر حلال نکند چون باشد فرمود زانی و خائن باشد گفت
پس بجهنم خواهد رفت فرمود شفاعت حضرت پیغمبر و شفاعت با بهمه گناهان

تمام

تمام وفا کند اما تکیه بر شفاعت نکنند که چون کسی این عمل کند والله که
تا الم عذاب و هول جهنم نه بیند شفاعت او را در نیابد و امثال این
احادیث بسیار روایت شده و نیز مرویست که اگر کسی تلافی ظلمی که
کرده نتواند برای مظلوم استغفار و طلب آمرزش کند کفاره آن
باشد و اگر کسی را غیبت کرده باشد هر مرتبه که بخاطر رسد برای او
استغفار کند کفارهٔ آن باشد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود وای بر
کسی که طلب توبه کند و دستش بآن نرسد بهتر که ترک گناه کنی و از بیم رد توبه
فارغ شوی لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ باب دوم
در تنظیف بدن و جامه از کثافات و انجاسات ظاهری و تطهیر جسد
و دل از کدورات و احداثات باطنی و این مجموع انشاء الله تعالی
الکریم در ده فصل بیان شود فصل اول در فضیلت نظافت از حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود پاک کنید جامه و بدن را
از بوهای بد که خدا [illegible] دشمن دارد کثافت و بوی بد را و نیز فرموده
شستن جامه اندوه دلگیری می برد و جامه را برای نماز پاک می کند و از
اهل بیت طهارت صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که پاک کردن جامه

وبدن از کثافت از جمله اخلاق انبیاست **فصل دوم در آداب حمام رفتن**
و آنچه بجا باید آوردن از اهل بیت عصمت علیهم السلام مرویست که چون
داخل حمام شوی پای چپ پیش گذار و بسم الله بگوی و بگوی اعوذ
بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم و هر کاری
که در حمام یا غیر حمام کنی از نشستن و برخاستن و غیر آن هرچه باشد بسم الله
بگوی تا از شرکت شیطان ایمن شوی و در وقت غروب آفتاب و میان
نماز شام و خفتن بحمام نباید رفت که شیاطین درین دو وقت
در زمین متفرق باشند و چون جامه بیرون کنی بگوی اللهم
انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان و [illegible] ازار
بستن تا عورت پوشیده باشد از حضرت رسالت مرویست که
هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید بی ازار داخل حمام نشود
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت شده که چون برهنه
شوید عورت را بپوشید تا شیطان نظر نکند و طمع ننماید و چون بخانه اول
حمام روی بگوی اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ
بک من اذاه و چون بخانه دوم روی بگوی اللهم اذهب

عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی و قدری آب گرم برگیرد
و قدری نیز بر پای ریزد و اگر تواند جرعه بنوشد که مثانه را پاک سازد
و درین خانه اندکی توقف کند و چون بخانه سوم روی بگوی نعوذ
بالله من النار و نسئله الجنة و تا هنگامی که در حمام باشی مکرر
همین دعا بگوی و در حمام آب سرد ننوشد که معده را فاسد گرداند و سفال
بر بدن نمالد که پیسی می آرد و بر پای نمالد که مورث جذام باشد و فوطه
در حمام بر روی نمالد که آب رو میبرد و گل مصر بر سر نمالد که بی غیرت
و دیوث کند و در حوضی که مظنه آمدن مخالفین مذهب و زنا کنندگان
و امثال ایشان باشد نرود که باعث جذام شود و شانه بر موی نزند که موی
تنک شود و بدن را کیسه و مانند آن پاک کند و یکروز در میان بحمام رفتن
بدن را فربه کند و هر روز رفتن مورث سل باشد و بی فوطه قرآن نخواند
اما اگر عورت پوشیده باشد قصوری ندارد و بی فوطه بآب نرود
که در آب ملائکه باشند و چون خواهد بحمام رود اندک چیزی تناول کند
که صفرا و حرارت غلبه نکند اما شکم پر نباشد که فراخ او بدن ضعیف شود و گاه
باشد که بیم هلاک باشد و نظر بر عورت مسلمانان نکند و فوطه نگشاید که مردم عورت

او را به بیند که این هر دو ملعون باشند و فرزند با پدر بحمام رود که مبادا عورت
او را به بیند و در حمام مسواک نکند که دندان ضعیف و بعقوبت شود و مستحب است
نوره نهادن و تاکید بسیار دران وارد شده که شیطان را دور کند
و آفات و امراض دفع نماید و بدن از کثافت و چرک و بوی بد پاک شود
و از جملهٔ اخلاق انبیاست و سنت است که هر دو هفته نوره بکار برد و یک هفته
و سه روز نیز روایات بسیار شده و اگر چهل روز بگذرد و پول نداشته
باشد قرض کند که ادای آن قرض بر خدای تعالی است و زیاده از یکماه ترک
نوره نباید کرد که فضل و ثواب نماز بسیار کم شود تا انکه گویا نماز نکرده باشد و
در روایت شده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی ظهار را
یک هفته بیشتر نگذارد و در روایت دیگر آمده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت
دارد موی ظهار را بیش از چهل روز نگذارد و زنان زیاده از بیست روز نگذارند
و زیر بغل را باشد و اگر نوره گذارد افضل باشد و کندن آن چشم و شانه را
ضعیف کند و موی بغل را دراز نکند که شیطان دران پنهان شود و چون
خواهد نوره بکار برد اول انگشت بردارد و ببوید و بر سر بینی گذارد و بگوید
اللّٰهُمَّ ارْحَمْ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ كَمَا أَمَرَ بِالنُّورَةِ، بدزا نوره

وچون

وچون نوره گذارد و بگوید اللّٰهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّي وَطَهِّرْ مَا طَابَ
وَأَبْدِلْنِي شَعْرًا لَا يَعْصِيكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ
الْمُرْسَلِينَ وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَعْرِي وَبَشَرِي
عَلَى النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِي وَطَيِّبْ خُلُقِي وَزَكِّ عَمَلِي وَاجْعَلْنِي
مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ
وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَبِيبِكَ وَرَسُولِكَ
عَامِلًا بِشَرَائِعِكَ تَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ آخِذًا بِهِ مُتَأَدِّبًا
بِحُسْنِ تَأْدِيبِكَ وَتَأْدِيبِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ غَذَوْتَهُمْ بِأَدَبِكَ
وَزَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِكَ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ چون این دعا بخواند پاک کرداند خدای تعالی او را در
دنیا از کدورتهای و عیبها و گناهها و بدل کند موی او را بموئی که گناه
نکند و بعدد هر موئی که در بدن او باشد فرشته بیافریند که خدای را
تسبیح کنند تا روز قیامت و ثواب آن همه از آنکس باشد و هر یک تسبیح ملائکه
برابر است با هزار تسبیح اهل زمین و تا مدتی که نوره در بدن داشته باشد
بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله که بدن نوره و روز چهارشنبه

نوره بکند از دکه روزی نحس است و هم برص باشد و روز جمعه نیز در حدیث آمده
که نوره کشیدن موجب پیسی شود اما حدیثی دیگر آمده که روز جمعه نوره طهور است
و کدام طهور بهتر از نوره است اما حدیثی دیگر آمده که بعد از نوره خار بدن
بمالد دفع مضرت آن بکند و چون نوره در بدن باشد نشاید نشستن که علت
فتق بهم رسد و بعد از نوره بدن را از سر تا پا حنا بمالد و ابتدا از سر نماید
که حنا بعد از نوره دفع پریشانی می کند و دفع دیوانگی و پیسی و جذام بکند
و بوی عرق ببرد و دفع علت اکله نماید و اکله بفتح الف خمت که در
هر عضو که حادث شود گوشت آن عضو را بجوزد و بکسر الف خارید
گویند و امام داند که درین مقام کدام مراد باشد و مستحب است در هر هفته سر تراشیدن
و موی را از بیخ باید گرفت که چرک و شپش کم شود و گردن قوی گردد
و چشم جلا یابد و جمال بیفزاید و ابتدا از پیش سر از جانب راست نماید و بگوید
بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله
اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة و چون فارغ شود
بگوید اللهم زینی بالتقوی و جنبنی الردی هر هفته با خطمی سر
بشوید که امانست از پیسی و دیوانگی و دفع پریشانی کند و روزی زیاد شود

وکثا

وکثافت پاک کند و مرویست که هر کس در روز جمعه شارب بگیرد و ناخن بچیند
و سر بخطمی بشوید همچنانست که بنده آزاد کرده باشد و با برگ سدر سر بشوید
که دلگیری ببرد و روزی بیفزاید و خدای تعالی هفتاد روز وسوسه شیطان
از او ببرد و هر کس وسوسه شیطان هفتاد روز از او دور شود گناه نکند
و هر کس گناه نکند ببهشت رود و چون از حمام بیرون آید آب سرد بر پایی ریزد
که کوفت و ماندگی ببرد و سر را بپوشد خواه زمستان و خواه تابستان که امانست
از درد سر و چون جامه بپوشد بگوید اللهم البسنی التقوی و جنبنی
الردی و اول پیراهن بپوشد و چون زیر جامه بپوشد بگوید اللهم استر
عورتی و اعف فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
و لا له الی ذلک وصولا فیصنع فی المکاید و یهیجنی لارتکاب
محارمک و ایستاده زیر جامه نپوشد که مورث غم باشد و رو بقبله و نشسته
بپوشد و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتری در دست کند بگوید اللهم سومنی
بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام
و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و چون کسی که از حمام بیرون آمده
باشد تحیت کنی بگوی طهر ما طاب منک و طاب ما طهر منک

و اگر کسی ترا تحیت کند بگوی أنعم الله بالک **فصل سوم در فضیلت شارب گرفتن**
و ناخن چیدن و آداب آن ماثور است از اهل بیت طاهرین که هر جمعه شارب
گرفتن و ناخن چیدن امانست از دیوانگی و پیسی و جذام و رفع پریشانی کند
و روزی بیفزاید و تا جمعه دیگر پاکیزه باشد و اگر ناخن دراز نباشد بدم
کارد بساید روایت شده که شخصی بحضرت امام جعفر صادق ع گفت مردم روایت
میکنند که بعد از نماز صبح بر جای نماز نشستن تا طلوع آفتاب بهتر است برای زیادتی
روزی از مسافرت و تجارت نمودن فرمود ناخن و شارب گرفتن در جمعه
بهتر از این است مرویست که چند روزی وحی بر حضرت رسالت پناه ص
نمی آمد اصحاب از سبب آن سوال کردند فرمود چون وحی از من محبوس نشود
و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و بندهای انگشتان از کثافت پاک نمیکنید روایت
شده که پنهان ترین جاها که شیطان در آن پنهان شود و آدمی را وسوسه
کند زیر ناخنهاست و ناخن دراز فراموشی آرد **مرویست** از حضرت پیغمبر ص
که هر کس شارب بگیرد از ما نباشد و شارب دراز مکنید که شیطان در آن
پنهان شود و ناخن و شارب گرفتن در روز پنجشنبه و شنبه امانست از
درد دندان و درد چشم و ناخن چیدن در روز جمعه امانست از ریش شدن



پشت ناخنها و در روز پنجشنبه از درد چشم فرزند و اگر روز پنجشنبه ناخن بگیرد
و یکی ناخن برای روز جمعه بگذارد خدای تعالی پریشانی از او رفع نماید و روایت
آمده که روز شنبه ناخن بچینید و چهارشنبه بحمام روید و پنجشنبه حجامت کنید
و جمعه بوی خوش بکار برید کسی پرسید از حضرت امام جعفر صادق ع که مردم
میگویند ناخن و شارب در غیر جمعه نباید گرفت فرمود سبحان الله هر روز
که دراز شود بگیرید جمعه باشد یا روزی دیگر و مردان ناخن را از بیخ بگیرند
و زنان اندکی بگذارند روایت شده که برای زینت ایشان بهتر است
و هر کس روز جمعه ناخن و شارب بگیرد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى
سُنَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ریزه ناخن و موئی که جدا
شود همچنانست که بنده آزاد کرده باشد و هیچ بیماری نکشد مگر بیماری
که در آن موت او مقرر شده باشد و هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا
از انگشت کوچک راست و ختم بانگشت کوچک چپ نماید چشمش درد نکند
و از حضرت پیغمبر ص مرویست که در ناخن چیدن ابتدا از انگشت سبابه راست کند و بعد از آن
انگشت میان و همچنین تا انگشت کوچک و بعد از آن انگشت کوچک چپ و پهلوی او
و همچنین بترتیب تا ختم بانگشت بزرگ راست شود **و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه**

که اوّل انگشت کوچک است بعد از آن انگشت میان و بعد از آن انگشت بزرگ بعد از آن
پهلوی کوچک بعد از آن سبّابه و دست چپ اوّل انگشت بزرگ و بعد از آن میان
بعد از آن کوچک و سنّت است شارب را بسیار گرفتن تا آنکه برابر لب شود و طایفهٔ
مجوس ریش را بسیار بگیرند شما عکس آن کنید تا بایشان شبیه نشوید و اینکه
مشهور است استحباب یک قبضه برای ریش اصل این از احادیث معلوم نیست بلکه
در حدیث همین قدر هست که زیاده از یک قبضه نباشد که زیادتی در آتش
باشد و موی سفید از ریش کندن مکروه است روایت شده که موی سفید
در اسلام نور است در روز قیامت و گرفتن موی بینی جمال بهم آید و نباید کندن
که چشم را ضعیف کند و مستحب است دفن کردن ناخن و موی از هر جا که باشد
و خون در خاک **فصل چهارم در خضاب** و آنچه متعلق است بآن از آداب
از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که یک درهم که صرف
خضاب شود افضل است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و چهارده
خصلت در خضاب است بوی دماغ ببرد و پرده چشم جلا دهد و دماغ را
ملایم کند و بوی دهن خوش کند و گوشت دندان سخت کند و بیماری و لاغری
ببرد و وسوسه شیطان کم کند و ملائکه خشنود شوند و مومنان خوش آید

و کافران

و کافران اغمناک کند و زینت بهم آید و خوشبوی باشد و امان از عذاب قبر بود
و منکر و نکیر از آن شرم دارند و روایت دیگر آمده که آبروی بهم آید و باه را
قوت دهد و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن ریش بحنا نور است و بسیاهی
نور و اسلام و ایمان و موجب رعب دشمنان و محبت زنان باشد و مستحبّ است که
زنان سر را خضاب نمایند که حیفی بسته را بگشاید و دست ایشان باید هرگز
از حنا خالی نباشد اگرچه همین مالیدن تنها باشد خواه شوهر داشته باشند
برای زینت و اگر نداشته باشد یا پیر باشد برای آنکه دست ایشان شبیه بدست
مردان نشود اما استحباب خضاب دست برای مردان چنانکه معروف و مشهور است
از احادیث معلوم نیست بلکه از بعضی احادیث استشمام کراهت آن میشود
چنانکه از حدیثی مذکور و حدیثی دیگر روایت شده که مردی دست را
خضاب کرده بخدمت یکی از ائمه طاهرین ع رفت حضرت فرمود اگر خدای تعالی
دست ترا باین رنگ خلق میکرد ترا خوش می آمد گفت نه فرمود پس آن
چه عیب داشت که چنین کردی و جنب و حایض نشاید که خضاب کنند که شیطان
با ایشان دست نیابد **فصل پنجم در فضایل موی شانه کردن و آداب آن** از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام مرویست که موی را یا نگاه مدارید یا پاکیزه نگهدارید و هر وقت

نماز مستحب است شانه کردن و شانه کردن ریش دندانها را محکم کند و بسیار شانه کردن
تب ببرد و روزی بیفزاید و قوت مباشرت زیاد کند و بشانه استخوان شانه
کردن تب ببرد و سر را با استخوان شانه کردن موی سر برویاند و کرم دماغ
ببرد و نشسته شانه کند که قوت دل باشد و ایستاده نباشد که ضعف
دل آرد و شانه کردن بعد از سر وضو پریشانی ببرد و چون سر و ریش
شانه کند و شانه بسینه فرو دارد دلگیری و تب ببرد و چون معتاد به
شانه بر ریش زند و یک شمرد چهل روز شیطان نزدیک او نشود
و شانه بدست راست گیرد و بگوید اللّهمّ سرّح عنّی الهموم و
الغموم و وحشة الصدور و وسوسة الشیطان و سوره
الم نشرح و قل هو الله احد بخواند و چون فارغ شود بگوید سبحان
من زیّن الرجال باللحی و النساء بالذوائب **فصل ششم در فضایل**
سرمه کشیدن و آینه گرفتن و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
مرویست که سرمه کشیدن در روز زینت است و در شب چشم را نافع بود
و در وقت خواب امانست از نزول آب چشم و دهن را خوشبوی کند و نفس
تا چهل روز بماند و هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد سرمه بکشد و سنگ سرمه

چشم را جلا دهد و موی مژگان برویاند و قوت باه دهد و چشمی که ضعیف باشد
در وقت خواب هفت میل سرمه بکشد چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم
چپ و چون سرمه کشد بسم الله بگوید و این دعا بخواند اللّهمّ انّی اسئلک
بحقّ محمّد و آل محمّد ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان تجعل النور
فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی
عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر
لک ابدا ما ابقیتنی و مستحبست نظر در آینه کردن که اگر کثافتی در روی باشد
رفع کند تا در نظر مومنان مکروه ننماید و چون آینه بدست گیرد بسم الله
بگوید و بدست چپ گیرد و چون نظر در آئینه کند دست را بر سر و روی بکشد
و بگوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صوّرنی
فاحسن صورتی الحمد لله الذی زان منّی ما شان من
غیری و اکرمنی بالاسلام و اگر خواهد بگوید اللّهمّ کما حسّنت
خلقی فحسّن خلقی و رزقی و چون آینه از دست بگذارد بگوید اللّهمّ لا تغیّر
ما بنا من نعمک و اجعلنا لانعمک من الشاکرین **فصل هفتم در بیان قضای حاجت**
و آداب آن چون تقاضای بول و غایط شود و نشاید آن را نگاه داشتن از اهل بیت طهارت

وعصمت سلام الله علیهم مرویست که اگر کسی احتیاج بول و غایط کند نمازش مقبول
نشود و چنان باشد که در دامن داشته باشد و چون اراده آن کند جائی
اختیار نماید که کسی او را نه بیند و بول بر زمین سخت نکند و در سایها و جائی
که مردم نشینند و قافله فرود آیند نشینند که ملعون باشد و در کنار نهرها
و راههائی که مردم تردد نمایند و بر در مسجدها و خانها نشاید نشست
و در پای درخت در وقتی که میوه در و باشد نشینند که ملائکه در انجا حاضر
باشند و در قبرستان و آب خواه ایستاده و خواه روان هم دیوانگی
بود و در آب ملائکه ساکن باشند و در آب ایستاده بول کردن فراموشی
آرد و چون جای مناسب اختیار کند و خواهد که داخل شود پای چپ
پیش گذارد و بگوید که بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الرِّجْسِ
النَّجَسِ الْخَبِیثِ الْمُخْبِثِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ و چون عورت را برهنه
کند بسم الله بگوید تا شیطان نگاه نکند و رو و پشت بقبله و باد
و آفتاب و ماه بحیثیتی که بر عورت بتابد ننشیند و اگر سهوا رو بقبله
نشسته باشد و در اثنا خبردار شود برای تعظیم قبله روی بگرداند هنوز
از جای خود برنخاسته باشد که گناهش آمرزیده شود و ایستاده بول کردن

هم دیوانگی بود و چون بنشیند بگوید اَللّٰهُمَّ کَمَا اَطْعَمْتَنِیهِ
طَیِّبًا فِی عَافِیَةٍ فَاَخْرِجْهُ مِنِّی خَبِیثًا فِی عَافِیَةٍ و بر هر کسی ملکی موکلست
و در روایت دیگر دو ملک وارد شده که گردن او را کج می کنند تا نگاه
بغایط خود کند و میگویند ای آدمی این رزقیست که بمشقت تحصیل نموده
ملاحظه کن تا از کجا بهم میرسانی و آخرش چه میشود پس چون نگاه بران کند
بگوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِی الْحَرَامَ و چون برخیزد دست
راست بر شکم مالد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَمَاطَ عَنِّی الْاَذٰی
وَهَنَّاَنِی طَعَامِی وَشَرَابِی وَعَافَانِی مِنَ الْبَلْوٰی و در خلا بسیار توقف
نماید که مورث بواسیر باشد و در روایت دیگر جراحتی بجای بواسیر وارد
شده و سر برهنه نباشد و انگشتری یا درهمی که در ان نام خدای تعالی نقش باشد
در کیسه یا بغل پنهان کند و مادامی که در خلا باشد بی ضرورت با کسی سخن نگوید که هر کس
در خلا سخن کند حاجتش بر نیاید و در انحال قرآن نباید خواند بغیر آیة الکرسی و آیه
الحمد لله رب العالمین و اگر آواز اذان شنود حکایت آن تواند نمود و ذکر خدا کند
در هر حالی باشد و مسواک نکند که مورث بوی دهن باشد و چون نظر بر آب کند بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا و چون خواهد

استنجا کند اول استبرا کند باین طریق که از پیش مقعد تا پیش عضو و از آنجا تا سر عضو
سه مرتبه دست بمالد و سه مرتبه سر عضو را بیفشرد تا قطرات بول هر چه مانده باشد
بریزد و که چون استبرا کند بعد از آن اگر رطوبتی بیند هر چند بسیار باشد بول
نباشد و نباید شست و اعاده وضو نباید کرد و در وقت استنجا بگوید
اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ
و استنجا بدست راست نکند و بر عورت نزند و اگر در دست چپ انگشتری
باشد که نام خدا برو نقش باشد بیرون کند و چون خواهد بیرون آید پای
راست پیش گذارد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَافَانِی مِنَ
الْخَبِیثِ الْمُخْبِثِ وَاَمَاطَ عَنِّی الْاَذَی **فصل ششم در فضایل مسواک کردن و آداب آن**
و از اهل بیت طاهرین مرویست که در مسواک دوازده خصلتست سنت
انبیاست و دهن را پاک کند و چشم را جلا دهد و خدای راضی شود و گوشت
آنرا قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت حافظه بیفزاید
و حسنات مضاعف شود و ملایکه را خوش آید و مستحبست در وقت وضو
و نماز مسواک کردن لا اقل با انگشت که دو رکعت نماز با مسواک افضل است
از هفتاد رکعت بی آن و مسواک پیش از وضو باید کرد و اگر بعد از آن کند بعد از آن

سه مرتبه دهن را بشوید و حضرت پیغمبر هر شب سه مرتبه مسواک میفرمود وقت
خوابیدن و چون از خواب بیدار میشد برای عبادت و وقت نماز صبح و فرموده
اگر بدانند چه قدر منفعت در مسواک است در وقت خوابیدن نیز از خود جدا نکنند
و مسواک را بعرض دندان استعمال نمایند و در حمام و بیت الخلا مسواک کردن
مورث بوی دهن باشد **فصل نهم در فضائل وضو و غسل و آداب آن** از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام مرویست که استعمال طهور بسیار کنید که عمر را دراز کند
و اگر توانید روز و شب همیشه با طهارت باشید که اگر کسی با طهارت بمیرد شهید
باشد و چون خواهد وضو کند بسم الله بگوید که تمام بدن طاهر شود همچنانکه گویا
غسل کرده و اگر بسم الله نگوید همان اعضائی که آب رسیده باشد پاک
شود و چون دست بر آب گذارد و بسم الله بگوید گناهانی که با دست کرده
همه فرو ریزد و شیطان دور شود و چون مضمضه نماید خدای تعالی دل
و زبان او را بحکمت منور گرداند و چون استنشاق نماید بوی آتش دوزخ
نشنود و چون روی بشوید گناهانی که با چشم و دهن کرده همه بریزد و روز
قیامت روسفید باشد و چون ساعدین بشوید گناهان از راست و چپ بریزد
و غلهای آتش برو حرام شود و چون مسح سر کند خدای تعالی او را از سیئات

پاک کند وچون مسح پای کند کناهان پا همه بریزد وازصراط بکذرد ودر روزی
که قدمها دران بلغزد وچون برای نماز صبح وضو کند کفاره کناهان آن روز
باشد سوای کبایر واکر وضو داشته باشد وبی آنکه حدثی رو دهد تجدید وضو
کند خدای تعالی توبه اورا تجدید کند بی استغفاری ووضو بر سر وضو نور است
بر سر نور وده حسنه دارد وهرکاه خواهد وضو کند چون نظر برآب کند بکوید
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا وچون
دست درآب کذارد بکوید بسم الله وبالله اللهم اجعلنی من التوابین
واجعلنی من المتطهرین واکر در مثل طشت یا کاسه وضو کند مستحب است که آب را
بجانب راست کذارد واول دستها را تا بند بشوید اکر بعد از خواب یا بول باشد
یکمرتبه وبعد از غایط دو مرتبه وبعد از جنابت سه مرتبه وچون مضمضه کند
بکوید اللهم لقنی حجتی یوم القاك واطلق لسانی بذکرک
وچون استنشاق کند بکوید اللهم لا تحرمنی طیبات الجنان واجعلنی
ممن یشم ریحها وروحها وطیبها وچون روی بشوید بکوید
اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه الوجوه ولا تسود وجهی یوم
تبیض فیه الوجوه ودر وقت شستن روی چشمها را بکشاید که آب وضو بچشم

برسد تا آتش دوزخ نه بیند وچون دست راست شوید بکوید اللهم اعطنی
کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری وچون دست چپ شوید بکوید
اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی ولا تجعلها مغلولة الی عنقی
واعوذ بک من مقطعات النیران ومردان آب را بر پشت دست
ریزند وزنان بر روی دست وچون مسح سر کند بکوید اللهم غشنی
رحمتک وبرکاتک وعفوک وچون مسح پا کند بکوید اللهم
ثبت قدمی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام واجعل
سعیی فیما یرضیک عنی یا ذا الجلال والاکرام وچون بدین طریق
وضو کند واین دعا بخواند از هر قطره آب فرشته خلق شود که خدای تعالی را
تسبیح وتقدیس وتهلیل وتکبیر کوید وثواب آن همه برای آنکس نوشته شود
وچون از وضو فارغ شود بکوید الحمد لله رب العالمین ودر کتب بعد از
وضو وبعد از غسل جنابت بکوید که سبحانک اللهم وبحمدک اشهد
ان لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک واشهد ان محمدا
عبدک ورسولک واشهد ان علیا ولیک وخلیفتک
بعد نبیک علی خلیقتک وان اولاده خلفائک واوصیائ

گناهانش همه فرو ریزد مانند برگ از درخت و بعدد هر قطره از آب وضو
ملکی خلق شود که خدا را تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر گوید و صلوات بر محمد
و آل طیبین فرستد و ثواب آن همه از و باشد بعد از آن خدای تعالی فرماید
که آن وضو و غسل را بخاتم رب العزة مختوم گردانند بعد از آن ببرند بزیر
عرش بجائی که دست دزدان و دشمنان و شیاطین بآن نرسد تا آنکه
روز قیامت باو تسلیم کنند و در بهشت آنقدر ثواب بدهند که حساب
آنرا بغیر خدا هیچ کس نداند و گناهانش همه آمرزیده شود تا آنکه نمازش با دل
و هدیه شود و آب وضو را اگر خشک کنند یک حسنه داشته باشد و اگر
خشک نکنند سی حسنه و چون غسل جنابت از حلال کند بعدد هر قطره خانه
در بهشت برای او بنا کنند و در وقت غسل جنابت بگوید اللّهمّ
طهّر قلبی و زکّ عملی و تقبّل سعیی و اجعل ما عندک
خیراً لی و بعد از غسل دعائی که بعد از وضو ذکر شد بخواند و در غسل جمعه
تاکید بسیار وارد شده برای هر کس مرد و زن و آزاد و بنده در حضر و سفر
مگر آنکه ضرورتی یا مانعی باشد در سفر زنان را رخصت ترک آن داده اند و کفاره
گناهانست که از جمعه پیشین تا این جمعه کرده اند و سهو و نقصان و نسیانی که در
وضوی فریضه شده باشد خدای تعالی آنرا بغسل جمعه تمام نماید و اگر بعد از
غسل بگوید اَشهدُ اَن لا اله الّا اللهُ وحدهُ لا شریک لهُ و اَنّ
محمّداً عبدهُ و رسولهُ اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ و آل محمّدٍ و اجعلنی
من التوّابین و اجعلنی من المتطهّرین طهارت آن غسل تا جمعهٔ دیگر با او می
باشد و در جائی که گمان آب در روز جمعه نباشد روز پنجشنبه برای جمعه غسل کند
و اگر روز جمعه غسل نکرده نماز کرده باشد استغفار کند و دیگر این کار نکند و غسل را
قضا کند و اگر وقت نماز باقی باشد اعاده کند و اگر ترک غسل عمداً نکرده باشد
نمازش تمام بود و اگر روز جمعه غسل میسر نشود در روز شنبه قضا نماید
و مستحب است که وضو و غسل سیراب باشد آب وضو تخمیناً بقدر یک چهاریک باشد
متعفن و کثیف نباشد **فصل دهم در فضائل بوی خوش و آداب استعمال آن** از ائمه
طاهرین علیهم السلام مرویست که دو رکعت نماز با بوی خوش افضل است از هفتاد
رکعت بی آن و دل را قوت دهد و قوت مباشرت افزاید و قوت بر صوم دهد
و کسیکه هر روز استعمال بوی خوش کند و گلاب بر روی افشاند آب روی
زیاد کند و پریشانی می برد و چون گلاب استعمال نماید بر روی و دست
بمالد و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد و سنت است هر روز استعمال

بوی خوش کردن و اگر مقدور نشود دیگر روز در میان و یکهفته بیشتر تاخیر
نماید و حضرت پیغمبر ص را مشک دانی بود که بعد از سر وضو از آن استعمال
میفرموده و اگر بوی خوش نمیداشته مقنعه زنان را بآب ترمی کرده
و بر روی مبارک میمالیده و فرموده هر کس حق آید بوی مرا بشنود بوی گل
سرخ بشنود و نیز فرموده است که گل سفید از عرق من روئید و گل
سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و در روایتی دیگر آمده که در شب
معراج عرق آنحضرت بر زمین چکید گل سرخ از آن روئید و چون کسی را
تکلیف بوی خوش کنند رد نباید کرد زیرا که بوی خوش اکرامیست و رد
اکرام نماید مگر حمار و اگر گل و ریحان بکسی دهند بگیرد و ببوید و بر چشم
گذارد و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش فرستد هنوز از دست نگذاشته
باشد که گناهانش آمرزیده شود و در روایت دیگر آمده که ببوسد و بر چشم
گذارد و صلوات فرستد بعدد ریگ بیابان عالج خدای تعالی برای او
حسنات ثبت فرماید و سیئات محو نماید و عالج بیابانیست که ریگ
بی نهایت دارد **باب سوم در فضایل نماز و متعلقات آن** و ذکر بعضی ادعیه
مخصوصه بساعات و فضایل قرآن در این مجموعه نساء الله در چند فصل بیان شود

فصل اول در فضایل نمازهای فریضهٔ یومیه و ذکر جماعت و فضایل این ساعت

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام ماثور است که بعد از ایمان و معرفت هیچ عملی و عبادتی
بهتر از نماز نیست و چون مومن مشغول نماز شود خدای تعالی متوجه جانب او شود
و از اطراف آسمان تا اطراف زمین رحمت بر و نازل شود و اطراف او را
از زمین تا قدمش تا اطراف آسمان ملائکه فرو گیرند و ملکی ندا کند و گوید ای
بنده مومن که مشغول نماز گشته اگر بدانی که کیست که متوجه تو شده و با که در
گفتگوئی هرگز از اینجا بجائی دیگر نروی و یک نماز بهتر است از هر آنچه که هرگز حج بهترست
از تمام دنیا و هر چه در وست از نعمتها و راحتها و نماز در میان عبادتها مانند
ستون خیمه است که اگر محکم و بر جای باشد پردها و طنابها و میخها همه برقرار و محکم
بر پای باشد هر چند کهنه و زبون باشد و اگر ستون بر جای نباشد و قصور
و شکستگی یابد خیمه از هم بریزد و هر چند باقی هر چند پاکیزه و نو باشد و هر مومن
که نماز فریضه را بجا آورد و بعد مخالفان شیعه ملائکه در ثبت او نماز کنند و برای
او دعا کنند تا از نماز فارغ شود خدای تعالی را فرشته ایست که
در هر وقت نماز از خدای تعالی براتشان گیرد و در آن برات نوشته است
که منم خدای پاینده ای بندگان من شما در پناه منید و شما را در حفظ و حمایت

خود دارم و اکنون دارم و گناهان شما آمرزیده باشند تا وقت ظهر و چون وقت ظهر
شود و برخیزند و وضو سازند و نماز گزارند برات ایشان گیرد باین مضمون
که منم خدای بزرگوار ای بندگان من جسد شما را بر آتش حرام کردم و شما را
در مسکن نیکان ساکن گردانیدم و شر بدان را از شما دور نمودم و چون
وقت شام رسد و وضو کنند و نماز گزارند برات ایشان باین مضمون گیرد
که منم خدای جبار بزرگ متعالی ای بندگان من فرشتگان از پیش شما راضی
آمدند حجت بر من که شما را راضی گردانم و روز قیامت آرزوهای شما را
بشما رسانم و چون وقت خفتن در آید و وضو سازند و نماز خفتن گزارند
برات ایشان باین مضمون گیرد که منم خدائی که معبودی غیر من نیست و پروردگاری
سوای من نه ای بندگان من در خانهای خود وضو کردید و بخانه من
آمدید و مشغول ذکر من شدید و حق مرا شناختید و فرائض مرا بجای آوردید
ای ملک تو و سائر ملائکه همه گواه باشید که من از ایشان راضی شدم و هر مؤمن
که نماز فریضه را بجا آورد بعد از آن او را دعای مستجابی باشد و هر وقت
نماز فرشته ندا کند و گوید ای مردمان برخیزید و بنماز بنشانید آتشهائی را
که از گناهان بر دوش خود افروخته اید و چون پنج وقت نماز گزاردی محافظت

شروط و آداب بنماید آن نماز را روشن و نورانی بآسمان برند و او را دعا کند
و گوید همچنانکه تو مرا محافظت نمودی و ضایع نگردانیدی خدای تعالی ترا محافظت
کند و ضایع نگرداند و اگر بیوقت گزارد و محافظت آن نکند سیاه و ظلمانی گردد
و گوید مرا ضایع کردی خدا ترا ضایع کند و هر کس استخفاف بنماز کند و حدود و ارکان
آنرا ضایع گرداند از حوض کوثر بی نصیب و از شفاعت اهل بیت محروم باشد
حضرت پیغمبر روزی در مسجد بود و مردی آمد و نماز بشتاب گزارد و در رکوع و سجود
بی تأنی کرد حضرت فرمود این مرد مانند کلاغ دانه می چیند اگر با این نماز
بمیرد بر دین من نباشد و هر کس نماز بی تأنی و بشتاب گزارد خدای تعالی گوید
ای ملائکه ببینید این بنده مرا که باین شتاب عبادت من میکند و نمیداند
که حاجتش را غیر من کسی نتواند بر آورد و هر کس عمداً ترک نماز کند کافر باشد
و ملت اسلام از او بیزار شود و افضل همه نمازها نماز جمعه است و بر هر مسلمی واجبست
مگر هیچکس مریض و مملوک و مسافر و زنان و اطفال نابالغ و در بعضی روایات
زیاده برین چهار کس دیگر مذکور است اعمی و مجنون و پیر عاجز و کسیکه
منزلش زیاده از دو فرسخ بوده باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرموده که خدای تعالی
نماز جمعه را بر شما فرض گردانیده پس هر کس آنرا از روی انکار یا استخفاف ترک

کند و امام عادل داشته باشند در ایام حیوة یا بعد از وفات من خدای تعالی
جمعیتش را پریشان کند و احوالش را نظام ندهد و کارهایش را مبارک نگرداند
و نماز و روزه و زکوة و حج و هیچ کار خیری از و مقبول نشود تا آنکه توبه
کند و هر کس سه جمعه را پی در پی بی علتی ترک کند خدای تعالی دلش را بخاتم
نفاق مهر کند و روز جمعه ملائکه مقربین از آسمان نزول نمایند با قلمهای طلا
و کاغذهای نقره بر در مسجدها بر کرسیهای نور نشینند و نام جماعتی که بنماز
جمعه حاضر شوند نویسند بترتیب هر کس پیشتر رود پیشتر نویسند و هر کس دیرتر
آخرتر نویسند بترتیب و هر روز جمعه بهشت را آئین بندند و زینت کنند برای
جمعی که بنماز جمعه روند و هر کس زودتر داخل شود زودتر داخل بهشت
شود و هر کس بنماز جمعه رود از گناهان پاک شود و هر قدمی که بنماز
جمعه حرکت کند خدای تعالی جسدش را بر آتش حرام کند و کسی در حضرت پیغمبر
شکایت کرد و گفت چند مرتبه تهیهٔ حج کرده ام مقدورم نشد فرمود نماز جمعه
بگزار که حج مساکینست و مسافر اگر نماز جمعه بگزارد بسبب رغبت و محبتش
با آن ثواب صد نماز جمعه مقیم باو عطا فرمایند و کسیکه وضوی نیکو بسازد
و نزدیک بامام نشیند و گوش بخطبه دارد و خاموش باشد از روز تا جمعهٔ

دیگر

دیگر و سه روز زیاده بر آن گناهانش آمرزیده شود و خدای تعالی دو کفل
ثواب باو دهد و اگر دور بنشیند و خاموش باشد و گوش کند یک کفل ثواب باو دهد
و اگر نزدیک نشیند و حرف زند و گوش نکند دو کفل وزر برداشته باشد
و اگر بکسی بگوید خاموش باش حرف زده باشد و هر کس حرف زند نماز
جمعه اش مقبول نباشد و اما اینکه مشهور شده که ظهور امام معصوم شرطست
در اقامت جمعه و سبب حرمان کافهٔ اهل اسلام گشته از فضایل این فریضهٔ
عظمی توهمیست که از تقیهٔ شیعیان در زمان غلبهٔ جور و طغیان ارباب
نفاق و عدوان ناشی شده و در حدیث و قرآن بهیچ وجه اصلی ندارد
بلکه در قرآن و حدیث همه جا امر فرموده اند و هیچکس را بغیر از کسی که مذکور
شد با اینکه محل تقیه باشد رخصت ترک نداده اند بلی در احادیث
امام عادل وارد شده همچنانکه در نماز جماعت نیز وارد گشته و
[illegible]ت نماز را بجماعت گزاردن یکرکعت با جماعت بهترست
از بیست و چهار رکعت بی جماعت که هر رکعتی بهترست از چهل سال
عبادت و هر کس بمسجد رود برای اینکه نماز بجماعت گزارد بهر گامی که
بردارد هفتاد هزار حسنه برای او ثبت نمایند و هفتاد هزار سیئه

ازو محو کنند و اگر درین حالت بمیرد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بر و موکل
گرداند که او را در قبر عبادت کنند و بشارت دهند و با او موانست نمایند
و برای او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید و هر کس نماز صبح و خفتن را
بجماعت گزارد در امان خدای باشد پس هر کس و ظلم کند بر خدا ظلم کرده
باشد و هر کس او را حقیر شمارد تحقیر خدای کرده باشد و هر کس نماز صبح را
بجماعت گزارد و در جای نماز بنشیند و ذکر خدا کند تا طلوع آفتاب او را در جنت
فردوس هفتاد درجه باشد که میان هر دو درجه آنقدر مسافت باشد که
اسپ دونده راهوار هفتاد سال طی کند و اگر نماز ظهر بجماعت گزارد
در جنات عدن پنجاه درجه باشد او را که ما بین هر دو درجه پنجاه ساله راه
اسپ دونده راهوار باشد و اگر نماز عصر بجماعت گزارد اجر آن داشته
باشد که هشتاد بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند که همه صاحب خانه و عیال
باشند و اگر نماز شام بجماعت گزارد ثواب یک حج و یک عمره مقبول داشته باشد
و اگر نماز خفتن بجماعت گزارد همچنان باشد که در لیلة القدر عبادت کرده باشد
و بهترین صفوف صف اول است و بهترین مواضع آنکه با امام نزدیکتر
بود و نماز در صف اول مثل جهادست در راه خدا و کسیکه محافظت صف اول و تکبیر

اولی نماید بحقیقتی که آزار مومنی نکند ثواب موذنان داشته باشد در دنیا
و آخرت و ثواب موذنان انشاء الله بعد ازین بیاید و فضل جانب راست صف
بر جانب چپ مثل فضل جماعت باشد بانفراد **فصل دوم در ذکر نوافل یومیه**
و فضایل این سنتها از اهل بیت طاهرین علیهم السلام ماثورست که خدای تعالی
شرم دارد که از عبادت بندگان کمتر از ثلث را قبول نماید باین سبب حضرت سید عم
در شبانه روزی سی و چهار رکعت نماز سنت کرده اند که دو برابر فرایض یومیه است
تا اگر در فرایض سهو و نقصانی باشد خدای تعالی آنرا بنوافل تمام نماید و ترک
آن بی ضرورت و عذری معصیت باشد همچنانکه ترک فریضه کفرست و نماز
شب کفاره گناهان روز و صحت بدن و موجب وسعت رزق است و شرف
و عزت مومن است در دنیا و آخرت و هر کس عملش بنماز شب ختم گردد
از اهل بهشت باشد و نماز شب موجب رضای حق است و چشم را جلا دهد
و رو را نورانی کند و هر کس عشر شبی عبادت کند برای رضای خدا
و امید ثواب خدای تعالی گوید ای ملائکه حسنات بنویسید برای این بنده من
بعدد هر دانه و برگی و درختی و گیاهی هر چه از زمین روید در شب و هر کس در ربع
شبی عبادت نماید خدای تعالی ده دعای او را اجابت فرماید و روز قیامت

نائبه اعمالش را بدست راستش دهند و اگر ثمن شبی عبادت کند خدای تعالی
اجر شهیدی که در راه خدا صبر بر مشقتها و تعبها نموده و به نیت صادق
خالص جهاد کرده باشد باو عطا فرماید و او را شفیع اهل بیت خود گرداند
و اگر سبع شبی عبادت کند روز قیامت چون از قبر بیرون آید روشن
مثل ماه شب چهارده باشد و همراه مومنانی که ایمنند از اهوال آن روز
از صراط بگذرد و اگر سدس شبی عبادت کند از جملهٔ اوابین نوشته شود
و گناهان گذشتهٔ او همه آمرزیده شود و اگر خمس شبی عبادت کند با ابراهیم
خلیل در بهشت همدوشی کند و اگر ربع شبی عبادت کند در اول صف
فائزین باشد و چون باد تند از صراط بگذرد و بیحساب داخل بهشت شود
و اگر ثلث شبی عبادت کند هیچ فرشته نماند مگر اینکه رشک برد بمنزلت او
و از هر در بهشت که خواهد درون رود و اگر نصف شبی عبادت کند هفتاد
هزار برابر تمام روی زمین طلا برابر ثواب دهند و فضل از آن باشد که
هفتاد بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و اگر دو ثلث شبی عبادت کند بعدد
ریگ بیابان عالج حسنات باو دهند که کوچکترین آن حسنات ده مرتبه بزرگتر
از کوه احد باشد و اگر یک شب تمام عبادت کند آنقدر ثواب باو دهند که کمترین آن

این باشد

این باشد که از گناهان پاک شود همچنان روزی که از مادر متولد شده و بعدد
هر چیزی که خدای تعالی آفریده حسنات برای او نویسند و درجات بلند گردانند
و کینه و حسد از دلش بیرون رود و قبرش نورانی باشد و از عذاب قبر
ایمن باشد و از آتش دوزخ خلاص بوده و در زمرهٔ آمنین مبعوث گردد و خدای تعالی
گوید ای ملائکه ببینید این بندهٔ مرا این شب را برای رضای من احیا
داشته او را در جنت فردوس جای دهید و در آن جنت صد هزار
شهر باو دهند که در هر شهری هرچه دل خواهد و چشم را از دیدن آن خوش آید
و آنچه بخاطر هیچکس نگذشته باشد مهیا باشد و خانه که در آن نماز شب گزارند
برای ملائکه آسمان درخشان باشد همچنانکه ستارگان برای اهل زمین
و هر کس شب برخیزد و وضوی کامل بسازد و به نیت صادق و دل سلیم
و بدن خاشع و چشم گریان نماز گزارد ده صف ملائکه پشت سر او نماز گزارند
که یکطرف هر صفی در مشرق و طرف دیگر در مغرب باشد و عدد ایشان را هیچکس
نداند بغیر از خدای و چون از نماز فارغ شود بعدد آن ملائکه درجات او
بلند کنند و کسیکه بنماز شب برخیزد و خواب بر او غلبه کند بحیثیتی که براست
و چپ افتد و ذقنش بسینه آید خدای تعالی امر فرماید که درهای آسمان بگشایند

پس گوید ای ملائکه به بینید این بندهٔ مرا که بچه مشقت عبادتی که من بر او
فرض نکرده‌ام میکند بامید آنکه گناهش را بیامرزم یا تجدید توبه‌اش کنم
یا روزیش بیفزایم گواه باشید که هر سه را باو عطا فرمودم و هر کس بعد از
نماز شام بنشیند و تعقیب بخواند و با کسی سخن نگوید تا آنکه دو رکعت نافله بگزارد
آن نافله را برای او در علیین ثبت نمایند و اگر چهار رکعت بگزارد حج
مبروری برای او بنویسند و اگر نافله فوت شود قضای آن باید کرد که
خدا از آن خوشش آید و مباهات کند با آن بنده و گوید ای ملائکه به بینید بندهٔ
مرا عبادتی را که من بر او فرض نکرده‌ام قضا می‌کند گواه باشید که گناهانش را
آمرزیدم و اگر کسی را خواب غلبه کند و برای نافلهٔ شب بیدار نشود و چون
نوافل را قضا کند و اهتمام بقضای آن داشته باشد خدای تعالی بعد از این
او را بیدار کند و عدد نوافل یومیه سی و چهار رکعت است دو رکعت نافلهٔ صبح
و هشت رکعت از ظهر و هشت رکعت از عصر و این هجده رکعت پیشتر از فریضه
گزارده شود و چهار رکعت نافلهٔ شام و دو رکعت نشسته وتیرهٔ خفتن که یک رکعت
ایستاده حساب شود و ایستاده افضل باشد و اگر ایستاده گزارند همان دو رکعت
گزارند و این پنج رکعت بعد از فریضه گزارده شود و هشت رکعت نافلهٔ شب

و سه رکعت وتر که دو رکعت را شفع و یک رکعت را ایضا وتر گویند و شانزده رکعت
نافلهٔ ظهر و عصر در سفر ساقط شود و اما سایر نوافل در سفر و حضر همیشه بحال خود
باشند و نوافل را در اثنای راه پیاده و سواره توان گزارد اگر چه رو بقبله
نباشد و رکوع و سجود را بسر ایما کند و ایمای سجود را پست‌تر از رکوع باشد
و نشسته نیز از روی اختیار توان گزارد و اگر خواهد فضیلت ایستاده را
بیابد قراءت را نشسته کند چون بآخر سوره رسد برخیزد و سوره را
ایستاده تمام کند پس رکوع کند همان فضل ایستاده داشته باشد فصل
سوم در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام متعلق بآن از اهل بیت طاهرین
صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هر نمازی را دو وقت است و وقت اول افضلست
از وقت دوم آنقدر که آخرت افضل است از دنیا و بهتر است برای مؤمن
از فرزند و مالش و اول وقت رضای خداست و آخر وقت عفو او
و عفو او نباشد مگر از گناهی یعنی کسیکه از اول وقت بی عذری تاخیر کند
گناهی کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگزارد آن گناه عفو شود و پیغمبر را
رخصت نیست که بغیر ورقی تاخیر نماز کند که موجب غضب الهی باشد و کار خیر هر چند
زود تر کرده شود خدا را خوشتر آید و وقت هر نماز درهای آسمان گشوده

شود و دعا مستجاب گردد و پیش خویشان کسیکه در آنوقت از و عمل صالحی بالا برند
و اوّل طلوع صبح وقتیست که ملائکه شب بآسمان روند و ملائکه روز بزمین
آیند پس کسی که نماز صبح را در آنوقت گزارد هر دو طائفه ملائکه شاهد باشند
و آن نماز را دو مرتبه ثبت نمایند و هر کس تأخیر نماز صبح کند تا آنکه ستارها
نمایند ملعون باشد و هر کس تأخیر نماز عصر کند تا آنکه آفتاب زرد شود و یا غروب
کند در بهشت موتور باشد یعنی اهل و مال او کشته باشد و هر کس نماز شام را
تأخیر کند بگمان فضیلت تا آنکه ستارها بسیار شود و دست بهم دهد ما اهل بیت از و
بیزار باشند و هر کس بخوابد و نماز خفتن را تأخیر کند تا آنکه نصف شب شود ملکی
موکلست که نفرینش کند و گوید خواب بنصیب چشمت نشود و چون بیدار شود
باید نماز را قضا کند و آن روز را روزه دارد بعقوبت این عمل **در بیان**
وقتها اینکه وقت اوّل نماز صبح از طلوع صبح صادق است تا آنکه روشنی
صبح در آسمان پهن پیدا شود و وقت دویمش تا طلوع آفتاب و وقت اوّل ظهر
از زوال آفتابست تا آنکه سایه چهار قدم زیاده شود و اگر تا شش قدم
تأخیر کند تضییع نماز کرده باشد و وقت دویمش تا آنکه ربع شب بگذرد
و تا ثلث شب و نصف شب نیز روایات وارد شده و وقت اوّل خفتن

از زوال سرخی مغربست تا ثلث شب و وقت دویمش تا نصف شب و هر چند نماز را باوّل
وقت نزدیکتر باشند افضل باشد و وقت نوافل شب از نصف شبست تا طلوع صبح صادق
و هر چند بصبح نزدیکتر باشند افضلست و نافله صبح بعد از نماز شبست تا آنکه سرخی صبح نمایان
شود و نوافل عصر بعد از فریضه ظهر تا آنکه چهار قدم سایه زیاد شود و نوافل شام
تا آنکه سرخی مغرب زایل شود و در روز جمعه چهار رکعت بر نوافل ظهر و عصر بیفزایند
و مجموع بیست رکعت را پیش از ظهر بگزارند باین ترتیب چون آفتاب پهن شود شش
رکعت و چون بلند شود نزدیک بوقت چاشت شش رکعت و نزدیک بظهر شش رکعت
و وقت زوال دو رکعت و اگر همه را پی در پی یکمرتبه نیز بگزارد مجزی بود و هر
از نوافل همین که وقتش بگذرد دیگر بعد از فریضه باید گزارد و نافله را بعد از آن
قضا کنند و اگر از نوافل ظهر و عصر یکرکعت در وقت خود گزارده باشد تتمه را
نیز در وقت بگزارد اگرچه بی وقت بگذرد و اگر وقت نماز شب تنگ شده باشد
و صبح بسیار نزدیک باشد اوّل نماز شفع و وتر بگزارد پس اگر هنوز صبح
طلوع نکرده باشد نماز شب را بگزارد و اگر طلوع کرده باشد نافله صبح را
بگزارد و نماز شب را بعد از فریضه قضا کند و اگر چهار رکعت از نماز شب گزارده
بود که صبح طلوع کند بقیه نماز را زود تمام کند و افضل آنست که نافله صبح بگزارد.

وتیمم را قضا کند تا فریضه از وقت نگذرد و اما شناختن ظهر و عصر و دخول آن
چنانست که چوبی راست مستوی هموار نصب کند و مقدار چوب را که از زمین مرتفعست
بر روی زمین هفت قسمت نمایند هر قسمتی را قدم گویند و آفتاب چون طلوع کند
سایه چیزها در کمال درازی باشد آهسته آهسته کم شود و تا وقت ظهر بجائی رسد که
از آن کمتر نشود و آن حد را نشان کنند همین که از آن حد شروع در زیادتی
کند اول ظهر باشد پس آنچه زیاد میشود بقدر دو قدم چون رسد وقت عصر داخل شود
بود و سایه اول ظهر که نهایت حد کوتاهی بود داخل حساب نباشد فصل چهارم
در فضایل مسجد و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که یک نماز
در مسجد جامع برابر است با صد نماز و در مسجد محله برابر است با بیست و پنج نماز و در مسجد
بازار با دوازده نماز و چون کسی بمسجد رود در هیچ موضع قدم نگذارد
مگر اینکه آن موضع تا زمین هفتم برای او تسبیح میکنند و کسیکه در خانه خود طهارت
بگیرد و بمسجد رود از گناهان پاک شود و زیارت خدای کرده باشد
و حقست بر مزور که اکرام زائر نماید و هر کس بمسجد تردد نماید [illegible]
یکی از هشت نعمت یا وعظ فرماید یا برادر مومنی یا علم تازه یا آیه محکمه
یا کلمه که او را براه راستی هدایت کند یا رحمت تازه که پیش از آن نبوده باشد

یا کلمه

یا کلمه که او را از مهلکه نجات دهد یا ترک گناهی از ترس خدا یا از روی شرم و حیا
و بهترین خانها مساجد است و بهترین اهل مساجد آنانند که پیشتر داخل شوند
و دیرتر بیرون آیند مرویست که هر کس آواز اذان در مسجد بشنود و نماز
نکرده بیرون رود منافق باشد مگر آنکه اراده رجوع داشته باشد
و بهترین مساجد برای زنان خانهای ایشانست و پستو خانه افضل است
از صحن خانه و صحن خانه افضلست از ایوان و ایوان افضل است از صحن خانه و صحن
افضلست از بام و چون متوجه شود و از خانه بیرون آید بگوید بسم الله الذی
خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِینِ وَالَّذِی هُوَ یُطْعِمُنِی وَیَسْقِینِ وَإِذَا
مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ وَالَّذِی یُمِیتُنِی ثُمَّ یُحْیِینِ وَالَّذِی
أَطْمَعُ أَنْ یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ رَبِّ هَبْ لِی حُكْمًا
وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ وَاجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ
وَاجْعَلْنِی مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ وَاغْفِرْ لِأَبِی که چون این بگوید
خدای تعالی او را بایمان و حق هدایت کند و از اطعمه و اشربه بهشت سیر گرداند
و کفاره گناهانش باشد و خدای تعالی موتش را مثل موت شهدا و حیوتش را
مثل سعدا گرداند و هر خطیئه که کرده باشد بیامرزد اگر چه بیشتر از کف دریا باشد

وحکمت و علم با و عطا فرماید و عیبهای گذشته و آینده تفحص سازد و او را
از جملهٔ عابدان ثبت نماید و منازل کریم در جنت نعیم با و کرامت فرماید
و گناهان پدر و مادرش ابیامرزد و چون خواهد داخل مسجد شود کفش را
ملاحظه نماید که نجاست و کثافتی نداشته باشد و پای راست پیش گذارد
و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَاِلَی اللهِ وَخَیْرِ الْاَسْمَاءِ
کُلِّهَا لِلّٰهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِی اَبْوَابَ رَحْمَتِکَ وَتَوْبَتِکَ وَاَغْلِقْ
عَنِّی اَبْوَابَ مَعْصِیَتِکَ وَاجْعَلْنِی مِنْ زُوَّارِکَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِکَ
وَمِمَّنْ یُنَاجِیکَ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِینَ هُمْ فِی صَلٰوتِهِمْ
خَاشِعُونَ وَادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ وَجُنُودَ اِبْلِیسَ اَجْمَعِینَ
و چون داخل مسجد شود بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِیکَ لَهُ وَاللهُ اَکْبَرُ کَبِیرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیرًا وَسُبْحَانَ اللهِ
بُکْرَةً وَاَصِیلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ
وَصَلَّی اللهُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ برابر است با حج مقبول و اگر
اراده نشستن داشته باشد بی طهارت داخل نشود و در مسجد شعر نباید خواند

و اگر کسی در مسجد شعر بخواند روایت شده که با و بگویند فَضَّ اللهُ فَاکَ یعنی خدای
دهنت را بشکند و آب دهن انداختن در مسجد خطیئه است و کفاره اش آنست که
دفنش بکند و اگر برای تعظیم مسجد آب دهن و دماغ را فرو برد خدای تعالی برای
او حسنه ثبت نماید و سیئه محو فرماید و قوت بدنش بیفزاید و بهیچ کوفت
و علتی نرسد مگر اینکه آنرا زایل گرداند و در روز قیامت خوشحال و خندان
مبعوث شود و نامهٔ عملش را بدست راست دهند و حرف باطل و گفتگوی
دنیا نکنند که مسجد جای عبادتست و جستجوی گم شده نکنند مرویست که اگر
جستجوی گمشده کند با و بگویند لَا رَدَّ اللهُ عَلَیْکَ یعنی خدای تعالی
گمشده ات را بتو نرساند و آواز بلند نکنند و اطفال و دیوانگان و بیع و شرا
از مسجد دور کنند و اگر کسی در مسجد تجارت کند با و بگویند لَا اَرْبَحَ اللهُ
تِجَارَتَکَ یعنی خدای تعالی تجارت ترا سود ندهد و هر کس چراغی در مسجد روشن
کند تا روشنی از آن باقی باشد حملهٔ عرش و ملائکه برای او استغفار کنند
و هر کس مسجد را جاروب کند ثواب آن دارد که بنده آزاد کند و اگر بقدر ذره
که در چشم افتد کثافتی بیرون برد خدای تعالی دو کفل از رحمت با و دهد
و اگر روز پنجشنبه و شب جمعه جاروب کند و بقدر سرمه که در چشم کشند کثافت

بیرون برد که نالش آمرزیده شود و چون خواهد از مسجد بیرون آید بر در مسجد
ایستاده بگوید اللهم دعوتنی فاجبت دعوتک وصلیت
مکتوبتک وانتشرت فی ارضک کما امرتنی فاسئلک من فضلک
العمل بطاعتک واجتناب سخطک والکفاف من الرزق برحمتک
و در بیرون آمدن پای چپ پیش گذارد و بسم الله بگوید و صلوات بر پیغمبر و آل
پیش صلی الله علیهم بفرستد و بگوید اللهم اغفر لی وافتح لی ابواب فضلک

فصل پنجم در کیفیت توجه بنماز و فضیلت اذان و اقامت و احکام متعلق بآن از

اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین مرویست که چون برای تهیه نماز برخیزی بگو
الحمد لله نور السموات والارض ومن فیهن انت الحق وان
امرک الحق وقولک الحق ولقاءک الحق والجنة حق والنار
حق والساعة حق اللهم لک اسلمت وبک امنت وعلیک
توکلت والیک انبت وبک خاصمت والیک حاکمت فاغفر لی
ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت انت الهی
لا اله الا انت و چون برخیزی و خواهی مشغول نماز شوی بگوی اللهم
انی اقدم الیک محمدا صلی الله علیه وآله بین یدی حاجتی

واتوجه به الیک فاجعلنی به وجیها عندک فی الدنیا و
الاخرة ومن المقربین واجعل صلوتی به مقبولة وذنبی به
مغفورا ودعائی به مستجابا انک انت الغفور الرحیم و اگر برای
نماز شب برخیزی بگوی اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة
وآله واقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا
والاخرة ومن المقربین اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی بهم ولا
تضلنی بهم وارزقنی بهم ولا تحرمنی بهم واقض لی حوائجی
للدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر و چون روی بقبله کنی
بگوی اللهم الیک توجهت ومرضاتک طلبت وثوابک ابتغیت
وبک امنت وعلیک توکلت اللهم صل علی محمد وآل محمد
وافتح مسامع قلبی لذکرک وثبتنی علی دینک ودین نبیک
ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک
انت الوهاب و چون خواهی شروع در نماز کنی برای نماز فریضه اذان
و اقامت بگو که اگر کسی اذان و اقامت هر دو بگوید دو صف ملائکه در عقب او
نماز کنند و اگر اقامت تنها بگوید یک صف که هر صفی از مشرق تا مغرب و [illegible]

که برای خدا اذان گوید نه برای اجرت و ریا در روز قیامت در بهشت بر بالای
تل مشک بایستد و در میان اذان و اقامت اجر شهیدی که در راه خدا در خون
خود غلطیده باشد خدای تعالی باو دهد کسی گفت یا رسول الله مردم در اذان
پیش دستی میکنند و زحمت میدهند حضرت فرمود زمانی بیاید که اذان
گفتن را از روی کمتر ضعفا واگذارند و گوشت ایشان را خدای تعالی بر آتش
حرام گردانیده و کسیکه برای خدا اذان گوید خدای تعالی ثواب چهل هزار
شهید و چهل هزار صدیق باو عطا فرماید و چهل هزار گناه کار را بشفاعت
او بهشت برد و چون بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا الله هفتاد هزار فرشته
برای او دعا کنند و استغفار نمایند و روز قیامت در سایه عرش خدای باشد
تا حسنات مردم تمام شود و چون بگوید اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله چهل هزار
فرشته برای او دعا کنند و استغفار نمایند و روز قیامت در سایه عرش
خدای باشد و چهل هزار فرشته ثواب آنرا بنویسند و اگر یکسال در شهری
از شهرهای اسلام اذان گوید گناهش آمرزیده شود و اگر چه گناهش کوه احد
باشد و بهشت او را واجب شود و اذان را تأنی و بلند باید گفت که آوازش
هر خشک و تری که برسد برای او شهادت دهند و هر قدر بلند شود آنقدر

گناهش

گناهش آمرزیده شود و هر کس با او نماز گذارد برای او حسنه ثبت شود و خدای تعالی
بادی برای اذان موکل گردانیده که آواز آنرا بآسمان برد و چون ملائکه بشنوند
گویند این آواز امت محمد است که توحید خدا می کنند پس برای ایشان استغفار
کنند تا آنکه از نماز فارغ شوند و اگر در خانه اذان بلند گویند شیطان از دور
کند و برای اطفال نیکو باشد که صدای اذان وصیت ایشان همیشه بشنوند و بیماری
و پریشانی را زایل کند راوی گوید من و اهل خانه من همیشه بیمار و علیل می بودیم
و گاه میشد که هیچکس نمیماند که خدمت کند تا این حدیث را شنیدم و بآن عمل نمودم
بیماری و کوفت از خانه من زایل شد و دیگری از بیماری و بیفرزندی بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد فرمود در خانه خود اذان بلند بگوی چنین
کرد و بیماریش زایل شد و اولادش بسیار شد و اقامت را آهسته‌تر و زودتر از اذان
گویند و هر مرتبه که نام حضرت پیغمبر صلی الله بگوید گوینده و شنونده صلوات
بفرستند و اذان نشسته یا سواره و در راه و بی طهارت و بغیر قبله
اگر در گفتن شهادتین رو بقبله باشد توان گفت اما اقامت را بشرائط
و هیئت نماز بگوید و در اثنای اذان و اقامت و چون حرف زدن جایز است
اما ترکش فضیلت بخصیص در اثنای اقامت و چون قد قامت الصلوة گفته شود

احادیث وارد شده که حرف زدن حرام شود بر مؤذن و سائر جماعت همه بعد از
برای امامت کسی کویند پس ثابت و بعضی از علما تجویز حرف زدن برای
سائر چیزهائی که متعلق بنماز باشد نیز نموده‌اند و اگر حرف زند اقامت را
اعاده کند و اگر چیزی از اذان یا اقامت را فراموش کند رجوع
نماید و از آن کلمه بگوید تا آخر و اگر داخل نماز شود و بخاطرش رسد که اقامت
نگفته صلوة بر پیغمبر بفرستد و اقامت بگوید و بعد از آن نماز کند اگر
هنوز شروع در قراءت نکرده باشد و در روایت دیگر آمده که اگر
رکوع نکرده باشد رجوع نماید و اذان و اقامت بگوید و برای زنان اذان
و اقامت آنقدر تاکید ندارد اما افضل آنست که بگویند و میان اذان
و اقامت لمحه فاصله کند اقلش اینکه نفسی بکشد یا الحمد لله یا سبحان الله بگوید
یا بنشیند یا سجده کند اگر بنشیند بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًّا وَ
رِزْقِي دَارًّا وَاجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا و اگر سجده کند بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّي
سَجَدْتُ لَكَ خَاضِعًا خَاشِعًا ذَلِيلًا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ صلی الله

همه گناهان او را بیامرزد و اگر در میان اذان و اقامت شام بنشیند همچنانست که
در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و در ظهر و عصر شش رکعت نافله را پیش
از اذان بگزارد و دو رکعت را میان اذان و اقامت و اگر در جماعتی باشد
که مؤذن اذان گوید جماعت همه بنشینند و چون قد قامت الصلوة گوید همه
برخیزند و بایستند و چون مؤذن اذان گوید کسیکه بشنود هر چه مؤذن گوید
آهسته بگوید روزیش زیاد شود و چون مؤذن شهادتین گوید شنونده
بگوید از روی تصدیق و اقرار وَاَنَا اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ اَكْتَفِي بِهَا عَمَّنْ اَبَى وَجَحَدَ وَاُعِينُ بِهَا مَنْ اَقَرَّ وَشَهِدَ
بعدد هر کسی که شهادت داده و ایمان آورده و هر کس انکار نموده و ایمان
نیاورده اجر و ثواب داشته باشد و در روایتی آمده که چون مؤذن حیّ علی
گوید شنونده حوقله گوید و چون اذان صبح و شام بشنود بگوید اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاِقْبَالِ نَهَارِكَ وَاِدْبَارِ لَيْلِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ
وَاَصْوَاتِ دُعَائِكَ وَتَسْبِيحِ مَلَائِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ و در شام بجای
باقبال نهارك وادبار لیلك بگوید باقبال لیلك وادبار نهارك و اگر در آن روز

بمیرد شهید باشد **فصل ششم در کیفیت اشتغال بنماز و آداب آن** امام اهل بیت
نبوت صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود
بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ
یَدَیْ صَلَوٰاتی وَ اَتَقَرَّبُ بِهِمْ اِلَیْکَ فَاجْعَلْنی بِهِمْ وَجیهاً
فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبینَ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ
لی بِطاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ وِلایَتِهِمْ فَاِنَّهَا السَّعادَةُ اخْتِمْ
لی بِها اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ و بعد از نماز بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مَعَ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فی کُلِّ عافِیَةٍ وَ بَلاءٍ تا آخر دعا که در فصل عقیب
انشاء الله بیاید با محمد و آل محمد باشد صلی الله علیهم و افتتاح نماز بیک تکبیر
واجب و به سه تکبیر فضل و به پنج تکبیر فضلتر و بهفت از همه افضل و یکی از جمله تکبیر
احرام واجبست و باقی مستحب و بعد از تکبیر سوم بگوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِکُ الْحَقُّ
لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ وَ بِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسی
فَاغْفِرْ لی اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ و بعد از تکبیر پنجم بگوید لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ
وَ الْخَیْرُ فی یَدَیْکَ وَ الشَّرُّ لَیْسَ اِلَیْکَ وَ الْمَهْدِیُّ مَنْ هَدَیْتَ عَبْدُکَ
وَ ابْنُ عَبْدَیْکَ بَیْنَ یَدَیْکَ لا مَلْجَأَ وَ لا مَنْجا وَ لا مَفَرَّ مِنْکَ اِلّا اِلَیْکَ

تَبارَکْتَ وَ تَعالَیْتَ سُبْحانَکَ وَ حَنانَیْکَ سُبْحانَکَ رَبَّ الْبَیْتِ
و هر کس پیش از تکبیر احرام بگوید یا مُحْسِنُ قَدْ اَتاکَ الْمُسیءُ وَ قَدْ اَمَرْتَ
الْمُحْسِنَ اَنْ یَتَجاوَزَ عَنِ الْمُسیءِ وَ اَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ اَنَا الْمُسیءُ
فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ تَجاوَزْ عَنْ قَبیحِ ما تَعْلَمُ مِنّی خدای تعالی
بملائکه گوید گواه باشید که گناهانش را عفو کردم و هر کس پیش و حقی یا مظلمه
داشته از و راضی نمودم پس اگر تکبیر هفتم را قصد احرام کند این شش را
بخواند و بعد از تکبیر هفتم بگوید وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمٰواتِ
وَ الْاَرْضَ عَلیٰ مِلَّةِ اِبْراهیمَ وَ دینِ مُحَمَّدٍ وَ مِنْهاجِ عَلِیٍّ وَ الْاِئْتِمامِ
بِالْاَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ الصَّلٰوةُ وَ السَّلامُ حَنیفاً مُسْلِماً
وَ ما اَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ اِنَّ صَلٰوتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ
مَماتی لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ لا شَریکَ لَهُ وَ بِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَ اَنَا
مِنَ الْمُسْلِمینَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ الْمُسْلِمینَ و در حال ایستادن رکوع
کردن پاها را از هم گشاید بقدر سه انگشت تا یکوجب و زنان در هر دو حال
بهم نزدیک گذارند تا فاصله نباشد بعد از آن از شیطان رجیم پناه بخدا برد
بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمیعِ الْعَلیمِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ و بعد از آن الحمد و سوره در

دو رکعت اول هر نماز بخواند و افضل آنست که در رکعت اول نماز عصر و مغرب سورهای
کوتاه بخواند مثل اذا جاء نصر الله و الهیکم التکاثر و در نماز ظهر و خفتن سورهای
متوسط مثل والشمس و سبح اسم ربک الاعلی و در نماز صبح ازین درازتر مثل
عم یتساءلون و هل اتیک حدیث الغاشیة و هل اتی علی الانسان و در رکعتهای
دوم قل هو الله احد زیرا که بعد از آن قنوت خوانده میشود و دعا بعد از
خواندن قل هو الله احد مستجابست و در نماز شام و صبح جمعه سورهٔ جمعه
و قل هو الله احد و در نماز خفتن آن جمعه و سبح اسم و در نماز ظهر آن جمعه و منافقین
و در نماز عصر آن جمعه و قل هو الله و مرویست که هر سوره که برای فضل
و ثواب خواهند بخوانند اگر بجای آن انا انزلناه و قل هو الله احد بخوانند
همان ثواب داشته باشد با ثواب این دو سوره اما در نماز جمعه و ظهر آن
سورهٔ جمعه یا منافقین باید خواند که افضلست و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب
دانسته اند و اگر پنج نماز بگزارد که قل هو الله احد بخواند فرشته ندا کند
و گوید ای بندهٔ خدا تو از جملهٔ نماز کنندگان بهشتی و مردان باید دو رکعت
اول نماز شام و خفتن و نماز صبح را بلند قراءت نمایند و همچنین نماز جمعه و دو رکعت
اول ظهر جمعه را اگرچه منفرد باشند و باقی رکعتها و نمازها را آهسته و اگر عمدا

نماز جهر را

نماز جهر را اخفات و یا اخفاتی را جهر کنند باطل باشد و اعاده باید کرد و حد
آهستگی آنست که خود بشنود اگر آهسته تر از آن باشد مجزی نبود و حد بلندی آنکه
بسیار بلند آواز شدید نبود بلکه حد وسط باشد و چون نمازهای جهر را بلند
بخواند آنقدر که آوازش برسد آتش دوزخ از او دور شود و بر صراط بگذرد
و روز قیامت مسرور و خوشحال باشد تا آنکه داخل بهشت شود و بعد از تمام
الحمد و همچنین بعد از سوره بقدر آنکه نفسی توان کشید ساکت شود و چون از
قراءت فارغ شود ایستاده تکبیر بگوید و رکوع کند و دستها را بر زانو
گذارد و انگشتان را بگشاید چنانکه زانو را در مشت گیرد و زانو را بعقب
میل دهد و پشت را آنقدر خم کند که اگر قطرهٔ آبی بر پشتش بریزد قرار
گیرد و بالها را از هم گشاده و اعضا بر یکدیگر تکیه نکند و زنان دستها را
بالاتر از زانو بگذارند تا بسیار خم نشوند و اعضای شان بهم جمع تر باشد
و سه مرتبه تا نه بگوید سبحان ربی العظیم و بحمده و اگر تسبیح رکوع و سجود را
یکمرتبه گوید یک ثلث نماز کرده باشد و اگر دو مرتبه گوید دو ثلث
و اگر هیچ نگوید هیچ نماز نکرده باشد و پنج مرتبه افضلست و هفت مرتبه
افضل از آن و هرچند بیشتر گوید افضل بود و مرویست که هر کس رکوع را تمام

کذارد وقت قبرامین باشد و چون سر از رکوع بردارد درست بایستد که هر کس بعد از
رکوع پشت راست نکند نماز نکرده باشد و ایستاده بگوید سَمِعَ اللهُ لِمَن
حَمِدَه اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ اَهلِ الجَبَرُوتِ وَالکِبرِیاءِ
وَالعَظَمَةِ لِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ پس همچنان ایستاده تکبیر بگوید و سرازیر
بسجود رود و هر دو دست را باهم بیشتر از زانو بر زمین کذارد چنانکه
برابر رو و زانو باشد و انگشتان بهم چسپیده برابر قبله باشد و ساعدها را
از زمین بردارد و بالها بکشاید چنانکه هیچ عضو بر عضو دیگر تکیه نکند زنان
اول بنشینند و زانو را بیشتر از دست بر زمین کذارند و بعد از آن سجده
کنند و اعضا را مجتمع دارند و ساعدها بر زمین بخوابانند و سجده بر هفت
عضو باید کرد پیشانی و دو کف دستها و دو زانو و دو انگشت بزرگ پا
و سر بینی سنت اول واجب و آخر سنت و مرویست که هر کس بینی را بر جای
پیشانی میکذارد و نمیکذارد نماز نکرده باشد و مستحبست کف دستها را بر
چیزی کذاشتن که سجده بر آن صحیح باشد تا روز قیامت عمل بر آن بکذارند
و در سجده سه مرتبه یا پنج یا هفت یا بیشتر بگوید سُبحانَ رَبِّیَ الاَعلی
وَبِحَمدِه و کسیکه سجده را طول دهد ابلیس فریاد کند و کوید ای وای عصیت کرد

دعا

و من معصیت کردم او سجده کرد و من سرکشی کردم و مستحبست که سجده بر تربت
حضرت امام حسین ع باشد که در میان بنده و خدای حجابها را بشکافد و چون سر از
سجده بردارد و پشت راست کند و بر جانب چپ بنشیند چنانکه هر دو پا از جانب
راست بیرون آید و پشت پای راست بر کف پای چپ نهد و نشسته تکبیر بگوید
پس بگوید اَستَغفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیهِ پس همچنان نشسته تکبیر بگوید
و سجدهٔ دیگر بهمان دستور بکند و چون سر بردارد و تکبیر بگوید لمحه بنشیند
پس برکعت دیگر برخیزد و از سجده راست برنخیزد که آن بدعت جبابره است
و در وقت برخاستن هر دو کف دست بر زمین کذارد و بگوید بِحَولِ اللهِ وَ
قُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقعُدُ و اگر خواهد بگوید اَللّهُمَّ رَبِّی بِحَولِکَ وَقُوَّتِکَ اَقُومُ
وَاَقعُدُ و اگر خواهد وَاَرکَعُ وَاَسجُدُ نیز زیاد کند و چون از قرائت رکعت دوم
فارغ شود تکبیر بگوید و دستها برداشته قنوت بخواند هر ذکر و دعائی که خواهد
مجزی باشد اقلش آنکه سه مرتبه سبحان الله بگوید و هر چند طول بیشتر دهد در روایت
رجحانش بیشتر بود و افضل نمازها آنست که قنوتش طویل تر باشد و از جملهٔ ذکرهای
قنوت کلمات فرج فضل بسیار دارد و آن کلمات اینست لا اِلهَ اِلّا اللهُ
العَلِیُّ العَظِیمُ لا اِلهَ اِلّا اللهُ الحَلِیمُ الکَرِیمُ سُبحانَ اللهِ

ربّ السموات السبع وربّ الارضين السبع وما فيهنّ وما بينهنّ

وما تحتهنّ وربّ العرش العظيم والحمد لله ربّ العالمين

بعد از ان صلوة بر پیغمبر و آلش بفرستد و سر حاجت و مطلب دنیوی و اخروی و رحمت

و مغفرت برای خود و دیگران که خواهد بطلبد و از جملهٔ ادعیهٔ ماثوره که متضمن

همه اینها باشد اینست اللّهمّ انّی اسئلک لی ولوالدیّ واهل بیتی و

ولدی واخوانی المؤمنین فیک الیقین والعفو والمعافاة

والرحمة والمغفرة والعافیة فی الدنیا والآخرة و در نماز صبح

این قنوت خواندن مستحب است اللّهمّ انّی اسئلک من کان اصبح وله

ثقة ورجاء غیرک فانت ثقتی ورجائی یا اجود من سئل

ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی ومسکنتی وقلّة

حیلتی وامنن علیّ بالجنّة وفکّ رقبتی من النار وعافنی

فی نفسی وفی جمیع اموری برحمتک یا ارحم الراحمین

و در نماز جمعه دو قنوت بخواند در رکعت اول پیش از رکوع و در رکعت دوم

بعد از رکوع و در قنوت اول کلمات فرج بخواند و بعد از ان بگوید اللّهمّ صلّ

علی محمّد وآل محمّد کما هدیتنا به اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد

کما

کما اکرمتنا به اللّهمّ اجعلنا ممّن اخترته لدینک وخلقته

لجنّتک اللّهمّ لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک

رحمة انّک انت الوهّاب و در قنوت دوم بگوید اللّهمّ تمّ نورک

فهدیت فلک الحمد ربّنا وبسطت یدک فاعطیت فلک

الحمد ربّنا وعظم حلمک فعفوت فلک الحمد ربّنا

وجهک اکرم الوجوه وجهتک خیر الجهات وعطیّتک افضل

العطیّات واهناها تطاع ربّنا فتشکر وتعصی ربّنا

فتغفر لمن شئت تجیب المضطرّ وتکشف الضرّ وتشفی السقیم

وتنجی من الکرب العظیم لا یجزی بآلائک احد ولا یحصی

نعماءک قول قائل اللّهمّ الیک رفعت الابصار ونقلت

الاقدام ومدّت الاعناق ورفعت الایدی وانت دعیت

بالالسن والیک سرّهم ونجویهم فی الاعمال ربّنا اغفر لنا

وارحمنا وافتح بیننا وبین قومنا بالحقّ وانت خیر الفا

تحین اللّهمّ انّا نشکو الیک غیبة نبیّنا وشدّة الزمان علینا

ووقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء وکثرة عدوّنا وقلّة

عددنا فافرج ذلك یا رب بفتح منك تعجله ونصر منك
تعزه وامام عدل تظهره اله الحق رب العالمین و از حضرت
امام همام علی بن موسی الرضا مرویست که از کسی پرسید که در نماز جمعه چه قنوت
میخوانی گفت آنچه مردم میخوانند حضرت فرمود این قنوت بخوان اللهم اصلح عبدك
وخلیفتك بما اصلحت به انبیاءك ورسلك وحفه بملائكتك
وایده بروح القدس من عندك واسلكه من بین یدیه ومن خلفه
رصدا یحفظونه من كل سوء وابدله من بعد خوفه امنا
یعبدك لا یشرك بك شیئا ولا تجعل لاحد من خلقك علی
ولیك سلطانا واذن له فی جهاد عدوك وعدوه واجعلنا
من انصاره انك علی كل شیء قدیر و بعضی از مشایخ رحمهم الله نقل کرده
که در قنوت دستها را برابر رو بگیرد و جایکه انگشتان برابر قبله و بهم چسبیده
باشد و چون از قنوت فارغ شود تکبیر رکوع بگوید و بعد از سجود بهیأتی که
قبل ازین مذکور شد بنشیند و تشهد باین طریق بخواند که بسم الله وبالله
والحمد لله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق

بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة واشهد ان ربی نعم الرب وان
محمدا نعم الرسول اللهم صل علی محمد وال محمد وتقبل شفاعته
وارفع درجته بعد از آن دو بار یا سه بار الحمد لله بگوید و چون خواهد برخیزد
کف دستها را بر زمین گذارد و بگوید بحولك وقوتك اقوم واقعد یا بگوید
بحول الله وقوته اقوم واقعد و در رکعت سوم و چهارم احادیث بسیار وارد شده
که تسبیح و الحمد هر دو مساویست هر کدام را خواهند بخوانند اما از حضرت
صاحب الزمان ع مرویست که قراءت الحمد درین دو رکعت تسبیح را نسخ کرد
مگر برای بیماری یا کسی که بسیار سهو کند پس بنابرین حدیث احتیاط آنست
که بی ضرورت تسبیح نخوانند و چون خواهد سلام بگوید چنین بگوید السلام
علیك ایها النبی ورحمة الله وبركاته السلام علی انبیاء الله
ورسله السلام علی جبرئیل ومیكائیل والملائكة المقربین
السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین لا نبی بعده
السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا وعلی
عباد الله الصالحین و سلامی که نماز بآن تمام شود سلام آخرست خواه امام
باشد و خواه ماموم و خواه منفرد و باین سلام حضرت پیغمبر و ائمه طاهرین را قصد کند

ویکی کاتب چپ اگر و اینجا کسی باشد و اگر نباشد این سلام در کار نیست

فصل هفتم در اشاره به اسرار مقدمات و اعمال نماز و ذکر بقیهٔ آداب و افعال آن از اهل بیت

طهارت صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که بهترین جامهها و بزینت ترین لباسها
برای مومنان لباس تقوی و پرهیزکاریست از هرچه خدای تعالی حرام کرده و بنده
و آنرا مکروه داشته و لباس ظاهری نعمتیست کرامت فرموده تا عورات
بدن و اعضا و عیوب و قبایح آن بآن پوشیده شود و مستور گردد و توبه و تقوی
کرامتیست که احسان فرموده تا گناهان باطن و مساوی اخلاق و هوسهای فاسد
و آرزوهای باطل آن پنهان گردد و مخفی ماند پس چون عورات و عیوب ظاهر را
از خلق پوشیده داری و پیش کسی اظهار آن نیاری شرم دار از این که امراض
ذنوب باطن را در پیش خدای جلوه دهی و از آن هیچ آزرم نداری و مستراح را
از آنجهة مستراح گویند که بدن در آنجا از ثقل نجاسات راحت یابد و از
کدورت کثافات استراحت نماید پس مومن چون ببیند که لطیف ترین
نعمتهای دنیا و لذیذترین لذتهای آن باین زودی عاقبتش چه میشود
باید عبرت گیرد از آن و دست از جمع کردن آن باز دارد و دل از تشویش
آن فارغ سازد تا بجمعیت خاطر مشغول عبادت خدای شود و تحصیل سعادت

باقی نماید چه حالت است که شکم را از نجاسات دنیا خالی کنی و بدن را از گرانی آن
راحت دهی و دل را از وسواس آن لبریز سازی و از تشویش اندیشهٔ آن
نپردازی و خدای تعالی آب را طهور گردانیده تا فضلات نجاسات آن
بشوئی و از کدورت احداث و کثافات تنزه یابی و جدول توبه و استغفار
جاری سازی تا نجاست ذنوب و سیئات بآن تطهیر دهی و از نجاست
آثام و خطیئات وارهی هیچ نیندیشی که تا ازالهٔ نجاست ظاهر نکنی و دست
ورود در وضو نشوئی قابل آن نباشی که روی بدن بقبله گردانی و با اعضای
طاهر داخل مسجد شوی و بر سجاده نشینی و بازبان و دهان تسبیح و مناجات
نمائی پس ازالهٔ نجاسات باطن نانموده و خاطر از حدث محبت باطل نشسته
و شو نداده و نیت را برای خدای خالص نکرده چگونه لایق
آن باشی که روی دل سوی خدا کنی و بساط قرب کرامت تکیه نمائی
و در حضرت عزت حدیث اسرار سرائی و مسواک دندان از کثافت
آثار طعام جلا و دهان را از کراهت بوی آن صفا دهی چگونه جوارح را
از نجاست عصیان و مخالفت خدا و دل را از اطاعت شیطان و محبت
دنیا بتضرع و خشوع و انابت و خضوع طهارت ندهی و چون متوجه قبله شوی

و بر پای ایستی روی از جمیع چیزها بگردانی و روی دل از وسوسهٔ دنیا بگردانی
و ایستادن موقف عرض اعمال و هویدا گشتن خفیات اسرار یاد کنی چون
اذان نماز بشنوی از ندای روز قیامت یاد آر و چون روی بقبله کنی
روی دل از هرچه غیر خداست باز آر و چون بر پای ایستی از روی کمال خشوع
و خضوع بایست و هرچه غیر خداست چنان پندار که نیست در خدمت خدا
ایستاده و با حضرت او در مکالمه دانائیست که ظاهر و باطن داند و توانائیست
که هرچه بخاطر گذرانی تواند و پادشاهیست که آسمان و زمین در وسعت مملکت
او ذره ایست و هر دو جهان از بحار خزائن رحمت او قطرهٔ در خدمت او
چنان بایست که ضعیف ترین بندهٔ در خدمت عظیم ترین پادشاهی اگر سرش
بخارد نخارد و اگر دلش بدر آید نگیرد که اهل خواب آلوده و مسکین نماز
برمخیز که این از جملهٔ صفات منافقانست و با ریش و دست بازی مکن و انگشتان
در میان یکدیگر میار که این همه از نماز نقصانست و دستها بر سینه مگذار
که این عمل شیوهٔ مجوسانست و خمیازه با دهن و اعضا مکن که از جملهٔ اعمال
شیطانست و اگر کسی در نماز انگشت بشکند نصیبش از نماز همان باشد و چون
تکبیر بگوئی بزرگی و عظمت خدا را بیاد آور و هرچه غیر اوست در پیش بزرگی او

زمین و خار شمار که اگر دل با دیگری داری و دیگری را بزرگتر شماری خدای تعالی
گوید ای دروغگوی مرائی فریبی بزبان الله اکبر میگوئی و دل بغیری میدهی
بعزت و جلال خودم که از شیرینی ذکر خود محرومت کنم و از نزدیکی جناب خود
دور و از لذت مناجات بی نصیب و مهجور گردانم و در نماز دستها را برروی
ران بنه و انگشتان بهم چسپیده باشد و سر و گردن مگردان و تکبیر بطرفی
میل بچیزی تکیه مکن و زنان دستها را بسینه بچسپانند تا بر پستان متصل شود و
و بلندی پستان ننماید و در اثنای نماز آب دهن و دماغ میفکن که هرکس برای تعظیم
خدای در نماز دفع آن کند خدای تعالی او را تا وقت ممات صحت بدن کرامت
فرماید و پاها را برابر هم بگذار که پیش و پس نباشد و بضرورت چیزی بر دهن منه
که نقصان نماز بود و نظر از موضع سجود بر مدار و باطراف التفات مکن که هرکس در نماز
باطراف نگاه کند خدای تعالی گوید ای بندهٔ من بکجا نگاه میکنی و کرا می طلبی آیا
خدائی غیر من میخواهی یا جوادی سوای من میجوئی منم اکرم الاکرمین و منم اجود الاجودین
و منم بهترین معطین منم که آنقدر ثواب دهم ترا که هیچکس قدر آن نداند روی بجانب
من کن که من روی با تو دارم و ملائکهٔ من روی با تو دارند پس اگر روی بگرداند
و متوجه نماز شود گناه آنچه کرده بود زایل شود و اگر بار التفات بطرفی نماید

خدای تعالی همان مکالمه فرماید وهمچنین تا چهار مرتبه و مرتبهٔ چهارم خدای رو ازو
بگرداند و ملائکه رو بگردانند و فرماید که ای بندهٔ من واگذاشتم ترا با آنچه
میخواهی روایت دیگر آمده که در مرتبهٔ سوم خدای تعالی رو بگرداند و بعد ازان
هرگز باو نظر نکند نعوذ بالله من ذلک و در نماز دل با خدای دار و خیال غیر
نماز بخاطر میار که دو رکعت نماز با تفکر بهتر است از قیام لیل و هر کس دو رکعت
نماز گزارد و بداند که چه میگوید میان او و خدا هیچ گناه نماند مگر آنکه آمرزیده
شود و هر قدر از نماز که دل با آن باشد حساب شود و هر چه ازان غافل باشد
برهم پیچند و بر روی صاحبش زنند و در رکوع چشم را بپوش یا نظر در میان
هر دو پای بدار و دراز کردن گردن معنیش آنست که گردن از بندگی خدای
نکشیدم و سر از اطاعت او نپیچم اگرچه گردنم زنند و هیچ بنده رکوع بحقیقت
نکرده مگر اینکه خدای تعالی او را بنورهای خویش مزین کرده و در سایهٔ
کبریای خود پناهش داده و خلعت اصفیا برو پوشانیده و رکوع ادبست
و اطاعت و سجود قربست و عزت کسیکه ادب ضایع کند اهلیت قرب نداشته
باشد و سر بسجده گذاشتن معنیش اینست که خدایا اصل من همین خاکست
که هر کسی پا برو گذارد و چون سر بردارد یعنی مرا ازین خاک آفریده و از خاک

برداشته و چون سجده دوم کنی یعنی بار دیگر مرا بمیرانی و با خاک یکسان گردانی
و چون سر بردارد یعنی مرتبهٔ دیگر مرا زنده سازی و در روایتست که والله که
زیان نکرده کسی که سجودی بحقیقت کرده اگرچه در تمام عمر یکمرتبه باشد
و سود ننموده کسی که حق آن ضایع نموده باشد و مانند قرینه که این غافل
از رتبهٔ ساجدان با خدا خلوت نموده هرگز از خدا دور نشود کسی در سجود
بکلی دست از خود بر دارد و خود را یکبارگی بخدا سپارد و هرگز بخدا
نزدیک نگردد کسیکه حرمت سجود ضایع کند در ان حال دل بغیر خدا دهد
عارفی گفته رکوع دعوی بندگیست و دو سجده بعد ازان دو شاهد بر آن
و چون قنوت بخوانی ادب آن رعایت نمائی و بدانکه چه میگوئی و با که
در گفتگوئی شنو و هر چه بر زبان رانی به بینه هرچه در دل گذرانی پس
نیک احتیاط کن تا آنچه می طلبی خیر و نجات باشد و زبان در دعا و دل با غیر
خدا نباشد که دعای دل غافلان مستجاب نگردد و چون تشهد خوانی اقرار
بیگانگی و پادشاهی خدا کنی و اعتراف برسالت و نبوت پیغمبر او نمائی و عهد
بندگی و طاعت خود تجدید سازی و چون صلوات بر پیغمبر و آلش فرستی
ایشانرا شفیع خویش گردانی پس جائیکه بزبان اقرار میکنی دل را نیز با زبان

موافق دارد و آنچه میگوئی تمامش بدار تا مانند قرینه کان باطنت تکذیب ظاهر
ننماید و در این مقام ذکر حدیثی دیگر کنیم که مشتمل است بر فضایل افعال نماز با آداب
و اسرار آن **مرویست از حضرت امام حسن بن علی العسکری ع** از آبای کرام خود
از حضرت پیغمبر که فرمود چون بندهٔ مومن متوجه مصلای خود شود تا نماز
گزارد خدای تعالی گوید ای ملائکه ببینید این بندهٔ مرا که از همه خلایق بریده
و بامید رحمت و شفقت من روی نیاز بمن آورده گواه باشید که او را برحمت
و کرامت خویش مخصوص گردانم و چون دست بردارد و الله اکبر بگوید فرماید
که ببینید چون تبرا و بیزاری می نماید از نسبت شریک و شبیه و نظیر برای من
چنانکه اعدای من نسبت می کنند و مرا از آن بزرگ و منزه میدارد گواه باشید
که او را از آثار کفر ایمن پاک سازم و در مملکت بزرگی خود بزرگ گردانم
و از عذاب جهنم نجات دهم و چون الحمد و سوره دیگر بخواند فرماید ببینید
بندهٔ مرا که چون از قرائت کلام من لذت می یابد گواه باشید که
روز قیامت باو بگوییم که بخوان در بهشت کلام مرا و بالا رو بر درجات
جنان پس بعدد هر حرفی که خوانده درجه از طلا و نقره و درجه از لؤلؤ
و درجه از گوهر و درجه از زبرجد سبز و درجه از زمرد سبز و درجه از نور

رب العزة بالا رود و چون سر از رکوع بردارد فرماید ببینید چون بر اعدای
من ترفع میکند همچنانکه برای من تواضع می نماید و در خدمت من راست می ایستد
گواه باشید که عاقبتش را بهترین عاقبتها گردانم و در بهشت خویش با وی عطا
فرمایم و چون سجده نماید فرماید ببینید که چون تواضع میکند و میگوید اگرچه
در دنیا مکین و حلیمم اما چون حق و عظمت تو بر من ظاهر شود حقیر و ذلیلم
گواه باشید که او را بحق بلند نمایم و باطل را باو دفع گردانم و چون سر از سجده
اول بردارد فرماید ببینید چون میگوید که همچنانکه در پیش عظمت تو تواضع
نمودم و در حضرت خدمت تو برای بندگی و طاعت بطهارت و ذلت را
گشتم و در این مقام ظاهرا عبارتی از نسخهای این حدیث افتاده و گویا باین
مضمون باشد که او را عزیز گردانم و برحمت خویش اختصاص دهم و چون
سجدهٔ دوم کند فرماید ببینید بندهٔ مرا چون بتواضع من عود کرده گواه باشید
که رحمت خود را بر او اعاده فرمایم و چون برای رکعت دوم از جای برخیزد
فرماید ای ملائکه ببینید چون برغبت نماز او را از مذلت بر دارم و بعزت
بلند گردانم و هر رکعتی که گزارد خدای تعالی همچنان فرماید تا آنکه بتشهد
بنشیند خدای تعالی فرماید ای ملائکه بندهٔ من خدمت و عبادت مرا بجای آورد

واکنون نشسته ومرا ثنا میگوید و بر پیغمبر من صلوات میفرستد من نیز در ملکوت
سموات وارض اورا ثنا گویم و بر روح او در میان ارواح صلوات فرستم و چون
بر امیر المؤمنین صلوات فرستد فرماید که من صلوات فرستم همچنانکه تو بر و صلوات
فرستادی و اورا شفیع تو گردانم همچنانکه تو اورا شفیع خود ساختی و چون
سلام نماز دهد خدای تعالی و ملائکه بر و سلام کنند و در روایت دیگر آمده
سلام بعد از هر نماز امانست یعنی هرکس فرمان خدا و سنت پیغمبر را بخضوع و خشوع
بجای آرد امانست اورا از بلای دنیا و عذاب آخرت و مخفی نماند که مراد
از صلوات بر امیر المؤمنین ع اینست که بعد از صلوات بر پیغمبر و بر آل او نیز فرستند
زیرا که آل او امیر المؤمنین ع و فاطمه و یازده امام دیگرند صلی الله علیهم و احادیث
دیگر وارد شده که سلمان فارسی و سائر شیعیان نیز از جمله آل آنحضرتند
و در صلوات بر ایشان شیعیان را نیز قصد باید کرد **فصل هشتم در فضایل تعقیب**
و کیفیت آن از اهل بیت طاهرین ع مرویست که هرکس بعد از نماز فریضه تا وقت
نماز دیگر تعقیب بخواند مهمان خدای باشد و حقست بر خدای تعالی که مهمان
خود را اکرام فرماید و تعقیب خواندن بعد از هر نماز و بعد از نماز صبح تا
طلوع آفتاب برای وسعت رزق بهترست از مسافرت و تجارت نمودن و اینکه

احادیث

احادیث دیگر آمده که نه جزو رزق در تجارتست و یکجزو در غیر آن و تعقیب
خواندن بعد از فریضه افضل است از نافله گزاردن و ظاهر امراد از این نافله
غیر نوافل یومیه باشد و هرکس بعد از نماز صبح بر جای نماز بنشیند تا طلوع آفتاب
تعقیب بخواند خدای تعالی اورا از آتش دوزخ مستور گرداند و گناهان گذشته اش
آمرزیده شود و چنان باشد که زیارت حضرت پیغمبر ص کرده باشد و اگر بقدر
بنشیند که آفتاب شود و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بگزارد گناهان گذشته اش
آمرزیده شود و ثواب حجی داشته باشد و اگر بعد از نماز شام تعقیب بخواند
و حرف نزند تا آنکه دو رکعت نافله بگزارد آن نافله را در علیین ثبت نمایند
و اگر چهار رکعت بگزارد حج مقبولی برای او ثبت کنند و فضل تعقیب بعد از
فریضه بر تعقیب بعد از نافله مثل فضل فریضه است بر نافله و در وقت تعقیب روی
بقبله باشد و حرف نزند که هرچه بنماز مضرت دارد بکمال تعقیب نیز
ضرر دارد مگر آنکه ضرورت و حرکتی روی دهد پس باید با وضو باشد
در تعقیب باشد این بود بیان فضایل تعقیب بر سبیل اجمال و آداب آن
اما تفصیل و کیفیت آن چنانست که مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین که هرکس بعد از سلام نماز دست بردارد و سه مرتبه الله اکبر بگوید

و بعد ازان بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ
وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ
اَلْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
واجبست برو بسبب قوت یافتن اسلام و جنود آن بجای آورده باشد
و هر کس بعد از نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بگوید
و بعد ازان یکمرتبه بگوید لا اله الا الله بگوید گناهانش همه آمرزیده شود
و در روایت دیگر آمده که پیشتر از انکه پا را از وضعی که در نماز نشسته بگرداند
تسبیح بگوید و بعد از هر نماز هر روز گفتن این تسبیح بهترست از انکه هر روز
هزار رکعت نماز گزارد و هر کس این تسبیح را بر خود لازم گرداند هرگز شقی
نگردد و مرویست که اگر ذکری بهتر ازین تسبیح می بود حضرت پیغمبر آنرا
بحضرت فاطمه عطا میفرمود و مستحب است که تسبیح از خاک مقدس حضرت
امام حسین ع باشد که زینت شیعیانست و اگر با ذکر بگرداند هر دانه بیست
حسنه دارد و اگر در اثنای ذکر ذکر را فراموش کند و همان تسبیح بگرداند
باشد ثواب آن ذکر داشته باشد و روایت دیگر آمده که اگر با تسبیحی
ازان تربت مبارک استغفار کند هر استغفاری هفتاد مرتبه محسوب شود

واکر

و اگر در دست گیرد و تسبیح نکند هر دانه هفت مرتبه و در روایت دیگر آمده که هر کس
با این تربت مقدسه تسبیح کند چهارصد حسنه برایش بنویسند و چهارصد سیئه محو کنند
و چهارصد درجه بلند گردانند و چهارصد حاجتش برآرند و نیز مرویست که هر کس
با این تربت مطهره تسبیحات اربع بگوید بهر دانه شش هزار حسنه ثبت کنند و
آنقدر سیئه محو نمایند و آنقدر درجه بلند گردانند و آنقدر شفاعت عطا فرمایند
و مرویست که شیعیان ما از چهار چیز مستغنی نباشند حصیری که جای نماز باشد
و انگشتری و مسواک و تسبیحی از خاک قبر حضرت امام حسین ع که سی و سه دانه باشد
و در روایت دیگر سی و چهار دانه وارد شده و احتمال دارد که [illegible]
در او باشد و هر کس پیشتر از انکه پا را از وضعی که نشسته بگرداند سه مرتبه بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
وَاَتُوبُ اِلَيْهِ خدای تعالی گناهان او را بیامرزد و اگر چه مثل کف دریا باشد
و اگر پیش از انکه زانو را از وضع خود تغییر دهد ده مرتبه بگوید اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا
لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا چهل هزار هزار حسنه برای او ثبت شود
و چهل هزار هزار سیئه از او محو گردد و چنان باشد که دوازده مرتبه ختم قرآن

بوده باشد و اگر بعد از هر نماز بگوید أعوذ بوجهك الكريم وعزتك
التي لا ترام وقدرتك التي لا يمتنع منها شيء من شر الدنيا والآخرة
ومن شر الأوجاع كلها ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم
خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع نماید و اگر الحمد و شهد الله أنه لا إله
إلا هو تا سریع الحساب و آیة الکرسی و قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب بخواند
خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر روز بچشم پنهان خود هفتاد
مرتبه باو نظر کنم و هر مرتبه هفتاد حاجت او را برآرم و او را با هر قدر گناه
که دارد قبول نمایم و در روایت دیگر آمده که هر روز هفتاد حاجتش را
برآرم که کمترین آنها مغفرت گناهان او باشد و در حظیرهٔ قدس خویش جایش
دهم و بر دشمنان نصرتش دهم و از ایشان سلامتش دارم و هیچ چیز مانع بهشت
رفتنش نباشد مگر موت یعنی گر نه موت مقدر می‌بود همچنانکه هست به بهشت می‌بردم
و روایت دیگر شده که هر کس بعد از هر فریضه آیة الکرسی بخواند از ضرر حیوانات
زهر دار ایمن باشد و هیچ چیز مانع بهشت رفتنش نباشد مگر موت و هیچکس مواظبت بر آن
نکند مگر صدیقی یا عابدی و هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد ترک خواندن قل
هو الله احد بعد از هر فریضه نکند که خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع نماید

و گناهان

و گناهان او و والدین و برادران و خواهرانش را بیامرزد و هر کس بعد از هر فریضه
ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از آن دست برداشته بگوید اللهم إني
أسألك باسمك المكنون المخزون الطهر الطاهر المبارك و
أسألك باسمك العظيم وسلطانك القديم أن تصلي على
محمد وآل محمد يا واهب العطايا يا مطلق الأسارى يا فكاك الرقاب
من النار وأن تخرجني من الدنيا آمنا وتدخلني الجنة سالما
وأن تجعل دعائي أوله فلاحا وأوسطه نجاحا وآخره صلاحا
إنك أنت علام الغيوب چون از دنیا بیرون رود از گناهان خالص باشد
مانند طلای بی‌غش و هیچکس را بر او مظلمه نباشد و بعد از هر نماز فریضه این دعا
بخواند اللهم إني أسألك ببرك القديم ورأفتك ببريتك اللطيفة
وشفقتك بصنعتك الحكيمة وقدرتك بسترك الجميل صل على
محمد وآل محمد وأحي قلوبنا بذكرك واجعل ذنوبنا مغفورة
وعيوبنا مستورة وفرائضنا مشكورة ونوافلنا مبرورة
وقلوبنا بذكرك معمورة ونفوسنا بطاعتك مسرورة
وعقولنا على توحيدك مجبورة وأرواحنا على دينك مفطورة

وجوارحنا على خدمتك مقهورة واسماءنا في خواصك
مشهورة وحوائجنا لديك ميسورة وارزاقنا من خزائنك
مدرورة انت الله لا اله الا انت لقد فاز من والاك
وسعد من ناجاك وعز من ناداك وظفر من رجاك وغنم
من قصدك وربح من تاجرك و هر كس بعد از همه نمازها بگويد يا من
لا تشغله سمع عن سمع يا من لا يغلطه السائلون يا من
لا يبرمه الحاح الملحين اذقني برد عفوك وحلاوة رحمتك
گناهانش همه آمرزيده شود اگرچه بعدد ستاره آسمان و قطره باران
و خاك زمين و ريگ بيابان باشد و هر كس بعد از هر نماز فريضه بگويد اجير نفسي
ومالي وولدي واهلي وداري وكل ما هو مني بالله الواحد
الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
واجير نفسي ومالي وولدي وكل ما هو مني برب الفلق من
شر ما خلق تا آخر سوره و برب الناس تا آخر سوره و بالله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم تا آخر آية الكرسي او و خانه و مال و اولادش از آفات محفوظ
گردند و نيز بعد از نماز فريضه بايد گفت رضيت بالله ربا وبمحمد نبيا وبا

لاسلام دينا وبالقرآن كتابا وبعلي والحسن والحسين وعلي
ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد ائمة اللهم
وليك محمد بن الحسن فاحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن
يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته وامدد له في عمره
واجعله القائم بامرك والمنتصر لدينك وأره ما يحب
وتقر به عينه في نفسه وذريته وفي اهله وماله
وفي شيعته وفي عدوه وارهم منه ما يحذرون واره فيهم
ما يحب وتقر به عينه واشف به صدورنا وصدور
قوم مؤمنين و هر كس پيش از آنكه داخل نماز شود بگويد اللهم اني اتوجه
اليك بمحمد وآل محمد تا آخر دعائي كه در فصل كيفيت اشتغال نماز گذشت
و بعد از نماز بگويد اين را كه اللهم اجعلني مع محمد وآل محمد في كل
عافية وبلاء واجعلني مع محمد وآل محمد في كل مثوى و
منقلب اللهم اجعل محياي محياهم ومماتي مماتهم واجعلني
معهم في المواطن كلها ولا تفرق بيني وبينهم انك على كل
شيء قدير با محمد و آل محمد باشد و هر كس بعد از هر فريضه بگويد رضيت بالله

ربّاً و بمحمّدٍ نبيّاً و بالاسلامِ ديناً و بالقرانِ كتاباً و با
لكعبةِ قبلةً و بعليٍّ وليّاً و اماماً و بالحسنِ و الحسينِ و عليٍّ
و محمّدٍ و جعفرٍ و موسى و عليٍّ و محمّدٍ و عليٍّ و الحسنِ و الحجّةِ القائمِ
الخلفِ صلواتُ اللهِ عليهم ائمّةً اللّهمّ انّي رضيتُ بهم ائمّةً
فارضني لهم انّك على كلِّ شيءٍ قديرٌ ؛ ايمان از دنيا بيرون رود
و اگر بعد از هر نماز بگويد اللّهمّ اهدني من عندك و افض عليّ من
فضلك و انشر عليّ من رحمتك و انزل عليّ من بركاتك
روز قيامت هشت در بهشت بر و گشوده شود تا از هر كدام خواهد داخل شود
و حضرت صادق ع فرموده از جملهٔ حقوق ما بر دوستان و شيعيان ما انست كه
چون از نماز فريضه فارغ شوند برنخيزند تا اين دعا بخوانند اللّهمّ انّي
اسئلك باسمك العظيم و بحقّك العظيم ان تصلّي على محمّدٍ
و ال محمّدٍ الطّاهرين و ان تصلّي عليهم صلوةً تامّةً دائمةً
و ان تدخل على محمّدٍ و ال محمّدٍ و اوليائهم حيث كانوا و اين كانوا
في سهلٍ او جبلٍ او برٍّ او بحرٍ من بركة دعائي ما تقرّ به عيونهم
احفظ يا مولاي الغائبين منهم و اردُدهم الى اهاليهم سالمين

و نفّس عن المهمومين و فرّج عن المكروبين و اكس العارين
و اشبع الجائعين و ارو الظّامئين و اقض دين الغارمين
و زوّج العازبين و اشف المرضى و ادخل على الاموات ما تقرّ به
عيونهم و انصر المظلومين من اولياء ال محمّدٍ عليهم السّلام و
اطف نائرة المخالفين اللّهمّ و ضاعف لعنتك و باسك
و نكالك و عذابك على الّذين كفروا نعمتك و خونا رسولك و
اتّهما نبيّك و بايناه و حلّا عقده في وصيّه و نبذا عهده
في خليفته من بعده و ادّعيا مقامه و غيّرا احكامه و بدّلا
سنّته و قلّبا دينه و صغّرا قدر حججك و بدا بظلمهم و طرّقا
طريق الغدر و الخلاف عن امرهم و القتل لهم و ارهاج
الحروب عليهم و منع خليفتك من سدّ الثّلم و تقويم العوج و
تثقيف الاود و امضاء الاحكام و اظهار دين الاسلام و اقامة
حدود القرانِ و العنهما و ابنتيهما و كلّ من مال ميلهم
و حذا حذوهم و سلك طريقهم بتبعتهم لعناً لا يخطر ببالٍ
و يتعيّذ منه اهل النّار اللّهمّ العن من دان بقولهم و اتّبع امرهم

وَدَعا اِلىٰ وِلایَتِهِم وَشَكَّ فی کُفرِهِم مِنَ الاَوَّلینَ وَالآخِرینَ وهم اجمعین
صلوات الله علیهم مرویست که از جملهٔ حقوق ما بر شیعیان اینست که بعد از فریضه
دست بر ریش بگیرند و سه مرتبه بگویند یا رَبَّ مُحَمَّدٍ عَجِّل فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ یا رَبَّ
مُحَمَّدٍ اِحفَظ غَیبَةَ مُحَمَّدٍ یا رَبَّ مُحَمَّدٍ اِنتَقِم لِابنَةِ مُحَمَّدٍ مؤلف این مجموعه
گوید هیچکس از قرآن مبین و احادیث اهل بیت طاهرین علیهم السلام معلوم است
و هیچ شکی در آن نیست اینست که این دعا و هر دعائی که باین مضمون باشد
یعنی مشتمل باشد بر ولایت اهل البیت علیهم السلام و دعای ایشان و شیعیان و برائت
و لعنت بر اعدا و غاصبان حق ایشان افضل است از همهٔ ادعیه و اذکار و اجل است
از جمیع افعال و اعمال زیرا که ایمان باین تمامست و اگر نعوذ بالله درین قصوری
باشد هیچ عبادتی بقدر ذره سود ندهد و مرویست که حضرت صادق ع
بعد از هر فریضه چهار کس از مردان ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و چهار کس از زنان
عایشه و حفصه و هند و ام الحکم خواهر معاویه را بخصوص لعن میفرموده و مرویست که
چون از فریضه فارغ شوید تا بنی امیه را لعن نکنید بجائی مروید و مرویست که در آسمان
فرشته ایست که هزار هزار سر دارد و در هر سری هزار هزار دهن و در هر دهنی هزار هزار
زبان و بهر زبان بهزار هزار لغت خدا را تسبیح میکند وقتی از جناب الهی سؤال نمود

که آیا کسی از بندگان تو باشد که مثل من عبادت کند از آنجناب خطاب رسید که
در زمین مرا بنده ایست که تسبیحش بیشتر است و ثوابش عظیمتر آن فرشته رخصت
دیدن آن بنده یافته آمد و سه روز با او بود و زیاده برین عبادتی از و ندید
که بعد از هر فریضه این تسبیح میگفت سُبحانَ اللهِ كُلَّما سَبَّحَ اللهَ شَیءٌ وَكَما
یُحِبُّ اللهُ اَن یُسَبَّحَ وَکَما هُوَ اَهلُهُ وَکَما یَنبَغی لِکَرَمِ وَجهِهِ وَعِزِّ
جَلالِهِ وَالحَمدُ لِلّهِ كُلَّما حَمِدَ اللهَ شَیءٌ وَكَما یُحِبُّ اللهُ اَن یُحمَدَ وَكَما
هُوَ اَهلُهُ وَكَما یَنبَغی لِكَرَمِ وَجهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
كُلَّما هَلَّلَ اللهَ شَیءٌ وَكَما یُحِبُّ اللهُ اَن یُهَلَّلَ وَكَما هُوَ اَهلُهُ وَكَما
یَنبَغی لِكَرَمِ وَجهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَاللهُ اَكبَرُ كُلَّما كَبَّرَ اللهَ شَیءٌ وَكَما
یُحِبُّ اللهُ اَن یُكَبَّرَ وَكَما هُوَ اَهلُهُ وَكَما یَنبَغی لِكَرَمِ وَجهِهِ وَعِزِّ
جَلالِهِ سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكبَرُ عَلىٰ كُلِّ
نِعمَةٍ اَنعَمَها عَلَیَّ وَعَلىٰ كُلِّ اَحَدٍ مِن خَلقِهِ مِمَّن كانَ اَو یَكونُ
اِلىٰ یَومِ القِیٰمَةِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ اَن تُصَلِّیَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
اَسئَلُكَ خَیرَ ما اَرجوا وَخَیرَ ما لا اَرجوا وَاَعوذُ بِكَ مِن شَرِّ ما اَحذَرُ
وَمِن شَرِّ ما لا اَحذَرُ و هر کس بعد از هر نماز سی مرتبه بگوید سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ

ولا اله الا الله والله اکبر از سوختن و غرق شدن و خرابه ماندن
و خوردن جانوران درنده و مردن بوجهی بد و ناخوش و بلیّه که در آن
روز نازل شود ایمن باشد مرویست که مسافر این تسبیحات را بعد از هر
نماز که قصر میکند سی مرتبه بخواند نمازش آن تمام میشود و هر کس بعد از نماز
صبح و شام پیش از آنکه حرف زند و پا را از وضعی که نشسته تغییر دهد صد مرتبه
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم صد نوع بلا ازو دفع شود که سهلترین آن برص و جذام و شیطان
و جور سلطان باشد و اگر هفتاد مرتبه بگوید هفتاد نوع بلا ازو دفع شود که
سهلترین آن جنون و جذام و برص باشد و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو گردد
و در زمرهٔ سعدا ثبت شود و اگر بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید باسم اعظم
نزدیکتر باشد از سیاهی چشم بسفیدیش و اسم اعظم دران داخل باشد و اگر بعد از
نماز صبح و شام پیش از آنکه حرف زند با کسی پا را بگرداند بگوید ان الله وملائ
کته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه
وسلموا تسلیما اللهم صل علی محمد و ذریته خدای تعالی صد حاجت
او را سفاد در دنیا و سی در آخرت و اگر بعد از نماز صبح و شام بگوید اللهم انی

اسئلك بحق محمد و آل محمد علیك صل علی محمد و آل محمد واجعل
النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص
فی عملی والسعة فی رزقی والسلامة فی نفسی والشکر
لك ابدا ما ابقیتنی از درد چشم ایمن باشد و خیر دنیا و آخرت برای او
جمع شود و اگر بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللهم اجعل صلواتك و
صلوات ملائکتك و رسلك علی محمد و آل محمد وعجل فرجهم
از دنیا نرود تا بخدمت حضرت صاحب الزمان برسد و اگر بعد از نماز صبح
پیش از آنکه با کسی حرف زند بگوید رب صل علی محمد و اهل بیته
خدای تعالی روی او را از تابش آتش دوزخ نگاه دارد و اگر بعد از
نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده لا حول ولا
قوة الا بالله العظیم از کوری و دیوانگی و جذام و پریشانی و ضعف
پیری ایمن گردد و اگر بعد از نماز صبح این دعا بخواند هر حاجتی که خواهد
برآورده شود و خدای تعالی کفایت مهماتش فرماید بسم الله و
بالله وصلی الله علی محمد و آله وافوض امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد فوقیه الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت

سُبحانَكَ اِنّی كُنتُ مِنَ الظّالِمینَ فَاستَجَبنا لَهُ وَنَجَّیناهُ مِنَ الغَمِّ
وَكَذٰلِكَ نُنجِی المُؤمِنینَ حَسبُنا اللهُ وَنِعمَ الوَكیلُ فَانقَلَبُوا
بِنِعمَةٍ مِنَ اللهِ وَفَضلٍ لَم یَمسَسهُم سُوءٌ ما شاءَ اللهُ لا حَولَ وَلا
قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ ما شاءَ اللهُ لا ما شاءَ النّاسُ
ما شاءَ اللهُ وَاِن كَرِهَ النّاسُ حَسبِیَ الرَّبُّ مِنَ المَربُوبینَ حَسبِیَ
الخالِقُ مِنَ المَخلُوقینَ حَسبِیَ الرّازِقُ مِنَ المَرزُوقینَ حَسبِیَ الَّذی
لَم یَزَل حَسبی حَسبی مَن كانَ مُنذُ كُنتُ حَسبی حَسبِیَ اللهُ الَّذی لا
اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَیهِ تَوَكَّلتُ وَهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظیمِ. هر كس روز
بعد از نماز عصر بگوید اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ
الرَّحمٰنُ الرَّحیمُ ذُو الجَلالِ وَالاِكرامِ وَاَسئَلُهُ اَن یَتُوبَ عَلَیَّ تَوبَةَ
عَبدٍ ذَلیلٍ خاضِعٍ فَقیرٍ بائِسٍ مِسكینٍ مُستَجیرٍ لا یَملِكُ لِنَفسِهِ
نَفعاً وَلا ضَرّاً وَلا حَیوٰةً وَلا مَوتاً وَلا نُشُوراً خدای تعالی بکسی امر فرماید
تا نامه گناه او را هر چه باشد در آتش بسوزانند و هر کس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه
استغفار کند هفتصد گناه او را از او آمرزیده شود و اگر او را نباشد از
مادرش و اگر او را نباشد از پدرش و اگر او را نباشد از برادرش و اگر او را ابنو(د) از

از جرائم ش و اگر او را ابنو د از خویشانش الاقرب فالاقرب و هر کس بعد از نماز عصر
ده مرتبه انا انزلناه بخواند بعدد هر کس نماز عصر گزارده برای او حسنه ثبت نمایند
و روایت دیگر شده که مثل اعمال همه خلایق برای او ثبت نمایند و روایت شده که
دو آیه سوره بقره آمن الرسول تا آخر سوره را خدای تعالی از گنجهای بهشت
فرستاده و دو هزار سال پیش از آنکه خلایق را بیافریند بدست خود
نوشته هر کس بعد از نماز خفتن بخواند مجزی باشد او را از قیام لیل و هر کس روز
جمعه بخواند بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند اَللّٰهُمَّ ما قُلتُ فی جُمُعَتی
هٰذِهِ مِن قَولٍ اَو حَلَفتُ فیها مِن حَلفٍ اَو نَذَرتُ فیها مِن نَذرٍ
فَمَشِیَّتُكَ بَینَ یَدَی ذٰلِكَ كُلِّهِ فَما شِئتَ مِنهُ اَن یَكُونَ كانَ
وَما لَم تَشَأ مِنهُ لَم یَكُن اَللّٰهُمَّ اغفِر لی وَتَجاوَز عَنّی اَللّٰهُمَّ
مَن صَلَّیتَ عَلَیهِ فَصَلَواتی عَلَیهِ وَمَن لَعَنتَهُ فَلَعنَتی عَلَیهِ
کفاره گناهان باشد که در آن هفته کرده و هر کس بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه
بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الاَوصِیاءِ المَرضِیّینَ
بِاَفضَلِ صَلَواتِكَ وَبارِك عَلَیهِم بِاَفضَلِ بَرَكاتِكَ وَالسَّلامُ
عَلَیهِ وَعَلَیهِم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ خدای تعالی برای او صد هزار حسنه

ثبت نماید وصد هزار سیئه محو فرماید وصد هزار درجه بلند گرداند وصد هزار حاجتش را
برآرد وبعد ده هر کسی او را حسنه باشد واعمالش را ازو مقبول گردد و چون
روز قیامت بیاید میان هر دو چشمش نوری چنان باشد وچون از نماز وتعقیبات
آن فارغ شوند سنت مؤکد است سجدهٔ شکر کردن که نماز با آن تمام شود و
موجب رضای خدا باشد وملائکه را از آن خوش آید وخدای تعالی حجاب از میان
او وملائکه بردارد وگوید ببینید بندهٔ مرا عبادت من بجای آورده
واکنون سجده میکند مرا بشکرانهٔ اینکه توفیقش داده‌ام پس جزای آن چه
باشد ملائکه گویند خدایا رحمت تو فرماید دیگر چه گویند بهشت فرماید دیگر چه
گویند کفایت مهماتش وهمچنین خدای تعالی سوال کند وملائکه جواب گویند تا آنکه
هیچ چیزی نماند مگر آنکه گفته شود باز سوال فرماید گویند خدایا بیش ازین
علم ما وفا نکند پس خدای تعالی فرماید شکر کنم همچنانکه او شکر من میکند
وبفضل خویش روی باو کنم وجمال خود باو نمایم ونیز مرویست که خدای تعالی
بحضرت موسی علی نبینا وعلیه السلام وحی فرمود وگفت میدانی بچه سبب ترا
بمناجات وکلام خود اختیار نمودم گفت خدایا نمیدانم فرمود همه بندگان خود را
تجسس کردم وامتحان فرمودم هیچکس متواضع‌تر وذلیل نفس‌تر از تو نیافتم زیرا که چون

نمازگزاری هر دو روی خود بر خاک می‌نهی وسجدهٔ شکر چنین کند که هر دو ساعد
وسینه وشکم ملاصق زمین باشد ودر سجدهٔ اول صد مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْراً
وهر ده مرتبه یکبار بگوید شُكْراً لِلْمُجِيبِ وچون صد مرتبه تمام شود بگوید يَا ذَا الْمَنِّ
الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اَبَداً وَلَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ
اَبَداً يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ پس حاجتی که خواهد بطلبد وبعد از آن بگوید لَكَ الْحَمْدُ
اِنْ اَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِغَيْرِي فِي
اِحْسَانٍ مِنْكَ اِلَيَّ فِي حَالِ الْحَسَنَةِ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ بِجَمِيعِ مَا سَئَلْتُكَ مَنْ فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ
وَمَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَابْدَأْ بِهِمْ وَثَنِّ بِي بِرَحْمَتِكَ
وچون روی راست بر زمین گذارد وبگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَسْلُبْنِي مَا اَنْعَمْتَ بِهِ
عَلَيَّ مِنْ وِلَايَتِكَ وَوِلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پس روی چپ
بر زمین گذارد وهمین بگوید پس باز دیگر سجده کند وصد مرتبه بگوید شُكْراً شُكْراً
طریقهٔ دیگر اینکه در سجدهٔ اول بگوید اَسْئَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ اِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ وَحَاسَبْتَنِي حِسَاباً يَسِيراً
وچون روی راست بر زمین گذارد بگوید اَسْئَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

عليه وآله لما غفرت لي الكثير من الذنوب والقليل و
قبلت من عملي اليسير و چون مرتبه دیگر سجده کند گوید اسئلك بحق
حبيبك محمد صلواتك عليه وآله لما ادخلتني الجنة وجعلتني
من سكانها ولما نجيتني من سفعات النار برحمتك و در سجده سیم شکر
آنست که سه مرتبه بگوید شكرا لله شكرا لله و چون سر از سجده بردارد سه مرتبه
بگوید بسم الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة الرحمن
الرحيم اللهم اذهب عني الهم والحزن و هر مرتبه دست راست موضع
سجده بمالد و بر جانب چپ روی بمالد پس بر روی بکشد تا جانب راست که هم
و حزن را زایل کند و چون از نماز برخیزد بگوید که سبحان ربك رب العزة
عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
که هر کس را آخر کلامش این بود خدای تعالی بیشترین کیلها او را ثواب دهد و بعدد
هر مسلمی برای او حسنه ثبت نماید

فصل نهم در فضایل اذکار ساعات شبانه روزی و اوراد صبح و شام و ذکر فضائل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوصه آن در میان لیالی و ایام

از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که هیچ روز بر بنی آدم در نمی‌آید مگر آنکه گوید
ای آدمی زاد من روز تازه‌ام و شاهد اعمال توام پس غنیمت دان مرا و هر چه گوئی خیر گوی

و هر چه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم و چون از تو جدا شوم دیگر تا ابد من دست
رس نباشد و هم از ایشان مرویست که شیطان لعنه الله هر روز از طلوع صبح تا طلوع
آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق مغربی جنود و اتباع خود را در زمین منتشر سازد
برای اضلال مردمان پس در این دو وقت ذکر خدا بسیار کنید و خود و کودکان
خود را پناه بخدا دهید و استعاذه نمائید تا از کید و شر شیطان محافظت فرماید
که این دو ساعت غفلت است و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که خدای تعالی فرماید
یکساعت بعد از صبح و یکساعت بعد از عصر ذکر من کنید تا کفایت مهمات شما
نمایم و نیز فرموده اند چون آفتاب زرد شود ذکر خدای کنید و اگر با جمعی باشید
که شما را مشغول سازند از میان ایشان برخیزید و مشغول ذکر و دعا شوید
در وقت طلوع صبح بگوید الحمد لله فالق الاصباح سبحان رب المساء
ورب الصباح اللهم صبح آل محمد ببركة وعافية وسرور
وقرة عين اللهم انك تنزل بالليل والنهار ما تشاء فانزل
علي وعلى اهل بيتي من بركة السموات والارض رزقا حلالا
طيبا تغنيني به عن جميع خلقك و از جمله ادعیه مخصوصه صبح دعاء
عظیم التفضل جسیم العوض شریف المضامین منسوب بحضرت امیر المؤمنین اللهم يا من

دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع الليل المظلم
بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه
وشعشع ضياء الشمس بنور تأججه يا من دل على ذاته بذاته
وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة كيفياته يا من
قرب من خاطر الظنون وبعد عن ملاحظة العيون وعلم
بما كان قبل ان يكون يا من ارقدني في مهاد امنه وامانه
وايقظني الى ما منحني به من مننه واحسانه وكف اكف السوء
عني بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك في الليل الا
ليل والمتمسك من اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع
الحسب في ذروة الكاهل الاعبل والثابت القدم على زحا
ليفها في الزمن الاول وعلى آله الاخيار المصطفين الابرار
وافتح اللهم مصاريع الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح و
البسني من افضل خلع الهداية والصلاح واغرس اللهم بعظمتك
في شرب جناني ينابيع الخشوع واجر لهيبتك من آماقي زفرات الدموع
وادب نزق الخرق مني بازمة القنوع الهي ان لم تبتدئني الرحمة

والماسك

لنا

اللهم

اللهم

اللهم

منك

منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك في واضح الطريق وان
اسلمتني اناتك لقائد الامل والمنى فمن المقيل عثراتي
من كبوات الهوى وان خذلني نصرك عند محاربة النفس
والشيطان فقد وكلني خذلانك الى حيث النصب والحرمان
الهي اتراني ما اتيتك الا من حيث الآمال ام علقت باسباب
حبالك انامل ولائي الا حين باعدتني ذنوبي عن دار الوصال
فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها فواها
لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا لها لجرأتها
على سيدها ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي
وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف
حبالك انامل ولائي فاصفح اللهم عما كان من زللي و
خطائي واقلني اللهم عما كان من صرعة ردائي فانك
سيدي ومولاي ومعتمدي ورجائي في منقلبي ومثواي
وانت غاية مناي الهي كيف تطرد مسكينا التجا اليك من الذنوب
هاربا ام كيف تخيب مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا

ام كيف تردّ ظمآنا وردا الى حياضك شاربا كلا وحياضك
مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول
وانت غاية السؤول ونهاية المأمول الهي هذه ازمّة
نفسي عقلتها بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها
برحمتك وهذه الاهواء المضلة وكلتها الى جناب لطفك
ورحمتك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي بضياء
الهدى والسلامة في الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد
العدى ووقاية من مرديات الهوى انك قادر على كل شيء
قدير وبالاجابة جدير اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء
وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج
النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي
وترزق من تشاء بغير حساب الهي من ذا يعرف قدرك
فلا يخافك ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك الفت بقدرتك
الفرق وفلقت بلطفك الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق

وامهرت

ن صم الصاخيده

وامهرت المياه من الصم الصياخيد عذبا واجاجا وانزلت
من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس والقمر للبرية سراجا
وهاجا من غير ان تمارس فيما ابتدأت لغوبا ولا علاجا
فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء
صل على محمد وآله الاتقياء واسمع ندائي واستجب دعائي
وحقق بفضلك املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر
والمأمول في كل عسر ويسر بك انزلت حاجتي فلا تردني
من سني مواهبك خائبا يا كريم يا كريم يا كريم برحمتك
وصلى الله على خير خلقه ومظهر لطفه محمد وآله اجمعين
وسلم تسليما كثيرا ونيز اين دعا از صحيفه كامله بخوانند هر صبح كه فضايل
بى حد و فضل بى عدد دارد الحمد لله الذي خلق الليل والنهار
بقدرته تا آخر و نيز هر صباح اين دعا بخوانند كه مرويست از امامين همامين
موسى بن جعفر و علي بن موسى الرضا عليهم السلام بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم ان ذنوبي وكثرتها قد اخلقت وجهي عندك وحجبتني
عن استيهال رحمتك وباعدتني عن استيجاب مغفرتك ولولا

تعلقي بالائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي من المسرفين
واشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين اسرفوا على
انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا
انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين من رحمتك
فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا
برحمتك الى دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين
يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين لقد كان
ذل الاياس علي مشتملا والقنوط من رحمتك بي ملتحفا الهي
وعدت المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء ظنه بك
عقابا اللهم وقد اسبل دمعي حسن الظن بك في عتق رقبتي
من النار وتغمد زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق
الذي لا خلف له ولا تبديل يوم ندعو كل اناس بامامهم
ذلك يوم النشور اذا نفخ في الصور وبعثرت القبور اللهم
اني اقر واشهد واعترف ولا اجحد واسر واظهر واعلن
وابطن بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك

وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين
ووارث علم النبيين وقاتل المشركين وامام المتقين ومجاهد
الناكثين والقاسطين والمارقين امامي ومحجتي وعروتي و
صراطي ودليلي وحجتي ومن لا اثق بالاعمال وان زكت ولا
اراها منجية لي وان صلحت الا بولايته والائتمام به والاقرار
بفضائله والقبول من حملتها والتسليم لرواتها اللهم واقر
باوصيائه من ابنائه ائمة وحججا وادلة وسرجا واعلاما
ومنارا وسادة وابرارا واومن بسرهم وجهرهم وظاهرهم
وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم وغائبهم لا شك في ذلك
ولا ارتياب ولا تحول عنه ولا انقلاب اللهم فادعني يوم
حشري وحين نشري بامامتهم واحشرني في زمرتهم واكتبني
في اصحابهم واجعلني من اخوانهم وانقذني بهم من حر النيران وان
لم ترزقني روح الجنان فانك ان اعتقتني من النار كنت من
الفائزين اللهم وقد اصبحت في يومي هذا ولا ثقة لي ولا رجاء
ولا مفزع ولا ملجا ولا ملتجى غير من توسلت بهم اليك وهم رسولك

وآله علی امیر المؤمنین وسیدتی فاطمة الزهراء سیدة
النساء والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی
ومحمد وعلی والحسن ومقیم المحجة من بعدهم الحجة المستورة
من ولده والمرجو للامة من ذریتهم صلواتك علیهم اللهم
فاجعلهم فی هذا الیوم وما بعده حصنی من المکاره ومعقلی
من المخاوف ونجنی بهم من کل عدو طاغ وفاسق باغ
ومن شر ما اعرف وما انکر وما استتر علی وما ابصر و
ما انکر وما استتر علی وما ابصر ومن شر کل دابة
انت ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم اللهم
فبتوسلی بهم الیك وتقربی بحبهم وتحصنی بامامتهم افتح
علی فی هذا الیوم ابواب رزقك وانشر علی رحمتك
ومغفرتك وحببنی الی خلقك وجنبنی عداوتهم وبغضهم
انك علی کل شیء قدیر اللهم ولکل متوسل ثواب ولکل ذی شفاعة
حق فاسئلك بمن جعلتهم الیك سببی وقدمتهم امام طلبتی
ان تعرفنی برکة یومی هذا وشهری هذا وعامی هذا اللهم فهم

مفرجی

مفزعی ومعولی فی شدتی ورخائی وعافیتی وبلائی ونومی و
یقظتی وظعنی واقامتی وعسری ویسری وعلانیتی وسری و
صباحی ومسائی ومنقلبی ومثوای اللهم فلا تخیبنی بهم من نائلك
ولا تخلنی بهم من نعمتك ولا تقطع رجائی من رحمتك ولا تؤیسنی
من روحك ولا تفتنی بانغلاق ابواب الرزق وانسداد مسا
لکها وارتتاج مذاهبها وافتح لی من لدنك فتحا یسیرا
واجعل لی من کل ضنك مخرجا والی کل سعة منهجا برحمتك
یا ارحم الراحمین اللهم واجعل اللیل والنهار مختلفین علی
برحمتك یا ارحم الراحمین انك علی کل شیء قدیر وبکل شیء محیط
پوشیده نباشد که برای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام این دعا و امثال این
افضل همه ادعیه و اوراد و اکمل همه وسایل و اذکار است بسبب اشتمال آن بر
توسل بحبل المتین ولایت و تمسک بعروة الوثقی امامت ایشان که معیار همه شرف
و سعادت و مدار قبول عبادت است و هر کس چهل روز بعد از نماز صبح این دعا را بخواند
از جمله انصار حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه وعلی آبائه الطاهرین باشد
و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد در آن زمان خدای تعالی زنده گرداند و بعد

هر كلمه هزار حسنه عطا فرمايد و هزار سيئه محو فرمايد دعا اينست بسم الله
الرحمن الرحيم اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع
ورب البحر المسجور ومنزل التورية والانجيل والزبور ورب
الظل والحرور ومنزل القرآن العظيم ورب الملائكة
المقربين والانبياء والمرسلين اللهم اني اسئلك بوجهك
الكريم وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حي
يا قيوم اسئلك باسمك الذي اشرقت به السموات والار
ضون وباسمك الذي يصلح به الاولون والاخرون يا حي
حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء يا حي يا لا اله
الا انت صل على محمد وآل محمد وعجل اللهم فرجهم اللهم
بلغ مولانا الامام الهادي المهدي الحجة القائم
بامرك صلواتك عليه وعلى آبائه الطاهرين عن جميع
المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها و
سهلها وجبلها وبرها وبحرها وحيهم وميتهم وعني وعن
والدي واهلي واخواني وولدي من الصلوات والتحيات زنة

عرشك ومداد كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم
اني اجدد له في صبيحة يومي هذا وما عشت فيه من ايامي حيوتي
عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي لا احول عنها ولا ازول ابدا
اللهم اجعلني من انصاره واعوانه الذابين عنه والمسارعين
في حوائجه والممتثلين لاوامره ونواهيه والسابقين الى
ارادته والمجاهدين معه والمحامين عنه والمستشهدين
بين يديه اللهم فان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته
على عبادك حتما مقضيا فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني
شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر
والبادي اللهم ارني طلعته الرشيدة والغرة الحميدة واكحل
مرهي بنظرة مني اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع
منهجه واسلكني محجته وانفذ امره واشدد ازره وقو
ظهره وطول عمره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبا
دك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت
ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن وليك وابن بنت

نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه وآله في الدنيا
والآخرة حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الله به
الحق ويحققه اللهم واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك
وناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل
من احكام كتابك ومشيدا لما ورد من اعلام دينك
وسنن نبيك محمد صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن
حصنته من بأس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا صلواتك
عليه برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا
من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره
وعجل اللهم ظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا
برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از ان سه مرتبه دست بر زانوی
راست زنند و بگوید العجل العجل يا مولای يا صاحب
الزمان الغوث الغوث صلوات الله عليك انا المنتظر
اليك حتى يمكنني الله من دولتك وسعادتك ويمنك و
بركتك يا مولای العجل العجل الساعة الساعة الساعة

وبعد از آن بسیار بگوید یا صاحب الزمان الامان الامان الامان
الغوث الغوث الغوث ادركني بحقك وبحق آبائك الطاهرين
المعصومين المكرمين و از اهل بیت طاهرین مرویست که سه حرز که
همه پیغمبران از آدم تا حضرت خاتم از یکدیگر میراث گرفته‌اند و آن اینست که
هر صبح بگویند اللهم انى اسئلك ايمانا تباشر به قلبى و
يقينا حتى اعلم انه لا يصيبنى الا ما كتبت لى ورضاء بما
قسمت لى و در بعضی روایات این عبارت نیز زیاده بران آمده حتى
لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما عجلت يا حى يا قيوم
برحمتك استغيث اصلح لى شأنى كله ولا تكلنى الى نفسى
طرفة عين ابدا وصلى الله على محمد وآله و هر کس هر روز پیش از
طلوع آفتاب بگوید الله اكبر الله اكبر كبيرا وسبحان الله
بكرة واصيلا والحمد لله رب العالمين كثيرا لا شريك
له وصلى الله على محمد وآله فرشته آنرا بگیرد و در میان بال خویش
همه دعا کنند
گذاشته بآسمان رود و چون بآسمان دنیا رود ملائکه گویند خدای تو
بران مومن رحمت کند و گناهانش بیامرزد و همچنین بهر آسمان که رسد ملائکه آن

آسمان همین دعا کنند تا بحاملان عرش رسد ایشان نیز این دعا کنند و گویند
بر این کلمات را خزینه داران اقوال مومنان بسپارند تا در دیوان خزینه
ثبت نمایند که این از کلمات خزینه است و هر کس در صبح و عصر سه مرتبه بخواند
اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ في الأوّلين وصلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ
في الآخرين وصلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ في الملأ الأعلى وصلّ
على محمّدٍ وآل محمّدٍ في المرسلين اللّهمّ أعط محمّداً الوسيلة
والفضيلة والشرف والرفعة والدرجة الكبيرة اللّهمّ
إنّي آمنت بمحمّدٍ ولم أره فلا تحرمني يوم القيامة رؤيته
وارزقني صحبته وتوفّني على ملّته واسقني من ماء حوضه مشرباً
روياً سائغاً هنيئاً لا أظمأ بعده أبداً إنّك على كلّ شيءٍ قدير
اللّهمّ وكما آمنت بمحمّدٍ ولم أره فعرّفني في الجنان وجهه اللّهمّ بلّغ
روح محمّدٍ عنّي تحيّةً كثيرةً وسلاماً گناهانش فرو ریزد و خطاهایش
محو کرده و سرورش دایم شود و بر دشمنان نصرت یابد و اسباب خیرات برای او
مهیا شود و آرزوهایش براید و روزیش وسیع کرده و در بهشت از رفقای محمد
وآل محمد باشد و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که شستی و صبح پیش از طلوع و پیش از

غروب آفتاب ده مرتبه خواندن این تهلیل لا إله إلّا الله وحده لا شريك
له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حيّ لا يموت
بيده الخير وهو على كلّ شيءٍ قدير و بعد از آن ده مرتبه این استعاذه
بگوید أعوذ بالله السميع العليم من همزات الشياطين وأعوذ
بالله أن يحضرون إنّ الله هو السميع العليم و اگر فوت شود
قضا کند همچنانکه نماز را قضا می کنند و در روایت دیگر آمده که هر کس این تهلیل را
ده مرتبه پیش از طلوع و غروب آفتاب بخواند گناهانش آمرزیده شود و هر کس
پیش از طلوع آفتاب صد مرتبه الله اکبر بگوید همچنانست که صد بنده آزاد کند
و هر کس در صبح و شام سه مرتبه بگوید سبحان الله حين تمسون و
حين تصبحون وله الحمد في السموات والأرض وعشيّاً و
وحين تظهرون در آن شبانه روز هیچ خیری از او فوت نشود و هیچ
شرّی باو نرسد و هر کس در صبح و شام چهار مرتبه بگوید که الحمد لله ربّ
العالمين شکر آن شبانه روز بجا آورده باشد مرویست که کسی با بو دردا
گفت آتش افتاده و خانهات سوخته گفت خانه من نسوخته دیگری آمد همین
خبر آورد و دیگری نیز آمده همین خبر آوردند و هر سه همین جواب شنیدند چون

چون معلوم شد خانهای حوالی او همه سوخته بود و خانهٔ او در میان سالم مانده
پرسیدند چون دانستی که خانهات نسوخته گفت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه [وآله] شنیدم
که هر کس هر صبح و شام بگوید اللّهمّ انت ربّی لا اله الّا انت علیک
توکّلت وانت ربّ العرش العظیم ما شاء الله کان وما لم
یشأ لم یکن اعلم انّ الله علی کلّ شیءٍ قدیرٌ وانّ الله قد
احاط بکلّ شیءٍ علماً اللّهمّ انّی اعوذ بک من شرّ نفسی ومن
شرّ کلّ دابّةٍ انت اخذٌ بناصیتها انّ ربّی علی صراطٍ مستقیم
در آن شبانه روز هیچ آفت بوی نرسد و من این را گفته بودم و هر کس نیز
هر صبح و شام این دعا سه مرتبه بخواند اصبحنا اللّهمّ معتصماً بذمام
ک المنیع الذی لا یحاول ولا یطاول من شرّ کلّ غاشمٍ وطارقٍ
من خلقت وما خلقت من خلقک الصّامت والنّاطق فی
جنّةٍ من کلّ مخوفٍ بلباسٍ سابغةٍ ولاء اهل بیت نبیّک
علیه وعلیهم السّلام محتجباً من کلّ قاصدٍ لی بعدا[ءٍ]
حصینٍ الاخلاص فی الاعتراف بحقّهم والتمسّک بحبلهم
موقناً بانّ الحقّ معهم وفیهم وبهم اوالی من والوا ومجا[نبا]

من جانبوا افضل علی محمّدٍ وآل محمّدٍ واعذنی اللّهمّ بهم من شرّ ما
اتّقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنّی ببدیع السّموات والارض
وجعلنا من بین ایدیهم سدّاً ومن خلفهم سدّاً فاغشیناهم
فهم لا یبصرون و در وقت شام بجای اصبحت امسیت بگوید از همه مخاوف
و مکاره ایمن شود ان شاء الله تعالی و از حضرت امام جعفر صادق مرویست
که اگر همه چیز را ترک کنی این دعا را در صبح و شام ترک مکن اللّهمّ انّی
اصبحت استغفرک فی هذا الصّباح وفی هذا الیوم لاهل
رحمتک وابرء الیک من اهل لعنتک اللّهمّ انّی اصبحت ابرء
الیک فی هذا الیوم وفی هذا الصّباح ممّن نحن بین ظهرانیهم
من المشرکین وممّا کانوا یعبدون انّهم کانوا قوم سوءٍ
فاسقین اللّهمّ اجعل ما انزلت من السّماء الی الارض فی
هذا الصّباح وفی هذا الیوم برکةً علی اولیائک وعقاباً
علی اعدائک اللّهمّ والِ من والاک وعادِ من عاداک اللّهمّ اختم
لی بالامن والایمان کلّما طلعت شمسٌ او غربت اللّهمّ اغفر لی
ولوالدیّ وارحمهما کما ربّیانی صغیراً اللّهمّ اغفر للمؤمنین والمؤمنات

والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات انك تعلم منقلبهم
ومثويهم اللهم احفظ امام المسلمين بحفظ الايمان وانصره نصرا
عزيزا وافتح له فتحا يسيرا قريبا واجعل له ولنا من لدنك سلطانا
نصيرا اللهم العن ابا بكر وعمر والفرق المختلفة على رسولك
وولاة الامر بعد رسولك والائمة من بعده وشيعتهم واسئلك
الزيادة من فضلك والاقرار بما جاء من عندك والتسليم
لامرك والمحافظة على ما امرت به لا ابتغي به بدلا ولا
اشتري به ثمنا قليلا اللهم اهدني فيمن هديت وقني شر
ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك ولا يذل من واليت
تباركت وتعاليت سبحانك ربنا البيت تقبل مني دعائي وما
تقربت اليك من خير فضاعفه لي اضعافا كثيرة وآتنا من
لدنك اجرا عظيما رب ما احسن ما ابليتني واعظم ما
اعطيتني واطول ما عافيتني واكثر ما سترت علي فلك الحمد يا الهي
كثيرا طيبا مباركا عليه ملء السموات والارض وملء ما
شاء ربي وكما يحب ربي ويرضى وكما ينبغي لوجه ربي ذي الجلال

والاكرام وچون این دعا را در وقت شام بخوانند در همه مواضع بجای اصبحت
امسيت وبجای هذا اليوم هذا الليل وبجای طلعت شمس او غربت شمس هذا المساء و
هذا الصباح او طلعت بگویند ونیز هر صبح وشام بگوید الحمد لله الذي يفعل
ما يشاء ولا يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره الحمد لله
الذي كما يحب الله والحمد لله كما هو اهله اللهم ادخلني في
كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد واخرجني من كل سوء
اخرجت منه محمدا وآل محمد صلى الله على محمد وآل محمد ومرویست
که حضرت پیغمبر ص چون آفتاب را بر سر کوه دیدی که زرد شده گریه بر چشم مبارکش
روان شدی وگفتی امسى ظلمي مستجيرا بعفوك وامست ذنوبي
مستجيرة بمغفرتك وامسى خوفي مستجيرا بامانك وامسى ذلي
مستجيرا بعزك وامسى فقري مستجيرا بغناك وامسى وجهي الفاني
مستجيرا بوجهك الدائم الباقي اللهم البسني عافيتك وغشني
برحمتك وجللني كرامتك وقني شر خلقك من الجن والانس
يا الله يا رحمن يا رحيم ومرویست که در وقت ظهر گفتن این تسبیح را
محافظت نمای هیچگاه چشم خود را محافظت میکنی سبحان الله ولا اله الا الله

والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم
یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا **اما فضایل شبانه روز جمعه و اوراد آن**
مروی [illegible] طاهرین علیهم السلام که هیچ روز آفتاب نکند فضل از روز جمعه
و سید روزهاست و خدای تعالی در روز جمعه حسنات را مضاعف کند
و سیئات محو نماید و درجات بلند گرداند و دعوات اجابت فرماید و بلیات
رفع کند و حاجات عظیم برآورد و رحمت و فضل زیاده گرداند و هیچ کس
درین روز دعا نکند و طلب ننماید و حال آنکه حق و حرمت این روز را شناسد
مگر اینکه خدای تعالی لازم باشد که او را از آتش آزاد گرداند پس اگر در روز
جمعه یا شب آن بمیرد شهید باشد و از عذاب قبر و آتش دوزخ ایمن باشد
و هر قدر توانند درین روز طاعات و عبادات و سائر خیرات زیاده
کنند که ثواب حسنات مضاعف باشد و ترک معاصی و مناهی و جمیع ملاهی نمایند
که عقوبت سیئات مضاعف گردد و بسا باشد که مؤمنی دعا کند و خدای تعالی
تأخیر اجابت آن کند تا روز جمعه دیگر برای فضیلت و شرف آن روز و شب جمعه
نیز در فضل و شرف مثل روزش باشد و خدای تعالی هر شب جمعه از اول شب
تا طلوع صبح از بالای عرش ندا کند و گوید ای بنده مؤمن که حاجتی داری

برای آخرت یا دنیا طلب نمای تا اجابت کنم و اگر گناهی کرده استغفار نمای تا قبول
کنم و اگر معاشت تنگ بود سوال نمای تا زیاده فرمایم و اگر بیماری دعا کن
تا شفا دهم و اگر محبوس و مغموم باشی استغاثه کن تا نجات [illegible] مظلوم باشی
استغاثه نمای تا نصرت دهم و در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از اول شب
تا طلوع صبح ملکی را فرستد تا از جانب خدا ندا کند و گوید هر کس را
حاجتی باشد بخواهد تا اجابت شود و اگر گناهی کرده توبه نماید تا مقبول
گردد ای طالبان خیر مشغول خیر شوید و ای طالبان شر ترک شر و ریا نمایند
و چون صبح طلوع کند بمقام خود در ملکوت سما رجوع نماید و مستحب است
در روز جمعه بجهت عیال و اطفال میوه و تحفه تازه که در روزهای دیگر
نبوده باشد آوردن تا درین روز شاد و خوشحال باشند و محبت شان
با آن زیاده گردد و هر کس استخفاف بحرمت این روز کند و حق آن را ضایع
گرداند بر خدای لازم باشد که او را بجهنم برد مگر آنکه توبه کند و اگر درین
روز یک بیت شعر بخواند نصیبش از فضایل آن همان باشد و فضل اعمال درین
شبانه روز جمعه صلوة فرستادن بر پیغمبر و آل او چون عصر پنجشنبه شود
ملائکه از آسمان نازل شوند بعدد مور با قلمهای طلا و لوحهای نقره تا شب

شنبه کارشان همین باشد که هر کس صلوة فرستد نویسند و این ملایکه در
روزهای دیگر نازل نشوند و سنت است روز جمعه هزار مرتبه و سایر روزها
صد مرتبه صلوة فرستادن و هر کس هر شب جمعه سورهٔ بنی اسرائیل بخواند
از اصحاب حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه گردد و هر کس شب جمعه یا
روز جمعه بعد از عصر سورهٔ کهف بخواند تا جمعهٔ دیگر محفوظ باشد و اگر هر شب
جمعه بخواند درجهٔ شهدا یابد و در زمرهٔ شهدا محشور شود و کفارهٔ گناهانش
باشد از جمعهٔ سابق تا این جمعه و هر کس هر شب جمعه یا هر شب عید فطر و ضحی
ده مرتبه بگوید یَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ
هزار هزار حسنه برای او ثبت نمایند و هزار هزار سیئه محو فرمایند و هزار
هزار درجه بلند گردانند و چون روز قیامت شود با ابراهیم خلیل در مجلس
مزاحمت نماید و روزهٔ این روز برابر است با ده روز از روزهای
مبارک و مستحب است روز جمعه زیارت حضرت پیغمبر و ائمه معصومین و چون خواهد
زیارت کند غسل کند و جامهای پاکیزه بپوشد و بصحرا بیرون رود و دو

ادب

روایت دیگر بر بام خانه و در روایت دیگر در اندرون خانه که کسی نبیند بر آمده
و چهار رکعت نماز نیز بگزارد و پس روی بقبله بایستد و بگوید اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى وَ
السَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالسِّبْطَانِ الْمُنْتَجَبَانِ وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ
وَالْأُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ انْقِطَاعًا إِلَيْكُمْ وَإِلَى آبَائِكُمْ
وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِي
لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ
إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً
وَلَا أَزْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ سُبْحَانَ اللهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ
يُسَبِّحُ اللهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ
وَأَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و مستحب است
روز جمعه انواع تطهیر و تنظیف و تعطیر چنانکه بتفصیل در باب اول بیان شد
و بهترین جامها که مقدور باشد پوشیدن و با سکینه و وقار متوجه
مسجد شدن و چون تهیهٔ نماز و متوجه مسجد شود بگوید اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ

وتهيأ واعد واستعد لوفادة الى مخلوق رجاء رفده وطلب
نائله وجوائزه وفواضله فاليك يا سيدی وفادتی و
تهيئتی وتعبئتی واعدادی واستعدادی رجاء رفدك
وجوائزك ونوافلك فلا تخيب اليوم رجائی يا من لا يخيب عليه
سائل ولا ينقصه نائل فانی لم آتك اليوم بعمل صالح قدمته
ولا شفاعة مخلوق رجوته ولكن اتيتك مقرا بالظلم و
الاساءة لا حجة لی ولا عذر فاسئلك يا رب ان تعطينی
مسألتی وتقلبنی برغبتی ولا تردنی مجبوها ولا خائبا
يا عظيم يا عظيم يا عظيم ارجوك للعظيم اسئلك يا عظيم
ان تغفر لی العظيم لا اله الا انت اللهم صل على محمد وآل
محمد وارزقنی خير هذا اليوم الذی شرفته وعظمته
وتغسلنی فيه من جميع ذنوبی وخطایای وزدنی من فضلك
انك انت الوهاب ودر روز جمعه دو ساعتست كه دعا دران البته مستجاب
شود يكی وقت زوال ودوم آخر روز تا آنكه آفتاب غروب كند ومستحبست در
ساعت آخر اين روز خواندن دعای سمات مرويست از حضرت امام محمد بن

علی باقر علیهما السلام که این دعا از عمیق مکنون ومخزون علمست پس برای حاجات
ومهالک دشمنان بخوانید وباطفال سفها وظالمان ومنافقان اظهار آن مکنید
واگر قسم یاد کنم که اسم اعظم درین دعاهست راست گفته باشم ودعا اینست
اللهم انی اسئلك باسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل
الاكرم الذی اذا دعيت به على مغالق ابواب السماء
للفتح انفتحت واذا دعيت به على مضائق ابواب الارض
للفرج انفرجت واذا دعيت به على العسر لليسر تيسرت واذا
دعيت به على الاموات للنشور انتشرت واذا دعيت به على
كشف البأساء والضراء انكشفت وبجلال وجهك الكريم
اكرم الوجوه واعز الوجوه الذی عنت له الوجوه وخضعت
له الرقاب وخشعت له الاصوات ووجلت له القلوب من مخا
فتك وبقوتك التی تمسك بها السماء ان تقع على الارض الا
باذنك وتمسك السموات والارض ان تزولا وبمشيتك التی دان
لها العالمون وبكلمتك التی خلقت بها السموات والارض
وبحكمتك التی صنعت بها العجائب وخلقت بها الظلمة وجعلتها

ليلا وجعلت الليل سكنا وخلقت بها النور وجعلته نهارا
وجعلت النهار نشورا مبصرا وخلقت بها الشمس وجعلت
الشمس ضياء وخلقت بها القمر وجعلت القمر نورا وخلقت
بها الكواكب وجعلتها نجوما وبروجا ومصابيح وزينة ورجوما
وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت لها مطالع ومجاري
وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها في السماء منازل فاحسنت
تقديرها وصورتها فاحسنت تصويرها واحصيتها باسمائك
احصاء ودبرتها بحكمتك تدبيرا فاحسنت تدبيرها وسخرتها
بسلطان الليل وسلطان النهار وعرفت بها عدد السنين
والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرءا واحدا واسئلك
اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران
عليه السلام في المقدسين فوق احساس الكروبيين فوق غمائم
النور فوق تابوت الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي
جبل حوريث في الواد المقدس في البقعة المباركة من جانب
الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع آيات بينات ويوم

فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر
سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت ببني
اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم
مشارق الارض ومغاربها التي باركت فيها للعالمين واغرقت
فرعون وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعز
الاجل الاكرم وبمجدك الذي تجليت به لموسى كليمك عليه السلام
من قبل في مسجد الخيف ولاسحق صفيك عليه السلام في بئر شيع
وليعقوب نبيك عليه السلام في بيت ايل واوفيت لابرهيم
عليه السلام بميثاقك ولاسحق عليه السلام بحلفك وليعقوب
عليه السلام بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك
فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران على قبة الرمان
وبآياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة والغلبة بآيات
عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشأن الكلمة التامة
وبكلماتك التي تفضلت بها على اهل السموات والارض واهل
الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك و

ستطاعتك التي اقمت بها العالمين وبنورك الذي قد خرّ من
فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك وعزتك وجبروتك
التي لم تستقلها الارض وانخفضت لها السموات وانزجر
لها العمق الاكبر وركدت لها البحار والانهار وخضعت
لها الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق
وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في اوطانها
وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت
به في السموات والارضين وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت
لابينا آدم وذريته بالرحمة واسئلك بكلمتك التي غلبت كل شيء
وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا
وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك
موسى بن عمران وبطلعتك في ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات
المقدسين وجنود الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين
وببركاتك التي باركت فيها على ابرهيم خليلك في امة عيسى
عليه السلام وباركت لحبيبك محمد صلواتك عليه وآله في عترته

وذريته وامته اللهم وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده
وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تبارك على محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد
كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم انك حميد
مجيد فعال لما تريد وانت على كل شيء قدير شهيد وبعد از آن بگويد
اللهم اني اسئلك بحرمة هذا الدعاء وبما فات منه من الاسماء
وبما يشتمل عليه من التفسير والتدبير الذي لا يحيط به الا
انت ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعجل فرجهم في عافية
وتهلك اعداءهم في الدنيا والآخرة وان ترزقنا بهم خير ما
نرجوا وخير ما لا نرجوا وتصرف بهم عنا شر ما نحذر وشر
ما لا نحذر انك على كل شيء قدير وانت اكرم الاكرمين

فصل دهم در نوافل مرتبه برسبيل تفصيل وبيان وذكر وآداب آن وادعيه متعلق بآن

مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام كه افتتاح نوافل
بهفت تكبير وادعيه آن در سه موضع بايد نمود اول نوافل ظهر واول نوافل شب
ديگر ركعت وتر ودر نوافل بعد از الحمد هر سوره كه خواهد بخواند اما افضل اينست

که در رکعت اول نوافل ظهر قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون بخواند
و در اول نوافل عصر اذا جاء نصر الله یا الهیکم التکاثر و در اول نوافل مغرب
قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون و روایت دیگر آمده در
اول سه قل هو الله و در دوم یا انا انزلناه و در رکعت سوم اول سوره
حدید تا و هو علیم بذات الصدور و در چهارم آخر سوره حشر لو انزلنا
هذا القرآن تا آخر و در رکعت اول وتیره سوره الملک یا واقعه و در
دوم قل هو الله احد و در اول نوافل شب قل هو الله احد و در دوم قل
یا ایها الکافرون و روایت دیگر آمده که هر کس در دو رکعت اول
نوافل شب در هر رکعتی سی مرتبه قل هو الله احد بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناهی
نماند مگر آنکه آمرزیده شود و در رکعتهای دیگر مستحب است خواندن سورهای طویل
مثل کهف و یس و مانند آن اگر وقت وفا کند و اگر وقت وفا نکند در همه
قل هو الله احد کافی بود و در رکعت شفع معوذتین و در رکعت وتر قل هو الله احد
که هر کس در این سه رکعت این سه سوره بخواند فرشته ندا کند که ای بنده مومن
مژده باد ترا که وترت مقبول گشت و روایت دیگر آمده که در هر رکعت
قل هو الله احد بخوانند و در رکعت اول نافله صبح قل یا ایها الکافرون و در دوم

قل

قل هو الله احد بخوانند و مرویست که هر کس سوره اذا زلزلت در نوافل میخوانده
باشد هرگز بزلزله مبتلا نشود و بزلزله و صاعقه و بهیچ آفتی از آفات نمیرد
تا آنکه باجل مقدر از دنیا رود و چون وقت موتش رسد فرشته کریمی
از پیش خدای تعالی آید و بر بالینش نشیند و گوید ای ملک الموت با ولی خدا
ملایمت و مدارا کن که مرا بسیار یاد میکرد و سوره اذا زلزلت بسیار میخواند
و سوره نیز همین مکالمه نماید پس ملک الموت گوید من از جناب الهی مأمورم
که اطاعت او نمایم و تا اذن ندهد قبض روحش نکنم پس حجاب از پیش نظرش
برگیرند تا منازل خویش در بهشت ملاحظه نماید پس اذن دهد و قبض
روحش نماید با کمال ملایمت پس هفتاد هزار فرشته مشایعتش نمایند تا داخل
بهشت شود و هر کس سوره والعصر در نوافل بخواند رویش در بهشت در روز
قیامت نورانی باشد و شکفته و شادمان بهشت رود و هر کس سوره انا اعطیناک
در فرایض و نوافل بسیار بخواند خدای تعالی از کوثر آبش دهد و مقامش در
سایه طوبی در پیش حضرت پیغمبر باشد و فضایل بعضی دیگر از سورهای قرآن در
فرایض و نوافل انشاء الله بعد از این بیاید و در همه نوافل اکتفا بالحمد تنها
مجزی بود و تبعیض اگر وقت تنگ باشد یا تشویش خاطری باشد اما تعقیبات و اذکار

ونوافل پیشین آنکه بعد از هر دو رکعت نافله ظهر بگوید اللهم انی ضعیف

فقو فی رضاك ضعفی وخذ الی الخیر بناصیتی واجعل الایمان

منتهی رضای وبارك فیما قسمت لی وبلغنی برحمتك كل الذی

ارجوا منك واجعل لی ودا وسرورا للمومنین وعهدا عندك

وامکر در سجدهٔ آخر نوافل مغرب هر شب خصوصا در شب جمعه هفت مرتبه بگوید اللهم انی

اسئلك بوجهك الكریم وباسمك العظیم ان تصلی علی محمد وال محمد

وان تغفر لی الذنب العظیم کناهان آمرزیده شود و بعد از هر دو رکعت نوافل

شب بگوید اللهم انی اسئلك ولم یسال مثلك انت موضع مسئلة

السائلین ومنتهی رغبة الراغبین ادعوك ولم یدع مثلك وارغب

الیك ولم یرغب الی مثلك وانت مجیب دعوة المضطرین

وارحم الراحمین اسئلك بافضل المسائل وانجحها واعظمها

یا الله یا رحمن یا رحیم وباسمائك الحسنی وامثالك العلیا

ونعمك التی لا تحصی وباكرم اسمائك علیك واحبها الیك

واقربها منك وسیلة واشرفها عندك منزلة واجزلها

لدیك ثوابا واسرعها فی الامور اجابة وباسمك المکنون الاكبر

الاعز

الاعز الاجل الاكرم الذی تحبه وتهواه وترضی به عمن دعاك

فاستجبت له دعاءه وحق علیك ان لا تحرم سائلك ولا

ترده وبكل اسم هو لك فی التوریة والانجیل والزبور و

الفرقان العظیم وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك

وانبیاءك ورسلك واهل طاعتك من خلقك ان تصلی علی

محمد وال محمد وان تعجل فرج ولیك وابن ولیك وتعجل

خزی اعدائه وتجعلنا من اصحابه وانصاره وترزقنا

به رجاءنا وتستجیب به دعاءنا و بعد از رکعت هشتم بگوید اللهم انی

اسئلك بحرمة [illegible] الی اجرك واستظل

بفیئك واعتصم بحبلك ولا اثق الا بك یا جزیل العطا

یا مطلق الا[illegible] یا من سمی نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا وخوفا وطمعا والحاحا والحافا و

تضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا وساجدا وراكبا

وماشیا وذاهبا وجائیا وفی كل حالاتی واسئلك ان تصلی

علی محمد وال محمد وان ترزقنی من فضلك خیر ما سئلك سائل

سجده ... بعد از ... رکعت ...

ویدعو السجدة بما شئت ثم یسجد سجدة

ویحسن ان تدعوا فی احدیهما بهذا الدعاء

المنسوب الی سید العابدین علیه السلام

الهی وعزتك وجلالك وعظمتك لو

منذ بدعت فطرتی من اول الدهر

عبدتك دوام خلود ربوبیتك

بكل شعرة فی كل طرفة عین سرمد

بحمد الخلائق وشكرهم اجمعین لكنت

مقصرا فی بلوغ اداء شكر خفی نعمة

من نعمك علی ولو انی کربت معادن

حدید الدنیا بانیابی وحرثت ارضها

باشفار عینی وبكیت من خشیتك

بحور السموات والارضین دما

لكان ذالك قلیلا فی كثیر ما یجب

ثم تسجد سجدتی الشکر وتدعوا فیهما وبعدهما بما سبق

وَاَعِذْنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عَائِذٌ و بعد از رکعتی شفع بگوید

اِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ

وَاَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ

وَجَوَائِزُ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ

وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ وَهَا اَنَا ذَا عَبْدُكَ

الْفَقِيرُ اِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ فَاِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ

تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ

وَجُدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ وَكَرَمِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ اَذْهَبَ اللّٰهُ

عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ

اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اِنَّكَ لَا

تُخْلِفُ الْمِيعَادَ و در قنوت وتر گوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ

وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

وانت تبلی او تبتلی

اللهم

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ زَيْنُ السَّمٰوَاتِ

وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ جَمَالُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ عِمَادُ

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ قِوَامُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ

اللّٰهُ صَرِيخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَاَنْتَ

اللّٰهُ الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ وَاَنْتَ

اللّٰهُ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ اِلٰهُ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ

الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ كَاشِفُ السُّوءِ وَاَنْتَ اللّٰهُ بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ

حَاجَةٍ يَا اَللّٰهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ اِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْ عَذَابِكَ

اِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْكَ اِلَّا التَّضَرُّعُ اِلَيْكَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ يَا

اِلٰهِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا

اَحْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ وَبِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْعِبَادِ وَلَا تُهْلِكْنِي

غَمًّا حَتَّى تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتُعَرِّفَنِي الْاِسْتِجَابَةَ فِي دُعَائِي وَارْ

زُقْنِي الْعَافِيَةَ اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِي وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا تُشْمِتْ بِي

عَدُوِّي وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ رَقَبَتِي اَللّٰهُمَّ اِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي

يَضَعُنِي وَاِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَاِنْ اَهْلَكْتَنِي فَمَنْ

ذا الذي يحول بينك وبيني او يتعرض لك في شيء من امري وقد
علمت ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة انما يعجل
من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت
عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا
ومهلني ونفسني واقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء
فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني
واستجير بك من النار فاجرني واسئلك الجنة فلا تحرمني

وبعد از ان دستها را اندكى بلندتر كند وبگويد وجهت وجهي للذي

فطر السموات والارض حنيفا مسلما وما انا من المشركين
ان صلوتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين
لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين اللهم صل على
محمد وال محمد وصل على ملائكتك المقربين واولي العزم من
المرسلين والانبياء المنتجبين والائمة الراشدين واولهم
واخرهم اللهم عذب كفرة اهل الكتاب وجميع المشركين
ومن ضارعهم من المنافقين فانهم يتقلبون في نعمتك و

يحلون

ويجعلون الحمد لغيرك فتعاليت عما يقولون وعما يصفون
علوا كبيرا اللهم العن الرؤساء والقادة والاتباع من الاولين
والاخرين الذين صدوا عن سبيلك اللهم انزل بهم باسك و
نقمتك فانهم كذبوا على رسولك وبدلوا نعمتك وافسدوا
عبادك وحرفوا كتابك وغيروا سنة نبيك اللهم العنهم و
اتباعهم و اوليائهم الى جهنم زرقا اللهم صل على محمد عبدك ورسولك با
فضل صلواتك وعلى ائمة الهدى الراشدين المهديين

بعد از ان براى چهل كس از مومنان دعا كند بعربى يا فارسى هرچه داند مجزى
بود كه بعد از دعاى چهل مومن دعائى كه براى خود كند مستجاب شود وبعد از ان
دست چپ را همچنان بقنوت باز دارد وبا دست راست تسبيح بشمرد وهفتاد
مرتبه بگويد استغفر الله ربي واتوب اليه كه يكسال در قنوت وتر هفتاد
استغفار مداومت نمايد از جناب الهى مغفرت گناهش واجب شود واز
جمله مومنان باشد كه خداى تعالى در قرآن مجيد وصف نموده و فرموده
والمستغفرين بالاسحار وچون سر از ركوع بردارد ايستاده بگويد

هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله وذنبه عظيم

وشكره قليل وليس لذلك إلا عفوك ورحمتك إلهي طموح
الآمال قد خابت إلا لديك ومعاكف الهمم قد تعطلت إلا
عليك ومذاهب العقول قد سمت إلا إليك فأنت الرجاء
وإليك الملتجا يا أكرم مقصود ويا أجود مسؤول هربت
إليك بنفسي يا ملجأ الهاربين بأثقال الذنوب أحملها على
ظهري لا أجد لي إليك شافعا سوى معرفتي إنك أقرب من
لجأ إليه المضطرون وأمل ما لديه الراغبون يا من فتق
العقول بمعرفته وأطلق الألسن بحمده وجعل ما امتن به
على خلقه كفاء لتأدية حقه صل على محمد وآل محمد ولا
تجعل للهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي
دليلا اللهم إنك قلت في محكم كتابك المنزل على لسان
نبيك المرسل عليه وآله السلام كانوا قليلا من الليل
ما يهجعون وبالأسحار هم يستغفرون طال هجوعي وقل قيامي
وهذا السحر وأنا أستغفرك لذنوبي استغفار من لا
يملك لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حياة ولا نشورا

أناديك يا موجود في كل مكان لعلك تسمع
ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي يا مولاي يا مولاي أي
الأهوال أتذكر وأيها أنسى ولو لم يكن إلا الموت لكفى كيف
وما بعد الموت أعظم وأدهى مولاي يا مولاي حتى متى وإلى
متى أقول لك العتبى مرة بعد أخرى ثم لا تجد عندي صدقا
ولا وفاء فيا غوثاه ثم وا غوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني
ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس
أمارة بالسوء إلا ما رحم ربي مولاي يا مولاي إن كنت
رحمت مثلي فارحمني وإن كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل
السحرة اقبلني يا من لم أزل أتعرف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم
صباحا ومساء ارحمني يوم آتيك فردا شاخصا إليك بصري
مقلدا عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم أبي وأمي ومن كان
له كدي وسعيي فإن لم ترحمني فمن يرحمني ومن يؤنس في القبر
وحشتي ومن ينطق لساني إذا خلوت بعملي وسألتني عما أنت
أعلم به مني فإن قلت نعم فأين المهرب من عدلك وإن قلت

لذا افعل قلت لم اکن الشاهد علیك عفوك عفوك یا مولای
قبل ان تغل الایدی الی الاعناق یا ارحم الراحمین وخیر
الغافرین و بعد از نافلهٔ صبح مستحبست که بر جانب راست روی بقبله کند
چنانکه میت در لحد بخوابد و دست راست بزیر روی گذارد و پنج آیه از سورهٔ آل
عمران بخواند ان فی خلق السموات والارض ... انك لا تخلف المیعاد
بخواند و پس بگوید استمسکت بعروة الوثقی التی لا انفصام لها واعتصمت
بحبل الله المتین واعوذ بك من شر فسقة العرب والعجم ومن
شر فسقة الجن والانس ربی الله ربی الله ربی الله امنت بالله
توکلت علی الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن یتوکل علی الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا
حسبی الله ونعم الوکیل اللهم من اصبح وله حاجة الی
مخلوق فان حاجتی ورغبتی الیك وحدك لا شریك لك الحمد
لرب الصباح الحمد لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد
لقاسم المعاش الحمد لله جاعل اللیل سکنا والشمس والقمر
حسبانا ذلك تقدیر العزیز العلیم اللهم صل علی محمد وآل محمد

نعفوك عفوك یا مولای قبل
ان تلبس الابدان سرابیل القطران ع

ن فی خلق السموات والارض واختلاف
اللیل والنهار لایات لاولی الا
باب الذین یذکرون الله قیاما
وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون
فی خلق السموات والارض ربنا
ما خلقت هذا باطلا سبحانك
فقنا عذاب النار ربنا
انك من تدخل النار فقد
اخزیته وما للظالمین
من انصار ربنا اننا سمعنا
منادیا ینادی للایمان ان
امنوا بربکم فامنا ربنا فاغفر
لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا
وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا
ما وعدتنا علی رسلك و
لا تخزنا یوم القیمة انك
لا تخلف المیعاد

واجعل فی قلبی نورا وفی بصری نورا وفی لسانی نورا ومن
بین یدی نورا ومن خلفی نورا وعن یمینی نورا وعن شمالی
نورا ومن فوقی نورا ومن تحتی نورا واعظم لی النور واجعل
لی نورا امشی به فی الناس ولا تحرمنی نورك یوم القاك وهر کس
بعد از نافلهٔ صبح صد مرتبه صلوة بر پیغمبر و آلش فرستد خدای تعالی روی اورا
از حرارت دوزخ نگاه دارد و اگر صد مرتبه بگوید سبحان ربی العظیم
وبحمده استغفر الله ربی واتوب الیه خانه در بهشت برایش بنا کند
و اگر بیست و یک مرتبه قل هو الله احد بخواند خانه دیگر بنا کند و اگر چهل مرتبه بخواند
گناهانش بیامرزد و چون از مجموع سیزده رکعت نماز شب فارغ شود این دعا
از صحیفه کامله بخواند اللهم یا ذا الملك المتأبد بالخلود والسلطان الی آخر الدعا

فصل یازدهم در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که در اثنای نماز در هر مقامش که باشد هر چه دعا و مناجات
با خدا و ذکر خدا و ذکر حضرت پیغمبر باشد توان کرد و از نماز خارج نباشد
و هر کس در اثنای فعلی از افعال نمازش از رکوع و سجود و غیر آن بگوید صلی الله علی
محمد و آل محمد آن فعل مضاعف نوشته شود و اگر در نماز ذکر آنحضرت بکند درود صلوة فرستد

ثم تقرأ آیة الکرسی والمعوذتین و
ثم تجلس وتسبح تسبیح الزهراء ع ثم تقول

ثم تقول سبع مرات بسم الله الرحمن الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
ثم تسجد سجدة الشکر وتقول فیها ...
وادع فیها لاخوانك المؤمنین وتقول اللهم
واللیالی العشر والشفع والوتر و
اذا عسعس ورب کل شیء واله
وخالق کل شیء وملیك کل شیء
وآل محمد صل علی محمد وافعل بی وبفلان
ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن
اهله فانك اهل التقوی واهل

ده حسنه نوشته شود و بسجده فرشته موکلند که هر کس در اثنای نماز صلوة فرستند
بجانبا و بشتابند تا هر کدام را که نصیب باشد ثبت کنند و هر حاجت که خواهد
برای دنیا و آخرت در اثنای نماز توان خواست خصوصًا در سجده که بنده
در سجده نزدیکتر است بخدای تعالی از جمیع احوال و گریه کردن در نماز از ترس
خدا و برای شوق جنت و خوف نار نور چشم مومن و افضل اعمال است
اما برای ذکر اموات نماز را قطع کند و اگر کسی بر او سلام کند جواب بگوید بهمان
لفظ که او گفته سلام علیکم یا السلام علیکم و آواز بلند نکند بلکه اگر تواند
آهسته بگوید و بجانب او بانگشت اشاره کند اما در روایات آمده که چون کسی
در نماز باشد بر او سلام نکنید **فصل دوازدهم در آداب جماعت** و آن دو
قسمت یکی آداب متعلق بامام دوم آداب متعلق بماموم و چون امام باید آداب
خود داعرفت از آنکه درین مجموعه حاجت بذکر باشد اکتفا بذکر آداب ماموم
نموده گوئیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر کسی نماز با نفراد
کرده باشد و بعد از آن جماعتی رود بهتر و افضل است که اعاده کند که خدای تعالی
هر کدام را دوست تر دارد بفریضه و آن دیگر را بنافله حساب کند و اگر دو رکعت
با نفراد گزارده بود نیت نافله کند و سلام دهد و پس بجماعت بگزارد و اگر

یکرکعه گزارده باشد نیت نافله نموده یکرکعه دیگر با آن ضم کند و سلام دهد
و اگر ماموم یکمرد باشد در پهلوی راست امام بایستد و اگر یکزن باشد
در پشت سر بایستد بجانب راست و اگر یکمرد باشد و زن خواه یکی و خواه
بیشتر مرد در پهلوی راست و زنان در عقب بایستند و اگر زیاده از
یکمرد باشد همه در عقب بایستند و اگر ماموم در پهلوی امام ایستاده باشد
و در اثنای نماز دیگری برسد یا امام پیشتر رود یا ماموم پس تر آید و این
مرد آخر بعد از رکوع رکعت آخر برسد نه امام پیش رود و نه ماموم
پس آید بلکه این مرد در پشت امام بنشیند و چون امام سلام دهد برخاسته
نماز خود را اتمام کند و میان امام و صف اول و همچنین هر دو صف فاصله زیاده
از آنکه سجده توان کرد نباشد مرویست که اگر فاصله بیشتر باشد آن
امام برایشان نباشد و اهل هر صف دوش بردوش بایستند و پس و پیش
نباشند و در میانه فرجه خالی نگذارند تا شیطان برایشان دست
نیابد و اگر در اثنای نماز در صف پیش موضعی خالی بیند برود تا آن
موضع را بگیرد اما بصف عقب نتوان رفت مگر آنکه جا تنگی کند که درین
وقت پس و پیش هر جا وسعتی گمان کند تواند حرکت کرد و یککس تنها در صف

نایستد مگر آنکه در صفوف جا نیابد که درین وقت تواند تنها ایستاد اما چنان
بایستد که محاذی امام باشد و اگر امام در زمینی پست بایستد و ماموین در موضعی
بلند مثل بام یا سکوئی بایستند جائز بود اما عکس آن جائز نبود مگر آنکه یک
زمین سرازیر باشد که بعضی موضعش بقدر یک انگشت یا کمتر یا بیشتر پست تر باشد
که درین وقت جائز است که امام در موضع پست تر بایستد و میان امام و ماموم
اگر پرده یا دیواری فاصله باشد نماز ماموم جائز نباشد مگر کسیکه در برابر
در باشد اما ستونها که در مساجد میان صفوف واقع میشود ضرر ندارد و چون
امام قراءت کند ماموم را نیز جائز نباشد قراءت کردن مرویست که اگر کسی
با امامی که باو راضی باشد و اقتدا می کند قراءت کند چون بمیرد بر غیر فطرت
اسلام محشور شود بلکه اگر نماز اخفاتی باشد ماموم برای خود ذکر کند و اگر جهری
باشد و صدای امام بشنود اگرچه همین همهمه را بشنود و کلمات را تمیز نکند گوش
کند و اگر جهری باشد و صدای امام حتی همهمه اش هم نرسد افضل اینست که ماموم
خود آهسته قراءت کند و اگر اکتفا بقراءت امام نیز کند مجزی بود و سائر
اذکار و افعال را خود بجا بیارد و باید در همه افعال قیام و قعود و رکوع و سجود
تابع امام باشد پیشتر نکند و پیشتر سر برندارد مگر در تشهد که اگر امام تشهد را

طول دهد و ماموم را ضرورتی باشد تواند که پیش از امام سلام دهد و برود
و ماموم باید ادعیه و اذکار را آهسته گوید و صدای خود با امام نرساند
و چون امام از قراءت حمد فارغ شود همچنین چون بعد از رکوع سمع الله
لمن حمده گوید ماموم بگوید الحمد لله رب العالمین و ماموم سمع الله لمن حمده
نگوید و اگر ماموم در اثنای نماز با امام رسد تکبیر احرام بگوید و داخل نماز شود
هر جای نماز که باشد پس اگر رکوع را با امام دریابد آن رکعت را حساب کند
و اگر بعد از رکوع امام در سجود یا تشهد داخل شود آن فعل را با امام بجا بیاورد
اگرچه سجدهٔ آخر باشد یا تشهد آخر نماز باشد که فضل جماعت را بآن دریابد
اما آن را رکعتی حساب نکند و آن زیادتی بنمازش ضرر نکند و چون امام سلام
دهد او سلام نداده برخیزد و هرچه از نمازش مانده تمام کند اگرچه بعد از
سلام عمدا حرف سلام زده باشد چون سلامش از روی سهو شده باشد
ضرر ندارد و بعد از نماز سجده سهو کند اگر تکبیر رکوع را از امام نشنیده
باشد احتیاط آنست که در آن رکوع داخل نشود بلکه چون امام سر بردارد
داخل شود و هرگاه امام تشهد خواند او نیز بخواند اگرچه موضع تشهد خودش
نباشد که تشهد برکت است اما درین صورت بر سر پا نشیند و درست بر زمین ننشیند

وچون موضع تشهد خودش رسد نشسته تشهد بخواند و زود برخیزد تا با امام ملحق
شود و اگر در رکعت دوم امام برسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت
خودش مجزی باشد و اگر رکعت سوم وچهارم امام اول و دوم او باشد پس اگر امام
تسبیح گوید او خود الحمد و سوره بخواند و اگر امام رکوع کند و فرصت سوره
خواندن نشود همان الحمد مجزی بود اما اگر قراءت کند امام و نماز اخفاتی
باشد او قراءت نکند و اگر جهری باشد چون قراءت امام نشنود خود قراءت
کند و اگر کسی از دور رسد و بیند که امام در رکوع است یا رکوع میرود دور است
که تا بصف رسیدن امام سر بر دارد در همان جا که باشد رکوع کند و اگر
خواهد سجود نیز بکند بعد از آن برخاسته بصف ملحق شود پس اگر ایستاده باشند
بایستد و اگر نشسته باشند بنشیند و اگر خواهد همچنان در رکوع برود تا ملحق
شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا سجود بر دارد ماموم سر بر دارد دوباره سر
بگذارد تا با امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت وازدحام
سجود نتواند کرد تا آنکه امام داخل رکعت دیگر شود درین رکعت با امام رکوع
نکند و به نیت رکعت سابق سجود با امام کند که آن رکوع با این سجود مجموع
یک رکعت شود و اگر سجده به نیت همین رکعت کرده باشد این سجده هیچ رکعت

حساب نشود بلکه سجدهٔ دیگر به نیت رکعت سابق کند تا آن تمام شود و اگر
بسبب ازدحام رکوع نیز ازو فوت شود تنها رکوع و سجود کند و بعد از آن
با امام ملحق شود و اگر در نماز جمعه یک رکعت را با امام دریابد چون امام سلام دهد
یک رکعت دیگر تنها بگزارد و اگر بعد از رکوع آخر با امام رسد چهار رکعت نماز
ظهر گزارد

فصل سیزدهم در احکام سهو و شک و عروض بعضی حوادث در نماز

اما احکام سهو و شک بدانکه احادیث اهل بیت و اقوال علمای کرام درین
احکام اختلاف عظیم دارد و ان شاء الله آنچه باصول احادیث انسب
و با احتیاط اقرب باشد درین فصل بیان نمائیم و پیش از شروع در مطلب شرح
این الفاظ نموده گوئیم سهو آنست که یقین داند که چیزی را زیاده یا کم کرده
و شک آنست که خاطر متردد باشد میان دو چیز یا بیشتر بحیثیتی که هیچ
کدام را بر دیگری ترجیح نتواند داد و ظن آنست که بعضی را رجحان دهد
و گمانش با آن بیشتر باشد اما یقین نداند و ظن در جمیع احکامی که مذکور
خواهد شد حکم یقین دارد باین معنی که هر جا یقین داشته باشد چه باید کرد
و اگر ظن داشته باشد همان کند چون این جمله دانستی بدانکه سهو و شک در نماز
یا متعلق است بعدد رکعات یا باجزای نماز اگر در عدد رکعات باشد پس اگر

یکرکعت یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز دو رکعتی و سه رکعتی باشد خواه بیشتر اگر هنوز
رو از قبله نکردانیده باشد هر آنچه نقصان شده بجا بیارد تا نمازش تمام باشد
اگرچه فاصله بسیار شده باشد امّا اگر حرف زده باشد بعد از نماز سجدهٔ سهو بکند
واگر حدث کرده باشد وضو و اگر رو از قبله گردانیده باشد احتیاط آنست که
نماز را اعاده کند و اگر یکرکعت یا بیشتر در نماز یقین داند که زیاده شده هر نماز
که باشد پس اگر در رکعتی سلام بایست داد تشهد خوانده باشد نمازش تمام بود
و چیزی بر و لازم نباشد و این زیادتی اگر یکرکعت باشد اگر خواهد یکرکعت دیگر
بآن ضم کند تا نافله گردد و اگر دران رکعت تشهد نخوانده باشد بلکه رکعت
زیادتی را باصل نماز متصل کرده باشد نماز را اعاده نماید و اگر نداند که
تشهد خوانده یا نه بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و بعد ازان دو رکعت نشسته
بگزارد و با آن رکعت زاید ضافه کند تا نافله شود و همهٔ این شقوق در صورتیست
که سهو بعد از تمام شدن رکعت زاید بخاطر رسد امّا اگر در میان دو سجده بخاطر
رسد احتیاط آنست که بهمین تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش از آن بخاطر رسد
سلام دهد و احتیاطا سجده کند و اگر شک کند که نماز کم یا زیاده شده یا شک
کند که تمام یا کم یا زیاده شده و هیچکدام را یقین نداند سلام دهد و سجدهٔ سهو کند

واگر در نماز دو رکعتی خواه صبح و خواه جمعه و خواه نماز سفر و همچنین در نماز
شام و همچنین دو رکعت اوّل نماز چهار رکعتی شک کند بحیثیتی که یقین نداند که دو
رکعت تمام گزارده افضل و اقرب باحتیاط آنست که نماز را اعاده کند امّا اگر
در نماز چهار رکعتی دو رکعت تمام یقین داند و شک کند میان دو و سه یعنی
که رکعتی که تمام شده نداند که دوم بود یا سیم یا میان سه و چهار یا میان دو و چهار
یا میان دو و سه و چهار شک کند بنا بر اکثر گزارد و تا چهار رکعت تمام کند و
دهد بعد ازان اگر شک میان دو و سه یا میان دو و چهار باشد دو رکعت نشسته
و اگر در میان دو و سه و چهار باشد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
پس اگر نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط نافله حساب شود و اگر کم باشد بر رکعت
احتیاط تمام شود و در رکعتهای احتیاط همه تکبیر احرام بگوید و فاتحه تنها بخواند و در
هیچ کدام ازین شقوق سجدهٔ سهو نباید و اگر سهو و شک در افعال نماز باشد پس
در هر فعلی که سهو یا شک کند و محل آن فعل گذشته باشد آن فعل را بجا بیارد و اگر
بعد ازان بخاطر رسد که آن فعل را کرده بوده است این زیادتی ضرر نکند و هیچ
بر و نباشد و محل تکبیر احرام وقتیست که شروع در قرائت کند و محل قرائت و قنوت
تا وقتی که برای رکوع دستها بزانو رسد و اگر هنوز دست بزانو نرسیده باشد

اکر چه حکم شده باشد محل تلافی بود و محل رکوع تا انکه برای سجود سر از زیر شود اکر چه هنوز
سر بسجده نرسیده باشد و محل سجود و تشهد در سهو تا انکه در رکعت دیگر رکوع
رود اکر قراءت و قنوت کرده باشد و در شک تا آنکه راست بایستد اکر چه
شروع بقرائت نکرده باشد و اکر محل فعل کذشته باشد و شک کند اعتبار
ندارد و همچنانکه هست نماز را اتمام کند و اکر بعد از ان چیزی بخاطر رسد حکم سهو دارد
چنانکه بیان میشود اما اکر سهو کرده باشد و بعد از کذشتن محل بخاطر رسد پس اکر
سهو در نیت یا تکبیر احرام یا رکوع یا در دو سجده با هم در یک رکعت کند نماز را
اعاده کند و اکر در قراءت حمد یا سوره یا هر دو باشد و بعد از رکوع
بخاطر رسد نماز صحیح بود و تلافی ندارد و اکر بعد از سوره پیش از رکوع
بخاطر رسد که حمد نخوانده بخواند و ظاهر آنست که بعد از ان سوره را اعاده
باید کرد و اکر کلمه یا آیه از سوره فراموش کند پس اکر خواهد بهمانچه
خوانده اکتفا نماید و اکر خواهد آنرا که فراموش کرده در میان بکذارد و تتمه را
تمام کند و اکر خواهد رجوع بسوره دیکر کند هر سه شق صحیح باشد و اکر قنوت را
فراموش کند بعد از رکوع بخواند و رکوع را اعاده نباید کرد و اکر بعد از نماز
بخاطر رسد اکر چه از جای خود برخاسته و رفته باشد هر جا که بخاطر رسد

رو بقبله

رو بقبله نموده قنوت بخواند و اکر در رکعتی یک سجده را تنها سهو کند و محل کذشته
باشد آن سجده را قضا کند و اکر تشهد را سهو کند در رکعت دوم بعد از نماز سجده
سهو کند و ظاهر احادیث آنست که همین تشهدی که در سجده خوانده میشود کافی
باشد و محتاج بقضای تشهد دیکر نباشد اکر چه اکثر علما قضا را واجب دانسته اند
و اکر تشهد رکعت آخر را سهو کند در همان مکان اکر نزدیک باشد و کرنه در مکان
پاکی هر جا باشد نشسته تشهد بخواند و در این صورت سجده سهو نباید کرد
و اکر در اثنای نماز سهواً کلمه غیر ذکر و دعا بکوید سجده سهو کند اما در سایر
افعال نماز مثل فکر رکوع و سجود و سلام و غیر آن اکر سهوی شود حکمی ندارد و نماز
صحیح بود و در روایتی دیکر آمده که هر زیاده و نقصانی که در نماز شود مثل نشستن
و برخاستن و قراءت کردن و غیر آن سجده سهو کنند و این روایت اکر چه ضعیفست
اما چون معارضی ندارد اکر بآن عمل نمایند قصوری ندارد و اما این که در میان
فقها مشهور کشته که زیادتی و نقصان در رکن نماز سهواً و عمداً مبطل نماز و موجب
اعاده است اصلش در احادیث و اخبار اهل بیت صلوات الله علیهم معلوم نیست بلکه
حقیقت آن بر وجه موافق اخبار و رعایت احتیاط بنحویست که بتفصیل مذکور شد
والله اعلم بالصواب و اکر مسافر عمداً نماز را تمام کند پس اکر دانسته باشد که قصر

واجبست نماز پس صحیح بود واگر دانسته باشد اعاده کند خواه وقت باقی باشد
وخواه نه واگر سهواً تمام کند پس اگر وقت باشد اعاده کند واگر گذشته باشد
صحیح باشد ودر نوافل ورکعت احتیاط سهو وشک اعتبار ندارد ودران
سجده سهو ورکعت احتیاط نباشد وهمچنین کسیکه شک بسیار کند التفات بآن
نکند وآنچه را شک کرده درست حساب کند اگرچه وقت باقی باشد مرویست که
شک از شیطانست وشیطان خبیث را عادت مدهید وبوسوسه خود عادت
مدهید که هرچند بیشتر اطاعتش کنید بیشتر جرات کند ووسوسه نماید وچون ببیند
که مخالفتش می کنید واطاعتش نمی کنید دست از شما باز دارد کسی از بسیاری
شک شکایت بحضرت رسول نمود فرمود چون داخل نماز شوی با انگشت
شهادت ران چپ را بفشار وبگوی بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ
اَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ شیطان دور شود
واز وسوسه ایمن گردی انشاء الله وکسی دیگر بحضرت امام جعفر صادق شکایت
کرد از سهو در نماز فرمود بعد از حمد قل هو الله احد وقل یا ایها الکافرون
بخوان چنان کرد نجات یافت وکیفیت سجده سهو آنست که دو سجده کند ودر هر سجده بگوید
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یا بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ

السلام

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وبعد از هر دو سجده
تشهد خفیف بخواند باینطریق اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وسلام دهد واگر امام باشد چون
بسجده گذارد وچون بردارد تکبیر بگوید تا ماموم بداند که سهو کرده ووقت سجده
سهو بعد از نماز است بیفاصله پیش از حرف زدن واگر فراموش شود هرگاه بخاطر
رسد و **اما احکام حوادث در نماز** اگر در اثنای نماز حدثی صادر شود که وضو را
باطل کند یا خون از دماغ یا عضوی دیگر بیرون آید پس اگر بی آنکه عمداً حرف زند یا
تمام بدن رو از قبله بگرداند تواند وضو یا ازاله نجاست کند وتتمه نماز هرچه مانده
تمام کند واگر عمداً حرف زند یا رو از قبله بگرداند بتمام بدن نماز را از سر گیرد واگر
درین عرض سهواً حرف زند سجده سهو کند واز سر نباید گرفت واگر خون کم باشد
وجاری نشود محتاج شستن نباشد بلکه بخرقه یا چیزی دیگر پاک کند ونماز را تمام کند
والحمد لله بگوید **فصل چهاردهم در ذکر بعضی دیگر از نمازهای مفروضه ومندوبه** اول
نماز کسوف وخسوف وزلزله وآیات مثل بادهای عظیم وظلمتهای شدید وغیر آن که سبب
خوف اکثر مردم شود واین نماز دو رکعت بیک تشهد وسلام ودر هر رکعت پنج رکوع
ودو سجده ودر هر دو رکوع یک قنوت است که در مجموع ده رکوع وپنج قنوت باشد

و قراءت آن بدو وجه جایز است یکی آنکه در هر رکعتی یک الحمد بخواند و بعد از آن یک سوره را
پنج حصه کند پیش از هر رکوع یک حصه را بخواند که در مجموع نماز دو الحمد و دو سوره
خوانده شود وجه دوم آنکه پیش از رکوع یک الحمد و یک سوره تمام بخواند که مجموع
ده الحمد و ده سوره باشد و هر بار که برکوع رود و هر بار که سر بر دارد تکبیر
بگوید و بعد از رکوع سمع الله نگوید مگر در رکوع پنجم و دهم که بعد از این دو رکوع
تکبیر نباید گفت و سمع الله لمن حمده باید گفت و چون بسجود رود تکبیر بگوید و مستحبست
این نماز را در زیر آسمان گزاردن که سقف نباشد و بجماعت گزاردن و طول
دادن بقدر آنکه آیت منجلی شود و اگر زودتر از نماز فارغ شود مستحبست اعاده
کردن تا آنکه منجلی شود پس اگر تمام قرص گرفته باشد و خبردار باشد و در نماز
تقصیر کرده باشد بکفارهٔ آن غسل کند و نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد
نماز را قضا کند و غسل نباید کرد اما اگر بعضی قرص گرفته باشد و تقصیر کند نماز را
قضا کند و اگر خبر نداشته باشد قضا ندارد و اگر این نماز در وقت فریضه واقع
شود پس اگر وقت فضیلت فریضه تنگ نشده باشد اول این نماز را بگزارد
و اگر در اثنای این نماز باشد که وقت فریضه تنگ شود نماز را قطع کند و فریضه را
بگزارد و بعد از آن هر چه از آن نماز مانده تمام کند و از سر نباید گرفت و چون ابتدا از کر

گزارد

گزارد و بعد از هر نماز سجده کند و در سجده بگوید یَا مَنْ یُمْسِکُ السَّمٰوٰاتِ
وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهٖ
اِنَّهُ کَانَ حَلِیمًا غَفُورًا یَا مَنْ یُمْسِکُ السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى
الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهٖ اَمْسِکْ عَنَّا السُّوءَ اِنَّکَ عَلٰى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
دوم نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه هر کس این نماز را بگزارد از گناه پاک
شود چنانکه از مادر متولد شده و حوائجش برآورده شود و آن چهار رکعت در هر
رکعت بعد از الحمد قل هو الله احد پنجاه مرتبه و مستحبست تعقیب این نماز باین تسبیح که
مرویست از آنحضرت سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِیدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ
خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهٖ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَنْفَدُ مَا
عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا یُشَارِکُهُ اَحَدٌ فِی اَمْرِهٖ سُبْحَانَ مَنْ لَا اِلٰهَ غَیْرُهُ
و این نماز را هر وقت خواهند توان کرد و افضل اوقاتش شب و روز جمعه و ماه مبارک
رمضانست که حسنات مضاعف باشد سیم نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها هر کس
این نماز را بگزارد میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر که آمرزیده شود و آن
دو رکعت در اول بعد از الحمد صد مرتبه انا انزلناه و در دوم صد مرتبه قل هو الله احد
و بعد از نماز تسبیح آنحضرت بگوید چهارم نماز تسبیح و این نمازیست که حضرت پیغمبر صلی الله

بجعفر بن ابی طالب عطا فرموده و فرمود اگر این نماز را هر روز یا هر شب یا
در هر دو روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال یا هر وقت که خواهی بگزاری
هر گناهی که درین میانه کرده باشی همه آمرزیده شود و هر کس این نماز بگزارد
گناهش همه آمرزیده شود اگرچه مثل ریگ بیابان عالج باشد یا مثل کف دریا
و دوازده هزار حسنه برایش نویسند که کمترین آنها مثل کوه احد باشد و آن چهار
رکعت بدو سلام در رکعت اول بعد از حمد اذا زلزله و در دوم اذا جاء
نصر الله و در سوم انا انزلناه و در چهارم قل هو الله احد بخواند و در روایت دیگر
در دوم والعادیات و در سوم اذا جاء نصر الله وارد شده و در هر رکعت
پس از قراءت پانزده مرتبه بگوید سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ
اِلّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ و در روایت دیگر تسبیحات بعد از قراءت وارد شده
بهر کدام عمل نماید خوبست و تسبیحات را در رکوع و بعد از رکوع ایستاده
و در هر سجده و بعد از هر سجده نشسته ده مرتبه بگوید که در هر رکعت هفتاد
و پنج مرتبه و در تمام نماز سیصد مرتبه باشد و اگر خواهد این نماز را بگزارد
و از نوافل شبانه روز حساب کند و اگر دو رکعت گزارده باشد که حاجتی یا کاری
سانح شود برود و چون فارغ شود دو رکعت دیگر را بگزارد و اگر شتابی

داشته باشد

داشته باشد نماز را بی تسبیحات بگزارد و تسبیحات را بعد از آن بگوید و مستحبست
که در سجدهٔ آخر این نماز بعد از تسبیحات بگوید که سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ
وَالْوَقارَ سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا
يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ مَنْ اَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحانَ
ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحانَ ذِي الْعِزَّةِ
وَالْفَضْلِ سُبْحانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَعاقِدِ
الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ
وَكَلِماتِكَ التّامّاتِ الَّتي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً اَنْ تُصَلِّيَ عَلى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بي ما اَنْتَ اَهْلُهُ و هر حاجت که خواهد بخواهد
و مستحبست بعد از این نماز خواندن این دعا سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدّى
بِهِ سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغي
التَّسْبيحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ مَنْ اَحْصى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ
بِقُدْرَتِهِ سُبْحانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ
وَالْكَرَمِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى
الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِماتِكَ التّامّاتِ

التي تمت صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وال محمد الطيبين
وان تجمع لي خير الدنيا والاخرة بعد عمر طويل اللهم انت الحي
القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت البدئ
البديع لك الكرم ولك المجد ولك المن ولك الجود ولك
الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى ويا
اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو يا غفور يا ودود يا شكور
انت بري من ابي وامي ومن الناس اجمعين يا كريم يا جواد اللهم
اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك
ومعروفك ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك وقديم
غفرانك اللهم فصل على محمد وال محمد وارفعهما لي في عليين
وتقبلهما مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجوا
منك فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت
فيها من انواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل جائزتي
منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والدي وما ولد

او جميع اخواني واخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين و
المسلمات الاحياء منهم والاموات وان تستجيب دعائي وترحم
صرختي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا
منجحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي يا ارحم الراحمين
يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب من عبدك فليحسن
العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين
بالرحمة يا نفاحا بالخيرات يا معطي السؤلات يا فكاك الرقاب
من النار واعطني سؤلي واستجب دعائي وارحم صرختي و
تضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها لديني ودنياي و
اخرتي ما ذكرت منها وما لم اذكر واجعل في ذلك الخيرة
ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي
دعائي مغفورا لي مرحوما يا ارحم الراحمين يا محمد يا ابا
القاسم يا رسول الله يا علي يا ابا الحسن انا عبدكما ومو
لاكما غير مستنكف ولا مستكبر بل خاضع ذليل عبد خاضع
ذليل عبد مقر متمسك بحبلكما معتصم من ذنوبي بولائكما

ان تقرب الی الله عز وجل فاشفعا لی فی فکاک رقبتی من النار
وغفران ذنوبی واجابة دعائی اللهم فصل علی محمد وآله
وتقبل دعائی یا ارحم الراحمین **پنجم نمازی که حضرت پیغمبر با اعرابی**
تعلیم فرموده و فرموده هر مومن و مومنه که روز جمعه این نماز بگزارد من برای
او ضامن بهشت شوم و هنوز از جای خود برنخاسته باشد که گناهان او
و والدینش همه آمرزیده شود و آن ده رکعت چون روز بلند شود اول
دو رکعت بیکسلام گزارد در اول بعد از الحمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه
و در رکعت دوم قل اعوذ برب الناس بعد از حمد هفت مرتبه بعد از آن
هشت رکعت دیگر بدو سلام در هر رکعت بعد از الحمد اذا جاء نصر الله
یکمرتبه و قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه بخواند و چون از نماز فارغ شود هفتاد
مرتبه بگوید سبحان الله رب العرش الکریم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم **ششم نماز غفیله و آن دو رکعت در ساعت**
غفلت میان شام و خفتن مرویست که درین ساعت دو رکعت نماز را ترک
نکند که مورث دار کرامت در رکعت اول بعد از الحمد این آیه وذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات

ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه
من الغم وکذلک ننجی المؤمنین و در رکعت دوم بعد از حمد این آیه بخواند و
عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر و
ما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب
ولا یابس الا فی کتاب مبین و در قنوت این دعا بخواند اللهم انی اسئلک
بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تجمع لی خیر الدنیا والآخرة و اگر خواهد بجای این فقره بعد از صلوات
بر پیغمبر و آلش هر حاجت که خواهد بطلبد و بعد از آن بگوید اللهم انت ولی
نعمتی والقادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق محمد و
اهل بیته صلواتک علیهم لما قضیتها لی و هر چه خواهد سوال کند
که مستجاب شود **هفتم نماز وصیت** مرویست که حضرت پیغمبر ص فرموده وصیت میکنم
شما را به دو رکعت نماز در میان شام و خفتن در رکعت اول بعد از الحمد اذا
زلزلت سیزده مرتبه و در دوم قل هو الله احد پانزده مرتبه که هر کس این
نماز را در سالی یکمرتبه بگزارد از جمله محسنین نوشته شود و اگر در ماهی یکمرتبه
بگزارد از جمله متقین و اگر در هر هفته یکمرتبه از جمله مصلین و اگر در هر شب بگزارد

در بهشت با من مزاحمت نماید و ثواب آنرا هیچکس نداند بجز خدای تعالی ششم هر کس میان
نماز شام و خفتن در شب پنجشنبه دو رکعت نماز بگزارد در هر رکعت بعد از الحمد آیة الکرسی
و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین هر یک را پنج مرتبه بخواند و بعد از
نماز ده مرتبه استغفار کند و ثواب آنرا بوالدین خود هدیه کند حق ایشانرا
بجا آورده باشد نهم روایتست که هر کس وقت خوابیدن وضو کند چنانست که
تا وقت بیدار شدن در عبادت باشد پس اگر در اثنای شب برخیزد و ذکر
خدا کند خطاهاش همه بریزد و اگر آخر شب برخیزد و دو رکعت نماز کند
پس حمد و ثنای خدا کند و صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد هیچ چیز از خدا
سوال نکند مگر آنکه عطا فرماید یا همان را بعینه یا بهتر از آن در بهشت عوض
دهد دهم هر کس دو رکعت نماز گزارد در هر [illegible] باشد در هر رکعت شصت مرتبه
قل هو الله احد بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر که آمرزیده
شود و در روایت دیگر قل هو الله احد در هر رکعت یکمرتبه وارد
شده و بعضی دیگر نمازهای مخصوص هر یک در جای خود انشاء الله بیاید

فصل یازدهم در فضایل قرآن و آداب تلاوت آن

مرویست از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون روز قیامت خلایق همه بصف

ایستاده

ایستاده باشند قرآن به بهترین صورتی بمحشر آید چون بر صف مسلمین گذرد او را
ببینند گویند این بصورت و صفت می شناسیم و میدانیم که از جمله مسلمین است
اما عبادت و طاعتش بیشتر بوده که این نور و جمال او را عطا شده و ما را
نصیب نگشته پس بصف شهدا گذرد گویند این را می شناسیم که از جمله شهداست
اما مصیبتش عظیمتر بوده که این نور و جمال کرامت یافته و همچنین بر صف انبیا
و رسل گذرد مثل این گفتگو کنند پس همه صفوف مجتمع گشته بخدمت حضرت
پیغمبر آمده گویند این کیست که ما نمیدانیم آنحضرت فرماید این حجت خدا است
بر بندگانش پس سلام دهد و از آنجا گذشته بر صف ملائکه بصورت ملکی
مقرب گذرد ملائکه نیز چنان گفتگو نمایند پس از آنجا گذشته تا بعرش
رسیده بسجده درآید پس خدای تعالی گوید ای حجت من و ای کلام صادق
ناطق من سر بر دار و هر چه خواهی سوال کن و هر کرا خواهی شفاعت کن که
هر چه طلب کنی باجابت مقرونست پس سر بر داشته گوید خدایا بندگان تو
بعضی مرا محافظت نمودند و بقدر طاقت خود حرمت من داشتند
و حق من رعایت کردند و بعضی حرمت من نداشتند و حق مرا ضایع کردند
پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر کس تو از او راضی باشی جزای

رضای تو با و رسانم واو را از تو راضی گردانم وهر کس از تو راضی نباشی
انتقام تو از و بکشم پس بصورت جوانی که اهل محشر نشناسند به پیش شیعیان آید
و گوید منم آنکه بشغل تلاوت من شبها بجای خواب بیداری کشیده و روزها
بعوض آب شربت تشنگی چشیده در دنیا بسبب من مشقتها دیده و از دشمنان
مصیبتها رسیده پس ایشانرا بر داشته پیش خدای تعالی برد و گوید خداوندا
اینان بندگان تواند و تو ایشانرا بهتر میشناسی و دانی که در محافظت
و رعایت من چها کشیده اند پس فرماید تا ایشانرا به بهشت برده حلهای
بهشت در ایشان بپوشند و تاجهای کرامت بر سر ایشان نهند پس قرآن
نماید و گوید ازین اکرام که با اولیای تو کردیم راضی شدی گوید خدایا
مرا با ایشان بیش ازین توقع وامانت خدای تعالی فرماید بعزت و جلال
خودم که احسان بسیار با ایشان کنم و ترا از خود راضی گردانم پس بهریک
از ایشان دست راستش را مملو امان و رضوان و دست چپش را مملو رحمت
و خلود در جنان کرده اند و والدینش را بازای تعلیم قرآن که بفرزند
خود کرده اند دو حله از بهشت بپوشانند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که
هر کس در نماز نشسته قرآن بخواند بعدد هر حرفی برایش پنجاه حسنه نوشته شود

وپنجاه

و پنجاه سیئه محو کرده و پنجاه درجه بلند کرده و اگر ایستاده بخواند بعدد هر حرف
صد حسنه نویسند و صد سیئه محو کنند و ده درجه بلند کرده اند و اگر در غیر نماز
بخواند بهر حرف ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند گردانند
و اگر خود تلاوت نکند و گوش بتلاوت دیگری دارد بهر حرفی یک حسنه عطا
فرمایند و یک سیئه محو نمایند و یک درجه بلند گردانند و چون قرآن را ختم کند
او را دعا مستجاب بود و اگر ختم در روز واقع شود تا شب و اگر در شب واقع شود
تا روز ملائکه بر وی صلوة فرستند از حضرت امام پرسیدند که این فضایل
برای کیست که قرآن دانند فرمود خدای تعالی کرامت هر کس آنچه میداند
هر گاه ختم کند چنانست که ختم قرآن کرده باشد و این فضایل با و عطا فرمایند
و هر کس در یک منظم از جمعه تا جمعه یا کمتر یا بیشتر ختم کند و ختم در روز جمعه واقع شود
از جمعه اول دنیا تا جمعه آخر آن برای او ثواب نویسند و همچنین اگر در روز
دیگر باشد از مثل آن تا مثل آن و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس در
شبی ده آیه بخواند او را از جمله غافلین ننویسند و اگر پنجاه آیه بخواند از جمله
ذاکرین نوشته شود و اگر صد آیه بخواند از جمله قانتین و اگر دویست آیه
بخواند از خاشعین و قرآن در روز قیامت با او مخاصمت نکند و اگر سیصد آیه

از فائزین و اگر پانصد آیه بخواند از عابدین و اگر هزار آیه بخواند یک قنطار ثواب
برایش بنویسند و قنطار پانزده هزار مثقال است و یک مثقال بیست و چهار قیراط
و کوچکترین قیراط مثل کوه احد است و بزرگترش از زمین تا آسمان و کسیکه قرآن را
بمشقت بیاموزد ثوابش مضاعف شود و در خانه که قرآن خوانند و ذکر
خدا کنند ملائکه حاضر شوند و شیاطین دور شوند و برکت زیاد شود و آن خانه
برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره برای اهل زمین و خانه که
قرآن نخوانند و ذکر خدا نکنند ملائکه بیرون روند و شیاطین حاضر شوند و برکت
کم شود و سه چیز از اهل خود بخدا شکایت کنند مسجدی که در آن نماز نگزارند
و عالمی که قدرش ندانند و قرآن در خانه که تلاوت نکنند تا غبار گیرد و این
بود بعضی از فضایل جملهٔ قرآن و هر یک از سور و آیات را نیز فضلی بی نهایت روایت
شده که حوصلهٔ این رساله اگرچه وسعت حکایت آن همه ندارد اما چون
از همهٔ آن نیز محروم نتوان گذاشت بروایت بعضی مترقب کردیم این
و گوئیم هر مومن که بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعدد هر حرف او را حسنه
عطا فرمایند که هر حسنه بهتر باشد از تمام دنیا و نعمتهای آن و خدای تعالی
کارهایش را مبارک و تمام گرداند و اگر گوش کند که دیگری بخواند ثلث ثواب

خوانده

خوانده داشته باشد **در فضیلت الحمد** هر کس از روی اقرار و اعتراف بخواند خدای
نعمتهای آخرت را برای او اضافهٔ نعمتهای دنیا گرداند و بلاهای آخرت را
باضافهٔ بلاهای دنیا دفع کند و رحمت وافر و عطیهٔ کامل احسان فرماید
و روز قیامت حسابش را آسان کند و حسناتش را قبول فرماید و سیئاتش را
محو فرماید و ثواب کرامت فرماید که همه مخالفین بر آن حسرت برند و در شداید
کارها معین و دستگیرش باشد و براه راست و طریقهٔ اهل بیت علیهم السلام
هدایتش کند و چنانست که دو ثلث قرآن خوانده و بهر مومن و مومنه
صدقه داده باشد **بقره و آل عمران** هر کس بخواند روز قیامت مثل دو پاره
ابر از حرارت آفتاب بر سرش سایه کنند **سوره یس** هر کس بخواند گناهانش
آمرزیده شود و چنانست که دوازده مرتبه قرآن ختم کرده باشد و اگر
کسی روز بخواند تا شب محفوظ باشد و مرزوق و اگر شب پیش از آنکه بخوابد
بخواند هزار ملک بر او موکل شوند که از شیاطین و آفات حفظش کنند و اگر
در آن شب بمیرد سی هزار ملک در غسلش حاضر شوند و برای او استغفار کنند
و تا قبر متابعتش نمایند و بعد از آن در قبرش ساکن شوند و عبادت خدا کنند
و ثوابش برای او نوشته شود و تا چشم کار کند قبرش را وسیع کنند و از فشار

قبر ایمن شود و تا روز قیامت نوری از قبرش تا اطراف آسمان درخشان
باشد و چون از قبر بیرون آید ملائکه با او مشایعت نمایند و مژده خیر و رحمت
دهند تا از میزان و صراط بگذرد پس پیش خدای تعالی در مقامی باز دارند
که هیچکس دیگر از او بلندتر نباشند مگر ملائکه مقربین و انبیاء و مرسلین و ائمه طاهرین
و با ایشان باشد و از هر خوف و حزن ایمن باشد پس خدای تعالی گوید ای بنده
من هر چه خواهی سوال کن تا عطا نمایم و هر که را خواهی شفاعت نمای تا اجابت فرمایم
و از مذلت موقف ایمن باشد و بر هیچ خطیئه ملامت نبیند تا آنکه همه کس گوید سبحان الله
این بنده خدا هیچ خطائی نداشته پس از جمله رفقای حضرت محمد صلی الله علیه و آله باشد
و روایت دیگر آمده که هر کس در مدت عمر خود یکمرتبه این سوره بخواند بعدد
هر خلقی در دنیا و آخرت برایش دو هزار هزار حسنه نویسند و دو هزار هزار
سیئه محو کنند و از جنون و جذام و آفات و آلام ایمن گردد و سکرات موت
بر او آسان شود و خدای تعالی خود متوجه قبض روحش شود و وسعت معیشتش
دهد و روز قیامت خوشحال باشد و آنقدر ثواب باو دهد که راضی گردد
پس بجمیع ملائکه آسمان و زمین گوید برای این بنده من استغفار کنید که من از او
راضی گشتم **سوره حم** هر کس بخواند خدای تعالی بوزن هر کوهی که مسخر داود

کرده بود حسنات عطا فرماید و هر کس شب جمعه بخواند آنقدر خیر دنیا و آخرت
باو دهد که هیچکس نداده باشد مگر نبی مرسل و ملک مقرب و او را و هر که را او
خواهد از اهل بیتش حتی خادمش اگر چه از عیال و اهل شفاعتش نباشد
بهشت برد **سوره واقعه** سوره حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه است
هر کس هر شب جمعه بخواند از رفقای آنحضرت باشد و از آفات و مکاره دنیا
ایمن گردد و هر کس هر شب بخواند پیش از آنکه بخوابد رویش در روز قیامت
مثل بدر تمام باشد **سوره صف** هر کس بخواند حضرت عیسی او را دعا کند و
برایش استغفار نماید تا در دنیا باشد و روز قیامت رفیق آنحضرت باشد
و هر کس این سوره در فرایض و نوافل مداومت کند در صف ملائکه و انبیاء
و مرسلین باشد **سوره هل اتی** هر کس بخواند جایش بهشت و حریر بهشت باشد
و اگر در نماز صبح دوشنبه بخواند از شر آن روز ایمن گردد و اگر صبح پنجشنبه
بخواند در خدمت حضرت پیغمبر باشد و هشتصد بکر و چهار هزار ثیب از حور العین
باو عطا کند **سوره جمعه** هر کس بخواند بعدد هر کسی که در نماز جمعه آید و هر کس نیاید
در دیار اسلام ده حسنه باو عطا کنند **سوره منافقین** هر کس بخواند از نفاق
بری شود **سبح اسم** هر کس بخواند بعدد هر حرف که بر حضرت ابراهیم و موسی

و محمد نازل گشته حسنه عطا فرماید و هر کس در نافله یا فریضه بخواند روز قیامت
گویند از هر در که خواهی داخل بهشت شو و حضرت امام جعفر صادق ع فرموده
بر شیعه ما واجب لازم است که شب جمعه نماز سوره جمعه و سبح اسم و ظهر جمعه
بجمعه و منافقین گزارند و هر کس چنین کند چنانست که عمل رسول الله صلی الله
کرده باشد و جزایش بهشت بود **سوره الحاقه** برای معامله حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و معاویه لعنه الله نازل گشته هر کس در فرایض و نوافل بسیار بخواند
ایمان از و مسلوب نشود **سوره تبارک** هر کس بخواند از عذاب قبر ایمن شود و اگر در
نماز خفتن بخواند در امان خدای تعالی باشد تا صبح و روز قیامت تا آنکه داخل
بهشت شود **سوره والفجر** سوره حضرت امام حسین ع است هر کس در فرایض و نوافل
بخواند با آنحضرت در یک درجه از بهشت و هر کس در ده شب ذی الحجه
بخواند گناهانش آمرزیده شود **سوره انا انزلناه** سوره اهل بیت طاهرین است
هر کس بخواند چنانست که ماه مبارک رمضان را روزه گرفته و لیلة القدر را
احیا داشته باشد و هر کس یکمرتبه آهسته بخواند چنانست که در راه خدا
شمشیر از غلاف کشیده باشد و اگر ده مرتبه بخواند هزار گناهش آمرزیده شود و اگر
در نماز فریضه بخواند منادی ندا کند که اعمال را از سر گیر که گناهانت آمرزیده

گشت و فضایل این سوره زیاده از آنست که در حوصله این رساله گنجد و بعضی
از آنجمله نیز در مباحث سابقه گذشته و بعضی نیز در جای خود انشاء الله بیاید
سوره والتین هر کس بخواند خدای تعالی در دنیا عافیت و یقین و در آخرت
بعد و هر کس این سوره را خوانده ثواب یکروز روزه باو عطا فرماید
و هر کس در فرایض و نوافل بخواند هر جای بهشت که خواهد باو عطا کنند **سوره
والعادیات** سوره حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است هر کس بخواند و بر
آن مداومت کند از رفقای آنحضرت ع در پناه او باشد **الهیکم التکاثر**
هر کس بخواند چنانست که هزار آیه از قرآن خوانده باشد و خدای تعالی بنعمتهائی
که در دنیا باو داده او را محاسبه نفرماید و اگر در فریضه بخواند چهل صف ملایکه
با و اقتدا کنند و اجر صد شهید داشته باشد و اگر در نافله بخواند اجر پنجاه
شهید **سوره جحد** هر کس بخواند چنانست که ربع قرآن خوانده باشد و شیاطین
از و دور شوند و از شرک بری گردد و از فزع اکبر ایمن گردد و هر کس سوره
جحد و توحید در فریضه از فرایض بخواند گناهان او و والدین و اولاد ایشان
هم آمرزیده شود و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو گردد و در دیوان سعدا
ثبت گردد و در زمره انبیاء محشور شود **سوره توحید** هر کس یکمرتبه بخواند

چنانست که ثلث قرآن خوانده باشد و بعدد هر مومنی ده حسنه عطا کند و چون
سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده باشد و هر کس یکمرتبه بخواند خدای تعالی بر او برکت
و رحمت زیاد کند و اگر دو مرتبه بخواند بر او و بر اهل بیتش و اگر سه مرتبه بخواند
بر ایشان و بر همسایگانش و اگر دوازده مرتبه بخواند دوازده قصر در بهشت
عطا فرماید و چون حضرت پیغمبر صم بر سعد بن معاذ نماز گزارد دید که هفتاد
هزار ملک که جبرئیل ع از آن جمله بود برو نماز گزاردند از جبرئیل ع پرسید که سعد
بچه چیز مستحق کرامت گشته گفت باین که در جمیع احوال نشستن و برخاستن و آمدن
و رفتن و سواره و پیاده همیشه قل هو الله احد میخواند **سورة اذا جاء نصر الله** هر کس بخواند
چنانست که با حضرت پیغمبر صم در فتح مکه حاضر باشد و اگر در فریضه یا نافله بخواند
بر همه دشمنان نصرت یابد و نورانی از قبر بیرون آید و از جسر جهنم و اهوال آن
ایمن گردد و در دنیا آنقدر اسباب خیر برو مفتوح شود که هرگز بخاطرش
نگذشته و آرزویش نداشته باشد و چون روز قیامت محشور شود بر هیچ
چیز نگذرد مگر که او را مژده بهشت و خبر دهد تا داخل بهشت شود **معوذتین**
هر کس بخواند چنانست که جمیع کتابهای که بر انبیا نازل گشته خوانده باشد **آیة
الکرسی** هر کس یکمرتبه بخواند خدای تعالی هزار مکروه در دنیا که سهلترین آن فقر

وهزار مکروه در آخرت که سهلترین آن عذاب قبر باشد ازو رفع فرماید
این بود مجملی از فضایل بعضی سور و آیات قرآن عظیم و بسیاری نیز
در مباحث سابقه گذشته و بعضی نیز در مباحث مناسب انشاء الله بیاید
اما ذکر همه آن در حوصله این رساله در نیاید **آداب تلاوت قرآن و بعضی احکام متعلق بآن**
اگر چون کسی آیه یا سوره از قرآن بیاموزد و یاد گیرد باید که مداومت
بآن کند تا فراموش نشود که اگر فراموش شود آن سوره یا آیه خود را
در بهشت بصورتی جمیل و درجه رفیع باو نماید و برو سلام کند پس او گوید
چه خوب نعمتی تو چیستی و کیستی کاش از من میبودی گوید من فلان سوره یا آیه ام
اگر فراموشم نمیکردی باین درجات میرسانیدم و مخفی نماند که ظاهر این حدیث
اعمست از یاد گرفتن حکمش یا لفظش یا بخاطر گرفتنش و هر سه معنی حق و صحیحست
و درجه اش در رفعت و عظمت مختلف و هر کدام درجه اش رفیعتر حسناتش
عظیمتر و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که مؤمن را سزاوارست که هر روز خصوصا
صبح بعد از فراغ از تعقیبات وردی از قرآن تلاوت کند اقلا پنجاه آیه
و افضل اعمال آنست که کسی همیشه قرآن را ختم کند و باز از سر گیرد مستحبست
که مدت ختم قرآن کمتر از یکماه نباشد تا بتدبر و تفکر خوانده شود اما در ماه

مبارک رمضان هر شش روز و سه روز یا هر چه مقدور شود رخصت شده و فضیلت تلاوت
بحزن و حسن صوت در باب اول گذشت و قرآن را بشتاب و بی تأنی نشاید خواند و مقصود
نباید آخر سوره و جزو باشد بلکه ترتیل و تأنی و تفکر و تأمل باید تلاوت نمود
مرویست که آیات قرآن خزاین جواهر معرفت و حکمت است هر خزینه را بگشائید اجرها
آن بگذرید و نیز مرویست که بسا کسی قرآن خواند و قرآن از وی بیزاری کند بلکه با دل
آگاه و از روی خضوع و خشوع تلاوت باید نمود و چون به آیه رحمت و مغفرت و ذکر
نعیم جنت رسی آن رغبت نموده از روی شوق از خدا مسئلت کنی و چون به آیه
عذاب و ذکر عقوبت و حساب رسی اندیشه کنی و از آن استعاذه نمائی و از مناهی
و معاصی توبه و استغفار کنی و چون به مواعظ و نصایح مرور کنی موعظه و نصیحت گیری
و چون به حکایات و قصص بگذری از آن عبرت گیری و برین قیاس هر آیه که رسی
مناسب آن حالت عمل نمائی و اگر مقدور باشد الفاظ قرآن را فصیح و بلیغ ادا کند
مرویست که قرآن را چنان بخوانید که عرب میخواند و اگر مقدور نباشد آنچه تواند ترک
نکند مرویست که عجمان قرآن را عجمی خوانند و ملائکه آن را عربی بالا برند و از جمله آداب
این که با طهارت و مکان خلوت و اطمینان خاطر و روی بقبله بدو زانو نشسته
تلاوت کند که عذاب والدین تخفیف یابد اگرچه کافر باشند و نظر بر خط قرآن

عبادت

عبادت و اگر در جائی تلاوت کند باید ساکت بود و گوش داشت و چون قرآن را
برای تلاوت برگیرد بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّ هٰذَا كِتَابُكَ الْمُنْزَلُ
مِنْ عِنْدِكَ عَلَىٰ رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَىٰ
لِسَانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مِنْكَ إِلَىٰ خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَّصِلًا
فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ
اللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَاءَتِي فِيهِ ذِكْرِي وَفِكْرِي فِيهِ
اعْتِبَارًا وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَتَّعِظُ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَيَجْتَنِبُ
مَعَاصِيكَ وَلَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي عَلَىٰ قَلْبِي وَلَا عَلَىٰ سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ
عَلَىٰ بَصَرِي غِشَاوَةً وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَبُّرَ فِيهَا بَلِ اجْعَلْنِي
أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظَرِي
فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَاءَتِي هَذْرًا إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ و چون
خواهد شروع در تلاوت کند از وساوس شیطان و غفلت قلب و قساوت آن پناه
بخدا برده بگوید أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
و چون به آیه سجده رسد یا از دیگری بشنود سجده کند و در سجده بگوید لا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ حَقًّا حَقًّا لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِيمَانًا وَتَصْدِيقًا لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

عُبُودِيَّةً وَرِقّاً سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً لَا مُسْتَنْكِفاً
وَلَا مُسْتَكْبِراً بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ و بعد از فراغ از تلاوت
بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَهُ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ
عَلَى نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ بِمُتَشَا
بِهِهِ وَاجْعَلْهُ أُنْساً لِي فِي قَبْرِي وَأُنْساً فِي حَشْرِي وَاجْعَلْنِي
مِمَّنْ تُرَقِّيهِ بِكُلِّ آيَةٍ دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و چون ختم کند این دعا از صحیفه کامله بخواند اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَعَنْتَنِي عَلَى خَتْمِ
كِتَابِكَ تا آخر **باب چهارم در فضایل ذکر و دعا و احکام متعلق آن** و این مجموع
انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول در فضائل ذکر** بروایت از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که هر کس ذکر خدای تعالی بسیار کند از نفاق و از آتش دوزخ
ایمن گردد و حضرت امام جعفر صادق عم فرموده دلهای خود را رعایت
کنید و بذکر خدا زنده دارید و بترسید از آنکه غافل نقض عهد ایمان در دل
شما راه یابد که چون دل از ذکر خدا غافل شود نه مومن باشد و نه کافر مثل جامه
کهنه یا استخوانی پوسیده پس رحمکم الله خدا را یاد کنید و از نقض عهد بترسید

که چون

که چون دل را چنین حالتی رو دهد پس اگر خدا با آن بنده اراده خیر داشته باشد
ایمان در دلش اندازد و گرنه کفر و خدای تعالی فرموده ای بنی آدم تو
در دل خود مرا یاد کن تا من در دل خود ترا یاد کنم و تو در مجالس خود مرا یاد کن
تا من در مجالس ملائکه ترا یاد کنم و خانه که در آن ذکر خدای تعالی و تلاوت
قرآن کنند برکت بسیار شود و ملائکه نزدیک و شیاطین دور شوند و آن خانه
برای اهل آسمان نورانی باشد چنانکه ستاره برای اهل زمین و شیطان بهر دلی
آویخته چون ذکر خدا کند از او دور شود و چون ترک ذکر کند گمراهش کند
و خدای تعالی فرموده مال بسیار گناهان را فراموش کند و ترک ذکر من
قساوت دل آورد و هر کس خدا را در دل یاد کند ثواب آن را غیر خدا کسی نداند
و هر کس در میان غافلان و مشغولان دنیا ذکر خدا کند خدای تعالی او را حسنه
بر ایشان نپوشید و روز قیامت بیامرزد آمرزشی که بخاطر هیچ کس نگذرد
و چنانست که در معرکه که همه گریخته باشند ثابت قدم ایستاده با اعدای خدا
مقاتله کرده باشد و بهشت او را واجب شود و مومن بهر بلیه مبتلا شود مگر کسیکه
مشغول بذکر خدا باشد بصاعقه مبتلا نشود و هیچ جمعی در مجلسی مشغول ذکر نشوند
مگر آنکه جمعی ملائکه با ایشان نشسته شریک شوند و بگریه ایشان بگریند و دعا ایشان را

آیین گویند و منادی از آسمان ندا کند که سیئات شما همه آمرزیده شد و بحسنات
بدل گشت و اگر کسی در میان ایشان باشد و ذکر نکند او نیز بسبب مجالست با ایشان
آمرزیده شود و حضرت موسی سؤال نموده گفت خدایا آیا نزدیکی تا مناجات
کنم یا دوری تا آواز رسانم فرمود من همنشینم با کسیکه ذکر من کند و هم آن حضرت
مناجات نموده گفت روزی که هیچ کس را پناهی نباشد در پناه رحمت تو
که باشد فرمود آنانکه ذکر من کنند و من ذکر ایشان کنم و برای من با هم محبت
کنند و من با ایشان محبت کنم ایشانند که اگر خواهم بر اهل زمین عذاب فرستم
چون ایشان را بیاد آرم عذاب برگیرم و نیز مناجات نموده گفت خدایا
مرا در بعضی احوال شرم آید که ذکر تو کنم فرمود در هیچ حال غافل از ذکر من
مباش و ذکر من در همه احوال خوبست و باید دانست که ذکر بر سه قسمت
ذکر با دل که بمعنی خدا را بیاد داشتن است و با زبان مثل تهلیل و تسبیح و تلاوت
قرآن و مذاکره مسایل دین و ایمان و امر معروف و نهی منکر و غیر آن هرچه
خدا را بیاد آرد و با اعضا و ارکان مثل عبادات و طاعات و ترک مناهی و شبهات
و افضل همه ذکر با دلست که بمعنی نیت شعبه ایست از آن و ذکر با دل بمنزله روحست
و ذکر با زبان و ارکان بمنزله بدن که چون قول و فعل بی نیت خدا و یاد او باشد

مثل صورتی باشد بی جان و ازین جهت که اعمال ریا و اغراض دنیا و همچنین
عبادات مخالفین و غافلین مثل مستان و اطفال مقبول نباشد و خدای تعالی
فرموده من هر کلام حکمت را قبول نکنم بلکه نظر بر دلش کنم اگر برای من
و بیاد من کرده اجر دهم وگرنه بآن واگذارم که برای او کرده و حضرت
پیغمبر فرموده نیت مومن بهتر است از عملش که عمل بی نیت مقبول نبود
و با نیت اگر عمل مقدور نباشد همان اجر یابد چنانکه مرویست که وقتی در
مدینه قحط شد کسی روزی در صحرا به تل خاکی گذشت گفت کاش این همه گندم
بودی تا بمردم دادمی این خبر بحضرت پیغمبر رسید فرموده همان ثواب یابد
و وجوه دیگر نیز برای بهتری نیت روایت شده که این مقام ذکر آنها نیست
و نیز در باب سابق گذشت که هر قدر از نماز که با آگاهی دل باشد بالا برند و هرچه
بی آن باشد برهم پیچند و بر روی صاحبش زنند و نیز در مبحث ورع و تقوی
گذشت که ذکر خدا همین سبحان الله والحمد لله نیست بلکه اصل ذکر آنست که در
افعال و اعمال هرچه رو دهد خدا را یاد کنی اگر رضای خدا باشد ارتکاب کنی
وگرنه اجتناب نمائی و امثال این اخبار و احادیث بسیار است و بعضی از آن گذشته
و بعضی نیز در مباحث خود انشاء الله بیاید و افضل همه اذکار آنست که ذکر دل و زبان

وارکان همه باهم جمع شود بحیثیتی که در افعال و اقوال خدا منظور باشد و رضای
او شود و این جمله که گفته شد بحمد الله بسیار و صحت و توفیقی که رعایای را
درین مقام باشد با آنکه کسی قمار بازد و معاصی کند و باین مغرور باشد که هر روز
هفتاد هزار تهلیل میگوید و دیگران نیز فریفتهٔ آن شوند در نهایت سخافت
چنانکه ازین احادیث و سایر احادیث که در صحت و ربع و غیر آن مذکور شد
در غایت وضوح است والحمد لله **فصل دوم در فضایل بعضی اذکار مخصوصه** مروی است
از اهل بیت طاهرین که جماعتی فقرا بخدمت حضرت پیغمبر رفته معروض
داشتند که اغنیا حج گزارند و بنده کان آزاد کنند و صدقات دهند
و جهاد کنند و ما ازین جمله محرومیم فرمود کسیکه صد مرتبه بگوید الله اکبر
افضل است از آنکه صد شتر در مکه قربان کند و اگر صد مرتبه بگوید الحمد لله
افضل است از آنکه صد اسب با زین و لجام و مردان بران سوار بجهاد فرستد
و اگر صد مرتبه بگوید لا اله الا الله عملش در آن روز افضل از جمیع ناس باشد
مگر کسیکه بیشتر گوید و هم آنحضرت فرموده هر کس تسبیحات اربع بگوید بعوض
هر یک درختی در بهشت برایش نشانده شود کسی گفت یا رسول الله درخت
بسیار در بهشت داریم فرمود بلی اما آتشی مفرستید که همه را بسوزد و هر سخن

از چیزی تعجب کند سبحان الله بگوید مرغی از آن مخلوق شود و تا روز قیامت
خدا را تسبیح کند و ثواب آن همه از او باشد و همچنین اگر لا اله الا الله یا الحمد لله یا الله اکبر
بگوید و هر کس لا اله الا الله با خلاص بگوید بهشت او را واجب شود و اخلاصش آنست که
او را باز دارد از معاصی و سبحان الله نصف میزان را پر کند و الحمد لله تمام میزان را
و لا اله الا الله ما بین زمین و آسمان را و هر کس لا اله الا الله بگوید درختی برایش در
بهشت بنشانند در زمینی سفیدتر از برف و شیرینتر از شهد و خوشبوی تر از
مشک که بار آن مثل پستان دختران بکر باشد در هر یک از آن هفتاد حله از
حلهای بهشت و هر کس بگوید الحمد لله کما هو اهله کتاب آسمان دست از نوشتن
باز دارند و گویند خدایا ما نمیدانیم که ثواب این را چه قدر نویسیم و خدای تعالی
فرماید شما گفته او را بنویسید من میدانم چه قدر ثواب دهم و هر کس بگوید سبحان الله
وبحمده سبحان الله العظیم وبحمده سه هزار حسنه بنویسند و سه هزار
سیئه محو کنند و سه هزار درجه بلند گردانند و طایری در بهشت خلق شود
که خدا را تسبیح کند و ثوابش از او باشد و هر کس روزی ده مرتبه بگوید
اَشهدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ اِلهاً واحِداً اَحَداً
صَمَداً لَم یَتَّخِذ صاحِبَةً وَلا وَلَداً چهل و پنج هزار حسنه ثبت شود و چهل و پنج هزار

سینهٔ محو کرده و چهل و پنج هزار درجه بلند شود و در آن روز جزا و باشد از
شیطان و سلطان و کبیره ایمن گردش نشود و چنانست که دوازده روز دوازده
ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت برایش بنا کنند و هر کس هر روز بگوید
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عُبُودِیَّةً وَرِقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِیمَانًا وَتَصْدِیقًا
خدای تعالی از روی کرم متوجه او شود و هرگز روا از و نگرداند تا داخل بهشت
شود و هر کس بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ خدای تعالی فرماید ای ملائکه
بندهٔ من کارهای خود را بمن واگذاشت و اعتراف بعجز و ناتوانی خود نمود
حاجتش را برآرید و هر کس سه مرتبه بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ نود و نه نوع بلا از او دفع شود که
سهلترین آن مردن بجنون باشد و هر کس بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ

فصل سوم در فضایل ذکر اهل بیت و صلوات بر ایشان و بعضی امور مناسب آن صلوات الله علیهم اجمعین

مرویست از ایشان صلی الله علیهم که هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند
و ذکر خدای تعالی و ذکر ما نکرده و صلوات بر پیغمبر نفرستاده برخیزند مگر اینکه آن
مجلس روز قیامت بر ایشان حسرت باشد و نیز فرموده‌اند که ذکر ما ذکر خداست و ذکر
اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مؤمن با هم ملاقات و ذکر خدا و ذکر

فضائل ما

فضائل ما کنند هر گوشت که در روی ابلیس است بگدازد تا آنکه روحش از شدت
الم بناله آید و ملائکه آسمان فرحان خندان از آن مطلع گشته و همه ملائکه مقربین
او را لعنت کنند و حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود هر کس در
مجلسی نشسته باشد دلش نمیرد در روزی که همه دلها بمیرد و حضرت پیغمبر
فرمود هر کس ذکر فضیلتی از فضایل علی ابن ابی طالب ع کند و اقرار بآن
داشته باشد گناه گذشته و آینده‌اش آمرزیده شود اگرچه مثل گناه جن و انس
باشد و هر کس فضیلتی از فضایل او را بشنود گناهانی که با گوش کرده آمرزیده
شود و هر کس نگاه بر نوشتهٔ فضیلتی از و کند گناهانی که با چشم کرده آمرزیده
شود و بعد از آن فرمود نظر بر علی ابن ابی طالب ع عبادتست و ذکر او
عبادتست و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر بولایت او و برائت از اعدای او
و حضرت امام حسن ع فرمود هر کس در دل ما را محبت دارد و با دست و زبان
نصرت کند یکدرجه از ما بالاتر باشد و هر کس در دل محبت دارد و با دست
و زبان نصرت نکند در بهشت باشد و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود
هر کس بزبان اعانت ما کند خدای تعالی روز قیامت زبانش را بحجتش
گویا کند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس یکمرتبه صلوات بر حضرت

پیغمبر صلوات فرستند خدای تعالی هزار صف ملائکه هر یک هزار صلوات بر او فرستند
و بعد از آن هیچ مخلوقی نماند مگر که بر او صلوات فرستند پس هر کس باین نعمت
رغبت نکند جاهل و مغرور باشد و خدا و رسول و اهل بیتش از وی بیزار باشند
و هیچ چیز در میزان قیامت سنگین تر از صلوات بر آنحضرت نبود چون
اعمال مومنان را در میزان گذارند اگر حسنات سبک و سیئات سنگین باشد
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هر صلوة که بر او فرستاده باشند بر سر حسنات
گذارد تا بر سیئات زیادتی کند پس بهشتش برد و صلوات بر آنحضرت صلی الله
گناهان را بیشتر محو کند که آب آتش را و نیز مرویست که هر کس قادر بر کفاره
گناهان نباشد صلوة بر آنحضرت و آلش صلی الله علیهم فرستد که صلوة
بر ایشان گناه را میریزد و صلوات بر ایشان برابر است با تهلیل و تکبیر
و هر کس آنحضرت در پیشش مذکور شود و صلوة نفرستد راه بهشت بر او خطا
شود و هر کس دعا کند دعایش محجوب باشد و بالا نرود تا صلوة فرستد
و آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود در وقت دعا مرا مثل کوزه مسافر
مگردانید که چون همه اسباب را بار کند و بعد از همه کوزه را در عقب بار
آویزد هر گاه تشنه شود بردارد بلکه مرا در اول و میان و آخر دعا یاد کنید

و نیز فرموده که هر کس بر من صلوة بیشتر فرستد روز قیامت بمن نزدیکتر
باشد و هر کس از خدای تعالی حاجتی خواهد اگر بعوض آن صلوة فرستد
حاجتش اجابت شود و ثواب آن صلوة نیز داشته باشد کسی بحضرت
امام جعفر صادق ع گفت چون از خانه کعبه بیرون آمدم دعائی بخاطرم نرسید
غیر صلوة بر پیغمبر ص فرمود که هیچکس بخوبی تو بیرون نیامده و هر کس در صلوة بر آنحضرت
آلش را با او شریک گرداند درهای آسمان گشوده شود و گناهانش مثل برگ
از درخت بریزد و ملائکه هفتاد صلوة بر او فرستند و خدای تعالی فرماید
اگر شما هفتاد صلوة بر بندهٔ من فرستادید من هفتصد صلوة بر او فرستم و اگر
بر آلش صلوة نفرستد بوی بهشت را نشنود و حال آنکه بوی بهشت را
از پانصد ساله راه توان شنید و میان او و آسمان هفتاد حجاب نصب شود
و خدای تعالی فرماید که ای ملائکه دعای این بنده را بالا میارید تا بر عترت
پیغمبر من صلوة نفرستد و مرویست که هر کس بگوید صلی الله علی محمد
و علی اهل بیته هزار حسنه نوشته شود و فضایل دیگر برای صلوات و بعضی
صلوات مخصوصه در مباحث تعقیب و اعمال جمعه و غیر آن گذشت

فصل

در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام

که دعا افضل عبادت است و خدای تعالی هیچ چیز را دوست تر از آن ندارد که بنده
از او مسئلت حاجت کند و هیچ چیز را بدتر از آن ندارد که بنده استکبار نماید
و ترک مسئلت نماید و در قرآن مجید فرموده اگر نه این بود که شما دعا میکنید
خدا هیچ اعتنا بشما نمیکرد و دعا سلاح مومن و عمود دین و نور سموات و ارض است
و قضای مبرم بدعا رد میشود و تاثیر دعا در قضای حاجت بیشتر است
از تاثیر سنان در گوشت از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که دو کس
با هم شروع در نماز کردند و با هم فارغ شدند یکی دعا بیشتر کرد و دیگری
قراءت فرمود آنکه دعا بیشتر کرده افضل است ع هر بلیه که بر کسی نازل شود
و خدای تعالی در دلش اندازد که دعا کند آن بلیه زود زایل گردد و اگر در
دعا تاخیر شود بلیه بطول کشد و چون بنده دست بدعا بردارد خدا را شرم
آید که آنرا خالی رد کند و دعا یا مثل حسنه که پنهانی کنند هفتاد مثل است
که علانیه

فصل پنجم در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام متعلق بآن در اسباب اجابت دعا

مرویست از اهل بیت طاهرین که جمعی بخدمت یکی از ائمه طاهرین رفتند گفتند یابن
رسول الله خدای تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت کنم و ما دعا میکنیم و مستجاب
نمیشود فرمود دلهای شما بسبب ده چیز مرده است دعوی خداشناسی میکنید

و اطاعت خدا نمیکنید و قران میخوانید و عمل بآن نمیکنید و دعوی عداوت شیطان
میکنید و پیروی اش میکنید و دعوی محبت بهشت میکنید و برای آن سعی نمیکنید
و دعوی خوف دوزخ میکنید و خود را در آن می افکنید و مشغول عیوب دیگران
می شوید و از عیوب خود چشم می پوشید و دعوی بغض دنیا میکنید و دست
از آن نمی کشید و اقرار بموت میکنید و تهیه این سفر نمیکنید و اموات خود را
دفن میکنید و از آن عبرت نمیگیرید از اینست که دعای شما مستجاب نمیشود
و در روایت دیگر آمده که کسب خود را اصلاح کنید تا دعای شما مستجاب شود که چون
کسی یک لقمه حرام خورد چهل روز دعایش مستجاب نشود و خدای تعالی فرموده
دعای هیچکس از من محجوب نماند مگر کسیکه لقمه حرام خورده و اجابت نکنم دعای
کسی را که مظلمه یکی از بندگان من پیش او باشد و تا رد آن مظلمه نکند داخل
خانه من نشود و مادامی که در نماز باشد او را لعنت کنم و کسی از بنی اسرائیل
سه سال دعا کرد مستجاب نشد آخر مناجات کرده گفت خدایا آیا من از تو
دورم که آوازم نمیرسد یا نزدیکی و اجابت نمیکنی خدای تعالی کسی را
فرستاده باو گفت با زبانی فحاش و دلی آلوده بشرک و نیتی مغشوش
دعا میکنی مستجاب نمیشود و نیز مرویست که با تقوی و نیکی آنقدر دعا کافیست

کرمک در طعام **دوم** اوقات مخصوصه که دعا را در آن غنیمت باید دانست و فرصت
باید شمرد از انجمله وقت زوال هر روز خصوصاً در روز جمعه تا وقتیکه امام
از منبر فرود آید و ساعت آخر روز جمعه و تمام شب جمعه و از نصف آخر هر شب
تا ثلث آخر شب درین ساعت هیچ مومنی دعا نکند مگر آنکه البته مستجاب شود
و وقت سحر تا طلوع آفتاب درین ساعت درهای آسمان گشوده شود و وقت
سحر تا طلوع آفتاب درین ساعت درهای آسمان گشوده شود و رزق مردم
قسمت کرده و حاجتهای عظیم مستجاب شود و میان اذان و اقامت و بعد از هر فریضه
خصوصاً بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب و در قنوت نماز وتر و بعد از تلاوت
قرآن و وقت وزیدن باد و نزول باران و غیر آن از اوقات که بعضی سابقاً
گذشته و بعضی نیز در مقام خود انشاء الله بیاید **سوم** اموری چند که در حال
اشتغال به دعا و بعد از فراغ رعایت باید نمود از انجمله وضو یا غسل داشتن
و جامهای پاک پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و صدقه دادن هر قدر
که مقدور باشد و مکانی متبرک مثل مسجد یا غیر آن اختیار کردن و دست
بجانب آسمان برداشتن که خدای تعالی کریمست شرم دارد که دست مومن را خالی
رد کند و حاجت را بخصوص نام بردن که خدا را خوش آید اگرچه حاجت همه کس را میداند

و در دعا اجتماع نمودن که هرگز چهل مومن در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه البته مستجاب شود
و اگر چهل کس نباشد یک کس چهل مرتبه دعا کند و روایت دیگر آمده که هرگز چهار
مومن در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه باجابت مقرون شود و کسیکه آمین گوید در
دعا شریک باشد و از جمله آداب اینکه ابتدا بمدح و ثنای خدای تعالی کند کسی
بحضرت امام جعفر صادق ع معروض داشت که خدای تعالی فرموده دعا کنید
که من اجابت می کنم ما دعا می کنیم و مستجاب نمیشود فرمود گمان داری که خدای تعالی
خلاف وعده کند گفت نه فرمود پس چرا مستجاب نمیشود گفت نمیدانم فرمود کسیکه
اطاعت امر خدا کند و از راهی که می باید دعا کند البته مستجاب میشود گفت
راهش کدام است فرمود اول حمد خدا و ذکر نعمتهای او کند و خدا را بر آن شکر
کند پس صلوات بر پیغمبر ص و آلش فرستد گناهان خود را مذکور سازد و اقرار
بآن و استغفار از آن کند بعد از آن حاجت بخواهد مستجاب شود و شاید اسباب
توسل جستن است بحضرت پیغمبر ص و آلش صلی الله علیهم اجمعین مرویست که کسی
هفتاد خریف در دوزخ بماند بعد از آن مناجات نموده گوید خدایا
بحق محمد و اهل بیتش که بر من رحم کن پس خدای تعالی جبرئیل ع را فرماید که او را
از آتش بیرون آرد و گوید بعزت خودم که اگر بحق ایشان سوال میکردی بسیاری

در آتش میاندازی اما من بر خود واجب گردانیده ام که هر کس بحق ایشان سؤال کند
اجابت فرمایم و این مضمون در احادیث بسیار آمده و مرویست که هر دعا از
آسمان محجوبست تا صلوات بر آن حضرت و آل او فرستند و نیز مرویست که
صلوة بر ایشان رد نشود پس چون در اول و آخر دعا صلوة فرستند
خدا را شرم آید که اول و آخر را قبول فرماید و میان را رد کند و از جمله آداب
اینست که دعا را عام کند و دیگران را در آنچه می طلبد با خود شریک گرداند
بلکه ایشان را مقدم دارد که برای ایشان و برای خودش هر دو مستجاب شود
بعضی از علما درین معنی نکته گفته اند که ذکرش مناسب مقامست اینکه خدای تعالی
بندگان خود را نهی فرمود که چون چند جنس را با هم بیک صیغه بیع کنند
بعضی را نگاه دارند و بعضی را رد نمایند و دعا برای مؤمن غائبانه
البته مستجابست چنانکه بیاید پس چون کسی خود را با دیگری در دعا جمع
کند لایق بجلال آنجناب نبود که چیزی که بندگان را منع کند خود آن بکند
و از جمله اسباب اینکه در وقت دعا دل خبردار و رقیق و محزون باشد
که دعای دل غافل و سخت و فرحناک مستجاب نشود و خدای تعالی دل محزون را
دوست دارد و چشم گریان باشد و اگر گریه نیاید سعی کند و خود را بگریه

دارد و چون اشک آید دعا را غنیمت باید دانست اگرچه بقدر سر مگسی باشد که
خدای تعالی چشم گریان را دوست دارد و بگریه یک کس بر امتی رحم فرماید و از
جمله آنکه از روی ادب و انصاف سؤال کند مثلا رتبه انبیا سؤال نکند و چیزی که
از حوصله و مرتبه او بیرون است طمع نکند که مستحق حرمان شود و از جمله اینکه اطمینان
و حسن ظن باجابت داشته باشد که خدا پیش ظن بنده مؤمنست هرچه گمان نیک
داشته باشد چنان کند و مرویست که چون دعا کردی حاجت را بر در خانه
دان و از جمله اینکه پیش از وقت در حال عافیت و رفاهیت همیشه دعا میکرده
باشد تا چون در بلیه و شدت دعا کند مستجاب شود و از آسمان محجوب
نماند و گرنه ملائکه که بر اجابت دعوات موکلند گویند این چه آوازیست
که نمی شناسیم و این کیست و پیش ازین کجا بود که بدرگاه الهی رجوع
نمی نمود و از جمله این که در آخر دعا بگوید ما شاء الله لا حول و لا
قوة الا بالله که خدای تعالی فرماید ای ملائکه این بنده مرا دریابید و اعانت
کنید و حاجتش را برآرید که کارهای خود را بمن واگذاشت و تسلیم کرد و اعتراف
نمود که هیچکس غیر من اجابت حاجتش نمیتوانند و چون از دعا فارغ شود هر دو
دست بر سر و رو و در روایت دیگر بر رو و سینه بمالد که دست بدعا برخاسته

از رحمت خالی نباشد و از جمله اینکه در دعا الحاح کند که خدا را خوش آید
و البته اجابت فرماید و نیز مرویست که بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی
از و اعراض کند باز دعا کند و اعراض فرماید پس در مرتبهٔ چهارم و بروایتی دیگر
در مرتبهٔ سیم فرماید ای ملائکه بندهٔ من مکرر دعا کرد و اعراض نمودم همان دعا
میکند میداند که گناهش را غیر من کسی نیامرزد گواه باشید که او را آمرزیدم
و اگر در اجابت تأخیر شود مأیوس و نومید نباید شد که خدای تعالی فرموده از
رحمت من نومید نباشند مگر کفار و گمراهان و بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی
برای آنکه دعا و مناجات او را دوست دارد در اجابت تأخیر فرماید تا بیشتر
دعا و تضرع کند و دعای مؤمن البته اجابت شود و اگر در آنچه خواسته
مصلحت باشد همان را اعطا کند و اگر بلیه مقدر باشد که رفع آن ضرورتر بود
و خود از آن خبر ندارد آن را رفع فرماید و اگر هیچ کدام نباشد در بهشت
اضعاف مضاعف عوض دهد و در روایت دیگر آمده که اگر در آنچه خواسته
مصلحت نباشد کفارهٔ گناهانش شود و اگر دعا زود مستجاب شود مشعوف
و مغرور نباید گشت که شاید استدراج باشد چنانکه در باب اول گذشت
و بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی برای این که آواز او را بد دارد

زود اجابت فرماید تا الحاح او را نه بیند بلکه اگر زود دست شود شکر و حمد و اگر دیر
شود صبر و توکل باید کرد و در هر حال تضرع و انابت و تملق و الحاح باید نمود

فصل ششم در ذکر جمعیکه دعاشان مستجاب شود و جمعیکه دعاشان مستجاب نشود مرویست
از اهل بیت طاهرین که چند کس اند که دعاشان مستجاب شود اهل حج و عمره و جهاد
پس مترصد احوال عیال ایشان باشید و سعی در حوائج ایشان نمائید و مریض
پس او را مرنجانید و امام عادل و ولد صالح برای والدین و والد صالح برای ولد
و صائم تا وقتی که افطار کند و مؤمنی که برای مؤمنی غایبانه دعا کند مرویست که
هیچ دعا بسرعت اجابت این دعا نیست چون کسی مؤمنی را غایبانه ذکر خیر و دعا کند
ملائکه گویند چه خوب برادری تو که برادر خود را غایبانه مدح و دعا میکنی خدای تعالی
دو برابر آن ترا عطا کند و دو مثل آن ترا مدح فرماید و اگر دعای بد و ذکر شر کند
گویند چه بد برادری تو بر خود رحم کن و ترک این گفتگو کن و نیز مرویست که دعای
مؤمن برای خود یک دعاست و چون برای مؤمنی غایبانه دعا کند از آسمان اول
ملکی ندا کند که صد هزار مثل آن ترا باشد و از آسمان دوم ندا کنند که ترا دویست
هزار مثل آن بود و همچنین تا آسمان هفتم صد هزار هزار بیفزایند بعد از آن خدای تعالی
فرماید منم غنی که هرگز فقیر نشوم ترا هزار هزار مثل آن عطا فرمایم و دعای مظلوم

بر ظالم که خدای تعالی فرماید دعایش را بر بالای بیارید تا اجابت فرمایم و گوید بعزتم
تو بکشم اگرچه بعد از مدتی باشد و دعای والدین بر والد که برنده ترست از شمشیر
و چند کس اند که دعاشان مستجاب نشود کسیکه دست از کسب و سعی کشیده باشد در
خانه نشیند و دعا کند خدای تعالی فرماید من راه سعی و تحصیل برای تو گشوده ام راه
سر کن و سعی نمای تا حاجت برآرم و کسیکه خدای تعالی مالی باو داده باشد
و او در باطل صرف کرده چون دعا کند فرماید روزیت دادم و ضایع
کردی و کسیکه زن یا بنده یا همسایه را نفرین کند فرماید راه خلاصی نمودم
زنرا طلاق گوی و بنده را بفروش و از جوار همسایه نقل کن و کسیکه بی شاهد
و بینه بکسی قرض دهد فرماید بایست که شاهد و بینه بگیری تا مالت ضایع
نشود و کسیکه از زیر دیوار شکسته بشتاب برود یا در مهلکه احتیاط نکند
فرماید گفته بودم که خود را در مهلکه میفکن [illegible] نکردی **فصل هفتم در فضایل
دعا برای مؤمنان** مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر مومن که برای مؤمنین
و مومنات و مسلمین و مسلمات احیا و اموات ایشان دعا کند خدای تعالی
بعدد هر مؤمن و مومنه از اول دنیا تا آخر دنیا حسنه برایش ثبت کنند و بعدد
هر کس مثل آنچه دعا کرده باو عطا فرماید و اگر روز قیامت او را بدوزخ امر کند

دمی کشیده

ومی کشیده باشند تا بدوزخ برند مومنین و مومنات اجتماع نموده گویند خدایا
این کس در دنیا ما را دعا میکرد امروز ما را شفیع او گردان خدای تعالی شفاعت
ایشانرا قبول فرماید و او را نجات دهد و هر کس هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید اللّهم
اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات بعدد هر مومنی که گذشته
و آینده تا روز قیامت برایش حسنه ثبت کنند و سیئه محو نمایند و درجه بلند گردانند
فصل هشتم در ذکر بعضی ادعیه و وسایل حاجات مرویست که کسی بخدمت حضرت امیر
المومنین صلوات الله علیه شکایت نمود که اجابت دعایم دیر میشود فرمود چرا
دعای سریع الاجابه نمیخوانی گفت کدامست دعای سریع الاجابه فرمود اینست

اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ العَظیمِ الاَعْظَمِ الاَجَلِّ الاَکْرَمِ المَخْزونِ
المَکْنونِ النّورِ الحَقِّ البُرْهانِ المُبینِ الَّذی هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَنُورٌ
مِنْ نُورٍ وَنُورٌ فی نُورٍ وَنُورٌ عَلی نُورٍ وَنُورٌ فَوْقَ کُلِّ نُورٍ وَنُورٌ
عَلی کُلِّ نُورٍ وَنُورٌ تُضیءُ بِهِ کُلُّ ظُلْمَةٍ وَیُکْسَرُ بِهِ کُلُّ شِدَّةٍ
وَکُلُّ شَیْطانٍ مَریدٍ وَکُلُّ جَبّارٍ عَنیدٍ وَلا تَقِرُّ بِهِ اَرْضٌ
وَلا تَقُومُ بِهِ سَماءٌ وَیَأْمَنُ بِهِ کُلُّ خائِفٍ وَیَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ کُلِّ ساحِرٍ
وَبَغْیُ کُلِّ باغٍ وَحَسَدُ کُلِّ حاسِدٍ وَیَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ البَرُّ وَالبَحْرُ

وَيَسْتَقِلُّ بِهِ الفُلْكُ حِينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ المَلَكُ فَلا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ
عَلى سَبِيلٍ وَهُوَ اسْمُكَ الأَعْظَمُ الأَعْظَمُ الأَجَلُّ الأَجَلُّ النُّورُ
الأَكْبَرُ الَّذِي بِهِ سَمَّيْتَ نَفْسَكَ وَاسْتَوَيْتَ عَلى عَرْشِكَ وَأَتَوَجَّهُ
إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ بِكَ وَبِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ و حاجتی که دارد طلب نماید مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که چون کسی را حاجتی رو دهد پناه بحضرت پیغمبر برده غسل کند و دو رکعت نماز گزارد
و مثل نماز فریضه افتتاح کند و تشهد خواند و بعد از سلام ثواب آن را بروح مقدس
آنحضرت هدیه نموده بگوید أَنْتَ السَّلامُ وَمِنْكَ السَّلامُ وَإِلَيْكَ
يَرْجِعُ السَّلامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ
مِنِّي السَّلامَ وَأَرْواحَ الأَئِمَّةِ الصّادِقِينَ سَلامِي وَارْدُدْ
عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
اللَّهُمَّ إِنَّ هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَثِبْنِي عَلَيْهِما ما أَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ فِيكَ وَفِي
رَسُولِ اللهِ يا وَلِيَّ المُؤْمِنِينَ بعد از آن سجده کند و چهل مرتبه بگوید
يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا حَيُّ لا يَمُوتُ يا حَيُّ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ يا ذَا الجَلالِ

والاکرام

وَالإِكْرامِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ بعد از آن روی راست را بگذارد و همین را چهل
بگوید و بعد از آن روی چپ را بگذارد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن سر بردارد
دست بر هوا دارد و چهل مرتبه بگوید و بعد از آن دست را تا بگردن بیارد و چهل
مرتبه بگوید و بعد از آن محاسن را بدست گرفته گریه کنان و اگر گریه نیاید خود را
چنان ساخته بگوید يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللهِ أَشْكُو إِلَى اللهِ وَإِلَيْكَ
حاجَتِي وَإِلى أَهْلِ بَيْتِكَ الرّاشِدِينَ حاجَتِي وَبِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللهِ
فِي حاجَتِي و بعد از آن سجده کند و بگوید يا اللهُ يا اللهُ تا نفس یک شود
صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ حاجَتِي و حاجت بخواهد من ضامنم که هنوز
از جای خود برنخاسته باشد که حاجتش برآورده شود و هم از آنحضرت مرویست
که فرمود شما را چون مرضی عارض شود بطبیب رجوع کنید و تکلفات می نمائید
و چون حاجتی باشد بخانه سلاطین روید و بملازمان ایشان رشوه‌ها دهید
پس اگر مرضی یا حاجتی باشد چه سانح شود پناه بخدای تعالی برده طهارت
بسازید و چیزی تصدق کنید هر چه مقدور شود و بمسجد رفته دو رکعت نماز
گزارید و بعد از آن حمد و ثنای خدا کنید و صلوة بر پیغمبر و اهل بیتش فرستید و حاجت
خود طلب کنید البته مستجاب شود و این همه است که بر خدای تعالی و جلت اجابت آن

وهم از آنحضرت مرویست که هر کس را شدتی و حاجتی باشد غسل کند و دو رکعت
نماز گزارد و پس دست راست را بر زیر روی راست گرفته بخواند و بگوید یا معز
كُلِّ ذَلِيلٍ وَيَا مُذِلَّ كُلِّ عَزِيزٍ وَحَقِّكَ لَقَدْ شَقَّ عَلَيَّ كَذَا
و حاجت خود ذکر کند مستجاب شود و از حضرت صاحب الزمان مرویست که هر کس را
حاجتی باشد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و بمصلای خود رفته دو رکعت نماز
گزارد و در هر رکعت الحمد بخواند و چون به ایاک نعبد و ایاک نستعین رسد این آیه را
صد مرتبه تکرار کند و در مرتبه آخر سوره را تمام کند و بعد از ان قل هو الله
احد بخواند و تسبیح رکوع و سجود را هفت هفت بگوید و چون سلام دهد بگوید
اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ
لَكَ مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ وَسُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ سُبْحَانَ
مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَقَدْ أَطَعْتُكَ
فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا
وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا مَنًّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنًّا مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ
وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَالْخُرُوجِ عَنْ
عُبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي



الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي
غَيْرَ ظَالِمٍ بِي وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ يَا كَرِيمُ
يَا كَرِيمُ تا نفس منقطع شود يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفُ كُلِّ
شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا
لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا
أَخَافَ وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِيَ إِبْرَاهِيمَ نُمْرُودَ يَا كَافِيَ
مُوسَى فِرْعَوْنَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و کسیکه از و خوف داشته باشی نام ببرد بعد از ان
سجده کند و از روی تضرع حاجت بطلبد که هیچ مؤمن و مؤمنه باین طریق عمل
نکند مگر آنکه درهای آسمان برای حاجتش گشوده شود و همان وقت مستجاب شود
هر چه طلب کند بعد از ان فرمود و این از فضل خداست بر ما و شیعیان ما و هر کس در یک مجلس
هزار مرتبه بگوید ما شاء الله توفیق حج یابد مرویست که ابو القمقام مردی بوده مبتلا به
هرگز بکاری نمیرفته که از ان خیر ببیند بحضرت امام موسی شکایت کرد فرمود بعد از نماز
صبح ده مرتبه بگوی سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ

گوید اندک زمانی پیش گذشت که از جائی که هیچ گمان نداشتم خدای تعالی مرا غنی
گردانید یکی از اصحاب حضرت پیغمبر مدتی بخدمت آنحضرت نرفت بعد از آنکه رفت
پرسید چه مانعست که پیش ما نمی آئی گفت بیماری و پریشانی فرمود این کلمات را
بگوی که هر دو زایل شود لا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الحی
الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا کسی از حضرت امام جعفر صادق ع دعائی خواست
برای وسعت رزق فرمود بگوی اللهم ارزقنی من فضلک الواسع
الحلال الطیب رزقا واسعا حلالا طیبا بلاغا للدنیا
والآخرة صبا صبا هنیئا مریئا من غیر کد ولا من
من احد من خلقک الا سعة من فضلک الواسع فانک قلت
واسألوا الله من فضله فمن فضلک اسأل ومن عطیتک
اسأل ومن یدک الملأی اسأل راوی گوید برای این مطلب هیچ
چیز مثل این دعا ندیدم و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بحضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه گفت برای ادای دین بگوی اللهم اغننی بحلالک
عن حرامک وبفضلک عمن سواک اگر مثل کوه صبیر دین داشته

باشد

باشد ادا شود و صبیر کوهیست در یمن که در بلاد عظم از آن کوهی نیست
و هم آنحضرت بدیگری فرموده دو رکعت نماز بگزار بعد از آن آیة الملک
بخوان بعد از آن بگوی یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما
تعطی منهما ما تشاء وتمنع منهما ما تشاء اقض عنی دینی
که اگر مثل روی زمین طلا داشته باشد ادا شود و کسی بحضرت امام جعفر
صادق ع شکایت نمود که دین چند بر مردم دارم و وصول نمیشود فرمود
بگوی اللهم لحظة من لحظاتک تیسر علی غرمائی بها
القضاء وتیسر لی بها الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر
و هم از آنحضرت ع مرویست که هر کس دو ماه متوالی هر روز چهارصد مرتبه بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم
بدیع السموات والارض ذا الجلال والاکرام لجمیع ظلمی
وجرمی واسرافی علی نفسی واتوب الیه خدای تعالی مال بسیار یا علم
بسیار عطا فرماید و هم از آنحضرت مرویست که هر کس مهمی برو تنگ شود
یا حاجتی از حوایج دنیا و آخرت داشته باشد این رقعه را بر کاغذی سفید
بنویسد چنانکه اسما همه در یک سطر باشد و وقت طلوع آفتاب در آب جاری اندازد بدین شکل

بسم الله الرحمن الرحیم الملك الحق الجلیل المبین من العبد الذلیل
الی المولی الجلیل سلام علی محمد وعلی والحسن والحسین وعلی
ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والقائم
سیدنا ومولانا صلوات الله علیهم ربّ انّی مسّنی الضرّ
والخوف فاکشف ضرّی وآمن خوفی بحق محمد وآل محمد وکل
نبی ووصی وصدیق وشهید ان تصلی علی محمد وآل محمد
یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا سادتی بالشأن الذی لکم عند الله
فان لکم عند شأنا من الشأن فقد مسّنی الضرّ یا سادتی
والله ارحم الراحمین فافعل بی یا ربّ کذا وکذا

وهم از آنحضرت مرویست که هر پیغمبری با اهل بیت خود دعائی مستجاب عطا نموده
پیغمبر ما محمد صلی الله علیه وآله دو دعای مستجاب بما عطا فرموده یکی برای شداید
امور و آن اینست یا دائما لم یزل یا الهی واله آبائی یا حیّ یا
قیوم صلّ علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا دوم برای حوائج وقضای

دین و آن اینست یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء یا الله
یا ربّ صلّ علی محمد وآله واقض عنی دینی وافعل بی کذا وکذا
مرویست که چون کسی را حاجتی باشد بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
پناه برده این عریضه نوشته بر قبر یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام بگذارد
و یا بپیچد و سرش را مختوم ساخته در گلی پاک گرفته در نهر یا چاهی عمیق یا آب
بسیاری بیندازد که بعرض حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه میرسد
و آنحضرت خود متوجه قضای آن میشود بسم الله الرحمن الرحیم کتبت یا مولای
صلوات الله علیك مستغیثا وشکوت ما نزل بی مستجیرا بالله
عز وجل ثم بك من امر قد دهمنی وشغل قلبی واطال فکری وسلبنی
بعض لبی وغیر خطیر نعمة الله عندی واسلمنی عند تخیل ورود
الخایل وتبرأ منی عند ترائی اقباله الیّ الحمیم وعجزت عن دفاعه
حیلتی وخاننی فی تحمله صبری وقوتی فلجأت فیه الیك و
توکلت فی المسألة لله جل ثناؤه علیه وعلیك فی دفاعه عنی
علما بمکانك من الله رب العالمین ولی التدبیر ومالك الامور
واثقا بك فی المسارعة فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری

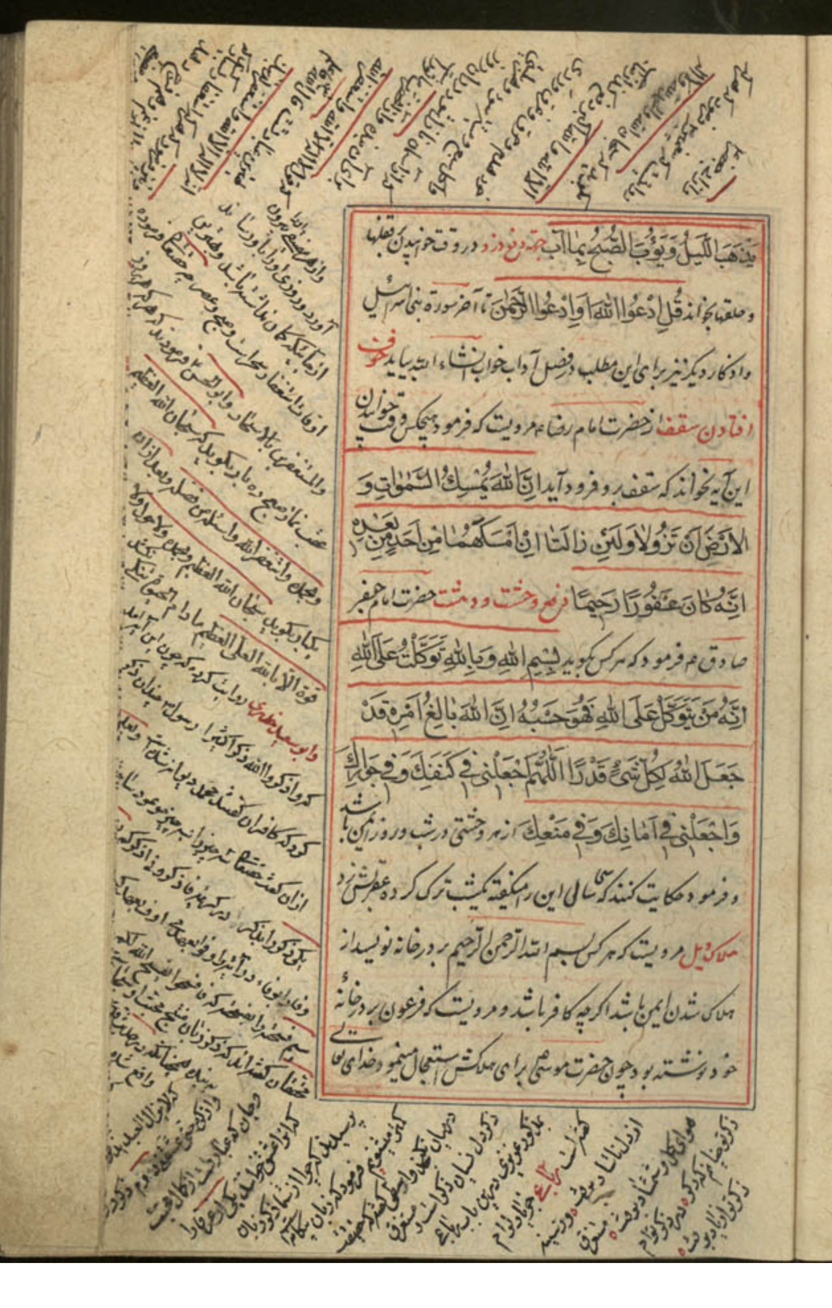
مستغیثا
واشتکو

مُتَيَقِّنًا الاجابة تبارك وتعالى اياك باعطائى سؤلى وانت
يا مولاى جدير بتحقيق ظنى وتصديق املى فيك فى امرى كذا وكذا
وحاجت را بنويسد وبعد از ان بنويسد فيما لا طاقة لى بحمله ولا صبر لى عليه
وان كنت مستحقا له ولاضعافه بقبيح افعالى وتفريطى
فى الواجبات التى على لله تعالى فاغثنى يا مولاى صلوات الله
عليك عند اللهف وقدم المسئلة لله عز وجل فى امرى
قبل حلول التلف وشماتة الاعداء فبك بسطت النعمة
على واسال الله جل جلاله لى نصرا عزيزا وفتحا قريبا
فيه بلوغ الامال وخير المبادى وخواتم الاعمال والامن
من المخاوف كلها فى كل حال انه جل ثناؤه لما يشاء فعال
وهو حسبى ونعم الوكيل فى المبداء والمآل ودر وقت ادا حسن
عريضه يكى از نائبان آنحضرت صلوات الله عليه كه در زمان غيبت صغرى
بوده اند كه عثمان بن سعد عمرى يا پسرش محمد بن عثمان يا حسين بن يا على بن
محمد باشند متوسل شده بگويد يا فلان بن فلان سلام عليك اشهد
ان وفاتك فى سبيل الله وانك حى عند الله مرزوق وقد

خاطبتك فى حياتك عند الله عز وجل وهذه رقعتى وحاجتى
الى مولانا عليه السلام فسلمها اليه فانت الثقة الامين
وبعد از ان عريضه را بيفكند كه ان شاء الله بر آورده شود دوم از آنحضرت
صلوات الله عليه مرويست كه چون خواهى براى مطلبى حاجتى بكسى نامه يا رقعه
نويسى اول با قلم بى مداد بر سر نامه بنويس اين را كه بسم الله الرحمن الرحيم
ان الله وعد الصابرين المخرج مما يكرهون والرزق من حيث
لا يحتسبون جعلنا الله واياكم من الذين لا خوف عليهم ولا هم
يحزنون راوى گويد بعد از آنكه اين حديث شنيدم هر گز براى مطلبى نامه ننوشتم
مگر آنكه باجابت مقرون گشت **فصل نهم در تعويذ وحرز از مخاوف ومكاره**
از جمله وسايل بسيار مرويه از اهل بيت اطهار صلوات الله عليهم درين باب
چند چيز كه اهم باشد ان شاء الله بيان كنيم **خوف از سلاطين** كسى بحضرت امام جعفر
صادق عرض داشت كه سلطان مرا طلبيده ومن انديشه دارم فرمود چون
از خانه بيرون ميروى قل هو الله احد از پيش ودو جانب راست وجانب
چپ وپشت سر وبالاى سر وزير پا بخوان كه در ارز حصار تست براى تو
از سلطان وشيطان ونيز مرويست كه چون بسلاطين ملاقات كنيد [illegible]

آهسته بگوید خیرک بین عینیک وشرک تحت قدمیک وبالله
استعین علیک اللهم اکفنیه بما شئت فانه لا قوة الا بک
چون از غضب ایشان ترسد بگوید اطفأت غضبک بلا اله الا
هو حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش
العظیم وچون نظر بر ایشان افتد سه مرتبه قل هو الله احد بخواند وباد
چپ انگشت بشمرد تا وقتیکه از انجا بیرون آید مکرر میخوانده باشد ونیز مرویست
که کسی را سلطان بعتاب طلبید حضرت امام جعفر صادق ع قدری تربت
مقدس امام حسین ع فرستاد و فرمود باو برسانید که امانست از هر خوف
ونیز آنحضرت از در خانه سلطان میگذشت دید که کسی را عقوبت کرده
بیرون آمد فرمود اگر انگشتر عقیق با خود میداشت از این حادثه ایمن میبود
خوف از اعدا حضرت امام زین العابدین ع فرموده اگر تمام جن وانس بر من
جمع شوند چون این کلمات بگویم هیچ باک نداشته باشم بسم الله
وبالله ومن الله والی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله
اللهم الیک اسلمت نفسی والیک وجهت وجهی والیک الجأت
ظهری والیک فوضت امری اللهم احفظنی بحفظ الایمان

من بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی
ومن تحتی وما قبلی وادفع عنی بحولک وقوتک فانه لا حول
ولا قوة الا بک **ونیز حضرت امام موسی کاظم ع** فرمود که جدم امیر المؤمنین
صلوات الله علیه چون این دعا میخواند بر هیچ لشکری حمله میکرد مگر آنکه
منهزم میساخت واین دعا کفایت بلایات است اللهم بک اساور وبک
اجاور وبک اصول وبک انتصر وبک اموت وبک احیی
واسلمت نفسی الیک وفوضت امری الیک لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم اللهم انک خلقتنی ورزقتنی وستر
تنی عن العباد بلطف ما خولتنی واعنتنی اذا عثرت
فوضتنی واذا مرضت شفیتنی واذا دعوت اجبتنی یا سیدی
ارض عنی فقد ارضیتنی **خوف از سباع وکلاب بگوید** وقل للذین
آمنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله لیجزی قوما بما
کانوا یکسبون واذا قرأت القرآن جعلنا بینک وبین الذین
لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان یروا کل آیة لا یؤمنوا



بِهَا حَتّیٰ اِذَا جَاؤُكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا اِنْ هٰذَا اِلَّا
اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ **خوف از سبع** از حضرت امام جعفر صادق مرویست که چون
بسبع رسی و ملاقات کنی در روی‌اش آیة الکرسی بخوان و بگوی عَزَمْتُ
لَكَ بِعَزِيمَةِ اللهِ وَعَزِيمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَزِيمَةِ
سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَعَزِيمَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ وَالْاَئِمَّةِ
مِنْ بَعْدِهِ که انشاء الله رو گردانیده برود و راوی گوید چون بیرون
آمدم سبعی رو بمن کرد این عزیمت را خواندم و بعد از ان گفتم اِلَّا تَنَحَّيْتَ
عَنْ طَرِيقِنَا پس دیدم که سر بزیر افکنده دم بمیان پا گرفته رو گردانید و ضرر
نرسانید **جهة عقرب و سایر گزندگان** حضرت امام محمد باقر فرمود که هر کس وقت
شام بگوید اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ
وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ
بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ من ضامنم که هیچ گزنده او را
نگزد تا صبح دیگر **و نیز مرویست که** دو چوبا از هوام و گزندگان او دفع کند
دفع کیک و قت خوابیدن بگوید اَيُّهَا الْاَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلْقًا
وَلَا بَابًا عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِاُمِّ الْكِتَابِ اَنْ لَا تُؤْذِيَنِي وَاَصْحَابِي اِلَى اَنْ



فرمود تو بکفرش نظر میکنی و من با آنچه بر در خانه‌اش نوشته جهت جمیع مکروهات

از حضرت امام رضا ع مرویست که هر کس در ایام طفولیت هر شب مرتبه

قل اعوذ برب الفلق و سه مرتبه قل اعوذ برب الناس و صد مرتبه قل هو الله

احد و اگر نتواند پنجاه مرتبه بخواند یا دیگری برای او بخواند از جمیع امراض

صبیان و آسیب جنّه و عطاش که علتیست که چون عارض شود صاحبش

هر آینه هر چند آب خورد سیر نشود و از فساد معده و غلبه خون محفوظ

گردد و مادام که باین مداومت کند تا آنکه از دنیا برود جهت دفع حوادث

از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود چون جیش حضرت

پیغمبر صلی الله منهزم گشت خدای تعالی این کلمات را فرستاد که در سنان

نیزهٔ خود جا دهد و دیگر هرگز جیش آنحضرت را هزیمت روند او من

دوست میدارم که مومن این را در قائمه شمشیر یا در عمامهٔ خود داشته باشد

تا از حوادث لیل و نهار محفوظ باشد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یا هو یا من هو

هو یا من لیس هو الا هو یا حی یا قیوم یا حی لا یموت یا حی لا اله

الا انت صل علی محمد و آل محمد و کن لفلان بن فلان درعا

حصینا و حصنا منیعا یا رب العالمین وصلی الله علی محمد خاتم النبیین

و آله الطاهرین او عقیده و اذکار برای امراض و اوجاع در باب جوشن آینده باید

فصل دهم در بعضی ادعیهٔ متبرکهٔ ماثوره مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

که هر کس این دعا بخواند اگر ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند تا روز

قیامت ثواب آن نتوانند نوشت و گناهانش آمرزیده گردد و دلش از

ایمان پر شود و خدای تعالی فرماید ای ملائکه گواه باشید که او را و والدین

و برادران و خواهران و اهل بیت و اولاد او و همسایگانش همه را از آتش

آزاد کردانم و او را شفیع هزار کس گردانم که همه مستوجب دوزخ باشند

و هر یک از فقرات این دعا را فضلی عظیم روایت شده که ذکر همه آن

درین مختصر نگنجد یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لم

یؤاخذ بالجریرة ولم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن

التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب

کل نجوی یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا عظیم المن

یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا ربنا و یا سیدنا و

مولانا یا غایة رغبتنا اسئلک یا الله ان لا تشوه خلقی

بالنار دوم از آنحضرت مرویست که فرمود شبی بمعراج رفتم بر حجاب قدرت

این دعا نوشته دیدم هرکس بخواند درهای آسمان برایش کشوده شود وکناهان
او و والدین وهمسایکانش آمرزیده شود وخانه در بهشت از در یاقوت
بنا کنند وخیر دنیا و آخرت برایش جمع فرمایند واکر بمشک و زعفران
بنویسند وبمریض دهند شفا یابد واکر بر اطفال ببندند از مار وعقرب ومکاره
محفوظ باشند واکر کسی نوشته بیاشامد از اوجاع ایمن شود واکر برای
مطلبی بخوانند آسان شود واکر جن وانس وملائکه وهزار مثل ایشان
جمع شوند از اول دنیا تا آخر آن تا روز قیامت ثواب آن نتوانند نوشت

اللهم انی اسئلك یا من اقر له بالعبودیة کل معبود یا من
یحمده کل محمود یا من یفزع الیه کل مجهود یا من تطلب
عنده کل مفقود یا من سائله غیر مردود یا من بابه
عن سؤاله غیر مسدود یا من هو غیر موصوف ولا محدود
یا من عطاؤه غیر ممنوع ولا منکود یا من هو لمن دعاه
لیس ببعید وهو نعم المقصود یا من رجاء عباده بحبله
مشدود یا من لیس بوالد ولا مولود یا من شبهه ومثله
غیر موجود یا من کرمه وفضله غیر معدود یا من خیره

للانام مورود یا من لا یوصف بقیام ولا قعود یا من لا یجری
حرکة ولا جمود یا الله یا رحمن یا رحیم یا ودود یا راحم الشیخ
الکبیر یعقوب یا غافر ذنب داود یا من لا یخلف الوعد
ویعفو عن الموعود یا من رزقه وستره للعاصین ممدود
یا من هو ملجا کل مقصی مطرود یا من دان له جمیع بالجود
یا من لیس عن نیله وجوده احد مصدود یا من لا یحیف فی حکمه
ویحلم عن الظالم العنود ارحم عبیدا خاطئا لم یوف بالعهود
انك فعال لما یرید یا بار یا ودود صل علی محمد خیر مبعوث دعا
الی خیر معبود وعلی آله الطیبین الطاهرین اهل الکرم والجود
وافعل بنا ما انت اهله یا ارحم الراحمین وهم از آنحضرت مرویست
که هر کس این دعا بخواند اگر ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت
ثواب آنرا از هزار جزو یکی نتوانند بیان نمود واز عبدالله بن سلام مرویست
که بعضی از فضایل این دعا که در توریة مذکور است اینست که هرکس خدای تعالی
بفضل ومنت خود این کلمات را در دلش جا دهد هر روز دو مرتبه باو
بر ملائکه مباهات فرماید ونوری از عرش درخشان شود واز عذاب قبر وفتنه

دجال و فزع اکبر در روز قیامت ایمن گرداند و روز قیامت که همه کس
ترسان و محزون باشند او از خوف و حزن ایمن باشد و چون محشور شود
دلش ساکن و مطمئن باشد و هر مطلب که باین دعا سوال کند خدای تعالی عطا فرماید
و فضایل دیگر بسیار است که این رساله حوصله ذکر آن ندارد یا اللهُ یا اللهُ

یا اللهُ انتَ المرهوبُ منکَ جمیعُ خلقِکَ یا نورَ النورِ انتَ الذی
احتجبتَ دونَ خلقِکَ فلا یُدرِکُ نورَکَ نورٌ یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ
انتَ الرفیعُ الذی ارتفعتَ فوقَ عرشِکَ من فوقِ سمائِکَ فلا یصفُ
عظمتَکَ احدٌ من خلقِکَ یا نورَ النورِ قد استنارَ بنورِکَ اهلُ
سمائِکَ و استضاءَ بضوئِکَ اهلُ ارضِکَ یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ
انتَ الذی لا الهَ غیرُکَ تعالیتَ عن ان یکونَ لکَ شریکٌ و تعظّمتَ
عن ان یکونَ لکَ ولدٌ و تکرّمتَ عن ان یکونَ لکَ شبیهٌ و تجبّرتَ
عن ان یکونَ لکَ ضدٌّ فانتَ اللهُ المحمودُ بکلِّ لسانٍ و انتَ المعبودُ
فی کلِّ مکانٍ و انتَ المذکورُ فی کلِّ اوانٍ و زمانٍ یا نورَ النورِ
کلُّ نورٍ خامدٌ لنورِکَ یا ملیکُ کلُّ ملیکٍ یفنی غیرُکَ یا دائمُ
کلُّ حیٍّ یموتُ غیرُکَ یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ الرحمنُ الرحیمُ ارحمنی رحمةً

لُطفی بها غضبَکَ و تکفُّ بها عذابَکَ و ترزقُنی بها سعادةً من
عندِکَ و تحلّنی بها دارَکَ التی تسکنُها خیرتَکَ من خلقِکَ یا
ارحمَ الراحمینَ یا من اظهرَ الجمیلَ و سترَ القبیحَ یا من لم یؤاخذْ
بالجریرةِ و لم یهتکِ الستر یا عظیمَ العفوِ یا حسنَ التجاوزِ یا واسعَ
المغفرةِ یا باسطَ الیدینِ بالرحمةِ یا صاحبَ کلِّ نجوی یا منتهی کلِّ
شکوی یا مفرّجَ کلِّ کربةٍ یا مقیلَ العثراتِ یا کریمَ الصفحِ یا
عظیمَ المنِّ یا مبتدئاً بالنعمِ قبلَ استحقاقِها یا ربّاه یا سیّداه
یا مولاه یا غایةَ رغبتاه اسئلُکَ بکَ و بمحمدٍ و علیٍّ و فاطمةَ
و الحسنِ و الحسینِ و علیٍّ و محمدٍ و جعفرٍ و موسی و علیٍّ و محمدٍ و علیٍّ
و الحجةِ القائمِ ان تصلّیَ علی محمدٍ و آلِ محمدٍ و اسئلُکَ یا اللهُ یا
اللهُ یا اللهُ ان لا تشوّهَ خلقتی فی النارِ و ان تغفرَ لی و لوالدیَّ
برحمتِکَ یا ارحمَ الراحمینَ و ان تعطیَنی حیوةَ الدنیا و الآخرةِ انّکَ
علی کلِّ شیءٍ قدیرٌ و صلّی اللهُ علی محمدٍ و آلهِ و هم از آنحضرت مرویست که
هر کس این دعا بهر مطلب بخواند باذن الله تعالی برآورده شود و اگر چهل جمعه
بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر که بیامرزد و اگر پیش سلطانی

جابر رو و پیش را نکه داخل شود بخواند خدای تعالی سلطان را با او مشفق و مهربان
گرداند ان شاء الله تعالی اللّهمّ انّی اسئلك یا من احتجب بشعاع نوره
عن نواظر خلقه یا من تسربل بالجلال والعظمة واشتهر بالتجبّر
فی قدسه یا من تعالی بالجلال والکبریاء فی تفرّد مجده یا من انقا
دت الامور بازمّتها طوعًا لامره یا من قامت السّموات والارضون
مجیبات لدعوته یا من زیّن السّماء بالنّجوم الطّالعة وجعلها
هادیة لخلقه یا من انار القمر المنیر فی سواد اللّیل المظلم
بلطفه یا من انار الشّمس المنیرة وجعلها معاشًا للخلقة وجعلها
مفرّقة بین اللّیل والنّهار بعظمته یا من استوجب الشّکر بنشر
سحائب نعمه اسئلك بمعاقد العزّ من عرشك ومنتهی الرّحمة من
کتابك وبکلّ اسم هو لك سمّیت به نفسك او استأثرت به
فی علم الغیب عندك وبکلّ اسم هو لك انزلته فی کتابك او اثبتّه
فی قلوب الصّافّین الحافّین حول عرشك فتراجع القلوب الی
الصّدور عن البیان باخلاص الوحدانیّة وتحقیق الفردانیّة
مقرّة بالعبودیّة وانّك انت الله انت الله انت الله الّذی لا اله

الا

الّا انت واسئلك باسمائك الّتی تجلّیت بها للکلیم علی الجبل العظیم
فلمّا بدا شعاع نور الحجب من بهاء العظمة خرّت الجبال متدکدکة
لعظمتك وجلالك وهیبتك وخوفًا من سطوتك راهبة منك
فلا اله الّا انت واسئلك بالاسم الّذی فتقت به رتق عظیم
جفون عیون النّاظرین الّذی به تدبیر حکمتك وشواهد حجج انبیا
ئك یعرفونك بفطن القلوب وانت فی غوامض مسرّات سریرات
الغیوب اسئلك بعزّة ذلك الاسم ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد
وان تصرف عنّی جمیع الآفات والعاهات والاعراض والامراض
والخطایا والذّنوب والشّكّ والشّرك والکفر والنّفاق والشّقاق
والضّلالة والجهل والمقت والغضب والعسر والضّیق والفساد
وحلول النّقمة وشماتة الاعداء وغلبة الرّجال انّك سمیع
الدّعاء لطیف لما تشاء و هم از حضرت پیغمبر صلی الله مرویست که هر کس
بدعای امام حسین علیه السلام دعا کند با آنحضرت محشور شود و آنحضرت شفیعش
باشد و خدای تعالی کربتش را فرج دهد و دینش ادا کند و کارش آسان شود
و براه راستش هدایت فرماید و در وقت بیرون رفتن روح شهادت لا اله الا الله

نقیبش کند واین دعا را بعد از نماز باید خواند و هر کس بدعای علی بن الحسین دعا کند
با آنحضرت محشور شود و همچنین هر کس بدعای هر یک از ائمه طاهرین تا حضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیهم اجمعین دعا کند با او محشور شود و این ده دعا است منسوب بدوازده امام

اول اللهم انی اسئلک بکلماتک ومعاقد عرشک وسکان سمواتک
وارضک وانبیائک ورسلک ان تستجیب لی فقد رهقنی من
امری عسر فاسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی
من عسری یسرا دوم یا دائم یا دیموم یا حی یا قیوم یا کاشف
الغم یا فارج الهم یا باعث الرسل یا صادق الوعد صل علی
محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله سوم ان کان لی عندک
رضوان وود فاغفر لی ولمن اتبعنی من اخوانی وشیعتی وطیب
ما فی صلبی برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله
چهارم یا دیان غیر متوان یا ارحم الراحمین اجعل لشیعتی من النار
وقاء وعندک رضاء واغفر ذنوبهم ویسر امورهم واقض
دیونهم واستر عوراتهم وهب لهم الکبائر التی بینک وبینهم
یا من لا یخاف الضیم ولا تاخذه سنة ولا نوم اجعل

لشیعتی من کل غم فرجا ومخرجا پنجم یا خالق الخلق یا باسط
الرزق وفالق الحب وباری النسم ومحیی الموتی وممیت
الاحیاء ودائم الثبات ومخرج النبات افعل بی ما انت
اهله ولا تفعل بی ما انا اهله فانک اهل التقوی
واهل المغفرة ششم اللهم اعطنی الهدی وثبتنی علیه
امنا امن من لا خوف علیه ولا حزن ولا جزع انک اهل
التقوی واهل المغفرة هفتم یا من لا شبه له ولا مثال انت
الله لا اله الا انت ولا خالق الا انت تفنی المخلوقین وتبقی
انت حلمت عمن عصاک وفی المغفرة رضاک هشتم یا نور یا بر
هان یا مبین یا متین یا رب اکفنی شر الشرور وآفات
الدهور واسئلک النجاة یوم ینفخ فی الصور نهم یا عزیز
یا عزیزا فی عزه ما اعز عزیزا العزیز فی عزه یا عزیز اعزنی
بعزتک وایدنی بنصرک واطرد عنی همزات الشیاطین
وادفع عنی بدفعک وامنع عنی بمنعک واجعلنی من خیار
خلقک یا واحد یا احد یا فرد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد

ولم یکن له کفوا احد *دعا* یا نور النور یا مدبر الامور
یا باعث من فی القبور صل علی محمد وآل محمد واجعل لی
ولشیعتی من الضیق فرجا ومن الهم مخرجا واوسع لنا
المنهج واطلق لنا من عندك ما یفرج وافعل بنا ما انت
اهله یا کریم *ونیز این دعای جلیل القدر رفیع المنزله مرویست*
از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه اللهم ارزقنا توفیق
الطاعة وبعد المعصیة وصدق النیة وعرفان الحرمة
واکرمنا بالهدی والاستقامة وسدد السنتنا با
لصواب والحکمة واملأ قلوبنا بالعلم والمعرفة وطهر
بطوننا من الحرام والشبهة وکف ایدینا عن الظلم والسرقة
واغضض ابصارنا عن الفجور والخیانة واسدد اسما
عنا عن اللغو والغیبة وتفضل علی علمائنا بالزهد
والنصیحة وعلی المتعلمین بالجهد والرغبة وعلی المستمعین
بالاتباع والموعظة وعلی مرضی المسلمین بالشفاء والصحة
وعلی موتاهم بالرأفة والرحمة وعلی مشایخنا بالوقار

والسکینة

والسکینة وعلی الشباب بالانابة والتوبة وعلی النساء
بالحیاء والعفة وعلی الاغنیاء بالتواضع والسعة وعلی
الفقراء بالصبر والقناعة وعلی الغزاة بالنصرة والغلبة
وعلی الاسراء بالخلاص والراحة وعلی الامراء بالعدل
والشفقة وعلی الرعیة بالانصاف وحسن السیرة وبارك
الحاج والزوار فی الزاد والنفقة واقض ما اوجبت علیهم
من الحج والعمرة بفضلك یا ارحم الراحمین *واز حضرت امیر المؤمنین علی*
مرویست که این لعینه در قنوت میخوانده و فرموده هر کس این را بخواند
چنانست که در غزوه بدر وحنین واحد هزار هزار تیر بمشرکین انداخته باشد
اللهم صل علی محمد وآل محمد والعن صنمی قریش و
جبتیهما وطاغوتیهما وافکیهما وابنتیهما اللذین خالفا امرك
وانکرا وحیك وجحدا انعامك واحبا اعداءك وجحدا
آلاءك وعطلا احکامك وابطلا فرائضك والحدا فی
آیاتك وعادیا اولیاءك ووالیا اعداءك وخربا بلادك
وافسدا عبادك اللهم العنهما واتباعهما واولیاءهما

واتباعهما ومحبیهما فقد اخربا بیت النبوة وردما بابه و
نقضا سقفه والحقا سماءه بارضه وعالیه بسافله وظاهره
بباطنه واستاصلا اهله وابادا انصاره وقتلا اطفا
له واخلیا منبره من وصیه ووارث علمه وجحدا امامته
واشرکا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما فی سقر وما
ادریك ما سقر لا تبقی ولا تذر اللهم العنهم بعدد کل
منکر اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق
ولوه وولی اذوه وطرید اووه وصادق طردوه وکافر
نصروه وامام قهروه وفرض غیروه واثر انکروه وشر
اثروه ودم اراقوه وخبر بدلوه وکفر نصبوه وارث غصبوه
وفیء اقتطعوه وسحت اکلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه
وجور بسطوه ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه
ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد نقضوه وحلال حرموه
وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه وصك مزقوه وشمل
بددوه وعزیز اذلوه وذلیل اعزوه وحق منعوه وکذب دلسوه

وحکم قلبوه اللهم العنهم بکل ایة حرفوها وفریضة ترکوها
وسنة غیروها ورسوم منعوها واحکام عطلوها
وبیعة نکثوها ودعوی ابطلوها وبینة انکروها وحیلة
احدثوها وخیانة اوردوها وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها
وازیاف لزموها وشهادات کتموها ووصیة ضیعوها اللهم
العنهما فی مکنون السر وظاهر العلانیة لعنا کثیرا ابدا دائما
دائبا سرمدا لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده لعنا یغدو
اوله ولا یروح اخره لهم ولاعوانهم وانصارهم ومحبیهم وموا
لیهم والمسلمین لهم والمائلین الیهم والناهضین باحتجاجهم
والمقتدین بکلامهم والمصدقین لاحکامهم بعد از آن چهار
مرتبه بگوید اللهم عذبهم عذابا یستغیث منه اهل النار امین
رب العالمین **باب پنجم در آداب عادات و مجاری احوال و سائر جزئیات
و سوانح افعال** و این مجموعه انشاء الله در دوازده فصل بیان شود
فصل اول در انواع لباس و آداب پوشیدن آن مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که خدای تعالی جمیل است و دوست دارد جمیل را چون یکسی

نعمتی عطا فرماید دوست دارد که آثار آن نعمت از و ظاهر شود پس اگر
اظهار آثار نعمت کند شکر گزارده بود و گر نه کفران کرده باشد و بهترین
لباسها جنبه است که لباس حضرت پیغمبر ص و اهل بیت او است صلوات الله علیهم
و هر لباسی که موجب خضوع و تواضع و افتادگی باشد و بدترین لباسها آنکه موجب
کبر و عجب بود و مرویست که حضرت امام زین العابدین ع روزی جامهای
فاخر پوشیده از خانه بیرون رفت لحظه نگذشت بسرعت مراجعت
فرموده از بدن بیرون کرده جامه دیگر پوشید و فرمود که گویا من
درین جامها علی بن الحسین نبودم و هم آنحضرت ع فرموده چون بدن جامه نازک
پوشد سرکش میشود و از حضرت امام موسی ع مرویست که جامه نو را آب
می کشیده تا طراوت نوی زایل شود و بعد از آن می پوشید و هر کس
جامه برای تکبر و شهرت پوشد روز قیامت خدای تعالی جامه از آتش
در و پوشاند و در جهنم قرین قارون باشد و از حضرت امام جعفر صادق ع
پرسیدند که حد تکبر در لباس کدام است فرمود این که چون جامه خوب
پوشی خواهی که مردم به بینند و لباس طلا و حریر بر مردان حرمت
و هر کس در دنیا حریر پوشد در آخرت از آن محجوب باشد وحضرت پیغمبر ص

بحضرت امیرالمومنین صلی الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود حریر مپوش
که خدای تعالی روز قیامت بدنت را با آتش بسوزد و بهترین رنگها
در لباس سفید است و سیاه لباس بنی العباس است و سیاهی در هر لباس
مذموم است مگر در عبا و موزه و در روایت دیگر عمامه نیز وارد شده و زعفرانی
لباس بنی امیه و قرمز لباس شیطان و معصفر لباس اهل بیت و کفش زرد
لباس انبیاست و چشم را قوت دهد و دیگری بر دو بعیش و خوشی که هنه
شود و قوت مباشرت دهد و کفش سفید هنوز کهنه نشده باشد که
خدای تعالی بی گمان مالی عطا فرماید و کفش سیاه لباس جبار است
و چشم را ضعیف کند و مورث غم باشد و بمباشرت ضرر کند و آهن
لباس اهل نار است نشاید که مومنان بپوشند یا با آن نماز کنند مرویست
که پاک نباشد دستی که در آن انگشتر آهن باشد و حضرت امام جعفر صادق ع فرموده
که عقیق سرخ و زرد و سفید سه کوه است در بهشت عقیق سرخ مشرفست
بر خانه حضرت پیغمبر ص و سفید بر خانه امیرالمومنین و زرد بر خانه فاطمه
و خدا را تسبیح و تقدیس و تمجید میکنند و برای دوستان اهل بیت استغفار
می کنند و هر کس از شیعیان که یکی از آن انگشتر کند غیر خوبی و وسعت روزی

و سلامت از جمیع انواع بلا نه بیند و امان است از سلطان و از جمیع مکاره و مخاوف
و دفع پریشانی کند و نفاق زایل گرداند و هیچ دستی بدعا بر داشته
نشود دوست تر پیش خدای تعالی از دستی که با انگشتر عقیق بر دارند
و حاجات باجابت مقرون باشد و خدای تعالی نظر بر زمین افکند و از نور جمال
خویش عقیق آفرید پس فرمود قسم بذات خود دم که عذاب نکنم دستی را که با ولایت
علی انگشتر عقیق داشته باشد و روایت دیگر آمده که چون خدای تعالی
کوهها را آفرید ولایت اهل بیت بر ایشان عرض فرمود اول عقیق و یاقوت
قبول کردند پس ایشان را فضل و شرف عطا فرمود و روایت دیگر آمده که
عقیق سرخ اول کوهیست که اقرار بوحدانیت خدا و نبوت حضرت پیغمبر
و وصیت حضرت امیر المومنین ع و اولاد طاهرین صلوات الله علیهم و بهشت
برای شیعیان و جهنم برای اعدای ایشان نموده و دو رکعت نماز
با عقیق برابر است با هزار رکعت و کسیکه محمد نبی الله و علی ولی الله
بر عقیق نقش کند و انگشتر سازد از دنیا رود دیگر بر فطرت اسلام و جمعی را
در سفر حرامی زده بود بخدمت حضرت رسول ص رفته شکایت نمودند
فرمود بایست انگشتر عقیق با خود دارید که امان است از جمیع مکاره

و دو وصیت دیگر نزدیک باین در فصل حرز و تعویذ گذشت و از حضرت
امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود دوست دارم که شیعه ما پنج انگشتر
داشته باشد یاقوت برای زینت و دفع فقر و عقیق که خالص با خدا و با ما آن
بیشتر است و فیروزه که مومنان را خوش آید و محتاج نشود و دستی که فیروزه
در آن باشد چشم و دل را قوت دهد و خدای تعالی شرم دارد که نا امید کند
دستی را که با فیروزه بدعا بر دارد و حدید چینی و همیشه در دست نکنند
بلکه با خود دارند که سرکشان جن و انس را دور کند و چون بظالمان شرار
ملاقات کنند در دست کنند که شر ایشان را دفع کند و در نجف اشرف
که هر کس آنرا انگشتر کند هر نظر که بران کند حجی باشد که ثوابش مثل ثواب
انبیا و صلحا بود و اگر نه بسبب رحمت خدا بر شیعیان میبود که میخواهم اغنیا
و فقرا آنرا همه را مقدور باشد قیمت آنرا چنان میکرد که هیچ زر با آن وفا نکند
مرویست که جزع یمانی که فارسیان سلیمانی گویند تسبیح و استغفار کند و ثوابش
برای صاحبش باشد و دو رکعت نماز با آن برابر است با هفتاد رکعت نماز
اما آداب پوشیدن جامه مرویست از اهل بیت طاهرین ع که در جامه پوشیدن
و کندن و هر کاری که بسم الله بگوئید تا شیطان شریک نشود و هر کس جامه

نو پوشد وضو کند و دو رکعت نماز گزارد در هر رکعت الحمد و آیة الکرسی و قل
هو الله احد و انا انزلناه بخواند و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی کَسَانِی
مَا اُوَارِی بِهِ عَوْرَتِی وَ اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ و حول قوه بسیار گوید
در آن جامه معصیت نکند و بعد هر رشته از آن فرشته برای او دعا کند
و استغفار نماید و از خدای تعالی طلب رحمت نماید و اگر بگوید اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِی کَسَانِی مِنَ اللِّبَاسِ مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ ثَوْبَ یُمْنٍ وَ بَرَکَةٍ اَسْعیٰ فِیهِ لِمَرْضَاتِکَ وَ اَعْمُرُ بِهَا
مَسَاجِدَکَ گناهانش آمرزیده شود و در آن جامه مکروهی نبیند
و اگر کوزه آب سی و دو بروایت دیگر سی و پنج انا انزلناه بر آن خواند
و بر آن جامه بپوشد تا رشته از آن باقی بود در وسعت و رفاهیت
باشد و چون جامه بپوشد و فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ بِکَ اسْتَتَرْتُ
وَ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَ بِکَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ اَنْتَ
ثِقَتِی وَ رَجَائِی اَللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَا اَهَمَّنِی وَ مَا لَا اَهْتَمُّ وَ مَا
لَا اَهْتَمُّ بِهِ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّی عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ
وَ لَا اِلٰهَ غَیْرُکَ اَللّٰهُمَّ زَدْنِی التَّقْوٰی وَ اغْفِرْ لِی ذَنْبِی وَ وَجِّهْنِی لِلْخَیْرِ

حیثما

حَیْثُمَا تَوَجَّهْتُ و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتر در دست کند بگوید اَللّٰهُمَّ
سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ چنانکه در فصل آداب حمام گذشت و عمامه استاده
بندد و مرویست که هر کس عمامه ببندد و تحت الحنک نبندد و اگر المی ببیند که دوای
نداشته باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت امام جعفر صادق ع فرموده
عجب دارم از کسیکه تحت الحنک بسته بحاجتی رود و چون حاجتش بر نیاید
و درین زمانه که بسبب تقیه از ابنای دنیا تحت الحنک متروک گشته
مثل اکثر سنن سنیه اگر در اول عمامه بستن تحت الحنک به بندد چنانکه بعضی
میکنند تا مسمای این سنت بعمل آید مستحسن باشد و چون کفش بپوشد ابتدا
بپای راست کند و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ وَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ ثَبِّتْهُمَا عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ
تَزِلُّ فِیهِ الْاَقْدَامُ و چون بکند ابتدا بپای چپ کند و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اُوقِی بِهِ مِنَ الْاَذیٰ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا
عَلیٰ صِرَاطِکَ وَ لَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِکَ السَّوِیِّ و با یکتای کفش
براه نرود که اگر جنی یا شری از اجنه و شیاطین عارض شود دیر و زود
مفارقت نکند و چون جامه از بدن بیرون کند تا ه کند [illegible]

محفوظ تر باشد و شیطان نپوشد و چون عمامه از سر بر گیرد طاق بالایش را بر داشته
در میانش کند گرد تا شیطان بر سر ننهد **فصل دوم در قدر طعام خوردن** مرویست
از اهل بیت طاهرین که منافق با هفت روده طعام خورد و مومن با یک روده
و بسیار خوردن دل را سخت و ظلمانی و بیرحم و از خدا دور و غافل گرداند و در
دین بی پروا کند و شهوت بر انگیزد و نفس را سرکش و عقل را تیره و شیطان را
اعانت و دین را فاسد کند و موجب همه امراض باشد و هر کس در دنیا سیر تر روز
قیامت گرسنه تر باشد و بر سر سیری چیزی خوردن مورث برص باشد
و دشمن ترین حالات در نزد خدا آنست که شکم پر باشد و دوست ترین
آنکه خفیف و سبک بود و یکلقمه بفور رت خوردن فضلست از یک شب عبادت
کردن و هر کس جذا را بشناسد دهن از کلام و شکم از طعام منع کند تا مقهور
نشود و گرسنگی دام مومن و غذای روح و قوت دل و صحت بدنست
و در جمیع آثار بعکس سیریست و مرویست که یحیی علی نبینا و علیه السلام
از ابلیس لعین پرسید که هیچ صفتی در من می بینی که ترا خوش آید گفت
بلی اینکه چون شب افطار کنی چیزی بیشتر تناول نمائی و باین سبب بعضی
عبادات و طاعات در شب از تو فوت شود فرمود من عهد کردم با خدا که

هرگز طعام سیر نخورم و این با وجود آنست که مرویست که طعام آنحضرت علف
و گیاهی بوده که حیوانات میخورند و ما کل خود را از ایشان امتیاز
نمیکرده است و حضرت پیغمبر فرموده بعد از من جمعی آیند که در نعمت متولد
شوند و در نعمت تربیت یابند و همتشان غیر الوان اطعمه و اشربه نبود
و چون در مجلس سخن گویند از هر طرف تحسین شنوند ایشان بدترین امت باشند
و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود هر کس همتش همانست
که داخل شکمش میشود قیمتش همانست که بیرون میرود و نیز مرویست که
ثلث شکم را برای طعام بگذارید و ثلث را برای آب و ثلث دیگر برای
نفس و خود را فربه مکنید چنانکه خوک را برای کشتن فربه کنند و فضایل تقلیل
طعام و رذایل کثرت آن عقلا و شرعا زیاده از آنست که در تخمین گنجد **فصل
سوم در اوقات طعام طعام خوردن و آداب متعلق بآن** مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بهترین اوقات برای اکل دو وقتست
یکی صبح و مرویست که هر کس عمر دراز خواهد چاشت را زود بخورد دوم
بعد از نماز خفتن که وقت عشاء انبیاست و مرویست که وقت خفتن
البته باید چیزی تناول نمود خصوصا پیر از او ترک نباید کرد که اصل

بدنست و فساد صحت و موجب ضعف مزاج و قوت و رگی در بدنست
که عرق عشا گویند اگر کسی چیزی بخورد آن عرق صباح نفرین کند
و گوید خدا ترا سیر و سیراب نکند چنانکه مرا گرسنه و تشنه گذاشتی و در
میان چیزی دیگر نشاید خورد که موجب درد و امراض و فساد بدن
باشد روایات بسیار در مذمت تنها خوردن آمده که شیطان
شریک طعام و بی برکت شود و علامت کبر و بخل باشد و گاه باشد که
مداومت برین مورث بخل و کبر باشد و دست بسیار در طعام موجب
زیادتی برکتست جمعی بحضرت پیغمبر شکایت کردند که طعام میخوریم و سیر
نمیشویم فرمود تنها طعام مخورید با هم جمع شوید و بسم الله بگوئید تا برکت
زیاد شود و در اوانی طلا و نقره اکل و شرب حرامست که هر کس چنین کند
آتش جهنم در شکمش جوش زند و دست شستن پیش از طعام و بعد از ان
دفع پریشانی کند و روزی بیفزاید و عمر دراز کند و چشم جلا دهد و اهل
مجلس همه در یک لگن دست بشویند و تا پر نشود یا همه فارغ نشوند لگن را نریزند
که خلقشان نیکو شود و جمعیتشان مستدام گردد و در دست شستن پیش از
طعام ابتدا بصاحب مجلس کنند و بعد از ان از جانب راستش بشویند بترتیب

و بعد از طعام ابتدا بجانب چپ او کنند و باو ختم نمایند یا ابتدا بجانب راست
در خانه کنند هر کس باشد و چون پیش از طعام دست بشویند خشک نکنند که تا
رطوبت در دست باشد برکت بیفزاید و چون حاضر شود بگویند بسم الله
اللّهمّ اجعلها نعمةً مشكورةً تصل بها نعم الجنّة و چهار هزار
ملک در وقت طعام حاضر شوند پس اگر در وقت شروع بسم الله بگویند ملائکه
گویند خدای تعالی برکت بر شما زیاد کند و شیطان بخود گوید
بیرون روید که شما را نصیبی نیست و اگر بسم الله نگویند گوید بیائید
که شما نیز نصیبی دارید پس بیایند و شریک شوند و اگر بعد از ان بسم الله
بگوید شیطان آنچه خورده باشد قی کند یعنی از منافعش زایل شود
و هر کس طعام حلال خورد و در اول بسم الله و در آخر الحمد لله گوید
روز قیامت او را از آن طعام سوال نکنند و هر کس بگوید بسم الله
و الحمد لله رب العالمین هر لقمه بدهن رسیده باشد گناهانش
آمرزیده شود و اگر چند نوع طعام باشد در هر یک بسم الله بگوید و اگر فراموش
کند که در هر یک بگوید در اول بگوید بسم الله علی اوله و آخره و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود بسم الله بگوئید و هر چه خواهید بخورید من ضامنم که ضرر نکند

بعوی گفت من بسم الله گفته خوردم و متضرر شدم فرمود چند نوع طعام خوردی
و در بعضی بسم الله گفتی گفت بلی فرمود آن ضرر کرده و دیگری گفت من بسم الله
گفتم و ضرر یافتم فرمود در اثنای طعام حرف زدی و بعد از آن بسم الله گفتی
گفت بلی فرمود آن ضرر کرده و مرویست که هر کس عیال خود را جمع کند و در اول
طعام بسم الله و در آخر الحمد لله بگوید گناهانش همه آمرزیده شود و اگر با مجذوم
یا صاحب بلیه خورد بگوید بِسْمِ اللهِ ثِقَةً بِاللهِ تَوَکُّلاً عَلَیْهِ مرویست که
حضرت امیر المؤمنین ع بحضرت امام حسن صلوات الله علیهما فرمود هیچ لقمه
گرم یا سرد و هیچ شربت آب نخوری مگر که پیش از آن بگوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْئَلُکَ فِی اَکْلِی وَشُرْبِی اَلسَّلَامَةَ مِنْ وَعْکِهِ وَالْقُوَّةَ
بِهِ عَلٰی طَاعَتِکَ وَذِکْرِکَ وَشُکْرِکَ فِیمَا بَقَّیْتَهُ مِنْ بَدَنِی
وَاَنْ تُشَجِّعَنِی بِقُوَّتِهَا عَلٰی عِبَادَتِکَ وَاَنْ تُلْهِمَنِی حُسْنَ التَّحَرُّزِ
عَنْ مَعْصِیَتِکَ فَاِنَّکَ اِنْ فَعَلْتَ ذٰلِکَ اَمِنْتُ وَعْکَهُ وَغَائِلَتَهُ
که چون این بگوید از مضرت آن ایمن گردد مرویست که در طعام خوردن دوازده
خصلت است که بر هر مسلمی لازم است دانستن آن چهار خصلت فرضست دانستن
اینکه آن نعمت از خدای تعالی است و راضی بودن با آن و بسم الله گفتن

و شکر کردن و چهار خصلت سنت دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و با سه
انگشت خوردن و لیسیدن انگشتان و چهار خصلت ادب از پیش خود خوردن
و لقمه را کوچک کردن و بسیار خائیدن و نگاه بر روی مردم نکردن
و مرویست که بر طعام از روی ادب و تواضع باید نشست چنانکه بندگان
نشینند مربع و یک پای دیگر بر بالای پای دیگر و تکیه کرده چنانکه متکبران
نشینند نباید نشست اما دست بر زمین گذاشتن بر وجهی که تکیه و تکبر نباشد
قصور ندارد و از بعضی ائمه طاهرین ع مرویست که چنین میکرده اند و با دو انگشت
نباید خورد که شیوه متکبرانست اما با همه انگشتان قصور ندارد و مرویست که
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چنان میکرده اند و با دست چپ نباید
خورد مگر آنکه ضرورتی باشد و از بالای طعام نباید خورد که برکت از بالا آید
بلکه از اطراف باید خورد و مستحب است افتتاح و اختتام بنمک کردن که هفتاد و دو
نوع بلا دفع شود که از آن جمله جنون و جذام و برص باشد و اگر بر لقمه اول
نمک بپاشند نقطهای سیاه و سفید که در رو باشد زایل شود و مرویست که
اگر مردم بدانند که در نمک چه قدر منفعت هست محتاج بتریاکی یعنی تریاک
فاروق نشوند و روایات دیگر آمده که افتتاح و اختتام بسرکه مثل

نمکست و روایات دیگر آمده که ما اهل بیت افتتاح بنمک و اختتام بسرکه مینمائیم
و مرویست که سرکه عقل زیاد کند و دل زنده گرداند و گوشت دندان محکم
کند و صفرا بشکند و نان با سرکه خوردن کرم معده بکشد و شهوت زنان
قطع کند و مرویست که سرکه در خانه مثل مردی صالحست که دعای برکت
و دوستی برای اهل خانه کند و مستحبست که سبزی در سفره باشد که زینت
سفره است و مرویست که روزی در سفرهٔ حضرت امام موسی کاظم ع
سبزی نبود میل بطعام نفرمود تا آنکه سبزی آوردند فرمود در سفرهٔ که
سبزی نباشد من طعام نخورم و در اثنای طعام حمد و ذکر خدا بسیار کنند
و بازیها و لغو و بیادبی نکنند که هرچه کنند طعام روز قیامت شهادت دهد و طعام
بسیار گرم نباشد که بی برکت بود و شیطان شریک شود و استخوانرا
از گوشت بسیار نباید خالی کرد که نصیب اجنه است و مرویست که هرکس
چنین کند بهتر از الخیر نیز از خانه او کم شود و چون جمعی در سفره باشند
اگر کسی زود تر سیر شود دست نکشد که مبادا رفقا خجل شوند
و گرسنه مانند و هرکس قاب را بلیسد چنانست که مثل آنرا تصدق کند
و هرکس انگشتانرا بلیسد خدای تعالی فرماید بارک الله فیک و خوردن ریزهای

نان و طعام که از خوان ریخته باشد امانست از جنون و جذام و برص و صفرا
و حمق و دوای هر علتست و مهر حور العین است و اولاد بسیار روزی او میگردد
از و و از ولد و ولد ولد ولدش تا هفت پشت اما اگر در صحرا و بیرون
خانه باشد ریزهای خوانرا باید بر داشت هرچند بسیار باشد که
نصیب طیور و حیوانات است و هرکس پارهٔ نانی از سر راهی بر دارد
و بخورد هفتصد حسنه باشد و اگر از میان نجاست بر دارد و بشوید
و کناری گذارد هفتاد حسنه بود و اگر بخورد بهشت او را واجب شود
و هرکس پارهٔ نانی یا خرمائی بلکه غیر آن از نعمتها هرچه باشد افتاده بیند
بخورد هنوز از شکمش بیرون نرفته باشد که گناهانش آمرزیده شود
و بهشت واجب گردد و چون از طعام فارغ شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
اَطْعَمَنَا فِی جَائِعِینَ وَسَقَانَا فِی ظَمَائِینَ وَکَسَانَا فِی عَارِینَ
وَهَدَانَا فِی ضَالِّینَ وَحَمَلَنَا فِی رَاجِلِینَ وَآوَانَا فِی ضَاحِینَ
وَاَخْدَمَنَا فِی عَانِینَ وَفَضَّلَنَا عَلٰی کَثِیرٍ مِنَ الْعَالَمِینَ و هرکس
بعد از طعام بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَطْعَمَنِی فِیهِ وَرَزَقَنِیهِ مِنْ
غَیْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَلَا قُوَّةٍ کفاره شصت ساله گناه باشد و حضرت پیغمبر

هرگاه شیر تناول کردی گفتی اللّهم بارك لنا فیه وزدنا منه
وچون ماهی تناول کردی گفتی اللّهم بارك لنا فیه وابدلنا
خیراً منه وچون خوان بردارند بگوید الحمد لله رب العالمین
اللّهم اجعلها نعمة مشکورة وصاحب طعام را دعا کند وبگوید
اللّهم بارك لهم فیما رزقتهم واغفر لهم وارحمهم اللّهم
اطعم من اطعمنی واسق من سقانی وبعد از طعام دست را از
چربی پاک کند که اگر چربی در دست بماند وبخوابد از مکروه اجنه ایمن نبود
وچون بعد از طعام دست بشوید دست راست را بر ابرو بمالد وسه مرتبه
بگوید الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل از درد چشم ایمن گردد
واگر دست بر رو بمالد بگوید الحمد لله الذی هدانا واطعمنا وسقانا
وکل بلاء صالح اولانا واگر میوه نوبر ببیند ببوسد وبر چشم گذارد
وبگوید اللّهم کما اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها
فی عافیة ونیز بگوید اللّهم بارك لنا فی عمرنا وبارك لنا
فی هدیتنا وبارك لنا فی صاعنا وبارك لنا فی مدنا
وچون تناول کند بگوید اللّهم کما اطعمتنی اولها فاطعمنی

آخرها وبارك لی فیها ومستحب که آن را بکوچکترین اطفال دهد ومرویست
که میوه را بشوئید که هر میوه زهر بر رو دارد وبعد از طعام خلال کنید
که سنت است ودهن را خوشبو ودندان را محکم کند وسبب زیادتی رزق
باشد وملائکه را از هیچ چیز آنقدر بد نیاید که از طعام که در دندان مانده
وبدبوی شده باشد وحضرت پیغمبر ص فرموده که خدای تعالی رحمت کند
برکسیکه در وضو وطعام خلال کند از امت من وملکی از آسمان ندا کند
وگوید اللّهم بارك فی الخلالین والمتخللین خلالین آنانند که
سرکه در خانه دارند ومتخللین آنانند که خلال کنند وهرچه با خلال از
دندان بیرون آید باید انداخت واگر با زبان جدا شود فرو برند
وبا چوب ریحان وانار خلال نکنند که عرق جذام را حرکت آرد وکسیکه
با نی خلال کند هفت روز دعایش مستجاب نشود فصل چهارم در فضائل
بعضی انواع ماکولات مرویست از اهل بیت طهارت که ما وشیعه ما
از حلاوت مخلوق گشته ایم از آنست که حلاوت را دوست داریم
ونیز مرویست که مومن لذیذ وشیرین است لذیذ وشیرین را دوست
دارد مرویست که شکر تمامش دواست وهیچ مضرت در وی نیست وعسل

دوای هر علتست و بهیچ ضرر نکند اما قدر استعمال آن در احادیث یک
انگشت و سه انگشت و ماهی یکمرتبه و مثل آن وارد شده نه آنکه هر قدر و هر وقت
و در هر حال که خواهند خورند و توقع شفا داشته باشند و نیز مرویست
که عسلی که سبز باشد و بویش عطسه آرد یا طعمش در ذایقه تند و گزنده باشد
سم قاتلست و غیر آن نافع و دوا است و مرویست که ما اهل بیت خرما
دوست داریم و شیعیان ما از طینت ما مخلوق شده‌اند و خرما دوست دارند
و اعدای ما از طینت آتش مخلوق شده و مسکر دوست دارند و نیز مرویست که
اکرام کنید عمه خود نخله را که از بقیه طینت آدم مخلوق گشته و هر کس هر روز
هفت دانه عجوه که نوعیست از خرما بناشتا بخورد در آن روز از سحر
و زهر و شیطان ایمن باشد و اگر وقت خوابیدن بخورد کرم معده را
بکشد و مرویست که اکرام کنید نان را که خدای تعالی برکات سموات را
برای او انزال فرموده و برکات ارض را بیرون آورده و از عرش
تا ارض در ان عمل نموده و از جمله اکرامش آنست که با کارد نبرند
و زیر پا نگذارند و چون بر سفره حاضر شود انتظار چیزی دیگر نفرمایند
و زیر ظرف نگذارند و نیز مرویست که دانیال علیه السلام بکشتی بانی نان داد

که اورا در کشتی نشاند نان را بدور انداخت و گفت این را چکنم این در پیش
ما در زیر پا افتاده است دانیال دست بدعا برداشته گفت خدایا
دیدی که با نان چه کرد و چه گفت نان را اکرام فرمای پس خدای تعالی
فرمود که باران از آسمان نیاید و گیاه از زمین نرست و قحط شایع
گشت تا حدی که روزی زنی با دیگری گفت بیا تا امروز فرزند مرا
باهم بخوریم و فردا فرزند ترا آن طفل را باهم خوردند روز دیگر مادر
طفل دیگر بخوردن فرزند راضی نشد محاکمه را بخدمت دانیال بردند گفت
کار شما باین جا رسیده پس دعا کرد که خدایا کودکان و بیگناهان را
بگناه کشتی‌بان مواخذه مکن و بریشان رحم فرمای پس باران آمد و قحط
زایل گشت و از ایشان علیهم السلام مرویست که فضل نان جو بر سایر نانها مثل فضل
ماست بر سایر ناس و دوای هر علتست و صاحبش را هیچ چیز نافع تر از نان برنج
نیست و در روایات بسیار آمده که ما اهل بیت گوشت را دوست داریم و بسیار تناول
کنیم و دوست داریم کسی را که گوشت دوست دارد و سید طعامها گوشتست
در دنیا و آخرت و هر کس چهل روز گوشت نخورد بد خلق شود پس در گوشش
اذان باید گفت و مستحب است هر سه روز گوشت خوردن و یک روز دو مرتبه

کوشت نباید خورد و بهترین کوشتها کوشت کوسفند است و مرویست که اگر بهتر
ازان بودی خدای تعالی آنرا فدای اسمعیل کردی و کوشت کبک تب را
دفع کند و بهترین اعضای حیوان اعالی بدنست و مذموم ترین اعضای
که بموضع بول نزدیکتر است و سید طعام کوشت و برنج است و برنج بواسیر را
قطع کند و مریض را نافع بود و هریسه مائده ایست که بر حضرت پیغمبر ص
نازل کشته و چهل روز قوت عبادت افزاید و عدس دل را رقیق کند
و اشک روان کرداند و باقلی دماغ و ساقین را قوت دهد و خون
صالح ازان تولد کند و پنیر و کردکان هر یک تنها ضرر کند و نافع باشند
باهم و روایت دیگر آمده که پنیر در روز ضرر کند و شب نافع باشد
مرویست که هرکس را اول ماه پنیر بخورد امید هست که دران ماه دعایش
رد نشود و خربزه آبش رحمت است و شیرینیش راحت و بیکلمه ازان
هفتاد هزار حسنه ثبت شود و هفتاد هزار سیئه محو کردد و ناشتا
نباید خورد که مورث فالج است و انکور رازقی از میوهای بهشتست
و انکور سیاه غم زایل کند و هرکس هر روز ناشتا بیست و یک موریز
سرخ بخورد از جمیع امراض ایمن کردد مکر مرض الموت مرویست که خدای تعالی

صد وبیست نوع میوه بشما داده و سید همه انار است و فرزندان نیکو کند
و اکر کرسنه بخورد سیر شود و اکر بر سر طعام بخورند هضم کند و در هر انار
دانه از بهشت است و ازین جهة انار را تنها تمام باید خورد تا دانه
بهشت فوت نشود و هر کس یک انار تمام بخورد خدای تعالی چهل روز
شیطان را ازو دور کند و اکر دو انار بخورد صد روز و اکر سه انار
بخورد یکسال و هر کس یکسال شیطان ازو دور شود کناه نکند و بهشت
رود و در روایت دیکر آمده که هر کس یکدانه انار بخورد دل را نورانی
کند و چهل روز شیطان وسوسه را بیمار کند و هیچ دانه [illegible]
شکم مومن نشود مکر که دوای چهل کوفت باشد و سیب بخورد بهر
عوارض و بلغم و وبا و رعاف و تب را دفع کند و حضرت امام جعفر صادق ع
فرمود ما اهل بیت بیماران خود را بسیب و آب سرد مداوا می کنیم شما
نیز بیماران خود را سیب بدهید که هیچ چیز نافع تر ازان نیست
راوی کوید اهل بیت من همه بیمار بودند ایشانرا سیب دادم همه صحت
یافتند و خوردن سیب ناشتا معده را قوت دهد و زهر جانوران را
هیچ چیز نافع تر از آن دیدن سیب نیست که بیاشامند و آشامیدن آن دیب.

در رعاف نیز روایت شده و بمعده و دل قوت دهد و رنگ رو را صاف
کند و بی دل را دلیر کرداند و فرزند را جمیل کند خصوصاً اگر ناشتا بخورند
و غم ببرد همچنانکه انگشت عرق پیشانی را پاک کند و داغ چشم را جلا دهد
و عقل بیفزاید و محبت در دل زیاد کند و هر کس یک به بخورد خدای تعالی
چهل روز زبانش بالحکمت جاری کرداند و اگر سه روز ناشتا بخورد ذهن
صفا یابد و دل از علم و عقل مملو کردد و از کید ابلیس و جنودش محفوظ کردد
دام و و دل را قوت دهد و معده را دباغت کند و دردهای اندرونی را بتسکین
دهد و بر سر طعام نفع تر است و دیگری ببرد و استخوان محکم کرداند و هر علتی را
نافع باشد و محتاج بهیچ دوا نباشد و کدو دماغ را قوت دهد و عقل را زیاد
کند و حضرت پیغمبر چون در خانه ایشان طعام بخیتندی فرمودی تا کدو دران بسیار کنند
و چغندر بر کنارۀ فردوس روید و برگ آن عرق جذام را قطع کند و برسام را
هیچ چیز انفع از ان نبود و بیمار را نافع باشد و موجب خواب و استرخا شان
بود و هیچ الم دران نبود و از هیچ چیز احتراز باید نمود که تهییج سودا کند و کزرا منفعت
و از برص آلام را نافع بود و المی دران نباشد و در سرما و گرما بهر دو جا از اموافق
باشد و با بلغم ببرد و خون صاف کند و دهن خوشبو کرداند و عقل بیفزاید و اعضا

و مجامعت را اعانت کند و گوشت و دندان محکم کرداند و نیز مرویست که چون
داخل بلدی شوید از پیاز آن بخورید که تغییر آب و هوا را نافع است و گندنا
سبزیها است و هر روز هفت قطره از بهشت بران ریزد و بواسیر
قطع کند و دهن خوشبو کرداند و بادها بشکند و امانست از جذام کسی را
که بآن مداومت نماید و چون سه روز بخورد سپرز را نافع باشد و کاسنی
سبزیها است هر روز قطرۀ از بهشت بران ریزد و پس باید آنرا
افشاندن و شستن و سبزی حضرت پیغمبر است و اولاد ذکور بسیار کند مردت
که فضل آن بر سائر سبزیها مثل فضل ماست بر سائر ناس و دوای هزار
علت است و هر کس وقت خوابیدن هفت برگ از ان بخورد در آنشب از قولنج
ایمن باشد و اگر روز جمعه پیش از نماز هفت برگ بخورد از اهل بهشت شود
و مسموع گشته که اگر تخم کاسنی را بکارند بعد از ان دو مرتبه نشا کنند
لطیف و شیرین شود و بادروج که بفارسی بادرنجبویه کویند سبزی حضرت
امیرالمؤمنین است و اهل بهشت تزئین خوانهای آن نمایند و امانست از جذام
و از هر علتی و حضرت امام موسی فرموده دوست دارم که پیش از طعام از آن بخورم
که سده بکشاید و اشتها آورد و سیر هر دو چون پیش از طعام بخورم بعد از ان بخورم

برو اکنم و اگر بعد از طعام بخورند هضم طعام کند و دفع ثقل نماید و بوی دهن خوش کند و برگ ترب طعام را هضم کند و باد ها دفع نماید و بول براند و بخش بلغم قطع کند و کسیکه در شب جرجر بخورد که بفارسی تره تیزک گویند از جذام و برص ایمن باشد و قاوت بوحی آلهی ساخته شده گوشت برویاند و استخوان سخت کند و برص ببرد و بلغم و صفرا قطع کند و هفتاد نوع بلا دفع نماید و اگر بعد از طعام بخورند معین هضم باشد و روایتی آمده که مردان قاووت با شکر بخورند که بسیار از مضر باشد و اگر هفت مرتبه با آب بشویند و بعد از آن بقدح دیگر ریزند تب ببرد و تقویت ساق و قدم کند و کسی بمرض سام مبتلا گشت حضرت امام جعفر صادق عم فرمود قاووت جو بیاشامد دو مرتبه بیشتر نیاشامید که شفا یافت و قاووت عدس تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد و هیجان خون را ساکن کند و حرارت اندرون بنشاند و دوای هفتاد علت بود **حدیث** که زنی را حیض غلبه کرده بود تا آنکه مشرف بر موت شده بود حضرت امام محمد باقر عم فرمود قاووت عدس آشامید صحت یافت و کسیکه تخم مرغ مداومت کند اولادش بسیار شود و ماهی بسیار خوردن بدن را لاغر کند و اگر کسی شب ماهی بخورد و بر سر آن چند دانه خرما یا عسل بخورد بیم فالج بود و چربی گوشت هر لقمهٔ که داخل بدن شود آنقدر کوفت بیرون کند و روغن دوا است در روایت که چون کسی به پنجاه سال رسد شب بخوابد و روغن بخورده باشد موافق مزاج ایشان نیست **فصل پنجم در فضایل آب و آنچه متعلقست از آب** مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سید اشربهٔ جنت آبست و هر کس از آن ملتذ شود خدای تعالی او را از اشربهٔ بهشت ملتذ گرداند و گویا معنی ملتذ شدن از آب اینست که قدر این نعمت و تفضل آلهی در اعطای آن بداند و یکی از اطبا حضرت امام موسی را از خوردن آب منع کرد آنحضرت فرمود چرا منع میکنی آب طعام را هضم کند و صفرا بشکند و اطفاء حرارت کند و غضب بنشاند و عقل بیفزاید اما افراط نباید کرد و ناشتا نباید آشامید مگر در تابستان که مادهٔ هر علتست و بسیار امراض از آن متولد شود و سؤر مؤمن شفای هفتاد مرضست و هر کس سؤر مؤمن را برای تبرک بیاشامد خدای تعالی فرشتهٔ خلق کند که برای ایشان استغفار نماید تا روز قیامت و آب زمزم دوای هر مرضست و حضرت امام جعفر صادق عم احوال بیماری پرسید گفتند بموت که انشیم فرمود

اگر من بجای شما می بودم آب میزاب یعنی ناودان کعبهٔ معظمه با و میدادم راوی
گوید آب میزاب باو دادیم همان ساعة صحت یافت و آب باران بدنرا از آلام
پاک کند و تب و وسوسهٔ شیطان دفع نماید و ایمانرا در دل ثابت
گرداند و آب فرات دو ناودان از بهشت برو میریزد و در روی زمین
نهری مبارکتر ازان نیست و فرشتهٔ هر شب از آسمان آید و سه مثقال
از مشک بهشت دران ریزد و آب جوشیده بهر علتی نافع است و بهیچ
چیز ضرر نکند و اگر آب را بجوشانند که هفت جوش بزند پس بظرفی دیگر
کنند و بنوشند تب ببرد و ساق و قدم را قوت دهد و با آبهای گرم
که بوی کبریت کنند و آبهای تلخ بدطعم مداوا نباید کرد که در طوفان
اجابت حضرت نوح نکردند پس آنها را لعن فرمود و مردی روزی
بدادا متوجه چنین آبی بود بحضرات امام حسن و امام حسین علیهما السلام ملاقات
نمودند فرمودند کمان نیست که خیر زیرا که خدای تعالی لعن فرموده
شفا دران گذاشته باشد زیرا که چند چشمه اجابت حضرت نوح
نکردند ملعون گشتند و تلخ و شور شدند و بروایت دیگر فرمودند
آبی که هر روز سه مرتبه انکار ولایت ما می کند مداوا با آن می کنی زیرا که

خدای تعالی ولایت ما را بر آبها عرض نمود هر کدام که قبول نمودند عذب و طیب
شدند و آنکه انکار کرد تلخ و شور گشت اما آداب آشامیدن آب آنکه در روز
ایستاده آشامیدن افضل است که برای قوت معده و صحت بدن و هضم طعام
بهتر است و شب نشسته که ایستاده مورث صفرا است و عرق جذام را بحرکت
آرد و آشامیدن آب باید بجو مکیدن باشد که بغیر آن باعث وجع جگر
شود و بسه نفس آشامیدن افضل است و روایت دیگر آمده که اگر کسیکه
آب آورده مملوک تو باشد بسه نفس بیاشام و اگر آزاد باشد بیکنفس و در وقت
آشامیدن بسم الله باید گفت تا شیطان شریک نشود و اگر چنین بگوید
افضل است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مِنَ السَّمَاءِ مُصَرِّفِ الْاَمْرِ کَیْفَ یَشَاءُ بِسْمِ اللّٰهِ
خَیْرِ الْاَسْمَاءِ و اگر در شب آب بنوشد آب را حرکت دهد و سه نوبت بگوید
عَلَیْكَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمٍ وَمَاءِ الْفُرَاتِ از مضرتش ایمن شود
و هر کس بسه نفس آب بیاشامد و در هر نفس بسم الله بگوید و هنوز سیر نشده بردارد
و الحمد لله بگوید تا آن آب در شکمش باشد برای او تسبیح کند و بهشت او را
واجب شود و از پیش دسته و جانب شکسته کوزه نیاشامد که هر دو مقام شیطانست
و بعد از آب خوردن بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ سَقَانِیْ مَاءً عَذْبًا

وَلَمْ يَجْعَلْهُ مِلْحًا اُجَاجًا بِذُنُوبِي اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانِي فَارْوَانِي
وَاَعْطَانِي فَاَرْضَانِي وَعَافَانِي وَكَفَانِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ
تَسْقِيهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُسْعِدُهُ
بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مرویست که حضرت امام جعفر صادق ع
روزی آب آشامید پس چشم مبارکش پر اشک گشت و گفت لعن الله علی قاتل
الحسین پس فرمود هر کس بعد از آب خوردن حضرت امام حسین ع و اهل بیتش را یاد کند
و بر قاتلش لعن کند خدای تعالی برای او صد هزار حسنه نویسد و صد هزار سیئه
محو کند و صد هزار درجه بلند گرداند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کند
و چون روز قیامت محشور شود جگرش خنک باشد و تشنگی و حرارت نداشته باشد
و مستحب است سر کوزه را پوشیدن که شیطان کوزه سر پوشیده را نگشاید **فصل**
ششم در فضایل ضیافت کردن و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که چون مهمان داخل خانه شود در رحمت با او از آسمان آید و چون طعام خورد
گناهان اهل آنخانه آمرزیده شود و حضرت امام جعفر صادق ع از یکی از اصحاب
پرسید که شیعیان را هیچ دعوت میکنی گفت هیچ وقت طعام نخورم مگر که دو و سه
و کمتر و بیشتر از ایشان با من باشند فرمود فضل ایشان بر تو بیشتر است از فضل تو

برایشان گفت من ایشانرا طعام میدهم و بخانه خود می آرم و فضل ایشان بر من بیشتر است
فرمود بلی چون داخل خانهٔ تو شوند با مغفرت تو و عیال تو داخل شوند
و چون بیرون روند گناهان شما را بیرون برند و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هر کس مومنی را سیر کند هیچکس اجر آن نداند نه ملکی مقرب و نه پیغمبری
مرسل مگر خدای تعالی و مغفرت گناهانش لازم گردد و بهشت واجب
شود و از نعمتهای بهشت عوض یابد و بهتر است از این که یک افق از مردم
آزاد کند پرسیدند که افق چه قدر است فرمود صد هزار یا بیشتر و هر کس
مومنی را دهن بلقمهٔ شیرین کند تلخی روز قیامت نه بیند و فضایل طعام
مومن بتفصیل در باب دیگر انشاء الله بیاید و هر کس مومن تشنهٔ را آب دهد
خدای تعالی او را از رحیق مختوم سیراب گرداند و اگر در جائی آب دهد
که آب نباشد چنانست که ده بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و نفسی را
زنده گردانده و هر کس یک نفس زنده گرداند چنانست که تمام ناس را زنده
کرده باشد و هر کس جگر تشنهٔ را از انسان یا حیوان آب دهد در سایهٔ
عرش خدا باشد در روزی که هیچکس را پناهی نبود و هم از ایشان علیهم السلام
مرویست که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد مهمانرا اکرام نماید چون کسی بخانهٔ

کسی وارد شود باید طعام بر او عرض کند و اگر میل نکند آب عرض کند و اگر
رغبت نماید آب وضو معروض دارد و نباید گذاشت که مهمان متوجه
خدمتی و کاری شود و مرویست که حضرت امام رضا ع را مهمانی وارد
شد در شب خواست که فتیلهٔ چراغ را دستی بزند حضرت منع فرمود
و خود متوجه آن گشت و فرمود ما اهل بیت مهمان را بخدمت نگذاریم
مرویست که چون مهمان داخل شود در آوردن رخوت و اسباب
مدد کنند و چون بیرون رود مدد نکنند و از جملهٔ اکرام اینست که خلال
برایش مهیا کنند و با او در طعام خوردن رفاقت باید نمود تا او
دست نکشد دست نباید کشید و اگر مهمان خود وارد شود برایش
تکلف نباید کرد بلکه هرچه مقدور [illegible] در خانه باشد اکتفا باید نمود و اگر
دعوت کرده باشند تکلفی که مقدور باشد باید کرد و مرویست که معلوم
نیست که کدام عجب تر باشد مهمانی که میزبان را بر تکلف دارد یا میزبانی
که برای مهمان تکلف کند و نیز مرویست که هلاک شود میزبانی که آنچه
در خانه دارد برای مهمان حقیر شمارد و مهمانی که آنچه برایش آرند حقیر
انگارد و در روایات بسیار آمده که محبت دوستان با هم از این توان دانست

که طعام یکدیگر را از روی رغبت و انبساط و بیتکلفی خورند یا از روی کراهت
و گرفتگی از آنجمله یکی از اصحاب حضرت امام جعفر صادق ع گوید روزی بخدمت
آنحضرت رفتم فرمود طعام آوردند قدری خوردم و دست کشیدم فرمود
بخور گفتم خوردم بس است فرمود دیگر بخور نمیدانی که محبت دوستان با هم
از این توان دانست که طعام یکدیگر را از روی رغبت و انبساط خورند
پس با انگشت مبارک جمع میفرمود و من میخوردم و امثال این روایات
بسیار آمده و چون مؤمنی کسی را دعوت کند اجابت باید نمود که
احادیث بسیار آمده که اجابت دعوت مؤمن از جملهٔ حقوق واجبست
که مؤمنان را بر یکدیگر ثابتست و حضرت پیغمبر ص فرمود وصیت میکنم حاضر
و غایب امت خود را که اجابت دعوت مسلم کند اگرچه پنج میل راه باید
رفت که اجابت مسلم از جملهٔ حقوق دینست اما در مجالسی که معصیت کنند
و طعامهای حرام و مشتبه و همچنین طعامی که اغنیا در آن باشند و فقرا نباشند
اجابت نباید کرد که درین نیز اخبار بسیار آمده و نهی بلیغ شده و امثال
این مجالس موجب معصیت و دوری از خدا و قساوت قلب و محبت دنیا باشد
و اگر کسی نطلبیده چون بشنود که در جائی طعامی هست برود و هرچه از آن

بخورد چنانست که پارهٔ آتش بخورد و چون کسی را بطعامی دعوت کنند
و دیگری را بی دعوت با خود ببرد غاصب باشد و هرچه خورد حرام باشد
مگر جمعی که محبت و اختلاط و ربط در میانشان بیگانگی رسیده باشد
و بی کلفتی از میانشان مرتفع شده و گمان مانعی و عذری از جانب صاحب
طعام نباشد که درینصورت ایشان را رسد که بی اذن در خانه یکدیگر طعام
خورند و بدیگری نیز دهند **فصل هفتم در آداب مسکن و احکام متعلق بآن**
مرویست از اهل بیت طاهرین که در شهر و مکانی که عبادت خدا چنانکه
باید مقدور نباشد توطن و اقامت نباید نمود بلکه سفر نیز بچنین موضعی نباید
کرد و خدای تعالی در قرآن مجید فرماید چون روز قیامت باشقیا گویند
گویند که چرا در عبادت تقصیر کردید گویند در مکانی که ما بودیم مقدور
نبود پس بر سبیل عتاب و توبیخ فرماید مگر زمین خدا تنگ بود که نتوانستید
نقل نمود پس جای ایشان جهنم باشد مگر جمعی که ضعیف و عاجز باشند
و قادر بر نقل و حرکت نباشند که ایشان معذور باشند و باین سبب است
که مردم کوهستان و قری و صحرانشینان و همچنین مردمی که در بلاد
مخالفین توطن کنند اولاد ایشان و همچنین جمعی که در کوشها نشینند

دیا علما

دیا علما و اهل دین تردد نکنند از آثار و مراسم دین و آداب و معالم ایمان
بیخبر باشند و جهل و حب دنیا و اخلاق و صفات سباع و حیوانات
در ایشان غالب باشد و باین سبب است که این همه تأکید و امر و زیارت
و الفت و محافظت مومنان وارد شده چنانکه شمهٔ از آن در باب اول
گذشت و نیز از یکی از ائمه طاهرین پرسیدند که بعضی مردم خلوت اختیار
کنند و ترک تردد میان مردمان کنند فرمود پس دین خود را چون بدست
می آرند و نیز اخبار بسیار آمده که چون کسی تنها باشد شیطان زود دست
یابد و شیطان با تنهایان باشد **و هم از ایشان مرویست** که از جملهٔ
سعادت مرد وسعت فضای خانه است و خوبی همسایه و شامت خانه تنگی
فضاست و بدی همسایه و فرموده اند اول همسایه اختیار کنند
و بعد از آن خانه و بنائی که زیاده بر کفاف باشد روز قیامت
بر صاحبش وبال بود و هر کس زیاده بر کفاف بنائی کند برای مباهات
و تفاخر بر همسایگان و مومنان روز قیامت آن خانه را تا زمین هفتم
آتشی کنند شعله ور و طوق گردنش گردانند پس در قعر دوزخش
افکنند مگر آنکه توبه کند و هر کس که از مال نذر یا مالی از حرام کسب کند خدای

آب و گل را بر و مسلط کند تا بنائی زیاده کذارد پس بمیرد و بر و وبال باشد
و فرشته بر و موکلست که هر کس ارتفاع سقف خانه را زیاده از هشت
ذراع کند با و کوید ای فاسق بکجا میروی و هر چه زیاده از هشت ذراع
باشد شیاطین و اجنه مسکن کنند و اکر خانه زیاده [از هشت ذراع] ساخته باشد دران زیادی
آیة الکرسی بنویسند تا دفع اجنه و شیاطین کند و در خانه که سک یا صورت
انسان یا حیوان یا ظرفی که دران بول کنند باشد ملائکه داخل نشوند اما
اکر صورت در فرش و چیزهائی باشد که پا بران کذارند باکی نبود و دستمال
چرب و خانهٔ عنکبوت در خانه نکذارند که هر دو ماوای شیطانست و روایت
که خانه را جاروب کنید تا شبیه یهود نشوید و جاروب کردن دفع فقر کند
و خاک روبه را در خانه و نزدیک خانه نباید که داشت که شیطان جمعیت
کنند و حضرت امام جعفر صادق عم فرموده خروس سفید دوست منست و دوست
هر مومنست و خروس سفید افرق یعنی آنکه تاجش دو پاره باشد خانهٔ
صاحب خود و هفت خانهٔ حوالی آنرا حراست کند و یکبال افشاندن
کبوتر خانه را بهترست از هفت خروس افرق سفید و خانه که کبوتر دران
باشد از فرود آمدن ایمن باشد و اجنه دفع شوند و اهل آنخانه را از ایشان

آفت

آفت رسد **و مرویست** که کبوتر پر پا در خانه نکاه دارید که قاتلان امام حسین را
لعن میکنند و در شان ذکر و تسبیح خدا بیشتر از همه چیز کنند و دوستدار
اهل بیت است صاحب کنز اللغه کوید در شان کبوتر صحرائیست و صاحب اختیارات
کوید بفارسی مرغ الهی کویند و فاخته در خانه نباید داشت که صاحب خانه را
نفرین کند و چون کسی خواهد خانهٔ نو بنا کند مستحبست که کوسفندی ذبح
کند و طعامی ساخته صرف فقرا و مساکین کند و بکوید اَللّٰهُمَّ اُدْحُرْ عَنِّي
وَعَنْ اَهْلِي وَوُلْدِي مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ وَبَارِكْ لِي
فِيهِ بِنُزُولِي که آنچه سوال کرده خدای تعالی عطا فرماید **فصل هشتم**
در وظائف شب و آداب خواب و بیداری مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که هنوز آفتاب غروب نکرده باشد که چراغ روشن کنید که
دفع فقر کند و وقت خوابیدن خموش کنید و چون وقت سحر روشن کنید
بعد از طلوع آفتاب بر دارید و بی چراغ داخل خانهٔ تاریک نباید شد
و در مهتاب چراغ نباید افروخت و چون چراغ حاضر شود بکوید اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ لَنَا نُورًا نَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنَا نُورَكَ يَوْمَ
نَلْقَاكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُورًا اِنَّكَ نُورٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ و چون خموش

کنند بگوید اللّهم اخرجنا من الظلمات الی النور و مرویست که حضرت
پیغمبر در تابستان روز پنجشنبه از خانه بیرون میرفته و چون هوا سرد میشده
روز جمعه بیرون می آمده و در روایت دیگر هر دو در شب جمعه وارد
شده و هر کس بامی بخوابد که چهار طرفش محجر نباشد اگر عارضهٔ رو دهد
غیر خود را ملامت نکند و محجر کمتر از سه وجب نباشد و چون کسی در خانهٔ
بخوابد باید درها را بپوشد یا پرده بیاویزد تا شیطان داخل نشود
و تنها در جائی نخوابد که اکثر جرأت شیطان وقتیست که آدمی را تنها
بیند و مرویست که اگر کسی با دست چرب یا تنها بخوابد یا ایستاده در آب
بول کند یا ایستاده در شب آب بیاشامد پس عارضهٔ از اجنه رو دهد
زود زود مفارقت نکند و اگر کسی در تنها خوابیدن مضطر شود
تا تواند ذکر خدا بسیار کند و وقت خواب خود را از تشویش خلا فارغ
سازد که سبب صحت بدنست و راحت بدن و هر کس با وضو بخوابد چنانست
که تا وقت بیدار شدن نماز گزارده باشد و اگر در میان جا بخاطر رسد
که وضو ندارد بغباری که در رختها باشد تیمم کند مجزی بود و خوابیدن
چهار قسم است خواب انبیا بر قفا و خواب مومنین بر جانب راست و خواب کفار

بر جانب چپ و خواب شیطان برو و اگر کسی برو خوابیده باشد بایدش
بیدار کرد و خوابیدن میان نماز شام و خفتن موجب حرمان رزقست و بعد از
نماز خفتن شب نشینی مکروه و مذمومست و موجب حرمان سحر خیزیست و گفته اند
که سگ اول شب بیدار باشد تا سحر و چون سحر شود بخوابد و حیوانات دیگر
همه اول شب خواب کنند و سحر بیدار شوند حتی آنکه تجربه شده که در طفولیت
تا بر خلقت خود باقیند اول شب بخوابند و سحر بیدار شوند و چون بعادات
و رسوم اهل دنیا و باطلان بر آیند بصفت سگ در آیند پس مومنان باید
اول شب بخوابند و نصف شب یا اندکی پیشتر بیدار شوند و در روایات
بسیار آمده که خدای تعالی اول شب را برای استراحت آفریده و آخر
شب را برای ذکر و عبادت و از طلوع صبح تا طلوع آفتاب ملائکه
ارزاق بنی آدم را قسمت کنند هر کس آنوقت در خواب باشد از نصیب آن روز
خود محروم باشد و منّ و سلوی بر بنی اسرائیل درین ساعت روز نازل میشده و هر کس
در خواب می بوده آن روز محتاج بگدائی می بوده و خواب این ساعت خواب شومی
و خواب مرشومیست و رنگ را زرد و رو را کریه کرده اند و خواب اول روز بسبب بی لطافتی
و بی برکتیست و بعد از ظهر مورث حماقت باشد و خواب قیلوله که پیش از ظهر است مبارکست

و اعانت شب خیزی کند و شیطان را درین چون نصیب نباشد و سبب زوال
نسیان و قوت حافظه باشد و بسیار خوابیدن دین و دنیا را از دست
بیرون برد و خدای تعالی دشمن دارد که کسی بی آنکه بیداری کشیده باشد
بخوابد و هر کس وقت خوابیدن دست راست در زیر روی راست گذارد
و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلّٰهِ عَلَى مِلَّةِ اِبْرٰهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ
وَوِلَايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللّٰهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ
يَشَأْ لَمْ يَكُنْ از دزد و فرود آمدن خانه محفوظ گردد و ملائکه برایش
استغفار کنند و اگر بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
صد هزار حسنه برایش نویسند و صد هزار سیئه محو کنند و صد هزار درجه بلند
گردانند و حضرت امام محمد باقر فرمود چون کسی خواهد بخوابد باید بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْلَمْتُ اِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ
اَمْرِي اِلَيْكَ وَاَلْجَأْتُ ظَهْرِي اِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً
مِنْكَ وَرَغْبَةً اِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا وَلَا مَفَرَّ مِنْكَ اِلَّا
اِلَيْكَ اٰمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي اَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذِي اَرْسَلْتَ
پس تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید که هر کس وقت خواب این تسبیح بگوید

ازجمله

از جمله جمعی باشد که خدای تعالی مدح فرموده باین که ذکر بسیار کنند و هم
از ایشان علیهم السلام مرویست که در وقت خواب این تعویذ را ترک ننماید
اُعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ
عَيْنٍ لَامَّةٍ و هر کس سه مرتبه وقت خواب بگوید يَفْعَلُ اللّٰهُ مَا
يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ چنانست که هزار
رکعت نماز گزارده باشد و اگر سه مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ
الْاَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ از گناه پاک شود مثل روزی که
از مادر متولد شده و اگر آیة الکرسی بخواند از فالج ایمن گردد و تا وقت
بیدار شدن او و چهل همسایه‌اش محفوظ باشند و مرویست که دو کس سفر میرفتند
بخدمت حضرت پیغمبر آمدند و تعلیمی خواستند فرمود وقت خوابیدن تسبیح حضرت
فاطمه بگوئید و بعد از آن آیة الکرسی بخوانید پس چون از شهر بیرون رفتند جمعی
دزدان از ایشان تعاقب کردند و چون در منزلی فرود آمدند دزدان غلامی را
بجاسوسی فرستادند تا خبری از ایشان بیارد و غلام مراجعت کرده گفت هیچکس را

ندیدم و دیواری دیدم هر چند بر دورش گشتم راه درون شدن نیافتم
گفتند ترسیده و دروغ میگوئی خود برخاسته رفتند و شنیده موافق
دیده یافتند و چون صباح شد دزدان پیش ایشان آمده قصهٔ شبینه
نقل کرده از احوال استفسار نمودند ایشان حکایت خود بیان کردند
و گفتند برکت تعلیم آنحضرت از شر شما ایمن گشتیم دزدان نیز قطع امید
نموده براه خود رفتند و اگر در وقت خواب آخر سوره کهف بخوانند
تا مسجد الحرام نوری تابان شود که درمیان آن نور ملائکه باشند و برای او
استغفار کنند و اگر قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد بخواند از شرک
بری شود و حضرت پیغمبر بحضرت فاطمه فرمود وقت خوابیدن تا چهار کار
نکنی نخوابی تا ختم قرآن و مرا و جمیع انبیا را شفیع خود کردانی و همه مومنان را
از خود راضی سازی و حج و عمره گزاری گفت این همه را در یکساعت چون
کنم فرمود سه مرتبه قل هو الله احد بخوان ختم قرآن کرده باشی و صلوة بر من
و بر انبیا بفرست همه شفیع تو باشیم در روز قیامت و برای مومنان استغفار
کن همه از تو راضی شوند سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
وَاللهُ اَكْبَرُ بگو حج و عمره گزارده باشی و اگر قل هو الله احد و معوذتین

هر یک سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده باشی و بعد ده آیه از فرقان ثواب پیغمبری
یابی و از گناه پاک شوی مثل روزی که از مادر متولد شده و اگر در شب بمیری
شهید باشی و اگر یازده مرتبه انا انزلناه بخوانی نوری خلق شود از زمین تا
عرش که عرضش مثل وسعت هوا باشد در هر درجه آن هزار ملک باشد هر یک را
هزار زبان با هر زبان هزار لغت برای تو استغفار کنند تا نصف شب و بعد از آن
آن نور را در سینه تو گذارند تا روز قیامت و اگر آیه شهد الله بخواند هفتاد
هزار ملک خلق شود که تا روز قیامت برایش استغفار کنند و اگر الهیکم التکاثر
بخواند از عذاب قبر ایمن شود و اگر سه مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ گناهانش آمرزیده شود اگر چه مثل
ایام دنیا یا کف دریا یا ریگ صحرای عالج باشند و اگر بیخوابی عارض شود که
خواب نبرد بگوید سُبْحَانَ اللهِ ذِي الشَّانِ الدَّائِمِ السُّلْطَانِ عَظِيمِ
الْبُرْهَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَانٍ يَا مُشْبِعَ الْبُطُوْنِ الْجَائِعَةِ يَا كَا
سِيَ الْجُنُوْبِ الْعَارِيَةِ يَا مُسَكِّنَ الْعُرُوْقِ الضَّارِبَةِ يَا مُنَوِّمَ
الْعُيُوْنِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوْقِي الضَّارِبَةَ وَاْذَنْ لِعَيْنِي
نَوْمًا عَاجِلًا و اگر خواهد آیة الکرسی بخواند و گوید وَاِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ

اَمَنَةً مِنْهُ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا و اکر در خواب بترسد وقت خواب
ده مرتبه بکوید اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ
شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَاَنْ يَحْضُرُونِ و اکر خواهد
معوذتین و آیة الکرسی بخواند و بکوید اذ یغشیکم تا آخر و اکر از اجنه بیم کند
بکوید اِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ
اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِاَمْرِهِ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ
وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ و اکر از احتلام اندیشه کند بکوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْاَحْلَامِ وَمِنْ
اَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ و در روایت بیر
آمده و بسیاری مردم تجربه نیز نموده اند که اکر آخر سوره کهف بخواند هر وقت که خواهد
بیدار شود و نیز از حضرت پیغمبر مرویست که هر کس وقت خواب بکوید اللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي
مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ اَقُومُ سَاعَةَ
كَذَا و هر ساعت که خواهد مذکور سازد خدای تعالی ملکی موکل کرداند که در ساعة
بیدارش کند و مشایخ رحمهم الله در کتب خود ذکر کرده اند که اکر کسی را حاجتی باشد یا امر

مشکلی سانح شود با طهارت در فرش و لحاف پاک بخوابد و زنی با او نباشد و در
وقت خواب وَالشَّمْسِ وَاللَّيْلِ هر یک را هفت مرتبه بخواند و بعد از آن بکوید اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا در شب اول یا سیم یا پنجم یا هفتم کسی را
در خواب بیند که بدر روی از آن بر آن نماید راوی کوید مرا صداعی عظیم بود
که از علاج آن عاجز کشته بودیم این عمل نمودم در شب اول دیدم که دو کس
آمدند و پیش من نشستند یکی از ایشان دست بر سرم مالید و موضعی را نشان داد
که حجامت کن آن موضع را حجامت کردم شفا یافتم و به بسیاری مردم نیز کفتم همه
منتفع شدند و ایضا از مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اکر کسی خواهد یکی از انبیا
یا ائمه علیهم السلام را یا سایر مردم را در خواب بیند وَالشَّمْسِ وَاللَّيْلِ و قدر و جحد بخواند
و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آلش صلی الله علیهم بفرستد و با وضو بر جانب راست
بخوابد که هر کس را خواهد ان شاء الله در خواب بیند و سوال جوابی که خواهد میان ایشان
مذکور شود و در روایت دیگر آمده که این طریقه را هفت شب باید عمل نمود
بعد از آنکه این دعا خوانده باشد اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَ
الْاِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَءَتِ الْاَشْيَاءُ وَاِلَيْكَ تَعُودُ
فَمَا اَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَاهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا اَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ

له ملجأ و لا منجا منك الا اليك فاسئلك بلا اله الا انت
واسئلك بسم الله الرحمن الرحيم وبحق محمد سيد النبيين
وبحق علي خير الوصيين وبحق فاطمة سيدة نساء
العالمين وبحق الحسن والحسين اللذين جعلتهما سيدي
شباب اهل الجنة اجمعين ان تصلي على محمد وال محمد
وان تريني فلانا **و ایضا روایت کرده اند** که اگر خواهد میتی را در خواب
بیند همین عبارت را تنها بخواند و در آخرش بگوید ان تريني ميتي في الحال
التي هو فيها و هر مرتبه که در اثنای خواب از پهلو بپهلوی دیگر حرکت کند
بگوید لا اله الا الله الحي القيوم وهو على كل شيء قدير سبحان الله
رب النبيين والمرسلين وسبحان الله رب السموات وما فيهن
ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
و از حضرت امام محمد باقر (ع) سوال نمودند که آنکه خدای تعالی مدح فرموده که اندکی از شب
میخوابند کیستند فرمود جمعی اند که تمام شب میخوابند اما هر مرتبه که حرکت میکنند میگویند
الحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر و چون خواب بد بیند بگوید
انما النجوى من الشيطان ليحزن الذين امنوا وليس بضارهم

شيئا الا باذن الله عذت بما عاذت به ملائكة الله
المقربون وانبياؤه المرسلون وعباده الصالحون من شر
ما رأيت ومن شر الشيطان الرجيم و از پهلوئی که خوابیده بپهلوی
دیگر نقل کند و خواب را بکسی نقل نکند از شر آن ایمن باشد ان شاء الله تعالی
و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که خواب خوش از جانب خدای تعالی است
پس هرگاه خواب خوش بیند بکسی که دوست دارید نقل کنید و خواب راست
یکجزو از هفتاد جزو نبوتست و بروایت دیگر از چهل جزو و خواب مومن
بر بالای سرش مضطرب و متردد باشد تا آنکه تعبیر کنند بهر نحو تعبیر کنند چنان
شود پس خواب را بمومن عاقل مهربانی باید گفت تا تعبیر خوب کند و نیز مرویست
که خواب دو وقت راست باشد اگر با طهارت و ذکر خدای خوابیده باشد
یکی وقت قیلوله که شیطان را در آنوقت نصیبی نبود دوم بعد از نصف
شب که وقت نزول ملائکه است و خواب اول شب اعتبار ندارد که وقت
هیجان شیاطین است و مناسب اینمقامست ذکر نکته در کیفیت امر رؤیا
بدانکه از بسیاری احادیث ائمه طاهرین علیهم السلام و دلالت براهین عقلی متین
متین و محققست که روح مومن از طینت ملائکه آفریده شده و جوهرش از جنس

جوهر ملکوت سموات مخلوق گشته و بسبب ضرورت معاش و تحصیل زاد معاد و الفت
و آشنائی با بدن و قوی و اعضای بدن گرفته و شغل تدبیر نظام مملکت بدن
و همچنین اشتغال احوال حیوة دنیا از دیدن و شنیدن و خوردن و سائر واردات
حواس و قوی مانع توجه و التفات او بعالم خود شده و بسبب غربت درین
عالم دنیوی دامن گیر رجعت بملکوت سما و ملاء اعلی که وطن اصلی
اوست گشته و هرگاه که اندک فرصتی بسبب تخفیف این علایق و موانع
او را حاصل شود رجوع بعالم خود نموده با ابنای جنس خویش از ملائکه
و اهل ملاء اعلی الفت گیرد و مؤانست نماید و از رشحات علوم معارف
نامتناهی که از فضل جود و رحمت الهی بر اهل آن عالم در هر باب بیحساب
ریخته بقدر استعداد خود استفاضه نماید و بهره مند گردد و این حالت
اعنی رجوع بعالم اعلا و استفاضه از فضل اهل ملکوت سما و اولیاء اصفیای
خدا را که از شدت متابعت دین قویم و کمال امتثال احکام شرع مستقیم
و زهد در دنیا و ترک پیروی هوس و هوا و رفض علایق لذات و شهوات
و عوائق تحصیل فضول و تجملات بدن و اعضای خود را از ثقل فضلات
ماکل و مشارب پاکیزه ساخته و آئینهٔ دل شان از زنگ کدورت فکرهای

باطل و خیالهای فاسد و حوائج و مآرب پرداخته و جوهر روحشان از تیرگی ظلمت
اشتغال باین دنیای دنی جلا یافته و پرتو نور آن عالم که تمام نور و روحانیات
بر صفحهٔ قابلیتش تافته و کمال تسلط بر نفس خود و قوی آن بهم رسانیده اند این
حالت همیشه مقدور باشد خواه در خواب و خواه در بیداری و خواب و بیداری
ایشان یکسانست چنانکه حضرت پیغمبر فرموده تنام عیناي و لاینام قلبي
یعنی اگرچه چشمم گاهی سرمهٔ خواب می کشد اما دلم همیشه بنور خدا بیدارست
و از نیجهتست که انبیا بر قفا خوابند زیرا که همیشه منتظر نزول وحی باشند
چنانکه در احادیث آمده اما سائر مؤمنان را بحسب اختلاف مرتبه و قابلیت
وگاه گاه و احیانا که بدن از ثقل فضلات و بخارات غذا تخفیف و دل
از زنگ ظلمت خیالهای باطل دنیا خالی و روح از شدت شغل تدبیر بدن
و قوی فارغ گشته و آئینهٔ خاطرشان بنور یاد خدا اجلا و صفا یافته
باشد چون بخواب روند و حواس ایشان نیز از مشاغل محسوسات فراغ حاصل شود
و دلشان از تشویش واردات عالم ظاهر خلاصی یافته بحال خود پردازد
و متوجه عالم باطن که ملکوت عالم اعلاست شود روح شان را با اهل آن عالم
که موکلان تدبیر حادثات و مدبران نظم احوال کائنات اند ارتباط

وخلط رود بد واز رشحات علوم ومعارف ایشان که همه صدق وحقست
واز خزائن علم الهی بر ایشان احسان شده بران روح بحسب مناسبت حال
او فائض گردد واو در انعالم بچشم وگوش وقوای روحانی مشاهدهٔ
آن علم ومعرفت یا جزی که متعلق باحوال او یا غیر او باشد نماید چون
هنوز روح را از مصاحبت بدن وقوای بدن خلاصی تمام حاصل نگشته
بلکه آثار حواس وقوای بدنی هنوز در جوهر روح راسخ وثابتست مشاهدات
روحانی را چنان پندارد که بحواس ظاهری بدنی واقع شده واین حالت
اعنی مشاهدات روحانی وارتباط با ملائکه واهل ملاء اعلا واستفاضهٔ
از ایشان بعضی مومنان را نیز گاه باشد که از شدت زهد وتقوی وورع
وطاعت خدا تعالی عظیم بر ضبط حواس وقوی حاصل شده باشد در بیداری
نیز احیانا اتفاق افتد اما اگر دل وروح در رنگ تشویشات خیالهای
باطل وفکرهای فاسد فرو رفته وبظلمت هوسها وآرزوهای زایل حاصل ظلمانی
گشته ومکدورات فضلات وبخارات ماکل ومشارب سیاه وتیره شده
باشد هر چند بخواب هم رود که فرصت قابلیت آن ندارد که راه بعالم نور وصفا
وقرب با اهل ملاء اعلی تواند یافت وهمچنین اگر بدن بسبب ثقل وزیادتی غذا احتاج

بزیادی

بزیادی تدبیر واصلاح باشد روح را که مدبر بدنست مهلت آن ندهد که
بعالم دیگر تواند پرداخت اما اگر بعضی اخلاط مثل خون یا صفرا وغیر آن
یا بخارات غذا در بدن غالب گشته وهیجان نموده باشد چون بخواب رود آن
خلط وبخار بصورتی که مناسب آن باشد در نظر روح جلوه کند وچنان پندارد که
چیزی دیده یا شنیده مثلا خون وصفرا بصورت آتش وشفقهای الوان وسودا
وبخار بصورت ابرها وغبارهای سیاه وظلمانی جلوه کند وهمچنین اگر در بیداری
فکری وخیالی غالب گشته باشد وتسلط یافته باشد چون بخواب رود همان
خیالها در نظرش متمثل گردد واین قسم خوابرا که بسبب غلبهٔ اخلاط وبخارات
وخیالات باشد اضغاث واحلام گویند که مثل مشت خار وخسک امور زهم
رفته بی اصل چیزیست واعتباری وتعبیری ندارد دو قسم اول که از عالم
ملائکه فائض میشود درست وحق باشد ومحتاج بتعبیر بود ونیز بباید دانست
که چون حادثات عالم دنیا دو قسمت یکی آنکه در قضای الهی وقوعش حتم
وجزم شده که خلاف آن واقع نتوانند شد واین قسم بصورتی که احتمال
غیر آن نداشته باشد متمثل گردد ودوم آنکه بسبب مصلحتی وقوع وعدم وقوعش
هیچکدام هنوز حتم نشده بلکه مترددست وهر دو احتمال در وی میرود واین قسم

بصورت که مثل خودش متردد و محتمل باشد متمثل گردد و توجه نفوس انسانی
در حدوث حوادث گاهی مدخلیتی باشد پس از این جهت باید معبر عاقل و مهربان
باشد تا صورت متردد در تعبیری که خیر و مناسب باشد کند چون این جمله دانسته
شد رجوع بذکر و آداب نموده گوییم چون از خواب بیدار شود بگوید الحمد لله
الذي احياني بعد ما اماتني واليه النشور الحمد لله الذي
ردّ علي روحي لاحمده واعبده و سجده کند که حضرت پیغمبر هرگز
از خواب بیدار نشده مگر آنکه سجده میکرده و چون بعد از سجده بنشیند بگوید
حسبي الرب من العباد حسبي الذي هو حسبي منذ كنت
حسبي الله ونعم الوكيل و حضرت امام جعفر صادق ع هر بار که از خواب
بیدار میشده بآواز بلند چنانکه همه اهل خانه می شنیده اند میگفته اللهم اعني
على هول المطلع ووسع على المضجع وارزقني خير ما قبل
الموت وارزقني خير ما بعد الموت و چون نظر بطرف آسمان کند
بگوید اللهم انه لا يواري عنك ليل ساج ولا سماء ذات
ابراج ولا ارض ذات مهاد ولا ظلمات بعضها فوق بعض
ولا بحر لجي تدلج بين يدي المدلج من خلقك تعلم خائنة

الاعين

الاعين وما تخفي الصدور غارت النجوم ونامت العيون وانت
الحي القيوم لا تاخذك سنة ولا نوم سبحان رب العالمين واله
المرسلين والحمد لله رب العالمين ان في خلق السموات والارض
واختلاف الليل والنهار تا انك لا تخلف الميعاد از سوره آل عمران
و چون از تهیه نماز فارغ شود در مصلای خود آمده رو بقبله نشسته این دعا
بخواند که حضرت امام زین العابدین ع نصف شب که مردم در خواب بوده اند میخوانده
الهي غارت نجوم سماواتك ونامت عيون انامك وهدأت اصوات
عبادك وانعامك وغلقت الملوك عليها ابوابها وطاف
عليها حراسها واحتجبوا عمن يسالهم حاجة وانتجع منهم
فائدة وانت الهي حي قيوم لا تاخذك سنة ولا نوم ولا
يشغلك شيء عن شيء و محافظتش فرموده و اگر وقت بیرون رفتن
بگوید اعوذ بما عاذت به ملائكة الله من شر هذا اليوم
الجديد الذي اذا غابت شمسه لم تعد من شر نفسي ومن شر
غيري ومن شر الشياطين ومن شر من نصب لاولياء الله ومن
شر الجن والانس ومن شر السباع ومن شر ركوب المحارم كلها

اُجیرُ نفسی باللهِ مِن کُلِّ شَرٍّ خدای تعالی گناهانش بیامرزد و
توبه‌اش قبول فرماید و کفایت مهماتش کند و از جمیع شرور و مکاره
دنیا نگاهش دارد و مرویست که اگر چیزی بر قدر سبقت توانستی یافت
این بود که در وقت بیرون رفتن از خانه در حضر و سفر انا انزلناه بخواند
که زود مراجعت نماید و اگر برای حاجتی و مطلبی بیرون رود صبح شنبه
و صبح پنجشنبه بعد از طلوع آفتاب بیرون رود که روایات متعدد آمده
که این دو صبح برای حوائج مبارکست و روز سه‌شنبه نیز روایات بسیار
آمده که روز قضای حوائج و آسانی کارهاست و خدای تعالی درین روز
آهن را برای حضرت داود ع نرم کرد که زره ساخت و در وقت بیرون
رفتن پنج آیه از آخر آل عمران ان فی خلق السموات والارض تا انک لا تخلف
المیعاد و آیة الکرسی و انا انزلناه و الحمد بخواند که حوائج دنیا و آخرت درین
آیاتست و در راه رفتن زنان از کنارهای راه بروند و میان جاده را برای
مردان بگذارند و مردان از میان زنان نگذرند و بر سر هر پل شیطانی
ایستاده باشد پس چون به پل رسند بگویند بسم الله اللهم ادحر عنی
الشیطان الرجیم تا شیطان دور شود **در فضایل و حقوق دواب و آداب سواری آن**

مرو

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مرکب نگاه دارید که رزقش
بر خداست و منافع و ثوابش از شما و نه عشر رزق با کسی است که مرکبی داشته
باشد و هر کس مرکبی نگاه دارد که قضای حوائج خود با آن کند یا دفع دشمنی
نماید هر روز یک سیئه از او محو شود و شش حسنه ثبت گردد و اگر اسب نجیب
نگاه دارد که با آن جهاد کند و دفع اعدای دین نماید هر روز سه سیئه
محو شود و یازده حسنه ثبت گردد و حضرت امام علی النقی ع از کسی پرسید
که بر چه مرکب سواری می‌کنی گفت الاغی بسیزده دینار خریده‌ام فرمود
این از جمله اسرافست که الاغی را باین قیمت بگیری چرا اسب نگرفتی
گفت مؤنت اسب بیشترست فرمود کسیکه مؤنت الاغ میدهد مؤنت
اسب هم میتواند داد نمیدانی که کسی که منسوب بما باشد و اسبی نگاه دارد و منتظر
فرج ما باشد و اعدای ما را منکوب سازد خدای تعالی روزیش را فرستد
و سینه‌اش را بایمان صفا دهد و آرزوهایش را بر آرد و معین حوائجش باشد
و خیر از پیشانی اسب آویخته است تا روز قیامت و هر کس در راه خدا اسب را
نفقه دهد چنانست که دست بصدقه گشوده باشد و هرگز باز نگیرد و مرویست
که حضرت امیرالمؤمنین ع از یمن چهار اسب بهدیه بخدمت حضرت پیغمبر ص آورده بود

پرسید که اوصاف آنها را بیان کن گفت یکی اشقر یعنی کهر روشن دست و پا
سفید فرمود آنرا برای من نگاه دار گفت دویی دیگر کمیت یعنی کهر سیاه است
دست و پا سفید فرمود آنها را بدو پسرت یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام
بده گفت یکی دیگر ادهم یعنی کبود بی نشان است فرمود آنرا بفروش و نفقهٔ
عیال خود کن بعد از آن فرمود میمنت اسپ در آنست که نشانی غیر رنگ
خود داشته باشد و نیز مرویست که هر کس اسپ اشقر که در پیشانیش سفیدی
باشد و اگر سفیدی کشیده باشد بهتر بود که در دست و پایش نیز سفیدی
باشد نگاه دارد تا آن اسپ در ملک او و در خانهٔ او باشد فقر و ظلم در آن خانه
راه نیابد و نیز مرویست که دابه را بر صاحبش چند حق است اینکه بر رویش
چوب نزند و داغ نکند که روی دابه حمد و تسبیح خدا می کند و زیاده از قدر
طاقت راند و بار نکند و پشتش را مجلس نکند و صحبت ندارد و بار دار نگاه
ندارد و در سفر هر جا که باب رسد آب بر وی عرض کند و چون در منزل فرود
آید اول تهیهٔ آب و علف او کند و پا بر گردنش نگذارد و هر دو پا از
یکطرف نیاویزد و تکیه بر یکطرف نکند و بر پشتش خواب نکند و چون لگام کند
نزند که اجنه در نظر ایشان آید که در نظر شما انسان نمی آید و اگر لغزد و سکندری

خورد بگوید بسم الله و دشنام ندهد که او گوید میان من و تو هر کدام معصیت
بیشتر کرده چنین باشد و لعنتش نکند که خدای تعالی او را لعنت کند و هر کس
دابه بگیرد دعا کند که خدایا مرا صاحبی مشفق و مهربان عطا فرمائی
که مرا سیر و سیراب کند و زیاده بر طاقتم بار نکند و مرویست که در
بینی چارپای شیطانی باشد چون خواهند لگامش کنند بسم الله
بگویند و اگر در لجام کردن یا سوار شدن یا غیر آن سرنجی و چالقی
کند این آیه در گوشش ات وبخوانند أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ
مَنْ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ و نیز بگوید اللَّهُمَّ سَخِّرْهَا وَبَارِكْ فِيهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ و انا انزلناه بخوانند و هر کس در وقت سوار شدن بسم الله بگوید
فرشته با او ردیف شود که محافظتش کند تا آنکه فرود آید و اگر
بسم الله نگوید شیطانی ردیف شود و گوید خوانندگی و غنا کن اگر گوید
نمیدانم گوید آرزوهای باطل کن پس همیشه در آرزوهای باطل باشد تا وقتی
که فرود آید و اگر وقت سوار شدن بگوید بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا

لِتَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدٰانَا اللّٰهُ سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هٰذَا
وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ او و مرکبش هر دو محفوظ باشند تا آنکه فرود
آید و اگر انا انزلناه بخواند بر مرکب گرانتر از آهن باشد و بسلامت و گناهانش
آمرزیده فرود آید و سواره پیاده را بگوید راه بده که از خصال جور است
و زنان بر زین سوار نشوند که زین برای ایشان ملعونست و تهییج زنا کند
و اگر چارپا بگریزد مکرر بگویند یَا عِبَادَ اللّٰهِ احْبِسُوهُ اگر نشاید
بایستد **فصل دهم در فضایل و آداب مکاسب و معاملات** مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که عبادت هفتاد جزوست و افضل اجزایش طلب حلالست و هر کس
طلب حلال کند تا از مردم مستغنی باشد و رعایت احوال همسایگان کند روز
قیامت رویش چون ماه شب چهارده باشد و هر کس از ممر حلال کسب کند
و تحصیل معیشت برای عیال خود نماید اجرش عظیم‌تر است از کسی که در راه
خدا جهاد کند و از جمله سعادت مرد آنست که قیم عیال خود باشد و خدای تعالی
بحضرت داود وحی فرمود تو خوب بنده اگر کسب کنی و از بیت المال
معاش نکنی گفت خدایا کسبی نمیدانم پس خدای تعالی آهن را نرم کرد و زره
میساخت و میفروخت تا آنکه مستغنی گشت و خدای تعالی دشمن دارد آدم جوان

بیکار را و نیز مرویست که خدای تعالی روزی هر کس را از حلال قسمت کرده
و تقدیر فرموده نه از حرام پس هر کس صبر کند و از حرام اجتناب نماید
خدای تعالی رزق او را از حلال برساند و تا آنچه برای او مقدر فرموده تمام
نکند از دنیا نرود و اگر هتک حرمت الهی نماید و مرتکب حرام شود هر قدر
از حرام تحصیل کند آنقدر از حلال کم کند و روز قیامت مطالبه و مواخذه نماید
و امثال این اخبار در فضایل کسب حلال و احتراز از حرام زیاده از آنست
که درین مختصر گنجد **مرویست** که نه جزو رزق در تجارتست و یک جزو در سایر
کارها و تجارت عقل زیاد کند و ترک آن دو ثلث عقل کم شود و زراعت
کردن کیمیای اکبر است و روز قیامت اهل زراعت نزدیکترین مردمند
بخدای تعالی و مقام ایشان بهترین مقامهاست و بهترین کارها زراعت
که انسان و حیوان منتفع شوند و نیکان هم بدان بهره برند اگر نیکان بخورند
برای زارع استغفار نمایند و اگر بدان بخورند ایشانرا لعنت کنند و زارعان
اهل توکلند که تخم افشانند و توکل بر خدا کنند و منتظر فضل و رحمت او
باشند **اما آداب مکاسب و معاملات** مرویست که چون کسی خواهد تجارت کند
اول مسائل و آداب آنرا بیاموزد و حلال و حرام بشناسد که ربا در معاملات

خفی تر است از نقش پای مور بر سنگ خاره ویکدیگر با عظیم تر است از معاد
زنا که همه با محرمان و خویشان باشد و با نوکیسه معامله نباید کرد که دست را
تا مرفق در دهن اژدها کنی بهتر است از آنکه با نوکیسه معامله کنی و اول روز
برای معاملات و حاجات مبارک است خصوصاً روز شنبه و پنجشنبه که حضرت
پیغمبر صلعم دعا کرد و گفت خدایا صبح این دو روز را بر امت من مبارک
گردان اما پیش از طلوع آفتاب مشغول کارهای دنیا نباشد که آن ساعت
عبادت و ذکر است و جنود شیطان در اطراف برای اضلال انسان
متفرقند و چون کسی داخل بازار شود بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ
حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ هزار هزار حسنه
ثبت کنند و هزار هزار سیئه محو کنند و هزار هزار درجه بلند گردانند و اگر
بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ تا آخر چنانکه در فصل دخول مسجد
گذشت برابر است با یک حج و یک عمره و چون داخل دکان خود شود
بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِهَا وَخَیْرِ اَهْلِهَا وَاَعُوذُ
بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ اَهْلِهَا خدای تعالی فرشته موکل گرداند که

درانروز او را از شر بازار محافظت نماید و چون بنشیند بگوید اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ حَلَالًا طَیِّبًا وَاَعُوذُ
بِكَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ
وَیَمِینٍ كَاذِبَةٍ فرشته که بر او موکل است گوید مژده باد ترا که امروز در این
بازار هیچکس معامله‌اش بهتر از تو نباشد که حسنات رو بتو آورد و سیئات
محو گردد و نصیب تو حلال و مبارک بتو رسد و هر کس در بازار ذکر خدا کند
و در معاملات خدا را فراموش نکند و از حکم او تجاوز ننماید بعدد انسان
و حیوانی که در آن بازار باشند گناهان از او آمرزیده شود و چون متاعی
یا چیزی بخرد سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اشْتَرَیْتُهُ اَلْتَمِسُ فِیهِ
مِنْ فَضْلِكَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لِی فِیهِ فَضْلًا
و سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اشْتَرَیْتُهُ اَلْتَمِسُ فِیهِ مِنْ رِزْقِكَ فَا
جْعَلْ لِی فِیهِ رِزْقًا و بر متاع این کلمه بنویسد که ان شاء الله از آن
منتفع شود و اگر بنده بخرد بگوید اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِی فِیهِ وَاجْعَلْهُ طَوِیلَ
الْعُمُرِ كَثِیرَ الرِّزْقِ و اگر اراده خریدن دابه کند سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ

اِنْ كانَتْ عَظيمَةَ البَرَكَةِ فاضِلَةَ المَنفَعَةِ مَيْمُونَةَ النّا
صِيَةِ فَيَسِّرْ لِي شَرآءَها وَاِنْ كانَ غَيْرُ ذٰلِكَ فاصْرِفْني عَنْها
اِلَى الَّذي هُوَ خَيرٌ لِي مِنْها فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلا اَعْلَمُ وَتَقْدِرُ
وَلا اَقْدِرُ وَاَنْتَ عَلّامُ الغُيُوبِ چون بخرد در جانب چپ و بایستد
و کاکلش را با دست راست بگیرد و الحمد و قل هو الله احد و معوذتین و آیه
لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و آیه قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
تا آخر سوره بنی اسرائیل و آیة الکرسی بر سرش بخواند که ان شاء الله تعالی
از آفات ایمن گردد و چون کسی خواهد زراعت کند اول یک مشت
از آن تخم در دست گیرد و رو بقبله ایستاده سه مرتبه بگوید ءاَنتُم
تَزرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزّارِعُونَ بعد از آن سه مرتبه بگوید بَلِ اللهُ
الزّارِعُ بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُتَراكِمًا وَارْزُقْنا
فِيهِ السَّلامَةَ بعد از آن بیفشاند و هر کس زراعت کند یا درخت بنشاند
بر هر دانه یا بر نهال بگوید سُبْحانَ الباعِثِ الوارِثِ هیچکار از خطا
نکند از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود برادرم عیسی بر شهری گذشت
اهل آن شهر شکایت نمودند که میوهای ما را همیشه کرم میزند گفت سبب آنست

که شما چون درختها می‌نشانید اول در بیخ درخت خاک میریزید و بعد از آن
آب میدهید چنین مکنید بلکه اول آب بریزید و بعد از آن خاک تا کرم
از آن علت نجات یافتند و اگر در مزرعه یا بوستان بیم آفت کرم
باشد این فسون را بر چهار پاره کاغذ بنویسند و در میان چهار نی
بگذارید و در چهار جانب مزرعه یا بوستان جا دهید از مضرت
جانوران ایمن شوید ان شاء الله تعالی اَيَّتُهَا الدَّوابُّ وَالهَوامُّ
وَالحَيَواناتُ اُخْرُجُوا مِنْ هٰذِهِ الاَرْضِ وَالزَّرْعِ اِلَى الخَرابِ
كَما خَرَجَ ابْنُ مَتّى مِنْ بَطْنِ الحُوتِ وَاِنْ لَمْ تَخْرُجُوا اُرْسِلَ
عَلَيْكُمْ شُواظٌ مِنْ نارٍ وَنُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ اَلَمْ تَرَ اِلَى
الَّذينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَهُمْ اُلُوفٌ حَذَرَ المَوْتِ فَقالَ
لَهُمُ اللهُ مُوتُوا اَقْسَمْتُ اُخْرُجْ مِنْها فَاِنَّكَ رَجيمٌ فَخَرَجَ
مِنْها خائِفًا يَتَرَقَّبُ سُبْحانَ الَّذي اَسْرى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ
المَسْجِدِ الحَرامِ اِلَى المَسْجِدِ الاَقْصى كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ
يَلْبَثُوا اِلّا عَشِيَّةً اَوْ ضُحٰيها فَاَخْرَجْناهُمْ مِنْ جَنّاتٍ وَعُيُونٍ
وَزُرُوعٍ وَمَقامٍ كَريمٍ وَنَعْمَةٍ كانُوا فِيها فاكِهينَ فَما

بکت علیهم السماء والارض وما کانوا منظرین اخرج منها مذؤما
مدحورا افلنأتینهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم
صاغرون واگر بیم آفت ملخ باشد این صورت نوشته در کوزه آب ریزد
که گذشته در چهار جانب مزرعه پنهان کنند بدین صورت

الملك ـــــــــــــــ لله

بسم الله الرحمن الرحیم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله بتم
بلاء ملخ و آفت مزرعه فلان را بحد معین فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی
بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون الم تر ان الله یزجی سحابا ثم یؤلف بینه
ثم یجعله رکاما فتری الودق یخرج من خلاله وینزل من السماء من
جبال فیها من برد فیصیب به من یشاء ویصرفه عمن یشاء یکاد سنا برقه
یذهب بالابصار سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
سلام علی نوح فی العالمین انا کذلك نجزی المحسنین نوح نوح نوح نوح اللهم ادفع بلاء الجراد
من هذه المواضع بحق محمد و آله

چون کسی صاحب غله و سایر ماکولات باشد که عامة الناس محتاج آن باشند احتکار کند یعنی بطلب

گرانی نگاه دارد اگر دزدی کند بهتر است از آنکه چهل روز احتکار کند و در روایت دیگر آمده
که ملعون است کسیکه در وسعت و ارزانی بیش از چهل روز و در تنگی بیش از سه روز احتکار کند

فصل یازدهم در فضایل مریض و عیادت مریض و معالجه امراض

مرویست از ائمه
طاهرین علیهم السلام که چون مؤمن مریض شود ملائکه که موکلند بر نوشتن اعمال او همه
باسمان روند خدای تعالی از ایشان سوال فرماید که از این بنده من در ایام مرض چه
نوشته اید گویند شکایت فرماید انصاف نباشد که من بنده خود را حبس کنم بر این
شکایت منع نمایم هرچه از طاعات و عبادات که در ایام صحت برای او می نوشتید
در ایام مرض نیز همان را بنویسید و هیچ سیئه بر او منویسید و ناله مریض تسبیح
و فریاد و شیون او تهلیل است و غلطیدنش از پهلو بپهلو در میان جا جهاد است که کسی در راه
خدا شمشیر زند پس چون صحت یابد اگر ترک معاصی کند و بخدای تعالی بازگشت نماید
گناهانش آمرزیده شود و اگر خبردار نشود و همان بر حال سابق باشد وای برو
و بد احوالش و نیز مرویست که چون مؤمن یکشب تب کند کفاره همه گناهانش باشد
و برابر است با یکسال عبادت و تب دو شب با دو سال و سه شب با هفتاد سال
و یکشب صداع همه خطایا را بریزد بغیر کبائر و یکشب بیخوابی بسبب مرضی یا وجعی اجرش
عظیم تر است از یکساله عبادت و خدای تعالی فرموده چون بنده مومن را مرضی

یا بلائی مبتلا کنم و بکسی شکایت نکند هر یکبار گوشت و پوست و خون ویش را
بدل کنم بهتر از آنی که با آن گناه نکرده باشد پس اگر شفا دهمش هیچ
گناه برو نگذارم و اگر قبض روحش کنم بجوار رحمت خود ببرم و هر مومن که یکشبانه
روز مریض شود و شکایت نکند با ابراهیم خلیل مبعوث شود و چون برق لامع
از صراط بگذرد و هر کس که شب مرضی و المی داشته باشد و شکر کند و آنرا
قبول نماید یعنی شکایت نکند شصت ساله عبادت برایش نویسند پرسیدند
که حد شکایت کدام است حضرت امام فرمود این که بگوید بلیه یا آزاری
کشیدم که هیچکس نکشید و اما اگر گوید تب کردم یا بیخوابی کشیدم و مثل
این راست گوید شکایت نباشد و چون طفلی مریض شود کفارهٔ گناه
والدینش باشد و مستحبست که چون کسی را مرضی عارض شود دوستانرا
خبر کند تا عیادتش کنند و اگر چنین کند ده حسنه برایش نویسند و ده سیئه
محو کنند و ده درجه بلند گردانند **اما فضایل و آداب عیادت مریض و سعی
حوائج او** مرویست که هر کس مومنی را عیادت کند داخل رحمت شود
و چون پیش او بنشیند رحمت او را فرو گیرد و چون مراجعت کند خدای تعالی
هفتاد هزار ملک بر او موکل گرداند که مشایعتش کنند و با او رفیق باشند

تا ساعت از روز دیگر و برای او دعا و استغفار نمایند و گویند خوش
باشی و خوش باد ترا بهشت و مکانی در بهشت عطا فرماید که چهل روزه
راه سواری باشد و در روایت دیگر آمده که هفتاد هزار ملک موکل فرماید
که بخانه اش آیند و تا روز قیامت تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر گویند
و نصف عبادت ایشان برای او ثبت شود و یک ملک موکل فرماید که او را
در قبر عیادت کند و تا روز قیامت برایش استغفار نماید و مستحبست
که چون بعیادت مریض روند سیبی و بهی و مجملا تحفه برای او ببرند
تا بآن تسلی یابد و شگفته شود و در پیش او بسیار توقف نباید کرد که مبادا
برو دشوار باشد و هر کس بعیادت مریض رود و باین کلمات برای او
دعا کند البته شفا یابد اگر موتش مقدر نشده باشد أَسْأَلُ اللهَ
الْعَظِیمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ أَنْ یَشْفِیَكَ و چون از پیش او برخیزد
بگوید کَشَفَ اللهُ ضُرَّكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَحَفِظَكَ فِی دِینِكَ
وَبَدَنِكَ إِلَی مُنْتَهَی أَجَلِكَ و مریض نیز برای ایشان دعا کند که دعای
مریض برای کسیکه بعیادتش رود مستجابست و هر کس یکشبانه روز
بیمار داری کند با ابراهیم خلیل مبعوث شود و چون برق از صراط بگذرد

وهر کس در حاجتی برای مریض سعی کند خواه برآورده شود و خواه نه از
گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده کسی پرسید یا رسول الله اگر
مریض از اهل بیت آنکس باشد فرمود ثوابش عظیم‌تر باشد و اما معالجات
امراض مرویه که از اهل بیت طاهرین علیهم السلام دو قسمت یکی آنکه
تاثیرش از راه توکل و انقطاع بخدا و التجا بمحض لطف او و توسل بولا-
وشفقت اهل بیت علیهم السلام است و اثر طبیعت و مزاج را درین دخلی
نیست و اگر در بعضی از آن اندک دخلی هم باشد بی اخلاص و یقین تاثیرش
مثل سایر ادویه باشد و هر کس را این اخلاص و یقین و التجا بحقیقت باشد
ازین قسم معالجات البته منتفع شود چنانکه در زمان حضور حضرات ایشان هم
جمعی که بلا واسطه یا باندک واسطه می‌شنیده و عمل مینموده‌اند از آن
عظیم‌تر مرضی نمی‌بوده که منتفع میشده‌اند و درین ازمنه که بسبب وفور
معاصی و شیوع مناهی و غلبه حرص و تشویش دنیا در دلها اخلاص
مشوب بشرک و یقین مغشوش بشک گشته نادر باشد اگر مومنی از روی خلوص
و یقین دعا می کند یا بمعالجه عمل نماید و باثر اجابت و صحت مقرون نباید و صدق آنچه
گفته شد از مضامین بسیاری احادیث که ذکر آنها موجب اطناب و خروج ازین

بابت واز آن جمله این حدیث که مذکور شود ظاهر و لایحست حضرت صادق ع
فرمود در روزی عیسی با یکی از اصحابش در خدمتش براهی میرفتند بدریا
رسیدند عیسی از روی یقین بسم الله گفته بر روی آب روان گشت
آن مرد نیز بسم الله گفته بر روی آب روان گشت تا با آنحضرت ملحق شد
پس بخاطرش رسید که چه تفاوتست میان من و پیغمبر خدا پس ناگاه
بآب فرو رفت حضرت عیسی نگاه کرد و فرمود از آنچه بخاطرت رسیده
استغفار کن استغفار کرد بهمان بر روی آب روان شد قسم دوم آنکه
تاثیرش از راه مزاج و طبیعت است و این قسم لامحاله بحسب اختلاف امراض
و امزجه و اماکن و ازمنه مختلف شود و بسیاری مردم بسبب آنکه فرق
میان این دو قسم نکرده‌اند ادویه را در امراض مختلف و امزجه نامناسب
استعمال کرده‌اند و موجب فساد و هلاک گشته و باین سبب با درین مقام
اکتفا بذکر قسم اول نمائیم اما ازین جهة که این رساله از شرف روایت
قسم دوم محروم نباشد چند دوا از آن هم بر صفحه روایت نگاریم و عهده
ملاحظه موافقت و احتیاط را بر ذمه کسیکه معالجه کند کردانیم قسم اول
دو نوعست نوع اول صدقه و ادعیه مرویست که بیماران خود را بصدقه معالجه

کنند که صدقه امراض و بلایا را دفع کند و مستحب است که بیمار بدست خود صدقه
دهد و بسایل بگوید تا او را دعا کند که دعای سایل برای معطی مستجاب است
و تفصیل فضایل صدقه ان شاء الله تعالی بعد ازین بیاید و ما ادعیه و اذکار بسیار است
بذکر شطری از آن اختصار کنیم **جهة جمیع امراض و اوجاع بگوید** وَنُنَزِّلُ مِنَ
الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ و دست بران موضع بمالد
و مرویست که هیچکس از روی اخلاص چنین نکند مگر آنکه شفا یابد ایضا بر هر وجع
و علت هفتاد مرتبه الحمد بخوانند مرویست که اگر بر میت بخوانند و روح ببدنش
عود کند عجب نباشد و مرضی که بالحمد شفا نیابد بهیچ چیز شفا نیابد ایضا
بعد از نماز صبح چهل مرتبه بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ
الْخَالِقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دست
بر آن موضع بمالد راوی گوید مرا گوفتی عارض شد که اطبا از معالجه آن
اعتراف بعجز نموده از مداوا مأیوس گشتند پس من از غایت حزن و اندوه
کتابی بر داشتم که مطالعه کنم در پشت آن کتاب این را دیدم چون نماز صبح
گزاردم باین عمل نمودم هنوز نشسته بودم که آن علت صحت یافت و می‌ترسیدم

که مبادا باز عود کند سه روز صبر کردم و باین عمل مینمودم بعد از آن پدر خود را
خبر کردم شکر نموده طبیبی حاذق یهودی را آورد و حکایت قصه با او
نقل کرد چون ملاحظه نمود همان ساعت ایمان آورد **در تب و بیماری بند**
پیراهن بگشاید و سر در درون گریبان برده اذان و اقامت بگوید و هفت
مرتبه الحمد بخواند راوی گوید من تب داشتم چون چنین کردم گویا از بندی رهائی
یافتم **طریقه دیگر** اول صبح پیش از آنکه با کسی حرف زند هفت مرتبه الحمد بخواند و اگر
صحت نیابد روز دیگر هفتاد مرتبه بخواند حضرت صادق ع فرمودند بعد از این
ضامن شفای اویم **طریقه دیگر** کماج کندم که بوزن تبریز تخمینا یکمن است
اندکی بیشتر بگیرد دو بر پشت بخواباند و گندم را بر روی سینه بریزد بهر جا که
رنجه شود و بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ
بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ
جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي پس راست بنشیند و گندم را از اطراف جمع کند و همین دعا بخواند
پس چهار قسمت کند و همین دعا بخواند و هر قسمی را بمسکینی دهد راوی گوید چون چنین کردم
گویا از بندی نجات یافتم **طریقه دیگر** با دو بیمار دو رکعت نماز بگزارد و در سجود بگوید

اللّهمّ انّك وهبته لي ولم يك شيئاً فهبه لي هبةً جديدة

راوی کوید من بیماری شدید داشتم حضرت امام جعفر صادق ع بدیدن من آمد

وچون جزع مادر مرا دید باین طریقه تعلیمش فرمود وچون صباح شد

هریسه پخته بودند من نیز با ایشان در خوردن شراکت کردم و این طریقه در

روایت دیکر چنین آمده که مردم آمده بودند که بر جنازهٔ من حاضر شوند

حضرت صادق ع بمادرم فرمود غسل کن وبر بام خانه در زیر آسمان

دو رکعت نماز بکزار وبعد از نماز بکوی اللّهمّ انّك وهبته

لي ولم يك شيئاً اللّهمّ انّي استوهبكه مبتدئاً فاعرنيه

طریقه دیکر مادر بیمار بر بالای بام رفته مقنعه از سر بردارد وموی سر بآسمان

کشوده بکوید اللّهمّ انت اعطيتنيه وانت وهبتنيه فاجعل

هبتك اليوم جديدةً انّك قادر مقتدر هنوز سر بر نداشته

باشد که فرزندش شفا یابد طریقه دیکر بیمار خود بکوید اللّهمّ ارحم جلدي

الرّقيق وعظمي الدّقيق واعوذ بك من فورة الحريق يا امّ

ملدم ان كنت امنت بالله فلا تاكلي اللّحم ولا تشربي

الدّم ولا تفوري من الفم وانتقلي الى من يزعم انّ مع الله

الهاً آخر فانّي اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شريك له وانّ

محمّداً عبده ورسوله حضرت صادق ع فرمود مکر زیاده بر این دعا نیاز

نبردم مکر که شفا یافتم و مستحب است که مریض در ایام مرض مکرّر بکوید لا اله

الّا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت

وهو حيّ لا يموت سبحان الله ربّ العباد والبلاد والحمد

لله حمداً كثيراً طيّباً مباركاً فيه على كلّ حالٍ والله اكبر كبيراً

كبرياء ربّنا وجلاله وقدرته بكلّ مكانٍ اللّهمّ ان كنت

امرضتني لقبض روحي في مرضي هذا فاجعل روحي في ارواح

من سبقت له منك الحسنى جهت تب لرز بر سه پاره کاغذ بنویسد و هر روز

یکی را با کلاب شسته بنوشد بسم الله الرّحمن الرّحيم هطك هطك

هطك ههه شفاء من الله العزيز الحكيم بحق اطط اطيط

هل توصي اينيا برنمغز ا وام بنویسد و هر روز سه عدد را نشسته بخورد

روز اول بر یکطرف بسم الله وبر طرف دیکر سوما بنویسد و روز

دوم الرّحمن بر طرفی وبر طرف دیکر واسوما روز سوم الرّحيم بر جانبی

وابرسوما بر جانب دیکر اليتنا بر سه کاغذ با قلم باریک خیالکه بتوان

خواند بنویسد بسم الله ذی العزة والکبریاء والتوز و کاغذها را مدور

بپیچد و هر روز یکی را انگشتانه کجوزد جهة تب غب سه برگ از درخت بگیرد و بنام

مریض بریکی بنویسد طیسوما و بر دیگری اوحوما و بر دیگری ارسوما و در

ریزند جهة تب ربع بر دست راستش بنویسد بسم الله جبرئیل و بر دست چپ

بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل و بر پای چپ بسم الله لایرون

فیها شمسا ولا زمهریرا و بر میان هر دو کتف بسم الله العزیز الجبار طریقه

دیگر بر کاغذی بنویسند بسم الله الرحمن الرحیم ابجد هوز حطی عن فلان

بن فلان باذن الله و برای آن کاغذ هفت مرتبه بنویسد خاتم سلیمن

و کاغذ را بر هم پیچد و بعد از آن ریسمانی که آب و آب وهن هیچکاه بلیده باشد

که بی بران زند پس جانب راستش چهار گره و بر جانب چپ سه گره

زند و در وقت گره زدن ریسمان از ایشش دهن برد و بر هر گره الحمد

و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و بر بازوی راست بندد

و آیة الکرسی بخواند و با آن جماع نکند وجع در هر عضو که باشد بگوید

بسم الله و دست بران عضو بمالد و بعد از آن هفت مرتبه بگوید اعوذ

بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله و

اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِ اللهِ وَاَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ

وَاَعُوذُ بِاَسْمَاءِ اللهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ

عَلٰی نَفْسِی جهة درد سر و گوش دست بران گذارد و هفت مرتبه بگوید

اَعُوذُ بِاللهِ الَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ

وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ جهة درد شقیقه دست بر آنجانب گذاشته سه مرتبه

بگوید یَا ظَاهِرًا مَوْجُودًا وَیَا بَاطِنًا غَیْرَ مَفْقُودٍ اُرْدُدْ عَلٰی عَبْدِکَ

الضَّعِیفِ اَیَادِیکَ الْجَمِیلَةَ وَاَذْهِبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ اَذًی

اِنَّکَ رَحِیمٌ قَدِیرٌ جهة درد چشم باعتقاد شفا آیة الکرسی بخواند شفا

یابد ایضا آیه نور را بگلاب و با تربت حضرت امام حسین ع و آب زمزم

بر جامی نویسد و جام را بشوید و در شیشه کند و با میل در چشم کشد ایضا

از بعضی صلحا منقول است که در خواب کسی او گفت که بگوی اعیذ نور بصری

بنور الله الذی لا یطفی و دست بر چشم بمال و آیة الکرسی بخوان

چنین کرد شفا یافت و مکرر تجربه نیز کرده اند جهة سنگینی گوش دست

بر گوش گذارد و بگوید لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ لَرَاَیْتَهُ

تا آخر سوره حشر جهة درد دندان انگشت سبابه بران گذارد و بگوید

بسم الله اسئلك بعزتك وجلالك وقدرتك على كل شئ ان
مريم لم تلد غير عيسى روحك وكلمتك ان تكشف ما يلقى
فلان بن فلانة من الضر كله جهة خون از بینی واز هر عضو که آید بگوید
بسم الله الرحمن الرحيم ما قطعتم من لينة او تركتموها قائمة
على اصولها فباذن الله وليخزى الفاسقين و بران موضع
و مد جهة درد دهن دست بران گذارد و بگوید بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الذى لا يضر مع اسمه داء اعوذ بكلمات الله التى
لا يضر معها شئ قدوس قدوس قدوس اسئلك يا ربّ
باسمك الطاهر المقدس المبارك الذى من سألك به
اعطيته ومن دعاك به اجبته اسئلك يا الله يا الله
يا الله ان تصلى على محمد النبى واهل بيته وان تعافينى
مما اجد فى فمى وفى راسى وفى سمعى وفى بصرى وفى
بطنى وفى ظهرى وفى يدى وفى رجلى وفى جوارحى كلها
از سیاق این دعا چنین مفهوم میشود که برای درد هر عضو توان خواند جهة
درد دل و سینه این آیات را بر آب بخواند و بیاشامد لئن انجيتنا من هذه

لنكونن من الشاكرين سيهزم الجمع ويولون الدبر بل الساعة
موعدهم والساعة ادهى وامر ان الله يمسك السموات و
الارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده
انه كان حليما غفورا درد شکم قدری آب کرم بیاشامد و بعد از آن بگوید
يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم يا رب الارباب يا اله الالهة
يا ملك الملوك يا سيد السادات اشفنى بشفائك من كل داء
وسقم فانى عبدك وابن عبدك اتقلب فى قبضتك از برای درد
تهیگاه دست بران بمالد و سه مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله وقدرته
على ما يشاء من شر ما اجد ایضا دست بمالد و سه مرتبه بگوید بسم الله
وبالله محمد رسول الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
اللهم امح عنى ما اجد فى خاصرتى جهة درد پشت دست بران گذارد
و بگوید وما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتابا مؤجلا
ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها وسنجزى الشاكرين و نفث
نوبت دیگر از سر آن بخواند جهة درد ناف دست بران گذارد و سه مرتبه بگوید
وانه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه

تنزيل من حكيم حميد **جهة درد دندان** در آب گرم بنشيند و دست بر موضع

درد كذاشته بگويد اولم ير الذين كفروا ان السموات

والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شئ

حي افلا يؤمنون **جهة درد فرج** دست چپ بر ران گذارد و سه مرتبه بگويد

بسم الله وبالله بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره

عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون اللهم اني اسلمت وجهي

اليك وفوضت امري اليك لا ملجا ولا منجا الا اليك **جهة درد شانه**

وقت خوابيدن سه مرتبه و چون بيدار شود ديگر مرتبه بگويد الم تعلم ان الله

له ملك السموات والارض وما لكم من دون الله من ولي ولا

نصير **جهة نفخ شكم بگويد** بسم الله الذي اتخذ ابرهيم خليلا

وكلم موسى تكليما وبعث محمدا بالحق نبيا و بعد از آن سه مرتبه بگويد

يا ريح اخرجي باذن الله **زحير بعد از نماز شب بگويد** اللهم ما كان من

خير فمنك لا احمد لي فيه وما كان من سوء فقد حذرتنيه لا عذر لي اللهم اني اعوذ بك ان اتكل على ما لا احمد لي

فيه وامن ما لا عذر لي فيه **جهة بواسير بگويد** يا جواد يا ماجد



يا رحيم يا قريب يا مجيب يا بارئ يا راحم صل على محمد وآله

واردد علي نعمتك واكفني امر وجعي **طريقه ديگر** سوره يس عسل

نوشته و شسته بياشامد **جهة سنگ مثانه و فالج و سحو ذكر بگويد** اللهم اني

ادعوك دعاء الذليل الفقير العليل ادعوك دعاء من اشتدت

فاقته وقلت حيلته وضعف عمله والح عليه البلاء

جهة دفع فالج و قولنج و بادهاى مفاصل الحمد و قل هو الله احد و معوذتين بر آن

بخواند و بعد از آن بر استخوان شانه يا بر لوحى بنويسد اعوذ بوجه الله

العظيم وبعزته التي لا ترام وقدرته التي لا يمتنع منها شئ

من شر هذا الوجع ومن شر ما فيه ومن شر ما اجد منه

و با آب باران بشويد و ناشتا بياشامد و بخوابد **جهة حب زر** سه مرتبه سوره

اذا جاء نصر الله و سه مرتبه اين آيه كه ان الذين قالوا ربنا الله ثم

استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا

وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون بر كف دستهاى صاحب حب زر

بخواند و هر دو دست را هفت مرتبه بر سر تش بالد **طريقه ديگر** روز چهارشنبه

آخر ماه پيش از طلوع آفتاب بنويسد و بر بازوى چپ بندد و بعد از ده روز

بکشاید و در آب روان انداز دوا کر به نشود چهارشنبه دیکر چنین کند بسم الله تبرک شفا یابد الم المص الر الر الر المر الر الر الر حم حم عسق حم حم حم کهیعص طه طسم طس طسم الم الم الم الم یس ص ق ن ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا ووضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیه

ایها الطحال ارجع الی الموضع

٤ا٤ح	ا و ده	و د	ح م ر
ح٤ا٤	ا و ده	و د	رهمه ح
سا٤ا٤ل	م م	رو	٤ مدر
سا٤ا٤ل	م م	رو	اط ٤

تجی محمد وآل محمد صلی الله علیهم

جهة پیچ شکم سه مرتبه بر آب بخواند یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و آب را بیاشامد و دست بر شکم بمالد طریقهٔ دیکر هفت مرتبه بر آب بخواند بسم الله المتعلمون الذین لا یعلمون قاعدون فوق علیین یاکلون نورا طریا یسألون صاحبهم من النور العلوی کذالک یشفی فلان بن فلانه چون ممزوج شود بر شکم بمالد و بیاشامد

جهة حبس بول هر دو پا را بشوید و بر ساق چپ بنوید ففتحنا ابواب السماء

بماء منهمر لمن کان کفر جهة دسواری بول بکوید ربنا الله الذی فی السماء تقدس اللهم اسمك فی السماء والارض اللهم کما رحمتك فی السماء اجعل رحمتك فی الارض اغفر لنا حوبنا وخطایانا انت رب المتطیبین انزل رحمة من رحمتك وشفاء من شفائك علی هذا الوجع فلیبرء جهة درد زانو بعد از نماز بکوید یا اجود من اعطی ویا خیر من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی واعفنی من وجعی جهة درد پستان هفت مرتبه بخواند اتل ما اوحی الیك من کتاب ربك لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا جهة درد سر و یا بخواند انا فتحنا لك فتحا مبینا عزیزا حکیما جهة درد پی و کف پا دست بران کذارد چنانکه جای الم کند و بکوید بسم الله وبالله وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون جهة ورم و دنبع در هر جای بدن که باشد چون کاهی نماز فریضه وضو کند پیش از نماز و بعد از نماز بران بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سورهٔ حشر جهة عرق النسا دست بران کذارد و بکوید بسم الله

وبالله اعوذ باسم الله الکبیر واعوذ باسم الله العظیم من
شر کل عرق نعار ومن شر حر النار جهة سل سه مرتبه بکوید یا
رب الارباب ویا سید السادات ویا اله الالهة ویا ملک
الملوک ویا جبار السموات والارض اشفنی وعافنی من دائی
هذا فانی عبدک اتقلب فی قبضتک وناصیتی بیدک
جهة دفع خنازیر بعد از هر فریضه در سجده بکوید یا رؤوف یا رحیم یا ربی
یا سیدی صل علی محمد وال محمد وعافنی من علتی جهة دفع
برص دو رکعت نماز بکزارد وبعد از ان بکوید یا الله یا رحمن یا رحیم
یا سامع الاصوات یا معطی الخیرات اعطنی خیر الدنیا والاخرة
وقنی شر الدنیا والاخرة واذهب عنی ما اجد فقد غاظنی واحزننی
طریقه دیکر سوره یس با عسل بر جامی نویسد وشسته بیاشامد جهة دق وجراحت
چون بجای چوب زده بکوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلمات الله التامات
التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر ومن شر کل ذی شر جهة جوشش انکشت
بران بکیه زر دو بر دور آن بکرداند وهفت مرتبه بکوید لا اله الا الله الحلیم
الکریم ودر مرتبه آخر انکشت را بران بفشرد جهة بوک یکپاره نمک برداشته

بران

بران بمالد وسه مرتبه بران بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر ونمک را در
تنور می اندازد وبسرعت بر کردد طریقه دیکر چون ماه در تحت الشعاع باشد
هفت دانه جو بردارد وبر هر دانه هفت مرتبه بخواند اذا وقعت الواقعة
تا هباء منبثا واین آیه را که ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها
ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا
امتا وبعد از ان یکیک از ان جوها را بران دانها بمالد پس در پارچه نوی
بسته بر سنک بندد ودر چاه ادبخانه اندازد راوی کوید چنین کردم
روز هفتم یا هشتم همه مثل کف دست شده بود دفع صرع الحمد ومعوذتین
بر قدحی آب بخوانند وبر سر وروی مصروع بپاشند طریقه دیکر بر
مصروع بخوانند عزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها
علی بن ابی طالب ورسول الله صلی الله علیه وآله علی جن
وادی الصفراء فاجابوا واطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت
عن فلان بن فلان عرق بدنی که بفارسی رشته کویند بپشم شتر ابی اکر
متعرض کنند یا ببرند بلکه از بدنش بکشند وریسمانی تابیده هفت کره
بران زنند وبر هر کره سه مرتبه الحمد بخوانند وبعد از ان سه مرتبه این دعا

برانکس بخوانند بسم الله الابد المحصی العدد القریب بما بعد
الظاهر عن لو لدا العالی عن ان یلد المنجز لما وعد العزیز
بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا
احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر والخفیة یا من السموات
بقدرته مرجاة یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته
[illegible] یا من نجی به صاحب الغرق من کل افة و بلیة صل علی
محمد و اله خیر خلقك واشف اللهم فلان بن فلانة بشفائك و داو
بدوائك و عافه من بلائك انك قادر علی ما تشاء و انت
ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و اله **طریقه دیکر** چون شروع
بکار بردن کند [illegible] هنوز بیرون نیامده باشد بران بنویسند و بشکوند [illegible] بل
تا و لا [illegible] کذاشت و صبر بران بمانند **جهة غلبه بول در خواب**
برجام نو [illegible] [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم و این آیه را اکر بنویسد
آنقدر که جام پر شود [illegible] الله یمسك السموات والارض ان تزولا
و لئن زالتا ان امسکهما من بعده انه کان حلیما غفورا
پس آب سرد بشوید و نکاه دارد و بعد آن بر پارچه پوستی یا مداد بنویسد

[illegible]

همین آیه را والحمد سه مرتبه و سه مرتبه قل هو الله احد و معوذتین و آیة الکرسی
و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و آیة قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن تا آخر سوره بنی اسرائیل و بعد از ان بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
ان الله یمسك السموات تا آخر آیه پس بنویسد یا من هو هکذا و لا
هکذا غیره امسك عن فلان بن فلانة ما یجده من غلبة
البول پس اکر مرد باشد این تعویذ را در پشت ظهار بر ذکرش بندد و اکر
زن باشد بر زانویش پس قدری زعفران و دو برابر آن سعد بکیرد
جدا بکوبد و سعد را از حریر صاف کند و هر دو را با هم با عسل موم
معجون ساخته کلولها بسازد و در وقت خوابیدن یک کلوله از ان معجون
و قدری از ان آب بنوشد و درین ایام آب کمتر بخورد و چون علت
زایل شود تعویذ را بکشاید که حبس البول نشود **جهة آبله** این شکل را بنویسد
و بر بازویش ببندد اکر بیرون نیامده باشد نیاید و اکر آمده باشد
زیاده بیرون نیاید

و ما الفوعد	ح ح
دوس اس	الشر اشر ار نوس

بجهة نشاء امراض
در زیر آسمان که سقف نباشد دستها بر داشته بکوید اللهم انك
غیرتنا قوما فی کتابك فقلت قل ادعوا الذین زعمتم من دونه

همی ابرا

فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا فيا من لا يملك
كشف ضري ولا تحويله عني احد غيره صل على محمد وال
محمد واكشف ضري وحوله الى من يدعو معك الها آخر فاني
اشهد ان لا اله غيرك **گزيده جانور** هفت مرتبه الحمد بخواند و حضرت
پيغمبر را در نماز عقرب گزيد چون از نماز فارغ شد عقرب را لعن کرد و فرمود
در نماز و غير نماز کسي را نميگذارد پس نمک را بر آن ماليد و قل يا ايها الكافرون
و معوذتين بر آن خواند **جهة سوخته** تكبير گويان خموش كند و بر آن عضو
بگويد اذهب الباس رب الناس اشف انت الشافي لا شافي
الا انت **جهة نسيان بخواندن بايد حافظه مدت نمايد** در روايت ديگر آمده
که با عسل سفيد پاک بر قدحي پاک بنويسيد و با آب باران پيش از آنکه بر زمين
رسد بشوييد و سه روز ناشتا بخورد خداي تعالى حفظ قرآن و علم عطا
فرمايد اللهم اني اسئلك ولم يسئل العباد مثلك اسئلك
بحق محمد نبيك ورسولك وابرهيم خليلك وصفيك وموسى
كليمك ونجيك وعيسى كلمتك وروحك واسئلك بصحف
ابرهيم وتورية موسى وزبور داود وانجيل عيسى وقرآن

محمد صلى الله عليه واله وبكل وحي اوحيته وقضاء امضيته
وحق قضيته وغني اغنيته وضال هديته وسائل اعطيته
واسئلك باسمك الذي وضعته على الليل فاظلم واسئلك
باسمك الذي وضعته على الارض فاستقرت ودعمت به
السموات فاستقلت ووضعته على الجبال فرست وباسمك
الذي تبث به الارزاق واسئلك باسمك الذي تحيي به
الموتى واسئلك باسمك الذي دعاك به عبادك الذين
استجبت لهم وانبياؤك فغفرت لهم ورحمتهم واسئلك
بكل اسم انزلته في كتبك وباسمك الذي استقر به عرشك
وباسمك الواحد الاحد الفرد الوتر المتعال الذي يملأ الاركان
كلها الطاهر الطهر المبارك المقدس الحي القيوم نور السموات
والارض الرحمن الرحيم الكبير المتعال وكتابك المنزل بالحق
وكلماتك التامات ونورك التام وبعظمتك واركانك
واسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك ان
تصلي على محمد وال محمد وان ترزقني حفظ القرآن واصناف العلم

وان تثبتهما فی قلبی وبصری وان تخالط بهما لحمی ودمی وعظامی
ومخی وتستعمل بهما لیلی ونهاری برحمتک وقدرتک فانه لا حول
ولا قوة الا بک یا حی یا قیوم طریقه دیکر جهة قوت حافظه و زوال
نسیان در هر فرض صبح بخواندن آیه ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا
تا آخر سوره بقره مراقبت نماید وبعد از ان بکوید اللهم لا تنسنی ما اقراتنی
یومی هذا فانک قلت سنقرئک فلا تنسی طریقه دیکر بعد از نماز بکوید
سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکته سبحان من لا یاخذ
اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم
اجعل فی قلبی نورا وبصرا وفهما وعلما انک علی کل شیء
قدیر طریقه دیکر هر روز بعد از نماز صبح پیش از انکه با کسی حرف زند بکوید یا حی
یا قیوم فلا یفوت شیئا علمه ولا یؤده نوع دوم از قسم اول در
که عمده تاثیرشان نه از مزاج وطبیعت اکرچه در بعضی از ان اثر مزاج نیز مدخلیتی
داشته باشد از انجمله چند دوا ذکر نمائیم اول تربت مقدس حضرت
امام حسین ع مرویست که از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که این تربت مقدس
دوای اکبرست و بر هیچ مرضی نکذرد مکر انکه آنرا دفع کند و دوای

هر علت است و حرز از خوفست کسی از حضرت امام جعفر صادق ع پرسید که بعضی
مردم ازین تربت منتفع میشوند و بعضی منتفع نمیشوند فرمود والله که هیچکس
باعتقاد این که خدای تعالی باین تربت او را شفا میدهد تناول نکند مکر آنکه
البته شفا یابد دیکری بخدمت آنحضرت صلوات الله علیه معروض داشت
که از شما شنیده ام که تربت مبارکه بر هیچ علتی نکذرد مکر آنکه آنرا هضم
و تحلیل کند فرمود بلی چنین است کفت من تناول کردم و منتفع نکشتم
فرمود این تربت دعائی دارد که اکر آنرا نخوانند تواند بود که اثر نکند
چون خواهی تربت مقدس بر داری بکوی اللهم انی اسئلک بحق
الملک الذی قبضها واسئلک بحق النبی الذی خزنها واسئلک
بحق الوصی الذی حل فیها ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تجعله شفاء من کل داء وامانا من کل خوف وحفظا من کل
سوء پس در پارچه به بند وانا انزلناه بران بخوان وچون خواهی تناول نمائی
بوسه کن و بر سر و چشم بکذار و زیاده از قدر نخودی تناول نکنی که هر کس
بیش از نخودی بخورد چنانست که از کوشت و خون ما خورده باشد و در روایت
دیکر نیز آمده که اکر کسی نه بقصد دوا بخورد چنانست که از خون و کوشت

ناخورده باشد و روایت دیگر نیز آمده که اگر کسی نه بقصد دوا بخورد چنانست
که از گوشت وخون ما خورده باشد و ایضا دیگری روایت کند که من بحضرت امام محمد باقر
شکایت کردم از دو علت که هر یک ضد دیگری بود و هر یک را معالجه میکردم
بدیگری ضرر میرسید فرمود چرا از تربت حضرت امام حسین نمیخوری گفتم بسیار خوردم
و نفع نیافتم چون این سخن گفتم اثر غضب بر آنحضرت مشاهده کردم گفتم
اعوذ بالله من غضبک یا بن رسول الله پس آنحضرت برخاسته بخانه خود
رفته و بقدر نخودی از تربت مقدس آورده بمن داد و فرمود بخور
چون خوردم همان ساعت شفا یافتم فرمود این همانست که گفتی بسیار خوردم
و شفا نیافتم پس من گفتم یا مولای بخدا قسم که دروغ نگفتم لیکن بگر شما را
دران علمی هست اگر بمن احسان فرمائی دوست تر دارم از هر چه آفتاب
بران تابد فرمود چون خواهی تربت مقدس را برداری باید که در آخر شب غسل کنی
و جامهٔ پاک پوشیده بوی خوش بکار بری پس بمشهد مبارک آنحضرت بیفتی
در بالای سر مبارک چهار رکعت نماز بگزاری در رکعت اول بعد از الحمد یازده
بار قل یا ایها الکافرون و در دوم یکبار انا انزلناه و این قنوت بخوان
لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ حَقّاً حَقّاً لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ عُبُودِیَّةً وَرِقّاً لا

اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ
وَحْدَهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ
وَمَا فِیهِنَّ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیماً وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِینَ پس دو رکعت را تمام کن و سلام بده و دو رکعت دیگر بگزار
در اول بعد از الحمد یازده مرتبه قل هو الله احد و در دوم یازده مرتبه
اذا جاء نصر الله و همان قنوت را بخوان و چون سلام دهی سجده کن و هزار
مرتبه بگوی شکراً لله پس سر بردار و دستها را بر تربت مقدس کن و آهسته
بگوی یَا مَوْلَایَ یَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اِنِّی اَخَذْتُ مِنْ تُرْبَتِکَ بِاِذْنِکَ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَغِنیً مِنْ کُلِّ فَقْرٍ لِی وَلِجَمِیعِ
الْمُؤْمِنِینَ پس سه مرتبه هر مرتبه به انگشت از آن تربت بردار و در خرقهٔ ببند
یا در شیشه کن و سر آنرا با خاتمی که نگینش عقیق باشد و این کلمات بران نقش
باشد مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مهر کن و چون جدا کنی
بدانکه نیت تو چه وقت مجموع آن تربت که برداشته هفت مثقال باشد نه زیاد
و نه کم و چون چنین کنی شفای همهٔ امراض باشد در روایت دیگر شده که این کلمات را

باتربت بر کاسه چینی نویسند و با گلاب یا غیر آن شسته بیاشامد باذن الله
شفا یابد اگرچه شروط مذکوره بعمل نیامده باشد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللهِ الشَّافِي بِسْمِ اللهِ الْكَافِي بِسْمِ اللهِ الْمُعَافِي بِسْمِ اللهِ
الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْ
مِنِينَ و در وقت خوردن تربت بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللّٰهُمَّ
رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذِي
أُنْزِلَ فِيهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ
الْمُوَكَّلِينَ بِهِ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً مِنْ دَاءِ كَذَا و آن علت را نام
برد پس جرعهٔ آب بر سر آن بیاشامد و بگوید اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا
وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ که خدای تعالی
برکت آن تربت هر علت و الم و غم و همی را دفع نماید و در روایتی دیگر
آمده که این دعا را سه مرتبه بخوانند و بر تربت بدمند زود تر اثر کند
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَ
شِفَاءً مِنْ كُلِّ آفَةٍ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **دوم** همین تربت مقدس

وقدری زعفران وقدری عسل با آب باران یا آب معجون ساخته در امراض
مداوا نمایند **سوم** هفت حب ازین تربت مبارک که هر حب بقدر عدسی باشد
و هفت دانه سیاه دانه و هفت قطره عسل همه را در آب یا در روغن کنند
والحمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی و اول سورهٔ حدید تا ذات الصدور
و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره بران بخوانند و استعمال نمایند **چهارم**
آب نیسان مرویست از حضرت پیغمبر که فرمود شما را دوائی بیاموزم که با وجود
آن محتاج باطبا نشوید پس حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و جمعی دیگر از
صحابه پرسیدند که آن کدامست فرمود آب باران نیسان بگیرید و بران
بخوانید الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و هر یک از معوذتین و قل یا ایها
الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه و در روایتی دیگر انا انزلناه و الله اکبر
و لا اله الا الله و صلوات بر حضرت پیغمبر و آلش نیز هر یک هفتاد مرتبه
و هفت روز پی در پی صبح و شام ازان آب بیاشامد که بآن خدای که مرا
بحق بنبوت فرستاده که جبرئیل گفت از جناب الهی که هر علت و مرض
که در جمیع رگها و استخوانهای او باشد بیرون رود و شفا یابد و اگر در
لوح محفوظ بنام او علتی ثبت شده باشد محو شود و اگر فرزندش نشود بشود

اگرچه عقیم باشد و اگر عنین باشد عافیت یابد و اگر زن بقصد پسر بخورد پسر آرد و دوای جمیع امراضست در هر عضو که باشد حتی کوری و لالی و شلی و دیوانگی و امانست از همه مکاره و از نزول آب سیاه چشم و از وساوس اجنه و شیاطین و چشم پر نور و روشن گردد و الهام الهی در دلش راه یابد و حکمت از دل بر زبانش جاری شود و هزار رحمت و هزار مغفرت بر وی فرستند و غش و حسد و خیانت و غیبت و کبر و بخل و حرص و غضب و عداوت و ظلم از دلش برود **پنجم آب باران** هر باران که باشد پیش از آنکه بزمین رسد بگیرند و الحمد و معوذتین هر یکرا هفتاد مرتبه بران بخوانند و یک قدح صبح و یکی شام بیاشامد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود بخدائی که مرا بنبوت اختصاص فرموده که برای هر علت و المی که بیاشامند آنرا از بدن و استخوان و عروق بیرون برد **قسم دوم ادویه که تاثیر شان از جهت مزاج و طبیعتست** و بحسب اختلاف امزجه و بلاد و فصول لامحاله مختلف شود پس در استعمال آنها ملاحظه مناسبت باید نمود تا موءدی بفساد و مضرت نشود و از انجمله چند دوا ذکر کنیم **اول سنا** مرویست که اگر چیزی دفع مرگ تواند کرد سنا باشد و اگر مردم بدانند که چه منفعت

در روست یکمثقال آنرا ابد و مثقال طلا نخرند امانست از بهق و برص و جذام و جنون و فالج و لقوه سنا و مویز سرخ بی دانه و هلیله زرد و سیاه کابلی اجزاء مساوی معجون ساخته مقدار سه درم ناشتا بخورد و سه درم وقت خواب تناول کند **دوم بزر قطونا** اگر صاحب تب مقدار دو درم در شب اول تناول کند بوران کوفته از مرض برسام ایمن باشد **سوم سیاه دانه** مرویست که دوای هر علتست مگر مرگ راوی پرسید که چون استعمال کنیم فرمود بشمار هر شب بیست و یکدانه در پارچه بسته در آب بخیسانند و روز اول در هر سوراخ دماغ یک قطره بچکانند و روز دوم در جانب راست دو قطره و در جانب چپ یکقطره و روز سوم در راست یکقطره و در چپ دو قطره **چهارم اطریفل** مرویست که از حضرت صادق عم که موسی بن عمران از رطوبت و بلغم بخدای تعالی شکایت کرد فرمود هلیله و بلیله و آمله و اجزاء مساوی کوفته با روغن گاو چرب کن و با عسل معجون ساخته استعمال نمای پس حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود این معجونست که شما اطریفل صغیر میگوئید و شفای هر علتست مگر موت **پنجم** کسی شکایت کرد از تب ربع حضرت امام جعفر صادق عم فرمود قدری قند صلایه کرده در آب ریزد و برهم زن تا خوب

مرتبا شود صبح و شام بیاشام **ششم عسل** مرویست که دوای هر کوفت است
و اگر کسی هر ماه یکمرتبه عسل بخورد از همه امراض ایمن شود **هفتم کسیکه عطسه بسیار کند**
روغن مرزنجوش در دماغ بچکاند تخفیف یابد و مرویست که عطسه در زکام را
معالجه مکنید که امانست از جذام و از بادی که در سر و رو بهم رسد و نزول آب
و موی زاید در چشم مژه و سدّه دماغ ببرد و نیز مرویست که هر کسی را رگی از جذام
در سر و رگی از برص در بدن باشد و چون رگ جذام بهیجان آید خدای تعالی
زکام را برو مسلط گرداند تا ماده جذام دفع شود و چون رگ برص بهیجان
کند دمل را برو گمارد تا ماده برص را دفع کند پس چون این کلام را دیدم الهام رسید
حمد خدا کنید **هشتم صبر سقوطری و مرّ و کافور ریاحی** مساوی هم کوفته و از حریر
بیخته تمش نرم در چشم کشد رمد و درد چشم و ضعف باصره را نافع باشد
و در روایت دیگر همین صبر و مرّ مذکور بی کافور فرموده اگر ماهی یکمرتبه
در چشم کشند همه امراض از سر دفع نماید **نهم** مرویست از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه که زعفران و سعد از هر یک قدری با عسل معجون ساخته
هر روز دو مثقال تناول کند از شدت حافظه هم آن باشد که ساحر باشد
دهم حجامت و فصد مرویست که چون آثار زیادتی خون در بدن ظاهر شود

خونی از بدن بیرون کنید که گاه باشد که خون طغیان کند و مؤدّی بهلاک شود
و نیز مرویست که مردم بهیچ چیز مداوا نکنند بهتر از یک حجامه خون یا یک انگشت عسل
و حضرت صادق فرمود که حجامت سر دوای همه مرضهاست مگر موت پس دست برد
از ابروی خود تا بجائی که ابهام رسید فرمود این موضع را حجامت کنید و چون
حجامت کنند باید چیزی خورده باشند که خون در موضع حجامت جمع شود
و کوفت و الم از بدن بیرون برد و اگر چیزی نخورده باشد و حجامت کند خون
برود و کوفت بماند و بعد از حجامت قند بخورند که خون تازه تولد شود
و حجامت روز شنبه و روز یکشنبه و شب یکشنبه و عصر روز دوشنبه نافع تر
باشد **و مرویست که** در روز یکشنبه شفای هر علتست و پنجشنبه پیش از
زوال حجامت کنند که خون در موضع حجامت جمع شود و چون زوال شود متفرق
گردد و پنجشنبه آخر ماه کوفت را از بیخ بر اندازد **و مرویست** که روز سه‌شنبه
اگر حجامت کنند خون نایستد تا اگر بمیرد یا آنچه خدا خواهد شود و روز چهارشنبه
حجامت مورث برص باشد **و در روایت دیگر آمده** که این برای کسیست که مادرش در ایام
حیض برو حامله شده باشد در روز جمعه وقت زوال اگر حجامت کند بعلتی مبتلا شود
و غیر خود کسی را ملامت نکند **مرویست که** حضرت پیغمبر فرمود که از اول ماه تا نصف

ماه از حجامت احتراز کنند که هر روز مورث علتی و مرضی باشد و از روز
شانزدهم تا آخر ماه حجامت کنند که هر روز شفائی و منفعتی باشد مگر شنبه
و چهارشنبه که مورث برص است و در روایت دیگر آمده که اگر حجامت در
روز سه شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه اتفاق افتد دوای
امراض باشد یکسال و نیز مرویست که آیة الکرسی بخوانید و هر روز خواهید
حجامت کنید که ضرر نکنند و نیز مرویست که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه
یکمرتبه حجامتش کنند که برای صحتش بهتر است و فصد نیز در اکثر احکام مثل
حجامت است و چون حجامت کنند و خون بیرون آید هنوز فارغ نشده
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من
العین فی الدم و من کل سوء این بود اندکی از ادویهٔ طبیعیه که در
احادیث مذکور است و بسیاری غذائیه دوائیه نیز در فصل فضائل ماکولات
گذشت و از حضرت امام جعفر ع مرویست که فرمود هیچ دوائی نیست که تهییج
مرضی نکند و هیچ دوائی در بدن انفع ازین نیست که دست از خوردن باز داری
مگر بقدر ضرورت و هم از آنحضرت ع مرویست که تا بدن تاب مرض می آرد
استعمال دوا مکنید فصل دوازدهم در سائر جزئیات عادات مرویست از

اهل بیت طاهرین علیهم السلام ابتداء کارها بسم الله بگوید تا از شرکت شیطان
ایمن شود و در کارهای عظیم و عزیز ابتدا بصدقه و دعا و استعاذه
کند که اگر ضرری در آن باشد دفع کند و شروع در کارها اول روز بهتر است
که احادیث متعدده وارد شده که اول روز مبارکست مرویست از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه که در هر ماه دو روز نحس است که اگر کاری در آن روز
شروع شود با تمام نرسد و اگر طفلی متولد شود نماند و اگر کسی بجنگ رود
ظفر نیابد و اگر درختی بنشانند نمو نکند باین تفصیل محرم یازدهم و چهاردهم
صفر اول و بیستم ربیع الاول دهم و بیستم ربیع الثانی اول و یازدهم جمادی
الاول دهم و یازدهم جمادی الثانی اول و یازدهم رجب یازدهم و سیزدهم
شعبان چهاردهم و بیستم ماه رمضان سوم و بیستم شوال ششم و هشتم ذو
القعده ششم و بیستم ذو الحجه هشتم و بیستم و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست
که در هر ماه یکروز نحس است که هر کس از آنها اجتناب کند ایمن باشد
و هر کس در آنها کاری کند از مکروهی ایمن نباشد باین تفصیل محرم بیست و دوم
صفر دهم ربیع الاول چهارم ربیع الثانی و جمادی الاول بیست و هشتم جمادی الثانی
و رجب دوازدهم شعبان بیست و ششم ماه رمضان بیست و چهارم شوال

دوم ذوالقعده بیست و هشتم ذوالحجه بیست و هشتم و ایضا از حضرت امام جعفر صادق ع
مرویست که در هر ماه هفت روز نحس است چنانکه مشهور است امّا این حساب در ماه
قدیمیست که ظاهرا اوّل سالش روز نوروز است و هر ماه را سی روز تمام
می شمرند تا آخر سال و احادیث بسیار نیز در نحوست روز عاشورا
و دوشنبه و چهارشنبه آمده چنانکه بعد ازین ان شاء الله مذکور شود
و روایت دیگر آمده که با روزها دشمنی نکنید تا آنها با شما دشمنی نکنند
و از حضرت پیغمبر ص مرویست که هر کس در روز یکشنبه جامه برد مبارک شود
و در آنجامه غمگین شود و روز دوشنبه مبارک باشد و روز سه شنبه
دزدیده شود یا بسوزد یا در آب ضایع گردد و چهارشنبه در آنجامه
روزی یابد و مکروهی نه بیند و بخوشحالی گذراند و پنجشنبه در آنجامه
علمی و را روزی شود و در پیش مردم مکرّم باشد و روز جمعه عمر و دولتش
زیاد شود و شنبه در آنجامه بیمار شود مگر آنکه او را کسی دهد امّا چنانکه
از بسیار احادیث معلوم است که در هر کاری چون توکل بر خدا کنند
و متوسّل بصدقه و دعا شوند از همه ضررها ایمن شوند و مناسب این مقامست
تحقیق عمل نجوم و آن چنانست که احادیث بسیار که ذکر همه آنها درین

رساله نگنجد و براهین عقلیه نیز صریحست درین که خدای تعالی بمقتضای حکمت
کامله و مصلحت شامله در کارخانهٔ صنعت خود هر کاری را بکار فرمائی مرجوع ساخته
و برای نظام سرامری امیری تعیین فرموده و از انجمله حوادث و جزئیات عالم
کون و فساد در از خیرات و شرور را بملائکه آسمانها که آفتاب و ماه و کواکب و نجوم
همه جنود و اعوان و خدم ایشانند مرجوع گردانیده و ایشان را بر نسق و نظام نشأه
دنیا مقرّر نموده و هیچ جزئی از جزئیات درین عالم حادث نشود
مگر بتأثیر و امر ایشان باذن الله تعالی العزیز الحکیم امّا بچند سبب اهل بیت و حکمت
امّت را از تعلیم و پیروی آن منع فرموده اند اوّل چنانکه منجّمین نیز معترفند
بآن احکام تأثیرات کواکب و حرکات افلاک و خصوص نسب و اوضاع آنها هم
معارضه کنند و با یکدیگر معاوضت نمایند چه بسا باشد که نظری و وضعی
خاص مقتضی اثری باشد و نظری و وضعی دیگر مقتضی خلاف آن باشد و با او
معاوضت کند بلکه برو زیادتی نماید و همه ملائکه و کواکب را حصر و عدد و خصوص
تأثیرات و احکام ایشان را از انسان غیر اهل بیت نبوّت دیگری نداند
و اطلاع بر حقایق همه آنها غیر ایشان کسی نتواند و آنچه ازین جمله در نجوم
مضبوطست عددی محصورست و آن نیز در عقد رصد و استخراج زیج و صنعت

اسطرلاب وکتابت تقویم از سهو و غلط مصون نیست پس با وجود این
همه قصور پیروی آن سوای حیرت و تضییع عمر حاصلی ندهد و مؤید اینست
انکه کسی از حضرت امام رسیده که من نجوم میکنم و مردم منع میکنند اگر ضرر
بدین من دارد ترک کنم فرمود ضرر بدین ندارد اما علمیست که بسیارش را
ندانید و کمش نفع ندارد و بعد ازان کوکبی که سینه نام را سوال نمود و از
بعضی احوال استفسار نموده فرمود نام این کوکب را هرگز شنیده و در
کتابی دیده گفت نه فرمود والله که اگر این حساب را بدانی توان دانست
که نی در میان نی زارست کدامست و در هر طرفش چند عدد نی دارد
تا انکه یکی نی از علم تو بیرون نرود و در بصائر روایت که آنحضرت بدیگری
فرمود که شما بطالع قمر حساب میکنید چه قدر حساب ازین توان استنباط
نمود و امثال این اخبار بسیار است دوم آنکه تاثیر حرکات افلاک
و کواکب بحسب اختلاف طالع مولودها مختلف شود زیرا که نظر خاصی با طالع
خاصی اثر کند و با طالع دیگر تاثیر دیگر کند و گرنه لازم آید که چون چند
کس در یکساعت کاری کنند برای همه یک اثر داشته باشد و حال آنکه
تجربه خلاف آنست و مؤید آنست که حضرت امام بکسی از نجوم سوال کرد

فرمود چه میگوئی چون دو لشکر با هم ملاقات کنند و هر کدام منجمی دارند که
برای ایشان اختیار ساعت سعد می کند و چون محاربه میکنند یکی منصور و دیگری
مقهور گردد پس نحوس را نوبت کجا بود و بعد ازان فرمود این کسی داند که
موالید خلق را داند سوم و این هم ازان دو واست اینکه مقصود اصلی ازین
مبین اینست که روی دل خلق را از هر چه غیر خداست بخدا باز گرداند
و توکل و اعتماد در جمیع احوال بر خدا داشته باشند و چون آدمی در مجاری
احوال از سعد و نحس ساعات خبر نداشته باشد ناچار است از همه اسباب
گسسته متشبث برحمت خدا شود و از همه چیز نومید گشته و اعتماد بر او
توکل بر او کند و دم بدم و لحظه بلحظه مترصد فضل و منتظر رحمت او باشد و از
هیچ کس غیر او امید و توقعی نداشته باشد و با وجود این که غرض اصلی است
متوسل بصدقات و ادعیه و اذکار و معترف بقصور و ذنوب و استغفار
شود و بفضایل و ثواب آنها فائز گردد پس اگر آنساعت در واقع سعد باشد
و شری که دران امر که مقصود اوست مقدر نباشد با وجود آن همه فضایل
کارش نیز بسامان بلکه بسبب آن توسلات بسامانتر و سعادتش بیشتر باشد
و اگر آنساعت در واقع نحوستی داشته باشد پس آن نحوست اگر از امور محتوم

والبته اثر کند بوسایل توسلات فائز گردد وشری که از نحوست ساعت
رود به موجب زیادی حسنات ومحو سیئات ورفع درجات گردد
چنانکه مرویست که خاری بپای مومن نرود مگر آنکه برای او حسنه ثبت
شود یا سیئه محو گردد وامثال این روایات بسیارست بخلاف آنکه نقصان
اگر اطلاع بر سعد ونحس ساعت داشته باشند اعتماد بران کرده بقدر آنکه اهتمام
کنند توکل والتجایش بجناب الهی نقصان یابد وقصور پذیرد وگاه باشد
بسبب اعتماد بر سعادت ساعت از فضایل صدقه ودعا وسایر وسایل بکلیه
یا از بعضی از انها محروم گردد واگر نحوست در ساعت چند از همه فضایل
محروم گشته از مطلب وار کرامات اخروی بر تقدیر تاثیر نحوست بی نصیب
ماند وچون این جمله دانسته شد بدانکه نحوست بعضی ایام وساعات که در
احادیث وارد شده که بعضی از انها درین مقام مذکور شد وبعضی نیز در باب
نکاح وباب سفر انشاء الله مذکور شود دو قسمت یکی آنکه تاثیرش از جهت
طبیعت وخاصیت آنوقت نیست بلکه بسبب وقایعی است که در آنوقت شده
مثل روز عاشورا وروز دوشنبه یا بسبب کمال تعظیم آن روز است وعمل
آن روز مثل روز جمعه واین قسم در نحوست نظیر تربت مقدس است در شفا

چنانکه

چنانکه گذشت وقسم دوم آنکه نحوستش از جهت طبیعت وخاصیت مثل قمر در آن
واثر این قسم مثل تاثیر ادویه طبیعیه است ومخفی نماند که این وجوه که
برای نهی عمل نجوم مذکور در این قسم ساعات نیز جاریست چه توهم
بود که روز چهارشنبه مثلا بحسب طبیعت خود نحس باشد اما اگر با سعادت
دعا وصدقه یا سعادت فلان روز وچندم فلان ماه یا با سعادت طالع مولودی
جمع شود مساوی شوند بلکه گاه باشد که سعادت این غالب شود وباین
سببهاست که همه اهل بیت طاهرین ع همه امت را از این اوقات منحوسه نهی
نموده اند واهتمام در اجتناب از انها نفرموده اند بلکه همه را امر بدعا
وصدقه وبسم الله وتوکل بر خدا فرموده وفرموده اند با روزها
عداوت مکنید تا روزها با شما عداوت نکنند وامثال آن اگر نحوستی باشد
ببرکت این وسایل رفع گردد وگرنه سعادت زیاد شود وحرج لازم
نیاید **بجهة کار دشوار بگوید** لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
که حمله عرش چون از برداشتن عرش عاجز بودند حوله گفتند برداشتن
آسان گشت وچون کاری گوید میکنیم یا بکنید موقوف بمشیت الهی ساخته
انشاء الله بگوید **مرویست** که از حضرت پیغمبر مسئله رسیدند فرمود فردا

جواب بگوییم ان شاء الله بگفت ده روز بیشتر وحی از آنحضرت محبوس شد تا آنکه
تکذیب آنحضرت کردند و غبار ملال از نخجه بر خاطرش نشست پس از روی
تادیب و تعلیم این آیه نازل گشت وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ و حضرت سلیمان ع گفت با هفتاد زن مباشرت کنم
و هفتاد پسر متولد شود که در راه خدا جهاد کنند و ان شاء الله نگفت
هیچ کدام حامله نشدند مگر یکی که نصف طفلی آورد و در روایت که اگر گفته میبود
همه جوانان میبودند که جهاد کنند و در حکایت بقرهٔ بنی اسرائیل که در آخر
گفتند إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ تا ابد قضیهٔ ایشان معلوم نمیشد و حضرت
امام جعفر صادق ع باصحاب فرموده کتابتی برای مطالب چند بکسی نوشتند چون
بعرض آنحضرت رسید فرمود ان شاء الله نوشته اید چون توقع ساخته شدن
کارها دارید پس فرمود در هر مطلبی ان شاء الله نوشتند استخاره چون کاری
مترد باشد استخاره کند و در استخاره طرق متعدد در روایت شده از آن
جمله چند طریقه ذکر کنیم اول استخاره با تسبیح دو مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه
الحمد و ده بار انا انزلناه بخواند و سه مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ اِنّي اَسْتَخيرُكَ لِعِلْمِكَ
بِعاقِبَةِ الاُمُورِ وَاَسْتَشيرُكَ لِحُسْنِ ظَنّي بِكَ في الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ

اللّٰهُمَّ اِنْ كانَ الاَمْرُ الفُلانِي مِمّا قَدْ نيطَتْ بِالْبَرَكَةِ اَعْجازُهُ
وَبَواديهِ وَحُفَّتْ بِالْكَرامَةِ اَيّامُهُ وَلَياليهِ فَخِرْ لي فيهِ خِيَرَةً
تَرُدُّ شَمُوسَهُ ذَلُولاً وَتَقْعَصُ اَيّامَهُ سُرُوراً اللّٰهُمَّ اِمّا اَمْرٌ فَأْتَمِرُ
وَاِمّا نَهْيٌ فَأَنْتَهي اللّٰهُمَّ اِنّي اَسْتَخيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خِيَرَةً في عافِيَةٍ
و حاجت را در دل بگذراند پس یک قبضه از تسبیح بگیرد و بشمرد اگر زوج باشد
بکند و اگر فرد باشد ترک نماید و اگر بعکس این نیز قصد کند تواند دوم استخاره
با قرآن مجید الحمد و آیة الکرسی و آیه و عنده مفاتح الغیب تا آخر بخواند و ده مرتبه
صلوات بفرستد و بگوید اللّٰهُمَّ اِنّي تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَتَفَأَّلْتُ بِكِتا
بِكَ فَاَرِني ما هُوَ الْمَكْنُونُ في سِرِّكَ الْمَخْزُونُ في غَيْبِكَ اللّٰهُمَّ اَرِنِي
الْحَقَّ حَقّاً حَتّى اَتَّبِعَهُ وَاَرِنِي الْباطِلَ باطِلاً حَتّى اَجْتَنِبَهُ بِرَحْمَتِكَ
يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ بعد از آن مصحف بگشاید و از صفحهٔ راست جلاله بشمرد و بعدد
جلالات از جانب چپ ورق بشمرد و پس آن عدد سطر از صفحهٔ چپ بشمرد و بعد از
سطر آخر مضمون این آیه هرچه باشد عمل نماید سوم استخاره ذات الرقاع
بر شش پاره کاغذ بنویسید بسم الله خيرة من الله العزيز الحكيم لفلان بن فلان
بعد از آن بر سه پاره کاغذ افعل و بر سه کاغذ لا تفعل بنویسد و کاغذها را در زیر

سجاده بگذارد و دو رکعت نماز کند و بعد از آن سجده کند و در سجده صد مرتبه
بگوید اَستَخیرُ اللهَ وَ بِرَحمَتِهِ خِیَرَةً فی عافِیَةٍ پس بنشیند و بگوید اَللّٰهُمَّ خِرْ لی
وَاختَرْ لی فی جَمیعِ اُمُوری فی یُسرٍ مِنکَ وَ عافِیَةٍ پس کاغذها را بر هم زند و یکیک
تا سه کاغذ بیرون آورد پس اگر هر سه افعل باشد یا هر سه لا تفعل باشد مقتضای
آن عمل کند و اگر مختلف باشد تا پنج کاغذ بیرون آرد پس افعل یا لا تفعل هر کدام
بیشتر باشد چنان کند **چهارم آنکه** دعا کند و از خدای تعالی در آن کار طلب خیر
نماید پس توکل نموده شروع در آن کند اگر کاری سهل باشد مثل مشتری شدن
خریدن و فروختن و امثال آن یک مرتبه کافی بود و اگر کار عظیم باشد
صد مرتبه بهر عبارت که خواهد و اگر بیکی از دو عبارت که در استخاره ذات
الرقاع گذشت بگوید مستحسن باشد مرویست که هر کس باین دعا هفتاد مرتبه
دعا کند البته آنچه خیر است خدای تعالی برای او اختیار کند یا اَبصَرَ النّاظِرینَ وَ یا اَسمَعَ السّامِعینَ وَ یا اَسرَعَ الحاسِبینَ وَ یا اَرحَمَ
الرّاحِمینَ وَ یا اَحکَمَ الحاکِمینَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهلِ بَیتِهِ
وَ خِرْ لی فی کَذا و حضرت صادق ع فرموده هر کس از خدای تعالی یکمرتبه طلب
خیر کند و استخاره فرماید و بآنچه خدای تعالی برای او اختیار فرماید راضی

باشد البته آنچه خیر است خدای تعالی برایش اختیار فرماید و **هم آنحضرت فرموده**
چون استخاره کنید عافیت و سلامت طلب کنید چه بسا باشد که خیر کسی در قطع
ید یا موت ولد یا بلیهٔ دیگر باشد **پنجم** مشورت با عقلا مرویست که با عقلا
در کارها مشورت کنید و آنچه اختیار کنند خلاف آن مکنید که موجب ندامت باشد
و مرویست که هیچ جمعی مشورت نکنند که کسیکه محمد یا احمد یا حامد یا محمود نام داشته
باشد با ایشان حاضر شود مگر آنکه خیر برای ایشان اختیار شود **چشم زخم**
مرویست که ایمن مباش از اثر چشم زخم بر خود و بر دیگری که اثر چشم
حقست و اگر چیزی بر قدر آلهی پیشدستی تواند کرد چشم زدنست و چون
از کسی چیزی بیند که بنظر خوش آید مبارکباد کنید **و روایتی دیگر آمده** که بگویند
ماشاءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ از ضرر چشم ایمن شود **و روایتی دیگر آمده** که چون
از چشم زخم بترسید و آن یکا دخوانید یا سه مرتبه بگوئید ماشاءَ اللهُ لا قُوَّةَ
اِلّا بِاللهِ از مضرت آن ایمن شوید و نیز مرویست که چون جامه نوی بپوشید
که از آن خوش آید وقت بیرون آمدن از خانه معوذتین بخوانید که انشاءالله
از چشم زخم ایمن شوید **و حضرت امام رضا** بکسی فرمود که غالیه برای او
ساخته چون بنظر مبارک رسید از آن خوش آمده فرمود الحمد و قل هو الله احد

ومعوذتین و آیة الکرسی بنویسد و در غلاف شمشیر بگذارد که از چشم زخم محفوظ باشد

بشارت چون چیزی بشنود بگوید الحمد لله و روایت دیگر تکبیر آمده شکر

چون نعمتی یا احسانی یا رفع مکروهی از خدای تعالی برسد بگوید الحمد لله شکر

آن گذارده باشد و اگر مرتبه دوم بگوید ثواب تجدید شود و چون مرتبه

سوم بگوید گناهانش آمرزیده شود و اگر در سجده شکر کند ده حسنه

نوشته شود و ده خطیئه عظیم محو گردد و ده درجه در بهشت بلند شود

روایت که چون نعمتی که بیشتر شده بیاد آید اگر در جائی باشد که کسی نبیند

سجده کند و اگر در پیش مردم باشد بهتر آنست که بهانهٔ پشت خم کند

و قصد سجده و تواضع خدای تعالی کند و اگر سواره باشد فرود آید

و سجده کند و اگر اندیشهٔ شهرت و ریا کند بر قربوس زین سر بگذارد

و اگر نتواند بر کف دست بگذارد و حمد خدا کند و اگر مکروهی خلاف

خواهشی سانح شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی کُلِّ حَالٍ و نگوید کاش چنین نمیشود

و همچنین اگر از کسی انعام و احسان و مهربانی واقع شود شکر و دعا و مدح

او باید کرد و حق او باید دانست روایت که هر کس شکر مردم بیشتر

میکند شکر خدا گزارده باشد و کسیکه شکر مردم نکرده شکر خدا نکرده

ونعمت هر چند کم باشد خواه از جانب خدا و خواه از مردم چون شکر او بجا آرند

موجب زیادتی شود و اگر حقیر شمارد و شکر نگذارد موجب حرمان نیادتی

شود و سبب سخط و غضب گردد چون مبتلائی بیند سه مرتبه بگوید آهسته

چنانکه نشنود و دیگر نشود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَافَانِیْ مِمَّا ابْتَلَاهُ

بِهٖ وَلَوْ شَاءَ لَفَعَلَ هرگز آن بلا مبتلا نشود و اگر خواهد چنین بگوید اَلْحَمْدُ

لِلّٰهِ الَّذِیْ عَافَانِیْ مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهٖ وَفَضَّلَنِیْ عَلَیْكَ وَعَلٰی کَثِیْرٍ

مِمَّنْ خَلَقَ چون یهود و مخالفی در دین بیند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ

فَضَّلَنِیْ عَلَیْكَ بِالْاِسْلَامِ دِیْنًا وَبِالْقُرْآنِ کِتَابًا وَبِعَلِیٍّ اِمَامًا

وَبِالْمُؤْمِنِیْنَ اِخْوَانًا وَبِالْکَعْبَةِ قِبْلَةً خدای تعالی هرگز میان ایشان را باهم

در دوزخ جمع نکند در فال بد چون چیزی بیند که بفال خوب نداند توکل بر خدا

کند و دل را از تشویش آن خالی سازد و حوالقه مکرر بگوید از ضرر آن ایمن شود

روایت که فال بد چنان شود که کسی آن را بگیرد اگر سخت گیرد سخت شود و اگر

سهل گیرد سهل شود و اگر هیچ نگیرد هیچ نشود و دوای آن توکل است در غضب

چون غضب مستولی شود بر زمین بنشیند و برخیزد رفع شود و از شیطان

استعاذه کند و صلوات فرستد و بگوید وَیُذْهِبْ غَیْظَ قُلُوْبِهِمْ اَللّٰهُمَّ

اغفر لی ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان الرجیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم واگر خواهد این دعا خواند
اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من مضلا
ت الفتن اسئلک رضاک واعوذ بک من سخطک اسئلک
جنتک واعوذ من نارک واسئلک الخیر کله واعوذ بک من
الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب واجعلنی راضیا
مرضیا غیر ضال ولا مضل چون صدای خروس شنود بگوید
سبوح قدوس رب الملائکة والروح سبقت رحمتک غضبک
لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عملت سوء وظلمت
نفسی فاغفر لی وارحمنی انه لا یغفر الذنوب الا انت چون
صدای الاغ و سگ شنود از شیطان استعاذه کند و چون خنده قهقهه
کند بگوید اللهم لا تمقتنی و چون عطسه کند دست بر دماغ گیرد و بگوید
الحمد لله رب العالمین الحمد لله حمدا کثیرا کما هو اهله
وصلی الله علی محمد النبی وآله وسلم طائری کوچکتر از ملخ و بزرگتر
از مگس از دماغ چپش بیرون آمده تا زیر عرش پرواز کند و تا روز

دیگر

قیامت بر اتش استغفار کند و روایت دیگر آمده که چون کسی عطسه کند و بگوید
الحمد لله ملکی که بر او موکلند گویند رب العالمین کثیرا لا شریک له و اگر این را
هم بگوید گویند صلی الله علی محمد و اگر این را هم بگوید گویند و علی آل محمد
و اگر این را هم بگوید گویند رحمک الله و اگر بگوید الحمد لله رب العالمین
علی کل حال از درد دندان و گوش ایمن باشد و کسی در خدمت حضرت
امام محمد باقر عطسه کرد و الحمد لله گفت و صلواة نفرستاد آن حضرت او را
دعا کرد و فرمود حق ما را ضایع کردی چون این را شنید صلواة فرستاد
و بعد از آن دعا فرمود و چون عطسه دیگری را شنود و حمد خدا کند و صلواة
فرستد از درد چشم و دندان ایمن شود و او را دعا کند و بگوید یرحمک الله
تا سه مرتبه چنین بگوید و اگر از سه مرتبه بیشتر شود بگوید شفاک الله که بیشتر
از سه مرتبه از علت است و اگر طفلی عطسه کند بگوید زرعک الله و اگر مریض
باشد بگوید شفاک الله و مرویست که مؤمن را حقوق چند است که اگر در آن
تقصیر کند روز قیامت طلب حق خود کند و خدای تعالی برای او حکم فرماید
و از آن جمله دعای عطسه است و جواب دعای عطسه بگوید و یهدیکم الله
و یصلح بالکم نسیان چون چیزی را فراموش کند و بیاد نیاید دست بر پیشانی

کذارد و بکوید اللّهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و
الآمر به ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تذکرنی ما انسانیه
الشیطان چون در ورطه کرفتار شود بکوید بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد
و ایاک نستعین خدای تعالی بلا را از و دفع کند غم و مکر و خوف و حزن
از حضرت صادق ع مرویست که فرمود عجب دارم از چهار کس پناه
بچهار چیز نبرند کسیکه از چیزی ترسد چرا پناه باین آیه نبرد حسبنا
الله و نعم الوکیل که خدای تعالی بعد از ان وعده سرور و سلامت
و نعمت فرموده و کسیکه غمکین باشد چرا پناه باین آیه نبرد لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین که خدای تعالی
بعد از ان وعده نجات از غم فرموده و کسیکه از مکر و غدر ترسد
چرا پناه باین آیه نبرد و افوض امری الی الله که بعد از ان وعده
امن و امان و سلامت از مکر فرموده و کسیکه مال خواهد چرا
پناه باین آیه نبرد ما شاء الله لا قوة الا بالله که بعد ازین
وعده مال و فرزند فرموده و در روایت دیکر آمده که برای زوال غم

سر سوی آسمان کند و بکوید سه مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم که خدای تعالی
کربت و غمش را فرح دهد و نیز مرویست که هر کس در غم این دعا بخواند خدای تعالی
غمش را بفرح بدل فرماید اللهم انی عبدک و ابن عبدک و ابن
امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل فی قضاؤک
اسئلک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته فی
کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت به فی
علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری
و شفاء صدری و جلاء حزنی و ذهاب غمی و همی
و اکر خواهد بکوید یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء
اکفنی ما اهمنی و حضرت صادق ع محبوسی را بدین امر
فرموده اندک زمانی نکذشت که نجات یافت و اکر خواهد این ابیات
که منسوبست بحضرت امیر المومنین ع تکرار کند که مکرر در محنتها تجربه شده

و کم لله من لطف خفی ۞ یدق خفاه عن فهم الذکی ۞ و کم
یسر اتی من بعد عسر ۞ و فرج کربة القلب الشجی ۞ و کم
امر تساء به صباحا ۞ و تاتیک المسرة فی العشی ۞ اذا

ضاقت بك الاحوال يوما فثق بالواحد الفرد العلي جهت دفع
تشويش خاطر مكرر بگويد توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله
الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن
له ولي من الذل وكبره تكبيرا حضرت پيغمبر کسی صاحب عيال
و قرض را که از تشويش احوال و پريشانی خاطر شکايت کرده بود
باين ورد تعليم فرموده اندک زمانی پيش نگذشت که حالش برفاهيت
وجمعيت خاطر مبدل گشت حدت زبان و بيهوده گوئی باستغفار
مداومت نمايد چون حرارت در کاری ايد بگويد عسى ربنا ان
يبدلنا خيرا منها انا الى ربنا راغبون مرويست كه اصحاب
بستان که بتلف شدن بستان مبتلا گشتند چون اين گفتند بهتر
از ان خدای تعالی عوض داد چون گوش صدا کند بگويد اللهم صل
على محمد وآل محمد ذكر الله من ذكرني در مدح چون بشنود که او را
مدح ميکنند آهسته بگويد انا اعلم بنفسي من غيري وربي اعلم
مني بنفسي اللهم لا تواخذني بما يقولون واجعلني افضل
مما يظنون واغفر لي يعلمون چون عمر بچهل سال رسد بگويد رب

اوزعني ان اشكر نعمتك التي انعمت علي وعلى والدي وان
اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في ذريتي اني تبت اليك واني
من المسلمين که خدای تعالی فرمايد در زمرهٔ اهل بهشت حسناتش اقبول
نمايم و از سيئاتش تجاوز فرمايم و اين وعدهٔ صادقيست که باينان
ميکنم پيدا شدن کم شده چون چيزی کم شود دو رکعت نماز بگزارد و بعد از ان
دست بر داشته بگويد يا عالم الغيوب والسرائر يا مطاع يا عزيز
يا عظيم يا الله يا الله يا الله يا هازم الاحزاب لمحمد صلى الله
يا كايد فرعون بموسى يا منجي عيسى من ايدي الظلمة يا مخلص
قوم نوح من الغرق يا راحم عبرة يعقوب يا كاشف ضر
ايوب يا منجي ذي النون من الظلمات الثلث يا فاعل كل
خير يا هاديا الى كل خير يا دالا على كل خير يا خالق الخير
ويا اهل كل خير انت الله فزعت اليك مما قد علمته
وانت علام الغيوب اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان ترد على ضالتي و اگر خواهد بگويد يا من لا يخفى عليه
مكتوم ولا يشذ عنه معلوم ولا يغالبه منيع ولا يطاوله

رفیع اُردُد بِقُدرَتِكَ عَلی مَا فی قَبضَتِكَ اِنَّكَ اَهلُ الخَیرَاتِ
یا آیه وعنده مفاتح الغیب بخواند وبعد ازان بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَهدی
مِنَ الضَّلَالَةِ وَتُنجی مِنَ العَمٰی وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَرُدَّ ضَالَّتی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّم یا سوره عبس یا
والعادیات بخواند امانت چون چیزی بامانت درجائی گذارند انا
انزلناه بران بخواند محفوظ ماند انشاء الله تعالی چون باد تند وزد بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ خَیرَ مَا هَاجَتِ الرِّیَاحُ وَخَیرَ مَا فیهَا
وَاَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فیهَا اَللّٰهُمَّ اجعَلهَا عَلَینَا رَحمَةً
وَعَلَی الكَافِرینَ عَذَابًا وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وتکبیر بسیار بآواز
بلند بگوید انشاء الله تسکین یابد در بادهای ظلمانی معوذتین بخواند در وقت
رعد وصاعقه بگوید سُبحَانَ مَن یُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ وَالمَلَائِكَةُ
مِن خیفَتِهِ ونیز بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَقتُلنَا بِغَضَبِكَ وَلَا تُهلِكنَا
بِعَذَابِكَ وَعَافِنَا قَبلَ ذٰلِكَ وقت باران بگوید صَبًّا هَنیئًا در
دخول خانه چون از در بیرون خانه داخل شود بگوید رَبِّ اَدخِلنی مُدخَلَ
صِدقٍ وَاَخرِجنی مُخرَجَ صِدقٍ وَاجعَل لی مِن لَدُنكَ سُلطَانًا

نَصیرًا وچون داخل خانه نشیمن شود بگوید بِسمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَشهَدُ اَن
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحدَهُ لَا شَریكَ لَهُ وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبدُهُ
وَرَسُولُهُ پس اگر در خانه کسی باشد بر وسلام کند واگر کسی نباشد بگوید
اَلسَّلَامُ عَلی مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِیّینَ اَلسَّلَامُ عَلَی
الاَئِمَّةِ الهَادینَ اَلسَّلَامُ عَلَینَا وَعَلی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحینَ
در تعظیم نام خدا اگر کاغذی که نامی از نامهای خدای تعالی بران نوشته
باشد در سر راهی وجائی بیحرمتی افتاده باشد خدای تعالی هفتاد هزار
فرشته بران موکل کرداند که ببالهای خود آنرا محافظت کنند تا اگر
یکی از دوستان خدا آنرا بردارد خدای تعالی نام او را در علیین ثبت
فرماید وعذاب از والدینش تخفیف دهد اگرچه کافر باشند باب ششم در
حقوق اموال ورعایت احوال عیال واین مجموع انشاء الله در ده فصل
بیان شود فصل اول در جود وبخل خدای تعالی در قرآن مجید فرموده
جمعی که از زر ذالت منزه اند ایشان رستکارانند نجات یابند ونیز
فرموده هرکسیکه مال او در راه خدا صرف کند مثل او مثل دانه ایست که هفتاد
خوشه ازان بروید ودر هر خوشه صد دانه باشد وخدا برای هرکه خواهد

مضاعف میکرداند و از اهل بیت طاهرین مرویست که سخی در آسمان و زمین
محبوب و از طینت پاک و آب چشمش از کوثر مخلوقست و بخیل در آسمان و زمین
مبغوض و از طینت شوره و آب چشمش از خار مخلوقست و سخی در پناه رحمت
خدا باشد تا آنکه داخل بهشت شود و کسی که خدای تعالی امید خیر باو
ندارد به بخل مبتلا کرداند و سخی نزدیکست بخدا و نزدیکست ببهشت
و سخاوت درختیست در بهشت هر کس بشاخی از آن درآویزد داخل
بهشت شود و بخیل از نزدیک از آتش دور کردد و بخل درختیست در دوزخ
هر کس بشاخی از آن درآویزد تا دوزخش نکشد و هر کس را سخاوت
بیشتر ایمانش بهتر بود و روز قیامت سخی را بیارند و کویند اگر حجتی
و حرفی داری بکوی کوید خدایا مرا آفریدی و هدایت نمودی و دست
عطا فرمودی من نیز نعمت ترا بر عباد تو منتشر ساختم بامید آنکه
امروز بر من نشر رحمت فرمای پس خدای تعالی فرماید بنده من
راست میکوید او را داخل بهشت کنید و جوان سخی مفرط در کناه
پیش خدای تعالی دوست ترست از پیر عابد بخیل و بهترین مردم اسخیا
و بدترین مردم بخلا و از جمله خلوص ایمان بر اخوان سعی در حوایج ایشانست

و بر اخوان موجب رحمت و محبت رحمن و حسرت شیطان و دوری از نیران و حصول
جنانست و سخی متقی که تصدیق باین کند که خدای تعالی یکدرهم را صد هزار و بیشتر
عوض میدهد و هیچ چیزی اراده نکند مکر آنکه خدای تعالی بیشترش کرداند
و هر کس بخلاف این باشد هیچ شری اراده نکند مکر آنکه بیشترش شود و روز
قیامت در دوزخ مقام کند و هر کس در صرف مال رضای خدا بخل کند
مبتلا شود بصرف اضعاف آن در معصیت خدا و از حضرت امام جعفر صادق ع از تفسیر
آیه کذلک یُریهم الله اعمالهم حسرات سوال کردند فرمود کسیکه مال خود را
در طاعت خدا صرف نکند و بکذارد تا بعد از و دیکران صرف کنند
پس اکر در طاعت صرف کند حسرت برد که ثواب مال خود را در میزان این
و خود را محروم بیند و اکر در معصیت صرف کند حسرت برد که خود از ثواب
آن محروم کشته و اعانت معصیت دیکری کرده روزی حضرت امیر المؤمنین ع
شنید که مردی میکوید بخیل معذورترست از ظالم فرمود دروغ میکوئی
ظالم کاه باشد که توبه و استغفار کند و رد مظالم نماید و نجات یابد و بخیل
منع زکوة و صدقه و رحم و ضیافت و سایر وجوه و حقوق کند و حرامست
که بخیل داخل بهشت شود

فصل دوم در فضایل زکوة و عقوبت منع آن

مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس زکوة مال خود از روی
طوع و رغبت بدهد خدای تعالی در بهشت بعدد هر دانه یک قصر طلا و یکی
نقره و یکی لؤلؤ و یکی زبرجد و یکی زمرد و یکی گوهر و یکی از نور رب العزة
عطا فرماید و هیچکس زکوة ندهد مگر آنکه مالش زیاد شود و مرویست که
هیچیک از طیور صید نشود مگر آنکه در ذکر و تسبیح تقصیر کرده باشد و هیچ
مالی تلف نشود مگر آنکه در زکوتش تقصیر رفته باشد و ملعونست مالی که زکوة آن
ندهند و خدای تعالی فرض زکوة را قرین فرض نماز گردانیده و هر کس
زکوة ندهد نمازش مقبول نشود و هر کس یک قیراط که در مکه معظمه
ربع سدس دینار است از زکوة منع کند نه مؤمن باشد و نه مسلم و چون
بمیرد یهودی باشد یا نصرانی و در روز قیامت اژدهائی از آتش طوق
گردنش باشد و عذابش کند تا وقتیکه از حساب فارغ شود و هر کس زکوة
طلا یا نقره را منع کند خدای تعالی روز قیامت او را در بیابانی محبوس
سازد و ماری عظیم که از بسیاری زهر موی سرش ریخته باشد بر آن
مسلط گردانید و چون هر چند گریزد نجات نیابد ناچار دست خود را
باو دهد تا بدن او را پاره پاره کند پس بر گردنش پیچد و عذابش کند و هر کسی

زکوة گوسفند و غیر آن از حیوانات را منع کند در بیابانی محبوس گردد که هر
حیوان صاحب سم او را پایمال کند و هر حیوان دندان دار با دندان پاره
پاره اش کند و هر کس زکوة غله و خرما و مثل آنرا منع کند زمین
ملکش تا هفت طبقه طوق گردنش شود و مرویست که روز قیامت
جمعی از قبر بیرون آیند دستها بر گردن بسته و ملائکه چند بر ایشان
موکل باشند و ایشان را سرزنش کنند و گویند اینانند که حق خدا را
از مال خود نداده اند و بچیزی قلیل از خیر کثیر محروم گشتند و چون
مردم منع زکوة اموال خود کنند زمین هم باذن خدا برکات
و خیرات خود منع کند و موجب قحط و تنگی شود و ادای زکوة و سایر
فرائض و واجبات علانیه باید و صدقات و سایر مستحبات پنهانی
افضل است و ثواب مستحبات پنهانی هفتاد برابر علانیه است **فصل سوم**
در صله اهل بیت طاهرین و ذریه طیبین و اتباع ایشان از مؤمنین سلام الله
علیهم اجمعین مرویست از حضرت پیغمبر ص فرمود که هر کس بیکی از اهل بیت من احسان کند
من در روز قیامت آنرا مکافات کنم و فرمود من در روز قیامت چهار کس را
شفاعت کنم اگرچه با گناه تمام اهل دنیا بیایند کسیکه نصرت ذریت من کرده باشد

وکسیکه مال خود را در وقت تنگی بذل ایشان نموده وکسیکه با دل و زبان
محبت ایشان داشته باشد وکسی که در حوایج ایشان سعی کرده باشد و حضرت
صادق ع فرمود در روز قیامت منادی ندا کند که ای خلایق خاموش
باشید که حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با شما گفتگو می کند پس آنحضرت
برخاسته گوید ای معشر خلایق هر کس را پیش من نعمتی و احسانی و منتی باشد
برخیزد تا آنرا تلافی کنم همه گویند پدر و مادر ما فدای تو باد کرا حد آن
که نعمت و منت و احسان و شفقت همه خدا و رسول خدا راست بر جمیع خلایق
پس آنحضرت گوید بلی هر کس یکی از اهل بیت مرا پناه داده یا با ایشان نیکی
کرده یا برهنهٔ ایشانرا پوشیده یا گرسنه ایشانرا سیر کرده بیاید تا مکافات
آن کنم پس جمعی که این کارها کرده باشند برخیزند پس از جناب الهی ندا آید که
ای حبیب من مکافات ایشانرا بتو رجوع داشتم در هر جای بهشت که خواهی
ایشانرا جای ده پس ایشانرا در وسیله که درجه ایست مخصوص آنحضرت
و اهل بیتش جای دهد تا در خدمت ایشان باشند و در میان ایشان حجاب
و مانعی نباشد و هم آنحضرت صلوات الله علیه فرموده که هر کس قادر بر صلهٔ
ما نباشد با صلحای شیعهٔ ما صله بجا آرد تا ثواب صلهٔ ما داشته باشد فصل

چهارم در فضایل معروف و احسان مروی است از اهل بیت ع که بهشت را
دریست که آنرا معروف نامند و از آن در داخل نشوند مگر اهل معروف
در دنیا و اول کسیکه داخل بهشت و وارد حوض کوثر شود معروف
و اهل معروف اند و سه چیز است که موجب زیادتی عمر و بقای نعمت است
یکی طول رکوع و سجود دوم طول جلوس بر سفره سوم اصطناع معروف
و احسان و صاحب معروف از مهالک و ورطها محفوظ باشد و چون اهل بهشت
داخل بهشت شوند خدای تعالی بادی خوشبوی را امر فرماید که با اهل معروف
ملاصق شود که هر یک از ایشان که بجمعی از اهل بهشت گذرند از بویش
بشناسند که صاحب معروف است و هر کس بمومنی احسان و معروفی کند
خدای تعالی روز قیامت با آن مومن فرماید برو و هر کس با تو معروفی
بجا آورده اگر در دوزخ باشد بیرون آر پس برود و بیرون آرد
و دوست ترین بندگان پیش خدا کسی است که معروف را دوست دارد
و هیچ خیر بهتر از معروف نیست مگر ثواب آن و مرویست که هر کس باشد
اصطناع معروف کنید که اگر او اهل شما نباشد شما اهل آن باشید
و اگر کسی در جانب راست شما را دشنام دهد و بجانب چپ آمده عذر

خواهی کند قبول کنید و در برابر احسان اگر بهمان قدر احسان کنی تلافی
کرده باشی و اگر زیاده کنی شکر آن بجا آورده باشی و چون
شکر بجای آری کریم باشی و هر کس بداند که چون بکسی نیکی و احسان
کند در واقع با خود کرده توقع مدح و شکر و زیادتی محبت از و
نداشته و چه جای توقع که باحسان حظ عرض خود و تحصیل ثواب
و فضایل برای خود نموده و کسیکه اعانت و سعی برای خیری کند
مثل فاعل آن خیر است و مرویست که برای یکدیگر هدیه بفرستید
که سبب محبت و اصلاح رنجش و عداوت شود و کاری که ضررش
باین کس بیشتر از نفع بدیگری باشد نباید کرد و چون بکسی احسانی کنند
اگر تواند تلافی کند و گرنه مدح و شکر کند و گرنه کفران کرده باشد
و حضرت صادق ع فرمود خدای تعالی لعن کرده قاطع سبیل معروف را
پرسیدند که کیست او فرمود کسیکه با و معروفی کنند و کفران کند
که سبب این شود که دیگر معروفی نکنند و بباید دانست که هر احسان و نکوئی
از مال و غیر مال داخل معروف است **فصل پنجم در فضایل صدقه** مرویست که
از اهل بیت طاهرین که خدای تعالی فرماید من بر هر چیز کسی مقرر فرموده‌ام

بغیر صدقه که آنرا خود بگیرم حتی آنکه اگر کسی خرمائی یا نصف خرمائی صدقه
دهد آنرا برای او تربیت کنم و زیاده گردانم تا روز قیامت مثل کوه احد
یا بزرگتر باشد و هفتاد نوع بلا از بلاهای دنیا دفع کند بغیر ثوابی که
در آخرت مهیاست و صدقه از چنگ هفتاد شیطان بیرون آید که همه
مانع باشند و هیچ چیز بر شیطان گرانبارتر از صدقه نیست و هر کس
اول روز صدقه دهد نحوست و شرور آن روز از و دفع شود و اگر
اول شب دهد نحوست و شرور آنشب از و دفع گردد در روزی یهودی
بحضرت پیغمبر گذشت حضرت فرمود امروز مار سیاهی بر قفای
این یهودی بزند و او را بکشد پس یهودی گذشت و پشته هیمه بر
دوش بسته مراجعت کرد حضرت فرمود هیمه را بر زمین گذاشت
ماری سیاه بر چوبی چسپیده بود پرسید که ای یهودی امروز
چه کرده گفت دو نان داشتم یکی را خوردم و یکی را تصدق کردم پس
حضرت فرمود ببرکت این تصدق شر این مار از و دفع شده
و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود میان من و منجمی قسمت زمینی بود و او
میخواست که من در ساعتی نحس و خود در ساعتی سعد بیرون رویم چون رفتیم

و تقسیم کردیم قسمت خوب بمن افتاد پنجم دست بر دست زده از روی حسرت
و ندامت گفت هرگز چنین چیزی ندیده ام من گفتم بلی من وقت بیرون
آمدن تصدق کردم و آن بهتر از پنجم تو بود و هم از ایشان مرویست
که در زمان بنی اسرائیل چند سال قحطی عظیم شد روزی زنی لقمه نانی
در دهن گذاشت که بخورد سائلی سوال کرد آن لقمه را از دهن بیرون
آورده بسایل داد اتفاقا آن زن را طفلی صغیر بود در صحرا گرگی او را
ربود و طفل فریاد کرد مادرش خبر یافته در پی او روان گشت جبرئیل ع م
آمد و طفل از دهن گرگ گرفته باو داد و گفت این لقمه عوض آن لقمه است
و هم از ایشان مرویست که مردی از بنی اسرائیل پسری داشت یکی
از اولیاء الله باو خبر داد که پسرت در شب عروسی خواهد وفات
کرد چون شب عروسی رسید پسر پیر عاجزی را دید و برو رحم کرد
طعامش داد پیر گفت مرا زنده کردی خدا ترا زنده دارد پس کسی
در خواب بآن مرد گفت که خدای تعالی بسبب آن تصدق مرگ از پسرت دفع
فرمود و نیز مرویست که هیچکس صدقه را در دنیا خوب نکند مگر که خدای تعالی
بعد از و کفالت اولادش را خوب کند و مرویست که هرچه مقدور شود

تصدق کنید اگرچه نصف خرمائی باشد و از دادن کم شرم مکنید که هیچ
کمتر از کمست و چون بنده بآنچه مقدورش باشد جود کند پیش خدا عظیم
بود و اگر هیچ نباشد بلکه خوش و زبان ملایم جواب گوید و روز قیامت
خدای تعالی فرماید من بشما انعام و احسان نفرمودم مال و فرزند ندادم و چشم
و گوش عطا نکردم گویند بلی پس گوید ببینید که برای امروز چه مهیا کرده اید
پس هرچند باطراف نظر کنند چیزی نیابند که آتش را از ایشان دفع کند
و زمین قیامت تمام آتش است مگر سایه مومن که صدقه اش بر ایشان سایه کند
و آتش را منع کند و کسی که صدقه را برای محتاجی ببرد مثل ثواب کسی دارد که آن
صدقه را داده و مرویست که آنقدر صدقه دهید که گویند اسراف کردیم اما
اسراف نکرده باشید و نیز مرویست که تا توانید صدقه بدهید و از پریشانی
مترسید که هرگز کسی از صدقه دادن پریشان نشود و صدقه مال زیاد کند و دین
ادا نماید و کسی بحضرت امام موسی کاظم ع شکایت کرد که پریشانی من بحدی رسیده
که فلانی دو جامه از بدن خود بیرون کرده و بمن داده فرمود روزه بگیر
و تصدق کن گفت از آنچه مردم بمن میدهند بدهم فرمود هرچه مقدور
میشود بده اگرچه خود بآن حاجت داشته باشی و هرجائی و مهربانی

که بکسی کند صدقه باشد حتی اگر با کری سخن گوئی و حرف او را باو بشنوانی
چنانکه او را نرنجانی و افضل صدقات آنست که پنهان باشد که صدقهٔ
پنهان آتش غضب خدا را بنشاند و صدقهٔ شب شعلهٔ غضب الهی را ساکن
کند و گناه عظیم را محو گرداند و حساب قیامت را آسان کند و صدقهٔ
روز مال و عمر زیاد کند و خطاهای عظیم را بگدازد چنانک آب نمک را
و حضرت عیسی یکبار دریا گذشت قرص نانی در آب انداخت حواریان
گفتند یا روح الله این نان قوت تو بود فرمود حیوانات آب بخورند
و ثوابش پیش خدا عظیم است و افضل صدقات آنست که در وقت تنگی
و پریشانی باشد و دیگری را بر خود اختیار کند و اگر عیال و بعد ازان خویشان
و بعد ازان همسایگان محتاج باشند صدقه بدیگری نشاید داد و هر چند
کسی نزدیکتر و حقش بیشتر صدقه بر او افضل باشد مرویست که افضل
صدقات آنست که بخویشی دهند که عداوت ایشان در دل داشته
باشد و صدقه یکی بده عوض یابد و صلهٔ دوستان یکی به بیست و صلهٔ
خویشان یکی به بیست و چهار و در صدقه منت نباید گذاشت و سائل را
نباید رنجانید که ثوابش باطل شود و بکلمهٔ خوش جواب گویند بهتر از آنست که

صدقه دهند و برنجانند و افضل آنست که آنچه مقدور شود بدهد و ملامت و عذر
خواهی آن ضم کند که این صدقه دیگرست افضل از صدقهٔ اول و چه جای منت
و رنجانیدن باشد که باندک چیزی که از مال دنیای دنی دهند منافع بسیار
و عافیت از بلاها و ثواب عظیم در بهشت برای خود کسب کند و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود حق فقرا و مساکین بشناسید که اگر ایشان نمی‌بودند
صدقه بکه میدادید و فضایل و ثواب صدقه چون می‌یافتید و رفع بلاها چون
میکردید و چون چیزی برای خدا و برای صدقه جدا کنند آنرا دیگر داخل
مال و صرف خود نباید کرد که اگر آن سایل رفته باشد یا قبول نکند بدیگری
باید داد **فصل ششم در مذمت سؤال و رد سایل** مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که سائل را رد مکنید اگرچه بر اسپ سوار باشد که اگر نه آن می‌بود
که سائلان دروغ گویند نجات نمی‌یافت کسیکه ایشانرا رد کند و اگر چیزی
مقدور نشود بملایمت عذر باید خواست که بسا باشد که ملائکه برای امتحان
بصورت انسان سؤال کنند و هر چه پیش از سؤال بدهید احسانست اما بعد از آنکه
با دل طپان و اعضای لرزان و تشویش میان یأس و امید آب روی خود بریزد
و سؤال کند هر چه دهید عوض آب رو و تشویش او باشد و احتیاج اما نیست

از خدا در پیش بندگان هر کس آنرا پنهان دارد ثواب آن باید که عبادت
کرده باشد و اگر افشای آن کند هر کس بشنود لازمست که برو انجاح کند
و اگر مردم بدانند که عطا چه قدر خوبست هرگز رد سوال نکنند و اگر مردم بدانند
که سوال چه قدر بدست هرگز سوال نکنند و نیز مرویست که از سوال
اجتناب کنید که مذلتست در دنیا و فقریست مهیا و طول حساب
در قیامت و هر کس بی احتیاج سوال کند خدای تعالی او را محتاج کند
تا مضطر بسوال شود و هر کس قوت سه روزه داشته باشد و سوال
کند روز قیامت گوشت در رویش نباشد روزی جمعی از حضرت پیغمبر
التماس کردند که برای ایشان ضامن بهشت شود فرمود ضامن شدم
بشرط آنکه شما از کسی سوال نکنید ایشان ترک سوال کردند تا حدی که
در اثنای طعام اگر آب بیکی نزدیکتر می بود نمی طلبیدند و خود بر میخاستند
و اگر در سواری تازیانه از دست شان می افتاد فرود می آمدند و بر میداشتند
و سوال نمیکردند **فصل هفتم در رعایت حال عیال** مرویست که از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که چون خدای تعالی بکسی نعمت دهد واجبست که
بر عیال خود توسعه کند و عیال اسیران ویند پس اگر صاحب نعمت بر ایشان

خود توسعه نکند نزدیک باشد که نعمتش زایل شود و چون نعمتی زایل شود زود
زود عود نکند و ملعونست کسیکه عیال خود را بر دیگری بار کند و ملعونست
کسیکه عیال را مضطر گذارد تا محتاج بدیگری شوند و همین گناه بس است
مرد را که عیال را محتاج گذارد و مومن باید چنانکه خدای تعالی با او معامله
میکند او نیز با عیال معامله کند هر گاه خدای تعالی او را وسعت دهد او نیز
عیال را وسعت دهد و هر گاه تنگ تر کند او نیز چنین کند و بهترین
صدقه و احسان آنست که بعد از قدر کفاف عیال باشد و هر کس برّش
با اهل خود نیکو باشد رزقش زیاد شود و حضرت امام زین العابدین ع فرمود
وقتیکه عیال من رغبت بگوشت کنند ببازار روم و برای ایشان گوشت بخرم
دوست تر دارم که بنده آزاد کنم و کسی دو دینار طلا بخدمت حضرت پیغمبر برده
گفت میخواهم باین مرکبی بخرم که بر آن سوار شوم و در راه خدا جهاد کنم
فرمود والدین داری صرف ایشان کن که افضلست رفت و چنان کرد
و دو دینار دیگر آورده گفت باین مرکبی بخرم فرمود بخر اما بدانکه این
افضل از آنها نیست و مرویست که مومن بخواهش اهل خود چیزی میخورد و منافق
بخواهش خود **فصل هشتم در احسان مومن بطعام و جامه** مرویست از اهل بیت

کههرکس بمومنی احسان کند چنانست که بحضرت پیغمبر احسان کرده باشد وهرکس
مومنی را طعام دهد بهترست از انکه ده بنده آزاد کند و ده حج کزارد واکر یک
مومنی غنی را طعام دهد چنانست که یککس از اولاد اسمعیل را از ذبح نجات دهد
واکر مومنی فقیر را طعام دهد چنانست که صدکس از اولاد اسمعیل آزاد کند وهرکس که طعام
بمومنی دهد خدای تعالی از میوهای بهشت عوض دهد و بهتر از انست که یک بنده
آزاد کند واکر سه مومن را طعام دهد خدای تعالی اورا در ملکوت سموات از
سه بهشت فردوس وطوبی وجنت عدن طعام دهد واز درختی که خدای تعالی
در بهشت عدن بدست خود نشانده وحضرت امام محمد باقر فرموده
یک حج کزارم دوست تر دارم از انکه هفتاد بنده آزاد کنم واهل یک خانه از
مسلمین را عیال خود کنم که کرسنه ایشان را سیر کردانم وبرهنه را بپوشانم
وایشان را از حاجت مردم بر هانم دوست دارم از انکه هفتاد حج کزارم
وهرکس مومنی را در معیشت اعانت کند یا برهنه ایشان را بپوشاند خدای تعالی
هفت هزار ملک موکل کرداند که تا نفخ صور برای همه کناهان او استغفار کنند
ودر روایت دیکر هفتاد هزار ملک آمده وهرکس مومنی را جامه بپوشاند خدای تعالی
اورا از جامهای بهشت بپوشاند وسکرات موت بر او آسان کند وکفنش را

دیگر

وسیع کرداند وچون از قبر بیرون آید ملائکه استقبالش کنند وبشارتش
دهند واز جامهای خاص بهشت در وی پوشانند وتا از جامه رشته باقی باشد
ملائکه بر وی صلوة فرستند ودر ضمان خدا باشد ونیز مرویست که هرکس
مومن برهنه را جامه بپوشاند در ستر رحمت خدا باشد تا از ان جامه
پارچه مانده باشد مرویست که احسان شایسته نکردد مکر به سه خصلت
یکی انکه انرا سهل وحقیر انکاری تا در نظر انکس عظیم شود دوم انکه
پنهان داری تا بر و کوارا باشد سوم انکه در ادای آن تعجیل کنی تا تمام
شود وچون این سه خصلت مراعات شود احسان در پیش خدا عظیم کردد

فصل نهم در فضیلت قرض دادن واحکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت
طاهرین که ثواب صدقه یکی بده باشد وثواب قرض دادن یکی بهیجده
وهرکس بمومنی قرض دهد تا وقتیکه قدرت بر ادای آن یابد با ملائکه در نماز
باشد وبرای او بصدقه حساب شود ونیز مرویست که هرکس بمومنی قرض
دهد بهر یک درهم مثل کوه احد وطور سینا ورضوی که کوهیست در مدینه
حسنات عطا فرماید واکر در مطالبه مدارا وملائمت کند بی حساب وعذاب
چون برق خاطف از صراط بکذرد ونیز مرویست که هرکس درمانده را قرض

دهد و در مطالبه مدارا کند خدای تعالی بهر یکی درهم هزار قنطار از بهشت عطا
فرماید و هر کس بمؤمنی قرض دهد و قضای حاجتش کند و او را مسرور گرداند
چنانست که حضرت پیغمبر را مسرور کرده باشد و جنون و جذام و برص از وی دفع شود
و اگر معقد و درپیش باشد و نه دهد بوی بهشت بر او حرام شود و نیز مرویست که
قرض دادن خمیر و نان و آتش و امثال آن از جمله مکارم اخلاقست و طلب رزق
کند و مضایقه در آن مورث فقر باشد و هر کس قرضداری درویشی را
مهلت دهد یا چیزی از حق خود باو ببخشد در سایه رحمت خدا باشد روزی که
هیچکس را سایه و پناهی نبود و از حرارت و خشم جهنم ایمن باشد و چنانست
که هر روز مثل آن تصدق کند و اگر میتی را حلال کند هر درهمی بده درهم
ثواب یابد **فصل دهم در سایر وجوه خیر و بر** از انجمله حق معلومست و حق معلوم
آنست که کسی از مال خود قدری معین بقدر وسع خود مقرر کرده باشد که هر روز
یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال و مجملا مدتی معین بفقرا و مساکین دهد حق تعالی
در قرآن مجید فرموده روز قیامت دوزخ آواز کند و بجانب خود
طلبد کسیرا که از راه راست رو گردانیده و مالها را بر سر هم جمع نموده و ذخیره
کرده مگر چند طائفه را یکی آنکه در مال خود حق معلوم مقرر کرده باشند و از جمله

وجوه خیر بنای مساجدست و مرویست از حضرت پیغمبر که هر کس در دنیا مسجدی
بنا کند خدای تعالی بقدر هر یک وجب از آن یا هر یک ذراع و تردد از راویست
بنا کند در بهشت شهری که چهل هزار ساله راه باشد از طلا و نقره و در و یاقوت
و زمرد و زبرجد در هر شهری چهل هزار هزار قصر و در هر قصری چهل هزار
هزار سرا و در هر سرا چهل هزار هزار خانه و در هر خانه چهل هزار هزار سریر
و بر هر سریری یک حوری و در هر خانه چهل هزار هزار غلام و چهل هزار کنیزک
همه در اوائل جوانی و کمال خوبی و چهل هزار هزار خوان و بر هر خوان چهل هزار
هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار هزار نوع از اطعمه و نعیم باشد و از آن جمله
بنای منازلست در راهها مرویست هم از آنحضرت که هر کس در سر راهها
بنائی و منزلی بسازد که قافله و متردّدین فرود آیند چون روز قیامت
مبعوث شود بر مرکبی از در سوار باشد و نور رویش بر عالم اهل محشر
تابان باشد و با ابراهیم خلیل در مکانش مزاحمت نماید [illegible] گویند
این فرشته ایست که مثل او در میان فرشتگان نیست و چهل هزار کس از
بشفاعت او داخل بهشت شوند و از آن جمله عتق رقبه است مرویست از اهل
بیت طاهرین که هر کس بنده مؤمنی آزاد کند خانه در بهشت برایش بنا شود

وبهر عضوی از و عضوی از آتش آزاد شود و کافر و مرکب را نشاید آزاد کردن
و اگر طفل یا پیر عاجز را آزاد کند باید نفقه اش بدهند تا وقتیکه خود
قدرت بر تحصیل معاش یابد و بنده که در حال نزع باشد آزاد کردن سود ندهد

باب هفتم در فضیلت روزه و احکام متعلق آن از آداب و فضل اعتکاف و متعلقات آن
از آداب و ثواب و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان شود

فصل اول در فضایل
مطلق روزه مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هر چیز را زکوتیست و زکوة
بدن روزه است و روزه سپریست از آتش جهنم و روزه دار همیشه در
عبادتست اگر چه در خواب باشد مادام که غیبت مسلمی نکند و خدای تعالی فرموده
مخصوص منست یعنی پنهان ترین عبادتهاست و از ریا دورست پس جزایش
بر منست و بوی دهن روزه دار پیش من بهترست از بوی مشک دیگر روز
روزه که خالص برای خدا باشد برابرست با یکسال و هر کس روزهٔ خود را
پنهان دارد خدای تعالی فرماید که ای ملائکه بندهٔ من از آتش پناه میجوید
پناهش دهید و ملائکه را فرماید که برای روزه داران دعا کنند و دعای
ایشانرا البته مستجاب فرماید و هر کس یکروز روزه دارد در شدت گرما
و تشنه شود خدای تعالی هزار ملک بر او موکل گرداند که با او ملاطفت

ومهربانی کنند و بشارتش دهند تا وقتیکه افطار کند و فرماید چه خوش آید مرا
از بوی تو ای ملائکه گواه باشید که گناهانش را آمرزیدم و حضرت پیغمبر ص
روزی فرمود میخواهید شما را چیزی تعلیم کنم که شیطان را از شما دور کند چنانچه دوری
مشرق و مغرب گفتند بلی یا رسول الله فرمود روزه رویش را سیاه کند و صدقه
پشتش بشکند و دوستی برای خدا و معاونت بر کارهای خیر بیخش از جا بکند
و استغفار رگ دلش قطع کند و خواب روزه دار عبادت و نفسش تسبیح و عملش
مقبول و دعایش مستجابست و هر کس یکروز روزه گیرد که بر او واجب نباشد
مغفرت گناهانش بر خدا واجب شود و بسا باشد که کسی یکروز روزه گیرد
یا دو رکعت نماز گزارد خدای تعالی فرماید بعد ازین هرگز ترا عذاب نکنم
و بهشت بر او واجب گرداند و چون روزه دار پیش جمعی وارد شود که
چیزی خورند هر موی که در بدن او باشد برایش تسبیح کند و ملائکه برایش
استغفار کنند و سه چیزست که بلغم قطع کند و حافظه زیاد کند روزه
و مسواک و تلاوت قرآن

فصل دوم در فضیلت روزهٔ ماه رجب
مرویست از اهل
بیت طاهرین ع که رجب نام نهریست در بهشت سفیدتر از شیر و شیرین تر از
عسل هر کس یکروز در این ماه روزه گیرد از آن نهر بیاشامد و آتش دوزخ

صد ساله راه از دوزخ دور شود و در روایت دیگر آمده که هر کس یک روز در ماه
روزه گیرد مخلصاً لله غضب الهی را بنشاند و میان او و دوزخ هفتاد
خندق خدای تعالی فاصله کند که عرض هر خندق مثل ما بین زمین و آسمان
باشد و بهشت او را واجب شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که
هر کس روز اول اینماه روزه بگیرد بهشت او را واجب شود و اگر
یک روز در میانش بگیرد شفیع گناهکاران شود بعدد قبیله ربیعه و مضر
که دو قبیله اند از اعظم قبایل عرب و اگر یک روز در آخرش بگیرد از پادشاهان
بهشت شود و شفیع پدر و مادر و برادر و خواهر و اولاد و عم و عمه و خال
و خاله و آشنایان و همسایگان خود شود که مستوجب آتش باشند
و نیز مرویست که هر کس درینماه یک روز از اول و یک روز از میان و یک روز
از آخر روزه بگیرد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و اگر سه روز
روزه بگیرد گناهان گذشته و آینده همه آمرزیده شود و هم از ایشان
مرویست که هر کس یک روز ازین ماه روزه گیرد با مادرجه با باشد در وقت
شام او را ده دعا مستجاب باشد اگر برای دنیا دعا کند خدای تعالی عطا
فرماید و گرنه بهتر از آن که هر کس از اولیا و اصفیا دعا کرده اند برای

آخرش ذخیره کند و اگر دو روز روزه گیرد در زمرهٔ صادقین محشور
شود و با ایشان به بهشت رود و هیچکس از اهل آسمان و زمین نتوانند
بیان کرد آنچه از فضل و کرامت در پیش خدای تعالی برای او مهیاست
و گناهان گذشته اش همه آمرزیده شود و اگر سه روز بگیرد گناهان گذشته اش
و آینده اش همه آمرزیده شود و هر کس از دوستان و آشنایان را که خواهد
شفاعت کند و محبت و حق او بر خدا واجب شود و اگر چهار روز بگیرد
از جنون و جذام و برص و از فتنهٔ دجال و عذاب قبر ایمن شود و مثل اجر
توابین و اوابین برایش بنویسند و نامهٔ اعمالش از دست راست در
اول عابدین باو دهند و اگر پنج روز بگیرد در روز قیامت رویش
مثل ماه شب چهارده باشد و بعدد ریگ بیابان عالج حسنات دهند
و بی حساب بهشت برند و گویند هرچه میخواهی از خدا طلب کن و اگر شش
روز بگیرد چون از قبر بیرون آید رویش از آفتاب روشن تر باشد
و غیر ازین نور دیگر باو عطا فرمایند که تمام محشر از آن نورانی شود
و از اهوال قیامت ایمن باشد و بی حساب بهشت رود و اگر هفت روز
بگیرد هفت در دوزخ از او بسته شود و آتش بر او حرام گردد و اگر هشت روز

بگیرد هفت در بهشت بر وی گشوده شود و اگر نه روز بگیرد در روز قیامت او را
نوری عطا فرمایند که اهل محشر گمان کنند که مگر از جملهٔ انبیاست و کمترین ثوابش
و آنست که بیحساب به بهشت رود و اگر ده روز بگیرد خدای تعالی دو بال او در
منظوم بدر و یاقوت که چون برق از صراط بگذرد و سیآتش بحسنات
مبدل گردد و از جملهٔ مقربین نوشته شود و چنانست که هزار سال عبادت
کرده باشد و اگر یازده روز بگیرد در روز قیامت هیچکس مثل او نباشد مگر کسیکه
آنقدر یا بیشتر کرده باشد و اگر دوازده روز بگیرد دو حله از سندس و استبرق
بهشت در وی پوشند که اگر یکی از آنها را بدنیا آرند نورش از مشرق تا مغرب را
روشن کند و بویش خوشبوی تر از مشک گرداند و اگر سیزده روز بگیرد
روز قیامت که هر کس بمحنت و بلیه گرفتار باشد برای او در سایهٔ عرش خدا
خوانی گذارند از یاقوت سبز هفتاد مرتبه وسیع تر از تمام دنیا و در آن
کاسها و صحنها باشد همه از در و یاقوت و در هر کدام هفتاد نوع نعمتها باشد
که هیچیک بدیگری شبیه نبود و او در کنار آن بعیش و تنعم مشغول باشد و اگر چهارده
روز بگیرد آنقدر قصرها و ثوابها باو دهند که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ
گوشی نشنیده و اگر پانزده روز بگیرد در روز قیامت در موقف آمنین بایستد

و هیچ پیغمبری و فرشته بر وی نگذرد مگر که گوید خوشت باد که تو از جملهٔ مقربانی و اگر
شانزده روز بگیرد از آن جماعتی باشد که بر مرکبهای نور بهشت سوار باشند و در عرصهٔ
بهشت سیر کنند و اگر هفده روز بگیرد در روز قیامت هفتاد هزار شمع از
نور بر صراط گذارند که در روشنی آنها برود و ملائکه بتسلیم و ملاطفت
مشایعتش کنند و اگر هیجده روز بگیرد در جنت خلد بر سریر در و یاقوت
با ابراهیم مرحمت نماید و اگر نوزده روز بگیرد در جنت عدن برای او
قصری بنا کنند از لؤلؤ در برابر قصر آدم و ابراهیم که بر هم سلام کنند و با هم
صحبت دارند و هر یک روز که روزه گرفته مثل هزار سال عبادت و روزه
باشد و اگر بیست روز بگیرد چنانست که بیست هزار سال عبادت کرده
باشد و اگر بیست و یک روز بگیرد بعدد قبیلهٔ ربیعه و مضر گناهکاران را
شفیع باشد و اگر بیست و دو روز بگیرد منادی از آسمان ندا کند که
ای ولی خدا مژده باد ترا بکرامتی عظیم از خدا و رفاقت نبیین و صدیقین
و شهدا و صالحین و اگر بیست و سه روز بگیرد از آسمان ندا کنند که
خوشت باد که اندک مشقتی کشیدی و در دار السلام همسایه و همنشین ابراهیم
گشتی و اگر بیست و چهار روز بگیرد وقت رحلت ملک الموت بصورت جوانی

صاحب جمال آید و در یک دست حریری سبز بمشک اذفر معطر و در دست دیگر
قدحی طلا مملو از شراب جنت از آن شراب باو دهد که سکرات موت آسان شود
و با آن حریر قبض روحش کند و ملائکهٔ هفت آسمان بسوی او استنشاق کنند و سیراب
در قبر بخوابد و سیراب بیرون آید تا وارد حوض کوثر شود و اگر بیست و پنج روز
بگیرد چون از قبر بیرون آید هفتاد هزار ملک استقبالش کنند با علمهای در
و یاقوت و جامها و زینتهای بهشت در وی پوشند و گویند ای ولی خدا
بشتاب به پیش خدا او از اول جماعتی باشد که با مقربین داخل بهشت شود
و اگر بیست و شش روز بگیرد در سایهٔ عرش خدا از برایش صد قصر از در
و یاقوت بنا کنند بر سر هر قصر خیمهٔ از حریر بهشت و در آنجا بفراغت
استراحت کند و مردم هنوز مشغول حساب باشند و اگر بیست و هفت روز
بگیرد قبرش را بقدر چهار صد ساله راه وسیع گردانند و از مشک
و عنبر پر کنند و اگر بیست و هشت روز بگیرد میان او و دوزخ هفتاد
خندق فاصله کند که عرض هر یک پانصد ساله راه باشد و اگر بیست و نه
روز بگیرد همهٔ گناهانش آمرزیده شود هر چند عظیم باشد و اگر سی روز
تمام بگیرد خدای تعالی از زوار الهی شود و هر گز عذابش نکند و در بهشت

چهل هزار قصر عطا فرماید و در هر قصر چهل هزار خانه و در هر خانه
چهل هزار خوان و در هر خوان چهل هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار
هزار نوع نعمت و در هر خانه چهل هزار سریر که طول هر سریر دو هزار
ذراع باشد بر هر سریری حوری نشسته هر یک را سیصد هزار گیسو آویخته
و هزار هزار کنیزک در خدمت ایستاده

فصل سوم در فضایل روزهٔ ماه شعبان

مرویست از حضرت پیغمبر که فرموده ماه شعبان ماه منست و هر کس یک روز از این ماه
روزه گیرد من شفیع او باشم و اگر دو روز گیرد گناهان گذشتهٔ
او همه آمرزیده شود و اگر سه روز بگیرد ملکی ندا کند که اعمال از سر گیر که
گناهانت همه آمرزیده شد و جمعی از آنحضرت از فضل روزهٔ ماه رجب سؤال
کردند فرمود چرا از شعبان نمی پرسید که فضیلت آن از رجب هم از آنحضرت
مرویست که هر کس یک روز از این ماه روزه گیرد گناهانش همه آمرزیده
شود و نیز مرویست که روزهٔ شعبان ذخیرهٔ آخرتست و هر کس در این ماه
روزه بسیار گیرد خدای تعالی معیشتش را اصلاح نماید و شر اعدایش را
کفایت فرماید و کمترین ثواب کسیکه یک روز از این ماه روزه گیرد آنست
که بهشت او را واجب شود و نیز مرویست که هر کس روز اول این ماه روزه

گیرد بهشت او را واجب شود و خدای تعالی برای او هفتاد حسنه نویسد که هر یکی
حسنه برابر یکساله عبادت باشد و اگر دو روز بگیرد گناه عظیمی موجب کشش
باشد محو شود و تا در دنیا باشد هر شبانه روز خدای تعالی بر وی برحمت نظر کند
و در بهشت هرگز نظر از وی برندارد و اگر سه روز بگیرد در بهشت هر روز خدای تعالی را
بر عرش زیارت کند و هفتاد درجه از در و یاقوت برایش بلند گردانند
و اگر چهار روز بگیرد در قبرش بر او وسیع گردانند و اگر پنج روز بگیرد خدای تعالی
محبت او را در دل مردم جا دهد و اگر شش روز بگیرد از هفتاد نوع بلا ایمن
شود و اگر هفت روز بگیرد از ابلیس و جنودش محفوظ گردد و اگر هشت روز
بگیرد نکیر و منکر را در وقت سؤال با او مهربان گردانند و اگر ده روز بگیرد
قبرش را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع وسیع کنند و اگر یازده روز بگیرد
یازده ستون نور در قبرش نصب کنند و اگر دوازده روز بگیرد هر روز
در قبر هفتاد هزار ملک زیارتش کنند و اگر سیزده روز بگیرد ملائکه
هفت آسمان برایش استغفار کنند و اگر چهارده روز بگیرد همه خیرحتی
ماهیان دریا برایش استغفار کنند و اگر پانزده روز بگیرد خدای تعالی
فرماید بعزت خودم قسم که ترا بآتش عذاب نکنم و اگر شانزده روز بگیرد هفتاد

دریای

دریای آتش از وی خاموش شود و اگر هفده روز بگیرد همه درهای دوزخ از وی بسته
شود و اگر هیجده روز بگیرد هفتاد هزار قصر از در و یاقوت در بهشت باو
دهند و اگر نوزده روز بگیرد همه درهای بهشت برو گشوده شود و اگر
بیست روز بگیرد هفتاد هزار حور العین برایش تزویج کنند و اگر بیست و دو روز
بگیرد هفتاد حله از سندس و استبرق در وی پوشند و اگر بیست و سه روز
بگیرد هفتاد حله از سندس و استبرق در وی پوشند و چون از قبر بیرون
آید بر مرکبی از نور سوار شده به بهشت رود و اگر بیست و چهار روز بگیرد
شفیع هفتاد هزار کس از اهل توحید باشد و اگر بیست و پنج روز بگیرد از
نفاق بری شود و اگر بیست و شش روز بگیرد از صراط بگذرد و اگر
بیست و هفت روز بگیرد از آتش برات یابد و اگر بیست و هشت روز
بگیرد در رویش نورانی و درخشان باشد و اگر بیست و نه روز بگیرد برضوان
اکبر الهی فائز شود و اگر سی روز تمام بگیرد خدای تعالی فرماید اگر گناه تو
بعدد ستاره آسمان و قطره باران و برگ درختان و خاک زمین و ریگ بیابان
میبود که همه را آمرزیدم و نیز مرویست که هر کس ماه شعبان را بماه رمضان
متصل کند کفاره گناهان گذشته و آینده اش باشد و نیز مرویست که هر کس سه روز

آخر اینماه روزه گیرد و بماه مبارک رمضان متصل کند چنانست که دو ماه
متوالی روزه گرفته باشد و کفارهٔ گناهانش باشد **فصل چهارم در فضایل
روزهٔ ماه رمضان** مرویست از حضرت پیغمبر که فرمود اگر شما فضایل این ماه را بدانید
خدای تعالی را شکر بسیار کنید که این تفضل بشما فرموده هر کس اینماه را روزه
گیرد روز اول گناهانش آمرزیده شود و دو هزار هزار درجه برایش بلند
کنند و پنجاه شهر در بهشت بنا کنند و روز دوم بهر گام که بردارد عبادت
یکساله و روزهٔ یکساله نویسند و روز سوم بعدد هر موئی که در بدن
دارد قبهٔ در فردوس عطا فرمایند از دُر سفید که بر بالایش دوازده
و در زیرش دوازده خانه از نور باشد و در هر خانه هزار سریر بر هر
سریری حوری نشسته و هر روز هزار ملک هر یک با تحفه و هدیه پیشش
آیند روز چهارم در جنت خلد هزار قصر عطا فرمایند در هر قصر هفتاد هزار
خانه و در هر خانه هزار سریر و بر هر سریری حوری نشسته در خدمت
هر یک هزار کنیزک که مقنعهٔ هر یکی از ایشان بهتر است از تمام دنیا و ما فیها روز پنجم
در جنت الماوی هزار هزار شهر در هر شهر هفتاد هزار خانه در هر خانه هفتاد
هزار خوان در هر خوان هفتاد هزار کاسه و در هر کاسه شصت نوع طعام که هیچکدام ابدا بیکدیگر

شبیه نبود و روز ششم در جنت السلم صد هزار شهر در هر شهر صد هزار سرا در هر
سرا صد هزار خانه در هر خانه صد هزار سریر که طول هر سریر هزار ذرع باشد
بر هر سریر حوری نشسته از هر یک سی هزار گیسو آویخته با دُر و یاقوت
بافته گیسوهای هر یک را کنیزکی در دست گرفته و روز هفتم ثواب چهل هزار
شهید و چهل هزار صدیق عطا فرماید روز هشتم ثواب عمل شصت هزار
عابد و شصت هزار زاهد روز نهم ثواب هزار عالم و هزار معتکف و هزار مرابط
فی سبیل الله روز دهم چنان باشد که هفتاد هزار حاجت برآورده
باشد و آفتاب و ماه و ستارگان و همه مخلوقات حتی طیور و سباع
و سنگ و کلوخ و ماهیان دریا و برگ درختان برایش استغفار کنند
روز یازدهم ثواب چهار حج و چهار عمره که هر حج با پیغمبری و هر عمره با صدیق
یا شهیدی کرده باشد و روز دوازدهم سیئاتش بدل بحسنات شود
و حسناتش مضاعف گردد که هر حسنه برابر هزار حسنه باشد و روز سیزدهم
مثل عبادت اهل مکه و مدینه و بعدد هر سنگ و کلوخی در میان مکه و مدینه
شفاعتی عطا فرماید و روز چهاردهم چنانست که با آدم ع و نوح ع و موسی ع
و ابراهیم ع و داود ع و سلیمان ع ملاقات کرده و صحبت داشته باشد

وچنانست که با هر پیغمبری دویست سال عبادت کرده باشد و روز یازدهم
جمیع حوائج دنیا و آخرت و مثل ثواب ایوب ع عطا فرمایند و دعایش مستجاب
باشد و حملهٔ عرش برایش استغفار نمایند و روز قیامت چهل نور عطا فرمایند
در هر جانبش ده نور و روز شانزدهم چون از قبر بیرون آید هفتاد حله
از بهشت بر وی پوشند و بر مرکبی از بهشت سوار شود و ابری بر سرش
از حرارت آن روز سایه کند روز هفدهم گناهانش آمرزیده شود
و از شدائد روز قیامت ایمن گردد روز هیجدهم خدای تعالی فرماید که
جبرئیل ع و میکائیل و اسرافیل ع و حملهٔ عرش و کروبیین برایش استغفار کنند
تا سال دیگر و روز قیامت ثواب انبیا باو عطا فرماید روز نوزدهم
جمیع ملائکهٔ آسمان و زمین از خدای تعالی اذن خواسته هر روز بزیارت
قبرش آیند هر یک با هدیه و شربتی از بهشت روز بیستم هفتاد هزار ملک
بر و موکل شوند که از شیاطین می حفظش نمایند و بعد هر روز که روزه
گرفته ثواب صدساله روزه عطا فرماید و چنان او و دوزخ خندقی
فاصله کند و ثواب هر که توریة و انجیل و زبور و فرقان خوانده و بعدد هر
پری از بال جبرئیل عبادت یکساله و ثواب تسبیح حملهٔ عرش و کرسی عطا فرمایند

ولبعد

ولبعد هر آیه از قرآن حوری برایش تزویج کنند روز بیست و یکم خدای تعالی قبرش را
هزار فرسخ وسیع گرداند و وحشت و ظلمت قبر از و برگرفته قبرش امثل قبور شهدا
گرداند روشن و امتش روی یوسف ع کند روز بیست و دوم ملک الموت در
وقت قبض روحش چنان آید که پیش انبیا می رود و هول نکیر و منکر و هموم
دنیا و عذاب آخرت از و برخیزد روز بیست و سوم با نبیین و صدیقین و شهدا
و صالحین از صراط بگذرد و چنانست که هر یتیم و اسیر و برهنه را پوشیده
باشد روز بیست و چهارم از دنیا نرود تا جای خود در بهشت نبیند
و ثواب هزار مریض و هزار غریب که بطاعت خدا از وطن رفته باشند
یابد و چنان باشد که هزار بنده از اولاد اسمعیل ع آزاد کند روز بیست
و پنجم خدای تعالی در زیر عرش برایش هزار قبه از نور سبز بنا فرماید
بر سر هر قبه خیمهٔ از نور و فرماید ای بندهٔ من در پناه عرش من درین
قبها بیاسای و از نعمتهای بهشت تنعم نمای و از هر بیم و اندوه در امان
باش و هزار تاج نور بر سرش نهند و بر مرکبی از نور سوار شود که زمامش
از نور باشد و بر زمامش هزار حلقهٔ از طلا و بر هر حلقهٔ ملکی موکل در دست
هر ملک عمودی از نور تا داخل بهشت شود و اولین و آخرین از حال او در تعجب

باشند روز بیست و ششم خدای تعالی برو برحمت نظر کند و همه گناهانش را
بیامرزد مگر خون و مال مردم روز بیست و هفتم چنانست که هر مؤمن و مؤمنه را
نصرت کرده و هفتاد هزار برهنه را پوشانیده و هزار مرابط فی سبیل الله را
خدمت کرده و جمیع کتب الهی را خوانده باشد روز بیست و هشتم
خدای تعالی در جنت خلد صد هزار شهر از نور و در جنت الماوی صد هزار
قصر از نقره و در جنت نعیم صد هزار شهر در هر شهر صد هزار حجره و در جنت
الجلال صد هزار منبر از مشک در درون هر منبر هزار هزار خانه و در هر خانه
هزار هزار سریر از در و یاقوت بر هر سریری حوری نشسته
عطا فرماید روز بیست و نهم هزار هزار منزل در هر منزل قبهٔ سفید
در هر قبه سریری از کافور بر هر سریری هزار مسند از سندس
سبز بر هر مسندی حوری نشسته و هفتاد هزار حله پوشیده و هشتاد
هزار گیسو آویخته مکلل بدر و یاقوت عطا فرماید و چون سی روز
تمام شود بعدد هر روز که روزه گرفته ثواب هزار شهید و هزار صدیق
و عبادت پنجاه ساله عطا فرماید و هر روز که روزه داشته باشد
برابر روزهٔ هزار روز باشد و بعدد هر درخت و گیاه که از آب رود نیل

رسته درجات بلند گرداند و از عذاب ایمن باشد و بر صراط بگذرد و در بهشت را
دری است ریان نام که تا روز قیامت گشوده نشود و آن روز بگشایند و رضوان
خازن بهشت گوید ای روزه داران ماه مبارک رمضان از امت محمد ص از این
در و داخل بهشت شوید پس حضرت پیغمبر ص فرمود کسیکه در این ماه آمرزیده نشود
در کدام ماه آمرزیده خواهد شد و تفصیل سایر روزهای مستحب هر یک در
جای خود ان شاء الله بیاید

فصل پنجم در آداب صایمیت

مروی است از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزه گرفتن همین از خوردن و آشامیدن
نیست بلکه چون روزه گیری باید چشم و گوش و موی و پوست و همه
جوارح و اعضایت از حرام و قبیح در روزه باشد و روز صیام مثل
سایر ایام نباشد با مردم مجادله و منازعه مکن و دروغ مگوی و دشنام
مده و قسم مخور و مردم را حتی خادم خود را مرنجان و آزار مکن حضرت
پیغمبر ص زنی را دید روزه دار و کنیز خود را دشنام داد آنحضرت
آن زن را طلبید و طعامی طلبیده فرمود بخور گفت من روزه دارم فرمود
چون روزه داری که دشنام میدهی روزه از همین طعام و شراب
نباشد و چون کسی روزه دار را دشنام دهد او بگوید من روزه دارم

مثل تو دشنام بدهند هم خدای تعالی فرماید بندهٔ من بروزه پناه برد او را
از آتش پناه دادم و نیز مرویست که در روزه و در شبانه روز جمعه و در
مطلقا و در شبانه روز ماه مبارک رمضان و کسیکه محرم باشد و در حرم
مکهٔ معظمه شعر خواندن نشاید اگرچه در مدایح اهل بیت باشد و مراد ازین
شعر آنست که مشتمل بر کذب و هجو و طعن یا بر خیالات و اغراقات و دعویهای
باطل و غیر واقع و امثال اینها باشد چنانکه در میان شعرا شایع است اگرچه
موضوعش حق باشد مثل مدح اهل بیت ع اگرچه شأن ایشان ارفع ازان
باشد اما اگر معانی حق واقعی باشد و موضوعش نیز حق باشد مثل مناجات
و موعظه و مدح اهل بیت ع ظاهر و مبین است و روزه دار را افضل است
که مضمضه و استنشاق نکند مگر برای نماز فریضه و با چوب تر مسواک نکند
اما اگر چوب خشک باشد و به آب تر کند و حرکت دهد تا آبش هم بریزد قصور
ندارد و سرمه که مشک داشته باشد یا طعمش در گلو محسوس شود در چشم
نکشد و جامه تر نپوشد مگر بعد از فشردن آن اما در آب نشستن قصور ندارد
مگر زنان را و مشک و ریحان و نرگس و هر گیاه خوشبو نبوید که این جمله برای
صایم مکروهست اما سایر عطرها و گلها و بخور قصور ندارد بلکه تعطیر و بخور

برای صایم مستحب است و مرویست که روزه دار در اول روز تعطیر کند
عقلش زایل نشود و الله اعلم

فصل ششم در سحور

مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که در ماه مبارک رمضان افضل اینست که ترک سحور نکند و در غیر آن اگر خواهد
سحور کند و اگر نخواهد نکند و هر کس نیت سحور کند اگرچه آب تنها باشد که ثواب
صوم دهر یابد و خدای تعالی بر سحور کنندگان صلوات و رحمت فرستد
و هر کس در وقت سحور و افطار انا انزلناه بخواند چنانست که در راه خدا
در خون خود غلطیده باشد

فصل هفتم در افطار

مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که حضرت پیغمبر ص افطار بحلوا میفرموده و اگر حلوا نمیبوده بقند یا خرما
و اگر هیچکدام نمیبوده به آب نیم گرم و افطار به آب نیم گرم معده و جگر را
پاک کند و بوی دهن خوش کند و دندان محکم گرداند و چشم را قوت و جلا دهد
و گناهان از دل شوید و رگهای جهنده را تسکین دهد و صفرا بشکند و بلغم
قطع کند و حرارت معده و صداع زایل گرداند و افضل اینست که اگر کسی انتظار
نکشد افطار بعد از نماز شام کند که روزه بنماز ختم شود و دعا در وقت افطار
مستجاب باشد و فضل قرائت انا انزلناه در وقت افطار بسیارست و در وقت
افطار بگوید یا عَظیمُ یا عَظیمُ یا عَظیمُ اَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ

اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم انه لا یغفر
الذنب العظیم الا انت یا عظیم از گناه پاک شود مثل روزی که از مادر
متولد شده و ایضا در وقت افطار بگوید اللهم لک صمنا و علی رزقک
افطرنا فتقبل منا انک انت السمیع العلیم فصل ششم در تفطیر صایم
مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هر کس صائمی را افطار فرماید مثل ثواب او داشته
باشد و هر عبادت و حسنه که بقوت آن طعام کند در ثوابش شریک باشد و افطار
فرمودن صایم افضل است از روزه که خود گیرد و اگر در ماه رمضان افطار فرماید
چنانست که بنده آزاد کند و کفاره گناهان گذشته اش باشد و حضرت امام محمد باقر
یکی از اصحاب فرمود میتوانی که در ماه مبارک رمضان هر شب ده بنده از اولاد
اسمعیل آزاد کنی گفت مالم باینقدر وفا نکند پس یک یک کم میفرمود و میگفت نمیتوانم
تا بیک بنده رسید و گفت نمیتوانم پس فرمود میتوانی هر شب یک مسلم را افطار
فرمائی گفت بلی ده مسلم را نیز فرمود مقصودم همین بود که افطار فرمودن مومنی
مثل آزاد کردن بنده ایست از اولاد اسمعیل در فضل افطار کردن
برای سرور مومن مرویست از اهل بیت طاهرین ع که در خانه برادر مومن افطار
کردن هفتاد مرتبه افضل است از روزه که گرفته و چون کسی روزه غیر واجب

داشته باشد و بر مومنی وارد شود و تکلیف افطارش کند افطار کند
و او را مسرور سازد و اگر چه بعد از عصر باشد برابر است با ده روز و اگر افطار
نکرده و منت بر او نگذاشته افطار کند مثل یک سال روزه باشد و این
حدیث و سائر احادیث بسیار که در سرور مومن یا نفع کدورت او
باشد باید کرد و اگر چه در خانه او نباشد فصل دهم در اعتکاف مرویست از
اهل بیت طاهرین ع که افضل اوقات برای اعتکاف ماه مبارک رمضانست
حتی اینکه مرویست که اعتکاف نباشد مگر در عشر آخر ماه رمضان و ده
روز اعتکاف در ماه مبارک رمضان برابر است با دو حج و دو عمره
و اعتکاف کمتر از سه روز نباشد و بیشتر هر قدر خواهد تواند و اصل اعتکاف
مستحب است اما چون دو روز بگذرد روز سوم واجب باشد مثل ششم
و نهم و دوازدهم پس در روز اول و دوم باختیار تواند فسخ اعتکاف
نمودن و بیرون رفتن و در روز سوم بغیر ضرورت نتواند بیرون رفت و شرطست
در اعتکاف روزه داشتن پس کسیکه روزه نتواند داشت اعتکاف صحیح نباشد
و هر روزه که باشد مجزی بود خواه واجب و خواه غیر آن و نیز شرطست که در
مسجدی باشد که امام عادل در آن نماز گزارده باشد و افضل مساجد برای اعتکاف

مسجد الحرام و مسجد رسول الله صلعم و مسجد کوفه است و در ایام اعتکاف بیضرورت
بیرون نشاید رفت و جایز است بیرون رفتن برای نماز جمعه یا حضور جنازه
یا عیادت مریض و مجملا حقی از حقوق دین و کار ضروری و چون برای حاجتی
بیرون رود در جائی ننشیند تا انکه بمسجد خود عود کند و نماز در غیر آن
مسجد نگزارد مگر نماز جمعه یا در مکه معظمه که در هر موضع از مکه که نماز گزارد
صحیح باشد و حرامست در ایام اعتکاف مباشرت کردن خواه روز و خواه
شب و درین ایام از بوی خوش و ریاحین و مجادله با مردم و بیع و شرا
احتراز باید نمود و مستحبست که وقت رفتن باعتکاف با خدا شرط کند
که اگر امری سانح شود بیرون رود که چون این شرط کرده باشد هر وقت
امری عارض شود بیرون تواند رفت و حرجی برو نباشد خواه پیش از
روز سوم و خواه بعد از ان

باب ششم در اعوام و شهور و لیالی و ایام

و مقصود ازین باب دوازده فصل انشاء الله بیان شود

فصل

اول در اعمال روز
نوروز و فضایل آن مرویست از اهل بیت طاهرین ع که عهد خلافت و ولایت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه در غدیر خم درین روز بود و درین روز حضرت
صاحب الزمان صلوات الله علیه ظهور خواهد فرمود و برکات درین روز

بسیار واقع شده مستحبست درین روز روزه داشتن و غسل کردن و جامهای
پاکیزه پوشیدن و تعطیر نمودن و خواندن هر یک از آیة الکرسی و این دعا
بعدد ایام سال اللهم هذه سنة جديدة وانت ملك قديم
اسئلك خيرها وخير ما فيها واعوذ بك من شرها وشر ما
فيها واستكفيك مؤنتها وشغلها يا ذا الجلال والاكرام
و هر کس درین روز بعد از نماز عصر چهار رکعت نماز گزارد و در رکعت اول
بعد از الحمد ده انا انزلناه و در دوم ده قل یا ایها الکافرون و در سوم
ده قل هو الله و در چهارم ده معوذتین بخواند و بعد از فراغ سجده شکر
کند و در سجده این دعا بخواند پنجاه ساله گناهش آمرزیده شود اللهم
صل على محمد وآل محمد الاوصياء المرضيين وعلى جميع
انبيائك ورسلك بافضل صلواتك وبارك عليهم بافضل
بركاتك وصل على ارواحهم واجسادهم اللهم بارك على
محمد وآل محمد وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته
وكرمته وشرفته وعظمت قدره اللهم بارك لي فيما
انعمت علي حتى لا اشكر احدا غيرك ووسع علي في رزقي

یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ اَللّهُمَّ ما غابَ عَنّی فَلا یَغیبَنَّ عَنّی عَونُکَ
وَحِفظُکَ وَما فَقَدتُ مِن شَیءٍ فَلا یَفقِدنی عَونُکَ عَلَیهِ
حَتّی لا اَتَکَلَّفَ ما لا اَحتاجُ اِلَیهِ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ و نوشتن
هفت سلام با مشک و زعفران و گلاب و آشامیدن آن امانست تا نوروز دیگر
از علل و امراض چنانکه مشهور است و در مجموعهٔ نیز بنظر رسیده مرویست از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و خواندن یا مُحَوِّلَ الحَولِ وَ
الاَحوالِ حَوِّل حالَنا اِلی اَحسَنِ الحالِ بعد ایام سال مشهور است
اما حدیثی بنظر رسیده **فصل دوم در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی ندارد**
مرویست از اهل بیت طاهرین ع که حضرت پیغمبر چون ماه نو میدیده میگفته
اَیُّهَا المُطیعُ الدّائِبُ السَّریعُ المُتَصَرِّفُ فی مَلَکوتِ الجَبَروتِ
بِالتَّقدیرِ رَبّی وَرَبُّکَ اللّهُ اَللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَینا بِالاَمنِ
وَالایمانِ وَالاِسلامِ وَالسَّلامَةِ وَالاِحسانِ وَکَما بَلَّغتَنا
اَوَّلَهُ فَبَلِّغنا آخِرَهُ وَاجعَلهُ شَهراً مُبارَکاً تَمحو فیهِ السَّیِّئاتِ
وَتُثبِتُ لَنا فیهِ الحَسَناتِ وَتَرفَعُ لَنا فیهِ الدَّرَجاتِ یا عَظیمَ
الخَیراتِ و اگر خواهد دعای صحیفه کامله را بخواند که اتم و اکمل است و هر کس

وقت دیدن ماه هفت مرتبه الحمد بخواند در آنماه چشمش از رمد ایمن باشد و هر کس
اول ماه چیزی بخورد امید هست که در آنماه دعا و حاجتش رد نشود و اول هر ماه
دو رکعت نماز بگزارد در رکعت اول بعد از الحمد سی مرتبه قل هو الله احد
و در دوم سی مرتبه انا انزلناه بخواند و آنچه مقدور شود تصدق کند و سلامتی
آنماه را از خدای تعالی بخرد و هر کس در هر ماه حضرت امام حسین ع را زیارت
کند ثواب صد هزار شهید از شهدای بدر یابد و سنت است در هر ماه سه روز
روزه داشتن پنجشنبه اول و آخر ماه و چهارشنبه میانماه که برابرست
با صوم دهر و وسوسهٔ خاطر را دفع کند از ائمهٔ طاهرین ع از سبب این
روزه سوال نمودند فرمودند پنجشنبه برای آنکه اعمال در پنجشنبه بر خدای تعالی
عرض میشود خوبست با روزه عرض شود و چهارشنبه میان ماه روز
عذابست و ارکان آتش در چهارشنبه آفریده شده و خدای تعالی
جمیع امم سابقه را در چهارشنبه میان ماه عذاب کرده و روزه امانست
از عذاب و اگر در اول ماه دو پنجشنبه باشد اول افضل است و اگر در
آخر دو پنجشنبه باشد آخر افضل است و اگر بسبب مانعی یا مشقتی روزه گرفتن
دشوار باشد قضا کند یا یکدرهم که تخمینا هفتاد دینار است یا یک مد گندم

یا غیر آن از طعامها که تخمینا بوزن تبریز یکمن چهار یکی تصدق کنند و در روایات بسیار
آمده که تصدق افضل است و در یکی ازین روایات آمده که این قدر تصدق
در نظر راوی کم نمود حضرت امام فرمود مومنی را طعام دادن افضل است از
یکماه روزه گرفتن و نیز مرویست که هر کس در یکی از ماههای حرام که رجب
و ذو القعده و ذو الحجه و محرم است پنجشنبه و جمعه و شنبه روزه گیرد عبادت
هفتصد ساله برایش نوشته میشود و الله اعلم **فصل سوم در اعمال ماه محرم الحرام**
این ماه اول سنهٔ هجریه است مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هر کس در سال
روز اول اینماه دو رکعت نماز گزارد و بعد از سلام سه مرتبه بگوید اللّٰهمّ
اِنَّكَ اَنْتَ الاَبَدِیُّ القَدِیمُ العَفُوُّ الغَفُورُ الرَّحِیمُ وَهٰذِهِ
سَنَةٌ جَدِیدَةٌ فَاَسْئَلُكَ العِصْمَةَ فِیهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ
وَالعَوْنَ عَلٰی هٰذِهِ النَّفْسِ الاَمَّارَةِ بِالسُّوْءِ وَالاِشْتِغَالِ
بِمَا یُقَرِّبُنِی اِلَیْكَ یَا ذَا الجَلَالِ وَالاِکْرَامِ وَالفَضْلِ وَالاِ
نْعَامِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ خدای تعالی دو ملک برو موکل کرداند
که در بقیهٔ عمر شیطان را ازو دفع کنند و از متابعت نفس اماره و پیروی
هوا و هوس محافظتش نمایند و بر طاعات و حسنات اعانتش کنند و در

دهم اینماه قضیهٔ کربلا واقع شده و بنی امیه و اتباع ایشان لعنهم الله باین روز
تبرک کردند و روزه گرفتند و هر کس درین روز روزه گیرد و بآن تبرک
کند با آل زیاد لعنهم الله در دوزخ باشد و هر کس درین روز ذخیره گذارد
خدای تعالی نفاق در دلش اندازد و برکت از و و اولادش و اهل بیتش بر دارد
و شیطان در ان شریک شود و اگر سعی در کاری از کارهای دنیا کند ساخته
نشود و اگر شود مبارک نباشد و هر کس درین روز دست از حوایج دنیا باز دارد
خدای تعالی حوایج دنیا و آخرتش را برآرد و از اعظم مستحبات است درین روز
مشغول مصیبت حضرت امام حسین ع و اهل بیت و اقربا و اصحاب او که اعظم و اشد
بلایات بودن و بهیأت مصیبت زدگان محزون و گریان جامه گشودن
و گریان بودن و تا یکساعت بعد از عصر دست از طعام و شراب و لذات و شهوات
کشیدن و بعد از ان باندک تربت مقدس افطار نمودن که هر کس آن روز را
روز گریه و مصیبت خود گرداند خدای تعالی روز قیامت را روز فرح و مسرت
او گرداند و هر کس مصیبت اهل بیت ع را یاد کند و بگرید و دیگری را بگریاند
روز قیامت با ایشان در درجهٔ ایشان باشد و چشمش نگرید در روزی که هر
چشمی گریان باشد هر کس یکقطره اشک بریزد برای خونی که از ایشان ریخته

یا حقی که بظلم از ایشان رفته یا عرضی که بحرمت گشته یا برای یکی از شیعیان
یک حق در بهشت باشد و حق را هشتاد سال و بیشتر نیز تعبیر کرده‌اند و گریه
برای حضرت امام حسین گناهان عظیم را بریزد و هر کس بر آن حضرت گریه کند اشکی
بر رویش روان شود همه گناهانش صغیر و کبیر و قلیل و کثیر آمرزیده شود
و اگر مرثیه در شان آنحضرت بخواند و بگرید و دیگری را بگریاند و اگر گریه
نیاید خود را گریه ناک گرداند بهشت او را واجب شود و هر کس زیارت
آنحضرت کند روز قیامت هیچ گناه بر وی نباشد و هر کس قاتلانش را
لعنت کند در غرفهای بهشت با اهل بیت طاهرین باشد هر کس هر گاه یاد
آنحضرت کند بگوید یا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً چنانست که در
خدمت آنحضرت شهید شده باشد و هر کس بفرح ایشان فرحناک و بحزن
ایشان محزون باشد با ایشان در درجات عُلی بهشت باشد و هر کس شب
عاشورا در پیش قبر منور آنحضرت بگذراند چنانست که در عرصه کربلا
در خدمت آنحضرت شهید شده باشد و در خون خود غلطیده و هر کس
روز عاشورا زیارت قبر مقدس آنحضرت کند چنانست که خدای تعالی را
بر عرش زیارت کند و بهشت او را واجب شود و حضرت امام محمد باقر فرمود

هر کس روز عاشورا اگر بیان زیارت قبر آنحضرت کند ثواب دو هزار حج و دو
هزار عمره و دو هزار غزوه که در خدمت حضرت پیغمبر و ائمه طاهرین کرده باشد
برایش ثبت شود و اگر از آن مکان دور باشد و نتواند آنجا حاضر شدن
روز چون بلند شود پیش از زوال بصحرا بیرون رود یا بر بامی بلند بر آن
حضرت سلام کند و گریه و نوحه کند و دو رکعت نماز گزارد و بسیار بر قاتلان
او لعنت و اهل بیت خود را بر گریه دارد و در خانه خود مصیبت برپای
کرده یکدیگر را تعزیه کنند و بگویند أَعْظَمَ اللهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا
بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِیَّاکُمْ مِنَ الطَّالِبِینَ
بِثَارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عم آن نوبتها.
و ثواب مصیبت هر نبی و رسول و وصی و صدیق و شهید از اول دنیا تا روز
قیامت برای ایشان نوشته شود راوی پرسید که طریقه تعلیم کن
مرا که درین روز از دور یا نزدیک زیارت کنم فرمود با جمیع طریقه زیارت
کن اول تکبیر بگوی و بعد از آن چنین سلام کن که مذکور میشود و بعد از آن
دو رکعت نماز بگزار که خدای تعالی صد هزار هزار درجه برایت نویسد و چنان
باشد که در خدمت آنحضرت شهید گشته باشی و با شهدا در درجه ایشان

سر کمباشی بحقیقتی که هیچ از ایشان ممتاز نباشی و ثواب زیارت هر نبی و ولی
و ملک و هر کس زیارت آنحضرت کرده از روزی که شهید شده برای تو
نوشته شود و اگر هر روز چنین زیارت کنی همین ثواب داشته باشی

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ
رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَابْنَ
سَيِّدِ الْوَصِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ
سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَابْنَ
ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَرْواحِ الَّتى
حَلَّتْ بِفِنآئِكَ وَناخَتْ بِرَحْلِكَ عَلَيْكُمْ مِنّى جَميعاً سَلامُ
اللهِ اَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ يا اَبا عَبْدِ اللهِ
لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصيبَةُ بِكَ
عَلَيْنا وَعَلى جَميعِ اَهْلِ الْاِسْلامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ
مُصيبَتُكَ مُصيبَةٌ بِكَ عَلَيْنا فِى السَّمواتِ وَعَلى جَميعِ
اَهْلِ السَّمواتِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ
وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ

وَاَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتى رَتَّبَكُمُ اللهُ فيها وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ
وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتالِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللهِ
وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِيآئِهِمْ يا اَبا عَبْدِ اللهِ
اِنّى سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ اِلى يَوْمِ الْقِيمَةِ وَلَعَنَ اللهُ
آلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانٍ وَلَعَنَ اللهُ بَنى اُمَيَّةَ قاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ
مَرْجانَةَ وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ يَزيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ
وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ
لِقِتالِكَ بِاَبى اَنْتَ وَاُمّى لَقَدْ عَظُمَ مُصابى بِكَ فَاَسْئَلُ اللهَ
الَّذى اَكْرَمَ مَقامَكَ وَاَكْرَمَنى بِكَ هٰذا اَنْ يَرْزُقَنى طَلَبَ ثارِكَ
مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
اَللّهُمَّ اجْعَلْنى عِنْدَكَ وَجيهاً بِالْحُسَيْنِ فِى الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ يا اَبا
عَبْدِ اللهِ اِنّى اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ وَاِلى رَسُولِهِ وَاِلى اَميرِ الْمُؤْمِنينَ
وَاِلى فاطِمَةَ وَاِلَى الْحَسَنِ وَاِلَيْكَ بِمُوالاتِكَ وَبِالْبَرآءَةِ مِمَّنْ
قاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرآءَةِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَساسَ ذلِكَ
وَبَنى عَلَيْهِ بُنْيانَهُ وَجَرى ظُلْمُهُ وَجَوْرُهُ عَلَيْكُمْ وَعَلى اَشْياعِكُمْ

برئت الى الله والى رسوله واليكم منهم واتقرب الى الله ثم اليكم
بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبراءة من اشياعهم واتباعهم
اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي لمن والاكم
وعدو لمن عاداكم فاسئل الله الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة
اوليائكم ورزقني البراءة من اعدائكم ان يجعلني معكم في
الدنيا والآخرة واسئله ان يبلغني المقام المحمود
لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاركم مع امام مهدي ظاهر
ناطق منكم واسال الله بحقكم وبالشان الذي لكم عنده
ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته
مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي
جميع السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن
تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي
محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد اللهم ان
هذا يوم تبركت فيه بنو امية وابن آكلة الاكباد اللعين
بن اللعين على لسانك ولسان نبيك في كل موطن وموقف

وقف فيه نبيك اللهم العن ابا سفيان ومعوية ويزيد بن
معوية وآل مروان عليهم منك اللعنة ابد الآبدين وهذا
يوم فرحت به آل زياد وآل مروان بقتلهم الحسين اللهم
فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب اللهم اني اتقرب
اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبراءة
منهم واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك وآل نبيك
عليهم السلام بعد از ان صد مرتبه بگو اللهم العن اول ظالم ظلم
حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة
التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت على قتله اللهم
العنهم جميعا بعد از ان صد مرتبه بگوی السلام عليك يا ابا عبد الله
وعلى الارواح التي حلت بفنائك وانا خت برحلك عليك
مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله
الله آخر العهد مني لزيارتك السلام على الحسين وعلى علي بن
الحسين وعلى اصحاب الحسين بعد از ان بگوید اللهم خص انت اول
ظالم باللعن مني وابدأ به اولا ثم الثاني والثالث والرابع

وقف

اللهم العن يزيد خامساً والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة
وعمر بن سعد وشمراً وآل ابي سفيان وآل زياد وآل مروان
الى يوم القيمة و بعد از ان سجده کند و بگوید اللهم لك الحمد حمد الشاكرين
لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني
شفاعة الحسين يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك
مع الحسين واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين
عليه السلام فصل چهارم در اعمال ماه صفر بعضی از اعاظم علما در کتب خود نقل
کرده اند که هر روز از این ماه ده مرتبه این دعا بخوانند از بلاهائی که در این
ماه نازل شود ایمن باشند یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز
یا عزیز ذلت بعزتك جميع خلقك واكفني شر خلقك
يا مجمل يا منعم يا مفضل يا لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الطيبين
و مستحب است در بیستم این ماه که اربعین عاشورست زیارت حضرت امام حسین و روایت از
حضرت امام حسن عسکری که پنج چیز از علامات مومن است صلوة احدی و خمسین و زیارت

اربعین

اربعین و تختم بیمین و تعفیر جبین و جهر به بسم الله الرحمن الرحیم پس چون خواهی زیارت
کنی وقت ارتفاع روز بگو السلام على ولي الله وحبيبه السلام
على خليل الله ونجيبه السلام على صفي الله وابن صفيه السلام
على الحسين المظلوم الشهيد السلام على اسير الكربات وقتيل
العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن وليك وصفيك
وابن صفيك الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة وحبوته
بالسعادة واجتبيته بطيب الولادة وجعلته سيداً من
السادة وقائداً من القادة وذائداً من الذادة واعطيته
مواريث الانبياء وجعلته على خلقك من الاوصياء فاعذر
في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك
من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته
الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته بالثمن
الاوكس وتغطرس وتردى في هواه واسخطك واسخط
نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة
الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابراً محتسباً

حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فا
لعنهم لعناً وبيلاً وعذبهم عذاباً اليماً السلام عليك
يا بن سيد الاوصياء اشهد انك امين الله وابن امينه
عشت سعيداً ومضيت حميداً ومت فقيداً مظلوماً
شهيداً وانا اشهد ان الله منجز ما وعدك ومهلك
من خذلك ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت
بعهد الله وجاهدت في سبيله حتى اتيك اليقين و
فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله امة
سمعت بذلك فرضيت به اللهم اني اشهدك اني ولي
لمن والاه وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يا رسول الله
اشهد انك كنت نوراً في الاصلاب الشامخة والار
حام الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم
تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد انك من دعائم
الدين واركان المسلمين واشهد انك الامام البر التقي
الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة من

ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة
على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع
ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع
ونصرتي لكم معدة حتى ياذن الله لكم فمعكم معكم لا مع
عدوكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم
وشاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم امين رب العالمين

فصل پنجم در اعمال ماه ربیع الاول اکثر شیعه بر آنند که در نهم این ماه قتل عمر بن الخطاب
لعنه الله واقع شده و اهل تواریخ و بعضی از علمای شیعه درین خلاف
کرده اند اما حدیثی صریح درین روایت شده و خلاصه مضمون آن
چنانست که دو کس از شیعیان گویند که روز نهم ربیع الاول بود که
رفتیم بخانه محمد بن اسحق قمی که از اعاظم اصحاب امام علی النقی بود محمد غسل
کرده از خانه بیرون آمد و هنوز ازار نکشوده بود و اعضای خود را
خشک میکرد ما را از وضع او تعجب رو داد گفت نه چنانست که شما گمان
کرده اید بلکه امروز عید است و من غسل عید کرده ام گفتیم مگر شیعیان را
بغیر اضحی و فطر و غدیر و جمعه عیدی دیگر هست گفت بلی پس ما را بخانه

بر دوشش نشستیم پس گفت من با جماعتی شیعیان در همین روز که نهم ربیع الاول است
رفتیم بخدمت مولای خود امام علی النقی و آنحضرت هر یکی از غلامان خود را
فرمود جامهای نو پوشیده بودند و مجمره در پیش آنحضرت بود و تبخیر میفرمود
ما گفتیم پدر و مادر ما فدای تو باد مگر اهل بیت را فرحی و عیدی تازه
شده فرمود کدام روز در نزد اهل بیت حرمتش عظیمتر است از امروز
که حذیفه بن الیمان در همین روز بخدمت جدم رسول الله رفت و آنحضرت
با امیر المؤمنین حسن و حسین علیهم السلام طعام تناول میفرمودند و آنحضرت
در روی ایشان تبسم و شکفتگی مینمود و با حسنین میفرمود بخورید خوشتان
باد و برکت امروز که درین روز خدای تعالی دشمن خود و دشمن جد شما را
هلاک میکند و دعای مادر شما را اجابت می نماید و اعمال شیعیان شما را
و دوستان شما را قبول میفرماید بخورید که امروزیست که شوکت
دشمن جد شما شکسته میشود بخورید که امروزیست که فرعون اهل بیت
من و ظالم ایشان و غاصب حق ایشان هلاک میشود حذیفه گوید من
گفتم یا رسول الله در میان امت تو کسی هست که این بی ادبی تواند کرد
فرمود بلی یکی از منافقان که دعوی ریاست و خلافت کند و مردم را

بخود دعوت نماید و از راه خدا برگرداند و کتاب خدا را تحریف کند و سنت
مرا تغییر دهد و میراث فرزندم را غصب کند و خود را امام و مقتدای مردم گرداند
و اموال خدا را از حرام گیرد و در معصیت صرف کند و برادر و وزیر مرا تکذیب
کند و دخترم را از حق خود منع کند و دخترم او را نفرین کند و خدای تعالی
اجابت فرماید حذیفه گوید من گفتم چرا از خدا نمیخواهی که او را در حیوة
تو هلاک کند فرمود نمیخواهم که خلاف قضای خدا کنم اما از او خواستم که
روزی که او را هلاک میکند بر سائر ایام تفضیل دهد تا دوستان من
و شیعیان و دوستان اهل بیت من آنروز را عید کنند پس خدای تعالی
فرمود که من ملائکه هفت آسمان را امر کرده ام که آنروز را عید کنند
برای شیعیان و دوستان شما و فرموده ام که کرسی کرامت مرا درین
روز در برابر بیت المعمور نصب کنند و مرا ثنا گویند و برای شیعیان
و دوستان شما استغفار کنند و کرام الکاتبین را فرموده ام که از آنروز
تا سه روز دیگر قلم از خلق بردارند و هیچ خطیئه بر ایشان ننویسند
و این روز را برای تو و برای اهل بیت تو و شیعیان شما عید
گردانیدم و بعزت و جلال خودم که هر کس امروز را عید کند او را

وهمهٔ خویشان او را ثواب جن و انس عطا فرمایم و هر کس امروز بر خود و بر عیال
خود توسعه کند مالش را زیاد کنم و هر سال درین روز صد هزار کس از شیعیان
و موالیان شما را از آتش آزاد کردانم و طاعت شان را ثواب دهم و کناهان
شان بیامرزم و اعمال شان قبول نمایم حذیفه کوید پس آنحضرت برخاسته
بخانهٔ ام سلمه تشریف ارزانی فرمود و من هیچ شک نداشتم درین که آن منافق
عمر بن الخطاب خواهد بود تا آنکه بعد از حضرت پیغمبر آن ملعون کرد
آنچه کرد و غصب فدک نمود و حضرت فاطمه بر و نفرین کرد و خدای تعالی
اجابت فرمود و در روز نهم ربیع الاول کشته شد پس من بخدمت
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه رفتم فرمود ای حذیفه بیاد می آری
آنروز را که بخدمت حضرت پیغمبر آمدی و فضایل آنروز را بیان فرمود
کفتم بلی والله که امروز همان روز است و مؤید اینست احادیث دیگر
که در فضل این روز روایت شده مثل آنکه هر کس درین روز صدقه
و احسانی کند آمرزیده شود و نیز بعضی علما نقل کرده اند که مستحبست
درین روز اطعام مومنان و احسان و بوی خوش بایشان و توسعه
در نفقه و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت کردن اما روزه

درین روز روا نبوده والله اعلم **هفدهم اینماه** مولد حضرت پیغمبر است
و روزهٔ این روز برابر یکسال روزه است و مستحبست درین روز
تصدق کردن و زیارت مشاهد مقدسه نمودن

فصل ششم در اعمال ماه رجب

مرویست از اهل بیت طاهرین ع که ماه رجب ماهی است عظیم الشان و رفیع المنزله
و منسوبست بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و خدای تعالی درینماه
حسنات مضاعف کند و سیئات محو کرداند و مستحبست احیا داشتن
شب اول اینماه و مرویست که هر کس یکشب درینماه احیا دارد شفاعت او
برای هفتاد هزار کس از کناه کاران مقبول باشد و مرویست که حضرت
پیغمبر ص بر مقبره میکذشت لحظه توقف فرمود پس از انجا کذشت از سبب
توقف سوال نمودند فرمود اهل این مقبره معذب بودند بر ایشان
ترحم کردم و از خدای تعالی خواستم که عذاب از ایشان تخفیف دهد
و اکر ایشان یکروز از ماه رجب روزه میداشتند و یکشب بعبادت
بر میخواستند ازین عذاب ایمن می بودند و هر مومن و مومنه که یکروز
ازین ماه روزه دارد و یکشب عبادت کند خدای تعالی ثواب یکساله
روزه و عبادت و هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد و هزار عتق رقبه

از اولاد اسمعیل ده هزار دینار طلا تصدق عطا فرماید و چنانست که اسیران
امت مرا بخرد و آزاد کند و هزار گرسنه سیر کند و از عذاب قبر و هول منکر
و نکیر ایمن شود کسی تعجب نموده گفت این همه ثواب برای کسی است
که یک روز روزه گیرد و یک شب بعبادت برخیزد در این ماه فرمود بلی برای
کسی که انکار قدرت خدا نکند برین که اینقدر عبادت را این همه ثواب
تواند داد و فرمود اگر کسی قادر بر برخاستن شب نباشد بعد از نماز عشا
قبل از وتیره دو رکعت نماز گزارد و هر سوره که خواهد بخواند از حق تعالی
امید دارم که این همه ثوابها عطا فرماید و نیز مرویست که در ماه
رجب شبی هست که هر کس در آن شب خواب بر خود حرام کند و مشغول
عبادت باشد خدای تعالی جسدش را بر آتش حرام کند و هفتاد هزار
ملک با او مصافحه نمایند و برایش استغفار کنند تا آن شب از سال دیگر
و در روایت دیگر آمده که هر کس یک شب از شبهای رجب احیا دارد
خدای تعالی او را از آتش آزاد کند و شفیع هفتاد هزار کس از گناهکاران
گرداند و هر کس در این ماه تصدق کند برای خدا امید ثواب از خدای تعالی
در بهشت آنقدر ثواب عطا فرماید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی

نشنیده

نشنیده و بخاطر هیچکس نرسیده باشد و مستحبست شب اول این ماه خواندن
این دعا بعد از نماز عشا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِكٌ وَاَنَّكَ عَلی
كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ ما تَشاءُ مِنْ اَمْرٍ یَكُونُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ
اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ یا مُحَمَّدُ یا
رَسُولَ اللّٰهِ اِنّی اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبّی لِیُنْجِحَ طَلِبَتی
اَللّٰهُمَّ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتی بعد از آن
حاجتی که خواهد بخواهد و هر کس روز اول این ماه زیارت امام حسین کند گنا
هانش آمرزیده شود البته و نیز مرویست که هر کس روز اول و میان و آخر
این ماه غسل کند از گناه پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده
و از سلمان فارسی رحمه الله علیه مرویست که روایت کند از حضرت
پیغمبر که فرمود هر کس در این ماه سی رکعت نماز گزارد و در هر رکعت
بعد از الحمد سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند.
ده رکعت در اول ماه و بعد از فراغ دستها برداشته بگوید لا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَ
یُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

اللهم لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا
الجد منك الجد و دستها بر رو بمالد و ده رکعت در میانه ماه و بعد از
فراغ دستها بر داشته بگوید لا اله الا الله وحده لا شریك
له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیدك
الخیر وهو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا صمدا
لم یتخذ صاحبة ولا ولدا و دستها بر رو بمالد و ده رکعت
در آخر ماه و بعد از فراغ دستها بر داشته بگوید لا اله الا الله
وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم و دستها بر رو بمالد و حاجتی که خواهد
طلب نماید مستجاب شود و خدای تعالی میان او و جهنم هفت خندق فاصله کند
که عرض هر خندق مثل ما بین آسمان و زمین باشد و بهر رکعت هزار هزار
رکعت براتش نویسند و با ایمنیت و سلامت از صراط بگذرد و چنان
باشد که تمام این ماه روزه داشته باشد و تا سال دیگر از جمله نماز

گزارندگان

گزارندگان نوشته شود و هر روز ثواب شهیدی از شهدای بدر برایش نوشته شود
و هر یک روز که در این ماه روزه دارد عبادت یکساله نویسید و هزار درجه بلند
گرداند و هم از آنحضرت مرویست که ثواب روزه هر روز این ماه را بیان
فرمود چنانکه در باب سابق بتفصیل گذشت بعد از آن سوال کردند که اگر
کسی نتواند روزه گرفتن چکند تا این ثواب دریابد فرمود هر روز در این ماه
یک نان تصدق کند بخدا قسم که همه ثواب آن دریابد و بیشتر از آن و اگر همه
خلق آسمان و زمین جمع شوند عشر ثواب آن نتوانند نوشت پرسیدند
اگر قادر بر این تصدق نباشد چه کند فرمود هر روز صد مرتبه بگوید سبحان
الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز
الاکرم سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من
لبس العز وهو له اهل و نیز مرویست که خدای تعالی فرموده هر کس
در رجب هزار مرتبه بگوید استغفر الله ذا الجلال والاکرام من
جمیع الذنوب والآثام اگر او را نیامرزم پس من خدای او نباشم
و سه مرتبه چنین فرموده مستحبست هر روز در این ماه خواندن این دعا اللهم
انی اسئلك صبر الشاکرین لك وعمل الخائفین منك ویقین

العابدين لك اللهم انت العلي العظيم وانا عبدك البائس
الفقير انت الغني الحميد وانا العبد الذليل اللهم صل
على محمد وآله وامنن بغناك على فقري وبحلمك على جهلي
وبقوتك على ضعفي يا قوي يا عزيز اللهم صل على محمد
وآله الاوصياء المرضيين واكفني ما اهمني من امر الدنيا
والآخرة يا ارحم الراحمين ونيز هر روز ازين ماه اين دعا بخوانند كه
روايت از حضرت صاحب الزمان صلوات الله عليه اللهم اني اسئلك
بمعاني جميع ما يدعوك به ولاة امرك المأمونون على سرك
المستبشرون بامرك الواصفون لقدرتك المعلنون لعظمتك
اسئلك بما نطق فيهم من مشيتك فجعلتهم معادن لكلماتك
واركانا لتوحيدك وآياتك ومقاماتك التي لا تعطيل لها
في كل مكان يعرفك بها من عرفك لا فرق بينك وبينها الا
انهم عبادك وخلقك فتقها ورتقها بيدك بدؤها
منك وعودها اليك اعضاد واشهاد ومناة واذواد
وحفظة ورواد فبهم ملأت سماءك وارضك حتى ظهر

ان لا اله الا انت فبذلك اسئلك وبمواقع العز من رحمتك
وبمقاماتك وعلاماتك ان تصلي على محمد وآله وان تزيدني
ايمانا وتثبيتا يا باطنا في ظهوره وظاهرا في بطونه و
مكنونه يا مفرقا بين النور والديجور يا موصوفا بغير كنه
ومعروفا بغير شبه حاد كل محدود شاهد كل مشهود و
موجد كل موجود ومحصي كل معدود وفاقد كل مفقود
ليس دونك من معبود اهل الكبرياء والجود يا من لا
يكيف بكيف ولا يؤين باين يا محتجبا عن كل عين
يا ديموم يا قيوم وعالم كل معلوم صل على محمد وآله
وعلى عبادك المنتجبين وبشرك المحتجبين وملائكتك
المقربين والبهم الصافين وبارك لنا في شهرنا هذا
المرجب وما بعده من الاشهر الحرم واسبغ علينا فيه
النعم واجزل لنا فيه القسم وابرر لنا فيه القسم باسمك
الاعظم الاجل الاكرم الذي وضعته على النهار فاضاء
وعلى الليل فاظلم واغفر لنا ما تعلم منا ولا نعلم واعصمنا

من الذنوب خير العصم واكفنا ما في قدرك وامنن علينا بحسن
نظرك ولا تكلنا الى غيرك ولا تمنعنا من خيرك وبارك لنا فيما
كتبته لنا من اعمارنا واصلح خبيئة اسرارنا واعطنا منك
الامان واستعملنا بحسن الايمان وبلغنا شهر الصيام
وما بعده من الايام والاعوام يا ذا الجلال والاكرام
ونیز هر روز این دعا بخوانند اللهم اني اسئلك بالمولودين في رجب
محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب واتقرب بهما
اليك خير القرب يا من اليه المعروف طلب وفيما لديه
رغب اسئلك سؤال مقترف مذنب قد اوبقته ذنوبه
فطال على الخطايا دؤوبه ومن الرزايا خطوبه يسئلك
التوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته
والعفو عما في ربقته فانت يا مولاي اعظم امله
وثقته اللهم واسئلك بمسائلك الشريفة ووسائلك
المنيفة ان تتغمدني في هذا الشهر برحمة منك واسعة
ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة الى نزول

الحافرة

الحافرة ومحل الآخرة وما هي اليها صائرة هر کس در ماه رجب وشعبان ورمضان
هر روز وهر شب حمد وآية الكرسی [illegible] وسبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم هر یک
سه مرتبه بخوانند واللهم صل على محمد وآل محمد وعلى كل ملك ونبي
سه مرتبه واللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات سه مرتبه واستغفر الله صد
مرتبه بگوید همه گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد ستارهٔ آسمان وقطرهٔ
باران وبرگ درختان وکف دریا وریگ بیابان باشد وبعد وهر حرف
ازین ورد شفاعت دوستان وآشنایان کند وهر کس درین سه ماه
این عمل بجا آرد اگرچه در مدت عمر یکمرتبه باشد بعد وهر حرف از آن هفتاد
هزار حسنه عطا فرمایند که هر یک سنگین تر از کوه احد باشد وهفتاد
حاجتش برآورده شود ودر وقت قبض روح وهفتاد در قبر وهفتاد در وقتی که
از قبر بیرون آید وهفتاد وقتیکه نامهای اعمال در اطراف متفرق باشد
وهفتاد در وقت میزان وهفتاد در صراط **عمل رغائب** هر کس پنجشنبه
اول اینماه روزه گیرد وشب اول که آنرا شب رغائب گویند میان نماز
شام وخفتن دوازده رکعت نماز گزارد گناهانش آمرزیده شود اگرچه

مثل کف دریا باشد و وزن کوهها و برگ درختان و ریگ بیابان باشد
و شفیع هفتصد کس از اهل بیت خود باشد که همه مستوجب آتش باشند

عمل ایام بیض

هر کس ایام بیض این ماه روزه گیرد و شبهایش بعبادت برخیزد و شب پانزدهم
صد رکعت نماز گزارد و در هر رکعت ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون
فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار کند شر اهل آسمان و زمین و شر ابلیس
و جنود وی لعنهم الله ازو دفع شود و اگر در آن ماه بمیرد شهید باشد و اگر
حاجتش بر آورده شود پانصد در دنیا و پانصد در آخرت و نیز مرویست
که هر کس درین شب دوازده رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت بعد از
الحمد سی مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فراغ صد مرتبه استغفار
و تمجید و تکبیر بگوید و اگر باین عبارت بگوید مجزی بود که استغفر الله
ذا المجد و الکبریاء تا آنکه تا از سال دیگر خطیئه برو ننویسند و بعدد هر قطرهٔ
که درین سال از آسمان آید حسنه نویسند و بعدد هر کوه و نجوی که کرده
در بهشت قصری از زبرجد سبز و بعدد هر حرف قرآن که خوانده شهری
از یاقوت سرخ عطا فرماید و تاج کرامت بر سرش نهند و مستحبست
در روز پانزدهم این ماه زیارت حضرت امام حسین ع

کیف

کیفیت این عمل در کتب ادعیه بانحاء مختلفه مذکورست و مستند هیچیک ازانها
در احادیث معلوم نیست و احتمال دارد که مشایخ رحمهم الله اعمال دیگر را که
هر کدام علیحده برای روز پانزدهم روایت شده باشد با عمل استفتاح مخلوط
ذکر کرده باشند و بسبب اختلاف و تشویش گشته باشد اما کیفیت آن بنحوی
که در حدیث روایت شده آنست که فاطمه نام زنی بود از ذریت حضرت
امام حسن ع و حضرت امام جعفر صادق ع را شیر داده بود و پسر او داود را منصور
خلیفه عباسی محبوس کرده اراده قتل او داشت روزی فاطمه بخدمت حضرت
صادق ع غمگین و محزون رفت آنحضرت فرمود ماه رجب نزدیکست
ایام بیض آن ماه روزه بگیر در روز پانزدهم اول ظهر چهار رکعت نماز
بگزار و در رکعت اول بعد از الحمد الم نشرح و در دوم قل یا ایها الکافرون
و در سوم انا انزلناه و در چهارم اذا زلزله بخوان و بعد از نماز ظهر چهار رکعت
دیگر بگزار و در اول بعد از الحمد قل هو الله احد و در دوم قل اعوذ برب
الناس و در چهارم انا اعطیناک الکوثر بخوان و بعد از آن ذکر و تسبیح
میکرده باش تا وقت عصر داخل شود پس نماز عصر در اول وقت بگزار
و چون سلام دهی تسبیحات اربع و الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و صلوة

پیغمبر و آلش هر یک صد مرتبه و بعد از ان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف
و لقمان و یس و صافات و حم سجده و حم عسق و دخان و انا فتحنا و اذا
وقعه و سوره الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخوان
و اگر از خواندن قرآن عاجز باشی بجای آن الحمد صد مرتبه و آیة الکرسی
ده مرتبه و قل هو الله احد هزار مرتبه بخوان بعد از ان رو بقبله این دعا
بخوان که اسم اعظم درین دعاست و فرمود این دعا را دعای استفتاح
باین سبب نام شده که هر گاه خوانده شود درهای آسمان گشوده
گردد و همان ساعت حاجتی که باین بخواهند مستجاب شود فاطمه گوید
چون این عمل بجای آوردم و خوابیدم جمیع انبیا و ملائکه را که درین
دعا مذکورند و صلوة بر ایشان فرستادم در خواب دیدم که میگویند
ای ام داود مژده باد ترا که ما همه برای تو دعا کردیم و حاجت
مستجاب شد پس بیدار شدم و اندک وقتی بیش نگذشت که داود
آمد و گفت در بند و زندان بودم که در نصف رجب بخواب دیدم
ترا که جماعتی بسیار در اطراف تو ایستاده بودند یکی از ایشان با من
گفت ای داود بدعای مادرت خدای تعالی ترا از حبس نجات داد در خبر

بیدار شدم رسول منصور ایستاده بود مرا از حبس بیرون آورد و پنج
هزار درهم بمن داد و بود روانه خدمت شدم و دعا اینست صدق الله
العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام
الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء و هو
السمیع العلیم البصیر الخبیر شهد الله انه لا اله الا هو
والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وبلغت رسله
الکرام وانا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد ولک
المجد ولک العز ولک القهر ولک النعمة ولک العظمة
ولک الرهبة ولک الرحمة ولک المهابة ولک السلطان
ولک البهاء ولک الامتنان ولک التسبیح ولک التقدیس

ولک التهلیل

ولک التکبیر ولک ما یری ولک ما لا یری ولک ما فوق
السموات العلی ولک ما تحت الثری ولک الارضون السفلی
ولک الآخرة والاولی ولک ما ترضی به من الثناء والحمد
والشکر والنعماء اللهم صل علی جبرئیل امینک علی وحیک

والقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك المتحمل
لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر لاعدائك اللهم صل على
ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفر المعين
لاهل طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب
الصور المنتظر لامرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم
صل على حملة العرش الطاهرين وعلى ملائكة الذكر اهل
التامين على دعاء المؤمنين وعلى السفرة الكرام البررة
الطيبين وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة
الجنان وخزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال
والاكرام اللهم صل على ابينا ادم بديع فطرتك الذي كرمته
بسجود ملائكتك واجته جنتك اللهم صل على امنا حواء
المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس
المترددة بين محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث
وادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق و
يعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون

ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس
واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا
وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارمياء وحيقوق ودانيال
وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع و
خالد وحنظلة ولقمن اللهم صل على محمد وعلى ال محمد وارحم
محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت ورحمت
وباركت وترحمت على ابرهيم وعلى ال ابرهيم انك حميد
مجيد اللهم صل على الانبياء والاوصياء والاولياء و
السعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم صل على الابدال
والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل
الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل
صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني
تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه
اعلى درجات اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافا
ضل المقربين اللهم وصل على من سميت منهم وعلى من لم

اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك و
اوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك
واعواني على دعائك اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك
الى كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل
طاعتك اليك واسئلك اللهم بكل ما سئلك به احد منهم
من مسئلة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة
مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم
يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا
مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا
محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر
يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا
حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ
يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا قابض يا باسط يا هادي يا مرشد يا مرسل يا مسدد
يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا رزاق

يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل
مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي
يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام
يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس
يا ناصر يا باعث يا وارث يا عالم يا مونس يا حاكم يا بادي
يا هادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم
يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار يا
عدل يا فاضل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع
يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر
يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث
يا مغني يا مقني يا خالق يا راصد يا واحد يا حاضر يا جابر
يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض يا باسط
يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنا
وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله
المقادير يا من العسير عليه سهل يسير يا من هو على ما يشاء

قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود
والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات
يا رازق من يشاء وفاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال و
الاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا حي لا
اله الا انت يا بديع السموات والارض يا الهي وسيدي صل على
محمد وال محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت على ابرهيم
وال ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي
ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي
اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق
البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر
بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته
ورفضته احبته وعظمت بذنوبه فجيعته دعاء صاحب
حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم
واسئلك بانك مليك وانك على ما تشاء من امر يكون
وانك على ما تشاء قدير واسئلك بحرمة هذا الشهر الحرام

والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام
وبحق نبيك محمد عليه وآله السلام يا من وهب لادم شيثا ولابرهيم
واسمعيل واسحق ويا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف
بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه ويا زائد الخضر في علمه
يا من وهب لداود سليمان ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ
بنت شعيب يا كافل ولد عن والدته موسى اسئلك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك
وتوجب لي رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وجنا
نك واسئلك ان تفك عني كل حلقة ضيق بيني وبين من
يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير
وتخرس عني كل ناطق بسوء وتكف عني كل باغ وتكبت كل عدو
لي وحاسد وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين
حاجتي ويحاول ان يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبا
دتك يا من الجم الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين واذل
رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين اسئلك

بقدرتك علی ما تشاء وتسهیلك لما تشاء کیف تشاء ان
تجعل قضاء حاجتی فیما تشاء وبعد از ان سجده کن وهر دو روی را
بر خاک بگذار وبگوی اللهم لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلی
وفاقتی واجتهادی وتضرعی ومسکنتی وفقری الیك یا رب
وجهد کن تا اشک از چشمت بیاید اگر چه بقدر سر سوزنی باشد که این علامت اجابت
و روز بیست وهفتم ایضا روزه داشتن کفاره دویست ساله گناهست **عمل شب و روز مبعث**
مرویست که شب بیست وهفتم رجب که صباحش حضرت پیغمبر بنبوت مبعوث شده بهترست
از هر چه آفتاب بر وی تابیده است ومستحبست درین شب صلوة بسیار بر آن حضرت
فرستادن وهر کس از شیعیان که درین شب عملی کند اجر شصت ساله عبادت
یابد کسی پرسید که درین شب چه عمل کنیم امام فرمود چون بعد از نماز خفتن
بخوابید بیشتر از نصف شب هر وقت که بیدار شوید دوازده رکعت نماز بگزارید وبعد از
هر دو رکعت الحمد ومعوذتین وقل هو الله احد وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه
وآیة الکرسی هر یک هفت مرتبه بخوانید وبعد از آن بگوئید الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملك ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اسئلك بمعاقد عزك علی

ارکان

ارکان عرشك ومنتهی الرحمة من کتابك وباسمك الاعظم الاعظم
الاعظم وذکرك الاعلی الاعلی الاعلی وبکلماتك التامات
ان تصلی علی محمد وآله وان تفعل بی ما انت اهله وبعد از ان
هر چه خواهی دعا کن ومستحبست درین شب غسل کردن وروزه این روز
برابرست با شصت ماه ودر روایت دیگر هفتاد سال آمده ومستحبست درین روز
دوازده رکعت نماز بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند وبعد از هر دو رکعت
این دعا بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك
فی الملك ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی
فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی
یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا
انسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلك الحمد وانت المقیل
عثرتی فلك الحمد وانت المنعش صرعتی فلك الحمد صل علی
محمد وآل محمد واستر عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی
واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد
الصدق الذی کانوا یوعدون وچون از مجموع نماز ودعا فارغ شود

الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه
هر یک هفت مرتبه بگوید و هفتاد مرتبه بگوید لا اله الا الله و الله اکبر
و سبحان الله و لا قوة الا بالله و هفت مرتبه بگوید الله الله ربی
لا اشرک به شیئا و هر چه خواهد دعا کند

فصل هفتم در اعمال شهر شعبان المعظم

روایت از اهل بیت طاهرین ع که این ماه منسوبست بحضرت پیغمبر ص و درین ماه
اعمال عباد را بالا برند و حسنات هفتاد برابر مضاعف شود و سیئات
محو گردد و گناهان گذشته او همه آمرزیده شود چنانکه در ماه رمضان
و بهشت را زینت کنند و خدای تعالی از عرش نظر بر عابدان و روزه
گیران این ماه و با ایشان مباهات کند و فضایل روزهٔ اینماه بتفصیل در باب
سابق گذشت و هر کس درینماه صدقه دهد خدای تعالی آنرا تربیت
فرماید و زیاده گرداند تا روز قیامت مثل کوه احد باشد و در روایت
دیگر آمده که هر کس درینماه صدقه دهد اگر چه بنصف خرمائی باشد حق تعالی بدنش
بر آتش حرام شود و هر کس هر روز درینماه هفتاد مرتبه استغفار کند
گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهٔ آسمان باشد و در زمرهٔ
حضرت پیغمبر ص و آلش محشور شود و هر کس درینماه هر روز هفتاد مرتبه بگوید

استغفر الله و اسئله التوبة خدای تعالی براءت از نار و جواز بر صراط
و دخول دار القرار عطا فرماید و هر کس هر روز درینماه هفتاد مرتبه بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم
و اتوب الیه خدای تعالی آنرا در افق مبین ثبت گرداند پرسیدند
که افق مبین کدامست حضرت امام ع فرمود صحرائیست در پیش عرش که در آن
نهرها جاریست از بهشت و مستحبست در هر روز اینماه وقت ظهر و در
نصف ماه نیز خواندن این صلوة اللهم صل علی محمد و آل محمد
شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائکة و معدن
العلم و اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد و آل محمد الفلک
الجاریة فی اللجج الغامرة یأمن من رکبها و یغرق من ترکها
المتقدم لهم مارق و المتأخر عنهم زاهق و اللازم لهم
لاحق اللهم صل علی محمد و آل محمد الکهف الحصین و غیاث
المضطر المستکین و ملجأ الهاربین و عصمة المعتصمین
اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة کثیرة تکون لهم رضاء
و لحقهم اداء و قضاء بحول منک و قوة یا رب العالمین

و نجاة الخائفین

طیبة

اللهم فصل على محمد وآل محمد الطيبين الابرار الاخيار الذين
اوجبت حقوقهم لهم وفرضت طاعتهم وولايتهم اللهم وصل على
محمد وآل محمد واعمر قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك وارزقني
مواساة من قترت عليه من رزقك بما وسعت علي من
فضلك ونشرت علي من عدلك واحييتني تحت ظلك وهذا
شهر نبيك سيد رسلك شعبان الذي حففته منك بالرحمة
والرضوان الذي كان رسول الله صلى الله عليه وآله يدأب
في صيامه وقيامه في لياليه وايامه بخوعا لك في اكرامه
واعظامه الى محل حمامه اللهم فاعنا على الاستنان بسنته
فيه ونيل الشفاعة لديه اللهم واجعله لي شفيعا مشفعا و
طريقا اليك مهيعا واجعلني له متبعا حتى القاك عني راضيا
وعن ذنوبي غاضيا فاوجبت لي منك الرحمة والرضوان وانزلتني
دار القرار ومحل الاخيار روز سوم ایام حضرت امام حسین متولد
شده و مستحب است درین روز روزه داشتن و خواندن این دعا اللهم اني
اسئلك بحق المولود في هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله

صلوات الله عليه وآله

وولادته

وولادته بكته السماء ومن فيها والارض ومن عليها ولما
يطأ لابتيها قتيل العبرة وسيد الاسرة الممدود بالنصرة
يوم الكرة المعوض من قتله ان الائمة من نسله والشفاء
في تربته والفوز معه في اوبته والاوصياء من عترته بعد
قائمهم وغيبته حتى يدركوا الاوتار ويثاروا الثار ويرضوا
الجبار ويكونوا خير انصار صلى الله عليهم مع اختلاف
الليل والنهار اللهم فبحقهم اليك اتوسل واسال سؤال مقترف
معترف مسيء الى نفسه مما فرط يومه وامسه يسئلك
العصمة الى محل رمسه اللهم فصل على محمد وعترته واحشرنا
في زمرته وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم
وكما امرتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته
وسابقته واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلوة
عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه واهل اصفيائه
الممدودين منك بالعدد الاثني عشر النجوم الزهر والحجج
على جميع البشر اللهم وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة

وأنجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين لمحمد جده وعاذ فطرس
بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر
أوبته آمين رب العالمين **عمل ایام و لیالی بیض** روایت که هر کس
ایام بیض ماه شعبان روزه گیرد خدای تعالی برایش هزار حسنه نویسد و هزار
سیئه از و محو کند و هزار درجه بلند گرداند و هر کس شب نصف شعبان
و شب عید فطر احیا دارد دلش نمیرد روزی که همه دلها مرده باشند و شب
نصف شعبان بعد از شب قدر بهترین شبهاست و درین شب گناهان
کبیره آمرزیده و حوائج برآورده و دعا مستجاب شود و هر کس درین شب
زیارت حضرت امام حسین ع کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود
و نیز مرویست که هر کس شب نصف شعبان و شب عید فطر و شب عرفه
در یکسال زیارت آنحضرت کند خدای تعالی برایش هزار حج و هزار عمره
نویسد و هزار حاجتش را برآرد در دنیا و آخرت و هر کس درین شب
سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر ولا إله إلا الله
هر یک را صد مرتبه بگوید گناهان گذشته اش همه آمرزیده شود و حوائج دنیا
و آخرت او برآورده شود خواه آنچه سوال کند و خواه آنچه سوال نکند و حضرت

امام محمد باقر ع فرموده هر کس درین شب بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز گزارد
در رکعت اول بعد از الحمد قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد
بخواند و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار
مرتبه الله اکبر بگوید و بعد از آن بگوید یا من إليه ملجأ العباد في
المهمات وإليه يفزع الخلق في الملمات يا عالم الجهر والخفيات
يا من لا يخفى عليه خواطر الأوهام والخطرات يا رب الخلائق
والبريات يا من بيده ملكوت الأرضين والسموات أنت الله
لا إله إلا أنت أمت إليك بلا إله إلا أنت فيا لا إله إلا أنت
اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت إليه فرحمته وسمعت دعاءه
فأجبته وعلمت استقالته فأقلته وتجاوزت عن سالف
خطيئته وعظيم جريرته فقد استجرت بك من ذنوبي ولجأت
إليك في ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط
خطاياي بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ
كرامتك واجعلني فيها من أوليائك الذين اجتبيتهم لطا
عتك واخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك

اللهم اجعلني ممن سعد جده وتوفر من الخيرات حظه و
اجعلني ممن سلم فنعم وفاز فغنم واكفني شر ما اسلفت
واعصمني من الازدياد في معصيتك وحبب الي طاعتك
وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي اليك يلجأ الهارب
ومنك يلتمس الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل التائب
ادبت عبادك بالتكرم وانت اكرم الاكرمين وامرت با
العفو عبادك وانت الغفور الرحيم فلا تحرمني ما رجوت
من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل قسمك
في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار
بريتك رب ان لم اكن اهل ذلك فانت اهل الكرم والعفو
والمغفرة وجد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن
ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك وانت ارحم
الراحمين واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل
قسمك واعوذ بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي
يحبس علي الخلق ويضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك

وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك
وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك
من غضبك فجد بما سألتك وانل ما التمست منك اسألك
بك لا شيء هو اعظم منك بعد از ان سجده کند و بیست مرتبه بگوید یا رب
و هفت مرتبه یا الله و ده مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله و بعد از ان صلوة
بفرستند و هر حاجت که خواهد سوال کند و الله که اگر بعدد قطرهٔ باران حاجت
بخواهد که خدای تعالی بفضل و کرم خود همه را عطا فرماید و هر کس درین شب
دو رکعت نماز گزارد در هر رکعت بعد از الحمد ده مرتبه قل هو الله احد
بخواند و چون فارغ شود سجده کند و در سجده بگوید اللهم لك سجد
سوادي وخيالي وبياضي يا عظيم كل عظيم اغفر لي ذنبي
العظيم فانه لا يغفره غيرك هفتاد و دو هزار سیئه از و محو شود
و هفتاد و دو هزار حسنه نوشته شود و از والدینش هفتاد هزار سیئه
محو شود و درین شب حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه متولد
شده و این دعا که مرویست از آنحضرت درین شب بخواند اللهم صل
على محمد سيد المرسلين وخاتم النبيين وحجة رب العالمين

في ميثاق المصطفى في الظلال المطهر من كل آفة البريء
من كل عيب المؤمل للنجاة المرتجى للشفاعة المفوض
اليه دين الله اللهم وشرف بنيانه وعظم برهانه
وافلج حجته وارفع درجته واضئ نوره وبيض
وجهه واعطه الفضل والفضيلة والوسيلة و
الدرجة الرفيعة وابعثه مقاما محمودا يغبطه
الاولون والآخرون وصل على امير المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على الحسين بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على علي بن الحسين امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على محمد بن
علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العا
لمين وصل على جعفر بن محمد امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على موسى بن

جعفر امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة وصل على
علي بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة
رب العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن محمد
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل اللهم على الخلف المهدي
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
اللهم صل على محمد واهل بيته الائمة الهادين العلماء
الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك واركان
توحيدك وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك
الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك
وارتضيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم
بكرامتك وغشيتهم برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم
بحكمتك والبستهم نورك ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم

بملائكتك وشرفتهم بنبيك صلواتك عليه وآله اللهم صل
عليه وعليهم صلوة كثيرة دائمة طيبة لا يحيط بها الا
انت ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها احد غيرك اللهم صل
على وليك المحيي سنتك القائم بامرك الداعي اليك الدليل
عليك حجتك على خلقك وخليفتك في ارضك وشاهدك
على عبادك اللهم اعز نصره ومد في عمره وزين الارض
بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر
الكائدين وازجر عنه ارادة الظالمين وخلصه من
ايدي الجبارين اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته
ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا
ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما
امله في الدنيا والاخرة انك على كل شيء قدير اللهم جدد
به ما امتحى من دينك واحي به ما بدل من كتابك واظهر
به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا
جديدا خالصا لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده

ولا

ولا بدعة لديه اللهم نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل
بدعة واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار
واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله كل جور واجر حكمه
على كل حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل
من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده و
استاصل من جحد حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء
نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلي
المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين المصطفى
وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام الهدى و
منار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط
المستقيم وصل على وليك وولاة عهده والائمة
من ولده ومد في اعمارهم وزد في اجالهم وبلغهم
اقصى امالهم دينا ودنيا واخرة انك على كل شيء قدير
وايضا مستحبست درين شب خواندن اين دعا اللهم بحق ليلتنا و
مولودها وحجتك وموعودها التي قرنت الى فضلها فضلا

فتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك ولا معقب
لآياتك نورك المتالق وضياؤك المشرق والعلم النور
في طخياء الديجور الغائب المستور جل مولده وكرم
محتده والملائكة شهده والله ناصره ومؤيده اذا آن
ميعاده والملائكة امداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره
الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو مدار الدهر ونوا
ميس العصر وولاة الامر والمنزل عليهم ما ينزل في ليلة
القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحيه وولاة امره
ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم
وادرك بنا ايامه وظهوره وقيامه واجعلنا من انصاره
واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في اعوانه وخلصائه و
احينا في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قا
ئمين ومن السوء سالمين برحمتك يا ارحم الراحمين والحمد
لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين
والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين وعترته النا

طقين

الناطقين والعن الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم
الحاكمين و در روز نصف ماه ارواح انبيا اذن خواسته بزيارت
قبر حضرت امام حسين ع آيند و هر كس درين روز زيارت قبر آنحضرت كند
صد و بيست و چهار هزار پيغمبر با او مصافحه كنند و يكسال گناه بر او ننويسند
و اگر سال دوم نيز زيارت كند گناهان او آمرزيده شود و در روايت ديگر
آمده كه هر كس درين روز سه سال پي در پي زيارت كند گناهانش
آمرزيده شود **در شب آخر شعبان** و شب اول ماه رمضان اين دعا خواند

اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزل فيه القرآن
هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر
فسلمنا فيه وسلمه وتسلمه منا في يسر منك وعافية
يا من اخذ القليل وشكر الكثير اقبل مني اليسير اللهم
اني اسئلك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل
ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفى عني
وعن ما خلوت به من السيئات يا من لم يواخذني
بارتكاب المعاصي عفوك عفوك عفوك يا كريم الهي

وَعظتَنی فلم اَتعظ وزجرتنی عن محارمِك فلم اَنزجر فما
عُذری فاعف عنی یا کریم عفوك عفوك عفوك اللّهم انی
اسئلك الراحة عند الموتِ والعفو عند الحسابِ عظم الذنب
مِن عبدِك فلیحسن التجاوز من عندِك یا اهل التقوی واهل
المغفرةِ عفوك عفوك عفوك اللّهم انی عبدك وابن عبدِك
وابن امتِك ضعیف فقیر الی رحمتك وانت منزل الغنی و
البرکةِ علی العبادِ قاهر مقتدر احصیت اعمالهم وقسمت
ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم خلقا من
بعد خلقٍ لا یعلم العباد علمك ولا یقدر العباد قدرك
وکلنا فقیر الی رحمتك فلا تصرف عنی بوجهك واجعلنی
من صالح خلقك فی العمل والامل والقضاء والقدر اللّهم
ابقنی خیر البقاءِ علی موالاة اولیائك ومعاداة اعدائك
والرغبة الیك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسلیم
لك والتصدیق بکتابك واتباع سنة رسولك اللّهم ما کان
فی قلبی من شكٍ او ریبةٍ او جحودٍ او قنوطٍ او فرحٍ او ترحٍ

او بطرٍ او خیلاء او ریاءٍ او سمعةٍ او شقاقٍ او نفاقٍ او
کفرٍ او فسوقٍ او عصیانٍ او عظمةٍ او شیء لا تحب فاسئلك
یا رب ان تبدلنی مکانه ایمانا بوعدك ووفاء بعهدك
ورضی بقضائك وزهدا فی الدنیا ورغبة فیما عندك
واثرةٍ وطمانینةٍ وتوبةً نصوحا اسئلك ذلك یا رب
العالمین الهی انت من حلمك تعصی ومن کرمك وجودك
تطاع فکانك لم تعص انا ومن لم یعصك سکان ارضك فکن
علینا بالفضل جوادا وبالخیر عوادا یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی محمدٍ وآله صلوة لا تحصی ولا تعد ولا یقدر
قدرها غیرك یا ارحم الراحمین **فصل هشتم در اعمال ماه رمضان مبارک**
روایتست از اهل بیت طاهرین که این ماه سید ماههاست اولش رحمت
ومیانش مغفرت وآخرش اجابت دعوت وآزادی از آتش وحضرت
پیغمبر در فضایل اینماه خطبه ادا فرمود ومجمل مضمونش اینست که اینماه افضل
ماههاست ویکنماز تطوع در شبهای اینماه مثل نماز بعفتاد شبست در سایر
ماهها واجر تطوع وتصدق وسایر اعمال خیر در اینماه مثل اجر فریضه است

در غیر این ماه و فریضه درین ماه مثل هفتاد فریضه است در غیر آن و درین ماه اجل
حاج و اعمار و ارزاق مردم نوشته شود و ارزاق مومنان درین ماه زیاد
کرده و هر کس درین ماه مومنی را افطار فرماید چنانست که بندهٔ آزاد کند
و گناهان گذشته اش آمرزیده شود کسی گفت ما همه قادر برین نیستیم
فرمود خود را از آتش نگاه دارید اگر چه بنصف خرما یا بشربت آبی باشد
و هر کس درین ماه خدمت و مشقت از خادم خود تخفیف دهد خدای تعالی
حساب او را تخفیف دهد و مومنان درین ماه مهمان خدا و اهل کرامت
اویند نفس شان تسبیح و خواب شان عبادتست و دعای شان مستجاب
و عمل شان مقبول پس درین ماه نیتهای صادق و دلهای پاکیزه از گناه
توفیق روزهٔ آن و تلاوت قرآن مسئلت کنید و بجوع و عطش این ماه
جوع و عطش روز قیامت یاد آرید و بر فقرا تصدق کنید و بر کوچکان
ترحم و بر بزرگان اکرام و توقیر نمائید و صلهٔ ارحام بجای آرید و زبان
از بیهوده و بی حاصل به بندید و چشم از حرام بپوشید و گوش از آن
بگیرید و بر ایتام مردم رحم کنید تا بر ایتام شما رحم کنند و در اوقات
صلوات که افضل اوقاتست از گناهان استغفار کنید و دستها بدعا بردارید

که خدای تعالی بر بندگان برحمت نظر کند و چون او را بطلبند لبیک گوید و چون
مناجات کنند اجابت نماید و چون دعا کنند عطا فرماید نفوس شما در گرو عملست
پس باستغفار خلاص کنید و پشتهای شما از گناه سنگین است پس بطول
رکوع و سجود بار از دوش خود سبک گردانید درهای بهشت درین ماه
گشوده است سوال کنید تا بر شما نه بندند و درهای دوزخ بسته است سوال
کنید و تضرع نمائید تا بر شما نگشایند و شیاطین مسجون و محبوس‌اند استغاثه کنید
تا بر شما مسلط نشوند و شقی کسی است که درین ماه از مغفرت خدا محروم ماند
و کسیکه درین ماه آمرزیده نشود دیگر آمرزیده نشود مگر آنکه بعرفات حاضر
شود و هر کس درین ماه شر خود از مردم باز گیرد خدای تعالی غضب خود از و
باز گیرد و هر کس تطوعی بجا آرد از آتش بری شود و هر کس یتیمی را اکرام
کند خدای تعالی روز قیامت او را اکرام کند و هر کس صلوة بر من فرستد
میزان اش سنگین گرداند روزی که میزانها سبک باشد و هر کس یک آیة
از قرآن بخواند چنانست که در ماه دیگر ختم قرآن کند و هر شب درین ماه
جمعی بسیار از آتش آزاد شوند مگر کسیکه افطار بر مسکری کند یا صاحب
بدعت یا صاحب شطرنج باشد و در شب آخر مثل آنکه در تمام ماه آزاد شده

آزاد کند و هر کس اینماه روزه گیرد و قدری از شبهایش عبادت کند
و مواظبت بر نمازها و محافظت نماز جمعه و نماز عید نماید و بطن و فرج خود
از حرام حفظ کند و زبان از مردم باز دارد لیلة القدر را دریابد و از گناهان
بیرون رود چنانکه از ماه بیرون رود و بجائزه و صلهٔ الهی فائز شود
و نیز روایت دیگر آمده که هر کس اینماه را روزه گیرد و فرج و زبان
حفظ کند و مردم را نیازارد و نرنجاند خدای تعالی گناهان گذشته
و آینده اش بیامرزد و از آتش آزادش گرداند و در بهشت
نزولش فرماید و شفاعتش را برای اهل توحید بعدد ریگ بیابان
عالج قبول فرماید این بود بیان مجملی از مکارم اخلاق و محاسن افعال
در اینماه [illegible] بیان آنکه چون ماه مبارک دیده شود روی
بقبله بگوید اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة
والاسلام والعافیة المجللة والرزق الواسع ودفع
الاسقام اللهم ارزقنا صیامه وقیامه وتلاوة القرآن
فیه اللهم سلمه لنا وتسلمه منا وسلمنا فیه و دعای رؤیت
هلال از صحیفهٔ کامله نیز بخواند و هر کس در اینماه یکی از سه شب اول ماه میان

باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذی عرفوناه فاعنا
علی الاخذ بما بصرونا واجز محمدا عنا افضل الجزاء بما نصح
لخلقك وبذل وسعه فی ابلاغ رسالتك واخطر بنفسه
فی اقامة دینك وعلی اخیه ووصیه والهادی الی دینه
والمقیم سنته علی امیر المؤمنین وصل علی الائمة من
ابنائه الصادقین الذین وصلت طاعتهم بطاعتك واد
خلنا بشفاعتهم دار کرامتك یا ارحم الراحمین اللهم هؤلاء
اصحاب الکساء والعباء یوم المباهلة اجعلهم شفعاءنا
اسئلك بحق ذلك المقام المحمود والیوم المشهود
ان تغفر لی وتتوب علی انك انت التواب الرحیم اللهم
انی اشهد ان ارواحهم وطینتهم واحدة وهی الشجرة
التی طاب اصلها واغصانها واوراقها اللهم ارحمنا
بحقهم واجرنا من مواقف الخزی فی الدنیا والآخرة بولایتهم
واوردنا موارد الامن من اهوال یوم القیمة بحقهم واقرانا بفضلهم
واتباعنا آثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفونا

من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم شأنك وتقديس
أسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات أن تحلك والعلم أن
يحيط بك والوهم أن يقع عليك فإنك أقمتهم حججاً على
خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه على أمرك
وتهدي إلى دينك وتوضح ما أشكل على عبادك وباباً
للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك و
تدعوا إلى تعظيم السفير بينك وبين خلقك فأنت
المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم
بسرك واصطفيتهم بوحيك وأورثتهم غوامض تأويلك
رحمة بخلقك ولطفاً بعبادك وحناناً على بريتك
وعلماً تنطوي عليه ضمائر أمنائك وما يكون من شأن
صفوتك وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم من نفث نا
فث إليهم وأريتهم برهاناً على من عرض بسوء لهم
فاستجابوا لأمرك وشغلوا أنفسهم بطاعتك وملؤوا
أجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم أمرك

وجزوا أوقاتهم فيما يرضيك وأخلوا دخائلهم من
معاريض الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن
لإرادتك وعقولهم مناصب لأمرك ونهيك وألسنتهم
تراجمة لسنتك ثم أكرمتهم بنورك حتى فضلتهم من بين
أهل زمانهم والأقربين فخصصتهم بوحيك وأنزلت إليهم
كتابك وأمرتنا بالتمسك بهم والرد إليهم والاستنباط
منهم اللهم إنا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك الذين
أقمتهم لنا دليلاً وعلماً وأمرتنا باتباعهم اللهم فإنا
قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون
فما لنا من شافعين ولا صديق حميم فاجعلنا من
الصادقين المصدقين لهم المنتظرين لأيامهم الناظرين
إلى شفاعتهم ولا تضلنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من
لدنك رحمة إنك أنت الوهاب آمين رب العالمين
اللهم صل على محمد وعلى أخيه وصنوه أمير المؤمنين
وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين

الذین تحزبهم الروح وباهل الله بهم المباهلین فقال
وهو اصدق القائلین فمن حاجک فیه من بعد ما
جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم و
نساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل
لعنت الله علی ذلک الامام المخصوص بمواخاته یوم الاخاء
والموثر بالقوت بعد ضر الطوی ومن شکر الله سعیه
فی هل اتی ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جا
حدوه مولی الانام ومکسر الاصنام ومن لم تاخذه فی الله
لومة لائم صلی الله علیه ما طلعت شمس النهار واورقت
الاشجار وعلی النجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات
من ذریته ، وز آخر اینماه هرکس دو رکعت نماز گزارد در رکعت اول
بعد از الحمد ده مرتبه قل هو الله احد و در دوم ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام
بگوید اللهم ما عملت فی هذه السنة من عمل نهیتنی عنه ولم
ترضه لی ونسیته ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة منه
بعد جرأتی علیک اللهم انی استغفرک منه فاغفرلی اللهم وما

عملت من عمل یقربنی الیک فاقبله منی ولا تقطع رجائی
منک یا کریم خدای تعالی گناهان آن سالش بیامرزد پس شیطان فریاد
کند ای وای چه تعبی بعبث درین سال کشیدم **فصل دوازدهم در ذکر حدیثی**
در فضایل اعمال لیالی و ایام و شهور و اعوام بر سبیل اجمال مرویست از حضرت
امام همام حسن بن علی العسکری که حضرت پیغمبر فرمود که چون روز قیامت
خدای تعالی بندگان را بهمگی محشور سازد و در یک زمین جمع گرداند و
بقاع و اماکن و روزها و شبها و ساعتها و شبهای جمعه و ماهها و سالها
همه را محشور گرداند و از ایشان بر اعمال عباد شهادت طلب فرماید پس
برای هرکس بطاعت و عمل صالح شهادت دهند بسعادت ابد فائز گردد
و در زمرهٔ سعدا منسلک شود و برای هرکس بمعصیت و عمل شر شهادت
دهند بشقاوت ابد معذب شود پس تهیهٔ روز قیامت کنند و ترک
معاصی نمایند که در آن روز بتقوی امید خلاصی و بطاعت خدا
چشم داشت نجات باشد و هر کس حرمت ماه رجب و ماه شعبان بشناسد
و این دو ماه را بماه رمضان مبارک متصل گرداند این سه ماه شاهدان
او باشند و روز قیامت منادی ندا کند و گوید ای رجب و شعبان و ماه رمضان

چون بود مصاحبت این بندهٔ خدا با شما و چون کرد طاعت خدا را در شما
پس ایشان گویند خدایا این بندهٔ تو چون با ما بود جهد در طاعت تو میکرد
و سعی در تحصیل رضای تو می‌نمود و بعبادت و طاعت محبت و رحمت
تو می‌جست پس از ملائکه که برین سه ماه موکلند شهادت طلبد ایشان
گویند خدایا رجب و شعبان و رمضان رحمت گفتند ما این بنده را
ندیدیم مگر در طاعت و عبادت و تحصیل رضای تو و بر تو احسان یابندگان
تو اینها همه را از روی فرح و ابتهاج بآرزوی رحمت و امید مغفرت و عفو
تو میکرد و از آنچه تو او را منع فرموده بودی احتراز می‌نمود و هر چه
موجب رحمت و سبب مغفرت تو بودی شتافت و مبادرت میکرد
و با بطن و فرج و بصر و سائر جوارح روزه میداشت و روزها را به تشنگی
روزه می‌گذرانید و شبها را بعبادت بروز می‌آورد و نفقه
و اکرام و صدقه و احسان بفقرا و مساکین بسیار میکرد و صحبت این ماه‌ها را
خوب داشت و وداع ایشان را خوب کرد و بعد از آن نیز بر طاعت
و عبادت باقی بود و هتک حرمت امر و نهی تو نمی‌نمود پس خدای تعالی
آن بنده را امر بجنت فرماید و ملائکه با تحفها و عطایا و کرامات بسیار

استقبالش

استقبالش کنند و بر تختی از نور نشانند و مرکبهای براق برایش
مهیا کرده باشند و نعمتهای باقی و منازل دائمی برند که هرگز از آنجا بیرون
نیاید و جوانان را هرگز پیری نبود و سرور ایشان را هرگز غم نباشد
و نوش از گزندگی ایمن باشد از کدورت حساب مصون و مشقت عذاب
مامون باشند و در منازل شریف و درجات رفیع مکرم و منعم باشند
و هم آنحضرت فرمود چون روز اول شعبان شود شیطان لشکر
خود را در اطراف زمین متفرق سازد و گوید سعی کنید و بندگان خدا را
بگیرید و از راه خدا بگردانید و خدای تعالی ملائکه را در اطراف
زمین منتشر سازد و فرماید بندگان مرا مدد کنید و هدایت نمائید مگر
کسیکه ابا و سرکشی کند و طغیان ورزد که او داخل جنود ابلیس
شود و روز اول شعبان فرماید درخت طوبی را که شاخهایش بدنیا
آویخته شود و درخت زقوم را که شاخهایش بدنیا آویزد و بعد از آن
ملکی از جانب خدا ندا کند و گوید ای بندگان خدا این شاخهای
طوبی است محکم بگیرید و خود را بآنها در آویزید تا شما را به بهشت رسانند
و این شاخهای زقوم است از آنها بگریزید تا شما را بجهنم نبرند و بعد از آن

فرمود بخدائی که مرا بحق بنبوت اختیار کرده که هر کس عملی از اعمال بر کند بشاخی
از شاخهای زقوم چسپیده و هر کس نماز تطوعی کند بشاخی از طوبی چسپیده و هر کس
مظلمه از کسی عفو کند بر شاخی چسپیده و هر کس روزه بگیرد بشاخی چسپیده
و هر کس صدقه دهد بشاخی چسپیده و هر کس میان زن و شوهر یا والد و ولد
یا خویش و خویش و یا همسایه و همسایه یا بیگانه و بیگانه اصلاح رنجش و کدورت
کند بشاخی چسپیده و هر کس قرضدار پریشانی را مهلت دهد یا چیزی
از حق خود باو ببخشد بشاخی چسپیده و هر کس ادای دین کهنه که صاحبش
از آن مایوس گشته باشد کند بشاخی چسپیده و هر کس متکفل احوال یتیمی
شود بشاخی چسپیده و هر کس سفیهی و جاهلی را از غیبت و هتک عرض مومنی
منع کند بشاخی چسپیده و هر کس ذکر خدا و شکر نعمتهای او کند بشاخی
چسپیده و هر کس عیادت بیماری کند بشاخی چسپیده و هر کس تشییع
جنازه کند بشاخی چسپیده و هر کس صاحب مصیبتی را تعزیه کند بشاخی
چسپیده و هر کس بر والدین یا یکی از ایشان بجا آرد بشاخی چسپیده
یا یکی از ایشان از او آزرده باشند عذرخواهی کند و رضای ایشان
تحصیل نماید بشاخی چسپیده و همچنین هر کس کاری از کارهای خیر کند

بشاخی چسپیده و هر کس عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسپیده
باشد و هر کس در نماز فریضه تقصیر کند و حق آنرا ضایع کند بشاخی چسپیده
و هر کس فقیری پیش او آید که خبر از حالش داشته باشد و قادر بر حاجت
او باشد و او را بگذارد تا مشقت کشد و مضطر باشد بشاخی چسپیده
و هر کس کسی از او عذر تقصیری و بدی خواهد و قبول نکند بلکه برنجاند
بشاخی چسپیده و هر کس قرضداری پریشانی که حالش را داند تنگ
کند بشاخی چسپیده و هر کس قرضی داشته باشد و از صاحب حق
چیزی کم کند و حقش را ببرد بشاخی چسپیده و هر کس یتیمی را برنجاند
و بر او ظلم کند بشاخی چسپیده و هر کس غنای حرامی کند بشاخی چسپیده
و هر کس قبایح افعال خود و انواع ظلم خود را نقل کند و بآن تفاخر
کند بشاخی چسپیده و هر کس از روی تکبر بعیادت مریضی نرود
بشاخی چسپیده و هر کس از باب استخفاف ترک تشییع جنازه یا ترک تعزیه
صاحب مصیبتی کند بشاخی چسپیده و هر کس عقوق والدین یا یکی از ایشان
یا ایشان از او آزرده باشند بشاخی چسپیده و تحصیل رضا و عذرخواهی
ایشان نکند و حال آنکه قادر باشد بشاخی چسپیده و همچنین هر کس بکند فعلی از

افعال شر شود بشاخی از زقوم چسپیده باشد و او را می کشیده تا بجهنم بعد از آن
مدتی نگاه باسمان میکرد و اظهار سرور و شکفتگی میفرمود بعد از آن متوجه
اصحاب گشته فرمود بخدائی که مرا بحق بنبوت اختیار نموده که دیدم
درخت طوبی را که جمعی که بشاخهای آن آویخته اند همه را بهشت می برد
بعضی بیکشاخ آویخته و بعضی بدو شاخ و بعضی بچند شاخ هر کس بحسب کار
خیری که کرده و دیدم زید بن حارثه را که پسر خوانده آنحضرت بود
به همه شاخهای طوبی چسپیده بود و او را از همه کس بالاتر بر دار پنجه
خندان شدم و چون نگاه بر زمین کردم دیدم درخت زقوم را که جمعی
که بشاخهای او چسپیده بودند همه را فرود برد بجهنم و بعضی را دیدم
بیکشاخ چسپیده و بعضی بدو شاخ چسپیده و بعضی بچند شاخ هر کس
بحسب قبائحی که کرده باشد و بعضی از منافقین را دیدم که بهمه شاخهای زقوم
چسپیده بود و او را فرو برد تا اسفل درکات جهنم و ازین جهة دلگیر
گشتم بعد از آن باز نگاه بر آسمان کرد و خندان شد و نگاه بر زمین کرد
و دلگیر گشت پس فرمود اگر آنچه من دیدم شما میدیدید روزها را بجگرهای
تشنه گرسنه روزه میگذرانیدید و شبها را بسبب مشقت عبادت

بروز می آوردید و مالهای خود را بصدقه تمام میکردید و جانهای خود را در جهاد
می باختید گفتند پدر و مادر و اهل و فرزند ما فدای تو باد چه دیده فرمود
چون شاخهای طوبی به بهشت رجوع کردند منادی از جانب خدا ندا کرد
که ای ملائکه به بینید هر کس امروز بشاخی از طوبی آویخته آنقدر که سایه
آن شاخ می افتد از هر جانب خانها و قصرها و نعمتهای بهشت باو دهید
پس بعضی از ایشان را از هر جانب هزار ساله راه عطا کنند و بعضی را دو برابر
آن و بعضی را سه برابر و بعضی را چهار برابر و همچنین هر کس را بقدر عملش و چون
شاخهای زقوم بجهنم فرو رفتند منادی از جانب خدا ندا کند که ای
خزان جهنم به بینید هر کس امروز بشاخی از زقوم چسپیده بقدر حرارت
و ظلمت آن شاخ از همه جانب برای او از آتش خانها و منازل بنا کنید
و مارها و عقربها و زنجیرها و غلها و عذابها بر آتش مهیا کردانید پس برای
بعضی یکساله راه و برای بعضی دو ساله و برای بعضی صد ساله و بیشتر و کمتر
و هر کس را بقدر عملش عذاب مقرر کنند و بعد از آن بر اطراف زمین نگاه میکرد
و گاهی مسرور و گاهی دلگیر میشد پس فرمود خوشا آنانکه اطاعت خدا
می کنند و بشاخهای طوبی آویخته اند که خدای تعالی چون با ایشان اکرام

وشفقت میفرماید شیاطین متوجه ایشان شده اند که ایشانرا اگراه کنند و خدای تعالی
ملائکه را فرموده که باشیاطین محاربه و مقاتله می کنند و شیاطین را می کشند
و دور میسازند و بدا آنانکه معصیت میکنند و شیاطین ایشانرا اگراه کرده
بجهنم می فرستند بعد از آن فرمود پس تعظیم امر و نهی کنید و قدر شب را بدانید
و حرمتش بشناسید که بسا مردم که امروز سعید شوند و بسا مردم که امروز شقی
گردند **باب نهم در تزویج و احکام متعلق بآن** و مقصود از این باب انشاء الله در چند
فصل بیان شود **فصل اول در فضایل تزویج و کراهت عزوبت** مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که چون کسی تزویج کند نصف دینش محفوظ گردد پس در نصف دیگر احتیاط
و ملاحظه باید کرد و دو رکعت نماز صاحب اهل و عیال افضلست از هفتاد
رکعت عزب و هیچ بنائی در اسلام پیش خدا دوست تر از نکاح نیست
و هیچ خرابی دشمن تر از فرقت طلاق نه و خدای تعالی از غایت
دشمنی با طلاق ذکر آن در قرآن بسیار فرموده و اکثر خیر در زنان باشد
و حضرت پیغمبر ص فرمود چه مانع است مؤمن را از اینکه تزویج کند شاید
از و اولادی بهم رسد که بذکر و عبادت خدا زمین را تسکین کند و نیز فرمود
تزویج کنید و تحصیل اولاد نمائید که روز قیامت من بشما بر سایر امم مفاخرت

ومباهات

ومباهات کنم حتی طفلی از شما که ساقط شود و سقط شما غضبناک و خشم
آلود بر در بهشت ایستاده باو گویند داخل بهشت شو گوید داخل نشوم
تا اول والدین من داخل نشوند پس خدای تعالی ملکی را فرماید
که والدینش را آورده داخل بهشت کند و اولاد در زیر عرش
در مکانی از مشک و عنبر و زعفران برای آبای خود استغفار کنند و نیز
فرموده ارذل ترین اموات آنانند که عزب مرده باشند و حضرت
امام جعفر صادق ع فرمود دوست ترین ندارم که تمام دنیا و ما فیها از من
باشد و یکشب عزب بخوابم بعد از آن فرمود دو رکعت نماز متزوج بهتر است
از آنکه عزب شبها نماز گذارد و روزها روزه گیرد و هر کس خواهد که
و پاکیزه پیش خدا رود با زوجه برود و کسیکه از ترس پریشانی
ترک تزویج کند بخدا بدگمان باشد که فرموده اگر پریشان باشید نکاح
کنید تا شما را غنی گردانم و هر کس از اقربای خود برای رضای خدا
و صلهٔ رحم تزویج کند خدای تعالی تاج ملک و پادشاهی بر سرش نهد
و بنده که خدای تعالی خواهد خیر دنیا و آخرت برایش جمع گرداند
دلی خاشع و زبانی ذاکر و جسدی بر بلا صابر و زوجهٔ مؤمنه که هر گاه

نظر رو کند مسرور شود و چون خدمتی فرماید اطاعت کند و چون
از او غائب شود خود را و مال او را محافظت نماید عطا فرماید و نیز
مرویست که بهترین شفاعتها آنست که میان دو کس سعی کنی تا تزویج
بهم رسد و هر کس این سعی کند بهر گامی که بر دارد و هر کلمه که گوید خدای تعالی
برایش عبادت یکساله نویسد که شبهایش نماز و روزهایش
روزه باشد و هزار حوری عطا فرماید هر کدام در قصری از دُر و یاقوت
و هر کس عزبی را تزویج کند از جملهٔ جمعی باشد که خدای تعالی روز قیامت
نظر رحمت بر ایشان دارد و از جملهٔ سعادت مرد آنست که دخترش
در خانهٔ شوهر حایض شود و هر کس در مفارقت میان زن و شوهر
سعی کند بغضب و لعنت خدا گرفتار شود و بدوزخ معذب گردد
و هر کس در صلح میان ایشان سعی کند اجر هزار شهید یابد و بهر گامی
که بر دارد و کلمه که گوید یکساله عبادت نویسند با روزهٔ روزها
و نماز شبها **فصل دوم در فضایل متعه و سریه** مرویست از اهل بیت
طاهرین عم که هر کس متعه کند برای رضای خدا و مخالفت منکرین بهر کلمه
که با او تکلم کند و هر مرتبه که دست بجانب او برد برایش حسنه نویسند

وچون

و چون نزدیکی کند گناهی از او آمرزیده شود و چون غسل کند بعدد هر موئی
که در بدنش آب رسیده گناهان از او آمرزیده شود و جبرئیل بحضرت
پیغمبر گفت که خدای تعالی میفرماید هر کس از امت تو متعه کند گناهانش را
آمرزیدم و کسی از حضرت امام جعفر صادق عم از متعه سوال کرد فرمود
دوست ندارم که کسی از دنیا برود و سنتی از سنن رسول الله مانده
باشد که بجا نیاورده باشد و دیگری بآنحضرت گفت قسم خورده ام که
متعه نکنم فرمود که عهد کرده که اطاعت خدا نکنی والله که اگر
اطاعت خدا نکنی معصیت کرده باشی و مردی بخدمت حضرت
امام محمد باقر عم معروض داشت که دختر عم من مال بسیار دارد
و بمن پیغام کرده که میدانی که بسیار مردم مرا خواستگاری کردند
راضی نشدم و رغبتی بمردان ندارم اما چون شنیده ام که خدای تعالی
و رسول او متعه را حلال کرده اند و عمر آنرا حرام کرده میخواهم اطاعت
ایشان و مخالفت عمر کنم و مرا متعه کنی حضرت فرمود برو و متعه کن
که خدای تعالی بر هر دو صلوات و رحمت فرستد و نیز مرویست که از
کنیزان طلب اولاد کنید که در رحم ایشان خیر و برکتست و نیز مرویست که

چون کسی کنیزی بگیرد باید هر چهل روز یکمرتبه با او مباشرت کند یا بدیگری
حلال کند که اگر نکند پس اگر زنا کند گناهش بر او باشد و نیز روایات
آمده که متعه حلال است بر کسیکه خدا او را بزوجه مستغنی نکرده باشد
یا آنکه بسفری رفته و از زوجهٔ خود دور شده باشد و یکی از ائمه طاهرین ع
بموالی خود نوشت که الحاح در متعه مکنید و از زنان خود دوری منمائید که
ایشان از ما آزرده نشوند و حضرت امام جعفر ع باصحاب خود فرمود شما را
که خدای تعالی بزن مستغنی از متعه کرده شرم نمی آید و عار ندارید از اینکه
در جاهای نامناسب به بینند و ننگ شما باشد **فصل سوم در اختیار**
زوجه و صفات زنان مرویست از اهل بیت طاهرین ع که زنان را قیمت
نباشد که زن خوب بهتر است از طلا و نقره و زن بد خاک از و بهتر است
و هم از ایشان ع مرویست که فرمودند که زنان نجیب مناسب اختیار کنید که
که فرزند بخالو شبیه میشود و کسیکه زن برای مال و جمال خواهد از آن محروم
شود و اگر برای دین و ایمان اختیار کند از مال و جمال بهره مند گردد
و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود زن گندم گون سیاه چشم
بزرگ سرین میانه بالا اختیار کن و اگر از او راضی نباشی مهرش بر من باشد

که ایشان نجیب تر باشند و بهترین زنان آنست که عفیف و ولود باشد
و در میان قوم خود عزیز و در پیش شوهر مطیع بود و اگر شوهرش از او
آزرده باشد خواب نکند تا او را راضی کند و برای شوهر زینت
کند و از نامحرمان پوشیده باشد و چون با او خلوت کند مطیع
باشد و مثل اسب سرکش نباشد و بدترین زنان آنست که درین صفات
خلاف این باشد کسی در خدمت حضرت پیغمبر ص گفت هر گاه بخانه میروم
زوجه ام استقبال میکند و چون بیرون می آیم مشایعت میکند و اگر مرا
دلگیر بیند دلداری کند و تسلی دهد آنحضرت فرمود خدا را در زمین
جمعی باشند که کارهای او را نظم دهند و این زن از جملهٔ ایشانست
و او را نصف اجر شهیدی باشد و برکت زن آنست که خفیفة المؤنة
باشد و ولادتش آسان و مهرش سبک باشد و شامت زن آنست
که مؤنتش بسیار و ولادتش دشوار و مهرش سنگین باشد **فصل چهارم**
در اوقات تزویج و آداب آن مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که سنت است که تزویج در شب باشد که شب برای استراحت و لذت
آفریده شده و اگر تزویج در تحت الشعاع واقع شود طفل ساقط

کشتن ایمن باشد واگر قمر در عقرب باشد از ان تزویج خیر نه بیند واگر
در وقت گرمای روز باشد زود بمفارقت انجامد بلکه باید در طرفین
روز باشد که هوا ملایم باشد وچون اراده تزویج کند اول دو رکعت
نماز کند وحمد خدا بجا آرد وبعد از ان بگوید اللهم انی ارید ان
اتزوج اللهم فقدر لی من النساء احسنهن خلقا
وخلقا واعفهن فرجا واحفظهن لی فی نفسها ومالی
واوسعهن رزقا واعظمهن برکة واقض لی منها
ولدا طیبا تجعله لی خلفا فی حیوتی وبعد موتی
ومستحب است ابتدا کردن تزویج بخطبه مشتمل بر حمد وصلوة وموعظه
وترغیب بنکاح واین خطبه رضویه افضل خطب این باب است الحمد
لله الذی حمد فی الکتاب نفسه وافتتح بالحمد کتابه
وجعل الحمد اول جزاء محل نعمته واخر دعوی اهل
جنته واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
شهادة اخلصها له وادخرها عنده وصلی الله علی
محمد خاتم النبوة وخیر البریة وعلی آله آل الرحمة

صحیح

وشجرة النعمة ومعدن الرسالة ومختلف الملائکة والحمد
لله الذی کان فی علمه السابق وکتابه الناطق وبیانه
الصادق ان احق الاسباب بالصلة والاثرة واولی
الامور بالرغبة فیه والتقدیم سبب اوجب نسبا وامر
اعقب غنی فقال جل وعز وهو الذی جعل من الماء بشرا
فجعله نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا وقال وانکحوا الا
یامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء
یغنهم الله من فضله والله سمیع علیم ولو لم یکن فی المصا
هرة والمناکحة آیة محکمة ولا سنة متبعة ولا اثر
مستفیض لکان فیما جعل الله من بر القریب وتقریب البعید
وتالیف القلوب وتشبیک الحقوق وتکثیر العدد وتو
فیر الولد لنوائب الدهور وحوادث الامور ما یرغب
فی دونه العاقل اللبیب ویسارع الیه الموفق المصیب
ویحرص علیه الادیب الاریب فاولی الناس به من اتبع
امره وانفذ حکمه وامضی قضاءه ورجی جزاءه وفلان

بن فلان من قد عرفتم حاله وجلاله دعاه رضی بنفسه
وأتاكم ايثاراً لكم واختياراً لخطبة فلانة بنت فلان
كريمتكم وبذل لها من الصداق كذا وكذا فبلغوه با
لاجابة واجيبوه بالرغبة واستخيروا الله في امركم يعزم
لكم رشدكم ان شاء الله نسأل الله ان يلحم ما بينكم
بالبر والتقوى ويؤلفه بالمحبة والهوى ويختمه بالموافقة
والرضا انه سميع الدعاء لطيف لما يشاء **فصل پنجم**
در آداب زفاف مرویست از اهل بیت طاهرین ع که در شب زفاف پیش
از انکه داماد و عروس پیش هم آیند داماد دو رکعت نماز گزارد
و بعد از ان حمد خدا کند و صلوة بفرستد و بگوید اللهم ارزقني
الفها وودها ورضاها بي واجمع بيننا باحسن
اجتماع وايسر ايتلاف فانك تحب الحلال وتكره الحرام
و جمعیکه حاضر باشند آمین بگویند و عروس نیز چنین کند اما اوّل دعا
چنین بگوید اللهم ارزقني الفه ووده ورضاه بي، آخر
دعا و چون پیش هم آیند رو بقبله دست بر پیشانی عروس گذاشته بگوید

اللهم على كتابك تزوجتها وفي امانتك اخذتها وبكلما
تك استحللتها فان قضيت لي في رحمها شيئا فاجعله
مسلما سويا ولا تجعله شرك الشيطان و اگر خواهد
بگوید اللهم بامانتك اخذتها وبكلماتك استحللتها
فان قضيت لي منها ولدا فاجعله مباركا تقيا من
شيعة آل محمد ولا تجعل للشيطان فيه شركا ولا نصيبا
و پای عروس را بشوید و آن آب را از در خانه تا آخر خانه بپاشد
هفتاد قسم حاجت از ان خانه بیرون رود و هفتاد قسم برکت داخل شود
و هفتاد رحمت بر سر عروس فرود آید که برکتش بهر گوشهٔ خانه برسد
و عروس از جنون و جذام و برص ایمن گردد تا در ان خانه باشد و در
هفتهٔ اوّل عروس را از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش
احتراز کند که رحم را سرد و عقیم گرداند و اگر سرکه خورده باشد که حایض
شود هرگز از حیض پاک نشود و گشنیز ولادت را دشوار کند و سیب
ترش حیض را قطع کند **فصل ششم در ثواب مباشرت و آداب و اوقات**
آن مرویست از حضرات اهل بیت طاهرین ع که روزی زینب عطاره بخدمت

حضرت پیغمبر ص آمده از زوج خود شکایت کرد فرمود اگر فضایل مباشرت را
بداند تقصیر نخواهد کرد گفت کدامست آن فضایل فرمود هر گاه متوجه تو شود
چنانست که در راه خدا شمشیر کشیده باشد و چون مجامعت کند
گناهان از و بریزد مثل برگ از درخت و چون غسل کند از گناه پاک شود
و هم از آن حضرت ص مرویست که با بوذر رحمه الله فرمود با اهل خود
مقاربت کن تا ثواب یابی ابوذر گفت با اهل خود صحبت دارم ثواب
نیز داشته باشم فرمود بلی همچنانکه حرام گناه دارد حلال نیز ثواب
دارد و نیز مرویست که هر کس زنان و کنیزان زیاده از آنکه با ایشان
تواند مجامعت کرد جمع کند و ایشان زنا کنند گناه ایشان بر وی باشد آداب
مباشرت مرویست که در وقت مجامعت اگر بسم الله نگوید شیطان با او در
جماع شریک شود و نطفه که بسته شود شیطان در آن شریک باشد و شرکت
شیطان موجب کفر و نفاق و عداوت اهل بیت ع و لا اقل سبب فسوق
و معاصی در فرزند باشد و اگر بسم الله بگوید از شر و شرکت شیطان
ایمن گردد و اگر باین عبارت که مرویست از حضرت امام جعفر صادق ع بگوید
افضلست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ بَديعُ السَّمٰواتِ

وَالْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ مِنّي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ خَليفَةً
فَلا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ شِرْكاً وَلا نَصيباً وَلا حَظّاً وَاجْعَلْهُ
مُؤْمِناً مُخْلِصاً مُصَفّىً مِنَ الشَّيْطانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ ثَناؤُكَ
و نیز مرویست که اگر بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطانَ
وَجَنِّبِ الشَّيْطانَ ما رَزَقْتَني اگر فرزندی شود هرگز مضرتی
از شیطان باو نرسد و اگر خواهد در وقت مجامعت بگوید اَللّٰهُمَّ ارْ
زُقْني وَلَداً وَاجْعَلْهُ تَقِيّاً زَكِيّاً لَيْسَ في خَلْقِهِ زِيادَةٌ وَلا نُقْصانٌ
وَاجْعَلْ عاقِبَتَهُ اِلى خَيْرٍ و در اثنای مجامعت حرف زدن موجب لالی و گنگی
زبان فرزند و نگاه کردن بفرج زن مورث کوری فرزند باشد و اگر مرد
زودتر فارغ شود باید صبر کند تا زن نیز حاجت خود بر آرد که گاه باشد که زن
بحالتی از پیش مرد برخیزد که اگر بغلام سیاهی بر خورد در آویزد و هر کدام خرقه
جدا بر دارد و هر دو بیک خرقه استعمال نکنند که اگر آب مرد و زن بر هم
افتد مورث عداوت میانشان شود و در آن خانه کسیکه ایشان را ببیند
یا صدای ایشان بشنود خواه طفل و خواه غیر آن نباشد که سبب زنا در فرزند
شود و رو و پشت بقبله نباشد و اگر محتلم شده باشد تا غسل نکند جماع نکند که

سبب جنون در فرزند باشد اما اگر بعد از مجامعت مرتبه دیگر خواهد وضو
کافی بود و در وقت حیض مجامعت کردن مورث جذام یا برص باشد
در فرزند و ایضا روایات بسیار آمده که هیچ کس بغض و عداوت
اهل بیت ندارد مگر کسی که ولد الزنا یا شرک شیطان باشد یا در ایام
حیض نطفه اش بسته باشد و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود اگر نعمت
و محبت ما را در دل خود یابید مادر خود را دعا کنید که با پدر شما خیانت
نکرده و مرویست که سه چیز بدن را بسیار ضرر کند و گاه باشد که
موجب هلاک گردد شکم پر بحمام رفتن و شکم پر جماع کردن و با زن پیر
مجامعت کردن و مرویست که ایستاده جماع کردن سبب بول فراش
باشد در فرزند و بر بام خانه جماع نکند که فرزند منافق و صاحب بدعت
و مرائی شود و در آفتاب نکند که فرزند در تمام عمر پریشان باشد
و در زیر درخت میوه دار نباشد که فرزند جلاد و خونریز شود
و اگر زن حامله باشد بیوضو با او مجامعت نکند که فرزند کوردل
و بخیل شود و اگر از زن غیری شهوت بحرکت آید با آن شهوت با زن
خود جماع نکند که فرزند مخنث یا دیوانه شود و اگر در کشتی نشسته

بلکه

باشند مجامعت نکنند و اگر جنب باشد با زن در میان جامه خواب قرآن نخواند
که بیم آن بود که آتشی از آسمان آید و هر دو را بسوزد و اگر زن جنب باشد
و از جای خود برخیزد تا آنجا سرد نشود دیگری بر آنجا ننشیند و اما اوقات
مجامعت چند وقت مستحبست مجامعت کردن شب جمعه بعد از نماز خفتن
که فرزند از جملهٔ اعاظم و اکابر دین شود و روز جمعه بعد از عصر که فرزند
از جملهٔ مشاهیر علما شود و شب دوشنبه که فرزند حافظ قرآن و راضی
بقسمت خود باشد و شب سه شنبه که فرزند مومن و رحیم دل و سخی شود
و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد و شب پنجشنبه که فرزند
از جملهٔ علما یا اکابر شود و روز پنجشنبه وقت ظهر فرزند کارساز
مردم باشد و دین و دنیاش بسلامت بود و شیطان نزدیکش
نشود تا آنکه پیر شود و شب اول ماه مبارک رمضان نیز مستحبست
مجامعت کردن و در چند وقت مکروهست میان اذان و اقامت که
فرزند خونریزی حریص باشد و میان طلوع صبح صادق و طلوع
آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق مغربی و وقت طلوع و غروب
آفتاب که زرد باشد و روزی که آفتاب گرفته باشد و شبی که ماه

کرفته باشد وشبانه روزی که زلزله شود یا بادهای سرخ وسیاه
وزد که درین اوقات فرزند بی عیبی نباشد ودر اول ومیانی آخر ماه
که زن یا فرزند را بیم جنون وجذام باشد ودر تحت الشعاع ماه که فرزند
ساقط شود وبعد از ظهر که فرزند احول شود ودر شب عید قربان که
فرزند شش انگشت باشد ودر نصف ماه شعبان که فرزند شوم ومعیوب
باشد ودر روز آخر شعبان که فرزند خونریز ومعین ظالم شود ودر اول شب
که فرزند ساحر شود ودنیا را بر آخرت اختیار کند ودر شبانه
روز پیش از آنکه بسفر بیرون رود که فرزند معین ظالمین شود ودر شبی که
فردایش بسفر میرود که فرزند مال خود را باطل وحرام صرف کند
فصل هفتم در طلب فرزند مرویست از اهل بیت طاهرین که چون کسی را
فرزند نشود هر صبح وشام هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله وبعد از آن
ده مرتبه استغفر الله وبعد از آن نه مرتبه سبحان الله ویکمرتبه استغفر الله
راوی گوید مرا فرزند نمیشد باین طریقه عمل نمودم اولاد بسیار شد
وبسیار مردم را تعلیم دادم همه را فرزندان بسیار شدند **طریقه دیگر**
سجده کند ودر سجده بگوید رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّیَّةً

طَیِّبَةً اِنَّكَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ
الْوَارِثِینَ راوی گوید من چنین کردم مرا پسر روزی شد **طریقه دیگر**
بر انگشتر فیروزه نقش کند که رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ
راوی گوید چنین کردم یکسال نگذشت که مرا پسری روزی شد
واگر خواهد فرزند پسر شود چون از حمل چهار ماه بگذرد زن را رو بقبله
بنشانند وآیة الکرسی بخوانند ودست بر پهلویش گذاشته بگوید
خدایا این را محمد نام کردم خدای تعالی آنرا پسر کند پس حق متولد
شود اگر بعهد خود وفا کند ومحمد نام کند خدای تعالی او را مبارک گرداند
واگر نام دیگر کند پس اگر خدای تعالی خواهد او را بگذارد وگرنه ببرد
طریقه دیگر در وقت مجامعت که مهیای آن کار شده باشند دست بر جانب
راست ناف زن گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه بخواند وبعد از آن
وبعد از آن صحبت دارد وچون حمل ظاهر شود شبها هر مرتبه که در میان
جا حرکت کند دست بر جانب ناف زن گذاشته هفت مرتبه
انا انزلناه بخواند راوی گوید چنین کردم هفت پسر از پی یکدیگر آمدند
وبسیار مردم را تعلیم کردم همه را اولاد ذکور بسیار شده ودرین

مجموعه اذکار دیگر و ادعیه نیز مناسب این مقام بتقریبات گذشت

فصل هشتم در فضایل حمل و ولادت و احکام متعلق بآن مرویست از اهل
بیت طاهرین ع که چون زن حامله شود مثل کسیست که روزه گیرد و بنفس و مال خود
در راه خدا جهاد کند و چون وضع حمل کند ثوابش را از بسیاری نتوان دانست
و چون شیر دهد هر مرتبه مکیدن پستان چنانست که بنده از اولاد
اسمعیل آزاد کند و چون طفل را از شیر بگیرد فرشته ندا کند که اعمال
از سر گیر که گناهت همه آمرزیده شد و اگر در عرض این مدت بمیرد شهید
باشد و نیز مرویست که اگر زن در نفاس بمیرد در حشر او را در قبر
نگذارند بلکه پیش خدا برند و آنجا باشد تا روز قیامت و روز قیامت
دیوان حساب برایش نگشایند و مرویست که زن حامله به بسیار
بخورد که فرزند جمیل شود و اگر در ایام حمل کندر بخورد فرزند قوی
دل و عاقل شود و اگر پسر باشد شجاع باشد و اگر دختر باشد بزرگ
سرین و در نظر شوهرش عزیز و صاحب منزلت گردد و چون وضع
حمل کند اول هفت عدد خرما بخورد که فرزند حلیم و عاقل شود و در روایت
دیگر نه عدد آمده و در وقت ولادت زنان را از خانه بیرون کنند

که اول

که اول مرتبه نظر زنان بر عورت طفل نیفتد و اگر وضع حمل دشوار باشد بر کوزه آب
دو مرتبه بخوانند بِسْمِ اللهِ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَلیمُ الْکَریمُ سُبْحانَ
اللهِ رَبِّ السَّمٰواتِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعالَمینَ کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَها لَمْ یَلْبَثُوا اِلّا عَشِیَّةً اَوْ ضُحٰیها
کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ ما یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا اِلّا ساعَةً مِنْ نَهارٍ
و قدری از آن آب بیاشامد و قدری بر میان هر دو پستان و میان کتفش
بپاشند باذن الله تعالی بآسانی وضع حمل کند **طریقه دیگر** بنویسند
و بر کمر آن زن بندند و چون وضع حمل کند زود بگشایند بِسْمِ
اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً یُریدُ اللهُ بِکُمُ الْیُسْرَ
وَ لا یُریدُ بِکُمُ الْعُسْرَ وَ یُهَیِّئْ لَکُمْ مِنْ اَمْرِکُمْ مِرْفَقاً وَ هَیِّئْ
لَنا مِنْ اَمْرِنا رَشَداً وَ عَلَی اللهِ قَصْدُ السَّبیلِ ثُمَّ السَّبیلَ
یَسَّرَهُ اَوَ لَمْ یَرَ الَّذینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضَ
کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ
حَیٍّ اَفَلا یُؤْمِنُونَ وَ آیَةٌ لَهُمُ اللَّیْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ
فَاِذا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ نُفِخَ فِی الصُّورِ فَاِذا هُمْ مِنَ الْاَجْداثِ

الی رَبِّهِم یَنسِلُونَ کَأَنَّهُم یَومَ یَرَونَ مَا یُوعَدُونَ لَم
یَلبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِن نَهَارٍ **طریقه دیگر** انا انزلناه را بنویسند و بشویند
و زن بیاشامد و از آن آب بر فرج او نیز بپاشند **طریقه دیگر** بر تخته
پیمانه که قلع آن کیل کنند این صورت را بنویسند و زن بر سر آن
صورت بنشیند

فصل نهم در آداب تولد و نام گذاشتن و عقیقه و ختنه

مرویست از اهل بیت طاهرین ع که چون
طفل متولد شود پیش از آنکه نافش را ببرند بقدر عدسی چاو و شیر با آب
مخلوط کنند و دو قطره در دماغ راست و یکقطره در دماغ چپ بچکانند
و در گوش راست اذان و در چپ اقامت بگویند از ترسیدن و از
آزار تبصیان ایمن شود و نیز مرویست که اذان و اقامت گفتن
امانست از جنون و جن و شیطان و کام طفل را با تربت امام حسین ع
و آب فرات و اگر نباشد آب باران بر دارند و نیز مرویست که
هر کس را با آب فرات کام بردارند دوستدار اهل بیت باشد و حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود اگر کوفیان کام اطفال خود با آب فرات بر میداشتند
شیعه ما میشدند و نیز مرویست که کام طفل را با خرما بردارید که

حضرت پیغمبر ص کام امام حسن و امام حسین ع با خرما بر داشت و نیز مرویست
که طفل هنوز متولد نشده باشد که نامش گذارید که اگر بی نام
ساقط شود در روز قیامت از پدر گله کند که چرا مرا نام نگذاشتی
و مستحب است که چون طفل متولد شود تا هفت روز او را محمد و اگر
دختر باشد فاطمه گویند و بعد از آن اگر خواهند نام دیگر گذارند
و اول حق پدر بر فرزند اینست که او را نام خوب گذارد که روز
قیامت هر کس را بنام خود آواز کنند و مرویست که راست ترین
نامها آنست که بندگی در او باشد مثل عبد الله و عبد الرحمن و امثال آن
و افضل اسماء اسمای انبیاست و ائمه و در هر خانه که نام محمد یا یکی از ایشان باشد
خدای تعالی هر صبح و شام ملکی را فرستد تا اهل آنخانه را مبارکباد
و برای ایشان دعای خیر و برکت کند و حضرت امام محمد باقر ع از طفلی
پرسید که چه نام داری گفت محمد فرمود کنیت چیست گفت علی فرمود
از شیطان در پناهی عظیم رفتی چون شیطان بشنود که کسی را محمد و علی
آواز کنند بگدازد مثل قلعی در آتش و اگر بشنود که بنام یکی از اعدای ما
آواز کنند بر خود ببالد و مسرور شود و نیز مرویست که فقر داخل خانه

نشود که در آنخانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله
یا فاطمه باشد و مرویست که حضرت پیغمبر فرمود کسی را که چهار پسر شود و نام
نکذارد بر من جفا کرده باشد و مردی از آن حضرت پرسید که مرا پسری
شده چه نام کنم فرمود حمزه که دوست تر از همه نامهاست پیش من و مرویست
که چون طفل را محمد و فاطمه نام کنید رعایت ادب و اکرام او بجا
آرید و مزنید و دشنام مدهید و مرنجانید و روایات بسیار
آمده که بر غنی واجب است که روز هفتم طفل را عقیقه کند و اگر
فقیر باشد هر وقت که خواهد و مقدورش باشد خواه پسر باشد
و خواه دختر که فرزند در گرو عقیقه است چون عقیقه کنند از گرو
بیرون آید و اگر کسی را عقیقه نکرده باشند او خود را عقیقه کند
هر وقت که باشد تا آخر عمر و فضل اینست که عقیقهٔ پسر نر باشد
و عقیقه دختر ماده و از عیوب بسلامت بوده باشد و اگر مقدور
نشود هر چه مقدور شود مجزی بود و هر چند فربه تر باشد فضیلت افضل است
و در وقت ذبح بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللهُ
أَكْبَرُ إِيمَانًا بِاللهِ وَثَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

واله

وَآلِهِ وَالْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ وَالشُّكْرَ لِرِزْقِهِ وَالْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا
أَهْلَ الْبَيْتِ اللّٰهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ
وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِفُلَانِ
بن فلان و اگر پیر باشد بعد از این بگوید اللّٰهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا
ذَكَرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا أَعْطَيْتَ وَكُلُّ مَا صَنَعْنَا
فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُفِكَتِ الدِّمَاءُ
لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و اگر خواهد چنین بگوید
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللّٰهُمَّ عَقِيقَةٌ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ لَحْمُهَا
بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً
لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ و ربع عقیقه را بقابله دهند و اگر قابله نباشد
ربع از مادر است بهر کس که خواهد دهد و اگر قابله مادر مرد یکی از عیال
او باشد او را از عقیقه حصه نبود و باقی گوشت عقیقه را بپزند و با
جمعی از مومنان که اقل ده کس باشند صرف کنند و هر چند بیشتر
باشند فضیلت و فضل اینست که والدین مولود هیچ یک از عیال آن

ازان گوشت نخورند و اگر استخوانهای آن نشکنند افضل است و هم درین
روز نام گذارند و سرش بتراشند و بوزن مویش طلا و یا نقره تصدق
کنند و افضل اینست که عقیقه و نام گذاشتن و سر تراشیدن همه در
یکوقت باشد و هم در روز هفتم ختنه کنند که گوشت بدنش زود تر
نمو کند و زمین از بول کسیکه ختنه نشده باشد چهل روز نجس شود و بخدا
شکایت کند و در وقت ختنه کردن بگوید اللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ
وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ مِنَّا لَكَ
وَلِنَبِيِّكَ وَارادَتِكَ وَقَضَائِكَ لِامْرٍ اَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ
وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ فَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ لِاَمْرٍ
اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ اللّٰهُمَّ طَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي عُمْرِهِ وَادْفَعِ
الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْاَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى
وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ و اگر در انوقت نگفته
باشند پیش از آنکه محتلم شود هر وقت باشد بگویند خدای تعالی
او را از تیزی آهن بقتل و غیر آن محفوظ دارد و مستحبست گوش مولود را
سوراخ کردن و افضل آنست که مادر خود شیر بدهد که شیر مادر مبارکتر است

و مرویست که شیرده باید که صاحب عفت و پاکیزه و متقی باشد احمق و دنی
و فاسق نباشد که شیر در طفل اثر کند و مرویست که کمتر از بیست و یکماه
شیر دادن ظلمست بر طفل و نهایت حد شیر دو سال تمام است و بیشتر
ازین نشاید

فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان

مرویست از اهل بیت طاهرین ع که چون خدای تعالی برای بندهٔ خود خیر خواهد
او را از دنیا نبرد تا خلف صالحی عطا فرماید و فرزند خوب ریحانه ایست
از بهشت و گریهٔ اطفال مومنان تا هفت سال تهلیل است و بعد از آن
تا حد بلوغ استغفار است برای والدین و بعد از ان هر حسنه که کند
والدین در ثوابش شریک باشند و اگر سیئه کنند ضررش
بایشان نرسد و کوفت اطفال کفارهٔ گناه والدینست و اگر فرزند
بمیرد والدین را از ان ثواب و درجات باشد حتی آنکه سقط در در
بهشت ایستاده باشد و داخل نشود تا دست والدین خود را
گرفته داخل بهشت کند و اگر بماند برای ایشان دعا و استغفار کند
و هر حسنه که کند سبب مغفرت و درجات برای ایشان باشد
و مرویست که حضرت عیسی بر قبری گذشت که صاحبش معذب بود

سال دیگر بر آن قبر گذشت عذاب از میان برخاسته بود مناجات کرده
از سبب آن سوال نمود وحی آمد که این شخص را فرزندی صالح است که
یتیمی را پناه داده غمخواری کرد عذاب از وی برداشتیم و مرویست
که پسر نعمت است و دختر حسنه از نعمت سوال کنند و بر حسنه ثواب دهند
و حضرت پیغمبر م فرمود کسیکه سه دختر یا سه خواهر عیالش باشند بهشت
او را واجب شود کسی پرسید اگر دو تا هم باشند چنین است فرمود بلی اگر
دو تا هم باشند چنین است گفت اگر یکی هم باشد فرمود بلی اگر یکی هم باشد
و نیز مرویست که هر کسی دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله
عیالش باشند او را از دوزخ نگاه دارند و هر کسی بفرزند خود احسان
و مهربانی کند چنانست که بوالدین خود کرده باشد و حضرت پیغمبر م
فرمود اطفال را دوست دارید و بریشان رحم کنید و چون با ایشان
وعده کنید وفا نمائید و هر کسی بفرزند خود بسیار محبت داشته باشد
خدای تعالی برو رحمت کند و اگر فرزند را ببوسد بر اتش حسنه بنویسند
و اگر مسرورش کند روز قیامت مسرورش کنند و هر کی از بازار چیزی
گرفته برای اطفال و عیال بیارد چنانست که برای محتاج صدقه برده باشد

وافضل آنست که اول چیزی بدختران و زنان دهند هر کس دختر را مسرور کند
چنانست که بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و اگر پسری را مسرور کند چنانست
که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از ترس خدا گریسته باشد از
اهل بهشت باشد و هر کس زنی را که با او قرابت و خویشی داشته باشد
مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کند و چون والدین
فرزند را تعلیم قرآن کنند در بهشت ایشان را دو حله بپوشانند که پرتو
نور آن روی اهل بهشت را روشن کند و مرویست که مردی روزی
در خدمت حضرت پیغمبر م گفت من هرگز فرزند خود را نبوسیده ام بعد از آنکه
او رفت حضرت فرمود این مرد از اهل دوزخست و مرویست که
طفل را لا اله الا الله و آیه آخر بنی اسرائیل قل الحمد لله الذی لم
یتخذ ولدا تا آخر سوره تعلیمش کنید زبانش فصیح شود و نیز مرویست
که چون پسر را سه سال تمام شود امر کنید تا هفت مرتبه لا اله الا الله
بگوید و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز تمام شود هفت
مرتبه بگوید محمد رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه
بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد و چون پنجسال تمام شود دست راست

وچهار نه رسید چون بگویید دستش بقبله کنید و بگوئید که سجده کند و چون شش
سال تمام شود در رکوع و سجود بیادش دهید و چون هفت سال تمام شود
بگوئید دست و رو بشوید و یک نماز بکند و چون نه سال تمام شود وضو و نماز
بیادش دهید و هر گاه تقصیر و کاهلی کند بزنید و چون وضو و نماز یاد گیرد
گناهان والدینش آمرزیده شود و نیز مرویست که طفل را هفت سال
بگذارید بازی کند و هفت سال دیگر قرآن و کتابت و خط بیادش دهید
و هفت سال دیگر ملازم خود گردانید که آداب اخلاق یاد گیرد و شرایع
دین از حلال و حرام تعلیمش کنید بعد از آن اگر آثار صلاح و رغبت بدین
و ایمان در وی یابید در صدد تربیتش باشید و گرنه دست از وی بردارید

فصل یازدهم در حقوق زوجین با یکدیگر

مرویست از اهل بیت طاهرین
که حق زوج بر زوجه اینست که خدمت و اطاعتش کند و خلاف
امر و رضایش نکند و از خانهٔ او بی اذن تصدق نکند و بکسی چیزی
ندهد و اگر دهد گناهش از وی و ثواب از شوهرش باشد و ضبط خانه
و حفظ مال او کند اگر زن در خانه شوهر برای خیر و مصلحت خانه چیزی را
از جای بجای دیگر گذارد خدای تعالی برو نظر رحمت کند و هر کس را

خدا برو نظر رحمت کند بعد از آن هرگز عذابش نکند و از جملهٔ حقوق اینکه
خود را از زینت خالی ندارد و هرچه مقدور باشد و دست را بی حنا
نگذارد اگرچه بهمین مالیدن حنا بر دست باشد و بی اذن شوهر
از خانه بیرون نرود و اگر رود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت
و غضب برو لعنت کنند تا وقتیکه مراجعت کند زنی بخدمت حضرت
پیغمبر صلعم فرستاد که شوهرم بسفر رفته و مرا گفته از خانه بیرون
نروم تا او بیاید و پدرم بیمار شده اگر رخصت فرمائی پدرم را
عیادت کنم فرمود در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن مرتبه
دیگر فرستاد همین جواب فرمود تا آنکه پدرش فوت شد
فرستاد که اگر رخصت فرمائی بنماز او حاضر شوم فرمود بنشین
و اطاعت شوهر بکن تا آنکه پدرش را دفن کردند آنحضرت
پیش او فرستاد که خدای تعالی ترا و پدرت را آمرزید بسبب
اینکه اطاعت شوهرت کردی و از جملهٔ حقوق این که بی اذن
شوهر روزهٔ غیر واجب نگیرد و نذر نکند و قسم نخورد و بکسی
چیزی ندهد و تصدق نکند و بنده آزاد نکند اگرچه از مال خودش

باشد و از جملهٔ حقوق این که خود را ازو باز ندارد اگرچه بر مرکب سوار باشد
و حضرت پیغمبر صلعم بزنی فرمود که گویا تو از جملهٔ مستوفاتی گفت مستوفات
کیانند فرمود زنانی که چون شوهران شان ایشان را بخلوت
بطلبند بهانه و مدافعه کنند تا شوهر را خواب برد پس ملائکه بران
زن لعنت کنند تا آنکه شوهرش بیدار شود و از جملهٔ حقوق اینکه اگر شوهر
ازو آزرده باشد خواب نکند تا عذرخواهی کند و او را راضی کند اگر
شوهر برو ظلم کرده باشد و اگر پیش از آنکه او را راضی کند بخوابد هیچ طاعت
ازو قبول نشود و زنی که شوهر گوید من هرگز از تو خیر ندیدم اعمالش همه
باطل شود و زنی که شوهر را برنجاند و آزرده کند هیچ حسنه ازو قبول
نشود و اگر صوم دهر گیرد و همیشه نماز گزارد و بندها آزاد کند و مالها
در راه خدا صرف کند تا آنکه او را از خود راضی کند و اگر شوهر بران
ظلم کند و او را برنجاند مثل آن گناه و عذاب برو ثابت شود و هر کس
بر بدخویی زن صبر کند هر مرتبه که صبر کند مثل ثواب صبر ایوب برایش
نویسند و بر زن هر شبانه روز مثل ریگ صحرای عالج گناه نویسند
و اگر زن با شوهر سازگاری نکند و او را تکلیف چیزی که مقدورش نباشد

کند و بر مشقت و تعب دارد هیچ حسنه ازو قبول نشود که او را از آتش
نگاه دارد و ما دامی که برین حال باشد در غضب خدای تعالی باشد و جهاد
زن آنست که شوهرداری خوب کند و بر آزار و مشقت او صبر کند
و حضرت پیغمبر صلعم فرمود ای زنان تصدق کنید اگرچه از زینت خود
و اگرچه نصف خرمائی باشد و اطاعت شوهران کنید که اکثر شما
هیمهٔ دوزخ باشید چون زنان این سخن شنیدند همه گریستند یکی
از ایشان برخاسته گفت یا رسول الله ما با کفار در دوزخ باشیم
و الله که ما کافر نیستیم فرمود شما کفران حق شوهران کنید زنی
دیگر گفت یا رسول الله ما با این مشقت و رنج حمل و رضاع و با این
که فرزندان مشفق صالح از ما بوجود آیند بدوزخ رویم پس حضرت
رقت نموده فرمود شما با آنچه گفتید شوهر را نرنجانید و نماز گزارید
یکی از شما بدوزخ نرود و ایضا زنی از آن حضرت صلی الله علیه و آله
پرسید که حق که بر مرد عظیم ترست فرمود حق پدر پرسید بر زن
فرمود حق شوهر و اگر غیر خدا را سجده کردن جایز می بود امر میکردم
که زنان شوهران خود را سجده کنند پرسید حق زن بر مرد چیست

فرمود از صد یکی نیست و زنی در خدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله معروض
داشت که شوهرم با من بی التفات بود من چیزی ساختم که او را با خود
مهربان کنم فرمود ملائکه سموات و ارض بر تو لعنت کردند پس آن زن
رفته روزها روزه میگرفت و شبها عبادت میکرد و سر خود را تراشید
و پلاس پوشید این خبر بآنحضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد
و حق زوجه بر زوج آنست که نفقه و کسوه اش دهد و اگر مقدورش
باشد معیشت را بر او توسعه کند و او را محتاج دیگری نگذارد و خود را
برای او بیاراید که سبب عفتش باشد و چنانکه او آرایش زنان را دوست
دارد زن نیز آرایش او را دوست دارد و جهل و تقصیراتش
عفو کند و او را بر هر اندک خطا و تقصیری نگیرد و عتاب نکند
و نرنجاند و نزند و ترش روی و عبوس نکند حضرت پیغمبر ص فرمود
بهترین مردان کسیست که با زن خوش سلوک باشد و بدترین
مردان کسیکه زن را برنجاند و بزند و از جمله حقوق اینکه حلال
و حرام و آداب و احکام دین تعلیمش کند و در عیدها تهیه اسباب
عید و سرور بقدر مقدور برایش نماید فصل دوازدهم در بعضی نوادر

مناسب

مناسب این باب مرویست از اهل بیت طاهرین ع که خدای تعالی غیرت را
بمردان عطا فرموده و ازین جهتست که بر زن زیاده از یکی حرام
و زنان را غیرت نباشد بلکه غیرت ایشان حسد است و حسد اصل
کفر است و ازین جهتست که زنان مومنه برای متعه و زن دیگر
غیرت نکنند و زنان غیر مومنه کنند روزی در خدمت حضرت امام ع
مردی زن خود را التعریف بسیار کرد فرمود هیچ امتحانش کرده
گفت نه فرمود برو امتحان کن مرد رفت و زن دیگر کرد زن
اول همان بحال خود ثابت بود و طیش و ناخوشی نکرد بخدمت
حضرت آمده حکایت کرد فرمود حالا و راست میگوئی و نیز مرویست
که در کارها با زنان مشورت مکنید و اگر کنید خلاف قول ایشان
کنید که برکت در مخالفت ایشانست و از بدان ایشان بگریزید
و از نیکان بر حذر باشید و در خیر اطاعت شان مکنید تا در شر
طمع نکنند و ایشان را بهر حمامی و عروسی و عزائی رخصت مدهید
و مجمله مگذارید که هر وقت بهر جا که خواهند روند که موجب فساد
عظیم است و هر که زن خود را بهر جا رخصت دهد سر از زیر در دوزخ

افکند **باب دهم در آداب سفر و احکام متعلق بآن** و این مجموع اشتمال
بر ده فصل باین شود **فصل اول در بعضی مقدمات سفر** مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عاقل را نشاید سفر کردن مگر به وجه تحصیل
زاد آخرت یا مرمت معیشت یا لذتی که حرام نباشد و نیز مرویست
که سفر کنید تا صحت یابید و حج کنید تا غنی شوید و نیز مرویست که
چون خدای تعالی رزق کسی را در جائی تقدیر کرده باشد حاجتی
برای او در انجا برانگیزد که بضرورت بآنجا حرکت کند و نیز
مرویست که هرکس برای تجارت سفر دریا کند دین خود را در
معرض تلف آورده و در تحصیل معاش حرص ورزیده باشد
فصل دوم در اختیار ساعت برای سفر مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که سفر و سائر مطالب در صبح شنبه و پنجشنبه مبارکست
و روز شنبه اگر سنگی بجای خود حرکت کند خدای تعالی آنرا
باز بجای خود برساند و روز پنجشنبه روزیست که خدای تعالی
و رسول او و اهل بیت او و ملائکه آنرا دوست دارند و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله اگر غزوات در روز پنجشنبه متوجه میشده و ظفر می یافته

و روز سه‌شنبه خدای تعالی آهن را برای حضرت داود علیه السلام نرم گردانید
که زره ساخت سفر درین روز بآسانی گذرد و احادیث
بسیار آمده که روز چهارشنبه روز نحس است و خدای تعالی
اکثر امم سابقه را درین روز عذاب کرد و ارکان آتش
درین روز آفریده اما حدیث دیگر روایت شده که روز
چهارشنبه بخدا شکایت کرد که بندگان تو مرا نحس میدانند
فرمود تو نحسی بر کافران و سعدی بر مومنان و روایت دیگر
آمده که کسی از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که مردم سفر در چهارشنبه
آخر را شوم میدانند فرمود هرکس بمخالفت جمعی که فالهای
بد میزنند و چیزها را شوم میشمارند در چهارشنبه آخر ماه سفر کند
از آفات و عاهات بسلامت و عافیت مراجعت کند و نیز
مرویست که هرکس روز جمعه پیش از نماز جمعه بسفر رود ملکی ندا کند که
خدا ترا باز نگرداند و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود در روز
دوشنبه برای دشمنان ما آفریده شده مشرکان قریش درین
روز بر من برآمدند و من درین روز از مکه هجرت کردم و درین روز

رحلت خواهم نمود و علی ع درین روز کشته خواهد شد و حسن ع درین روز
مسموم شود و درین روز رحلت کند و نیز مرویست که جمعی درین روز
عزم سفر کرده رفتند که حضرت امام جعفر صادق ع را وداع کنند
فرمود شما از امروز چون امید خیر و برکت دارید کدام روز بشامت‌تر
امروز باشد که حضرت پیغمبر درین روز از میان ما رفته و درین روز
وحی از ما منقطع شده و بروایت دیگر قضیه کربلا درین روز واقع شده
و بروایت دیگر اهل بیت را هیچ مصیبتی رو نداده مگر درین روز
امروز حذر کنید و فردا که سه‌شنبه است بروید که آهن در سه‌شنبه
نرم شده و سفر آسان گذرد و هم از آنحضرت ع مرویست که فرمود
در دوشنبه سفر مکنید و از پی کاری مروید و شرح نحوست روز
عاشورا در فصل اعمال ماه محرم گذشت اما نحوست روز یکشنبه چنانکه
مشهور است در بعضی از کتب علما مسطور است اما حدیثی بنظر نرسیده
و در روایت دیگر آمده که با روزها دشمنی مکنید تا روزها با شما دشمنی
نکنند و روایات بسیار آمده که تصدق کنید و هر روز خواهید
بسفر روید که بصدقه همه بلاها دفع شود و در آن سفر خیر نبیند

واگر

واگر در تحت الشعاع سفر کند سفر صعب و دشوار گذرد و تحقیق علم نجوم
در فصل جزئیات عادات گذشت **فصل سوم در تحصیل رفیق و تهیه**
اسباب و بعضی مناسبات این باب مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که اول تحصیل رفیق کنید و بعد از آن عزم سفر نمائید و نیز مرویست
که سه کس ملعون‌اند کسیکه طعام خود را تنها خورد و کسیکه تنها
خوابد و کسیکه تنها بسفر رود و چون شیطان ایشان را تنها یابد
در سفر یا حضر جرأتش زیاد شود و مرویست که با یک کس یک
شیطانست و با دو کس دو شیطان و سه کس مصاحب‌اند و چهار کس
رفیقند و نیز مرویست که بهترین رفقا چهار است و نیز مرویست
که هیچ جمعی زیاده از هفت نباشند مگر آنکه قال و قیل و غوغا در میان ایشان
بسیار باشد و اگر کسی در سفر باشد و مضطر تنهائی شود بگوید ما شاء
الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و
اعنی علی وحدتی و اد غیبتی و از جمله اسباب سفر انگشتر
عقیق و تربت مقدس است همراه دارد یا در میان رختها داشته باشد تا از دزد
و آفات محفوظ باشد چنانکه در مباحث سابقه گذشت و سلاح و مسواک

وآینه وشانه وسرمه ومقراض با خود بردارد ونیز مرویست که از جملهٔ شرف
مرد انست که برای سفر توشهٔ واذوقهٔ خوب تهیه کند وحضرت امام زین
العابدین ع هرگاه بحج وعمره میرفته قند وحلویات وامثال آنها بر میداشتند
وحضرت صادق ع فرمود از جملهٔ وصیت لقمان با پسرش این
بود که چون بسفر روی شمشیر وموزه وعمامه وخیمه ومشک آب وسوزن
وریسمان وادویه آن چیز که ترا ورفقارا درکار باشد بردار
وبا رفقا درکارها موافقت کن مگر در معصیت ونیز مرویست که هر کس در سفر
عصای بادام تلخ با خود دارد زمین برایش طی شود واگر در وقت
بیرون رفتن عصای بادام تلخ بگیرد واین آیه از سورهٔ قصص بخواند
وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ تا وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ
از هر سبعی درنده وحیوانی گزنده ودزدی برنده ایمن باشد تا
انکه بجایش مراجعت کند وهفتاد وهفت فرشته تا وقت مراجعت
با او باشند وبرایش استغفار کنند وعصا در دست داشتن نفی
فقر کند وشیطان از او دور کند وهر کس اعانت مومن مسافری کند
در حاجتی از حاجات خدای تعالی هفتاد وسه کربت ازو بر دارد

واز غموم وهموم دنیا وآخرت نجاتش دهد وکربت روز قیامت
ازو بر گیرد که هر کس بکار خود درمانده باشد وانگشت حسرت بدندان
ندامت گزد ودر روایت دیگر آمده که خدای تعالی بیست وسه کربت
در آخرت ازو بر گیرد ومرویست که چون سفر کند لازمست که دوستانرا
خبر کند وچون مراجعت کند بدیدنش آیند **فصل چهارم در استفتاح سفر
بدعا وصدقه** روایت از اهل بیت طاهرین ع که چون کسی عزم
سفر کند بگوید اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَاَحْسِنْ مَسِيرَنَا وَاَعْظِمْ
عَافِيَتَنَا ومرویست که مسافر هیچ جانشینی برای اهل خود نگذارد
بهتر از آنکه وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز گزارد وبعد از آن بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَاَهْلِي
وَوُلْدِي وَجِيرَانِي وَاَهْلَ حُزَانَتِي اَلشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ
وَجَمِيعَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي كَنَفِكَ وَمَنْعِكَ
وَعِبَادِكَ وَعِزِّ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَامْتَنَعَ عَائِذُكَ
وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

من الذل وكبره تكبيرا الله اكبر كبيرا والحمد لله كثيرا
وسبحان الله بكرة واصيلا که هرچه درین دعا سوال نماید خدای تعالی
عطا فرماید و حضرت امام محمد باقر ع چون اراده سفری مینمود عیال خود را
در خانه جمع مینمود و همین دعا میخواند و ادعیه بیرون آمدن از خانه
در فصل عادات گذشت و چون خواهد از خانه بیرون آید تحت الحنک
به بندد حضرت امام فرمود من ضامنم که چون کسی وقت بیرون
رفتن تحت الحنک به بندد از دزد و سوختن و غرق شدن ایمن
باشد و بسلامت باز گردد و اگر خسته باشد و بالمی مبتلا شود که
دوا نداشته باشد غیر خود را ملامت نکند و چون از خانه بیرون آید
بر در خانه رو براهی که میرود بایستد و الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله
و معوذتین هر یک را برابر رو و جانب راست و چپ بخواند و بعد از آن
بگوید اللهم احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی
وسلمنی وسلم ما معی ببلاغک الحسن او و هرچه با اوست
بسلامت رجعت کند و نیز بگوید بالله استفتح وبالله استنجح
وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی کل

حزونة وذلل لي كل صعوبة واعطني من الخير كله اكثر مما
ارجو واصرف عني من الشر اكثر مما احذر في عافية
يا ارحم الراحمين و کسی بخدمت حضرت امام علی النقی ع عرض نمود که
از حضرت صادق ع در هر ماه چند روز نحس روایت شده و باشد
که در آن ایام حاجتی یا سفری ضرور شود فرمود شیعیان ما چون اعتماد
و وثوق بخدا کنند از روی اخلاص و یقین متمسک بولایت ما شوند اگر
بدریاهای مواج پر طوفان و صحراهای خون آشام در میان سباع
و اعادی انس و جان روند که خدای تعالی ایشان را محافظت فرماید
و هیچ ضرر بایشان نرسد صبح و شام سه مرتبه بگوی اصبحت اللهم معتصما
تا آخر چنانکه در اوراد صبح و شام گذشت از هر مخوف و محذوری در حصن
حصین باشی و اگر در یکی از روزهای نحس عزم سفری کنی و وقتیکه خواهی
روانه شوی الحمد و قل هو الله احد و معوذتین و آیة الکرسی و انا انزلناه
و پنج آیه از سوره آل عمران که ان فی خلق السموات والارض تا انک
لا تخلف المیعاد و این دعا بخوان که اللهم بک یصول الصائل
وبقدرتک یطول الطائل ولا حول لکل ذی حول الا بک

ولا قوة الا منك بصفوتك من خلقك وخيرتك من بريتك
بمحمد نبيك وعترته وسلالته اللهم صل على محمد وعليه
وعليهم واكفني شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره واقض لي
في متصرفاتي بحسن العافية وبلوغ المحبة والظفر بالامنية
وكفاية الطاغية الغوية وكل ذي قدرة على اذيتي اكون
في جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من المخاوف
فيه امنا ومن العوائق فيه يسرا حتى لا يصدني صاد عن
المراد ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على كل شئ
قدير والامور اليك تصير يا من ليس كمثله شئ وهو السميع
البصير و ايضا وقت بيرون رفتن هرچه مقدور شود تصدق كند و بگويد
اللهم اني اشتريت سلامتي في سفري هذا بهذا و از امام
امين كرده و حضرت سجاد چون بسفر ميرفت همين كه پاي در ركاب ميگذاشت
تصدق ديگر ميفرمود و اگر بسفر حج و عمره رود چون از خانه بيرون آيد بگويد
لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان
الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن

وما بينهن ورب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين
وصلى الله على محمد واله الطاهرين اللهم كن لي جارا من
كل جبار عنيد ومن كل شيطان مريد بسم الله دخلت
وبسم الله اخرجت اللهم اني اقدم بين يدي نسياني و
عجلتي بسم الله وما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله
في سفري هذا ذكرته او نسيته اللهم انت المستعان على
الامور كلها وانت الصاحب في السفر والخليفة في الاهل
اللهم هون علينا سفرنا واطو لنا الارض وسيرنا فيها
بطاعتك وطاعة رسولك اللهم اصلح لنا ظهرنا وبا
رك لنا فيما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم اني اعوذ
بك من وعثاء السفر وكابة المنقلب وسوء المنظر
في الاهل والمال والولد اللهم انت عضدي وناصري
اللهم اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني
في اهلي بخير لا حول ولا قوة الا بالله اللهم اني عبدك
وهذا حملانك والوجه وجهك والسفر اليك وقد اطلعت

علی ما لم یطلع علیه احد غیرك واجعل سفری هذا كفارة
لما قبله من ذنوبی وكن عونا لی واكفنی وعثه ومشقته
ولقنی من القول والعمل رضاك فانما انا عبدك وبك
ولك **فصل پنجم در وداع و مفارقت** مرویست از اهل بیت طاهرین
که چون جمعی مسافر را وداع کنند بگویند زودكم الله التقوی
ووجهكم الی كل خیر وقضی لكم كل حاجة وسلم دینكم
ودنیاكم وردكم سالمین الی سالمین واگر خواهند بگویند احسن الله
لك الصحابة واكمل لك المعونة وسهل لك الحزونة
وقرب لك البعيد وكفاك المهم وحفظ لك دينك
وامانتك وخواتيم عملك ووجهك لكل خير عليك
بتقوی الله استودع الله نفسك سر علی بركة الله عز وجل
وچون مسافر روانه شود از عقبش آیة الکرسی بخوانند و اذان و اقامت
بگویند و بعد از آن بگویند اللهم الطف به فی تیسیر كل عسیر
فان تیسیر العسیر علیك یسیر اسئلك الیسر والعافیة
والمعافاة الدائمة فی الدنیا والآخرة وچون مسافر از این جا

شود بگوید اللهم اعنی علی اهاویل الدنیا والآخرة ومصیبات
اللیالی والایام واكفنی شر ما یعمل الظالمون فی الارض
فصل ششم در آداب سوار شدن و راه رفتن مرویست از اهل بیت طاهرین
که چون پای در رکاب گذاری بگوی بسم الله ولا قوة الا بالله
الحمد لله الذی هدانا للاسلام ومن علینا بمحمد
صلی الله علیه وآله سبحان الذی سخر لنا هذا وما كنا
له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین
اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر اللهم
بلغنا بلاغا یبلغ به بلاغا نبلغ به الی رحمتك ورضوانك
ومغفرتك اللهم لا طیر الا طیرك ولا خیر الا خیرك ولا
حافظ غیرك وچون مرکب روانه شود بگوید خرجت بحول الله
وقوته بغیر حول منی وقوة ولكن بحول الله وقوته
برئت الیك یا رب من الحول والقوة اللهم انی اسئلك من
بركة سفری هذا وبركة اهلی اللهم انی اسئلك من فضلك
الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی وانا خائض فی

عافية بقوتك وقدرتك اللهم انى سرت فى سفرى هذا بلا
ثقة ورجاء بسواك فارزقنى فى ذلك شكرك وعافيتك
ووفقنى بطاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا چون
از شهر جدا شود بگوید اللهم انى استودعك دينى ونفسى ومالى
ودنياى وآخرتى وخاتمة عملى فاحفظنى من كل آفة
وعاهة واعصمنى من كل زلل وخطاء يا سميع يا
قريب يا حفيظ يا مجيب اجب دعائى يا كريم يا كريم يا
كريم و براى خود دعا كند و بگويد اللهم بك انتشرت واليك
توجهت وبك اعتصمت انت ثقتى ورجائى اللهم اكفنى
ما اهمنى وما اهتم له وما انت اعلم به منى اللهم
زودنى التقوى واغفر لى وارحمنى و نيز بگويد بسم الله
مخرجى وباذنه خرجت وقد علم قبل ان اخرج خروجى
وقد احصى بعلمه فى مخرجى رجعتى توكلت على الاله
الاكبر توكل مفوض اليه امره مستعين به على شؤونه
مستزيد من فضله مبرئ نفسه من كل قوة الا به خروج

ضرير خرج بضره الى من يكشفه وخروج فقير خرج بفقره
الى من يسده وخروج من ربه اكبر ثقته واعظم رجائه
وافضل امنيته الله ثقتى فى جميع امورى كلها به فيها
جميعا استعين ولا شئ الا ما شاء الله فى علمه اسئله خير
المخرج والمدخل لا اله الا هو واليه المصير و نيز بگويد اللهم
انى خرجت فى وجهى هذا بلا ثقة منى بغيرك ولا هنى رجاء
آوى اليه الا اليك ولا قوة اتكل عليها ولا حيلة الجا اليها الا
طلب رضاك وابتغاء رحمتك وتعرضا لرزقك وسكونا الى حسن
عائدتك وانت اعلم بما سبق لى فى علمك فى وجهى هذا مما احب
واكره اللهم فاصرف مقادير كل بلاء ومقضى كل لاواء وابسط
على كنفا من رحمتك ولطفا من عفوك وحرزا من حفظك
وسعة من رزقك وتماما من نعمتك وجماعا من معافاتك
ووفق لى فيه يا رب جميع قضائك على موافقة هواى وحقيقة
املى وادفع عنى ما احذر وما لا احذر على نفسى ودينى ومالى
مما انت اعلم به منى واجعل ذلك خيرا لآخرتى ودنياى مع

اسئلك ان تجعلني فيمن خلقت و رأي من ولدي واهلي
ومالي واخواني وخزانتي بافضل ما خلقت به عباً انبأ من المؤمنين
في تحصين كل عورة وحفظ كل مضيعة وتمام كل نعمة ودفع
كل سيئة وكفاية كل محذور وصرف كل مكروه وكمال ما تجمع
لي به الرضاء والسرور في الدنيا والاخرة ثم ارزقني شكرك
وذكرك وطاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا اللهم
اني استودعك اليوم ديني ونفسي ومالي واهلي وولدي
وذريتي وجميع اخواني اللهم احفظ الشاهد منا والغائب
عنا اللهم احفظنا واحفظ ما معنا اللهم اجعلنا في جوارك
ولا تسلبنا ولا تغير ما بنا من نعمة وعافية وفضل ونيز بگويد
اللهم اسعدنا بهذه الحركة وامددنا باليمن والبركة و
قنا سوء القدر واكفنا مهمات السفر وقرب لنا البعد
والنوى وسهل لنا البعد والنوى وسهل لنا المسير
والسري ووفقنا لطي المراحل وانزلنا خير المنازل واحفظ
مخلفينا واجمع بيننا وبينهم باحسن امالنا وامانينا سالمين

غانمين تائبين آئبين برحمتك يا ارحم الراحمين. وچون براه
رسد هفت عدد سنگ ریزه بردارد و بر هریک ده مرتبه بگوید قل من يكلؤكم
بالليل والنهار من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون
و قل هو الله احد بخواند و با خود نگاه دارد از آفات محفوظ گردد و اگر در راه
چیزی بیند که بفال خوش نیاید بگوید اعتصمت بك يا رب من شر
ما احذر من نفسي فاعصمني من ذلك و بهر بلندی که برآید تکبیر
و چون بزیر آید تسبیح بگوید و چون برسر بلند یها برآید بگوید
لا اله الا الله والله اكبر والحمد لله رب العالمين لك
الشرف على كل شرف هرچه در پشت سرباشد از صحرا و کوه و غیر آن
تهلیل او تهلیل و هرچه در پیش رو باشد بکبرا و تکبیر گویند و چون بصحرا
خوفناک رسد بگوید يا ارض ربي وربك الله اعوذ بالله
من شرك وشر ما فيك وشر ما خلق فيك ومن شر ما يجاور
عليك اعوذ بالله من شر كل اسد واسود وحية وعقرب
من ساكن البلد ومن شر والد وما ولد افغير دين الله
يبغون وله اسلم من في السموات والارض طوعا وكرها

الحمد لله بنعمته وحسن بلائه علينا اللهم صاحبنا
في السفر وافضل علينا فانه لا حول ولا قوة الا بالله
بعد از ان سورهٔ الهيكم التكاثر بخواند از شر سباع وهوام وحيات وعقارب
ایمن باشد وایضا از حضرت صادق ع مرویست که اگر در صحرا از جن وانس
خوف داشته باشد دست راست بر فرق سر بگذارد وباواز بلند این آیه
بخواند که افغير دين الله تا اليه ترجعون واگر از غول وجن بترسد باواز
بلند اذان بگوید وآیة الکرسی بخواند وبعضی علما در کتب خود ذکر
کرده اند که اگر کسی در محل خوفناک باشد یا در حربی واقع شود چهار سنگریزه
بردارد ویکی را بجانب راست ویکی را بجانب چپ وسوم را از بالای
سر بر پشت سر وچهارم را به پیش رو اندازد وهر مرتبه بگوید قوله
الحق وله الملک که بسلامت از ان ورطه نجات یابد وآن لشکر
شکست یابند انشاء الله وایضا اگر در راهی خوفناک باشد پنج سنگریزه
بردارد باین طریق اول را که بردارد بگوید الله دوم جبرئیل سوم
موسی چهارم محمد ص پنجم ابراهیم وباخود نگاه دارد انشاء الله ایمن
شود وحرز از سباع وکلاب در فصل حرز وتعوید گذشت واگر راه

گم کند بگوید یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطريق رحمكم الله
واگر خواهد بگوید بسم الله ذي الشان عظيم البرهان شديد السلطان
كل يوم هو في شان ما شاء الله كان وما لم يشا لم يكن ولا
حول ولا قوة الا بالله واگر کسی پیاده باشد سورهٔ انا انزلناه بخواند
از ماندگی ایمن شود ومرویست که با رفقا بجمعیت روید واگر کسی در سفر
از رفیق آنقدر جدا شود که از نظر غائب شود واعانت کشتن او کرده
باشد ودر خونش شریک بود واحادیث بسیار آمده که خدای تعالی
اول شب را برای استراحت آفریده خود وچارپایان در اول شب
استراحت کنید وآخر شب راه روید که راه در آخر شب زود طی شود
وآداب وحقوق دواب در فصل خود گذشت **فصل هفتم در آداب
متعلق بمنزل** مرویست از اهل بیت طاهرین ع که چون منزل نمایان
شود بگوید اللهم اني اسئلك خيرها واعوذ بك من شرها
اللهم حببني الى اهلها وحبب صالحي اهلها الي وچون
بمنزل نزدیک شود بگوید اللهم رب السماء وما اظلت وما اقلت
ورب الرياح وما ذرت ورب الانهار وما جرت عرفنا خير

هذه القریة وخیر اهلها واعذنا من شرها وشر اهلها
انک علی کل شیء قدیر اللهم یسر لی ما کان فیها من خیر
ووفق لی ما کان فیها من یسر واعنی علی حاجتی یا قاضی
الحاجات ویا مجیب الدعوات ادخلنی مدخل صدق واخرجنی
مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا وچون
فرود آید بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین
وآتنی بما آتیت به الصالحین وهب لی والسلامة
العافیة فی کل وقت وحین اعوذ بکلمات الله التامات
من شر ما خلق ودر اوبره خدای تعالی خیر آن منزل را روزیش
کند وشرش را دفع کند وچون مکانی اختیار کند پیش از آنکه
بنشیند دو رکعت نماز گزارد وبعد از آن بگوید رب انزلنی منزلا
مبارکا وانت خیر المنزلین ودیگر بگوید اللهم ارزقنا هذه
البقعة واعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها واعذنا
من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا
خیرات آن منزل روزی وشرش مدفوع شود وچون خواهد بنشیند بگوید

بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء
واگر در منزل خوف سباع باشد بگوید اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر
وهو علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل
سبع تا در آن منزل باشد از شر ایشان ایمن باشد واگر از دزد خوف
داشته باشد بگوید یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعالا
لما یرید اسئلک بعزتک التی لا ترام وملکک الذی
لا یضام وبنورک الذی ملاء ارکان عرشک ان تکفینی
شر اللصوص یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی وسایر اذکار
وروایات برای حرز از دزد در فصل تعویذ وفصل آداب خواب
گذشت وچون خواهد از آن منزل کوچ کند دو رکعت نماز گزارد
وآن منزل واهل آن وملائکه آن را وداع کند که در هر موضعی جمعی از
ملائکه باشند وبگوید السلام علی ملائکة الله الحافظین
السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین **فصل ششم**
در آداب سفر دریا مرویست از اهل بیت طاهرین که چون داخل کشتی

شوی بگوی بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها
ومرسیها ان ربی لغفور رحیم که امانست از غرق شدن
واگر امواج متلاطم شود بگوی یا حی لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین وآیة الکرسی بخواند وروایت دیگر
آمده که بر دست چپ تکیه کن وبا دست راست اشاره بموجها نموده
بگوی قری بقرار الله جل وعز واسکنی بسکینة الله
جل وعز ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم راوی
گوید در دریائی بودم همین که موجها بلند شد چنین کردم ساکن گشت چنانکه
گویا هرگز نبوده **فصل نهم در مکارم اخلاق وآداب رفاقت در سفر**
روایتست از اهل بیت طاهرین ع که از جملهٔ وصایای لقمن با پسرش این
بود که مادام که سوار باشی قرائت کتاب خدا کن وما دامی که مشغول
کاری باشی ذکر وتسبیح کن ووقتیکه بیکار باشی دعا کن وچون با جمعی
رفیق باشی در کارها با ایشان مشورت کن وبا ایشان انبساط وشگفتگی

کن

کن ودر کارهای شان مدد کن ورفاقت چنان کن که ایشانرا نرنجانی
وایشانرا ذلیل نگردانی وخود نیز ذلیل نشوی وحضرت امام جعفر صادق ع فرمود
کرم ومروت مرد اینست که خوان نعمتش در بیرون خانه اش باشد ومروت
دو قسمست در حضر وآن تلاوت قرآنست وملازمت مساجد وسعی در
حوایج مومنان ودر سفر وآن خوبی وبسیاری توشه است وبذل آن برفقا
وکتمان احوال ایشان بعد از مفارقت وکثرت مزاح بخوبی که معصیتی در آن
نشود وفرمود چون با جمعی رفیق باشی اگر توانی که همیشه دست احسان تو
بر ایشان باشد چنان کن که بقدر مروت ومؤنت بقدر معونت
وصبر بقدر بلا نازل میشود وکسی از آن حضرت سوال نمود که در سفر
با جمعی رفیق میشوم وبا ایشان توسعه واحسان بسیار میکنیم فرمود با چنین
مردم مخلوط ومصاحب مباش که اگر ایشان نیز مثل تو سلوک کنند از
عهده برنیایند واگر نه ذلیل شوند بلکه با امثال خود مخالطت کن دهم
دسته باش یعنی اوضاع وسرانجام شما در میان هم باشند بلکه همچنانکه در
خانهای خود ودر حضر می باشید وآنقدر که مقدور شود احسان
واطعام کنید ونیز مرویست که با کسی که در وسعت مال از شما زیاده باشد

مخالطت و رفاقت مکنید که سبب مذلت شما شود و با کسیکه قدر شمارا
چنانکه شما قدر او را میدانید نداند رفاقت مکنید **فصل دهم در رجوع
از سفر** مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هر روز در ایام سفر برای
حفظ و وصول باهل این دعا بخوانند یا جامعاً بین اهل الجنة
علی تالیف من القلوب وشدة تواصل لهم فی المحبة
ویا جامعاً بین طاعته وبین خلقه لها یا مفرج حزن
کل محزون ویا مسهل کل غربة یا ارحم الراحمین ارحمنی
فی غربتی بحسن بحفظ والکلاءة والمعونة وفرج ما بی من
الضیق والحزن بالجمیع بینی وبین احبائی یا مؤلفا بین
الاحبة صل علی محمد وآل محمد ولا تفجعنی بانقطاع رؤیة
اهلی بانقطاع رؤیتی بکل مسئلة اسئلک وادعوک
فاستجب لی وذلک دعائی ایاک فارحمنی برحمتک یا ار
حم الراحمین و مرویست که سفر قطعه از عذابست چون در سفر قضای
حاجت خود کرد زود مراجعت کنید و اگر مسافر شب داخل خانه
شود بگوید آئبون تائبون عابدون راکعون ساجدون

لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک ایای فی سفری
وحضری اللهم اجعل اوبتی هذه مبارکة میمونة مقرونة
بتوبة نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم الراحمین
و بیشتر از آنکه مشغول کاری شود دو رکعت نماز گزارد و بعد از ان نماز
در سجده صد مرتبه بگوید شکرا لله و تصدق بکند و مرویست که از مروت
نیست نقل کردن احوال سفر از خیر و شر و مستحبست تحفه و هدیه برای
دوستان فرستادن و اگر کسی از سفر حج آمده باشد او را همچنان
با غبار راه معانقه کنند چنانکه استلام حجر الاسود کنند و تهنیت حاج
کنند این چنین که تقبل الله منک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنبک
باب یازدهم در فضائل حج و عمره و زیارت و مقصود ازین باب اثبات
در ده فصل بیان شود **فصل اول در فضائل حج و عمره** مرویست از اهل بیت
طاهرین ع که هر کس حج یا عمره گزارد از گناه بری شود و از گناه پاک شود چنانکه
از مادر متولد شده و نیز مرویست که ثواب حج بهشتست و عمره کفاره گناهست
و چون کسی مشغول تهیه اسباب حج شود برای هر کاری از آن هر گام که بردارد
و بگذارد ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند گردانند تا وقتیکه

از تهیهٔ اسباب فارغ شود و چون سوار شود هر کام که مرکب کذارد
و بر دارد همان حسنات نویسند و سیئات محو کنند و چون طواف
خانه و سعی صفا و مروه کند از کناه پاک شود چنانکه متولد شده و رمی
جمرات ذخیرهٔ روز قیامت باشد و چون حلق کنند بهر موئی روز
قیامت نوری عطا فرماید و روایات دیکر آمده که چون تلبیه کوید
بهر تلبیه ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و چون هفت مرتبه
طواف کند خدای تعالی آنرا برایش ذخیره کند و شرم دارد که هرکز
بعد از آن عذابش کند و چون دو رکعت نماز کزارد هزار حج برایش
نویسد و چون سعی صفا و مروه کند چنانست که هفتاد بندهٔ مومن
آزاد کند و چون وقوف عرفات بجا آرد کناهانش آمرزیده شود
اکرچه مثل ریک عالج و قطرهٔ باران و ستارهٔ آسمان باشد و چون
رمی جمرات کند بهر جمرهٔ ده حسنه نویسند و چون قربان کند
بهر قطرهٔ خون حسنه نویسند و چون از همهٔ مناسک فارغ شود
از همه کناهان پاک شود و چهار ماه بعد از آن کناه بر او ننویسند
مکر آنکه کبیره کند و حاج و معتمر در جوار خدا مهمان او باشند و اکر

بمیرند به بهشت روند و اکر بمانند از کناه پاک باشند و اکر دعا کنند
اجابت کند و اکر سوال کنند عطا فرماید و اکر خموش باشند ابتدا
نماید و اکر شفاعت کنند قبول فرماید و بیکدرهم که صرف کنند هزار
هزار درهم برابر عوض دهد و روایت دیکر آمده که اکر در وقت
رفتن بمیرند آمرزیده شوند و اکر احرام بسته بمیرند لبیک کویان
محشور شوند و اکر در مراجعت بمیرند از همه کناهان پاک باشند و هر کس
درین راه در رفتن یا آمدن بمیرد از فزع اکبر قیامت ایمن باشد
و نیز مرویست که هر مومن که هفتاد مرتبه تلبیه بکوید خدای تعالی هزار
ملک را کواه کیرد برای نجات او از نفاق و از آتش و چون بحرم رسد
فرود آمده غسل کند و کفش را در دست کرفته از روی تواضع
پا برهنه داخل حرم شود خدای تعالی صد هزار حسنه برایش نویسد
و صد هزار سیئه محو کند و صد هزار درجه بلند کرداند و صد هزار
حاجتش را برآرد و چون داخل مکه شود با خشوع و تسلیم کناهانش را
بیامرزد و کفایت مهماتش نماید و چون سعی صفا و مروه کند ملائکه
برایش شفاعت کنند و خدای تعالی قبول شفاعت شان فرماید و نیز

مرویست که اهل حج سه قسم اند اول آنکه گذشته و آینده اش همه آمرزیده
شود دوم آنکه گناه گذشته اش آمرزیده شود سیم آنکه اهل و مالش
از حوادث محفوظ گردد و این قسم کسی است که حجش مقبول شود
و هر کس بعرفات حاضر شود دعایش البته مستجاب شود خواه مومن
و خواه مخالف مومن را در دنیا و آخرت و مخالف را در دنیا و نیز
مرویست که چون مومنی وقوف عرفات بجا آرد از هر ولایت
باشد اهل آن ولایت از مومنان همه آمرزیده شوند و چون اهل حج
در منازل خود بمنی نزول کنند منادی ندا کند که اگر بدانید که بچه
درگاه آمده اید یقین کنید که هرچه درین راه صرف کرده اید عوض
یابید با مغفرت همه گناهان و نیز مرویست که یک درهم در حج
افضل است از دو هزار هزار درهم در غیر آن از وجوه بر و کسی از
حضرت پیغمبر ص پرسید من مال بسیار دارم عملی بفرمای تا بکنم
که اجر حج یابم فرمود اگر کوه ابوقبیس تمام طلا باشد و همه را در راه
خدا صرف کنی اجر حج نیابی و روایت دیگر آمده که اگر کسی به نیت
غیر خالص و نفقه غیر طیب حج گزارد خدای تعالی گناهانش را بیامرزد

وخلق

و خلق از و راضی گردند و اگر به نیت خالص و نفقه طیب حج گزارد او را
در رفیق اعلی در زمرهٔ انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین جا دهد
و نیز مرویست که هر کس چهار حج گزارد از فشار قبر ایمن شود و چون بمیرد
چهار حج که گزارده با بهترین صورتی داخل قبر او شوند و تا روز قیامت
نماز کنند و ثواب نماز ایشان همه از او باشد و یک رکعه آن نماز برابر است
با هزار رکعه نماز آدمی و اگر پنج حج گزارد خدای تعالی هرگز عذابش
نکند و اگر ده حج گزارد هرگز حسابش نکند و هر کس حج بسیار گزارد
بهر حجی شهری در بهشت برای او بنا کند و در هر شهری خانها و غرفهای
بسیار که در آنها حوریان باشند در خدمت هر یک یک صد کنیزک
که بحسن و جمال ایشان هیچ چشمی ندیده باشد و هر کس چون از حج
مراجعت کند در خاطر داشته باشد که بار دیگر بحج آید عمرش زیاد شود
و اگر در خاطر داشته باشد که دیگر نیاید اجلش نزدیک و عذابش مهیا
گردد و حضرت امام جعفر صادق ع از کسی پرسید که چرا امسال
بحج نمی آئی گفت شغل عیال مانع است فرمود چون تو بمیری که متکفل ایشان
باشد بسرکه و زیت قناعت کنید و هر سال ایشان را بحج بیار مرویست

که اگر کسی در حج مانع کسی شود در دنیا از آفتی ایمن نبود و با عقوبتی
که در آخرت برایش مهیا شود و مرویست که هر کس مستطیع باشد
و هر بخیال تکثیر تبرج نکند محروم باشد و هر کس بسبب حاجتی از حوائج
دنیا ترک حج کند اهل حج از مناسک فارغ شوند و هنوز حاجت
او بر نیامده باشد و هیچکس از حج باز نیاید مگر بسبب گناهی که کرده
و هر کس حجة الاسلام نکرده بمیرد بی علت یا مرضی یا مانعی بمیرد یهودی
یا نصرانی محشور شود و کسی بحضرت امام جعفر صادق ع گفت مردی با من
مشورت حج کرده من گفتم تو پریشانی و بر تو دشوارست و مانع
او شدم فرمود منتظر یکسال بیماری باش پس یکسال بیماری کشیدم
اما آداب و ادعیه و مناسک حج چون طولی عظیم دارد ذکر آن درین
مختصر مناسب نبود لهذا از کتاب آن نمودیم والله اعلم بالصواب **فصل**
دوم در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از آنحضرت مرویست
فرمود هر کس مرا زیارت کند روز قیامت در جوار من باشد و شفاعت
من او را واجب شود و هر کس در مکه یا مدینه بمیرد از عذاب ایمن باشد
و هر کس مرا بعد از وفات زیارت کند چنانست که با من هجرت کرده باشد و اگر

و هر کرا استطاعة آمدن اینجا نباشد و نیابت ... شود صح

استطاعه

استطاعة آمدن نداشته باشد سلام بمن بفرستند که بمن میرسد و هم آنحضرت ع
بحضرت امام حسین ع فرمود ای فرزند هر کس مرا یا ترا یا پدرت را زیارت کند بر من
لازم باشد که روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش پاک گردانم و بهشت او را
واجب شود و در روایت دیگر فرمود که او را از اهوال و شداید قیامت خلاص
کنم و در درجه رفیق خود گردانم و نیز مرویست که هر کس آنحضرت را زیارت
کند چنانست که خدا را در عرش زیارت کرده باشد **فصل سوم در زیارت**
سایر اهل بیت صلوات الله علیهم از ایشان ع مرویست که هر امامی را گردن
اولیا و شیعیان خود عهدی ثابت و از جمله اتمام آن عهد زیارت
قبور ایشانست پس هر کس زیارت ایشان کند ایشان شفیع او باشند
و هر کس یکی از ایشان را زیارت کند چنانست که رسول ص را زیارت کرده
باشد و نیز مرویست که هر کس یکی از ایشان را زیارت کند و دو رکعت
نماز در آن روضه گزارد حج مقبول برایش بنویسند و اگر چهار رکعت نماز
گزارد حج دیگر هم نوشته شود و حضرت پیغمبر ص بحضرت امیر المؤمنین ع
فرمود یا علی خدای تعالی قبر تو و اولاد ترا بقعهای بهشت گردانیده
و دلهای اصفیای خود را بایشان مایل کرده که در محبت ایشان تحمل

تحمل مشقتها کنند و قبور ایشان را تعمیر نمایند و زیارت ایشان کنند یا علی ایشان
اهل شفاعت و اهل حوض منند و ایشان همسایگان منند در بهشت
یا علی هر کس تعمیر قبور شما کند چنانست که در بنای بیت المقدس اعانت
سلیمان ع کرده باشد و هر کس زیارت قبور شما کند برابر است با هفتاد حج
بعد از حجة الاسلام و از گناه پاک شود مثل آنکه از مادر متولد شده و نعیم
بهشت برای اولیا و محبان شما مهیاست که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ
گوشی نشنیده و بهیچ خاطری نرسیده و از حضرت فاطمه ع مرویست
که فرمود هر کس سه روز بر پدرم و بر من سلام کند در ایام حیوة یا
بعد از وفات ما بهشت او را واجب شود **فصل چهارم در زیارت حضرت**
امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هر مومنی که زیارت
آنحضرت کند خدای تعالی برایش اجر صد هزار شهید می نویسد و گناهان گذشته
و آینده اش را بیامرزد و در زمرهٔ ایمنین محشور شود و حسابش آسان گردد
و در وقت رفتن ملائکه استقبالش کنند و در وقت مراجعت مشایعتش
کنند تا بخانه اش رسانند و اگر بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد تشییع
جنازه اش نمایند و برایش استغفار کنند کسی بحضرت امام جعفر صادق ع گفت

ازکوفه



ازکوفه بخدمت تو آمدم و زیارت امیر المومنین ع نکردم فرمود بد کردی اگر نه
از اولیای ما می بودی نگاه بر تو نمیکردم زیارت نمیکنی کسی را که خدا و انبیا
و ملائکه و مومنان زیارتش میکنند و ایضا مرویست که چون کسی پیاده
بزیارت آنحضرت رود بهر گامی حجی و عمره برایش بنویسند و اگر پیاده
مراجعت کند بهر گامی دو حج و دو عمره نویسند و در روایت دیگر آمده
که هر کس بزیارت آنحضرت رود بهر گامی حجی و عمرهٔ مقبول برایش نوشته
شود و خدای تعالی بآتش نزد قدمی را که در زیارت آنحضرت
غبار گرفته خواه سواره و خواه پیاده **فصل پنجم در زیارت حضرت**
امام حسین ع مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هر کس زیارت آنحضرت کند
و او را امام مفترض الطاعه داند کمترین اجرش اینست که گناه گذشته
و آینده اش همه آمرزیده شود و زیارت آنحضرت فرض است بر هر
مسلم و حضرت صادق ع از کسی پرسید که حج کرده گفت نه فرمود
اگر بیست حج تمام کنی مثل یک زیارت امام حسین ع است و در روایت دیگر
آمده که زیارت آنحضرت برابر است با بیست حج و عمره و بروایت دیگر آمده
که برابر است با بیست و پنج حج و نیز مرویست که حضرت صادق ع فرمود

زیارت آن حضرت مثل حج و عمره است و اضعاف مضاعف آن راوی گوید
پرسیدم مثل چند حج و عمره است فرمود نود آن شمرد گفتم صد فرمود که
میتواند شمرد گفتم هزار فرمود بیشتر بعد از آن فرمود نعمت خدا هر چند شماری
تمام نشود و نیز مرویست که زیارت آنحضرت برابر است با آنکه هزار
بنده آزاد کنی و هزار اسب با زین و لجام در راه خدا بجهاد فرستی و امانست
از هدم و غرق و حرق و همه آفات و موجب درازی عمر و زیادتی
رزقست و ایام زیارت آنحضرت داخل ایام عمر است و ترک زیارت
آنحضرت سبب نقصان عمر و رزق است و حضرت امام فرمود که اگر
بگویم کسی که ترک زیارت آنحضرت کند سی سال پیش از اجل خود
بمیرد راست گفته باشم و اگر کسی زیارت آنحضرت نکرده بمیرد ایمانش
ناقص باشد و اگر به بهشت رود در مرتبه اش از مؤمنان پست تر باشد و نیز
مرویست که کسی بزیارت آنحضرت رود نه برای نام و شهرت و غرض
دنیا از گناه پاک شود مثل جامه شسته از کثافت و بهر گام که بگذارد
یک حج و چون بر دارد یک عمره نوشته شود و شفاعتش برای پنجاه کس
از گناهکاران مقبول است و هیچ چیز در آن روضه از خدا نخواهد مگر آنکه

عطا

عطا فرماید و یک درهم که درین راه صرف کند ده هزار برابر در بهشت عوض دهد
و چهار هزار فرشته و بروایتی دیگر هفتاد هزار فرشته با مویهای ژولیده
غبار آلوده بر قبر آنحضرت موکلند و گریه میکنند تا روز قیامت چون کسی
بزیارت رود مشایعتش کنند و اگر بیمار شود هر صبح و عصر عیادتش
نمایند و چون بمیرد برو نماز گزارند و تا روز قیامت برایش استغفار
کنند و نیز مرویست که هر کس بزیارت آنحضرت رود ده هزار ملک از راست
و چپ با او رفاقت کنند و خدای تعالی هزار حج و هزار عمره برایش
نویسد که با پیغمبری یا وصی پیغمبری کرده باشد و ایضا مرویست که
چون کسی تهیه زیارت آنحضرت کند اهل آسمان یکدیگر را مژده دهند
و چون از خانه بیرون آید خواه سواره و خواه پیاده خدای تعالی
چهل هزار فرشته موکل فرماید که برو صلوة فرستند تا بروضه
مقدسه در آیند و چون بدر روضه ایستاده بگوید السلام علیک
یا وارث آدم صفوة الله تا آخر چنانکه در فصل آداب زیارت ثبت است
بیاید بعد از آن بجانب قبر مقدس روانه شود و بهر گام که بگذارد و بر دارد
ثواب آن دارد که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد بعد از آن دست

بعد از آن دست بر قبر مبارک گذاشته بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله
تا آخر چنانکه در فصل آداب زیارت بیاید ان شاء الله تعالی و بعد از آن
بکناری رفته مشغول نماز شود خدای تعالی و ملائکه بر او صلوة فرستند
تا وقتیکه فارغ شود و هر رکعت نماز که در آن روضه گزارد ثواب هزار
حج و هزار عمره و هزار عتق رقبه و هزار ایستادن در معرکه جهاد با پیغمبری
مرسل عطا فرماید و چون از آنجا برخیزد ملکی ندا کند که ای بندهٔ مومن
خوشت باد که گناهان گذشته‌ات همه آمرزیده شد و اگر در آن سال
بمیرد خدای تعالی خود متولی قبض روحش شود و چون روانه خانه
شود ملائکه با او رفاقت کنند و بر او صلوات فرستند تا بخانه‌اش
رسد پس بر در خانهٔ او مقام نموده تسبیح و تهلیل و تقدیس خدا میکرده
باشند تا وقتیکه اجلش برسد و ثواب آن همه از او باشد بعد از آن
در تغسیل و تکفین و نماز بر او حاضر باشند بعد از آن در قبر او مقیم شوند
و ذکر و تسبیح و تقدیس میکرده باشند تا روز قیامت و ثوابش
همه برای او نوشته شود و نیز مرویست که نماز فریضه در پیش قبر
مقدس آنحضرت برابر است با حج و نافله برابر است با عمره این بود

فضایل زیارت مطلق آنحضرت و فضایل زیارات مخصوصه در باب اعمال
شهور گذشت

فصل ششم در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

کسی از
حضرت امام محمد تقی ع پرسید که زیارت حضرت امام حسین ع افضل است یا زیارت
حضرت امام رضا ع فرمود زیارت پدرم افضل است که زیارت حضرت
امام حسین ع را همه کس زیارت کنند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان
و دوستان ما ست و نیز مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند
و معترف بامامت او باشد گناهان گذشته و آینده‌اش همه آمرزیده
شود و اگر چه بعدد ستارهٔ آسمان و قطرهٔ باران و برگ درختان
باشد و در روز قیامت در برابر منبر حضرت پیغمبر ص منبری برای او
نصب کنند و وقتیکه خدای تعالی از حساب خلق فارغ شود و آنحضرت
خود فرموده هر کس مرا در غربتم زیارت کند ثواب صد هزار شهید
و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار جهاد خدا او را عطا فرماید
و با ما محشور شود و در درجات [illegible] بهشت رفیق ما باشد و من
و پدران من شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او باشیم نجات یابد اگر چه
مثل گناه جن و انس داشته باشد و هم آنحضرت ع فرمود هر کس مرا زیارت

کند روز قیامت سه وقت او را دریابیم و از اهوال و شدائد خلاصش کنیم
وقتیکه نامهای اعمال در چپ و راست متفرق باشند و وقتیکه قدمها
بر صراط می لغزیده باشد و نیز مرویست که زیارت من برابر است
با هزار حج و هزار عمره راوی گوید که از حضرت امام محمد تقی ع از روی
تعجب پرسیدم که چنین حدیثی از پدرت روایت کنند فرمود بلی
والله با هزار حج ۱ برابر است برای کسیکه حق او بشناسد و بداند که
امام مفترض الطاعه است و نیز مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند
و یکشب در ان روضه بگذراند چنانست که خدا را در عرش زیارت
کند و نیز مرویست که زائران ائمه طاهرین صلوات الله علیهم در
بهشت همنشین و همصحبت ایشان باشند و زائر حضرت امام رضا ع درجه اش
از همه بلندتر باشد و هر کس در اصل آن روضه شود در روز قیامت از
آتش ایمن بود و حضرت پیغمبر ص فرمود فرزندی از من در خراسان
مدفون شود و هیچ مومنی او را زیارت نکند مگر اینکه خدای تعالی
بدنش را بر آتش حرام کند و بهشت برای او واجب گرداند و هیچ مکروبی
زیارتش نکند مگر اینکه کربش را فرج دهد و هیچ گناهکاری زیارتش

نکند

نکند مگر اینکه گناهش را بیامرزد و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود فرزندی
از من در طوس کشته شود هر کس او را زیارت کند من در روز قیامت
دستش را گرفته داخل بهشت کنم اگرچه از اهل کبائر باشد و هر کس را حاجتی
باشد غسل کرده زیارت آنحضرت کند و پیش سر مبارک دو رکعت نماز
گزارده در قنوت حاجت خود را بطلبد مستجاب شود اگر معصیت یا قطع رحم
نباشد **فصل هفتم در آداب و کیفیت زیارت اهل بیت علیهم السلام** مستحب است
برای زیارت هر یک از ایشان غسل کردن و در وقت غسل گفتن اللّهُمَّ
طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَاجْرِ عَلَى قَلْبِي مَحَبَّتَكَ
وَعَلَى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ
وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَالْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ
نَبِيِّكَ وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُوراً
وَشِفَاءً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
أَجْمَعِينَ و جامهای پاک پوشیدن و تعطیر نمودن و با وقار و سکینه و ذکر
و تسبیح و صلوات بر ایشان متوجه شدن اما در زیارت حضرت امام حسین ع
مستحب است تعطیر نکردن و بندهای جامه گشودن و از لذتها و شیرینیها اجتناب

نمودن و بهیأت مصیبت زدگان متوجه گشتن و چون بدر روضات مقدسات
رسد اول بطریق اذن طلبد اللهم انی قد وقفت علی باب
بیت من بیوت نبیک وقد امرت الناس ان لا یدخلوه الا
باذنه فقلت یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی
الا ان یؤذن لکم اللهم وانی اعتقد حرمة نبیک فی
غیبته کما اعتقدها فی حضرته واعلم ان رسلک و
خلفاءک احیاء عندک یرزقون فرحین بما آتیهم
من فضلک ویستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم
الا خوف علیهم ولا هم یحزنون وانهم یرونی فی مکانی
ویسمعون کلامی یردون علی سلامی وانک حجبت
عن کلامهم وسلامهم وفتحت سمعی بلذیذ مناجاتهم
وانی استاذنک واستاذن رسولک وخلفاءک المفروض
علی طاعتهم واستاذن الملائکة الموکلین هذه البقعة
السلام علیکم ایها الملائکة الموکلون بهذا المشهد
الشریف باذن الله واذن رسوله واذن خلفائه ادخل

هذا البیت فکونوا ملائکة الله اعوانی وانصاری فکونوا
انصاری حتی ادخل وادعوا الله بفنون الدعوات واعترف
لله بالعبودیة وللنبی والائمة بالطاعة و در وقت داخل
شدن بگوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله
علیه وآله واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان علیا ولی الله پس بضریح
مقدس پشت بقبله ایستاده زیارت کند و بعد از آن نماز زیارت بگزارد
و در دعا و مسئلت آن قدر که تواند از برای خود و از برای والدین
و اقربا و سایر مومنان سعی نماید و در کتب مزار خبر گفته اند که نماز در بالای
سر گذارد اما در توقیعات از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
کسی پرسید که نماز در چه موضع بگزاریم فرمود پیش روی قبر و بالای
و پائین پا نشاید ایستاد که پیش روی امام و پهلوی او نتوان ایستاد بلکه
در پشت قبر نماز کنند و ذکر زیارتهای ایشان بتفصیل از حوصلهٔ
این رساله بیرون و کتب مزار بآن مشحونست لیکن بجهة آنکه این رساله
از فضل ذکر آن یکباره محروم نباشد روایت مختصری از آن مشرف شود

زیارت حضرت رسول که مرویست از حضرت امام رضا ع السلام علیک یا
رسول الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک
یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک
یا حجة الله اشهد انک قد نصحت لامتک وجاهدت فی
سبیل الله وعبدته مخلصا حتی اتاک الیقین فجزاک
الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد
وال محمد افضل ما صلیت علی ابرهیم وال ابرهیم انک حمید
مجید و مرویست از حضرت صادق ع که بعد از ان که سلام کردی در بالای
سر مبارک دوش چپ بقبر مقدس داده رو بقبله بگوی اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد انک رسول الله
وانک محمد بن عبد الله واشهد انک قد بلغت رسالات
ربک ونصحت لامتک وجاهدت فی سبیل الله وعبدت
الله مخلصا حتی اتیک الیقین بالحکمة والموعظة
الحسنة وادیت الذی علیک من الحق ورؤفت بالمؤمنین
وغلظت علی الکافرین فبلغ الله بک افضل شرف محل المکرمین

الحمد لله الذی استنقذنا بک من الشرک والضلالة اللهم
فاجعل صلواتک وصلوة ملائکتک المقربین وانبیائک المر
سلین وعبادک الصالحین واهل السموات والارضین ومن
سبح لک یا رب العالمین من الاولین والاخرین علی محمد عبدک
ورسولک ونبیک وامینک ونجیک وحبیبک وصفیک
وصفوتک وخیرتک من خلقک اللهم واعطه الدرجة
الرفیعة واته الوسیلة من الجنة وابعثه مقاما محمودا
یغبطه به الاولون والاخرون اللهم انک قلت ولو انهم
اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا الله واستغفر لهم
الرسول لوجدوا الله توابا رحیما الهی فقد اتیت نبیک
مستغفرا تائبا من ذنوبی فصل علی محمد وال محمد واغفرها
لی یا سیدی اتوجه بک وباهل بیتک الی الله تعالی ربک
وربی لیغفر لی ذنوبی بعد ازان پا بقبر مقدس ده از روی
خضوع و اعتماد بران و پشت گرمی آن پشت بقبر داده روی بقبله بگوید
اللهم الیک الجات امری وبقبر نبیک اسندت ظهری

وقبلتك التي رضيتها لمحمد صلى الله عليه وآله استقبلت وجهي
اللهم لا تبدل اسمي ولا تغير جسمي ولا تتبدل لي غيري
اصبحت وامسيت لا املك لنفسي خيرا ارجوا ولا اصرف
عنها شرا احذر الا بك وحدك لا شريك لك اللهم زدني
منك بخير فانه لا راد لقضائك اللهم زيني بك بالتقوى
وجملني بالعافية واغمرني بالنعم وارزقني شكر العافية
انك على كل شيء قدير و هر حاجت كه داشته باشد درين موضع طلب كند
كه سزاوارترين اماكن باجابت اين مكانست در زيارت حضرت امير المؤمنين
صلوات الله عليه بگويد السلام عليك يا امين الله في ارضه وحجته
على عباده السلام عليك يا امير المؤمنين اشهد انك
جاهدت في الله حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن
نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله الى جواره و
قبضك اليه باختياره والزم اعداءك الحجة مع ما لك
من الحجج البالغة على جميع خلقه اللهم فاجعل نفسي مطمئنة
بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة

لصفوة اوليائك محبوبة في ارضك وسمائك صابرة على نزول
بلائك مشتاقة الى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك
مستنة بسنن اوليائك مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة
عن الدنيا بحمدك وثنائك و بعد از ان رو بقبر مقدس گذاشته بگويد اللهم
ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين اليك واضحة
وافئدة العارفين منك فازعة واصوات الداعين اليك
صاعدة وابواب السماء للاجابة لهم مفتحة ودعوة من
ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك مقبولة وعبرة من
بكى من خوفك مرحومة والاغاثة لمن استغاث بك مبذولة
وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك مقالة
واعمال العاملين لديك محفوظة وارزاقك الى الخلائق
من لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب
المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية
وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة
وموائد المستطعمين معدة ومناهل الظماء مترعة اللهم

فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين اوليائي بحق
محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين انك ولي نعمائي
ومنتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي حضرت امام محمد
باقر عم فرمود كه هر كس از شيعيان كه حضرت امير المومنين عم را يا يكي ديگر از ائمه
باين طريق زيارت كند زيارتش را در حقه از نور گذارند و خداي تعالى آنرا
با خاتم خاتم پيغمبران محمد صم مختوم سازد و بحضرت قايم سپارد تا وقتيكه
با تحيت و كرامت و بشارت بصاحبش رساند و ببايد دانست كه اگر باين طريقه
يكي از ائمه را زيارت كند بجاي لفظ امير المومنين آن امام را بايد گفت
و در همين ضريح مقدس حضرت آدم و نوح عليهما السلام را نيز زيارت كند
و در زيارت حضرت آدم عم بگويد السلام عليك يا صفي الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا نبي الله السلام عليك
يا امين الله السلام عليك يا خليفة الله في ارضه السلام
عليك يا ابا البشر ادم صلوات الله عليك وعلى روحك
وعلى بدنك وعلى الطاهرين من ولدك وذريتك صلوة
لا يحصيها الا هو ورحمة الله وبركاته و در زيارت حضرت نوح عم بگويد

السلام عليك يا نبي الله السلام عليك يا صفي الله السلام
عليك يا امين الله في ارضه صلوات الله وسلامه عليك و
على روحك وبدنك وعلى الطاهرين من ولدك ورحمة الله
وبركاته در زيارت حضرت فاطمه عليها السلام بگويد السلام عليك
يا بنت رسول الله السلام عليك يا بنت نبي الله السلام
عليك يا بنت حبيب الله السلام عليك يا بنت خليل الله
السلام عليك يا بنت امين الله السلام عليك يا بنت خير
خلق الله السلام عليك ايتها المعصومة المظلومة السلام
عليك ايتها المحدثة العليمة ورحمة الله وبركاته اشهد
الله ورسوله وملائكته عني راض عمن رضيت عنه
ساخط على من سخطت عليه متبرئ ممن برئت منه موال
لمن واليت معاد لمن عاديت مبغض لمن ابغضت محب
لمن احببت وكفى بالله شهيدا وحسيبا وجازيا ومثيبا
در زيارت حضرت امام حسين عم بگويد و در روضه مقدسه ايستاده بگويد
السلام عليك يا وارث ادم صفوة الله السلام عليك

يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا وارث عيسى
روح الله السلام عليك يا وارث ابرهيم خليل الله
السلام عليك يا وارث موسى نجي الله السلام عليك
يا وارث محمد سيد رسل الله السلام عليك يا وارث
علي امير المؤمنين وخير الوصيين السلام عليك يا
وارث اخيه الحسن الزكي الطاهر الرضي المرضي السلام عليك
وعلى الملائكة الحافين بك اشهد انك قد اقمت الصلوة
واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت
الله خالصا مخلصا حتى اتيك اليقين والسلام عليك
ورحمة الله وبركاته بعد از ان بجانب ضريح مقدس رود و هر دو دست بر ان
گذاشته بگويد السلام عليك يا حجة الله ورحمة الله وبركاته
بعد از ان بگويد لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك و
لعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله
اشهد الله وملائكته وانبياءه ورسله اني بكم مؤمن
وبايابكم موقن وبشرائع ديني وخواتيم عملي فصلوات الله

عليكم وعلى ارواحكم وعلى اجسادكم وعلى شاهدكم
وعلى غائبكم وظاهركم وباطنكم ورحمة الله وبركاته بعد از ان
در پيش پاي مبارك آن حضرت علي اكبر را زيارت كند وبگويد السلام
عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين
السلام عليك يا ابن الحسين الشهيد السلام عليك ايها
الشهيد المظلوم لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة
ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به بعد از ان
شهدا را زيارت كند وبگويد السلام عليكم يا اولياء الله
واحباءه السلام عليكم يا اصفياء الله واوداءه
السلام عليكم يا انصار دين الله وانصار نبيه و
انصار امير المؤمنين وانصار الحسن والحسين طبتم
وطابت الارض التي فيها دفنتم وفزتم فوزا عظيما
فيا ليتني كنت معكم فافوز معكم فوزا عظيما چون از نماز و دعا
فارغ شود بزيارت عباس رفته بگويد السلام عليك ايها العبد
الصالح المطيع لله ولرسوله ولامير المؤمنين وللحسن والحسين

وعليك السلام ورحمة الله وبركاته وعلى روحك و
بدنك اشهد انك مضيت على ما مضى عليه البدريون
المجاهدون في سبيل الله المناصحون له في جهاد الاعداء
المبالغون في نصرة اوليائه فجزاك الله افضل واوفر
جزاء احد وفى ببيعته واستجاب له دعوته وحشرك مع
النبيين والصديقين والشهداء والصالحين و
حسن اولئك رفيقا روايت كه حضرت امام جعفر صادق عمار كسى
پرسيد كه هر روز زيارت حضرت امام حسين ع ميكنى گفت نه فرمود چه جفا ميكنى
با آنحضرت بعد از آن فرمود هر ماه ميكنى گفت نه فرمود هر سال ميكنى
گفت گاهى ميشود باز فرمود چه جفا ميكنى با آنحضرت چه شود اگر هر روز
يكمرتبه زيارت آنحضرت كنيد گفت خانهٔ من بسيار دور است و هميشه مقدور نيست
فرمود بر بام خانه براى دو جانب راست نگاه كن و بعد از آن بجانب چپ نگاه كن
و بعد از آن سر بآسمان بالا كن و بعد از آن متوجه روضه مقدسه شده بگوى السلام
عليك يا ابا عبد الله السلام عليك ورحمة الله وبركاته
حج و يكعمره براى تو نوشته شود زيارت جامعه كه در همه مشاهد مقدسه مجزى بود

روايت از حضرت امام رضا ع السلام على اولياء الله واصفيائه
السلام على امناء الله واحبائه السلام على انصار الله
وخلفائه السلام على محال معرفة الله السلام على
معادن حكمة الله السلام على مساكن ذكر الله السلام على
عباد الله المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم بامره
يعملون السلام على مظاهر امر الله ونهيه السلام على
الادلاء على الله السلام على المستقرين في مرضاة الله السلام
على الممحصين في طاعة الله السلام على الذين من والاهم
فقد والى الله ومن عاداهم فقد عادى الله ومن عرفهم
فقد عرف الله ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم
بالله ومن تخلى منهم فقد تخلى من الله اشهد الله انى
حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم مؤمن بما آمنتم به كافر
بما كفرتم به محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن
بسركم وجهركم مفوض في ذلك كله اليكم لعن الله عدوكم
من الجن والانس وضاعف عليهم العذاب الاليم وابرا الى الله منهم

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته در وداع هر یک از ایشان بکوید
السلام علیک یا مولای السلام علیک یا حجة الله
السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا خالصة
الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا
ولی الله سلام مودع لا قال ولا سئم فان امض فلا عن
ملالة وان اقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله الصابرین
لا جعله الله یا مولای آخر العهد منی لزیارتک وارزقنی
العود الی مشهدک والمقام فی حرمک واجعلنی معکم
فی الدنیا والآخرة **فصل هشتم در نیابت و شرکت در حج و عمره و زیارت**
مرویست از اهل بیت طاهرین ع که اکر کسی برای دیکری از روی تبرع
حج کند ثواب ده حج یابد و اکر اجرت کیرد و حج کند یک حج از و باشد
و یکی از اصحاب ع روایت دیکر آمده که کناه او و والدین ع و اولاد و برادر
و خواهر و عم و عمه و خال و خاله اش همه آمرزیده شود و نیز مرویست که
اکر هزار کس را در حج با خود شریک کند هر یک را نهایت از ثواب حجی باشد
بی آنکه از ثواب حج تو چیزی کم شود و ترا ثواب این احسان علیحده باشد

و همچنین است اکر زیارت را تبرع کند یا کسی را شریک کرد اند و بعد از
فراغ از حج یا زیارت بکوید اللهم اشرک فی حجی ونسکی وصلوتی
و اکر زیارت باشد بکوید فی زیارتی ابی وامی وفلانا وفلانا
و هر کرا خواهد نام برد وجمیع اهل بلدی حرهم وعبدهم
وابیضهم واسودهم وحیهم ومیتهم و اکر بنیابت حج یا طواف
کند بکوید اللهم تقبل حجی یا طوافی وصلوتی عن فلان وفلان
هر کرا خواهد و اکر زیارت بنیابت کند بعد از فراغ کارهای خود بکوید السلام
علیک یا مولای من ابی وامی و هر کرا خواهد پس هر یک از ایشان بکوید
اکر که برای تو حج یا طواف و نماز و زیارت کردم راست کفته باشد **فصل نهم در**
فضائل اماکن مقدسه که در آنجا ورود واقعست مرویست از اهل بیت
طاهرین ع که هر کس نظر بر کعبه کند و حق ما را بشناسد چنانکه کعبه را می‌شناسد
کناهانش آمرزیده شود و مهمات دنیا و آخرتش کفایت شود و تا دمی
که نظرش بر کعبه باشد حسنه برایش نویسند و سیئه محو کنند و خدای تعالی را
در حوالی کعبه صد و بیست رحمت شصت از طواف کنندکان و چهل از نماز
کزارندکان و بیست از نکاه کنندکان و هر کس در یکی از حرمین بمیرد از اهوال

قیامت ایمن باشد و اگر در میان حرمین بمیرد دیوان حسابش گشوده نشود
و اگر در حرم کعبه بمیرد از فزع اکبر ایمن باشد و یک سبحان الله گفتن در مکه
افضل است از خراج تمام عراق که در راه خدا صرف کنند و هر کس در مکه
ختم قرآن کند از دنیا نرود تا جای خود در بهشت نبیند و چیزی خوردن
در مکه مثل روزه است در جای دیگر و روزه در آنجا مثل یکسال روزه است
در جای دیگر و خواب کردن در آنجا مثل عبادتست در جای دیگر و هر کس
مجاور مکه باشد گناهان او و اهل بیت او و هر کس را که او استغفار کرده باشد
و قبیله‌اش و همسایگانش آمرزیده شود و هر کس در آنجا سجده کند چنانست
که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و یکنماز در آنجا برابرست
با صد هزار نماز و یک درهم صدقه برابرست با صد هزار درهم و هر کس یکنماز
فریضه در آنجا گزارد نمازهای گذشته و آینده‌اش تا وقت اجلش همه
مقبول شود هر چند بخانه کعبه نزدیکتر باشد افضل است و در مسجد منی صد
و بروایت دیگر هزار هر کس در آنجا صد رکعت نماز گزارد برابرست
با هفتاد ساله عبادت و صد تسبیح در آنجا برابرست با عتق رقبه و صد تکبیر
با احیای نسمه و صد تحمید با خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهند

و یکنماز در مسجد رسول الله در مدینه برابرست با ده هزار نماز و یک درهم
صدقه با ده هزار درهم و دو رکعت نماز در مسجد قبا برابرست با یک عمره
و کوفه حرم امیر المؤمنین ع است و قبور انبیا و مرسلین و اوصیا و مؤمنین در آنجا
بسیارست در مسجد اعظم کوفه هزار نبی و هزار وصی نماز گزارده و حضرت
پیغمبر ص در شب معراج در آن مسجد نماز گزارده و یکنماز فریضه در آنجا برابرست
با هزار نماز در حج و نافله در آنجا برابرست با پانصد نماز و یک عمره و نشستن
در آنجا بی ذکر و تلاوت عبادتست و در مسجد سهله با هر نبی و وصی
نماز گزارده و خانه حضرت ابراهیم و ادریس ع در آن مسجدست
و در آن مسجد سکینت که طینت انبیا همه را از آنجا برداشته اند هر
غمگینی که در آن مسجد در میان شام و خفتن دو رکعت نماز گزارد و دعا کند
خدای تعالی از آن غم نجاتش دهد **فصل دهم در فضایل تربت طیبین**
و صلحای مؤمنین مرویست از اهل بیت طاهرین ع که هر کس امامزاده
عبد العظیم را در ری زیارت کند چنانست که امام حسین ع را زیارت
کرده باشد و هر کس فاطمه بنت امام موسی کاظم ع را در قم زیارت کند
بهشت او را واجب شود و هم از ایشان ع مرویست که هر کس قادر بر زیارت

ما نباشد طلحی و شیعه ما را زیارت کند ثواب زیارت ما یابد و مخفی نماند که
بسیار احادیث که در فضل زیارت مومنان در باب اول این کتاب گذشت
اعمست از ایام حیوة و بعد از وفات و آداب زیارت مومنان بعد از ین
ان شاء الله بیاید **باب دوازدهم در احکام متعلق بموت و زیارت
قبور مومنان بعد از وفات** و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان میشود
فصل اول در وصیت و صحیفه شهادت مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که وصیت حقیست لازم بر هر مسلم و هر کس چیز وصیت کند بنحوی که
ظلم و جور و ضرر بورثه نرساند چنانست که در حیوة خود تصدق کرده
باشد و هر کس امامی باشد و برای خویشانی که میراث نمیبرند چیزی وصیت
نکند اعمالش بمعصیت ختم شود و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که حضرت
پیغمبر ص فرمود که هر کسی که وقت وفات وصیت را خوب نکند مروت
و عقلش ناقص باشد پرسیدند که وصیت چون باید کرد فرمود چون
حالت موت را مشاهده کند و مردم جمع شوند بگوید اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّمٰوات
وَالاَرْضِ عالِمَ الغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیم اَللّٰهُمَّ اِنّی
اَعْهَدُ اِلَیْكَ فی دارِ الدُّنْیا اَنّی اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ

لا شَریكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ وَاَنَّ الجَنَّةَ حَقٌّ وَالنّارَ حَقٌّ وَاَنَّ البَعْثَ حَقٌّ وَالحِسابَ
حَقٌّ وَالقَدَرَ حَقٌّ وَالمیزانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدّینَ كَما وَصَفْتَ
وَاَنَّ الاِسْلامَ كَما شَرَعْتَ وَاَنَّ القَوْلَ كَما حَدَّثْتَ وَاَنَّ
القُرْآنَ كَما اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الحَقُّ المُبینُ جَزَى اللّٰهُ
مُحَمَّداً عَنّا خَیْرَ الجَزاءِ وَحَیّا اللّٰهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلامِ
اَللّٰهُمَّ یا عُدَّتی عِنْدَ كُرْبَتی وَیا صاحِبی عِنْدَ شِدَّتی وَیا وَلِیّی
عِنْدَ نِعْمَتی اِلٰهی وَاِلٰهَ آبائی لا تَكِلْنی اِلى نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنٍ اَبَداً
فَاِنَّكَ اِنْ تَكِلْنی اِلى نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنٍ كُنْتُ اَقْرَبَ مِنَ الشَّرِّ
وَاَبْعَدَ مِنَ الخَیْرِ وَآنِسْ فِی القَبْرِ وَحْشَتی وَاجْعَلْ لی عَهْداً
یَوْمَ اَلْقاكَ مَنْشُوراً بعد از ان هر وصیت که خواهد بکند و اما صحیفه شهادت
شیخ طوسی رحمه الله در مصباح ذکر نموده که اول آنکس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَ
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاَنَّ الجَنَّةَ
حَقٌّ وَاَنَّ النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السّاعَةَ حَقٌّ آتِیَةٌ لا رَیْبَ فیها وَاَنَّ اللّٰهَ

يبعث من في القبور بعد از ان این را بنویسند بسم الله الرحمن الرحيم
شهد الشهود المسمّون في هذا الكتاب ان اخاهم في الله
فلان بن فلان اشهدهم واستودعهم واقرّ عندهم انه يشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمداً عبده و
رسوله صلى الله عليه وآله وان علياً ولي الله وامامه
وان الائمة من ولده ائمته وان اولهم الحسن والحسين
وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن
جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن
علي والقائم الحجة عليهم السلام وان الجنة حق وان النار
حق والساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في
القبور وان محمداً صلى الله عليه وآله رسوله جاء بالحق
وان علياً ولي الله والخليفة من بعد رسول الله ومستخلفه
في امته مؤدياً بالامر ربه تبارك وتعالى وان فاطمة بنت
رسول الله وابنيها الحسن والحسين ابنا رسول الله وسبطاه
اماما الهدى وقائدا الرحمة وان علياً ومحمداً وجعفراً وموسى



وعلياً ومحمداً وعلياً والحسن والحجة عليهم السلام ائمة و
قادة ودعاة الى الله عز وجل وحجة على عباده بعد از ان بگوید
تا جماعت شهادت خود را بنویسند بعد از ان شهود بگویند نستودعك
الله والشهادة والاقرار والاخاء موعودة عند رسول الله
صلى الله عليه وآله ونقرء عليك السلام ورحمة الله وبركاته
بعد از ان صحیفه را پیچیده شود و بمهر خود و مهر میت را نیز بران بگذارند و با
جریده در پهلوی راستش بگذارند و صحیفه را با کافور بنویسند و اگر با تربت
مقدس بنویسند چنانکه درین زمان متعارف است تواند بود که افضل باشد **فصل
دوم در آداب حالت احتضار** مرویست از اهل بیت طاهرین که در حالت
احتضار میت را کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه طاهرین تلقین کنید
که اگر بت پرستی این اقرار کند آتش دوزخ طمع نکند و از هلاک نجات
یابد و هر کس آخر کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بهشت باشد و نیز
این دعا را تلقین کنند و مکرر بگویند که گناهانش آمرزیده شود
یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر
واعف عني الكثير انك انت العفو الغفور و مرویست که اگر



یس در پیش بیمار بخوانند بعد هر حرف از آن ده ملک نازل شوند که برایش استغفار
کنند و تشییع جنازه اش نمایند و بر وی نماز گزارند و چون حالش متغیر شود بیش
از آنکه قبض روحش شود رو بقبله اش بخوابانند چنانکه کف پا بقبله باشد
که چون چنین کنند خدای تعالی برحمت متوجه او شود و ملائکه متوجه شوند تا آنکه
قبض روحش شود و اگر نزع روح دشوار باشد بر جای نمازش که در آن نماز
بسیار میگزارده بخوابانند زود خلاص شود و نیز مرویست که در این حالت
پیش هیچکس سوره والصافات نخوانند مگر آنکه زود نجات یابد و در وقت
احتضار جنب و حائض حاضر نباشند که ملائکه متاذی شوند و چون قبض
روحش شود دستهایش را دراز کنند و دهنش را ببندند و چشمش را بپوشند
و در وقت چشم پوشیدن بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِفُلانٍ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ
فِی الْمَهْدِیِّینَ وَاخْلُفْهُ فِی عَقِبِهِ فِی الْغَابِرِینَ وَاغْفِرْ لَنَا
وَلَهُ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ و باز ماندگانش بگویند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی وَلَهُ
وَعَقِّبْنِی مِنْهُ عُقْبَی حَسَنَةً و میت را تنها نگذارند که شیطان
در وی تصرف کند **فصل سوم در تجهیز میت** مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که اکرام میت آنست که زود دفنش کنند و انتظار طلوع و غروب آفتاب نکشند

وهرکس

و هر کس مومنی را غسل دهد در آن وقت بگوید اَللّٰهُمَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِکَ
الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَیْنَهُمَا فَعَفْوَکَ
فَعَفْوَکَ یکساله گناهش غیر کبائر آمرزیده شود و اگر خواهد همین بگوید
عفوک عفوک خدای تعالی از و عفو فرماید و نیز مرویست که هر کس مؤمنی را
غسل دهد و عیوبی که از و بیند پنهان دارد و بکسی نگوید از گناه پاک شود
چنانکه از مادر متولد شده و بهر موئی از و ثواب عتق رقبه یابد و صد درجه
برایش بلند شود و اگر عیوبش را پنهان ندارد اجرش باطل شود و
عیوبش در دنیا و آخرت رسوا شود و هر کس مومنی را کفن کند چنانست
که تا روز قیامت او را کسوه داده باشد و هر کس قبر برای مؤمنی
بکند چنانست که تا روز قیامت او را خانه مناسبی داده باشد و
خدای تعالی جسدش را بر آتش حرام کند و خانه در بهشت عطای فرماید
و کفن هر چند قیمتی تر باشد افضل است و اگر کسی در حیوة خود تهیه
کفن برای خود کند هر مرتبه که نظر بر آن کند اجر یابد و دو جریده
از چوبی تر با میت گذارند اگر نخل خرما باشد افضل است و اگر نه چوب انار
و اگر نه هر چوب که باشد و مرویست که تا رطوبت در جریده باقی است

عذاب وحساب از میت دفع شود و نیز مرویست که عذاب وحساب همه یکساعة
باشد که میت داخل قبر شود و مردم متفرق کردند پس چون جریده با میت
باشد از عذاب بالکلیه ایمن باشد **فصل چهارم در شنیدن خبر وفات**
و دیدن جنازه و تشییع و تربیع آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون
خبر وفات کسی بشنود بکوید اِنّا لِلّٰهِ واِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ اَللّٰهُمَّ اکْتُبْهُ
فِی الْمُحْسِنِینَ وَاجْعَلْ کِتابَهُ فِی عِلِّیِّینَ وَاخْلُفْ عَلی عَقِبِهِ
فِی الْغابِرِینَ اَللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْنا اَجْرَهُ وَلا تَفْتِنّا بَعْدَهُ وَاغْفِرْ لَنا
وَلَهُ و چون جنازه بیند بکوید اَللّٰهُ اَکْبَرُ هذا ما وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ
رَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنا اِیماناً وَتَسْلِیماً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبادَ بِالْمَوْتِ پس فرشته در آسمان
نماند مکر که از آواز او بکرید و ایضا چون جنازه بیند بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
لَمْ یَجْعَلْنِی مِنَ السَّوادِ الْمُخْتَرَمِ و هر کس جنازه را از چهار جانب
بکیرد چهل کبیره از او آمرزیده شود و در روایتی دیکر آمده که هر کس یکپایه
جنازه را بکیرد بیست و پنج کبیره آمرزیده شود و اکر هر چهار طرف را
بکیرد از کناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و در وقت کرفتن بکوید

بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ
وَالْمُؤْمِناتِ و اول جانب چپ تابوت را با دوش راست خود بکیرد و همچنین
ترتیب از پیش تابوت برود تا جانب راست تابوت را با دوش چپ بکیرد
و چون میت داخل قبر شود ملکی ندا کند که اول تحفه تو بهشت است و اول تحفه
جمعی که با جنازه تو آمده اند مغفرت کناهان شان و هر کس تشییع جنازه کند
چهار قیراط ثواب برایش نویسند یکی برای رفاقت و یکی برای نماز
و یکی برای انتظار تا وقت فارغ شدن و یکی برای تعزیه و در روایت دیکر آمده
که هر کس تشییع جنازه کند و صبر کند تا دفن کنند و خاک بر او ریزند بهر کامی
که آمده باشد یک قیراط ثواب نویسند و هر قیراط مثل کوه احد باشد و هفتاد
ملک بر او موکل شوند که تشییعش کنند و برایش استغفار نمایند تا روز قیامت
فصل پنجم در نماز میت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس بر میتی نماز کزارد
جبرئیل علیه السلام با هفتاد هزار فرشته بر او نماز کزارند و کناه کذشته اش
آمرزیده شود و طریقه آن چنانست که پنج تکبیر بکوید میان هر دو تکبیر شهادتین بکوید
و صلوة بفرستد و برای میت دعا کند و ظاهر اینست که خصوص عبارتی واجب نیست
بلکه بهر عبارت که باشد مجزیست و افضل اینست که اکر مومن باشد میان هر دو تکبیر

چنین بگوید اَشهَدُ اَن لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ
وَرَسُولُهُ اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ اَلحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمِینَ رَبِّ
المَوتِ وَالحَیوةِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهلِ بَیتِهِ جَزَی اللهُ مُحَمَّداً عَنّا
خَیرَ الجَزاءِ بِما صَنَعَ بِاُمَّتِهِ وَبِما بَلَّغَ مِن رِسالاتِ رَبِّهِ اَللّٰهُمَّ
عَبدُکَ ابنُ عَبدِکَ ابنُ اَمَتِکَ ناصِیَتُهُ بِیَدِکَ خَلا عَنِ الدُّنیا
وَاحتاجَ اِلی رَحمَتِکَ وَاَنتَ غَنِیٌّ عَن عَذابِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعلَمُ مِنهُ
اِلّا خَیراً وَاَنتَ اَعلَمُ اَللّٰهُمَّ اِن کانَ مُحسِناً فَزِد فی اِحسانِهِ
وَتَقَبَّل مِنهُ وَاِن کانَ مُسِیئاً فَاغفِر لَهُ ذَنبَهُ وَارحَمهُ وَتَجاوَز
عَنهُ بِرَحمَتِکَ اَللّٰهُمَّ اَلحِقهُ بِنَبِیِّکَ وَثَبِّتهُ بِالقَولِ الثّابِتِ فِی
الحَیوةِ الدُّنیا وَفِی الآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اسلُک بِنا وَبِهِ سَبِیلَ الهُدی
وَاهدِنا وَاِیّاهُ صِراطَکَ المُستَقِیمَ عَفوَکَ عَفوَکَ مرویست که
چون چهل کس بر میت نماز گزارند و بگویند اَللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعلَمُ مِنهُ
اِلّا خَیراً خدای تعالی فرماید شهادت شما را قبول کردم و گناهان او را که
من میدانم و شما نمیدانید آمرزیدم و اگر میت مستضعف باشد بعد از
شهادتین صلوة بفرستند و برای مومنان دعا کند و بعد از آن بگوید

اَللّٰهُمَّ اغفِر لِلَّذِینَ تابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِیلَکَ وَقِهِم عَذابَ الجَحِیمِ
و اگر مجهول باشد یعنی مذهبش معلوم نباشد بعد از دعای مومنان بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ النَّفسَ اَنتَ اَحیَیتَها وَاَنتَ اَمَتَّها اَللّٰهُمَّ
وَلِّها ما تَوَلَّت وَاحشُرها مَعَ مَن اَحَبَّت و اگر طفل باشد بگوید
اَللّٰهُمَّ اجعَلهُ لِاَبَوَیهِ وَلَنا سَلَفاً وَفَرَطاً وَاَجراً و بر طفل
پیشتر از شش سال نماز نباید گزارد و چون شش سال تمام شود مستحب است
و چون بالغ شود واجب شود و اگر مخالف مذهب باشد بگوید اَللّٰهُمَّ
اِملَأ جَوفَهُ ناراً... عَبدِکَ اَلفَ لَعنَةٍ مُؤتَلِفَةٍ غَیرَ مُختَلِفَةٍ اَللّٰهُمَّ اَخزِ
عَبدَکَ فی عِبادِکَ وَبِلادِکَ وَاَصلِهِ حَرَّ نارِکَ وَاَذِقهُ اَشَدَّ
عَذابِکَ فَاِنَّهُ کانَ یُوالی اَعداءَکَ وَیُعادی اَولِیاءَکَ وَیُبغِضُ
اَهلَ بَیتِ نَبِیِّکَ و درین نماز اکتفا بچهار تکبیر باید نمود چنانکه حضرت پیغمبر صلعم در نماز
بر منافقان چنین میکرده **فصل ششم در مکان قبر و آداب دفن** مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که اموات خود را از اماکن بد دور کنید و مکان شریف برای قبر اختیار کنید
که همسایه خوب چنانکه در زندگی نفع میرساند بعد از آن نیز نفع میرساند و مرویست
که میت را یکمرتبه بشتاب داخل قبر مکنید بلکه دو سه ذراع دورتر از قبر ساعتی

بگذارید که تهیهٔ جواب سوال بگیرد وکسیکه درون قبر میرود و پدر میت و نامحرم
نباشند و سر و پا برهنه کند و بندهای جامه بگشاید و میت را اگر مرد باشد
از جانب پای قبر داخل کنند وکسیکه داخل قبر میشود وقت داخل
شدن بگوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله
علیه وآله وچون میت را بگیرد بگوید بسم الله وبالله وعلی
ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم الی رحمتك
لا الی عذابك اللهم افسح له فی قبره ولقنه حجته وثبته
بالقول الثابت وقنا واياه عذاب القبر پس استعاذه کند
والحمد وقل هو الله ومعوذتین وآیة الکرسی بخواند وچون در قبر بگذارد بگوید
بسم الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه
وآله اللهم یا رب عبدك وابن عبدك نزل بك وانت
خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه
وان کان مسیئا فتجاوز عنه والحقه بنبیه محمد صلواتك
علیه وآله وصالح شیعته واهدنا وایاه الی صراط
مستقیم اللهم عفوك عفوك اللهم اجعلها روضة من



ریاض الجنة ولا تجعلها حفرة من حفر النیران ومکرر برای میت
استغفار کند ومیت را رو بقبله بر پهلوی راست بخواباند وبند کفن از سر وپا
بگشاید وروی راستش را برهنه کرده بر خاک گذارد وقدری تربت مقدس
با او بگذارد وبعد از آن دست چپ بر بازوی چپ میت گذاشته حرکت شدید
دهد وبگوید ای فلانی چون از تو سوال کنند بگوی الله ربی ومحمد نبیی
والاسلام دینی والقرآن کتابی وعلی امامی والحسن والحسین
وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجة
القائم ائمتی ویکمرتبه دیگر همین را اعاده کند وبعد از آن بگوید دانستی
او بزبان روح خواهد گفت بلی پس بگوید ثبتك الله بالقول
الثابت وهداك الی صراط مستقیم عرف الله بینك
وبین اولیائك فی مستقر من رحمته وبعد از آن بگوید اللهم
جاف الارض عن جنبیه واصعد بروحه الیك ولقه
منك برهانا اللهم عفوك عفوك ودر وقت خشت چیدن
بگوید اللهم صل وحدته وآنس وحشته واسکن
الیه من رحمتك رحمة تغنیه بها عن رحمة من سواك

وچون خواهد بیرون آید بگوید اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ وَالحَمدُ
لِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ اَللّهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِی اَعْلَی عِلِّیِّینَ
وَاخْلُفْ عَلی عَقِبِهِ فِی الغابِرِینَ یا رَبَّ العالَمِینَ و از طرف
پائین قبر بیرون آید و چون خاک بر قبر ریزند هر کس قدری خاک در دست
گرفته بگوید ایماناً بِكَ وَتَصْدِیقاً بِبَعْثِكَ هذا ما وَعَدَنا
اللّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وبعد از آن بریزد به هر ذره
از آن حسنه برایش نویسند و مستحب است سه مرتبه و باید پشت دست ریختن وچون
خاک نریزند که موجب قساوت قلب شود وغیر آن خاک که از قبر بیرون آمده
داخل نکنند که بر میت سنگین شود و قبر را بقدر چهار انگشت از زمین بلند گردانند
و مربع بسازند و آب بر رو بریزند ابتدا از پیش سر از جانب قبله کند و از پیش
رو بگرداند تا از زیر پا بدور بگردد و بعد از آن بر میان قبر ریزد که تا نمی از آن
باقی باشد از عذاب قبر ایمن باشد و بعد از آن دست بر قبر گذارد چنانکه انگشتان
گشوده باشد و در خاک فرو برند و بگوید اللّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَارْحَمْ
غُرْبَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ
رَحْمَةً یَسْتَغْنِی بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كانَ یَتَوَلّاهُ

وحضرت امام جعفر صادق ع فرموده چه شود اگر اهل میت ملاقات منکر و نکیر را از میت
خود دفع کنند کسی پرسید چون کنند فرمود بعد از دفن که مردم همه متفرق
شوند کسی که اولی بمیت باشد دهن پیش سر میت برده به آواز بلند بگوید که
یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ هَلْ اَنْتَ عَلَی العَهْدِ الَّذِی فارَقْتَنا عَلَیْهِ
مِنْ دارِ الدُّنْیا شَهادَةَ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیكَ لَهُ
وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ سَیِّدُ النَّبِیِّینَ وَاَنَّ عَلِیّاً اَمِیرُ
المُؤْمِنِینَ وَسَیِّدُ الوَصِیِّینَ وَاَنَّ ما جاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ حَقٌّ وَاَنَّ المَوْتَ حَقٌّ وَاَنَّ البَعْثَ حَقٌّ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ
لا رَیْبَ فِیها وَاَنَّ اللّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی القُبُورِ که چون این بگوید منکر با نکیر
گوید بیا برویم که تلقینش کرده شده

فصل هفتم در ثواب و آداب مصیبت و عزا

روایت از اهل بیت طاهرین ع که چون کسی را مصیبتی رسد باید مصیبت
رحلت حضرت پیغمبر را یاد آرد که عظیم‌ترین مصیبتهاست و صبر کند و استرجاع
کند یعنی بگوید اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ و حمد خدا کند که چون چنین کند
رضا بقضای خدا داده و ثوابش بر خدا باشد و اگر صبر نکند قضا خود
گذشته باشد و اجرش باطل شود و در پیش خدا مذموم بوده و هر کس که

در بلا و مصیبت صبر کند خدای تعالی سیصد درجه برایش بلند کرداند که
میان هر دو درجه مثل ما بین آسمان و زمین باشد و چون صبر کند و انا
لله و انا الیه راجعون گوید خدای تعالی فرماید صلوات و رحمت برو
فرستم و از زمرهٔ هدایت یافتگان شمارم و گناهش را همه بیامرزم غیر
از کبائر و اگر این عبارت را نیز اضافه کند اللهم اجرنی علی
مصیبتی واخلف لی خیرا منها خدای تعالی بهتر از ان عطا فرماید
و هر مرتبه که مصیبتی بیاد آید اگرچه بعد از مدتی باشد بگوید انا لله
و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی
واخلف علی افضل منها همان اجر اول مصیبت داشته باشد و از
مرتبه که بیشتر ازین گفته باشد تا حال همه گناهانش آمرزیده شود و مرویست
که چون فرزند کسی بمیرد خدای تعالی از ملائکه پرسد که از بندهٔ من فرزند دلبندش را
گرفتید گویند بلی فرماید چه گفت گویند استرجاع و حمد کرد فرماید که در بهشت
خانه از برایش بنا کنید و خانه حمد نام کنید و نیز مرویست که یک فرزند کسیکه
بیشتر از و برود بهتر است برای او از هفتاد پسر که بمانند و همه ما در راه خدا
جهاد کنند و نیز مرویست که خدای تعالی کریمتر از انست که فرزند مومنی را از و بگیرد

و بعد از ان هرگز او را عذاب کند و اطفال که پیشتر بروند والدین را از
دوزخ دور کنند و دست ایشان گرفته داخل بهشت کنند
کسی پرسید که اگر کسی را فرزند نباشد ازین فضل محروم خواهد بود
فرمود برادران مومن همه بجای فرزند یکدیگرند و مرویست که اگر
مردی در مصیبت دست بر زانو زند یا کسی هنگامه نوحه ساز کند
اجرش باطل شود **فصل هشتم در ثواب و آداب تعزیه و اکرام یتیم** مرویست
از اهل بیت طاهرین ع که کسی را تعزیه کردن و تسلی دادن مورث
بهشتست و هر کس صاحب مصیبتی را تعزیه کند مثل اجر او یابد بی انکه از و
چیزی کم شود و هر کس زنی مصیبت رسیده را تعزیه کند خدای تعالی
او را در سایهٔ عرش خود پناه دهد روزی که هیچکس را پناهی نباشد
و هر کس محزونی را تسلی دهد روز قیامت او را حلهٔ از بهشت
بپوشانند با زینت و بهجت تمام و مرویست که مردی پسرش وفات
کرده بود جزع و بی تابی میکرد حضرت صادق ع بتعزیهٔ او رفته
فرمود خود را بمصیبت رسول الله صلی الله تسلی ده که اعظم مصایبست
گفت پسرم پر لهو و معاصی بود جزع من ازینجهت است فرمود پسرت سه خیر در پیش

دارد و شهادت لا اله الا الله و رحمت بی نهایت خدا و شفاعت رسول الله
یکی ازین سه ان شاء الله ازو فوت نخواهد شد و مرویست که هر کس
متکفل احوال یتیمی شود آنقدر که او را مستغنی گرداند بهشت او را
واجب شود و هر کس از روی ترحم دست بر سر یتیمی بمالد بعدد هر موئی
از آن برایش حسنه نوشته شود و در روز قیامت بعدد هر یک از آن مو
نوری عطا فرماید و چون یتیم گریه کند عرش بر خود بلرزد پس خدای تعالی
فرماید که کیست که این بنده مرا که در کوچکی پدر و مادرش را ازو گرفته ام میگریاند
بعزت و جلال و ارتفاع مکانم که هر مومن که او را تسلی دهد بهشت برای او
واجب گردانم

فصل نهم در هدیه برای میت و اعمالی که باو نفع میرساند

مرویست از اهل بیت طاهرین که هیچ شب بر میت سختتر از شب اول نمیشود پس در شب
اول بر میت بصدقه رحم کنید و اگر مقدور نشود دو رکعت نماز گزارید در رکعت
اول بعد از الحمد آیة الکرسی یکمرتبه و در دوم انا انزلناه ده مرتبه بخواند و بعد از
سلام بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابهما الی قبر
فلان که همان ساعت خدای تعالی هزار ملک بقبر او فرستد هر کدام با حله از
بهشت و قبرش را وسیع گرداند تا روز قیامت و برای کسیکه این نماز را گزارده

چهل درجه بلند کند و بعدد هر چه آفتاب بر و تابیده حسنات عطا فرماید
و هر کس بقصد میت تصدقی کند خدای تعالی امر فرماید که هزار ملک هر یک
طبقی از نور در دست بقبر او درآیند و بر و سلام کنند و گویند این
هدیه فلانیست که برای تو فرستاده و آنکس را در بهشت هزار شهر و هزار
حوری و هزار حله عطا فرماید و هزار حاجتش را برآورد و هر کس برای میت
عملی خیر نماید مثل نماز و روزه و حج و طواف و زیارت و صدقه و دعا
و عتق رقبه و تلاوت قرآن و غیر آن هدیه کند هر وقت باشد خدای تعالی
اجر او را ده برابر یا بیشتر مضاعف گرداند و میت را از آن نفع
رساند و عذابش تخفیف دهد اگر چه کافر باشد و گاه باشد که میت
در تنگنای عذابی باشد که خدای تعالی او را از آن نجات دهد باو گویند این
نجات بسبب هدیه فلانی است و میت از هدیه و دعا و استغفاری که برایش کنند
خوشحال شود و چند کس را بلکه همه مومنان را در یک نماز یا حج یا غیر آن شریک
توان کرد و بهر کدام ثواب آن عمل علیحده رسد و میت خود هر عملی خیر که در ایام
حیوة کرده باشد مثل تصنیفی و صدقه و کتابت مصحفی یا کتابی یا درختی نشانده یا چاه
آبی بکند یا کسی را تعلیم خیری نماید یا دلالت بخیری یا غیر آن از اعمال خیر کند تا اثری از آن

باقی باشد نفعش باو برسد و هر کس تعلیم و دلالت او عمل کند مثل آن ثواب
برای او ثبت باشد بی آنکه از صاحب عمل چیزی کم شود و نیز مرویست که
از جملهٔ حقوق مومن اینست که بعد از موت ذکرش بخیر کنند و عیوب
و سیئاتش را پوشیده دارند و نیز مرویست که اول صحیفهٔ مومن همانست
که بعد از موت بر آنش گویند اگر خیرست خیر و اگر شرست شر والله اعلم

فصل دهم در زیارت قبور مرویست از اهل بیت طاهرین عم که بزیارت قبور
بروید که باعث رقت قلب و اشک چشم و یاد آخرتست و چون کسی بزیارت
قبور رود اهل قبور خبردار شوند و باو انس گیرند و شکفته و مسرور شوند چنانکه
در زندگی بدیدنش و چون از آنجا برود ایشان از رفتن او وحشت رو دهد
و مفارقت او کنند و هر کس زیارت قبر والدین یا یکی از ایشان در روز
جمعه کند ثواب حج مقبول بر آنش نویسند و بعد از زیارت و دعای والدین
حاجتی که داشته باشد بخواهد که ان شاء الله مستجاب شود و چون خواهد بر اهل
مقابر سلام کند بگوید السَّلامُ علی اهلِ الدِّیارِ مِنَ المؤمنینَ
والمسلمینَ رَحِمَ اللهُ المتقدِّمینَ والمتأخِّرینَ وانّا ان شاء الله
بکم لاحقونَ و چون ایشان را دعا کند بگوید اللّهمَّ جافِ الارضَ عن جنوبِهم

وصاعِد الیك ارواحَهم ولقِّهم منك رضواناً واسکن الیهم من رحمتك
ما تصل به وحدتهم وتونس به وحشتهم انّك علی کلّ شیءٍ قدیرٌ و اگر
خواهد بگوید اللّهمّ ارحم غربتهم وصِل وحدتهم وآنِس وحشتهم
وآمِن روعتهم واسکن الیهم من رحمتك ما یستغنون بها عن
رحمةِ من سواك والحِقهم بمن کانوا یتولّونه و نیز مرویست که هر کس
بر اهل مقابر چنین سلام کند السّلام علی اهلِ لا اله الّا الله من اهلِ
لا اله الّا الله یا اهلَ لا اله الّا الله کیف وجدتم قولَ لا اله
نحن نقول لا اله الّا الله یا لا اله الّا الله من لا اله الّا الله
بحقّ لا اله الّا الله اغفِر لمن قال لا اله الّا الله واحشُرنا فی زمرة
من قال لا اله الّا الله محمّدٌ رسولُ الله و هر کس داخل مقبره شود بگوید
اللّهمّ ربَّ هذه الارواحِ الفانیةِ والاجسادِ البالیةِ و
العظامِ النخرةِ التی خرجت من الدنیا وهی بك مؤمنةٌ ادخِل
علیهم رَوحاً منك وسلاماً منّی بعدد هر کس از زمان آدم تا روز
قیامت بر آنش حسنات نویسند و هر کس در مقبره یک آیه از قرآن بخواند
خدای تعالی ثواب هفتاد نبی باو عطا فرماید و هر کس برای اموات از خدا

طلب رحمت کند از آتش نجات یابد و خندان داخل بهشت شود و اگر
در مقبرهٔ سورهٔ یس بخواند بعد د اهل آن مقبره برایشان حسنات نویسند
و عذاب از آن مقبره تخفیف دهند و اگر آیة الکرسی بخواند و ثوابش را
با اهل قبور هدیه کند بعدد هر حرف از آن ملکی برای او تسبیح کند
تا روز قیامت و اگر یازده مرتبه قل هو الله بخواند و ثوابش را باهل
مقبره هدیه کند بعدد ایشان ثواب و حسنات یابد و اگر دست بر قبری
گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه بخواند از فزع اکبر قیامت ایمن باشد
و او و صاحب قبر هر دو آمرزیده شوند و خدای تعالی ملکی را فرستد
که در پیش آن قبر عبادت کند و ثوابش برای صاحب قبر نوشته
شود و چون از قبر بیرون آید بر هیچ خوف و هولی نگذرد مگر آنکه
خدای تعالی آن را از او دفع کند تا آنکه داخل بهشت شود و مرویست
از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود اگر کسی بر سر اخگر آتش بنشیند و جامه‌اش
بسوزد تا آتش به بدنش رسد دوست تر دارم که بر سر قبری نشیند
اما بر قبور راه رفتن و پا گذاشتن قصوری ندارد و مرویست که چون
داخل مقبره شوید بر قبور پا بگذارید که اگر صاحب قبر مومن باشد

راحت یابد و گر نه الم یابد اما ظاهر اینست که قبور اکابر و والدین و علما را رعایت
ادب باید نمود و مرویست که حرمت مومن بعد از مردن مثل حرمت او ست در
زندگی **خاتمه در مواعظ و نصایح و فوائد متفرقه** مرویست که از حضرت صادق ع
فرمود حضرت پیغمبر صلعم در شب معراج از جناب الهی سوال نمود که خدایا کدام عمل در
پیش تو افضل است فرمود **یا احمد** هیچ چیز پیش من افضل از توکل و رضا
بقسمت من نیست **یا احمد** واجب است محبت من جمعی را که در طاعت من باهم دوستی
کنند و در معصیت من از هم دوری نمایند و بر من توکل کنند محبت من علت
و غایت و نهایت ندارد و برای دوستان خود هر علم عزت و قرب که در
پیش خود بلند کنم علمی بازاء آن در پیش خلق بر پا کردانم ایشانند جمعی که
حاجات خود را بمخلوقین نبرند بطون شان از حلال خفیف است و لذت
و نعیم شان در دنیا ذکر و محبت و رضای من **یا احمد** اگر خواهی اورع ناس
باشی در دنیا زاهد و با آخرت راغب باش گفت خدایا در دنیا چون زاهد
و با آخرت چون راغب باشم فرمود خود را از طعام و شراب و لباس دنیا
سبکبار دار و دل در جمع و ذخیرهٔ دنیا مدار و از ذکر و یاد من غافل مباش
گفت دوام ذکر ترا چون تحصیل کنم فرمود بخلوت از ناس و بغض ترش و شیرین دنیا

و فراغ شکم و خانه از مشاغل دنیا یا احمد بپرهیز از آنکه مانند اطفال هر سرخ و زرد
که بینی میل کنی و هر ترش و شیرین که بیابی فریفته شوی گفت خدایا بعملی دلالت
فرما تا بتو نزدیک شوم فرمود شبت را بنماز بیدار دار و روزت را بجوع بسر آر
یا احمد بعزت و جلال خودم که هیچکس برای من ضامن چهار چیز نشود مگر آنکه از اهل
بهشتش گردانم زبانش را از بیفائده و دلش را از خیالهای باطل ببندد
و بداند که من احوال او را می بینم و میدانم و روشنی چشمش بجوع باشد اگر
لذت و حلاوت گرسنگی و خاموشی و خلوت و نتیجه آنرا دریابی هیچ
چیز بر آن اختیار نکنی گفت نتیجه اینها چیست فرمود حکمت و معرفت و حفظ
دل از خیالهای باطل و نزدیکی خدا و زهد در دنیا و حزن دایم و خفت
مؤنت و کلام حق یا احمد میدانی چه وقت بنده بمن نزدیک شود گفت نه
فرمود وقتیکه گرسنه باشد یا در سجده باشد یا احمد عجب دارم از کسیکه ۱
در نماز میداند که در پیش که ایستاده و با که در مناجاتست و با این حال
خواب آلوده می باشد ۲ و کسیکه قوت یکروزه دارد و فکر فردا میکند و کسیکه ۳
نمیداند که من از او راضیم یا نه و خنده می کند یا احمد در بهشت قصریست از
لؤلؤ که هیچ مفصلی ندارد خواص بندگان من در آن باشند هر روز هفتاد

مرتبه بر ایشان نظر کنم و تکلم نمایم و در هر نظر هفتاد برابر پادشاهی قرب ایشانرا
بیفزایم و وقتیکه اهل جنت بطعام و شراب ملتذ و متنعم باشند ایشان
محو لذت ذکر و همزبانی من باشند گفت ایشان کیانند فرمود آنانند که
زبان از فضول کلام و شکم از فضول طعام بسته اند یا احمد محبت با خدا محبت
با فقر است و نزدیکی با ایشان گفت فقرا کیانند فرمود آنانکه از دنیا بقلیل
راضی باشند در نعمت شکور و در شدت صبور باشند و با کسی شکایت
نکنند و دروغ نگویند و بدنیا فرحناک و بفقدان غمناک نشوند یا احمد
دوستی با من دوستی با فقر است اگر خواهی بمن نزدیک شوی ایشانرا نزدیک
گردان و اگر خواهی از من دور باشی ایشانرا از خود دور کن که ایشان دوستان
منند یا احمد خود را بلباسهای نازک و طعامهای لذیذ و بساطهای نرم میارای
که نفس ماوای هر شر و رفیق هر سوء است اگر تن بطاعت میخوانی ترا بمعصیت
میخواند در طاعت مخالفت و در معصیت موافقت می کند اگر گرسنه شود شکوه
کند و اگر سیر گردد سرکشی از سر گیرد و اگر فقیر شود غضبناک شود و اگر
مستغنی گردد متکبر شود و اگر از حوادث ایمن گردد از خدا غافل شود نفس
قرین شیطانست نفس مثل شتر مرغست بسیار میخورد و بار بر نمیدارد و مثل

دفلی است و دفلی گیاهیست که بفارسی خرزهره گویند گلش بگل سرخ
شبیه است و زهر قاتل است رنگش خوش آینده و طعمش تلخست یا احمد
دنیا و اهل دنیا را دشمن و آخرت و اهل آخرت را دوست دار گفت خدایا
ایشان کیستند فرمود اهل دنیا کسیکه غضب و خوردن و خنده و خفتنش
بسیار باشد و بقسمت خود راضی نشود و چون با کسی بد کند عذرخواهی نکند
و چون کسی ازو عذر خواهد قبول نکند و در طاعت کاهل و ناتوان و در معصیت
دلیر و توانا املش طویل و اجلش قریب محاسبهٔ نفس خود نکنند و نبینند
که چه میکنند قلیل العلم کثیر الکلام بر عاقبت خود نترسند و از حال خود
نیندیشند در نعمت شکور و نه در مصیبت صبور باشند خود را ناکرده
ستایند و کاری که ندارند دعوی کنند و عیوب ناس گویند یا احمد عیب
اهل دنیا بسیار است اهل جهالت و حماقت و صاحب تکبر و ضلالت
در پیش مردم عقلا و در پیش عارفین جهلا یا احمد اهل آخرت روی شان
تنک و حیای شان بسیار حمق و مکر شان قلیل و خیر و نفع شان کثیر
مردم از ایشان در راحت و ایشان از خود در تعب کلام شان سنجیده
و با عقل و همیشه در محاسبهٔ نفس چشم شان در خواب و دل شان بیدار

وچشم

چشم شان گریان و دل شان بذکر خدا در کار وقتیکه مردم را از غافلان
نویسند ایشانرا از ذاکران نویسند در اول نعمت حمد شیوه و در آخر
شکر پیشه دعا شان مستجاب و در پیش خدا مرفوع و کلام شان محبوب و مسموع
و ملائکه با ایشان خشنود و مانع ذکر خدا از ایشان مفقود علمای اهل طاعت
پیروی کنند و جهال را بمرحمت هدایت نمایند موت هر کس یکمرتبه باشد
و ایشان از شدت مجاهدهٔ نفس و مخالفت هوا و هوس روزی هفتاد
مرتبه بمیرند از ضعف و ناتوانی بهر بادی بلرزند و در وقت عبادت چون
ستون محکم بایستند و دل شان خالی از هر شغلی غیر خدا بعزت و جلال
خودم که چون روحش مفارقت کند زندگی خوشی زنده اش گردانم
و ملک الموت را برو مسلط نکنم بلکه خود متولی قبض روحش شوم و درهای
آسمانرا برای روحش بگشایم و حجابها از پیش خود و او بردارم و بهشتها را
امر فرمایم تا زینت کنند و حور العین را مهیا تا تماشا کنند و ملائکه را تا
بر ایشان صلواة فرستند و درختانرا تا بیارند و میوهارا تا خود را
بیاویزند و بادی از بادهای زیر عرش امر فرمایم که کوهای مشک و کافور
برای او بی آتش بخور کنند و در میان من و آن روح هیچ پرده و مانعی

باشند واز روی ملاطفت واکرام ورحمت ورضوان پیش خود خوانم ای
کاش ببینی که ملائکه چون او را دست بدست میکردانند یا احمد اهل آخرت را
طعام کوارا نباشد تا خدای خود را شناخته اند واز مصیبت محزون
نشوند تا سیئات خود را دانسته اند وهمیشه بر کناه خود کریان باشند
واز عبادت فرصت استراحت نیابند وایشان را در دنیا راحتی نبود
وچون بمیرند براحت رسند مونس ایشان اشک چشم شانست که
در شبها بروی شان روان شود وهمنشینان ملائکه باشند
وهمرازان شان خدای بزرک شان دلشان در سینه از غایت حزن
والم مجروح همیشه مشتاق آخرت یا احمد میدانی که زاهدان
در پیش من چه رتبه دارند کفت نه فرمود روز قیامت که خلایق
همه کرفتار حساب باشند ایشان از آن ایمن باشند وکمترین عطیه
که بایشان عطا کنم اینست که کلیدهای بهشت همه را بایشان دهم
تا از هر در که خواهند درون روند وایشان را در مقام خوشی
در پیش خود بنشانم وانواع لذت از مکالمه خود بایشان عطا کنم
وچهار در بر ایشان بکشایم یکی آنکه هدیه کرامات وعطایا از پیش

من بر ایشان داخل شود ودیکر آنکه هر وقت خواهند بی مشقت وتعب
تماشای من کنند ودیکر آنکه حور العین وخدام بر ایشان داخل شوند کفت
خدایا این زاهدان کیانند فرمود آنانکه دل نبسته اند بخانه که از
خرابیش غمکین شوند ونه بعزیزی که از موتش محزون کردند ونه بمالی که
از رفتنش مهموم ونه با کسی آشنایند که یک لحظه ایشان را مانع شود از خدا
ونه زیاده قوتی دارند که از ایشان سوال کنند ونه جامهٔ نازک فاخری دارند
یا احمد روی زاهدان زرد است از تعب عبادت شب وروزهٔ روز وزبان
شان کند است مکر در ذکر خدا ودلهای شان در سینه از کثرت مخالفت
آرزوها پاره پاره وبدن شان از کثرت مجاهده زار ونزار ودر کمال
سعی در عبادت بی آرام وبی قرار لیکن نه از شوق جنت ونه از خوف نار بلکه
چون خدا را شناخته واهل عبادت یافته سزاوار عبادت کشته اند کفت خدایا
از امت من کسی این مرتبه عطا فرموده فرمود یا احمد این درجهٔ اولیا وصدیقین است
از امت تو وغیر امت تو کفت خدایا زهاد کدام امت بیشترند فرمود زهاد بنی اسرائیل
که در میان زهاد امت تو مثل یک موی سیاهست در کاو سفید حضرت پیغمبر ص فرمود بعد از آن
خدا را حمد وشکر بسیار نمودم وایشان را دعا کرده کفتم خدایا بر ایشان رحم کن

وایشانرا و دین ایشانرا که بآن راضی گشته حفظ کن و ایشانرا ایمانی عطا نمای که
بعد ازان شک نکنند و ورعی که بعد ازان بدنیا رغبت نمایند و خوفی که بعد ازان
شک نکنند و ورعی که بعد ازان بدنیا رغبت ننمایند و خوفی که بعد ازان غافل نشوند
و علمیکه بعد ازان جهل برداشته باشند و عقلی که بعد ازان از حمق ایمن باشند
و نزدیکی که بعد ازان دوری نه بینند و خشوعی که قساوت در عقبش نباشد
و تذکری که نسیان در پی نبود و عزتی که بعد ازان خواری نه بینند و صبری که
بعد ازان جزع نکنند و حلمیکه بعد ازان بیتاب نشوند و دلشانرا مملو حیا
گردان تا همیشه از تو حیا کنند و ایشانرا با آفات دنیا و آفات نفوس خود
و وساوس شیطان بینا گردان تا از فتنهٔ آن ایمن باشند بعد ازان فرمود
یا احمد از ملازمت ورع غافل مباش که اول و میان و آخر دین همه ورعست
و ورع زینت مومن و عماد دین است و ورع مثل کشتی است چنانکه از دریا
بی کشتی نتوان گذشت همچنین خواهد بی ورع از دنیا نتوان نجات یافت
یا احمد بورع همه درهای توفیق به بنده گشوده شود و بورع در پیش
مردم مکرم و در پیش خدا عزیز و معظم گردد یا احمد خموشی پیشه کن که معمورترین
دلها دل صالحان و خاموشانست و خراب‌ترین دلها دل بیهوده گویانست

یا احمد عبادت ده جزوست نه جزوش طلب حلال است اگر مطعم و مشرب خود را
از حرام پاک کنی در حفظ و پناه من باشی گفت خدایا اول عبادت چیست
فرمود اول عبادت روزه و خموشی است یا احمد میدانی که نتیجهٔ روزه
چیست گفت نه فرمود کم خوری و کم گوئی و نتیجهٔ خموشی حکمت و نتیجهٔ حکمت
معرفت و نتیجهٔ معرفت یقین و چون بنده صاحب یقین شود پروا از سخت
و سست دنیا نکند و چون چنین شود از من و از کردهٔ من راضی باشد
و چون برضای من عمل کند سه صفت باو عطا فرمایم شکری که مخلوط
بجهل نباشد و ذکری که مخلوط بنسیان نبود و محبتی که بر من غیر مرا اختیار نکند
پس چون مرا دوست دارد من او را دوست دارم و خلق را دوستدار او گردانم
و چشم و دلش را بعظمت و جلال خود بگشایم پس علم خواص خلق خود را ازو
پوشیده ندارم و در شب و روز همزبان و همراز او باشم تا اگر صحبت
و مجالستش از غیر من قطع شود و کلام خود و کلام ملائکهٔ خود را باو بشنوانم
و سر خود را که از خلق پنهان داشته‌ام باو بشناسانم و لباس حیا در او پوشانم
تا خلق ازو حیا کنند و گناهانش را بیامرزم و دلش را خزینهٔ اسرار خود کنم و
پرده از احوال بهشت و دوزخ و اهوال روز قیامت برای او بردارم تا همه را

مشاهده کند و قبرش را منور گردانم و شدت موت و ظلمت قبر و لحد و هول
قیامت نبیند و نصب میزان و نشر دیوان بر او آسان کنم بعد از آن گاهی
می افتد و گاهی بر میخیزد تا آنکه از صراط بگذرد و ملک این بندهٔ خود را
بالاتر از همه مملوک گردانم و بهشت و نعیم بهشت را برای او مهیا کنم و عقلش را
مستغرق معرفت خود گردانم و چون ملک الموت بر او نازل شود
گوید خوشت باد که خدای تعالی مشتاق تست ای دوست خدا
درهای آسمان که اعمال تو از آن بالا میرفت و محراب و مصلای تو همه
بر تو گریه میکنند و ملائکه بر سرش ایستاده باشند هر یک جامی از کوثر
و جامی از شراب بهشت در دست چون روحش از بدن بیرون آید
از آن آب و شراب باو دهند تا سکرات و تلخی موت زایل شود و مژده خوشی
دهند پس از دست ملائکه پرواز کند و به پیش خدا رود و دو کمتر از چشم
برهم زدنی و میان او و خدا هیچ حجابی و مانعی نباشد پس در جانب
راست عرش بنشینند پس خدای تعالی از او سوال کند که دنیا را چون گذاشتی
گوید بعزت و جلال تو که از بس خوف تو داشتم از دنیا خبر نداشتم
پس خدای تعالی گوید راست میگوئی اگرچه بدنت در دنیا بود اما روحت

همیشه پیش ما بود و من از ظاهر و باطنت خبر دارم هرچه خواهی سوال کن
تا عطا کنم در جوار من ساکن باش و در جنت من بخرام پس آن روح گوید تو
معرفت خود بمن عطا فرمودی که با آن از همه چیز مستغنی شدم بعزت
و جلال تو که اگر مرا بند از بند جدا میکردند یا هفتاد مرتبه می کشتند
بسخت ترین کشتنی که رضای تو بیش من از همه چیز بهتر بود و من چون خود
مغرور باشم که هر چه دارم از تو دارم اگر تو مرا اکرام نمیکردی ذلیل
می بودم و اگر تو نصرت نمیدادی مغلوب می بودم و اگر تو تقویت
نمینمودی ضعیف می بودم و اگر تو مرا زنده بذکر خود نمیکردی میت
می بودم و اگر تو مرا برحمت نمی پوشیدی اول مرتبه که معصیت میکردم
رسوا می شدم چون رضای تو خواهیم که عقل مرا تمام کردی که ترا شناختم
و حق از باطل دانستم و امر از نهی و علم از جهل و نور از ظلمت تمیز کردم
پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که میان من و تو هیچ
حجاب نباشد تا هر وقت که خواهی پیش من آئی و با دوستان خود چنین
کنم یا احمد میدانی که کدام زندگی گواراتر و کدام حیوة باقی تر است
گفت خدایا نمیدانم فرمود زندگی گوارا آنست که صاحبش از ذکر من بازنده

نشود و نعمت مرا فراموش نکند و از من غافل نگردد و حق مرا بشناسد و شب
و روز طالب رضای من باشد و اما حیوة باقی کسی دارد که طاعت من کند
تا دنیا در نظرش ذلیل شود و آخرت عظیم گردد و خواهش مرا بر خواهش
خود اختیار کند و پیروی رضای من نماید و در جائیکه حق تعظیم منست تعظیم کند
و بداند که من از او غافل نیستم و شب و روز مرا در نظر داشته باشد تا از معصیت
من گریزان باشد و دلش را از صفات ذمیمه و خیالهای باطل پاک کند تا شیطان
در دلش راه نیابد و شیطان را دشمن دارد و داعی عقلش نکند و چون باین طریقه
عمل نماید دلش را از محبت خود لبریز گردانم تا هیچ چیز را بر من اختیار نکند و هر چه
کند و گوید برای من کند و چشم و گوش و دلش بگشایم تا بچشم دل جلال و عظمت
مرا بیند و بگوش دل اسرار از من بشنود و دنیا را برو تنگ گردانم و لذتهای
دنیا را از دلش بیرون کنم و از دنیا و ما فیها او را بترسانم چنانکه شبان گله را
از مهلکها و مواضع گرگ می ترسد و چون چنین شود از مردم گریزان گردد و از دنیای
فانی که خانهٔ شیطانست دل بر دارد و مشتاق آخرت گردد که خانهٔ رحمانست
و بعظمت و هیبت او را زینت کنم اینست زندگی گوارا و حیوة باقی یا احمد کسیکه عقل
ندارد غنی نیست و کسیکه جهل ندارد فقیر نیست یا احمد میدانی که ترا بچه چیز فضل

انبیا کردم گفت نمیدانم فرمود بسبب یقین و حسن خلق و سخاوت و رحم بر خلق
و همچنین مومنانی که دنیا با ایشان محکم است باین صفات این رتبه یافته اند
یا احمد فضل و قوت را برای من کن و بدنت را متواضع گردان تا
هرگز از من غافل نشوی که هر کس از من غافل شود از و پروا نکنم هر جا که
هلاک شود یا احمد عقلت را پیش از آنکه از دست رود کار فرمای که هر کس
عقلش را کار فرماید خطا نکند و بعلمیکه ترا عطا کرده ام عمل نمای تا علم
اولین و آخرین برای تو جمع شود و چون چنین کنی آنقدر معرفت
در دلت اندازم که هیچکس وصف آن نتواند و براه خیر ترا هدایت
کنم و نور عبادتت دهم و عبادت را در چشم و دلت شیرین گردانم
تا هیچ چیز را از آن دوست تر نداری یا احمد اگر خواهی حلاوت ایمان
دریابی گرسنگی را پیشهٔ خود و خموشی را شیوهٔ زبان و خوف را
ملازم دل گردان اگر چنین کنی نجات یابی و گرنه هلاک شوی یا احمد
بعزت و جلال خودم که اول عبادت عابدین و توبهٔ ایشان بمن نیست
مگر بروزه و گرسنگی و خموشی و تنهائی از اهل دنیا و اول معصیت
سیری و بیفائده گوئی و اختلاط اهل دنیا یا احمد چون بنده گرسنگی و خموشی

بیشه کند حکمت او را عطا کنم اگر چه کافر باشد اما کافر باشد آن حکمت برو
حجة باشد و وبال شود پس آنچه نمیدانست بداند و آنچه نمیدید ببیند
اول آنچه بیند عیوب خودش باشد تا بآن مشغول شود و از عیوب مردم
فارغ گردد و دقایق علم و حیلهای شیطان و حیلهای نفس خودش
پیدا کنم تا نفس و شیطان را بر وی راهی نباشد **یا احمد** هیچ عبادتی پیش من بهتر
از گرسنگی و خموشی نیست پس کسیکه روزه گیرد و زبان از بیهوده
نه بندد مثل کسی است که بنماز ایستد و قراءت نکند **یا احمد** میدانی بنده
چه وقت عابد باشد گفت نمیدانم فرمود و قتیکه هفت صفت درو باشد
ورعی که او را از حرام باز دارد و خموشی که از کلام بیفایده باز دارد
و خوفی که روز بروز گریه اش زیاد شود و حیائی که در خلوت
از من حیا کند و کم خوری که بقدر ضرورت خورد و دنیا را دشمن دارد که
آنرا دشمن دارم و خوبانرا دوست دارد که من ایشانرا دوست دارم
یا احمد همین که کسی گوید که من خدا را دوست دارم مرا دوست ندارد تا که
از دنیا بقوتی و جامه سهل راضی شود و عمر خود را در عبادت من گذراند
و خموشی را پیشه کند و توکل بر من کند و گریه بسیار و خنده کم کند و مخالفت

واگر مومن بنده نور و بریان
ونقا و رحمت نشود ده

هوا و هوس کند و مسجد خانه اش باشد و علم مصاحبش و زهد همنشینش
باشد و علما دوستانش و فقرا رفقایش باشند و طالب رضای من
باشد و از غضب من بگریزد و از اهل دنیا و از معاصی بها گریزان باشد
و خود را مشغول ذکر و تسبیح من دارد و در وعده صادق باشد
و بعهد وفا کند و دلش از صفتها و ارادها و فکرهای باطل پاک باشد
و نمازش از شرک و ریا و قصور پاک باشد و در فرائض سعی تمام کند
و راغب بثواب و هارب از عذاب من باشد و رفیق و همنشین دوستان
من باشد **یا احمد** اگر بنده مثل تمام اهل آسمان و زمین روزه گیرد و مثل
ایشان نماز کند و مثل ملائکه یکباره دست از طعام بکشد و مثل عابدین لباسهای
درشت و نیل پوشد و با این همه در دلش بقدر ذره حب دنیا یا حب ریاست
یا نام یا آوازه یا زینت دنیا باشد در جوار من راه نیابد و محبت خود را از دلش
بر دارم و دلش را تاریک کنم تا مرا فراموش کند و حلاوت محبت خود را نچشانم
و اگر بر تو باد سلام و رحمت من و ایضا از حضرت پیغمبر مرویست که خدای تعالی
فرموده ای آدمی زاد تو انصاف نمی آری و شرم نمیداری همیشه من با تو به نعمت
و رحمت و شفقت و دوستی و مهربانی میکنم و تو با من بگناه و معاصی مخالفت و دشمنی

میکنی همیشه خیر و رحمت من بر تو نازل میشود و شر و مخالفت تو پیش من می آید هر شب
در وز فرشته کریم از تو عمل قبیح نزد من می آرد اگر تو وصف خود از کسی
بشنوی و ندانی که ترا می گوید دشمن خود شوی و او در وقت غضب یاد کن تا من ترا
در وقت غضب یاد کنم و هم از آن حضرت روایت که منادی از پیش عرش ندا کند که
ای بنی آدم خدای تعالی شما را سلام میرساند و میگوید من شما را مشتاق خود میکنم
و شما مشتاق من نمیشوید و شما را از خود می ترسانم و نمیترسید شبها را بخواب
و روزها را بغفلت می گذرانید پس این راه دور و دراز را کی طی میکنید و هم
آنحضرت بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود یا علی ترا وصیتی چند میکنم مادام که اورا
محافظت کنی همیشه در خیر باشی یا علی بهترین جهاد آنست که چون صبح برخیزی ظلم
کسی در خاطر نداشته باشی هر کس مردم از زبانش ترسند از اهل دوزخ
باشد بدترین مردم کسی است که از ترس شر و زبانش اکرام کنند یا علی
بدترین مردم کسی است که آخرت را بدنیا فروشد یا علی بهشت حرامست بر
هر فحاش و هرزه گوئی که از هرچه گوید و باو گویند پروا نکند یا علی مزاح
بسیار مکن که قیمت برود و دروغ مگوی که نورت برود و زنهار ملال
و کاهلی بخود راه مده که چون ملال یابی صبر بر حق نکنی و چون کاهل شوی

ادای حق نتوانی یا علی هر گناه را توبه هست مگر سوء خلق را که صاحب سوء
خلق از هر گناه که بتوبه بیرون آید در گناه دیگر افتد بلکه توبه آن برگ
آنست یا علی خدای تعالی بهشت را خشتی از طلا و خشتی از نقره آفرید و دیوارش
از یاقوت و سقفش را از زبرجد و ریگش را از لؤلؤ و خاکش را از زعفران
و مشک اذفر گردانیده بعد از آن فرمود تکلم کن گفت لا اله الا هو الحی
القیوم سعادت یافت هرکس داخل من شد فرمود بعزت و جلال خودم که
داخل تو نشود شرابخوار و سخن چین و دیوث و اعوان ظلمه و مخنث و نباش
و عشار و قاطع رحم یا علی چند کس اند از امت که کافر شده اند سخن چین
و کسیکه جستجوی اسرار مردم کند و دیوث و کسیکه زنی را الجرام بازنی
محرم یا حیوانی را نکاح کند و کسیکه در فتنه سعی کند و کسیکه سلاح
جنگ باهل حرب مسلمین فروشد و مانع زکوة و مستطیع که حج نکرده بمیرد
یا علی سه چیز از مکارم اخلاقست در دنیا و آخرت عفو کردن از
کسیکه بر تو ظلم کند و صله کردن با کسیکه از تو قطع کند و حلم ورزیدن
با کسیکه با تو ناخوش کند یا علی نماز چند کس مقبول نشود بنده که از
صاحبش بگریزد و زنی که شوهرش را برنجاند و از و دوری کند و مانع زکوة

یا علی هرکس هفت صفت داشته باشد حقیقت ایمان بر ایشان کامل بود و درهای
بهشت بر ایشان گشوده شود وضو را بر آب سازد و نماز را در وقت
با حقوق خود گزارد و زکوة مال دهد و غضب خود را حفظ کند و زبان
نگاه دارد و از گناهان استغفار کند و خیرخواهی اهل بیت طاهرین کند
یا علی محبت سه طائفه دل را بمیراند اغنیا و اراذل و زنان یا علی سه خیر
از حقیقت ایمانست صدقه در وقت پریشانی و انصاف بحق و بذل علم بمتعلم
یا علی سه چیز است که هرکس نداشته باشد عملش تمام نشود ورعی که از معاصی
نگاهش دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمیکه جهل جاهلانرا بآن براند یا علی دو سال راه
برو برای بر والدین و یکسال برای صله رحم و یک میل بعیادت مریض و دو میل بتشییع
جنازه و سه میل باجابت دعوت و چهار میل بزیارت مومن و پنج میل بمدد مانده
و شش میل باعانت مظلوم و در استغفار تقصیر مکن یا علی چون کسی بمیرد مردم گویند
چه گذاشت و ملائکه گویند چه آورد یا علی سه چیز مورث قساوت است شنیدن
غنا و صید کردن بلهو و بدرخانه سلاطین رفتن یا علی هرکس خلقش نیکوتر
حلمش زیاده‌تر و برّش باقربا بیشتر و انصافش بیشتر از همه کس بمن شبیه‌تر
و هم آنحضرت بابوذر فرموده یا اباذر وصیت مرا محافظت نما تا در دنیا و آخرت

نجات یابی خدا را چنان عبادت کن گویا او را می‌بینی که اگر تو او را نبینی
او ترا می‌بیند یا اباذر اهل بیت من کشتی نوحند هر که باینان پناه برد
نجات یابد و هرکس از ایشان باز ماند هلاک شود یا اباذر پنج چیز را پیش
از پنج چیز غنیمت دان جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری
و غنا پیش از فقر و فرصت پیش از بیفرصتی و زندگی پیش از مرگ یا اباذر
چون کار خیری بخاطرت رسد تاخیر مکن که نمیدانی که بعد ازین چه شود
اگر بعد ازین بمانی کار دیگر توان کرد و گرنه ازین کار محروم نباشی
بسا کسیکه روز را بشب رساند و بفردا نرساند یا اباذر خود را در
دنیا غریب شمار یا مثل مسافر انگار و از جمله مردگان پندار چون صبح
برخیزی در فکر شام مباش و چون بشام رسی خیال صباح مدار یا اباذر
عمر را غنیمت دان و بر عمر بخیل‌تر از درم و دینار باش یا اباذر حقوق
خدا بیشتر از آنست که توان داشت و نعمتهای او بیش از آنکه توان شمرد
و غیر این چاره نیست که در صبح و شام در استغفار و توبه باشی
یا اباذر مومن از خطیئه گریزان‌تر باشد که صید از دام یا اباذر آدمی گناه کند
و باین سبب از روزی محروم شود یا اباذر کاری که نفع ندارد مکن

وحرفی که فائده ندارد مکوی و زبان را بیش از آن حفظ کن که مال را حفظ
می کنی یا اباذر جمعی در بهشت نگاه کنند و جمعی را بالاتر از خود بینند
کویند خدایا ما و ایشان در دنیا باهم می بودیم چرا ایشان را بر ما
تفضیل فرمودی فرماید هیهات ایشان کرسنه و تشنه می بودند و شما
سیر و سیراب می بودید ایشان عبادت میکردند و شما می خوابیدید
ایشان مشقت می کشیدند و شما راحت میکردید یا اباذر چشم من بنماز
روشنست چنانکه چشم کرسنه و تشنه بطعام و آب اما کرسنه و تشنه
از طعام و آب سیر شوند و من از نماز سیر نشوم یا اباذر خوشا جمعیکه روز
قیامت علمهای شاهی افراشته ببهشت سبقت کنند ایشانند که
در سحرها و غیر آن بمساجد سبقت کنند یا اباذر دنیا زندان مومنان و بهشت
کافرانست مومن در دنیا نباشد مکر محزون و چون محزون نباشد که هرکز
از بلا فارغ نیست و چون از دنیا برود براحت رسد یا اباذر هیچ عبادتی
مثل آن نیست که همیشه محزون باشی اکر توانی کریه کن و اکر نتوانی دلرا
غمکین دار و خود را بکریه آر که دل سخت از خدا دورست یا اباذر هر کس حسنه کند
و تکیه بران کرده از معصیت ایمن شود مستوجب غضب خدا شود یا اباذر

دانا کسی است که خود را بر مشقت دارد و کار آخرت کند و نادان کسی که
بر هوای نفس باشد و خود را با آرزوها فریب دهد یا اباذر دنیا و هرچه
در دنیاست ملعونست مکر آنچه برای خدا باشد یا اباذر خدای تعالی با هرکس
ارادهٔ خیر دارد او را در دین دانا و در دنیا زاهد کرداند و بعیوب
نفس خود بینا کند یا اباذر چون کسی را بینی که ترک دنیا کرده سخن او را
بشنو که دلش از حکمت پرست یا اباذر من دعا کردم که خدا رزق مرا
و دوستان مرا قدر کفاف کند و اعدای مرا مال بسیار دهد یا اباذر
از خدا بپرهیز و بمردم منما که از خدا می ترسی و دلت را خبر نباشد
یا اباذر هرچه میکنی حتی خوردن و خوابیدن نیت رضای خدا کن
تا از ان ثواب یابی یا اباذر بهشت میخواهی آرزوی دنیا از دل بدر کن
و همیشه منتظر مرک باش و از خدا حیا کن کفتم ما همه از خدا حیا می کنیم فرمود حیا
این نیست حیا آنست که مقابر و مرک را فراموش نکنی و در خوردن و پوشیدن
از حلال و حرام بی پروا نباشی هر کس کرامت آخرت خواهد ترک زینت دنیا
کند چون چنین باشی از اهل دوستی خدا باشی یا اباذر اکر یکی از زنان بهشت
در شبی تاریک نکاه بر زمین کند از نور طلعت او تمام روی زمین بوی عطر او شنوند

واگر جایه از جامهای بهشت را در دنیا بگشایند هیچ کس تاب دیدنش نیارد
و همه بیهوش بیفتند یا اباذر جوانی که برای لذت عقبی ترک لذات و شهوات
دنیا کند و جوانی را در طاعت به پیری رساند اجر هفتاد و دو صدیق داشته
باشند یا اباذر کسی که چون اذان نماز شنود اجابت کند و مساجد را خوب عمارت
کند ثواب بهشت باشد گفت عمارت مسجد کدامست فرمود آنکه در مسجد
آواز بلند نکنی و مشغول لغو و باطل و بیع و شرا نشوی و اگر چنین کنی در قیامت
حسرت و ندامت کشی یا اباذر تا در مسجد باشی ملائکه بر تو صلوة فرستند
و هر نفسی که کشی درجه بلند کنند و ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند
کسی که متقی نباشد تا در اکل و شرب و لباس تمیز حلال و حرام نکند و تا محاسبه
نفس خود نکند مثل کسیکه با کمال دقت محاسبه شریک و تحویلدار کند
یا اباذر خدای تعالی فرموده بعزت و جلال خودم که هیچ بنده
رضای مرا بر رضای خود اختیار نکند مگر آنکه نفس او را غنی کردانم
و قصد و فکرش را صرف آخرت کردانم و آسمان و زمین را ضامن
رزقش کردانم و من برای او بجای هر تجارت تاجر باشم یا اباذر
اگر آدمی از رزق خود بگریزد چنانکه از مرگ میگریزد رزقش باو میرسد

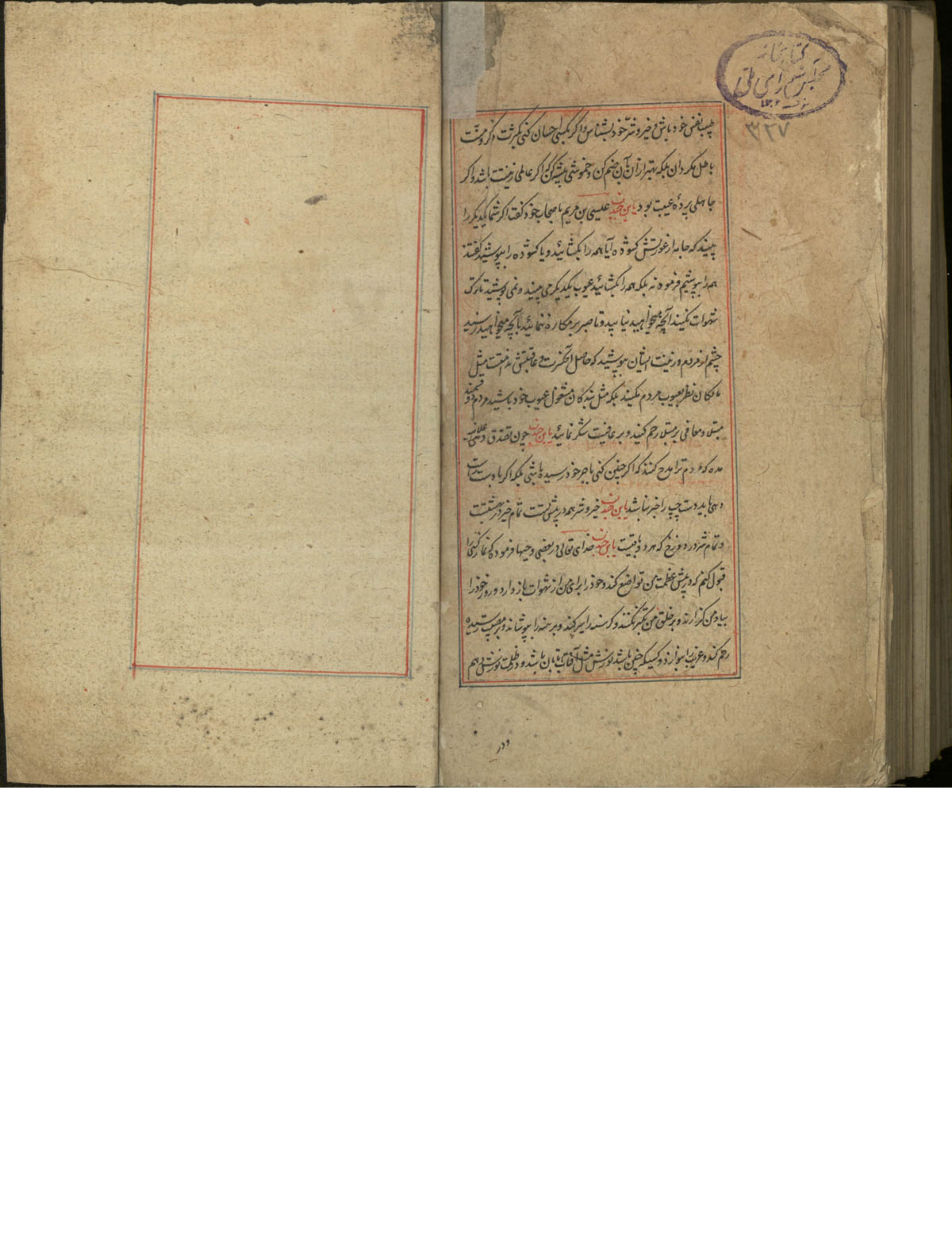
چنانکه مرگش باو میرسد یا اباذر خدای تعالی نظر بمال و جمال نکند بلکه نظر
بدل و اعمال کند یا اباذر کسی که فرج و زبان را حفظ کند داخل بهشت میشود
گفت مارا بحرفی که گوئیم مواخذه کنند فرمود مگر مردم را سرازیر
بدوزخ اندازد مگر حاصل زبان یا اباذر کسیکه خواهد که مردم در پیش
او بر سر پا ایستند جای خود را در آتش مهیا داند یا اباذر کسیکه
بقدر ذره کبر در دلش باشد بوی بهشت نشنود تا توبه کند یا اباذر
کسیکه قادر باشد اما برای تواضع خدا ترک زینت دنیا کند و خود را
در پیش خدا ذلیل و حقیر کرداند و مال خود را در غیر معصیت صرف
کند و بر فقرا و مساکین ترحم نماید و با اهل علم و دانش مخالطت
کند بهترین امت من باشد خوشا کسیکه ظاهر و باطنش خوب باشد
و شر خود را از مردم باز دارد و بعلم خود عمل کند و هرچه زیاد از مؤنت
عیالش باشد در طاعت صرف کند و حرف بیفائده نگوید و از حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود عجب از کسیکه بندگان را
بزر میخرد و آزاد میکند چرا آزادان را باحسان بنده نمیکند و عجب از کسیکه
امید رحمت از بالاتر از خود دارد چون بر پائینتر از خود رحم نکند و عجب از کسیکه

از ترس مرض از طعام پرهیز کنند چون از ترس عقاب از گناه پرهیز نکنند و حضرت
امام جعفر به جمعی از شیعیان میفرمود ای معاشر شیعه شما زینت ما باشید
و ننگ ما مباشید با مردم خوب سلوک کنید و زبان خود نگاه دارید و از
فضول کلام و قبائح افعال احتراز نمائید و هم آنحضرت بعبد الله بن جندب
که از اصحاب آنحضرت بود فرمود **یا عبد الله** ابلیس دامهای خود را در
دنیا درین دار غرور گسترده و حال آنکه آخرت در نظر ایشان چنان جلوه
کرده که هیچ چیز را بران اختیار نکنند و بعد از آن فرمود آه آه بر دلهای
که از نور الهی لبریز شده و دنیا در نظرشان مثل مار ارقم یا عدوی اعجم آمده
بخدا انس گرفته و از اهل دنیا وحشت کرده ایشان اولیای منند بحق
و خدا با ایشان رفع هر آفت و بلا از اهل دنیا نماید **یا ابن جندب** بر هر کس ما را شناخته
واجبست که هر روز و هر شب محاسبه نفس خود کند اگر حسنه کرده باشد خدا را
شکر کند و طلب زیادتی نماید و اگر سیئه کرده باشد استغفار کند و در صدد
تلافی باشد تا روز قیامت ذلیل نباشد خوشا بنده که چشم در نعمت اهل دنیا
و رنگینی ظاهر ایشان ندوخته بران رشک نبرد و خوشا بنده که مشغول طلب
آخرت باشد و آرزوهای باطل دنیا از راه خود **یا ابن جندب** اگر شیعیان ما براه راست

آیند و اطاعت ما کنند ملائکه با ایشان مصافحه کنند و هیچ چیز از خدا طلب نکنند مگر که
عطا فرماید **یا ابن جندب** برای گناهکاران شیعه بد مگوئید و بخدا برای توفیق توبه ایشان
تضرع و استغاثه کنید که هر کس توبه کند و از اعدای ما تبرا نماید و اگر چیزی داند بگوید
و آنچه نداند بر ما و مشکل باشد ساکت شود از اهل جنت باشد **یا ابن جندب** تکیه بعمل مکنید که
هلاک شوید و اعتماد برحمت نموده جرأت بر گناه مکنید که نجات نیابید
گفتم پس که نجات یابد فرمود کسیکه دلش در میان خوف و رجا مضطرب
باشد رجای ثواب و خوف عقاب مثل کبوتر در چنگال باز و عقاب
یا ابن جندب هر کس خواهد که خدای تعالی با حور تزویجش کند و تاج نور بر سرش
نهد داخل سرور مؤمنان نماید **یا ابن جندب** شب کم خواب کن و روز
کم حرف گوی که هیچ عضو شکرش از چشم و زبان نیست مادر سلیمان
بن داود بسلیمان گفت ای فرزند کم خواب کن که هر کس خواب بسیار کند
محتاج شود در روزی که هر کس بعمل خود محتاج باشد **یا ابن جندب** شیطان را
دامهاست که مردم را بآن فریب دهد و گمراه کند از آن پرهیز کنید
و [illegible] دام میارید گفتم یا رسول الله آن کدام است فرمود یکی
آنکه منع بر و احسان بمؤمنان کند دیگر آنکه از صلوة و فرض غافل

کرده‌اند هیچ عبادتی مثل نقل اقدام و احسان و برادران و زیارت ایشان نیست
وای بر جمعی که نمازها را فراموش کنند در ستان آن مساهله نمایند تا از اوقات
خود بگذرد و حدود و ارکانش ضایع شود مکر بآیات و احکام خدا
استهزا میکنند و از مواعظ و نصایح او بر دانند اینانند که خدای تعالی
در قرآن فرموده که در آخرت ایشان را نصیبی نباشد و با ایشان سخن
بگویم و از سیئات ایشان پاک نگردانم و بعذاب الیم معذب گردانم یا ابن جندب
هر کس با مؤمن غش ورزد و تحقیرش کند و با او عداوت نماید ماوای ایشان جهنم باشد
و هر کس بر مؤمن حسد برد ایمانش چون نمک در آب بگدازد یا ابن جندب هر کس برای حاجت
مؤمن سعی کند چنانست که سعی میان صفا و مروه کرده باشد و هر کس قضای
حاجت مؤمن کند چنانست که در بدر و احد در خون خود غلطیده باشد خدای تعالی
هیچ امتی را عذاب نکرده مگر وقتیکه بحقوق فقرا استهانت کرده‌اند یا ابن جندب
بشیعیان ما برسان و بگوی که خیالهای باطل مکنید که بولایت ما دسترس نباشد
مگر بورع و عبادت و مواسات اخوان مؤمنان و شیعهٔ ما نیست کسیکه بر مردم ظلم
کند یا ابن جندب شیعیان ما را بچند صفت توان شناخت سخی [illegible]
و [illegible] شبانه روز شیعیان ما مثل سگ فریادی نکنند و مثل کلاغ

و با عدای ما تملق و از ایشان سوال نکنند اگر چه از گرسنگی بمیرند و مخالفت
وقت زوال کنند و هرگز مسکر نیاشامند گفت ایشان را کجا جویم فرمود در
گوشها و کنارها چون داخل شهری شوی بی نام و نشانی از مردم کناره کرده
و مردم از او کناره کرده که یابی او مومن باشد یا ابن جندب هر گناه آمرزیده میشود
مگر عقوق اهل ولایت ما و هر بری مقبول شود مگر آنکه بر سبیل ریا و سروری کنند
یا ابن جندب اگر خواهی در فردوس همسایهٔ ابراهیم خلیل باشی باید مصیبات دنیا را بر خود
آسان کنی و بدانکه از مال دنیا هر چه فرستی مال تو باشد و هر چه بگذاری برای حسرت خوری
یا ابن جندب هر کس خود را از مال خود محروم کند برای دیگران جمع کرده و هر کس پی هوا
کند اطاعت دشمن خود کرده باشد و هر کس اعتماد بر خدا کند دنیا و آخرتش سامان باشد
در نعمت شکور و در مشقت صبور باش نعمت را موجب غفلت و بلیت موجب جزع نشود و آنقدر
امید رحمت دار که بسبب اعتماد بر آن معصیت نکنی و آنقدر خوف نیز از عقاب دار که از رحمت
نومید نشوی درشت و ناخوش مباش که مردم از تو دوری کنند و حقیر و دنی مباش که
ذلیل و حقیر شوی با بیش از خودی بدی و خصومت مکن و با کم از خود بخریه و استهزا مکن
و با مردم در کارها منازعه منمای و مطیع سفها مباش و خود را در پیش هر کس خفیف
مکن دائم در کارها تامل کن و خیر و شرش را تمیز نمای تا در آن در نمانی و پشیمان نشوی



چپ بنفس خود باشی خیر و شر خود بشناس و اگر بکسی احسان کنی بکثرت ذکر و منت
باطل مگردان بلکه بهتر از آن آن بپنهان کن و خموشی پیشه کن اگر عالمی زینت باشد و اگر
جاهلی پردهٔ عیب بود یا ابن جندب عیسی بن مریم باصحاب خود گفت اگر شما یکدیگر را
بینید که جامه از عورتش کشوده آیا همه را بگشائید و یا کشوده را بپوشید گفتند
همه را بپوشیم فرمود نه بلکه همه را بگشائید عیوب یکدیگر می بینید و نمی پوشید و ترک
شهوات نکنید آنچه میخواهید نیابید و تا صبر بر مکاره ننمائید بانچه میخواهید نرسید
چشم از مردم و زینت ایشان بپوشید که حاصل آنحضرت معاقبتش ندامت مثل
مالکان نظر بعیوب مردم نکنید بلکه مثل بندگان مشغول عیوب خود باشید مردم دو قسمند
مبتلا و معافی بر مبتلا رحم کنید و بر عافیت شکر نمائید یا ابن جندب چون تصدق دهی علانیه
مده که مردم ترا مدح کنند که اگر چنین کنی باجر خود رسیده باشی بلکه اگر با دست راست
دهی باید دست چپ را خبر نباشد یا ابن جندب خیر و شر همه در پیش تست تمام خیر در بهشت
و تمام شر در دوزخ که هر دو باقیست یا ابن جندب خدای تعالی در بعضی وحیها فرمود که نماز کسی را
قبول کنم که در پیش عظمت من تواضع کند و خود را برای من از شهوات باز دارد و روز خود را
بیاد من گذراند و بر خلق من تکبر نکند و گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت رسیده
رحم کند و غریب را بنوازد و کسیکه چنین باشد نورش مثل آفتاب تابان باشد و ظلمت نورش دهم

در

بسم الرحمن الرحيم [illegible] اوقو
[illegible]
بوزان

اللهم انك حي لا تموت وصادق لا تكذب وقاهر لا تقهر وبدئ لا تنفد وقريب لا تبعد وقادر لا تضاد وغافر لا تظلم وصمد لا تطعم وقيوم لا تنام ومجيب لا تسام وجبار لا تعان وعظيم لا ترام وعالم لا تعلم وقوي لا تضعف وحليم لا تجهل وجليل لا توصف ووفي لا تخلف وغالب لا تغلب وعادل لا تحيف وغني لا تفتقر وكبير لا تغادر وحكيم لا تجور ووكيل لا تحيف وفرد لا تستشير ووهاب لا تمل وعزيز لا تستذل وسميع لا تذهل وجواد لا تبخل وحافظ لا تغفل وقائم لا تسهو ودائم لا تفنى ومحتجب لا ترى وباق لا تبلى وواحد لا تشبه ومقتدر لا تنازع يا كريم الجواد المكرم يا قاضي يا قاهر القادر المقتدر يا عزيز المتعزز يا من ينادى من كل فج عميق بألسنة شتى ولغات مختلفة وحوائج متتابعة لا يشغلك شيء عن شيء وانت الذي لا تغيرك الدهور ولا تحيط بك الأمكنة ولا تأخذك سنة ولا نوم صل على محمد وآل محمد ويسر لي ما أخاف عسره وفرج عني ما أخاف كربه وسهل لي ما أخاف حزونته سبحانك لا اله الا انت اني كنت من الظالمين

هر جا که تشریف میبرند اول حمد را تلاوت نمایند و بگویند این کلام علی عالی قدر را

بسم الله الرحمن الرحیم وحیث اتجهت ساعدتنی سلامة ویوعانی الرحمن

من کل جانب مقبلنا علی ما وصلت من المنی بنجح سلکت فی فنون الاسالیب

و از برای محافظت و دفع خوف با یک پنج سنگ ریزه از زمین پاک بردارد اول باسم الله

دوم باسم جبرائیل سیم باسم میکائیل چهارم باسم ابراهیم پنجم باسم محمد باخود

نگهدارد تا از هم بگذرد برای حاجت کلی فصلی رکعتین قرء فی الاول الفاتحة والکافرون

والفلق مرة وفی الثانیة الفاتحة والاخلاص والناس ثم اکتب بعد الفراغ منها

هذا الدعاء فی القرطاس وقام علی قدمیه ووضع القرطاس علی راسه وصل علی النبی

مأة مرة ثم اطرح ذلک القرطاس فی الماء جار قضی حاجته

